بسم الله الرحمن الرحیم

عنوان کتاب: **سیمای معنوی و انقلابی بسیج**

ناشر: **دبیرخانه اشراف نماینده ولی فقیه در سپاه**

سیمای
معنوی و انقلابی بسیج
در آیینه بیانات مقام معظم رهبری

پدیدآورنده: محمدابراهیم ساور

پدیدآورنده: محمدابراهیم ساور
مشاورعلمی: سیدعلی مرادخانی
ویراستار: حسین دیلم صالحی
طراح جلد و صفحه آرا: میثم جهان بین
تاریخ انتشار: زمستان ۹٤
نوبت انتشار: چاپ اول
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت کتاب: ۱۵۰۰۰ تومان
چاپ: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

فهرست عناوین کلی کتاب :

مقدمه ۸

فصل اول: سیمای کلی بسیج

۱. مفهوم شناسی بسیج ۱۶

۲. مفهوم بسیجی ۲۳

۳. فلسفه بسیج ۲۹

۴. جایگاه و منزلت بسیج ۳۴

۵. رابطه امام و بسیج ۴۵

۶. آثار و برکات بسیج ۵۱

۷. رسالت بسیج ۵۸

۸. ضرورت و اهمیت بسیج ۶۴

۹. عرصه های مجاهدت و فعالیت بسیج ۷۲

۱۰.گستره و دایره‌ی بسیج ۷۵

فصل دوم: معنویت، معرفت و فرهنگ بسیجی

۱. اهمیت و ضرورت رشد معنوی و اخلاقی ۸۲

۲. آثار و نقش معنویت و معرفت دینی ۹۵

۳. ویژگی ها و شاخص های معنوی و اخلاقی بسیج ۱۰۳

۴. راه ها و روشهای تعالی معنوی و فکری بسیج ۱۰۷

۵. تلاش در جهت الگو شدن بسیج ۱۳۴

۶. تناسب هویت بسیج با هویت محرم و عاشورا ۱۳۶

۷ . فرهنگ و تفکر بسیجی ۱۴۳

ح . مفهوم شناسی فرهنگ بسیجی ۱۴۹

۸ . دشمن و تهاجم به فرهنگی بسیجی ۱۵۱

۹. هشدارها و انذارهای اخلاقی و معنوی ۱۶۰
فصل سوم: بصیرت و دشمن شناسی
الف –بصیرت ۱۶۸
۱. مفهوم شناسی بصیرت ۱۶۸
۲.ضرورت و اهمیت ۱۶۸
۳. راهکارهای بصیرت افزایی ۱۷۹
۴. عرصه ها و محورهای بصیرت افزایی ۱۸۲
۵. آثار بصیرت ۱۸۵
۶. پیامدهای بی بصیرتی ۱۹۲
۷. موانع بصیرت ۱۹۵
۸. سطوح و لایه های بصیرت ۱۹۶
۹. مصادیق و جلوه های بصیرت ۱۹۷
۱۰. بصیرت شاخص بسیج ۲۰۱
۱۱. لغزشگاه‌های بی‌بصیرتی ۲۰۲
۱۲. دو آفت مهم جهان اسلام ۲۰۵
۱۳. مشکلات اصلی دشمنان با نظام مقدّس اسلامی ۲۰۷
ب. دشمن شناسی ۲۱۰
۱. ضرورت شناخت دشمن ۲۱۰
۲. برنامه های امریکا علیه کشور و ملت ۲۱۱
۳. نفاق و منافق دشمن خطرناک ۲۱۹
۴. فلسفه دشمنی دشمنان ۲۲۱
۵. دشمنی با بسیج ۲۲۳
۶. راهکار مقابله با دشمن ۲۲۵

۷. نتایج نهایی دشمنی ها ۲۳۰
۸. هشدارها و انذارها ۲۳۲
فصل چهارم: روحیه بسیجی و انقلابی
۱. مفهوم روحیه بسیجی ۲۳۶
۲. ضرورت و اهمیت حفظ روحیه‌ی بسیجی و انقلابی ۲۳۶
۳. آثار روحیه‌ی بسیجی ۲۳۸
شاخص های روحیه بسیجی و انقلابی ۲۴۰
الف-خطر پذیری ۲۴۰
ب- پیشگامی و پیشتازی ۲۴۳
ج- حضور دائم و بهنگام در صحنه ۲۴۹
د- پابه‌رکاب بودن ۲۵۷
ه- توانمندی و کارآمدی ۲۵۸
و-آمادگی کامل و همه جانبه ۲۵۹
ز- عزم و اراده و ایستادگی ۲۶۶
ح- مجاهدت وفداکاری ۲۷۱
ط- آرمان‌خواهی ۲۸۱
ی- استکبار ستیزی ۲۸۴
ک- نشاط و امیدواری ۲۸۹
۴. الزامات عنصر مومن و انقلابی ۲۹۳
۵. شناخت مسائل انقلاب ۲۹۷
۶. هشدارها و انذارها ۳۰۷
فصل پنجم : وظایف سازمانها نسبت به بسیج ۳۱۴
منابع و مآخذ کتاب ۳۵۵

مقدمه

معنویت و انقلابی‌گری ازجمله مفاهیم کلیدی در ادبیات راهبردی فرمانده معظم کل قوا حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی» را می‌توان مفهومی ارزشی و توسعه‌یافته در خصوص شجره طیبه بسیج ارزیابی کرد. شاید در جامعه بسیج هیچ عنصری به‌اندازه این دو مفهوم به‌هم‌پیوسته برای پیشرفت و تعالی فردی و سازمانی ارزشمند نباشد. زیرا که هرگونه تعالی و توسعه در مسائل انگیزشی وایمانی و روحیه بسیجی بدون آن دو حاصل نخواهد شد. ویژگی‌هایی همچون انگیزه، نشاط، پیشرونده و پیشرو ، شورانقلابی، ایستادگی و مقاومت ، بصیر بودن و شناخت دوست و دشمن و... زمینه تحول گفتمان معنوی و انقلابی‌گری را در میان بسیج و بسیجیان همچنان به‌روز نگه‌داشته و یکی از ستون‌های اصلی محسوب می‌شود.

وجود اخلاق و عشق و محبت به خدا و پیامبر اساسا یک عامل رشد برای هویت بسیج تلقی می‌شود چون‌که عشق و ایمان ، بصیرت و همت از ویژگی‌های اصلی معنویت به‌حساب می‌آید، که درحرکت سازنده و پیشرونده و متکامل به بسیج سرعت می‌بخشد. دراین‌باره امام خامنه‌ای عزیز می‌فرمایند:

«البته عامل پیشرفت در این راه، محبت است؛ محبت به خدا، محبت به پیامبر، محبت به این راه، محبت به آموزگاران اخلاق- یعنی پیامبران و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السّلام)- این عشق است که انسان را در این راه با سرعت پیش می‌برد؛ این عشق را باید در خودمان روز به روز بیشتر کنیم. «اللّهم ارزقنی حبّک و حبّ من یحبّک و حبّ کلّ عمل یوصلنی الی قربک»؛ محبت خدا، محبت محبوبان الهی و محبت کارهایی که محبوب الهی است؛ این عشق ها را در دل خود برویانیم. این یک‌قلم از تعلیمات پیامبر، در سال پیامبر اعظم است.»(۶/۱/۸۵)

معنویت و انقلابی‌گری در اصلاح روحیه، رفتارها، عملکردها، تولید خلاقیت‌ها و افزایش انگیزه‌ها و تأثیر غیرقابل‌انکاری دارد. در یک نبرد ناهمگون و یا حاضر شدن و پابه‌رکاب بودن در وضعیت‌های مختلف، روحیه معنوی و انقلابی یکی از اصول راهبردی و پراهمیت محسوب می‌شود که اگر با تمام وجود و به‌صورت فراگیر مورد توجه گیرد، موفقیت حتمی است؛ آن چنانکه در واقعه کربلا با همه ابعاد آن قابل‌درک است و یا در هشت سال دفاع مقدس عملا آن را مشاهده کردیم؛ ازخودگذشتگی و ایثار، گذشت و فداکاری، قصد قربت در کارها و اخلاص داشتن در امور، ازجمله ویژگی‌های بسیج و بسیجی بودن است .

بدون تردید بسیج و ماهیت منحصربه‌فرد آن‌که ترکیب بدیعی از نظامی‌گری و انقلابی‌گری توام با معنویت را فراهم ساخته، توان بالقوه‌ای است که در شرایط حساس کشور و نظام جمهوری اسلامی برای مقابله با چالش‌های حیاتی و اساسی در میدان‌های مختلف حاضرشده و دشمن را دررسیدن به اهدافش ناکام می‌گذارد . فرمانده معظم کل قوا در تحلیل این مسئله می‌فرمایند:« بسیج یعنی به صحنه آمدن و به میدان آمدن. چه میدانی؟ میدان چالش‌های حیاتی و اساسی. میدان‌ها و چالش‌های اساسی زندگی چیست؟ فقط آن‌وقتی است که به کشوری حمله

شود و مردم آن کشور به صحنه بیایند تا از مرزهای خودشان دفاع کنند؟ البته که نه؛ این فقط یکی از موارد به میدان آمدن است. آن‌وقتی هم که هویت ملی و سیاسی یک ملت مورد مناقشه قرار می‌گیرد، جای به میدان آمدن است. آن‌وقتی هم که به فرهنگ و اعتقادات و باورهای ریشه‌دار یک ملت اهانت می‌شود و آن را تحقیر می‌کنند، جای به میدان آمدن است. آن‌وقتی هم که نسل برگزیده‌ی یک ملت احساس می‌کنند از غافله‌ی دانش عقب‌مانده‌اند و باید علاجی بکنند، جای به میدان آمدن است. آن‌وقتی هم که احساس بشود پایه‌های یک زندگی مطلوب و عادلانه در کشور احتیاج به تلاش دارد تا ترمیم و یا استوار شود، جای به میدان آمدن است. آن‌وقتی هم که جبهه‌های فکری و فرهنگی دنیا برای تسخیر ملت‌ها با ابزارهای فوق مدرن می‌آیند تا ملتی را از سابقه و فرهنگ و ریشه‌ی خود جدا کنند و به‌راحتی آن را زیر دامن خودشان بگیرند، جای به میدان آمدن است.»

نکته‌ای که در این موضوع حائز اهمیت است توجه به حفظ و افزایش روحیه معنوی و انقلابی گری بسیج است که رهبر معظم انقلاب در تمامی بیانات حکیمانه خود با عناوین مختلف به آن پرداخته‌اند. این مطالب راهبردی به ما کمک می‌کند تا تهدیدها و آسیب‌های احتمالی فردی و اجتماعی بسیج در آینده را بشناسیم و از فرمایشات و رهنمودهای رهبر فرزانه به‌خوبی استفاده نماییم و به عملکرد خوب و درخشان گذشته اکتفا نکنیم چنانچه معظم له فرمودند: «اگرچه به تعبیری سپاه و بسیج در دوران دفاع مقدس و پس‌ازآن عملکرد خوبی داشتند و این عملکردهای خوب، نقاط برجسته و درخشنده‌ای را در تاریخ خدمت سپاه (وبسیج) به جامعه اسلامی به نمایش گذاشته، ولی نباید سرگرم این گذشته درخشان شد و از آینده غافل بود. اگر به فکر آینده نباشیم، آیندگان در مواجهه با حوادث، دچار دست‌پاچگی و تعجیل در عمل خواهند شد و ممکن است خسارت‌های جبران‌ناپذیری دچار انقلاب و نظام شود.» طبیعی است اگر بسیج بخواهد بسیجی بماند و به شکلی که با ویژگی‌هایی که در چرخه عمر بسیج مؤثر بودند، تحرک ، پویایی و پیشروی داشته باشد، ناچار باید به مسئله «معنویت و انقلابی گری» که در فرمایشات فرمانده معظم کل قوا با عناوین چون اخلاق، اخلاص ، ایمان، بصیرت، صبر،انگیزه، نشاط، شجاعت،آمادگی و ایستادگی در مقابل ظلم و استکبار موج می‌زند،عنایت بیشتری داشته باشد.

نکته پایانی اینکه امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی» در این خصوص مطالب و توصیه‌های حکیمانه‌ی زیادی به مسئولان و فرماندهان بسیج و سپاه داشته و انتظار دارند بسیج هویت بسیجی بودن خود را که ناشی از روحیه معنوی و انقلابی است حفظ کرده و حرکت پیش‌رونده پرشتاب خود به سمت اهداف ترسیم‌شده را ادامه دهد. عملکرد درخشان و موفق بسیج در عرصه‌های مختلف مرهون اطاعت از امام و رهبری و حرکت در جهت نهادینه‌سازی فرمان‌ها و راهبردهای این بزرگواران بوده است. عمل به نسخه‌های شفابخش ولایت و رهبری همواره باید موردتوجه ویژه فرماندهان و مدیران جان‌برکف قرار گیرد. رهنمودها و بیانات رهبری به‌ویژه در مباحث معنوی و انقلابی‌گری باید در نسل جدید به‌گونه‌ای نهادینه شود که در تمامی امور و در تاروپود جان فرماندهان و بسیجیان جوان تنیده و به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود. هرچند

پایبندی نسل قدیم بسیج و سپاه به اصول و موازین اسلامی و انقلابی یکی از ارزش‌های والای دینی محسوب می‌شود، اما تلاش آنان برای انتقال روحیه انقلابی‌گری معنوی و اطاعت‌پذیری محض از ولایت‌فقیه به نسل جدید و قانون‌مند ساختن راهبردها و راهکارهای انقلابی و فرهنگی از وظایف حتمی و قطعی آن‌ها تلقی می‌گردد.

آنچه فراروی شما فرماندهان و مسئولان عزیز است، محصول بیش از هزار ساعت مطالعه و بازخوانی و بررسی دقیق ده‌ها سخنرانی انتشاریافته و یا غیر منتشره که به‌صورت جزواتی از مراکز معتبر در اختیار مدیران قرارگرفته هست. سخنرانی‌هایی که مقام معظم فرمانده کل قوا حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای« مدظله‌العالی» در جمع فرماندهان، مسئولان و کارکنان بسیج وسپاه یا در سایر اجتماعات مردمی ایراد فرمودند. علاوه بر این تعدادی از بیانات معظم‌له در جمع مسئولین لشکری و کشوری و یا در جمع روحانیون و سایر سازمان‌ها که در ارتباط با تبیین مفهوم یا شاخص‌های معنویت و انقلابی‌گری بوده مورداستفاده قرارگرفته است. همچنین غالب آثاری که در زمینه ی مباحث معنویت و انقلابی‌گری مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری نوشته‌شده است نیز موردبررسی قرارگرفته تا اقدام موازی در این راستا صورت نگیرد و روشی نو در طرح مباحث موردنیاز بسیج ارائه گردد.

بنابراین تنظیم و تدوین این کتاب که به همت دبیرخانه اشراف نماینده ولی‌فقیه در سپاه، مساعدت سرور گرامی سردار سپهر و کوشش برادر عزیزم جناب آقای ابراهیم ساور سفلی انجام گرفت ، می‌تواند به‌عنوان سند راهبردی بر مبنای پایش فضای فرهنگی و معنوی بسیج ، قرار گیرد و فرماندهان و مسئولان سطوح مختلف سپاه و بسیج را در شناسایی عوامل کلیدی رشد معنوی و مسائل در حال ظهور و هم‌چنین طرح دیدگاه‌های جدید جهت به چالش کشیدن مفروض‌های گذشته و ترسیم نگاه آینده راهنمایی نماید.

با این امید که در پرتو عنایات و الطاف کریمانه حضرت حق ، بهترین بهره‌برداری از بیانات و رهنمودهای معظم له برای استقرار فضای معنوی در مجموعه‌های بسیج و سپاه صورت گیرد. ان شاء الله .

مشاور و دبیر اشراف نماینده ولی‌فقیه در سپاه

سید علی مراد خانی

پیشگفتار

شمیم هدایت

انقلاب شکوهمند ملت بیدار و مؤمن ایران که با رهبری پیامبرگونه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و با الهام از قیام سرخ عاشورای حسینی به پیروزی رسید و زمینه ساز تحقق انقلاب سبز مهدوی به عنوان آرمان متعالی خود گردید، تشویش و نگرانی عمیقی را در اردوگاه استکبارجهانی بوجود آورده و آنان را بر آن داشت تا با همه توان به مقابله با انقلاب اسلامی برخیزند و این نهال نورس و نوپا را در معرض معارضات و جنگ‌های داخلی و خارجی قرار دهند .ترورها، آشوب‌ها و فتنه‌های داخلی توسط ضدانقلاب و تهاجم وحشیانه مزدور خارجی یعنی صدام حسین، وضعیتی سخت و ناگواری را برای کشور به وجود آورد که طعم شیرین پیروزی انقلاب را در کام ملت تلخ و امنیت کشور را مورد تهدید قرار داد. در چنین شرایطی امام خمینی رهبر هوشیار ، بصیر و شجاع انقلاب که تربیت‌یافته مکتب عاشورایی بود، جوانان رشید و مجاهد ایران را برای حفاظت و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی و دفاع از تمامیت ارضی کشور فراخواند و یکی از تصمیمات معجزه آفرین ، سرنوشت‌ساز و استثنایی خود را اتخاذ و فرمان تشکیل ارتش بیست‌میلیونی بسیج مستضعفان را صادر فرمود. و بدین‌سان بزرگ‌ترین سازمان رزمی مردم‌نهاد را که بدیل و نظیری برای آن در جهان وجود نداشت پایه‌گذاری کرد. از آن زمان تاکنون بسیج توانست به‌مثابه کلید طلایی نظام گره‌های بزرگ کشور را بازنموده و نظام را از بحران‌های گوناگونی که دشمنان برای انقلاب ایجاد کرده بودند عبور دهد. مقام معظم رهبری دراین‌باره چه زیبا فرمود که: « بسیج، یک پدیده‌ی شگفت‌آور و رمزآلود و رازآلود و استثنائی نظام جمهوری اسلامی است. این مجموعه خیلی گره‌ها را بازکرده است، در خیلی صحنه‌ها حضور داشته است، حضور او اثرگذار و تعیین‌کننده بوده است. پس ما در آینده هم به این حضور احتیاج داریم. ... این کلید طلائی حل بسیاری از مشکلات آینده، مورد بغض و عداوت آن‌کسانی است که نمی‌خواهند آینده، آینده‌ی خوبی و سرافرازی و موفقیت‌آمیزی برای نظام جمهوری اسلامی باشد؛ لذا می‌خواهند این کلید طلائی را بشکنند.»

بسیج با گستره وسیعی که به وسعت همه کشور و ملت است توانست در همه میدان‌ها و عرصه‌های گوناگون دفاعی، امنیتی، سیاسی، علمی، فرهنگی، اقتصادی پیشگامی و کارآمدی خود را به اثبات رسانده و پشتوانه‌ای مطمئن و مستحکم برای کشور و ملت و پیروانی صادق و وفادار برای ولایت باشند .

ازآنجایی‌که بسیج، یکی از برکات الهی و از آن گنجینه‌های معنوی بی‌پایانی است که امام راحل (ره) با دید الهی خود و با حکمتی که خدای متعال به او ارزانی کرده بود، برای کشور و ملت و انقلاب ما به یادگار گذاشت. خود نیز منشأ برکات فراوان و خیرات عظیمی برای کشور و انقلاب گردید.

ازجمله برکات بسیج رویش نهادهای انقلابی همچون: کمیته انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران و جهاد سازندگی به‌عنوان فرآورده‌های این مجموعه بود. و این درواقع یعنی همان شجره‌ی طیبه‌ای است که «اصلها ثابت و فرعها فی السماء».

مقام معظم رهبری نقش بسیج در کارآمد نمودن سازمان سپاه را به‌عنوان یکی از ثمرات بسیج این‌گونه تبیین می‌فرماید:«یکی از ثمرات عظیم بسیج این است که به برکت آن، سپاه پاسداران از یک سازمان کوچک و محدود، به یک سازمان رزمی کارآمد و وسیع تبدیل شد و توانست آن امتحان‌های سرافراز کننده را در طول دوران جنگ تَحمیلی و پس‌ازآن در مقابل چشم ملت ایران از خود نشان دهد. اگر این گیاه پُربرکت و پُرثمر در این سرزمین نمی‌رویید، یقیناً سرنوشت جنگ غیرازآن چیزی بود که پیش آمد»

از دیگر برکات بسیج تغییر صحنه جنگ به نفع کشور بود. در دوران جنگ تحمیلی، بسیج چهره درخشانی از خود ترسیم نمود. عالی‌ترین مضامین انسانی، در بسیج معنا شد و تجسّم یافت و پُرجاذبه‌ترین جلوه‌های هستی، در بسیج خود را نشان داده بسیجی حقیقتی شبیه افسانه گردید.

شکی نیست که رمز و راز این‌همه پیشرفت،موفقیت و سربلندی بسیج ریشه در ویژگی‌ها، روحیات و اندیشه و تفکر بسیجی دارد. توحید محوری که سرچشمه اخلاص بسیجیان و ولایت مداری که ضامن بصیرت و حضور دائمی‌شان در میدان‌های موردنیاز انقلاب است، ازجمله اساسی‌ترین شاخص‌های بسیجی است که نقش مهمی در توفیقات آنان در عرصه‌ها و صحنه‌های مختلف داشته است.

بسیج، مجموعه‌ای از انسان‌های پاک و باایمان ، بصیر و هوشمند، کمربسته و فداکار کشورند که درراه اهداف عالی این ملت مقدورات و امکان خود را به میدان می‌آورند و سینه خود را سپر حوادث انقلاب می‌کنند.

یقین تداوم موفقیت بسیج که تضمین‌کننده پیشرفت و سربلندی کشور انقلاب اسلامی است منوط به حفظ وتویت همین ویژگی‌ها و روحیات است .

بنابراین رسالت و مأموریت اصلی همه دلسوزانی که وظیفه‌ای در قبال بسیج دارند این است که الزامات رشد و تعالی بسیج را در همه زمینه‌ها فراهم نمایند. هم الزامات رشد و ارتقاء معرفت دینی و بصیرت سیاسی که تضمین‌کننده حرکت در بستر منطق و عقلانیت است، هم الزامات تعالی معنوی و اخلاقی به‌گونه‌ای که بسیج تجلی‌گاه اخلاق عالیه‌ی اسلامی بشود وهم الزامات تقویت شورونشاط انقلابی و روحیه بسیجی جهادی جهت حضور و آمادگی برای پیشگامی و پیش‌قدمی در همه میدان‌های پیش روی انقلاب اسلامی.

شخصیت معنوی و انقلابی مجموعه مقدس بسیج که همچون شطی خروشان گوهرهای ذی‌قیمتی را برای کشور به ارمغان می‌آورد، تنها با تحقق این الزامات است که استحکام خواهد یافت.

آنچه پیش روی شما عزیزان است مجموعه‌ای ارزشمند از تدابیر و رهنمودهای گران‌سنگ مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای «مدظله العالی» در دوران زعامت و رهبری ایشان است که بصورت موضوعی در رابطه با رسالت معنوی و انقلابی بسیج با کوشش آقای محمدابراهیم ساورسفلی و همت ، مدیریت و نضارت دبیر محترم اشراف آقای سید علی مرادخانی تهیه و تنظیم گردیده است. کتاب حاضر مشتمل بر راهبردها اساسی و راهکارهای کاربردی فراوان و متنوع در زمینه معرفت ، معنویت و بصیرت افزایی و تقویت روحیه بسیجی و انقلابی است که نشانگر مدیریت عالی و بی بدیل معظم له بر یکی از سازمان های عظیم مردمی است. لذا ضرورت دارد، مجموعه های آموزشی پژوهشی، تربیتی ، فرهنگی و سیاسی در تدوین سیاست ها و تهیه برنامه ها و نهادینه سازی فرهنگ بسیجی آن را مورد مطالعه و بهره‌برداری قرار دهند. همچنین از این اثر«سیمای معنوی و انقلابی بسیج» به عنوان ره توشه ای ذی قیمت به محققین و پژوهشگران، و آحاد پاسداران و بسیجیان بویژ فرماندهان و مسئولان سپاه و بسیج که پیروان حقیقی امام و رهبری هستند، تقدیم می گردد. امید است مقبول درگاه حضرت باری تعالی واقع شود. انشاءالله.

علی سعیدی

نماینده ولی فقیه در سپاه

فصل اول

سیمای کلی بسیج

الف- مفهوم شناسی بسیج

پاک‌ترین فداکارترین جوانان

اگر بخواهیم بسیج را دریک تعریف کوتاه معرفی کنیم، باید بگوییم: بسیج، عبارت است از مجموعه‌ای که در آن، پاک‌ترین انسان‌ها، فداکارترین و آماده به کارترین جوانان کشور، درراه اهداف عالی این ملت و برای به کمال رساندن و به خوشبختی نائل کردنِ این کشور، جمع شده‌اند.[۱]

بانشاط‌ترین و پرافتخارترین‌ها

بسیج، یعنی حضور بهترین و بانشاط‌ترین و باایمان‌ترین نیروهای عظیم ملت در میدان‌هایی که برای منافع ملی و برای اهداف بالا، کشورشان به آن‌ها نیاز دارد. همیشه بهترین و خالص‌ترین و شرافتمندترین و پُرافتخارترین انسان‌ها، این خصوصیات رادارند.[۲]

بسیج، مجموعه‌ی بهترین عناصر

بسیج، یعنی آن مجموعه‌ی بهترین عناصر یک کشور که همت ما، عشق ما، امید ما این است که این مجموعه فراگیر باشد؛ همه‌ی افراد این ملت بزرگ را در بربگیرد.[۳]

بسیج نمونه و مسطوره ملّت

نسل شما و جنس شما، مسطوره و نمونه‌ی شما، نمونه‌ی بهترین جوانان، بلکه بهترین انسان‌های این روزگار در زیر آسمان است؛ در این منطقه هم شمایید. بحمدالله در هر نقطه‌ای از کشور، کمیت و کیفیت عظیمی از بهترین جوانان – پسران و دختران – از این قبیل هستند.[۴]

حضور بسیج به معنای حضور مردم است؛ وقتی بسیج یکجا حاضر است، معنایش این است که ملّت ایران حاضر است –همین‌طور که عرض کردیم– بسیج نمونه و مسطوره ملّت ایران است، یک نمونه و یک نشانه‌ای است از مجموعه‌ی ملت ایران. خب، این حضور هم البتّه معلوم است که برای دفاع از آرمان‌ها است، برای دفاع از ارزش‌ها است، برای دفاع از هویت انقلابی و دفاع از هویت ملّی است، برای کمک به این ملت و این کشور است دررسیدن به آن نقاطی که شایسته‌ی آن است و آن‌ها را به برکت انقلاب ترسیم کرده است و دارد حرکت می‌کند؛ حضور بسیج طبعاً به این معنا است؛ باید دفاع کند.[۵]

---

۱ – بیانات در دیدار بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
۲ – بیانات در دیدار بسیجیان شرکت کننده در اردوی یاران امام علی (ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹
۳– بیانات در دیدار گردانهای نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۴– بیانات در جمع رزمندگان و بسیجیان بندرعباس ۱۳۷۶/۱۱/۳۰
۵ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴

پرچم‌داران افتخار ملی

بسیج در یک کشور، معنایش آن زمره‌ای است که حاضرند این پرچم افتخار (منافع ملی و اهداف والای کشور) را بر دوش بکشند و برایش سرمایه‌گذاری کنند؛ که آسان هم نیست.[۶]

نیروهای مؤمنِ پرانگیزه‌ی متعهد

بسیج، یعنی این‌که هر جوانی بداند و بفهمد که باید کشورش مستقل و آزاد و آباد باشد و بخواهد در این راه تلاش کند و نقش بر عهده بگیرد؛ مسئولیت بر عهده بگیرد، این می‌شود بسیج؛ نام بسیج، نام مقدسی است.[۷]

بسیج، یعنی همه‌ی نیروهای مؤمنِ پرانگیزه‌ی باشور باتوان، در جامعه‌ی اسلامی (اعم از زن و مرد)، عضو بسیج‌اند. توقع شما از بسیج، کمتر از این است؟[۸]

عمل‌گرا و آرمان‌گرا

بسیج، یعنی حرکت عظیم ملت ایران، همراه با آگاهی؛ احساس آمیخته‌ی با عقلانیت؛ حرکت و عمل آمیخته‌ی با مبنای فکری؛ عمل‌گرایی همراه با آرمان‌گرایی و دیدن افق‌های دوردست؛ این‌ها مجموعه‌ای است که ذهنیت و هویت بسیج را تشکیل می‌دهد.[۹]

مجموعه‌ی حزب‌الله واقعی

بسیج، جمع فداکاری از مردم‌اند برای مردم؛ تشکیل یک مجموعه‌ای درحرکت عظیم یک ملت مجاهد، ... این حرکت بسیج است؛ حرکتی مردمی، برای مردم، در دل مردم، از خود مردم، از همه‌ی قشرها: زنان، مردان، جوانان، پیران، نوجوانان، از اصناف گوناگون؛ یعنی تشکیل یک مجموعه‌ی حزب‌الله واقعی.[۱۰]

نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی

بسیج، عبارت از چند هزار آدم در هر شهر نیست؛ بسیج، یعنی کل نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی کشور ما، این‌که امام گفتند: «بسیج بیست‌میلیونی»، یعنی این، حالا دشمنان بنشینند تحلیل کنند که بله ایران بالاخره هم بیش از یک‌میلیون نتوانست! کل نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی کشور ما بسیج محسوب می‌شوند؛ تا چشم دشمنان کور بشود![۱۱]

---

۶ – بیانات در دیدار بسیجیان شرکت کننده در اردوی یاران امام علی (ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹
۷– بیانات در دیدار فرماندهان نیروی مقاومت بسیج ۱۳۶۹/۹/۱
۸– همان
۹ – بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج ۱۳۸۴/۶/۲
۱۰ – بیانات در مورخه ۱۳۹۰/۹/۶
۱۱ – بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵

آمادگی و هوشیاری دائمی جوانان

بسیج، یعنی این‌که هر جوانی بداند و بفهمد که باید کشورش مستقل و آزاد و آباد باشد و بخواهد در این راه تلاش کند و نقش بر عهده بگیرد؛ مسئولیت بر عهده بگیرد؛ این می‌شود بسیج؛ نام بسیج، نام مقدسی است. بسیج عمومی یک ملت یعنی آمادگی و هوشیاری دائمی یک ملت، به‌خصوص جوان‌هایی که درراه تحصیل علم‌اند؛ دانش‌آموزی و دانشجوئی؛ مسئولان کشور هم همین‌جور؛ همه باید به این معنا، بسیجی باشند. این‌که شد، ملت می‌شود آسیب‌ناپذیر؛ روزبه‌روز ملت رشد پیدا می‌کند و این در کشور ما اتفاق افتاده است؛ لذا روزبه‌روز کشور ما رشد کرده است.[۱۲]

اقدام مؤمنانه و خالصانه و باانگیزه

بسیج، یعنی همه‌ی توان و نیرویی که انسان می‌تواند در این میدان در طَبَق اخلاص بگذارد و تقدیم کند؛ یعنی اقدام، آن‌هم اقدام مؤمنانه و خالصانه و باانگیزه؛ اگر آن میدان، میدان جنگ بود؛ بسیج یک مجموعه‌ی نظامی می‌شود و از نظامی‌ها بهتر هم می‌جنگد. اگر آن میدان، میدان علم بود؛ بسیج علمی می‌شود.[۱۳]

حضور مؤمنانه، خالصانه و صادقانه

بسیجیان، این امتیاز رادارند که در میدان خدمت آماده‌اند. بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه‌ای است که اسلام و قرآن و امام زمان (ارواحنافداه) و این انقلاب مقدس به آن نیازمند است؛ لذا پیوند میان بسیجیان عزیز و حضرت ولی‌عصر (ارواحنافداه) – مهدی موعود عزیز – یک پیوند ناگسستنی و همیشگی است.[۱۴]

بسیج، یعنی حضور ناشی از ایمان و اخلاص و انگیزه‌ی دینی و ایمان صادقانه در هر میدانی که انسان احساس می‌کند کارایی و توانایی حضور در آن میدان را داراست. از اول انقلاب تا امروز، هر جا که این حالت و انگیزه و اقدام مشاهده‌شده، خیرات و برکات آن بی‌نهایَت بوده است.[۱۵]

احساس تکلیف دائمی، آماده و باهمت

بسیج یعنی آمادگی، بسیج یعنی احساس تکلیف در همه لحظات، بسیج یعنی حضور در همه‌ی میدان‌هایی که از انسان در آن‌ها کاری می‌طلبند؛ بین مرد و زن هم تفاوتی نیست.۱۶

۱۲– بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹
۱۳ – بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸
۱۴ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۸/۹/۳
۱۵ – بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸
۱۶ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۳/۷/۱۴

معنای بسیج، این است که افرادی از جامعه آماده باشند و همت بگمارند و دامن بزنند برای این‌که کشور و ملتشان به آن شخصیت و عزت و اعتلای لازم برسانند.۱۷

برگ زرین برنده‌ای از تلاش ملت ایران

در دانشگاه‌های ما، این هسته‌های علم و معرفت و سیاست، انجمن‌های گوناگون – انجمن‌های اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، جنبش عدالت‌خواهی، بسیج دانشجوئی، ده‌ها مجموعه‌ی جوان – که بانام‌های گوناگون در دانشگاه‌ها، در دبیرستان‌ها مشغول فعالیت‌اند؛ هرکدام از این‌ها یک برگ زرین برنده‌ای هستند از تلاش ملت ایران؛ این‌ها را باید تقویت کنیم. این می‌شود بسیج یک ملت. بدخواهان این ملت، بسیج را بد معنا می‌کنند؛ بسیج یعنی این.[۱۸]

عناصر کاری ملت، در میدان‌های سخت

در حقیقت بسیج عظیم ملت ایران، مظهر شخصیت ذاتی و ملی آن است. چون بسیج به این معناست که جوانان ملت و عناصر کاری ملت، در میدان‌های سخت، احساس کنند که به امید خدا و با توکل بر او، دارای چنان قدرت و توانایی هستند که می‌توانند در مقابل دشمنان بایستند. این، معنای بسیج است.[۱۹]

بسیج، یعنی به صحنه آمدن و به میدان آمدن؛ چه میدانی؟ میدان چالش‌های حیاتی و اساسی.[۲۰]

آگاه، متعهد و بصیر

بسیج، عبارت است از تشکیلاتی که در آن، افرادِ متفرق و تنها، به یک مجموعه عظیم و منسجم و به یک گروه آگاه، متعهد، بصیر و بینایِ به مسائل کشور و به نیاز ملت، تبدیل می‌شوند. مجموعه‌ای که دشمن را بیمناک و دوستان را امیدوار و خاطرجمع می‌کند. معنای بسیج، این است.[۲۱]

عنصر مؤمن، انقلابی، علاقه‌مند به سرنوشت میهن

بسیج، یعنی عنصر مؤمن انقلابی علاقه‌مند به سرنوشت میهن، علاقه‌مند به سرنوشت کشور و یک فرد فداکار؛ رفت وسط میدان و با فداکاری، دشمن را به‌زانو درآورد.[۲۲]

آماده هر نوع فداکاری برای هدف‌ها

در میان آحاد عظیم ملتِ شصت‌وپنج میلیونی ما، کسانی هستند که: اگر جان لازم باشد، می‌دهند؛ اگر مال لازم باشَد، می‌دهند؛ اگر حضور به تن و جسمشان لازم باشد، آن را حاضر

۱۷ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۵/۸/۶
۱۸ – بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹
۱۹ – بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷
۲۰ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۳/۵
۲۱ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
۲۲–بیانات در دیدار وزیر،معاونین و رؤسای مناطق آموزش‌دیده پرورش سراسر کشور، ۱۳۷۱/۵/۲۱

می‌کنند؛ اگر بحث سازندگی باشد، پا وسط میدان می‌گذارند؛ اگر بحث دفاع باشد، در وسط میدان می‌آیند؛ اگر لازم باشد برای هدف‌های کشور، خود را ازلحاظ علمی آماده کنند، این کار را می‌کنند؛ هرچه هدف‌های والا از آن‌ها بخواهند، حاضرند آن را تقدیم بکنند. آن جمعی که این خصوصیت رادارند؛ اسمشان بسیج است. بسیج معنایش این است.۲۳

خستگی‌ناپذیر و جان‌برکف

بسیج تعریف مشخصی دارد: آحاد مردمی که باهدف والای الهی و بارو حیّه‌ی خستگی‌ناپذیر، وسط میدان، هرجایی که لازم باشد حضور پیدا می‌کنند، استعداد خودشان را بُروز می‌دهند، آنچه دارند درصحنه می‌گذارند و از خطرات این راه هم نمی‌ترسند؛ یعنی جانشان را کف دست گرفته‌اند. خب این حرف، در گفتن آسان است که «فلانی جانش را کف دستش گرفته» امّا در عمل به این آسانی نیست. بسیجی آن‌کسی است که برای این کار دشوار –یعنی بذل جان، حتّی بذل آن چیزهایی که از جان گاهی عزیزتر است– آمادگی دارد؛ این معنای بسیج است. این از اختصاصات کشور ما است، این مخصوص انقلاب اسلامی و مربوط به جمهوری اسلامی است.[۲۴]

حضور آگاهانه و فداکارانه در مواجهه با دشمنان

بسیج، یعنی حضور آگاهانه و فداکارانه‌ی یک انسان در مواجهه با دشمنان انقلاب و نظام و اسلام و کشور و ملت؛ با چنین مفهوم و حقیقتی، تنها کسی می‌تواند دشمن و مخالف باشد که مخالف اسلام و مصالح کشور و ملت باشد؛ والّا اگر کسی کشور و ملت و اسلام و نظام را دوست می‌دارد؛ باید از چنین عنصری قدردانی و ستایش کند.[۲۵]

سمت‌وسو دادن و فعال کردن نیروهای بانشاط کشور

بسیج در مفهوم حقیقی خود، یعنی سمت‌وسو دادن و فعال کردن همه نیروهای شاداب و بانشاط و پرامید کشور در جهت اهداف والای نظام جمهوری اسلامی در تمامی عرصه‌ها.[۲۶]

نماد حضور و مقاومت ملی

بسیج، نماد حضور ملی و مقاومت ملی و آگاهی یک ملت است؛ آن‌هم آگاهی همراه با تحرک، همراه با معنویت و همراه با اخلاص.[۲۷]

۲۳ – بیانات در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت‌کننده در اردوی یاران امام علی (ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹
۲۴ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴
۲۵ – بیانات در دیدار بسیجیان و کارکنان سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶
۲۶– بیانات دیدار جمعی از فرماندهان بسیج با رهبر انقلاب. ۱۳۸۲/۹/۹
۲۷ – بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج ۱۳۸۴/۶/۲

توأم کردن ایمان و عملِ مجاهدانه

معنای بسیج، توأم کردن ایمان و عمل است؛ عمل مجاهدانه، نه صرفاً عمل شخصی؛ ازنظر اسلام، ایمان مجرد از عمل، یک حداقل است. ایمان کامل و ایمان حقیقی، آن ایمانی است که با جهاد در میدان عمل همراه باشد. «و الّذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّه و الّذین آووا و نصروا اولئک هم المؤمنون حقّا»؛ مؤمن حقیقی آن‌کسی است که ایمان را با جهاد و هجرت و نصرت همراه می‌کند؛ تشخص بسیجی به این است. این فکر غلط و انحرافی، که ما ایمان را منهای عمل و منهای جهاد، برای تقرب الی اللّه کافی بدانیم؛ این آیه و آیات زیادی آن را رد می‌کنند. بسیج، قائم به همین است که ایمان همراه با عمل، آن‌هم عمل مجاهدانه باشد. پس جهاد عرصه‌های مختلفی دارد.[۲۸]

آماده‌ی برآوردنِ نیازهای انقلاب

بسیج، به معنای فرد یا مجموعه‌ی آماده‌ی برآوردن نیازهای انقلاب است؛ در هر زمان و از هر نوع؛ این معنای بسیج است. تشکلی به این نام تشکیل‌شده و شما عضو او هستید.[۲۹]

هر جا و در هرزمانی به شما نیاز هست، آنجا حاضر باشید؛ این می‌شود بسیجی؛ بسیج یعنی این؛ البته بعضی‌ها: صد درصد بسیجی‌اند؛ بعضی صد درصد نیستند، نود درصد، هشتاد درصد؛ کشور ما و نظام ما به این احتیاج دارد و این چیزی که مورداحتیاجش هست، خوشبختانه دارد. راز ایستادگی ما این است؛ راز امید ما به آینده هم همین است. هیچ نقطه‌ی کوری در چشم‌اندازِ مقابل ما وجود ندارد؛ چرا؟ به خاطر همین.[۳۰]

بسیج همچنین، یعنی انسان باهمتی که غیرت دینی و داناییِ فکری و نیازشناسی و ابتکار و جوشش ذهنی و خلاقیت دارد و وارد میدان می‌شود.[۳۱]

حاضر در میدان مجاهدت، برای رسیدن به قله‌ها

وقتی می‌گوییم «بسیج»، مراد ما فقط یک مجموعه‌ی نظامی و مُلبس به لباس نظامی و آموزش‌های نظامی نیست. بلکه بسیج، یعنی مجموعه‌ی انسان‌هایی که نیروی خودشان را به میدان می‌آورند تا در جهاد عمومی کشور و ملتشان، در جهت رسیدن به قله‌ها، فعال باشند و با آن‌ها همکاری کنند و در کارشان سهیم باشند؛ این، معنای بسیج است.[۳۲]

۲۸ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
۲۹ – بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱
۳۰ – بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱
۳۱ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی. ۱۳۸۴/۳/۵
۳۲ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۸۴/۹/۷

نماد توانایی مکتب

بسیج یک حقیقت منحصربه‌فرد، در نظام جمهوری اسلامی است که حاکی از نهایت توانایی مکتب و تفکر عمیق و ماندگار انقلابی و اسلامی در این سرزمین است.[۳۳]

آماده خدمت صادقانه به کشور با همه توان

بسیج، یعنی مجموعه‌ای از مردم – اعم از جوانانِ مشغول به تحصیل، یا مشغول به کارِ موظف اداری، یا مشغول به کشاورزی و کارگری و یا مشَغول به مشاغل آزاد دیگر – که باایمانَ عمیق توأم با عواطف و احساسات پاک و صادقانه‌ی خود حاضرند همه‌ی توانشان را در خدمت اهدافَ نظام و انقلاب و منافع ملت به کار برند.[۳۴]

بسیج، عبارت است از مجموعه عظیمی از انسان‌ها که در میدان خط، در میدان مجاهدت، تلاش (هرگونه تلاشی)، آنجایی که به گذشت و اغماض استراحت آسایش، به اخلاص در اقدام، به عمل احتیاج دارد؛ پیش‌قدم است.[۳۵]

دلسوز انقلاب، مثل صاحب‌خانه

بسیج، یعنی آن عنصر دلسوزی که کشور را متعلق به خود و آینده را وابسته‌ی به تلاش خود می‌داند؛ نگران است، چون صاحب‌خانه است. اگر در خانه یک شیشه بشکند، ممکن است مهمان‌ها و تماشاکن ها خیلی اهمیتی ندهند؛ اما برای صاحب‌خانه فرق نمی‌کند که شیشه‌ی کدام اتاق بوده و نگران می‌شود؛ صاحب‌خانه است دیگر؛ این نگرانی را من در شما مجموعه‌ی جوان بسیجی، قدر می‌دانم.[۳۶]

ب. مفهوم بسیجی

دلِ باایمان، مغزِ متفکر، دارای آمادگی

بسیجی، یک عنوان ارزشمند و والاست بسیجی، یعنی دلِ باایمان، مغز متفکر، دارای آمادگی برای همه میدان‌هایی که وظیفه‌ای، انسان را به آن میدانَ‌ها فرامی‌خوانَد. این معنای بسیجی است. همه جوانان، همه انسان‌ها و همه مردان و زنانی که در این کشور، دلشان با نور ایمان، منوّر است؛ در قبال مسؤولیت عظیمی که بر دوش ملت ایران نهاده شده است؛ احساس وظیفه می‌کنند. این پرچم پرافتخاری که دست ملت ایران سپرده‌شده است؛ یعنی پرچم سربلندی اسلام، پرچم عزت اسلام، پرچم نام‌آوری و شکست‌ناپذیری اسلام؛ این‌ها امروز دست ملت ایران است. همه‌کسانی که نسبت به این وظیفه بزرگ، احساس مسؤولیت می‌کنند؛ در حقیقت بسیجی هستند. هر جا وظیفه‌ای باشد؛ انسان بسیجی در میدان آن وظیفه، حاضر است. عزیزان

۳۳ – بیانات در دیدار بسیجیان و کارکنان سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶
۳۴ – همان
۳۵ – بیانات در جمع بسیجیان حاضر در اردوی فرهنگی رزمی یاران امام علی (ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹
۳۶– بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱

من! یک روز دشمنان اسلام و دشمنان دین به خود نوید می‌دادند که از اسلام خبری نیست. در آن روز کسانی که دلشان به عشق اسلام می‌تپید، مجبور بودند در مقابل تهاجم دشمنان اسلام، خود را این گوشه و آن گوشه پنهان کنند! مسلمان، این گستاخی و دلیری را نداشت که بگوید من مسلمانم! سران کشورهای اسلامی سعی می‌کردند هرچه بیشتر خود را به شکل و رنگ آن‌کسانی که می‌خواستند در دنیا نامی از اسلام نباشد، درآورند! عزت اسلام را با ذلت خود پنهان کرده و اهل اسلام راذلیل کرده بودند.[۳۷]

حضور محسوس بسیجی هنگام خطرهای بزرگ

خصوصیت بسیج این است که متّکی به آحاد مردم کشور است؛ بسیج یعنی این. بسیجی یعنی آن فردی از افراد ملت که در هنگام بروز حادثه در صف جلو قرار دارد؛ این معنای بسیجی است. همیشه در میان یک ملّت باارزش‌ترین افراد آن ملّت، آن‌کسانی هستند که در هنگام خطر و بخصوص خطرهای بزرگ، حضورشان محسوس‌تر است، ملموس‌تر است... آن‌کسانی که در «طول« هشت سال که این ملّت در خون و آتش گذرانید، ده‌ها شهر کشور موردتهاجم هوایی و بمباران دشمن قرار گرفت و میلیون‌ها نفر از آحاد این مردم به‌مرور در این هشت سال در قالب نیروهای بسیجی به این میدان‌های جنگ رفتند و برگشتند و چقدر شهید شدند.[۳۸]

مسئولیت‌پذیر، آرمان‌گرا و مخلص

در میان جوانان، هرکس که این احساس مسؤولیت و این احساس علاقه‌ی به اهداف را، همراه با اخلاصٍ در وجود خود حس می‌کند، او بسیجی است؛ چه در نیروی مقاومت باشد، چه نباشد؛ چه رسماً کارت بسیج گرفته باشد، چه نگرفته باشد. آن‌کسی که باایمان است، آن‌کسی که دنبال اهداف والاست، آن‌کسی که حاضر است از وجود خود برای کشورش، برای اسلامش، برای نظام اسلامی و برای آحاد ملتش، باوجود خود، بااستعداد خود، باجان و تن خود سرمایه‌گذاری کند، او بسیجی است؛ در هرکجا که باشد. افتخار کنند جوانان عزیز بسیجی ما در گردان‌های مخصوص بسیج – (گردان‌های عاشورا و الزهرا) در نیروی مقاومت، در بخش‌های مختلف بسیج – که توانسته‌اند با حضور سازمانیِ در بسیج، این احساس را مجسم کنند.[۳۹]

آماده‌ی برآوردنِ نیازهای انقلاب در همه عرصه‌ها

بسیج به معنای فرد یا مجموعه‌ی آماده‌ی برآوردن نیازهای انقلاب است؛ در هر زمان و از هر نوع؛ این معنای بسیج است. تشکلی به این نام تشکیل‌شده و شما عضو او هستید. اگر دیگری در یک سازمان دیگر است و همین احساسات شما را دارد، او هم بسیجی است و فقط رسماً جزء سازمان شما نیست. کما این‌که در محیط کارگاه، هر کس این احساس را دارد بسیجی است. در

۳۷ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۸/۹/۳
۳۸ – بیانات در جمع بزرگ بسیجیان تبریز ۱۳۷۲/۵/۸
۳۹ – بیانات در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت‌کننده در اردوی یاران امام علی (ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹

محیط روحانیت و حوزه‌ی علمیه، هر کس این احساس را دارد بسیجی است. در محیط بازار و در محیط اداره و در محیط روستا، هر کس این احساس را دارد بسیجی است؛ این احساسی که فردی آماده است در هر زمان و در هر عرصه‌ای که به او نیاز باشد؛ حضور پیدا کند.[۴۰]

بسیجی یعنی آن فرد، از افراد ملت که در هنگام بروز حادثه، در صف جلو قرار دارد. بسیجی یعنی این، یعنی همه وجودش وقف اسلام است.[۴۱]

بصیر و مومن

معیار بسیج، بصیرت است وایمان؛ ایمان از دل او می‌جوشد، او را به کار وادار می‌کند؛ بصیرت هم به او تفهیم می‌کند که چگونه حرکت کند؛ معیارها را چگونه تشخیص بدهد؛ راه را چگونه طی کند. این معنای بسیجی است.[۴۲] حرکت در بستر اعتقادات دینی و انسانی بسیجی کیست؟ هرکسی که در این بستر اعتقادی و انسانی، به فعالیت مشغول است، بسیجی است. البته نیروی مقاومت –بسیج، نماد این نهضت عظیم عمومیِ فراگیرِ ملی است؛ نماد نظم و انضباط و جهت‌گیری درست و تعلیم‌وتربیت است. بسیجی، نامِ بسیجیَ و عنوان بسیجی، فراگیراست؛ نیروی مقاومت بسیج، آن قلعه‌ی اصلی، جایگاه و مرکزَ و قرارگاهِ اصلیِ این چتر عظیمی است که همه‌ی ملت را در بر می‌گیرد.[۴۳]

پیشرو بودن در همه‌ی عرصه‌های اساسی زندگی

سیجی یک فرهنگ است و اگر بخواهیم این فرهنگ را در یک جمله تعریف کنیم، باید بگوییم پیشرو بودن در همه‌ی عرصه‌های اساسی زندگی. درست است که بعضیها اصرار دارند بسیجی را در محیط دانشگاه و بیرون دانشگاه بد معنا کنند؛ اما از کسانی که حرفهای بوقهای تبلیغاتی دشمنان این ملت را تکرار میکنند، انتظار زیادی نیست. مسأله این است که خود ما بفهمیم بسیجی یعنی چه.[۴۴]

مصداق‌ها و جلوه‌های متنوع در بسیج

آن مادری که با عشق به فرزند خود (که عشق مادران به فرزندانشان)، چیزی شبیه افسانه‌هاست؛ افسانه‌ای که هرروز در زندگی ما، هزاران و هزاران بار واقعیت و تجسم پیدا می‌کند؛ با طوع و رغبت، او را راهی جبهه‌ی دفاع می‌کند و بعد که جنازه‌ی فرزند شهیدش را تحویل می‌گیرد؛ به‌جای اظهار پشیمانی، به‌جای اظهار گله، اظهار سرافرازی و افتخار می‌کند؛ مظهر یک بسیجی کامل است. آن خانواده‌هایی که در دوران سخت این کشور، در همه‌ی مشکلاتی که بر سر

۴۰- بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱
۴۱- بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۷۲/۸/۳۰
۴۲- بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴
۴۳ - بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶
۴۴- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی۱۳۸۴/۰۳/۰۵

راه این ملت وجود داشت، خود را سهیم دانستند: با زبانشان، با پولشان، باکار دستی‌شان، با حضورشان، همان کاری را که می‌توانستند انجام بدهند، آن را به میدان آوردند؛ این‌ها بسیجی‌اند.[۴۵]

بسیجی آن‌کسی است که مقدورات و امکان خود را درراه هدف‌های عظیم این ملت به میدان می‌آورد؛ خود را سهیم می‌کند؛ خود را مسئول می‌داند. ... بسیجی آن‌کسی است که آنجایی که نیازمند رفتن به عرصه‌ی نظامی است، او پیشاهنگ است؛ جوان و پیر هم نمی‌شناسد؛ دور و نزدیک هم نمی‌شناسد؛ آنجایی که جای حضور در عرصه‌ی سیاسی و میدان سیاست است، او فعال و پُرنشاط است؛ آنجایی که در عرصه‌های بین‌المللی باید حضور پیدا کرد (عرصه‌های گوناگون بین‌المللی)؛ عرصه‌ی سیاسی، عرصه‌ی فرهنگی، عرصه‌ی ورزشی – او در آنجا، مظهر عزت ملت و کشور خود است. با این روحیه، با این احساس، در آنجا حاضر می‌شود؛ آنجایی که جای علم است، جای تحقیق است، جای صبر کردن بر مشکلات نوآوری علمی است، از جان و ذهن خودش مایه می‌گذارد؛ آنجایی که جای پول خرج کردن اَست، اگر پولی دارد، پول خرج می‌کند. این، بسیجی است.[۴۶] ایثارگر و فداکار در میان آحاد عظیم ملت ۶۵ میلیونی ما، کسانی که اگر جان لازم باشد، می‌دهند؛ اگر مال لازم باشد، می‌دهند؛ اگر حضور به تن و جسمشان لازم باشد، آن را حاضر می‌کنند؛ اگر بحث سازندگی باشد پا وسط میدان می‌گذارند؛ اگر بحث دفاع باشد، در وسط میدان می‌آیند؛ اگر لازم باشد برای هدف‌های کشور، خود را ازلحاظ علمی آماده کنند، این کار را می‌کنند؛ هر چه هدف‌های والا از آن‌ها بخواهند، حاضرند آن را تقدیم بکنند؛ آن جمعی که این خصوصیات رادارند، اسمشان بسیج است.[۴۷]

بیزار از بیگانگان و غمگین از رنج مظلومین

هر کس که در دل برای سرنوشت خود، سرنوشت این ملت و آینده ایران اسلامی ارزش قائل است، آن‌کسی که برای استقلال و هویت ملت خود ارزشی قائل است، آن‌کسی که از تسلط قدرت‌های بیگانه بیزار است؛ آن‌کسی که برایش آینده این کشور و این ملت و آینده دنیای اسلام یک هدف بزرگ محسوب می‌شود؛ آن‌کسی که از رنج‌های ملت فلسطین دلش خون است. ... آن‌کسی که مایل است بیش از یک میلیارد مسلمان دنیا قدرت عجیبی را تشکیل بدهند که بشریت را به سمت کمال هدایت کنند و خودشان در قله کمال قرار بگیرند؛ آن‌کسی که این احساسات و این درک‌ها را دارد و حاضر است در این راه قدمی بردارد، او بسیجی است.[۴۸]

---

۴۵ – بیانات دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۸۴/۹/۷
۴۶ – همان
۴۷ – بیانات مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۷۹/۷/۲۹
۴۸ – بیانات در اجتماع خانواده‌های مکرم شهدای اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴

علی (ع)، مصداق کامل بسیجیِ فداکار انقلاب

علی بن ابیطالب (ع)، مصداق کامل یک بسیجیِ فداکار انقلاب است. ... بسیجی یعنی این؛ یعنی همه وجودش وقف اسلام است؛ وقف است برای آنچه پیغمبر می‌خواهد و خدا را خشنود می‌کند. من به بسیجیان عزیز فعال این کشور علوی و فاطمی عرض می‌کنم: امیرالمؤمنین علیه‌الصّلاةوالسّلام را الگوی خودتان قرار دهید که بهترین و بزرگ‌ترین الگو برای بسیجیان مسلمان در همه عالم، علی بن ابیطالب علیه‌السلام است.[۴۹]

شهید چمران، مصداق یک نمونه بسیجی برجسته

الف. دانشمند و دارای ایمان عاشقانه

شهید چمران، حقاً یک نمونه و مظهری بود از آن چیزی که انسان‌دوست می‌دارد تربیت جوانان ما و دانشگاهیان ما به آن سمت حرکت بکند. ...این شهید یک دانشمند بود؛ یک فرد برجسته و بسیار خوش استعداد بود. خود ایشان برای من تعریف می‌کرد که در آن دانشگاهی که در کشور ایالات‌متحده‌ی آمریکا مشغول درس‌های سطوح عالی بوده (آن‌طور که به ذهنم هست)، ایشان یکی از دو نفر برترین آن دانشگاه و آن بخش و آن رشته محسوب می‌شده – تعریف می‌کرد، برخورد اساتید را با خودش و پیشرفتش در کارهای علمی را؛ یک دانشمند تمام‌عیار بود. آن‌وقت سطح ایمان عاشقانه‌ی این دانشمند آن‌چنان بود که نام و نان و مقام و عنوان و آینده دنیایی به‌ظاهر عاقلانه را، رها کرد و رفت در کنار جناب امام موسی صدر در لبنان و مشغول فعالیت‌های جهادی شد؛ آن‌هم در برهه‌ای که لبنان یکی از تلخ‌ترین و خطرناک‌ترین دوران‌های حیات خودش را می‌گذرانید..[۵۰]

ب. بصیر، با انصاف و اهل معنا و هنرمند

شهید چمران با بینش روشن، نگاه سیاسی کاملاً شفاف ... معلوم شد که نگاه سیاسی و فهم سیاسی و آن چراغ مه شکن دوران فتنه را هم دارد. فتنه مثل یک مه غلیظ، فضا را نامشخص می‌کند؛ چراغ مه شکن لازم است که همان بصیرت است. ...برای او مقام ارزش نداشت، دنیا ارزش نداشت، جلوه‌های زندگی ارزش نداشت؛ این‌جور هم نبود که یک آدم خشکی باشد که لذات زندگی را نفهمد؛ به‌عکس بسیار لطیف بود، خوش‌ذوق بود، عکاس درجه‌ی یک بود – خودش به من می‌گفت: من هزارها عکس گرفته‌ام، اما خودم توی این عکس‌ها نیستم؛ چون همیشه من عکاس بوده‌ام – هنرمند بود. دل باصفایی داشت؛ عرفان نظری نخوانده بود؛ شاید در هیچ مسلک توحیدی و سلوک عملی هم پیش کسی آموزش ندیده بود؛ اما دل، دل خداجو بود؛ دل باصفا، خداجو، اهل مناجات، اهل معنا...انسان باانصافی بود.[۵۱]

۴۹- بیانات در دیدار جمعی از مداحان ۱۳۷۴/۹/۴
۵۰- بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲
۵۱- همان

ج. حضور دائمی در همه میدان‌ها

حضور برای او یک امر دائمی بود. ما ازاینجا باهم رفتیم اهواز (اولِ رفتن ما به جبهه)، به‌اتفاق رفتیم. توی تاریکی شب وارد اهواز شدیم، همه‌جا خاموش بود. دشمن در حدود یازده- دوازده کیلومتری شهر اهواز مستقر بود. ایشان شصت -هفتاد نفر هم همراه داشت که با خودش از تهران جمع کرده بود و آورده بود؛ اما من تنها بودم؛ همه با یک هواپیمای سی - ۱۳۰ رفته بودیم آنجا؛ به مجردی که رسیدیم و یک گزارش نظامی کوتاهی به ما دادند، ایشان گفت که همه آماده بشوید، لباس بپوشید تا برویم جبهه (ساعت شاید حدود نه و ده شب بود). همان‌جا بدون فوت وقت، برای کسانی که همراه ایشان بودند و لباس نظامی نداشتند، لباس سربازی آوردند و همان‌جا کوت کردند؛ همه پوشیدند و رفتند. البته من به ایشان گفتم که من هم می‌شود بیایم؟ چون فکر نمی‌کردم بتوانم توی عرصه‌ی نبرد نظامی شرکت کنم. ایشان تشویق کرد و گفت بله بله شما هم می‌شود بیایید؛ که من هم همان‌جا لباسم را کندم و یک لباس نظامی پوشیدم و - البته کلاشینکف داشتم که برداشتم - و با این‌ها رفتیم؛ یعنی از همان ساعت اول شروع کرد؛ هیچ نمی‌گذاشت وقت فوت بشود. ببینید، حضور این است. یکی از خصوصیات و خصلت بسیجی و جریان بسیجی، حضور است؛ غایب نبودن در آنجایی که باید در آنجا حاضر باشیم. این‌یکی از اولی‌ترین خصوصیات بسیجی است.[۵۲]

د. پارسا و با اخلاص

شهید چمران، دنیا و مقام برایش مهم نبود؛ نان و نام برایش مهم نبود؛ به نام کی تمام بشود، برایش اهمیتی نداشت. باانصاف بود، بی‌رودربایستی بود، شجاع بود، سرسخت بود. در عین لطافت و رقت و نازک‌مزاجی شاعرانه و عارفانه، در مقام جنگ یک سرباز سخت‌کوش بود.[۵۳]

ه. مرد عمل، در میدان عمل

چمران، در میدان عملیات و در میدان عمل، یک مرد عملی به‌طور کامل بود. حالا ببینید دانشمند فیزیک پلاسمای در درجه‌ی عالی، در کنار شخصیت یک گروهبانِ تعلیم‌دهنده‌ی عملیات نظامی، آن‌هم با آن احساسات رقیق، آن‌هم با آن ایمان قوی و با آن سَرسختی، چه ترکیبی می‌شود. دانشمند بسیجی این است؛ استاد بسیجی یک چنین نمونه‌ای است. این نمونه‌ی کاملش است که ما از نزدیک مشاهده کردیم. در وجود یک چنین آدمی، دیگر تضاد بین سنت و مدرنیته حرف مفت است؛ تضاد بین ایمان و علم خنده‌آور است. این تضادهای قلابی و تضادهای دروغین - که به‌عنوان نظریه مطرح می‌شود وعده‌ای برای این‌که امتداد عملی آن برایشان مهم است دنبال می‌کنند - این‌ها دیگر در وجود یک همچنین آدمی، بی‌معنا است. هم علم هست، هم ایمان؛ هم سنت هست، هم تجدد؛ هم‌نظر هست، هم عمل، هم عشق هست؛ هم عقل.[۵۴]

۵۲- همان
۵۳- بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲
۵۴- همان

مصداقی دیگر از بسیجی نمونه

مؤسس بسیار فعال و پیشروِ رویان (مرحوم دکتر کاظمی)، افتخار می‌کرد، یک بسیجی است. جوان‌های مؤمن و فعال، آن طبیعتشان، جنسشان، جنس بسیج است؛ آنجا هم بسیج، آنجا هم ایمان، آنجا هم اعتمادبه‌نفس که از خصوصیت بسیجی است.[۵۵]

مفهوم شناسی: بسیج دانشجویی و اساتید

مجموعه‌ی بسیج اساتید، یعنی مجموعه‌ای که می‌خواهد کار بایسته‌ی دانشگاهِ یک ملت سربلند و مؤمن و مستقل را به او تقدیم کند. البته این فقط در صورتی امکان‌پذیر است که دل از ایمان به خدا لبریز باشد. یعنی این انگیزه فقط می‌تواند از این سرچشمه، به‌درستی و درراه صحیح تغذیه شود و حرکت کند. توصیه‌ی من این است که هرچه ممکن است، این مجموعه اساتید بسیجی را – با همین نام – توسعه دهید.[۵۶]

عنوان بسیج دانشجویی، از دو بخش تشکیل‌شده است که هرکدام از این دو بخش، نقل‌ها و داستان‌ها دارد و به دنبال خودش تکالیفی بر دوش انسان می‌گذارد. یکی کلمه‌ی «بسیج» است، یکی کلمه‌ی «دانشجو» ست. وقتی می‌گوییم «بسیج»، معنایش این است که مجموعه‌ای موردنظر است که در عرصه‌ی مجاهدت انقلابی حضور پیداکرده و حضور دارد؛ غایب نیست، آماده است. بسیج شدن نیرو، معنایش این است دیگر. وقتی می‌گوییم نیروها را بسیج کردیم، یعنی چه؟ یعنی به این‌ها آمادگی لازم برای حضور در میدان کار، میدان مبارزه و مجاهدتی که موردنظر است، داده‌ایم. پس در کلمه‌ی «بسیج»، معنای حضور و آمادگی – آن‌هم در حد فداکاری – هست. در جنگ هم وقتی می‌گفتیم «بسیج»، آن معنایی که به ذهن ما متبادر می‌شد، عبارت بود از زبده و عصاره‌ی بهترین نیروهای کشور و جامعه. بسیج، یعنی نیرویی که این وظیفه را برحسب حد و حدود و خط‌کشی‌های رایج اداری و قشری، بر عهده‌اش نگذاشته‌اند؛ اما داوطلبانه وارد میدان شده و ابراز آمادگی می‌کند و حضور خودش را اعلام می‌نماید که اینجا حاضرم. عین همین معنا در بسیج دانشجویی، یا در بسیج‌های قشری، قهراً وجود دارد؛ بنابراین کلمه‌ی بسیج، حامل یک چنین معنای عالی و فاخر و اهتمام برانگیز است. کلمه‌ی دانشجو هم باز همین‌طور؛ ازلحاظ بار معنایی، از جهت دیگری حامل معنای خیلی جالب‌توجه و مهمی است. دانشجو یعنی جوانِ طالب علمی که آینده در دست اوست. این خصوصیات، در کلمه‌ی دانشجو هست. دانشجو، یعنی جوان؛ چون دانشجویی، قهراً مربوط به دوران جوانی است. طالب علم بودن و جستجوی از دانش هم در کلمه‌ی دانشجو هست. چون فرض این است که آینده‌ی کشور، به سمت اداره‌ی علمی کشور پیش می‌رود دیگر؛ یعنی به سمت اداره‌ی عالمانه و منطبق بر موازین دانش پیش می‌رود و هر کشور و هر جامعه‌ای که علم و فهم و محاسبه‌ی دقیق، در همه‌ی شئون آن دخالت داشته باشد، وضعش بهتر است؛ بنابراین، دانشجو یعنی کسی که ناظر

۵۵-. بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۵۶- بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸

به آینده و متعلق به آینده است؛ آینده هم متعلق به اوست. ببینید؛ این عناوین و مفاهیمی که در کلمه‌ی دانشجو گنجانده‌شده، خیلی مهم است. به همین دلیل، فوراً اینجا استفاده کنیم که اگر دانشجو ازلحاظ جهت‌گیری فکری و سیاسی دچار انحراف باشد، مصیبت بزرگی خواهد بود، درست است؟ اگر هدف دانشجو این باشد که درس بخوانم، برای این‌که زندگی شخصی خودم را – مثلاً – آباد کنم، بقیه هرچه شد، بشود؛ خطر خیلی بزرگی است. اگر جهت زندگی دانشجو این باشد که به مسائل جامعه و آنچه می‌گذرد، بی‌اهمیت، بی اهتمام، بی‌علاقه و بی‌مبالات باشد، مصیبت، خیلی بزرگ است. کسی که بناست فردا امور مملکت در دست او باشد، این‌قدر نسبت به مسائل جامعه و سرنوشت مردم بی‌اعتنا شود؛ خیلی نگران‌کننده است. از این نگران‌کننده‌تر، این است که بی‌تفاوت نیست – حساس است – منتهی حساسیت منفی؛ یعنی درست علاقه‌مند به این است که بخشی از مردم جامعه – فرضاً – در یک زلزله نابود شوند! حالا زلزله، یک مثال واضح و یک نوع آفت جسمانی و مادی است؛ از این بدتر، آفت معنوی است که کسی به آن توجه نمی‌کند. مثلاً دلش بخواهد که مردم، غرق در شهوات شوند! دلش بخواهد که مردم، غرق در بی‌ایمانی شوند؛ خودش هم اصلاً این‌طور باشد و به این سمت بتازد!... بنابراین بسیج دانشجویی، یعنی دو عنوان که باهم ترکیب‌شده و شما شده‌اید. این، ادعای خیلی بزرگی است! شما با همه‌ی نجابت و خوبی‌هایی که دارید و من هم واقعاً دوستتان دارم، ادعایتان خیلی بزرگ است: بسیج دانشجویی؛ یعنی این عنوانی که در کلمه‌ی بسیج هست، خیلی مهم است؛ عنوانی هم که در کلمه‌ی دانشجو هست، آن‌هم خیلی مهم است. البته فرقش این است که در کلمه‌ی بسیج، حقیقتاً «بسیج شدن» خیلی مهم است؛ ولی در کلمه‌ی دانشجو حقیقتاً «دانشجو شدن» مهم نیست؛ چون بالاخره کسی که به دانشگاه رفت و درس خواند، دانشجو می‌شود. در اینجا عمل کردن به وظایف دانشجویی، کما هو حَقّه، خیلی مهم است.[۵۷]

ج. فلسفه بسیج

حضور داوطلبانه، در میدان خطر

آدم‌ها یکسان نیستند؛ همیشه جماعتی پُرشورتر، پراحساس‌تر، بااخلاص تر و عاشقانه‌تر در سمت هدف‌های انقلاب حرکت می‌کنند. این را در صدر اسلام هم داشته‌ایم؛ در اول انقلاب هم داشته‌ایم؛ در دوران جنگ هم داشته‌ایم؛ امروز هم داریم. امروز جنگ نیست، اما اگر یک روز در یک‌گوشه‌ی کشور امتحانی پیش بیاید، اگر خدمتگزاران این مردم خطاب کنند و از مردم

کمک بخواهند، بعضی در اول وقت – یعنی مثلاً فردا صبح – حرکت می‌کنند؛ بعضی نمی‌گذارند به فردا صبح برسد، همین لحظه حرکت می‌کنند، این‌ها بسیجی‌اند؛ بنابراین فلسفه‌ی بسیجی عبارت است از سرعت عمل، کار مخلصانه، کار شجاعانه، حضور داوطلبانه در میدان خطر و کم خواستن و بسیار نثار کردن.[۵۸]

۵۷- بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران ۱۳۷۶/۱۱/۱۱
۵۸- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶

دفاع از کشور اسلامی و انقلاب اسلامی

بسیج برای دفاع از کشور اسلامی و انقلاب اسلامی به وجود آمد. آمادگی برای دفاع، امروز و همیشه یک وظیفه‌ی اسلامی و انقلابی و ملی است. بنابراین، نیروی مقاومت بسیج باید کار جذب و سازمان‌دهی بسیجیان عزیز را با برنامه‌ریزی صحیح ادامه دهد و تشکیل ارتش بیست‌میلیونی را میسور و عملی سازد[۵۹]

همین رژیم امریکا – که آن روز ما به‌صورت تحلیل می‌گفتیم و بعد از جنگ، اخبار و آمار و اطلاعات ریز آن منتشر شد، به عراق کمک کرد؛ کمک الکترونیکی، کمک تسلیحاتی، کمک در روش‌های جنگیدن، کمک مالی، کمک مستقیم و غیرمستقیم! ناتو هم کمک کرد؛ بسیاری از کشورهای عربی هم کمک کردند؛ برای این‌که بتوانند با فشار ناامنی، نظام انقلابی را از پا بیندازند و یا به‌زانو درآورند. بازهم همت جوانان این مملکت، دل‌های پاک و باایمان این کشور، همین بسیج، همین سپاه، همین ارتش، همین انسان‌های مؤمن و پاک نهادی که در پشت جبهه‌ها کانونِ همت را گرم نگه می‌داشتند، توانست بر تمام توطئه‌های دشمن فائق آید و به رژیم مهاجم و به همه پشتیبانانش – از امریکا و شورویِ آن روز و دیگران – تودهنی بزند و ملت ایران را به‌عنوان قهرمان این برهه، در مقابل چشم جهانیان قرار دهد و امنیت را به‌عنوان بزرگ‌ترین نعمت به این مملکت برگرداند. مرزها را آرام کند و برای شهرهایی که زیر بمباران بودند – که در دوران جنگ، تقریباً نیمی از جغرافیای این کشور در زیر بمباران بود – اعاده امنیت کند؛ برای زن و مرد، برای کاسب، برای عالم، برای دانشجو، برای کارگر، برای سیاستمدار، برای رئیس، برای مرئوس و برای همه‌کسانی که به امنیت نیاز دارند، امنیت ایجاد کند؛ حتی برای آن‌هایی که ناشکرانه این امنیت را انکار می‌کنند؛ بنابراین، دل‌های باایمان و عزم ایمانی و راسخ این جوانان، امنیت را برای همه مردم به وجود آورد.[۶۰]

بسیج، پشتیبان میدان‌های نبرد

بسیج، یکی از برکات پروردگار عالم بر کشور و بر انقلاب و بر امام بزرگوار ما بود. اگر نیروهای مسلح در هر کشور به آمادگی کامل برسند، ولی از نیروهای داوطلب مردمی پشتیبانی نداشته باشند، یقیناً توانایی آنان کامل نخواهد بود. در کشور و در انقلاب ما، اگر نیروهای بسیجی – این داوطلبان مخلص و مؤمن به هدف‌های انقلاب – درگذشته، پشتیبان میدان‌های نبرد نمی‌بودند و برای همیشه نباشند – معاذالله – یقیناً کار دفاع از انقلاب لنگ خواهد ماند. اساس، نیروی مردم، یعنی همین بسیج است. به همین خاطر است که شما جوانان عزیز – چه طلبه، چه دانشجو، چه اقشار دیگر – که جزء این مجموعه‌ی عظیم جهاد فی‌سبیل‌الله قرار گرفته‌اید؛ باید به این نکته توجه کنید که محور اصلی، دفاع مسلح از انقلاب است و باید هرچه بیشتر تقویت بشود.[۶۱]

۵۹– پیام به گردهمائی فرماندهان ارتش بیست‌میلیونی ۱۳۶۸/۹/۲
۶۰ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۸/۶/۱۰
۶۱– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۰/۳/۳

ایستادگی بسیج، مقابل نفوذ دشمن

امروز هم بسیجی برای کشور دل می سوزاند؛ برای آبادانی کشور تلاش می کند؛ برای حفظ استقلال ملی، هر چه بتواند کار می کند و از جان خود هم می گذرد. امروز هم اگر احساس کند دشمن می خواهد از روزنه‌ای – چه اقتصادی و سیاسی و چه فرهنگی – به داخل کشور نفوذ کند، در مقابل او می‌ایستد و با مشت به صورتش می کوبد.[۶۲]

سنگین‌ترین بار بر دوش بسیج

بسیج، متن ملتی است که در سایه‌ی آموزش، سلاح به دست گرفته و در وقت نیاز کشور، همراه نیروهای مسلح، بیشترین و سنگین‌ترین بار را به دوش می‌گیرد؛ چنان‌که در جنگ‌دیده شد. البته، سازمان‌دهی و نظم و ترتیب و ادب و برخورد اسلامی، اساس قضیه است.[۶۳]

بسیج، پشتوانه معنوی و بازوان نیرومند سپاه

از خدا کمک و هدایت بخواهید تا انشاءاللّه بتوانید همیشه در سنگرهای مهم دفاع از انقلاب و کشور، حضورداشته باشید. در هر مسؤولیت و مأموریتی که هستید، بازوان خوبی برای سپاه باشید تا بتوانید انشاءاللّه کارِ سازمان‌دهی و بسیج ارتش بیست‌میلیونی را انجام بدهید؛ به‌خصوص که امروز، بسیج مسؤولیت بسیار مهمی دارد و شما بسیجی‌های کارآمد و کارآزموده هستید.[۶۴]

بسیج روح شما است، بسیج مایه ارتباط شما با مردم است، بسیج پشتوانه معنوی سپاه است. شما باید این موجود عزیز را که اسمش بسیجی است؛ شما نباید این را بی‌دفاع بگذارید..[۶۵]

بسیج، مؤثرترین عامل انسانی

اگر ما بخواهیم از اول پیروزی انقلاب تاکنون، در میان عوامل انسانی، به دنبال مؤثرترین عامل بگردیم، عامل بسیج را پیدا می‌کنیم. معنا و مفهوم و حقیقت بسیج، جز این چیز دیگری نیست. یک انسان به خاطر بصیرت و روشن‌بینی خود – که با روح گذشت و فداکاری همراه است – آسایش و راحتی خود و کسب امتیازات شخصی را در درجه‌ی بعد قرار می‌دهد؛ اما منافع ملت و کشور و سربلندی مردم و پیشرفت انقلاب و آبرومندی نظام را بزرگ‌ترین هدفِ خود می‌کند. این چیز بسیار بزرگ و بااهمیتی است.[۶۶]

۶۲- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۴/۸/۹
۶۳- بیانات دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۷/۵
۶۴ - بیانات در دیدار جمعی از رزمندگان بسیجی نمونه‌ی سراسر کشور ۱۳۶۸/۹/۵
۶۵- بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه در تاریخ ۱۳/ ۳ / ۱۳۷۶
۶۶ - بیانات در دیدار بسیجیان و کارکنان سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶

دفاع از ارزش‌های الهی و انقلابی

برنامه‌ی بسیج هم فلسفه دارد؛ آن‌هم بی‌حساب‌وکتاب نیست. بعضی افراد می‌خواهند این‌طور وانمود کنند که بسیجی، حساب‌وکتابی ندارد؛ نخیر، اتفاقاً برنامه‌ی بسیجی حساب‌وکتابش از بسیاری از برنامه‌ها منسجم‌تر است. برنامه‌ی بسیجی چیست؟ برنامه‌ی بسیجی عبارت است از حراست از دستاوردهای انقلاب و از هویت اصلی انقلاب؛ لذا هر جا شما می‌بینید، گاهی در گوشه و کنار از کسی نعره‌ای بلند می‌شود و به بسیجی اهانتی می‌کند، در کنار آن اهانت، تعریضی هم به یکی از اصول انقلاب و به یکی از دل‌بستگی‌های انقلاب می‌زند؛ این‌ها را باهم یکی می‌داند؛ درستش نیز همین است.[۶۷]

همه‌ی ما موظف به دفاع از ارزش‌های الهی که امروز در این نظام اسلامی مجسم است؛ هستیم. دفاع از استقلال این کشور اسلامی، دفاع از تمامیت ارضی آن است. دفاع از انقلابی که این‌همه برکات و خیرات برای همه‌ی دنیا داشته و هر حرکتی که شما کردید و هر تیری که زدید و هر گلوله‌ای که به سمت دشمن پرتاب کردید و هر شبی را که به صبح رساندید، انشاءالله در حفاظت این نظام و به ثمر رسیدن نتایج آن، تأثیر گذاشته است.[۶۸]

پاسداری از هویت ملی و دینی

بعضی تصور کردند که با پایان جنگ، بسیج هم پایان خواهد گرفت. بعضی هم صلاح‌اندیشی کردند که با پایان دوران جنگ، دیگر احتیاجی به بسیج نیست! فکرهایی که از نور بصیرتِ معنوی برخوردار نیست، بهتر از این محصولی نمی‌دهد. بسیج، آن روز از مرزهای نظامیِ –جغرافیایی کشور دفاع کرد و در میدان رزم توانست خود را نشان دهد؛ اما مگر مرزهای دفاعیِ انقلاب فقط به مرزهای جغرافیایی منحصر می‌شود؟ از بزرگ‌ترین مسؤولیت‌های یک مجموعه‌ی بسیج در کشور این است که از هویت ملی و دینی پاسداری می‌کند و باید پاسداری کند.[۶۹]

ایجاد امنیت و مقابله با فتنه‌ها

آن روز (اوایل انقلاب) همین بسیجیان و همین جوانان مؤمن مثل شما، به همین مناطق گوناگون – چه در خراسان و چه در مناطق دیگر – رفتند، سینه سپر کردند، فداکاری نمودند و توانستند امنیت را برگردانند؛ یعنی درواقع توانستند ریشه فتنه را در مناطقی خشک کنند.[۷۰]

اگر بخواهیم درست تشخیص دهیم که برای پیشرفت یک کشور، امنیت چقدر اهمیت دارد، از برخورد دشمن با مقوله امنیت، می‌شود این را فهمید. وقتی انقلاب پیروز شد، درواقع یک مانع بزرگ از مقابل ملت ایران برداشته شد که بتواند در میدان‌هایی که در طول صدسال، صدوپنجاه سال عقب‌مانده بود، جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته را بکند. نظام اسلامی آماده بود که هدایت

۶۷- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶
۶۸ – بیانات در دیدار جمعی از رزمندگان بسیجی نمونه‌ی سراسر کشور ۱۳۶۸/۹/۵
۶۹ – بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱
۷۰ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۸/۶/۱۰

مردم را در پیشرفت در همه این میدان‌ها بر عهده گیرد و ملت ایران درزمینه علم و صنعت و خودکفایی و در زمینه مسائل فکری و عملی و مادی و معنوی، به حرکت عظیمی دست بزند و آن را شروع کند. اولین کاری که دشمنان برای سنگ‌اندازی در این راه انجام دادند، ایجاد ناامنی بود؛ یعنی مرزهای ما را ناامن کردند.[۷۱]

خنثی‌سازی نقشه‌های ابرقدرت‌ها

انقلاب کبیر اسلامی ایران از نخستین روزهای پیروزی با توطئه‌های گسترده و سازمان‌یافته دشمنان اسلام روبرو گردیده، به هر یک از دستاوردهای انقلاب که بنگرید جز با ایثار و مقاومت مردم در برابر کارشکنی‌های مخالفان و معاندان انقلاب به دست نیامده است. گذار از سنگلاخ معضلات و کارشکنی‌های دشمنان که پیوسته کوشیده‌اند چرخ انقلاب اسلامی را از حرکت و پویندگی و ملت ایران را از رشد و پیشرفت بازدارند، تنها با حضور مستمر و آگاهانه‌ی مردم درصحنه‌ی مبارزه و در سایه‌ی رهبری هوشمندانه‌ی امام امت میسور و مقدور گردیده است. عظمت اهداف انقلاب و گستردگی توطئه‌های دشمنان ایجاب می‌کرد که برای حفظ و صیانت انقلاب اسلامی و به‌منظور مقابله با دشمنان و معاندان، نیرویی از خود مردم فراهم آید تا از انقلاب اسلامی و ارزش‌ها و اهداف آن در برابر تهاجم و توطئه عمال ابرقدرت‌ها دفاع کند. چراکه دفاع مستمر و همه‌جانبه از انقلاب تنها با آموزش و سازمان‌دهی مردمی که حاضرند درراه حفظ انقلاب، وجود خود و عزیزان خود را فدا کنند، می‌توانست کارساز باشد. فرمان رهبر کبیر انقلاب و امام امت مبنی بر تشکیل بسیج مستضعفان در شرایطی که ایران اسلامی و انقلاب شکوهمند ما از هر سو مورد تجاوز و تهاجم دشمنان قرارگرفته بود، حرکتی آگاهانه در جهت خنثی‌سازی نقشه‌های ابرقدرت‌ها بود که با تحمیل جنگ و محاصره‌ی اقتصادی، می‌خواستند به خیال خود انقلاب را متوقف کنند و دستاوردهای ملت مسلمان ایران را بر باد دهند.[۷۲]

لازم است تشکر و اخلاص خودم را به شما جوانان عزیز و این مجموعه مؤمن و پرشور عرض کنم. البته بهانه‌ی دیدار ما این بود که برادران سپاهی و بسیجی در این بخش از مرزهای طولانی، توانسته‌اند خدمت بزرگی انجام دهند و امنیت ایجاد کنند.[۷۳]

باز کردن گره‌های بزرگ

بسیج، معنایش این است که دستگاه‌های مسئول کشور برای باز کردن گره‌های بزرگ، برای برداشتن قدم‌های بلند و برای دفاع از کشور، فقط به سازمان‌های رسمی و دولتی تکیه نکنند. در جنگ، ما سازمان‌های مسلح نیرومندی داریم؛ ارتش و سپاه را داریم؛ اما آن روزی که میدان دفاع از مرزهای کشور یا از استقلال کشور یا از سربلندی کشور مطرح باشد و باز بشود، این فقط

۷۱ – همان
۷۲– پیام در چهارمین سالروز تشکیل بسیج مستضعفان ۱۳۶۲/۹/۴
۷۳ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۸/۶/۱۰

سازمان‌های رسمی نیستند که وارد میدان می‌شوند؛ بلکه آحاد ملت به این‌ها کمک می‌کنند و وارد میدان می‌شوند؛ همچنان که در طول این بیست سال در دوران جنگ و قبل از جنگ و بعد از جنگ وارد شدند. این معنای بسیج است.[۷۴]

د. جایگاه و منزلت بسیج

بسیج، نامی مقدس

بسیج، یعنی این‌که هر جوانی بداند و بفهمد که باید کشورش مستقل و آزاد و آباد باشد و بخواهد در این راه تلاش کند و نقش بر عهده بگیرد؛ مسئولیت بر عهده بگیرد؛ این می‌شود بسیج. نام بسیج، نام مقدسی است. بسیج عمومی یک ملت یعنی آمادگی و هوشیاری دائمی یک ملت، به‌خصوص جوان‌های که درراه تحصیل علم‌اند؛ دانش‌آموزی و دانشجوئی؛ مسئولان کشور هم همین‌جور؛ همه باید به این معنا، بسیجی باشند. این‌که شد، ملت می‌شود آسیب‌ناپذیر؛ روزبه‌روز ملت رشد پیدا می‌کند و این در کشور ما اتفاق افتاده است؛ لذا روزبه‌روز کشور ما رشد کرده است.[۷۵]

بسیج، عنصر اصلی در انقلاب و نظام اسلامی

انقلاب اسلامی از آغاز شروع نهضت اسلامی یک انقلاب مردمی بود. نهضت اسلامی هم نهضت مردمی بود. انقلاب هم که شروع شد، انقلاب مردمی بود. جنگ را هم که بر ما تحمیل کردند، دفاع ما دفاع مردمی بود. امروز هم هرگاه برای نظام اسلامی خدای‌نخواسته مشکلی پیش بیاید، باز حل آن مشکل، حل مردمی است. کل نظام جمهوری اسلامی هم که بر دوش آحاد مردم قرار دارد. خوب، پس نظامِ مردمی، انقلابِ مردمی، دولتِ مردمی، دفاعِ مردمی؛ این

عنصر مردمی در نظام جمهوری اسلامی یک عنصر اصلی است. وقتی این مطلب را قبول کردیم و درست دانستیم، آن‌وقت معلوم می‌شود که آن نیروی دفاع کننده و رزمنده‌ای که از دل مردم برمی‌خیزد، چقدر برای جمهوری اسلامی دارای ارزش و دارای اهمیت است؛ همه‌چیز مردمی است. بعضی‌ها می‌خواهند برای بسیج یک تعریف نظامی ذکر بکنند. البته بسیج یک عنصر نظامی است و یک‌بخشی از مجموعه‌ی نظامی کشور و نیروهای مسلح کشور است.[۷۶]

بسیج، همزاد انقلاب

سپاه و بسیج فقط یک نیروی حرفه‌ای رزمنده محض، نیست. یک نیروی حرفه‌ای رزمنده به هیچ‌چیز غیر از جنگ، یعنی رفتن در میدان نمی‌اندیشد. جنگ هم یک قواعدی دارد

۷۴ – بیانات در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت‌کننده در اردوی یاران امام علی (ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹
۷۵– بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹
۷۶ – بیانات در جمع بزرگ بسیجیان تبریز ۱۳۷۲/۵/۸

که به آن قواعد عـمل می‌کند، سپاه و بسیج جنگ را برای یک ارزش بالاتری انجام می‌دهد. چون شما ارتشِ متولدشده با انقلاب هستید، همزاد با انقلابید.[۷۷]

بسیج، پدیده‌ای مبارک و مظهر صفا و فداکاری

عطر بسیج را باید درک کرد، باید استشمام کرد، باید حقیقت این پدیده‌ی عجیب و مبارک را به‌درستی فهمید.[۷۸]

جمع پُرشور بسیجیان در همه‌جا مظهر صفا و بینش روشن و آمادگی برای مجاهدت و فداکاری است. ... من خوشحالم که در این سفر، این فرصت و توفیق برایم پیش آمد که در جمع شما فرزندان بسیجی خودم – پسران و دختران، مردان وزنان – شرکت کنم.[۷۹]

دیداری بسیار مناسب، در وقتی مناسب است. ایام عاشورای حسینی است و شما برادران و خواهران هم از عاشورایی‌ها و حسینی‌ها هستید. بسیج بیست‌میلیونی انقلاب اسلامی، ثابت کرده است که در صراط حسین‌ابن‌علی علیه‌السلام و صراط عاشورا قدم برمی‌دارد.[۸۰]

حفظ و تقویت خصوصیات بسیجی

همه باید افتخار کنند که جزء مجموعه‌ی بسیجی باشند. کسی که وارد این مجموعه می‌شود، صلاحیت‌هایی دارد؛ این صلاحیت‌ها را نشان داده است، وارد بسیج شده است؛ این صلاحیت‌ها را باید حفظ کنید. آنچه من به شما عرض می‌کنم (که شما فرزندان من هستید، شما جوانان من هستید)، این است که این خصوصیات را باید حفظ کنید؛ نه‌فقط حفظ کنید، بلکه باید این‌ها را تقویت کنید.[۸۱]

سپاس و ستایش و تمجید و تحسین فراوان خود را بر جوانان بسیجی مؤمن در سرتاسر کشور؛ این دل‌های پاک، این دل‌های تپنده با عشق به خدا، باایمان به حقیقت، بااخلاص و باصفا، نثار می‌کنم. این اخلاص و صفا را در خودتان حفظ کنید.[۸۲]

نقش خواهران بسیجی

خواهران بسیجی ما نیز که زن‌های محجبه و عفیف و مقید به آداب شرعی هستند و انسان را به یاد صدر اسلام می‌اندازند، در این دفاع مقدس و بااهمیت سهیم هستند و نقش برجسته‌ای

۷۷ – رویدادها و تحلیل، شماره ۱۱۱، ص ۷
۷۸ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴
۷۹– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶
۸۰ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۱۳۷۱/۴/۲۴
۸۱– بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۴
۸۲– بیانات در اجتماع نیروهای شرکت‌کننده در مانور عظیم طریق‌القدس ۱۳۷۶/۲/۳

در حضور میلیونی بسیج دارند.[۸۳]

عشق و محبت رهبری به بسیجیان

برای بنده بسیار موجب مسرت است که امروز با جمع بسیجیان عزیز آذربایجان، این دیدار باصفا و صمیمیت را داشته باشم. حقیقتاً نقطه‌ی روشن عشق و محبت ما، عبارت است از عنصر عزیز و بی‌همتای بسیج و بنده در فکر این بودم که در یک جمعی از بسیجیان شرکت بکنم و علاقه‌ی خودم و امید خودم به بسیج را یک‌بار دیگر روبه‌رو با آن‌ها در میان بگذارم.[۸۴]

جمع بسیجیان عزیز استان، با چهره‌های نورانی بسیجی و دل‌های انشاءالله نورانی‌تر، فضای جلسه‌ی صمیمی ما را نورانی کرده است. فضا، فضای معنویت و صمیمیت و محبت و خلوص، مثل همه‌ی مجموعه‌های بسیجی و فعالیت‌های بسیجی است.[۸۵]

بسیار جلسه نورانی و مالامال از اخلاص و صفاست. طبیعت جلسه‌ای که تشکیل‌شده از جوانان بسیجی؛ پسران و دخترانی که سرمایه‌ی بسیار باارزش جوانیِ خودشان را به‌طور داوطلبانه به میدان آورده‌اند تا از آن برای خدا، اسلام، پیشرفت کشور و عزت ملت ایران استفاده کنند و همچنین جوانانی که سربازان گمنام انقلاب و امام هستند (که نام مناسبی بر روی آن‌هاست) یعنی برادران و خواهران مشغول در مجموعه‌ی اطلاعات کشور؛ طوری است که اگر انسان در چنین جمعی، تموّج صفا و اخلاص را مشاهده کند، چیز شگفت‌آوری نیست.[۸۶]

جلسات خاطره‌انگیز، شیرین و هیجان‌انگیز

برای من بسیار شیرین و خاطره‌انگیز است که با شما عزیزان – جمعی از بهترین جوانان این کشور، مجموعه‌ای از بسیجیان دلاور – در این میدان ملاقات کنم و با جمع‌های دیگری که در سراسر کشور مانند شما اجتماع کرده‌اند، سخن بگویم.[۸۷]

حضور در جمع شما جوانان عزیز و بسیجیان مخلص، همیشه شوق‌آفرین و هیجان‌انگیز است. اگرچه خود انقلاب اسلامی و پدیده‌هایی که انقلاب یکی پس از دیگری در طول زمان و در عرصه‌های گوناگون به وجود آورد، همه پدیده‌های شگفت‌آور هستند؛ اما پدیده‌ی بسیج و تشکیل این نیروی عظیمِ معجزگون، استثنایی و کم‌نظیر است.[۸۸]

جلسه‌ی بسیار گیرا و پُرجاذبه و شوق‌انگیزی است؛ جلسه‌ای که تشکیل‌دهندگان آن، جوانان فرزانه و بسیجی هستند. فرزانگیِ دانشجویی و خصوصیات جوانی همراه با روحیات فرهنگ بسیجی، یک ترکیب بدیع و بسیارِ شوق‌انگیز است. شما این فرهنگ و این مجموعه و چهره‌ی

۸۳– بیانات در مراسم بیعت بسیجیان نمونه‌ی کشور ۱۳۶۹/۴/۶
۸۴ – بیانات در جمع بزرگ بسیجیان تبریز ۱۳۷۲/۵/۸
۸۵– بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۴
۸۶– بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۶
۸۷– بیانات در دیدار گردان های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۸۸– بیانات در مراسم صبحگاه رده‌های مختلف نیروی مقاومت بسیج ۱۳۸۴/۶/۲

انسانی و این الگو را نمایندگی می‌کنید.[۸۹]

این جلسه‌ی بسیار عزیز و شما جوانان عزیز، یکی از شیرین‌ترین نعمت‌های خدا بر این بنده‌ی حقیر است. جمع دانشجویان بسیجی، نیروهای زنده، فعال، هوشمند و در حقیقت سربازان آماده‌به‌کار و کمربسته‌ی اسلام و انقلاب؛ برای هر مسئولی، بلکه برای هر احدی از آحاد کشور که به سرنوشت این کشور علاقه دارد، مایه‌ی سپاس و مایه‌ی مباهات است.[۹۰]

مضمون و مفهوم مانورهای بزرگ بسیج

آن اجتماعی که دست خدا با آن است، همین اجتماع است. اجتماع دل‌های مؤمن، اجتماع جان‌های پاک و روح‌های نورانی و باصفا، اجتماع جوانان پاکیزه این ملت که در عصر حاکمیت مادی‌گری بر زندگی قشرهای جوان در سرتاسر عالم، توانسته‌اند خود را از تصرف مادی‌گری نجات دهند و شعله معنویت را – که خدا در همه دل‌ها و جان‌ها برافروخته است – در دل‌وجان خودشان، برافروخته و مشتعل نگهدارند. ... این، یک پدیده بسیار شگفت‌آور و پرشکوه و افتخارآمیز است. اجتماع چنین جوانان و چنین دل‌هایی، همان اجتماعی است که در آن نور الهی به چشم اهل بصیرت می‌آید. در چنین مجموعه‌های عظیم است که انسان خدا را می‌بیند، قدرت خدا را حس می‌کند و اراده لایزال الهی را بر اصلاح بشریت و اصلاح تاریخ، با همه وجود درمی‌یابد. در چنین موقعیتی، دل هر انسان دیرباوری از امید سرشار می‌شود. مانور بزرگ طریق القدس ما، ناظر به این معانی است. مانورهای جوانان و رزمندگان ما در سرتاسر کشور (هر جایی که تشکیل می شود)، دارای این مضمون و چنین مفهوم برجسته‌ای است.[۹۱]

جلسه‌ی بسیار گیرا و پُرجاذبه و شوق‌انگیزی است؛ جلسه‌ای که تشکیل‌دهندگان آن، جوانان فرزانه و بسیجی هستند. فرزانگیِ دانشجویی و خصوصیات جوانی همراه با روحیات فرهنگ بسیجی، یک ترکیب بدیع و بسیارِ شوق‌انگیز است. شما این فرهنگ و این مجموعه و چهره‌ی انسانی و این الگو را نمایندگی می‌کنید. درباره‌ی دانشجوی بسیجی حرف‌های زیادی در ذهن و دل هست که اگر این‌ها را به‌عنوان مناقب بسیجیان دانشجو تنظیم و بیان کنیم، شوق انسان‌های متکی به منطق و استدلال به‌سوی بسیجی شدن در محیط دانشگاه‌ها مضاعف خواهد شد.[۹۲]

اجتماع شما فرزندان عزیز؛ جوانان، پسران و دختران مؤمن و انقلابی و با بصیرت در این ساعت و در اینجا، برای من فوز بزرگی است. برای هر اجتماعی، این مهم است که جوانان آن اجتماع و آن کشور، چگونه فکر کنند، چگونه عمل و چگونه احساس کنند. نسل جوان برای هر کشوری در اصل تعیین‌کننده است؛ حتی اگر کشورهایی در اوج پیشرفت مادی و علمی و صنعتی و اقتصادی و ثروت‌های گوناگون باشند، اگر نتوانند نسل جوان خودشان را درست اداره کنند و

۸۹ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۳/۵
۹۰ – بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها ۱۳۸۶/۲/۳۱
۹۱– بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور طریق‌القدس ۳/۲/۱۳۷۶
۹۲– بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۰۳/۰۵

نسل جوان از دست آن‌ها برود، مطمئناً باید در انتظار آینده‌ی سختی باشند.[۹۳]

اجتماع بسیج، آمیزه‌ای از معرفت و محبت

آنچه که من را به این اجتماع، به این برنامه، به این اردو و به این مجموعه‌ی علمی و آموزشی و فرهنگی دل‌بسته و معتقد می‌کند، این است که در اینجا آمیزه‌ای از علم و ایمان و از تفکر و عاطفه، مشاهده می‌شود. اشتباه می‌کنند کسانی که خیال می‌کنند، می‌توان عواطف برخاسته از شور ایمان را از نسل جوان مؤمن این کشور جدا کرد؛ و اشتباه می‌کنند کسانی که این عواطف را دست‌کم می‌گیرند.[۹۴]

شکرگزاری برای توفیق حضور در جمع بسیجیان

بر این توفیق بزرگ که توانستم در جمع جوان و پُرنشاط شما بسیجیان عزیز شرکت کنم، خدای متعال را سپاسگزارم. وجود بسیج باید ما را وادار به شکر الهی کند؛ نشاط جوانان بسیجی باید ما را وادار به شکر الهی کند؛ توسعه روزافزون کیفی و کمی بسیج، جداگانه باید ما را وادار به شکر و سپاس الهی کند. امروز که در دنیای اقتدار سیاسی و استکبار اقتصادی و سیاسی در سراسر عالم، همه عوامل در سمت‌وسوی آن است که از جوانان دنیا، به‌خصوص از جوانان کشورهای اسلامی موجوداتی بی‌حال و بی‌انگیزه بسازند؛ نسل جوان کشورهای اسلامی را به انسان‌های کم خاصیت و بی‌خطر برای خودشان تبدیل کنند، در چنین دنیایی انسان ببیند نسل جوان کشور ما در میان خود، انبوه عظیمی از دختران و پسران را پرورش می‌دهد که باانگیزه، در میدان علم، در میدان دین، در میدان جهاد، در میدان حضور سیاسی، در میدان نشان دادن اقتدار و نشاط به چشم‌های حیرت‌زده و دل‌های ناباور دنیا حضور دارند؛ این جای شکرگزاری دارد. من خدای متعال را به خاطر وجود بسیج، وجود شما، نشاط و نیرو و ایمان شما و آمادگی شما فرزندان عزیزم سپاسگزارم.[۹۵]

خدا را بسیار سپاسگزارم که توفیق داد در میان این جمع عظیم و این فضای مالامال از ایمان و صدق و صفا و محبت، حضور پیدا کنم. این جمع عظیم، نمایشی از بخشی از توان عظیم و پُرشکوه ملت ایران است؛ یعنی توان بسیج.[۹۶]

بنده لازم می‌دانم به همه‌ی بسیجیان عزیز در سراسر کشور که شما در حقیقت نمایندگان آن‌ها هستید، سلام مخلصانه و دوستانه خودم را ابلاغ کنم. همه‌ی ما باید درود بفرستیم به ارواح مطهر شهدا؛ شهدای بسیج، شهدای نیروهای مسلح: ارتش، سپاه، نیروی انتظامی و همه شهدایی که در میدان‌های مختلف شربت شهادت نوشیدند و درراه وظیفه جان دادند.[۹۷]

---

۹۳ – بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۸/۶/۱۲
۹۴ – بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۹/۶/۱۰
۹۵ – بیانات در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی یاران امام علی (ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹
۹۶– بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱
۹۷– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۲/۸/۳۰

هفته بسیج، هفته بزرگداشت این ارزش‌ها و این حقیقت زنده و مجسم بود. همه‌ی طول سال هم برای بزرگداشت چنین ارزش‌هایی زیاد نیست. این هفته تمام شد؛ اما حقیقتِ بسیج، زنده است و یاد و بزرگداشت او تمام‌نشدنی است.[۹۸]

از این‌که امسال هم موفق شدم با این جمع برگزیده و جوانان مؤمن، پُرشور و امیدهای آینده‌ی این کشور دیدار کنم، بسیار خوشحالم. جلسه‌ی ما یک جلسه‌ی بسیار شیرین و پر صفاست. دل‌های نورانی شما جوانان بحمدالله مرکز انعکاس فیوضات الهی و تفضلات و توفیقات پروردگار قرارگرفته است؛ همیشه نیز همین‌طور بوده است. در طول تاریخ، هر جا شما پرچم برافراشته‌ی حقی را ملاحظه می‌کنید، در پای آن، یک جمعِ جوانِ باایمان را خواهید دید؛ غیرازاین نمی‌شود.[۹۹]

شاید یکی از شگفتی‌های متعدد انقلاب عظیم اسلامی، این است که گل‌های شکفته بر نهال‌های معنوی و روحی و فکریِ و تفکر زیربناییِ این انقلاب، مربوط به یک‌فصل و یک دوران نیست؛ یک بوستانِ همیشه‌بهار است. خطاستَ اگر کسی گمان کند که در دوران اولیه‌ی انقلاب، جوانانی بودند کهَ از معنویت اسلام، سرشار و سرمست، دل به خدا سپرده، قدم درراه کمال نهاده، بی‌محابا حرکت می‌کردند و به مقصد می‌رسیدند؛ اما این مخصوص دوران اول انقلاب و بهار انقلاب بود و دیگر تمام شد![۱۰۰]

بسیج، معجزه انقلاب و مظهر اقتدار نظام

ایجاد و تأسیس اعجاب‌انگیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ حرکت عظیم، کم‌نظیر یا بی‌نظیرِ ایجاد بسیج عمومیِ مردمی و به کار گرفتن نیروهای مؤمن و بازوان توانا درَ بخش‌های مختلف، از معجزات نظام جَمهوری اسلامی است و اقتدار نظام را نشان می‌دهد.[۱۰۱]

بسیج پدیده‌ای معجزگون، استثنایی و کم‌نظیر

پدیده‌ی بسیج و تشکیل این نیروی عظیمِ معجزگون، استثنایی و کم‌نظیر است. بسیج، حقیقتی شبیه افسانه‌هاست ...بسیج، حقیقتَ است؛ اما شبیه افسانه‌هاست. بسیج برای جوانان، شورآفرین است؛ برای دوستان، امیدآفرین است؛ برای دشمنان، بیم آفرین است.[۱۰۲]

همین سردارهای فعلی سپاه ما، همین آقای صفوی و دیگر برادرها، نشستند و طراحی کردند؛ چه معجزه‌ها می‌کند جوانی همراه باایمان و شجاعت! مگر ممکن بود، چند هزار نیرو را از راه‌های دور منتقل کنند لب اروند (این‌طرفَ آب)؛ طوری که دشمن نفهمد؛ بعد، از این رودخانه منتقل کنند به آن‌طرف و بازهم دشمن نفهمد. این کار را همین جوان‌ها کردند. حالا البته بعضی از آن‌ها ریش‌هایشان سفید شده؛

۹۸- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸
۹۹- بیانات در دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶
۱۰۰- بیانات در جمع رزمندگان و بسیجیان بندرعباس ۱۳۷۶/۱۱/۳۰
۱۰۱ - بیانات در جمع نیروهای شرکت‌کننده در مانور بزرگ ولایت ۱۳۷۵/۳/۳
۱۰۲ - بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج ۱۳۸۴/۶/۲

اما آن‌وقت جوان‌هایی مثل شماها بودند. به برکت ایمان، بازهم می توانید.[۱۰۳]

بسیج، لُب و لباب حرکت انقلاب

ملت ایران از جان خود، از عزم و اراده‌ی پولادین خود مایه گذاشت و تا امروز کارهای عظیمی انجام‌شده است که بعضی از آن‌ها شبیه افسانه است. این حرکتی که از اول انقلاب تا امروز در جهت ایجاد یک بنای رفیع اجتماعی مبتنی بر هدایت دین و انگشت اشاره‌ی قرآن، در کشور ما انجام می‌گیرد، تداوم همان حرکت ائمه (ع) است. لب و لباب و مظهر خالص و کامل این حرکت هم از اول انقلاب تا حالا، بسیج بوده است.[۱۰۴]

بسیج، پدیده‌ی بی‌نظیر

این پدیده، پدیده‌ی بی‌نظیری است. آیا ملت‌های دیگر، انقلاب‌های دیگر، حضور مردمی نداشتند، که شما می گوئید حضور بسیج یک پدیده‌ی بی‌نظیر است؟ چرا، در انقلاب‌های دیگر، در حوادث بزرگی که در کشورهای جهان به وجود آمده است، توده‌ی مردم حضور داشتند؛ منتهی با تفاوت‌های بسیار عمیق و تأثیرگذاری.[۱۰۵]

در کشورهایی که در آن‌ها ملت‌ها زنده‌اند، در کشورهایی که مردم ازنظر مسئولان نقشی دارند، همه‌جا چیزی شبیه بسیج هست؛ منته‌ی به این درخشندگ‌ی، به این فراگیری، به این زیبایی و به این فداکاری، من درجایی سراغ ندارم. بااطلاعی که از کشورهای مختلف – چه گذشته نزدیکشان؛ – تاریخ صدساله، دویست‌ساله دنیا و چه زمان حاضرشان – دارم، بنده مثل بسیج خودمان درجایی از دنیا سراغ ندارم.[۱۰۶]

بسیج، بهترین سازمان، برای رسیدن به آرمان‌های بلند

بسیج درواقع آن پوششی است، آن قالبی است که بهترین جوانان این کشور برای رسیدن به آرمان‌های بلند این ملت بزرگ، می‌توانند در زیر این پوشش، گرد هم بیایند و جمع بشوند. بسیج، پیر و جوان و زن و مرد و این قشر و آن قشر نمی‌شناسد.[۱۰۷]

بسیج دانشجویی، به ارتباط با سپاه افتخار کند

نظامی بودن افتخار است؛ منتهی شما در محیط دانشجویی، این افتخار را ندارید؛ افتخارات دیگری دارید. این افتخار مال محیط نظامی است. بله، ممکن است یک دانشجوی بسیجی، به‌عنوان بسیج فعال یا بسیج ویژه در رزمایش‌ها هم شرکت کند یا کارهای دیگری هم انجام بدهد و یک افتخار نظامی هم بگیرد؛ مانعی ندارد؛ اما بدنه‌ی بسیج دانشجوئی، نظامی نیست؛

۱۰۳ – بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۶
۱۰۴ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۸۴/۹/۷
۱۰۵– بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۴
۱۰۶ – بیانات در دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان ۱۳۷۷/۹/۲
۱۰۷– بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵

یک تشکل دانشجویی با همان خصوصیات یک تشکل دانشجویی است؛ بنابراین توصیه‌ی من این است: دانشجو بمانید و به ارتباط با سپاه افتخار کنید. فرق این تشکل با تشکل‌های دیگر چیست؟ چون در بین تشکل‌های دیگر هم تشکل‌های مؤمن، انقلابی و علاقه‌مند هستند. فرق این تشکل با تشکل‌های دیگر این است: بسیج به معنای فرد یا مجموعه‌ی آماده‌ی برآوردن نیازهای انقلاب است، در هر زمان و از هر نوع؛ این معنای بسیج است. تشکلی به این نام تشکیل‌شده و شما عضو او هستید. اگر دیگری در یک سازمان دیگر است و همین احساسات شمارا دارد، او هم بسیجی است و فقط رسماً جزء سازمان شما نیست. کما این‌که در محیط کارگاه، هر کس این احساس را دارد، بسیجی است. در محیط روحانیت و حوزه‌ی علمیه، هر کس این احساس را دارد، بسیجی است. در محیط بازار و در محیط اداره و در محیط روستا، هر کس این احساس را دارد، بسیجی است؛ این احساسی که فردی آماده است در هر زمان و در هر عرصه‌ای که به او نیاز باشد، حضور پیدا کند.[۱۰۸]

بسیج دانشجویی، یک تشکل دوبعدی است: یک اتصال به محیط دانشجویی و دانشگاه و یک اتصال به سپاه دارد. سپاه چیست؟ آیا سپاه صرفاً یک سازمان نظامی است؟ نه، سپاه نماد مقاومت انقلابی و شجاعانه است؛ این هرگز فراموشتان نشود. شما خیال نکنید که سپاه صرفاً یک سازمان نظامی است؛ ... نه، سپاه فراتر از یک سازمان نظامی است. ...سپاه مجموعه‌ای است که برای مقاومت، برای مجاهدت، برای همان هدف‌هایی که شما امروز در دانشگاه برای آن‌ها دارید درس می‌خوانید. از زمین حاصلخیز، انقلاب اسلامی رویید. کجا؟ در میدان مجاهدت! این معنای سپاه است. ...بسیاری از عناصر اصلی سپاه، جوان‌هایی مثل شما و در سن شما – بعضاً هم از سن شما پائین تر – بودند. یک‌وقت باخبر شدند که دشمن حمله کرده؛ درس و امتحان و کلاس و استاد و خانه و زندگی راحت را گذاشتند و به جبهه رفتند؛ «فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر»: عده‌ای شهید شدند، عده‌ای مجروح شدند، عده‌ای هم برگشتند؛ این سپاه است.[۱۰۹]

پس شما از یک بُعد به دانشگاه و محیط دانشجوئی و درس و علم و بحث و تحقیق و از یک بُعد به مجموعه‌ی سپاه وصل هستید؛ این‌یک خصوصیت ویژه است. حالا با این دو بُعد، شما سپاهی هستید یا دانشجو و تشکل دانشجویی؟! این سؤال مهمی است. پاسخ این است که نه، شما نظامی نیستید؛ شما دانشجو و یک تشکل دانشجویی هستید؛ منته‌ی یک تشکل دانشجویی که به نقطه‌ی مطمئنی – که عبارت است از همان نماد مقاومت – تکیه دارد؛ البته این تکیه‌گاه، تحرک او را محدود نمی‌کند، دست و پای او را نمی‌بندد، کار علمی او را محدود نمی‌کند، هویت او را نظامی نمی‌کند، اما به او ذخیره‌ای از دستاورد تجربه‌ی جهادی و انضباط ناشی از این تجربه می‌بخشد؛ این به نفع تشکل دانشجویی است. از خیرش استفاده می‌کنید؛ اما نظامی هم نمی‌شوید...[۱۱۰]

۱۰۸ – بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها ۱۳۸۶/۲/۳۱
۱۰۹– بیانات معظم له در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱
۱۱۰ – همان

افتخار به بسیجی و حزب‌اللهی بودن

من که عرض می‌کنم: افتخار خود من این است که یک بسیجی باشم؛ سعی کرده‌ام این‌جوری عمل کنم. ...این را از باب این‌که شما فرزندان من هستید، به شما دارم می‌گویم. صحبت پدر فرزندی است؛ نمی‌خواهم راجع به خودم صحبت بکنم.[۱۱۱]

من هم افتخار می‌کنم که یک بسیجی باشم. به‌عنوان یک بسیجی، هر جا که انقلاب به وجود من نیاز داشته باشد، حاضرم خدمت کنم. همه باید به این عضویت افتخار کنیم.[۱۱۲]

هرکدام از ما آن روزی که به معنای حقیقی کلمه بتوانیم خود را بسیجی بدانیم، باید افتخار کنیم؛ و افتخار می‌کنیم.[۱۱۳]

امروز یک توطئه‌ی تبلیغاتی بسیار رذالت‌آمیزی احساس می‌شود در رسانه‌های صهیونیستی و استکباری عالم که می‌خواهند عناصر بسیجی و عناصر حزب‌الله در کشور ما را با تعریف‌های غلط و دروغین معرفی کنند. این‌ها (گردانندگان این رسانه‌ها) حتی از کمترین شرف و انصاف هم برخوردار نیستند. بسیجی بودن افتخار است؛ حزب‌اللهی بودن افتخار است. حزب‌اللهی، یعنی آن عنصری که در مقابل مشکلات سینه سپر می‌کند و احساس مسئولیت می‌کند؛ این بهتراست یا آن‌کسی که هیچ مسئولیتی در مقابل مسائل کشور خودش و جامعه‌ی خودش قائل نیست و تنها همین [را] بلد است که به شکم خود و لذائذ خود و جیب خود برسد و بپردازد.[۱۱۴]

بسیج، متنِ حرکت نظام

کسی خیال نکند که بسیج، یک حاشیه است و ملت و دولت و حکومت، به راهی می‌روند و بسیج هم در کناری نشسته و به خود مشغول است؛ خیر. «بسیج» متنِ حرکت نظام است؛ همه باید بسیجی باشند. دولت و مسئولان هم باید بسیجی باشند و بحمدالله هستند. بسیاری از بلندپایگان و مسئولان برجسته کشور، حقیقتاً بسیجی و دارای فرهنگ و عقاید و حرکت بسیجی هستند.[۱۱۵]

بسیج، متن ملت و همه آحاد مؤمن

بسیج، یک سازمانِ مشخصِ رزمی – مثل دیگر سازمان‌ها – نیست. بسیج، یعنی متن ملت و همه آحاد مؤمن و یک حقیقتِ گسترده در تمام زوایای جامعه؛ در موضع‌گیری مردم، این عامل، تعیین‌کننده است. لذا شما می‌بینید، هفده سال بعد از پیروزی انقلاب و بعدازاین همه فشار و تبلیغات و این‌همه موذی گری و خباثتی که دشمنان از خارج و ایادی آن‌ها در داخل انجام

۱۱۱ – همان
۱۱۲– بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۱۳۶۸/۴/۶
۱۱۳– بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۱۱۴ – بیانات در جمع بزرگ بسیجیان تبریز ۱۳۷۲/۵/۸
۱۱۵– بیانات در دیدار فرماندهانِ نواحی، پایگاه‌ها و گردان‌های بسیج سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸

می‌دهند؛ وقتی زمان حضور مردم در بیست و دوم بهمن و روز قدس و ایام انتخابات و اعلام موضعِ عمومی فرامی‌رسد، مردم مثل کوه استوار می‌ایستند. این، از برکات بسیج است.[۱۱۶]

بسیج، یکی از نیروهای مسلح نیست. بسیج، متن ملتی است که در مراکز نظامی و صنعتی و اجتماعی و دینی و آموزشی حضور دارد. این‌طور نیست که ما ارتش و سپاه داریم و یک نیروی مسلح دیگر هم به نام بسیج داریم؛ خیر.[۱۱۷]

بسیج، امید دنیای اسلام.

امروز چشم امید دنیای اسلام، به جوانان غیورو بسیجی در سراسر کشورهای اسلامی است که از کیان اسلام دفاع کنند و نقش تاریخی خود را ایفا نمایند.[۱۱۸]

بسیج، از آیات الهی

بسیج، مثل خود انقلاب از آیات الهی است. جنس بسیج هم از جنس انقلاب است. خصوصیاتی که انقلاب اسلامی را در همه‌ی تاریخِ انقلاب‌ها ممتاز می‌کرد، تأثیرات آن را در اعماق دل‌های مردم، در کشورهای دیگر عمق می‌بَخشید؛ این خصوصیات در این مجموعه‌ی عزیز و گران بهائی که نامش بسیج است، وجود دارد. همچنانی که انقلاب یک پدیده‌ی بی‌سابقه بود، بسیج هم یک پدیده‌ی بی‌سابقه بود.[۱۱۹]

در میدان سیاست هم مردمی بودن، در میدان سازندگی هم همین‌جور، در میدان مدیریت کلان کشور هم مردمی بودن، عنصر مردمی بودن. انقلاب مردمی است، بسیج هم مردمی است.[۱۲۰]

بسیج، ذخیره‌ی الهی

بسیج مردمی، پشتوانه‌ی عظیم و بابرکتی است که ارزش بی‌بدیل خود را در میدان‌های گوناگون به اثبات رسانده است. به این ذخیره‌ی الهی باید به چشم تکریم بنگرید و آن را در عرصه‌ی سازمان‌دهی و آموزش و انضباط، روزبه‌روز به‌پیش برید.[۱۲۱]

مایه‌ی امید و دلگرمی ملت و رهبر

بسیجیان جوان، گل‌های بوستان انقلاب، نیروی حیات‌بخش انقلاب و مایه‌ی امید و دلگرمی ملت و رهبر انقلاب‌اند. امروز از این قدرت سر برآورده از متن مردم و جوشیده از دل انقلاب، هراسی در دل دشمنان خانه کرده است. چراکه می‌دانند نسلی که امروز با شرکت در بسیج،

۱۱۶- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸
۱۱۷- دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۷/۵
۱۱۸- پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۷۲/۲/۲۸
۱۱۹- بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹
۱۲۰- بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۱۲۱- پیام به گردهمایی فرماندهان سپاه ۱۳۷۰/۶/۲۵

چنین آگاهانه و عاشقانه از حریم انقلاب پاسداری می‌کند، فردا همچون توده‌ی فولادی آبدیده، در برابر آنان قرار خواهد گرفت و سد راه مطامع آنان خواهد شد.[۱۲۲]

نمونه‌ی جوانمردی و فتوت و ایثار

اینک شما بسیجیان که بنیانی مرصوص در دفاع از انقلاب اسلامی بنا نهاده‌اید؛ بدانید که حرکت قهرمانانه‌ی شما برای همیشه در صفحات تاریخ جوانمردی و ایثار ثبت شده است و اگر همه‌ی وجود دشمنان اسلام چنگ و ناخن شود، نخواهد توانست نام عزیز و مبارک شمارا از صفحات تاریخ بزداید. شما نمونه‌ی جوانمردی و فتوت و ایثار و دلاوری در تاریخ می‌باشید؛ چه دشمن بخواهد چه نخواهد؛ و اگر من امروز جملاتی به‌صورت توصیه در این پیام به شما می‌گویم، ازاین‌روست که از صمیم دل می‌دانم شما درراه تعالی و پیشرفت، هر توصیه‌ی برادرانه را با صمیمیت و پشتکار به کار خواهید بست.[۱۲۳]

بسیج، به معنای حقیقی کلمه، یک پدیده‌ی انقلابی است و باید این کشور و این ملت و این انقلاب، این پدیده را همیشه جدی بگیرد و قدر بداند.[۱۲۴]

امروز مجموعه‌ی بسیج عظیم مردمی، بسیج مستضعفان در کشور ما یک حقیقت روشن و آشکار است. شما یک مجموعه‌ای هستید از بوستان عظیم بسیج در کشور؛ این بوستان را امام بزرگوار ما به وجود آورد و با کلمات خود و منش خود آن را آبیاری کرد. این نهال‌ها بحمدالله روزبه‌روز بالنده‌تر و مثمرتر شده است. امروز بسیج در کشور ما یک حقیقت عظیم و غیرقابل‌انکار و بی‌نظیری است. درست است که تبلیغات دشمنان و به‌تبع آن‌ها منادیان طرفدار آن‌ها در داخل کشور، سعی می‌کنند بسیج را کوچک کنند، تحقیر کنند و به بسیج اهانت کنند؛ این‌ها به خود کلام خدا هم اهانت کردند، به خود پیغمبر هم اهانت کردند. چیزی که در باطن خود دارای عظمت و درخشندگی است، با اهانتِ اهانت‌کنندگان و تهمتِ تهمت‌زنندگان نه کوچک می‌شود، نه از درخشندگی آن کاسته می‌شود. بسیج امروز در کشورِ ما یک حقیقت عظیم و درخشنده است؛ نمونه‌ای هم دیگر ندارد.[۱۲۵]

بسیج، رمز پایداری و ماندگاری و عزت ملی

هفته‌ی بسیج هم یک مقطع مهم است؛ یک یادبود بزرگ است. خوب، هفته‌های زیادی را اعلام کردند، داریم در طول سال؛ اما این‌یکی یک امتیازات استثنائی دارد؛ چرا؟ چون خود بسیج یک استثناء است؛ یک حادثه‌ی بی‌نظیر است. این‌که در یک کشور، از یک حقیقت، از یک نظام، مردم با همه‌ی وجود خودشان، با بهترین عناصرشان، با مؤمن‌ترین انسان‌هایشان دفاع کنند و

۱۲۲- پیام در چهارمین سالروز تشکیل بسیج مستضعفان ۱۳۶۲/۹/۴
۱۲۳- همان
۱۲۴- بیانات در دیدار فرماندهان نیروی مقاومت بسیج ۱۳۶۹/۹/۱
۱۲۵ - بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴

حدومرزی در عرصه‌های مختلف جهاد و دفاع نشناسند، در جای دیگری من سراغ ندارم؛ لااقل در این دنیای نزدیک به زمان خودمان – که دنیای انقلاب‌ها و تحول‌ها و نظام‌های گوناگون بوده – بنده چنین چیزی را سراغ ندارم؛ این مخصوص انقلاب ماست؛ و این دل نورانی امام بزرگوار ما بود که به این حقیقت دست‌یافت و به الهام الهی و به کمک الهی این را تَحقق بخشید و زمینه‌ی عظیم دل‌های منور مردم مؤمن، یک چنین محصولی را به انقلاب داد. بسیج این است؛ وقتی با حقیقَت معنا به بسیج نگاه شود، بسیج رمز پایداری و ماندگاری و عزت ملی است.[۱۲۶]

زبده جوانان این روزگار

شما جوانان بسیجی و سپاهی و جوانان مؤمن که آگاهی را بااحساس مسؤولیت و شور و شعور همراه کردید. شما صَفوه و زبده جوانان این روزگار و جامعه ما هستید؛ کما این‌که جوانان کشور ما، امروز مجموعاً بهترین جوانان کشورهای جهان – تا آنجایی که ما می‌شناسیم – هستند.[۱۲۷]

ه. رابطه امام و بسیج

پایه‌گذاری بسیج، به‌وسیله امام

هفته بسیج، در حقیقت فرصتی برای ارائه حرکت عظیمی است که به‌وسیله امام بزرگوار راحل، در این کشور، پایه‌گذاری شد و این حرکت، در این منطقه اسلامی و دینی، برای دیگر ملت‌ها هم انشاءالله الگو و سرمشق خواهد شد. از حوادث زودگذری که گاهی براثر تبلیغات خصمانه دشمنان، در افکار عمومی ملت‌ها به وجود می‌آید و مانع و عایقی برای الگو گیری ملت ها می شود، بگذرید. حرکت ماندگار، این است. «الم تر کیف ضرب‌الله مثلا کلمهٔ طیّبهٔ کشجرهٔ طیّبهٔ اصلها ثابت».[۱۲۸]

بسیج، گنج بی پایان امام برای کشور

بسیج، یکی از برکات انقلاب و از پدیده‌های بسیار شگفت‌آور و مخصوص این انقلاب است؛ این هم یکی از آن گنجینه‌های معنوی بی‌پایانی است که، امام بزرگوار ما بادید الهی خود و با حکمتی که خدای متعال به او ارزانی کرده بود، برای کشور و ملت و انقلاب ما به یادگار گذاشت.[۱۲۹]

بسیج، نتیجه بصیرت نافذ و تدبیر حکیمانه امام

بسیج، یکی از معجزات انقلاب و از کارهای عظیمی بود که امام بزرگوار ما با آن دید و بصیرت نافذ و تدبیر حکیمانه‌ی الهی، این نهال برومند و پُرثمر و مبارک را به وجود

۱۲۶– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴
۱۲۷ – بیانات در دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۱۳۷۸/۶/۱۰
۱۲۸– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰
۱۲۹ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

آورد. بسیج در آن روزی که بافرمان امام بزرگوار، در سرتاسر کشور اسلامی مانند گیاه معطر و مبارکی شروع به رویش کرد، کشور نهایت نیاز را به یک حرکت عمومی و برخاسته‌ی از ایمان و اخلاص و صفا داشت؛ این پاسخ به یک نیاز حقیقی بود.[۱۳۰]

وجود بسیج، یکی از معجزات انقلاب است. این ابتکار امام بزرگوار ما، آگاهی او را، حکمت او را، اتصال دل نورانی او را به اراده‌ی الهی، به حکمت الهی، نشان می‌دهد. بسیج یک‌پایه‌ی مستحکمی برای انقلاب شد.[۱۳۱]

حکمت امام بزرگوار ما، در خیلی از مسائل آشکار شد. این، یکی از برجسته‌ترین آن مسائل است. بدون این‌که بخواهیم نسبت به زحمات نیروهای مسلح سازمان‌دهی شده منَظم نظامی – که حقیقتاً در کشور ما، سپاه و ارتش، دونیروی مسلح کارآمدِ ارزشمند هستند و زحماَت عظیمی هم کشیده‌اند و خدمات بزرگی هم کرده‌اند – تردیدیَ به ذهَن بیاوریم؛ باید عرض کنیم که عمده کار در هر حرکت نظامی، پشتیبانی مردم است و این پشتیبانی – که در کشور ما، به شکل بسیج بود – هر جا باشد، در نبرد نظامی و هر نبرد دیگر، داروی شفابخش ضعف‌ها و هزیمت‌ها و عقب‌ماندگی‌هاست.[۱۳۲]

بسیج، سرچشمه گرفته از حکمت الهی امام

بسیج، یک حرکت عجیب و بی‌نظیر بود که در انقلاب اتفاق افتاد. این هم برخاسته و سرچشمه گرفته از آن سرچشمه‌ی حکمت الهی بود که خدای متعال در دل آن مرد بزرگ – آن امام بزرگوار – به ودیعه گذاشته بود. امام حکیم بود؛ حکیم به معنای واقعی؛ ما گاهی تعبیر حکیم را برای آدم‌های کوچک به کار می‌بریم؛ لیکن او به معنای واقعی کلمه حکیم بود. «و من یؤت الحکمۀ فقد اوتی خیرا کثیرا»؛ خدای متعال به او حکمت داده بود.[۱۳۳]

وجود بسیج، یکی از معجزات انقلاب است. این ابتکار امام بزرگوار ما، آگاهی او را، حکمت او را، اتصال دل نورانی او را به اراده‌ی الهی، به حکمت الهی، نشان می‌دهد. بسیج یک‌پایه‌ی مستحکمی برای انقلاب شد.[۱۳۴]

استفاده از نیروی ایمان و عشق، در سازمان‌دهی بسیج

اگر بسیج نیروهای مردم نمی‌بود و امام بزرگوار، از نیروی ایمان و عشق مردم، در سازمان‌دهی این عناصر مؤمن و نورانی در سراسر کشور – اقوام مختلف و مرزداران و عشایر و جوانان و دانشگاهیان و روحانیون و دانش آموزان و پیرمردان وزنان و دختران جوان و سایر اقشار ملت

۱۳۰ – بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱
۱۳۱– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی صالحین ۱۳۹۱/۹/۱
۱۳۲– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰
۱۳۳– بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲
۱۳۴– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی صالحین ۱۳۹۱/۹/۱

– استفاده نمی‌کرد و این انبوه عظیم نیروی فعال را به وجود نمی‌آورد، بدون شک جمهوری اسلامی نمی‌توانست در مقابل این‌همه توطئه و خباثت و دشمنی و سنگ‌اندازی، مقاومت کند.[۱۳۵]

بسیج، ماندگارترین یادگار امام

شاید بشود گفت که در میان یادگارهای ارزشمند باقی‌مانده از امام عزیز و عظیم القدر ما، یادگاری که از همه بیشتر گسترش دارد، بسیج است. عظیم‌ترین و ماندگارترین یادگار آن بزرگوار، همین بسیج مردمی است که در همه‌جا حضور دارد؛ در همه‌ی فعالیت‌ها می‌تواند پیشرو باشد و روحیه‌ی بسیجی را نشان دهد. باید هم همین‌طور باشد.[۱۳۶]

بسیج، نتیجه اعتماد متقابل امام و مردم

از دل امام یک حقایقی سرریز می‌شد و سرازیر می‌شد؛ ازجمله، همین مسئله‌ی بسیج بود؛ که امام از روز اول پیروزی یا حتی قبل پیروزی، با کشاندن مردم به عرصه، با گذاشتن بار حرکت به دوش مردم، با اعتماد به مردم، پایه‌ی بسیج را گذاشت. به مردم اعتماد کرد؛ مردم هم به خودشان اعتماد پیدا کردند؛ اعتمادبه‌نفس پیدا کردند؛ اگر امام به مردم اعتماد نمی‌کرد، مردم هم به خودشان اعتماد نمی‌کردند. پایه‌ی بسیج همان‌جا گذاشته شد.[۱۳۷]

بسیج، رویش بذر مبارک در همه‌ی زوایای کشور

دست قدرتمند امام، بذر بسیج را در سرتاسر این کشور پاشید – بدون این‌که برای تحلیلگران، سیاسیون سابقه‌دار و حتی انقلابیون قدیمی و مخلص، قابل پیش‌بینی باشد – و این بذر مبارک در همه‌ی زوایای کشور رویید، بالید و ثمربخش شد.[۱۳۸]

رابطه‌ی ویژه امام با بسیج

آنچه مهم است، این است که بسیج فقط شور و هیجان نیست؛ بسیج مظهر خصوصیات مثبت بسیاری است. اگر می‌بینید که امام بزرگوار نسبت به بسیج یک رابطه‌ی ویژه‌ای از خود نشان می‌داد و اگر می‌بینید که همه‌ی کسانی که به سرنوشت این کشور و این نظام علاقه‌مند و دل‌بسته هستند، بسیج را گرامی می‌دارند، این به خاطر همان خصوصیات ویژه است.[۱۳۹]

امام، محبوب بسیجیان کشور

من از امام بزرگوار راحلمان که معلم و امام و محبوب بسیجیان کشور، بلکه محبوب همه‌ی

۱۳۵– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰
۱۳۶– بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷
۱۳۷– بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲
۱۳۸– بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱
۱۳۹– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶

انسان‌های پاک نهادی بود که دل آنان در هر نقطه دنیا، به یاد یک معنویت و حقیقتی می‌تپید؛ مثالی برای شما بزنم. عزیزان من! امام، آن کاری که کرد – و عظیم‌ترین کاری بود که ما در زمان معاصر و نزدیک خودمان سراغ داریم – به برکت اخلاص بود؛ اخلاص! اگر اخلاص نبود، شخصیت عظیم و جوهر مستحکم امام هم برای این‌که این کارها را پیش ببرد، کافی نبود.[۱۴۰]

حرکت بسیج، یک حرکت خردمندانه و استوار

مسئله این است که ریشه و پایه، سالم و محکم و استوار باشد؛ حرکت بسیج، از این قبیل است. علی‌رغم اظهارات خصمانه دشمنان جمهوری اسلامی – که هر هنری هم این ملت دارد، آن‌ها سعی می‌کنند با چشم بدبینی به آن نگاه کنند و آن را عیب معرفی نمایند – و به کوری چشم آن‌ها، حرکت بسیج، یک حرکت خردمندانه و منطقی و استوار و کاملاً حکیمانه است.[۱۴۱]

امام، پدری مهربان برای بسیج

این حرف درستی است که بسیج بیست‌میلیونی پُرشور و بااخلاص کشور، پدر مهربانی را از دست داد. حقیقتاً رابطه‌ی بین شما و آن قلب منور و پر عطوفت، رابطه‌ی پدر و فرزند بود. شاید هیچ‌وقت اتفاق نمی‌افتاد که در حضور آن بزرگوار، از بسیج و فداکاری‌های جوانان مؤمن و بااخلاص میدان‌های جنگ و صحنه‌های انقلاب صحبت شود و آن بزرگوار از این حرکت پُرشور مردمی، با رقت و عطوفت یاد نکنند. گاهی افرادی در شمار بسیجیان عظیم و انبوه خدمت امام (ره) می‌رسیدند و آن پدر عزیز، پاسخ محبت‌آمیز و پدرانه به آن‌ها می‌دادند.[۱۴۲]

انتظار امام از بسیج

الف. تداوم راه و اجرای وصیت امام

شاید بشود با اطمینان گفت که هم‌اکنون روح مقدس امام، ناظر بر احوال جامعه‌ی ما و متوجه فرزندان خود است. این ملت، فرزندان او بودند. به‌راستیٍ آن بزرگوار از ما و فرزندانش چه توقعی دارد؟ نکته‌ی اصلی اینجاست. عزاداری لازم است؛ اصلاً دست خود ما نیست. مگر می‌توانیم بر این مصیبت نگرییم و احساسات جوشان خودمان را نسبت به آن عزیز یگانه، سرپوش بگذاریم؟ این‌ها به‌جای خود محفوظ است؛ اما اصل قضیه، تداوم راه و اجرای وصیت اوست. اگر امروز او زنده بود، از ما چه می‌خواست؟ این مهم است که خواسته‌ی او را جامه‌ی عمل بپوشانیم.[۱۴۳]

ب. تحقق هدف‌ها و آرمان‌های امام

بدنه و زبده‌ی ملت، همان «بسیج» است. شما در هر سن و از هر قشری – نوجوان سیزده‌ساله تا پیرمرد نودساله – و در هر نقطه‌ای از کشور که زندگی می‌کنید، دائم با خودتان حدیث نفس

۱۴۰ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
۱۴۱– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰
۱۴۲– بیانات در مراسم بیعت بسیجیان نمونه‌ی کشور. ۱۳۶۹/۴/۶
۱۴۳– همان

کنید و از خودتان بپرسید که امام عزیز و محبوب از من چه می‌خواهد؛ و آیا آنچه را که او از من توقع دارد، انجام می‌دهم یا نه؟ این خط مستقیم، ما را هدایت خواهد کرد تا هدف‌ها و آرمان‌های امام عظیم‌الشأن را محقق کنیم.[۱۴۴]

ج. آمادگی و حضور دائمی

انتظاری که امام از بسیج داشت، آمادگی و حضور دائمی بود؛ زیرا بسیج، پشتوانه‌ی اصلی انقلاب است. نیروهای ما (ارتش و سپاه) بحمدالله نیروهای خوبی هستند. هرکدام از آن‌ها محسناتی دارند که در هیچ نیروی مسلح دیگر دنیا، این برجستگی‌ها را نمی‌بینیم. سپاه، نیروی انقلابی پُرشور و آزمایش داده و تجربه‌شده‌ای است که ده سال در میدان‌های نبرد، جمهوری اسلامی را سربلند کرد و خود، میوه‌ی درخت انقلاب بود و هست.[۱۴۵]

بسیج، فتح‌الفتوح امام

هنر امام این بود؛ آن بزرگوار، در جامعه‌ای که دشمن پنجاه، شصت سال به‌طور مستقیم و غیرمستقیم روی آن کارکرده بود تا آن را به لجنزار فساد بکشاند، کارکرد و جوانانش را مثل گل، پاک و پاکیزه تربیت کرد. خود آن بزرگوار فرمود: این، فتح‌الفتوح است. بله، فتح‌الفتوح امام: ساختن جوانان مؤمن، مخلص، سالم، صادق، بی‌اعتنای به شهوات و دل هایشان متوجه به سمت خدا بود. در طول تاریخ، در این مملکت و یا در سایر ممالک اسلامی، ما چه موقع این‌قدر جوان خوب و صالح، مثل دوران انقلاب داشتیم؟[۱۴۶]

بسیج تجلی هنر امام

این هم هنر امام بود؛ امام (رضوان الله علیه) بسیج را تشکیل داد از متن مردم. بسیج، چیزی جدای از مردم نیست؛ بسیج، همین انسان‌های موجود در اقشار مختلف مردم‌اند –در دانشگاه‌اند، در مزرعه‌اند، در بازارند، در دستگاه‌های گوناگون مسئول و غیرمسئول‌اند– امّا بسیجی‌اند، جزو مجموعه‌ی بسیج‌اند. بسیج درواقع یک انتخاب ویژه از میان آحاد ملت است؛ یک نماینده از مجموعه‌ی ملّت است؛ بسیج این است. این را امام (رضوان‌الله علیه) تشکیل داد و روزبه‌روز توسعه پیدا کرد؛ از آن‌ها چیزهای عجیب و عظیم و برجسته‌ای بُروز کرد. خیلی از این سرداران سپاهی ما –که یا شهید شدند، یا زنده‌اند بحمدالله که از آن‌ها چیزهای شگفت‌آوری می‌شنوید یا می‌خوانید در نوشته‌جات– این‌ها بسیجی‌اند؛ این‌ها اوّل به‌عنوان بسیج وارد شدند، موظّف نبودند؛ به‌عنوان بسیجی وارد میدان دفاع مقدّس شدند و استعداد این‌ها بُروز کرد و تبدیل شدند به سرداران بزرگی مثل شهید باقری، مثل شهید کاظمی، مثل شهید بروجردی و دیگران و دیگران و دیگران؛ این در عرصه‌ی جنگ. در عرصه‌ی علم هم همین‌جور؛ بسیاری از این افرادی که در عرصه‌ی علم و فنّاوری کارهای بزرگ انجام دادند، یا سابقه‌ی بسیجی دارند، یا خودشان

۱۴۴– همان
۱۴۵– همان
۱۴۶– بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵

الآن بسیجی‌اند؛ ولو اسمشان هم در فهرست سازمان بسیج نوشته‌نشده باشد، [ولی] خودشان را بسیجی می‌دانند؛ همین شهدای هسته‌ای –رضایی‌نژاد، احمدی روشن، شهریاری، علی‌محمدی، دیگران، دیگران– همان‌هایی که در مسائل فنی فوق‌العاده‌ی هسته‌ای نقش‌آفرینی کردند که ما این‌ها را از نزدیک دیده‌ایم، این‌ها همه درواقع عناصر بسیج‌اند.[۱۴۷]

سازماندهی بسیج، نوآوری امام

سازمان‌دهی بسیج، یکی از نوآوری‌های امام بزرگوار بود. سازمانی به نام بسیج، بعدازآنکه بسیج عبارت بود از مجموعه‌ی انگیزه‌های مقدس و احساس مسئولیت و تعهد، آن را در قالب یک سازمان درآوردن، این جزء ابتکارات ماندگار امام بزرگوار بود. ما دیدیم برخی از سران کشورهای اسلامی نسبت به این قضیه با صراحت اظهار کردند که این کارِ بسیار بزرگی است. حقیقتاً هم کار بزرگی بود که امام انجام دادند.[۱۴۸]

تشکیل بسیج از افتخارات بزرگ امام

یکی از افتخارات انقلاب اسلامی و به‌خصوص از افتخارات بزرگ امام راحل عظیم‌الشأن ما (رضوان‌الله)، تشکیل ارتش بیست‌میلیونی بود. این ارتش (بسیج)، جای خودش را در افکار عمومی مردم دنیا باز کرده است. تقریباً در طول دوازده سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته است، نیروی عظیم بسیج توانسته در میدان‌های پُرخطر، وظیفه‌های سنگینی را بر عهده بگیرد و کارهایی را که گاهی از هیچ عنصر دیگری ساخته نبود و برنمی‌آمد، انجام بدهد.[۱۴۹]

این حرکت عظیم بسیج، این اقدامی که امام در سازمان‌دهی بسیج کرد (مطالبه‌ی سازمان‌دهی بسیج را امام کرد، ارتش بیست‌میلیونی را امام مطرح کرد)، یکی از همان کارهای معجزه‌آسای انقلاب بود که امام انجام داد. ... امام یک چنین ابتکاری را کرد؛ لذا در آذر ۵۸ امام بسیج را اعلان کردند، تشکیل دادند. تا آخر عمر هم امام نسبت به بسیج، همین نگاه اهتمام‌ورزانه را داشتند. «بسیج مدرسه‌ی عشق است»، «مکتب شاهدان و شهیدان گمنام است»، «بسیج لشکر مخلص خداست»؛ این‌ها تعبیرات امام بزرگوار است. این نشانه‌ی درست شناختن نیاز این کشور و این ملت و این نظام است در حال و آینده؛ این‌یک چیزی است که همیشه به آن احتیاج است؛ پنجاه سال دیگر هم همین نیاز وجود دارد.[۱۵۰]

بسیج، لطف الهی نسبت به امام

بسیج، یکی از آیات قدرت الهی است که خدای متعال به آن بنده‌ی صالح، به آن مرد بزرگ، به آن شخصیت کم‌نظیر یا بی‌نظیر تاریخ اسلام بعد از ائمه (علیهم‌السلام) عطا کرد. فکر پردازش بسیج عمومی، بسیج مستضعفین، که امام بزرگوار آن را مطرح کرد و عمل کرد و با همه‌ی توان

۱۴۷ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴
۱۴۸– بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۴
۱۴۹– بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵
۱۵۰– بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲

پشت سرِ این فکر ایستاد، این نهال را آبیاری کرد تا تبدیل شد به شجره‌ی طیبه‌ای که «تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربّها»، یکی از الطاف الهی نسبت به آن مرد بزرگ و آن بنده‌ی صالح و آن عبد خاشع پروردگار بود. چشم بابصیرت امام این نشانه‌های قدرت و اعانت الهی را می‌دید. عیب ماها این است که گاهی کمک‌های الهی را لمس می‌کنیم، اما آن‌ها را درست نمی‌بینیم؛ تشخیص نمی‌دهیم که این چه کمک بزرگی است که خدا دارد به ما می کند؛ اما او می دید.[۱۵۱]

و. آثار و برکات بسیج

بسیج یک گنج بی‌انتها

بسیج یک برکتی است برای نظام جمهوری اسلامی، یک ذخیره است، یک گنج است؛ یک گنج بی‌انتها؛ چون ملّت بی‌انتها است؛ یک گنج است؛ و من به شما عرض بکنم، به توفیق الهی ملّت عزیز ایران این گنجینه‌ی باارزش را اولاً حفظ خواهد کرد، ثانیاً استخراج خواهد کرد، ثالثاً به کمک این همت‌ها و این اراده‌ها و این بصیرت‌ها به اوج تعالی و ترقّی که موردنظرش هست، قطعاً خواهد رسید؛ و دشمنان مجبورند نگاه کنند و تماشا کنند و پیشرفت ملّت ایران را ببینند؛ و کاری از آن‌ها برنیاید.[۱۵۲]

تبدیل سپاه، به یک سازمان رزمیِ کارآمد

یکی از ثمرات عظیم بسیج، این است که به برکت آن، سپاه پاسداران از یک سازمان کوچک و محدود، به یک سازمان رزمیِ کارآمد و وسیع تبدیل شد و توانست آن امتحان‌های سرافراز کننده را در طول دوران جنگ تحمیلی و پس از آن در مقابل چشمِ ملت ایران از خود نشان دهد. اگر این گیاه پُربرکت و پُرثمر در این سرزمین نمی رویید، یقیناً سرنوشت جنگ غیر از آن چیزی بود که پیش آمد.[۱۵۳]

حضور قدرتمندانه در جنگ

جنگ را به ما تحمیل کردند تا بتوانند ملت ایران را تحقیر کنند؛ اما بسیج با حضور قدرتمندانه‌ی خود، عملاً عکس این را نشان داد و ثابت کرد. جنگ را تحمیل کردند تا نظام مبارک جمهوری اسلامی را به ناتوانی در اداره‌ی مرزهای کشور متهم کنند.[۱۵۴]

بسیج، مظهر عشق و ایثار و فداکاری در جنگ

در دوران جنگ تحمیلی، بسیج درخشید. عالی ترین مضامین انسانی، در بسیج معنا شد و تجسم یافت. پُرجاذبه‌ترین جلوه‌های هستی، در بسیج خود را نشان داد. در دنیایی که خودخواهی و خودپرستی و حرص و هوای نفس، اغلبِ حوادث آن را رقم می زند، بسیج مظهر عشق و ایثار

۱۵۱- بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
۱۵۲ - بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴
۱۵۳ - بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱
۱۵۴ - همان

و فداکاری و گذشت و نگاه حکیمانه‌ی یک جوان به عالم وجود شد.[۱۵۵]

ورود بسیج در این جنگ موجب شد که صحنه‌ی جنگ در مقابل چشم حیرت‌زده‌ی همه‌ی مردم دنیا به سود معنویت – که با دست خالی همراه بود، اما سرشار از ایمان بود – رقم بخورد و همه‌ی دنیا در برابر چشم خود ببینند که چطور جوان ایرانی با سرمایه‌ی ایمان، با تکیه‌ی بر خدا، با اعتمادبه‌نفس وارد میدان نبرد می شود، پیچیده‌ترین تاکتیک های جنگی را طراحی می کند و معجزه‌ای مثل فتح‌المبین و بیت‌المقدس در مقابل چشم دنیا می گذارد. تاکتیک هائی که جوان های مؤمن در عملیات بیت‌المقدس – که منتهی شد به آزادی خرمشهر – به کار بستند و طراحی که آن ها کردند تا امروز هم برای آن کسانی که در مقوله‌های نظامی صاحب فکر و نظرند، درس‌آموز است؛ تاکتیک های پیچیده، پرتحرک، دشوار، به حسب ظاهر نشدنی، اما به دست معجزه‌گر جوان مؤمن ایرانی، جوان مبتکرِ متکی به خدا، عملی و شدنی و واقع شده، بی سابقه بود.[۱۵۶]

تبیین مواضع سیاسی نظام

بسیج می‌تواند به دیگران تفهیم کند که مواضع سیاسی جمهوری اسلامی ایران –که امروز ما مواضع رسمی و سیاسی مسئولین دولتی‌مان و دستگاهمان در مورد سوریه، در مورد عراق، در مورد بحرین، در مورد یمن، در مورد فلسطین، مواضع روشن و آشکاری است– منطقی‌ترین مواضعی است که می‌تواند یک انسانِ منصف و عاقل اتّخاذ بکند.[۱۵۷]

ظهور حقایق معنوی در صحنه‌های نبرد

هرچقدر جوان فداکاری که در دوران جنگ تحمیلی به برکت بسیج، مثل پیران سالک راه خدا، حقایق هستی را شناختند و راه به معنویتی بردند که انسان های معمولی با سی سال، چهل سال تلاش نمی توانستند به آن حقایق و چشمه‌های فیاض برسند. آنچه را که ما در تاریخ خوانده بودیم، در زمان خود دیدیم. در جنگ، مجروح تشنه‌ای، آب را از لبان خود بگیرد و به لبان تشنه‌ی مجروح دیگر برساند و او هم به سومی بدهد و هیچ کدام فرصت پیدا نکنند کام تشنه‌ی خود را در هنگامه‌ی شهادت سیراب کنند و به خاطر ایثار، تشنه شهید شوند. هر کس این ها را می خواند، داستان های تمام‌شده‌ی تاریخ به حساب می آمد و فکر نمی کرد قابل تکرار باشد؛ اما صدها و هزارها بار این جلوه‌های فضیلت، به وسیله‌ی جوانان پاک و خالص بسیجی در جبهه‌های جنگ تکرار شد. بسیج مثل ستاره‌ی درخشانی شد؛ هم سرنوشت جنگ را با حضور خود تحت تأثیر قرار داد؛ هم به نیروهای مسلح (ارتش و سپاه) روحیه بخشید و هم توانست در پشت جبهه، کانون های عظیمی از معنویت و عشق و خدمت و ایثار به وجود آورد؛ زن و مرد و

۱۵۵ – همان
۱۵۶–. بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۱۵۷ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴

پیر و جوان به این میدان آمدند و آبدیده شدند.[۱۵۸]

این معنویت، این تکیه‌ی به نیروهای معنوی و ایمانی، این اعتماد به نفس، این شجاعت، این حقیر شدن همه‌ی جلوه‌های ظاهر زندگی مادی، حرکت در راه رضای خدا، در هیچ جا سابقه نداشت؛ همچنانی که خودِ انقلاب اسلامی هم نظیری و سابقه‌ای در تاریخ نداشت.[۱۵۹]

استحکام پایه‌های نظام جمهوری اسلامی

بسیج، با حضور در سازمان های نیروهای مسلح و با فداکاری عمومی، موجب استحکام هرچه بیشتر پایه‌های نظام جمهوری اسلامی شد. معلوم شد که مسأله‌ی دفاع از مرزها در ایران اسلامی، مانند اغلب کشورهای دنیا نیست که فقط متکی به نیروهای سازمان‌یافته باشند – که گاهی ممکن است کارآمد باشند، گاهی هم نباشند– بلکه به اراده‌ی ملت ایران متکی است.[۱۶۰]

سپاه وکمیته انقلاب اسلامی، فرزند بسیج

من می خواهم عرض کنم، اولین تشکیلات مسلحِ نظامی انقلاب که از انقلاب جوشید، در حقیقت فرزند بسیج بود. کمیته انقلاب اسلامی هم، در واقع از بسیجِ نیروها به جود آمد. خودِ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با این همه برکاتی که در طول سالِ های متمادی از آن دیده شد، در واقع فرآورده ای از فرآورده های بسیج نیروهای مردمی است.[۱۶۱]

حفظ اسلام و نظام اسلامی

هر کدام از این صدها و هزارها روزی که شما در جبهه بودید، سازنده‌ی یک عمر تاریخ ملتی است و اگر کسانی مثل شما در آن سنگرها نبودند، امروز از اسلام و نظام اسلامی و اسم و یاد امام، هیچ خبری در این مملکت نبود. هیچ‌کس خیال نکند که این ساعت ها و این روزها هدر رفته و تمام شده و فراموش گردیده است. خیر، هر ساعتی که آن روزها را به وجود آوردند، الان در علم الهی و منشور کرام‌الکاتبین و حافظه‌ی تاریخ این ملت موجودند.

تاریخچه بسیج به گمان بنده، چیزی است که هرگز در تاریخ کشور بزرگِ پرحادثه ما، فراموش نخواهد شد؛ یعنی در یک جنگ چند ساله طولانی – نمی شود گفت هشت ساله؛ چون قبل از این هشت سال هم، نیروی مردمی بسیج، در میدان بود. بعد از آن هم تا امروز بوده است – یک نیروی عظیم مردمی وارد میدان شد و همه معادلات را به زیان حسابگران سیاسی و نظامی دنیا بر هم زد. این نیروی مردمی همان نیروی بسیج است. ... بنده به جرأت می توانم ادعا کنم: اگر حضور مردمی نبود؛ اگر نیروهای بسیج نبودند که در طول این سال های متمادی، از خانه‌ها و

۱۵۸ – بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱
۱۵۹– بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۱۶۰ – بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱
۱۶۱ – بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰

مدرسه‌ها و کارخانه‌ها و ادارات و شهرها و روستاها و از سنین مختلف و از زن و مرد، به سمت صحنه‌ها و میدان هایی که به آن ها نیاز بود، سرازیر شوند، نه در جنگ قادر می شدیم از کشور، آن‌چنان که شایسته است، دفاع کنیم و نه در صحنه‌های دیگری که تا امروز تقریباً هر لحظه در مقابل دشمنان داشتیم، می توانستیم آن قدرت ملی خودمان و پایداری جمهوری اسلامی را به همه دنیا ثابت کنیم. این، بسیج بود که چنین قدرتی را به ما داد.[۱۶۲]

بسیجیان، نعمت خداوند بر مردم

این عمری که شما (بسیجیان) در جبهه صرف کردید و این سال ها و ماه ها و روزهای زرینی که در آنجا حضور داشتید، هر کدام حقیقتاً برکت و نعمتی از طرف پروردگار برای این ملت است.

خیلی خوب و بجا وظیفه‌ی بزرگی را انجام دادید و انجام این وظیفه، نعمت بزرگی از سوی خدا بر شما بود. خوشا به حال شما که موفق شدید وظیفه‌تان را انجام بدهید و بدا به حال کسانی که این وظیفه را نشناختند و از آن سر باز زدند و آن را به بازیچه گرفتند. بدانید که این وظیفه تمام هم نشده است.[۱۶۳]

بسیج، یک حرکت خردمندانه

بسیج به شکل یک مؤسسه و یک سازمان و یک نیرو، وجود و حضور دارد و بعد از این هم، بایستی این چنین باشد. این، یک حرکت خردمندانه بود.[۱۶۴]

تزریق روحیه معنوی در میدان دفاع مقدس و کسب پیروزی

بسیج، در میدان دفاع مقدس از خود حرکتی نشان داد که برای دنیا شگفت آفرین بود. حضور بسیج در میدان های جنگ و دفاع مقدس، هم به عنوان یک عمل نظامی و هم به عنوان روحیه دهی به رزمندگان مستقر در سازمان های نظامی (یعنی ارتش و سپاه) تأثیرات معجزآسایی داشته است. آنجایی که بسیج بود، روحیه و معنویت هم بود؛ طبعاً ایستادگی و مقاومت هم بود و بر اثر آن هم، پیروزی هم نصیب می شد.[۱۶۵]

یقین بدانید اگر بسیج نبود، در مقابل جنگ تحمیلی عراق بر ما، یکی از ننگ های بزرگ تاریخی را برای تاریخمان شاهد می‌بودیم. تنها کلید حل مشکلات جنگ، بسیج بود. حل مشکل جنگ، بدون حضور بسیجی ممکن نبود.[۱۶۶]

بسیج، شجره‌ی طیبه

همین مجموعه‌ی بسیجی بود که به تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجامید. درست

۱۶۲- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۲/۸/۳۰
۱۶۳ - بیانات در دیدار جمعی از رزمندگان بسیجی نمونه‌ی سراسر کشور ۱۳۶۸/۹/۵
۱۶۴- بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰
۱۶۵ - بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج ۱۳۸۴/۶/۲
۱۶۶- بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸

است که بسیج، دنباله‌ی مجموعه‌ی سپاه و منضم در مجموعه‌ی سپاه پاسداران است؛ اما در واقع خود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از همان کسانی تشکیل شد که پیشروان و سابقون در بسیج بودند و آمدند وسط میدان؛ این شجره‌ی طیبه است. لذا در عرصه‌ی کار بزرگی که در این کشور انجام گرفت – یعنی دفاع مقدس – کشور هیچ احساس ضعف نکرد. با این که ما از لحاظ نیروی نظامی، از لحاظ تجهیزات و توانائی‌های عرفی معمولی با دشمنمان که طرف مقابل ما بود، خیلی تفاوت داشتیم – همه‌ی موجودی ما بخشی از موجودی دشمن مقابل ما نمی شد – اما احساس ضعف نکردیم. در همان عین محنت ها در دوران دفاع مقدس، حضور پر شور جوان های این کشور دل ها را لبالب از امید می کرد و کارساز هم بود. بسیج، یک چنین شجره‌ی طیبه‌ای است.[۱۶۷]

فداکاری در روزهای سخت ملت

بسیج مستضعفین که امام آن را بنیاد کرد، سر تا پا روح بود، معنویت بود و جان بود. اتفاق افتاد که آغاز ولادت بسیج نزدیک شد به شروع جنگ تحمیلی که هشت سال این ملت را به دفاع مشغول کرد؛ بنابراین بسیج از اوائل ولادت خود، وارد میدان نبرد شد؛ آن هم نبردی سخت؛ نبردی که یک طرف آن همه‌ی قدرت های بزرگ جهانی پشت سر رژیم متجاوز صدام بودند؛ یک طرف ملت ایران بود و نیروهای مسلح ایران؛ در چنین جنگی بسیج وارد شد.[۱۶۸]

بسیج، بسیج دلهاست؛ بسیج جانهاست؛ بسیج عواطف است؛ بسیج اعتقادات و ایمانهاست؛ و همین است که در روز سخت به کار یک ملت می‌آید. آن روزی که ملت ها دچار مشکلات شوند، آنجا جسم ها فایده‌ای ندارند؛ دل ها باید در وسط میدان باشند، باید خط شکن باشند. آنهائی که خط شکنی کردند، لزوماً جسم های نیرومندی نداشتند؛ دل ها و ایمان های محکمی داشتند که توانستند کوه ها را بشکافند، راه های دشوار را طی کنند، لغزشگاه ها را پشت سر بگذارند و خود را به منزل برسانند. بسیج، یک چنین حقیقتی است؛ این را باید قدر بدانیم. اول، خود بسیجی باید قدر بداند. همین‌طوری که الان در این میثاق‌نامه شنیدیم و این جوانان عزیز از زبان بسیجیان به زبان آوردند، آن ها خدا را حمد کردند، سپاس گذاشتند، برای این که در بسیج عضوند. حقیقتاً همین است؛ باید خدا را شکرگزاری کرد که توفیق بدهد انسان وارد یک چنین مجموعه‌ای بشود.[۱۶۹]

بسیج، اساس فضیلت در همه حوادث

هم در جنگ تحمیلی، هم پیش از آن و هم بعد از آن تا امروز، اساس فضیلت، متوجه به بسیج است. خود حرکت بسیج هم، از روز اول تا امروز، یک حرکت خردمندانه بوده است. به تبلیغات دشمنان که بهترین جوانان ما و فداکارترین و با صفاترین و نورانی ترین عناصر این ملت را، به

۱۶۷- بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۴
۱۶۸- بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۱۶۹- بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴

تعصب و تحجُر رمی می کنند، کاری نداریم. روشن‌بینی، حرکت منطقی و خردمندانه، محاسبات دقیق، کار دقیق و نتایج علمی، جزء خصوصیاتی بوده که از روز اول تا امروز، در بسیج مردمی محسوس بوده است.[۱۷۰]

روحیه بسیجی، همانند شط خروشان و پر برکت

بار دیگر به برکت همت و تلاش و کار مستمر و پر رنجِ دوره سال شما، نام و یاد و روحیه بسیجی، در جامعه اسلامی زنده شد. این جریان مبارک، باید هَمچنان در همه مقاطع و فصول و در همه سال ها، مثل یک شط خروشان و پر برکت و پر فیض، ادامه پیدا کند و جریان داشته باشد.[۱۷۱]

بسیج، همیشه موفق

وقتی این ملت ایستاده است، وقتی این ملت حاضر نیست از آرمان های بلند خود دست بکشد، وقتی این ملت اسیر جوسازی های دشمنان نمی شود، وقتی این ملت با بازی های سیاسی معمول و مرسوم در دنیا قدمش نمی لغزد و از راه مستقیم خود عدول نمی کند، وقتی این ملت پرچم اسلام را با دست های قدرتمند خود بلند می کند و ملت های اسلامی و همه‌ی امت اسلامی را با حضور خود و وجود خود دلگرم می کند؛ این نشان دهنده‌ی این است که بسیج موفق بوده است و موفق خواهد بود و دشمنان بسیج و مراکز و دستگاه هائی که به خاطر دشمنی با انقلاب و با آرمان های انقلاب با بسیج دشمنند، باید اذعان کنند؛ اعتراف کنند که شکست خورده‌اند.[۱۷۲]

تحت تأثیر قرار دادن سرنوشت جنگ

بسیج، مثل ستاره‌ی درخشانی شد؛ هم سرنوشت جنگ را با حضور خود تحت تأثیر قرار داد؛ هم به نیروهای مسلح – ارتش و سپاه – روحیه بخشید و هم توانست در پشت جبهه، کانون های عظیمی از معنویت و عشق و خدمت و ایثار به وجود آورد؛ زن و مرد و پیر و جوان به این میدان آمدند و آبدیده شدند.[۱۷۳]

ما (در جنگ) پیروز شدیم و توانستیم بر دشمنی که شورویِ سابق و ناتو و امریکا از او حمایت می کردند، به او تجهیزات می دادند، به او سلاح شیمیاییِ می دادند، به او کمک های مؤثرِ اطلاعاتی می دادند، فائق بیاییم؛ این به برکت حضور مردم بود؛ یعنی حضور بسیج؛ یعنی جوانانَ بااخلاص.[۱۷۴]

۱۷۰- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰
۱۷۱- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸
۱۷۲- بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۱۷۳- بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱
۱۷۴- بیانات در مراسم صبحگاه رده‌های مختلف نیروی مقاومت بسیج ۱۳۸۴/۶/۲

بسیج، یک نعمت بزرگ

بسیج، یک نعمت بزرگ است که امروز در اختیار ماست. اگر از این نعمت خوب استفاده نشود، کفران شده است. هر نعمتی که کفران بشود، خدای متعال آن کفران کننده را مجازات خواهد کرد و اولین مجازات این است که از آن نعمت محرومش می‌کند.[۱۷۵]

پدیده‌ی ابتکاری و بی‌سابقه

پدیده‌ی بسیج، یک پدیده‌ی ابتکاری است؛ نه به این معنا که در کشورهای دیگر و درجاهای دیگر، نیروهای مقاومت مردمی وجود نداشتند؛ چرا، این‌ها را میدانیم لکن نیروهای مقاومت در کشورهای مختلف دنیا –در غرب و شرق و مانند این‌ها– معمولا مربوطاند به دوران اختناق، دوران فشار، دوران مبارزات؛ بعدازآنکه دوران مبارزات تمام شد، حالا یا خود این گروه‌های مقاومت به قدرت رسیدند یا دیگران با کمک این‌ها به قدرت رسیدند، این نیروی مقاومت تمام می‌شود و این تشکیلات مردمی به پایان می‌رسد؛ در دنیا این‌جور است؛ ... همان‌هایی که به قدرت می‌رسیدند، به آفات قدرت هم دچار می‌شدند؛ این را بنده بالعیان در بعضی از کشورها دیدم؛ ... بنابراین گروه‌های مقاومت، با پیروزی‌ها حل می‌شدند، آب می‌رفتند، تمام می‌شدند. اینکه گروه‌های مقاومت، مثل یک جریان ممتد، مثل یک شط جوشان، در دوران پیروزی بمانند و روزبه‌روز بالنده‌تر بشوند، آگاهی‌هایشان بیشتر بشود، در میدان‌های مختلفی که کشور به آن‌ها احتیاج دارد به‌طور متشکّل شرکت کنند، ازلحاظ کمّیّت و ازلحاظ کیفیت توسعه پیدا کنند، به مفاهیم جدید دست پیدا کنند، در نبردهای نوتولّد یافته بتوانند نقش ایفا کنند، آن‌چنان‌که بسیج ما است، این در دنیا بی‌سابقه است؛ چنین چیزی در دنیا سابقه ندارد.[۱۷۶]

رشد و پیشرفت بسیج

تا امروز بسیج رشد داشته است. پیشرفت بسیج در ابعاد مختلف، همان پیشرفتی است که مورد انتظار هر کسی است که بسیج را می شناخت؛ هم رشد کمی داشته است، هم رشد کیفی و معنوی، هم ایستادگی در مقابل مزاحم ها و معارض های مؤثر در دل انسان و تکان‌دهنده‌ی دل انسان؛ یعنی وسوسه‌ها. بسیج در این زمینه‌ها امتحان خود را داده است.[۱۷۷]

بسیج، ارتش بی‌رنگِ بی‌ادعای همه‌گیر در سطح کشور

در واقع سپاه پاسداران از بسیج روئید؛ جهادسازندگی از بسیج روئید؛ ولو سازمان بسیج یک سازمان مدونی مثل سال های بعد نبود، اما فرهنگ بسیج، حرکت بسیج و حقیقت بسیج، منشأ خیرات عظیمی در کشور، در جامعه‌ی ما و در نظام اسلامی شد. بسیج یک چنین حقیقتی است.

۱۷۵– بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه و بسیج ۱۳۷۹/۲/۱۷
۱۷۶ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴
۱۷۷ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲

بسیج در واقع، یک ارتش بی‌رنگِ بی‌ادعای همه‌گیر در سطح کشور است؛ و این ارتش برای مبارزه‌ی در همه‌ی عرصه‌هاست؛ نه فقط در عرصه‌ی نظامی.[۱۷۸]

تربیت جوان مؤمن و پارسا

در کجای دنیا، این همه جوان مؤمن و پارسا دیده می شود و وجود دارد؟ هیچ جا این گونه نیست. این، از برکات بسیج است؛ بنابراین، در حقیقت بسیج یک فرهنگ و یک حرکت فرهنگی است. فرهنگ بسیجی، یعنی چیزی که ما برای هر یک از آحاد جامعه اسلامی، آن را آرزو می کنیم. این که می گوییم همه باید بسیجی باشند، معنایش همین است.[۱۷۹]

این حلقات صالحین، از کار های بسیار خوب و برجسته است که گسترش کمی و کیفی آن باید مورد توجه قرار گیرد.[۱۸۰]

یکی از مهمترین و برجسته ترین مظاهر فداکاری، همین شجره طیبه بسیج است، هم قبل از شروع جنگ تحمیلی، هم در جریان دفاع مقدس، این تجربه بسیار دشوار و سخت برای کشور و هم بعد از دفاع مقدس تا امروز، در مقابل چشم دیدیم؛ مسأله بسیج، تجربه بسیج، دارای برکات بسیار بزرگی بوده است و انشاءالله این برکات باید ادامه پیدا کند و ادامه پیدا خواهد کرد.[۱۸۱]

ز. رسالت بسیج

پرچمدار حرکت عظیم معنوی و اخلاقی در جهان

نظام جمهوری اسلامی پرچم معنویت و اخلاق را بلند کرد. برافراشتن پرچم اخلاق، فقط از موضع، موعظه‌گری قابل تأمین نیست؛ با حرکت عظیم و اقتدار ناشی از حضور مردم، این پرچم در دنیا برافراشته شده است. امروز ما در منبرهای عظیم جهانی و بین‌المللی، از عدالت و مظلومیت ملت ها سخن می گوییم و این به برکت نظام جمهوری اسلامی است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، چنین چیزی نبود. حضور مردم و بسیج حقیقیِ دل ها و جسم ها و جان ها می تواند پشتوانه‌ی این حرکت عظیم جهانی باشد. این مسؤولیتِ عظیم بسیج است.[۱۸۲]

حفظ فضای سالم اخلاقی

امروز وظیفه‌ی بسیج، حفظ فضای سالم در کشور و منزوی کردن زشتی و آلودگی و غفلت و ریا و نفاق و شرک است. امروز نسل نوخاسته‌ی کشور، با کمال صفا و پاکی به دنبال حقیقت می دود و تشنه‌ی آن است. در کجای کشور، شما جوانان را می بینید که تشنه‌ی حقیقت و معنویت و فهمیدن و درست فهمیدن نباشند؟ این نسل پُرعددِ امروزِ کشور ما، با صفای ذاتیِ جوانیِ خود

۱۷۸- بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲
۱۷۹- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸
۱۸۰ -بیانات در دیدار بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی صالحین ۱۳۹۱/۹/۱
۱۸۱ - بیانات در دیدار بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی صالحین ۱۳۹۱/۹/۱
۱۸۲- بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱

و با تربیت اسلامیِ جامعه‌ی ما، دنبال حقیقت است؛ اما در کمین این نسل، گرگان درنده و روبهان حیله‌گری هستند. در کمین نسل نوخاسته‌ی جوان ما کسانی نشسته‌اند که می خواهند او را بفریبند، یا بدرند و از بین ببرند.[۱۸۳]

امروز کشور احتیاج دارد که فضای عمومی آن، فضای معروف، اقامه‌ی حق، اقامه‌ی عدالت و میل به معنویت باشد. نظام اسلامی فقط به این اکتفا نمی کند که زندگی اقتصادی و مادی مردم را آباد کند. این یکی از وظایف حتمی اوست؛ اما در کنار این وظیفه، اقامه‌ی معروف، اقامه‌ی روح دینی، استقرار اخلاق اسلامی، استقرار روح برادری و صمیمیت در میان همه‌ی آحاد ملت و احیای روح عزت و استقلال (روحیه‌ای که مانع از آن شود که یک ملت تن به پستی و سستی و ذلت دهد)، نیز جزء وظایف اسلامی است. پیغمبر عظیم‌الشأن اسلام در هر نشست و برخاستی، بر روی یکایک مردمی که با او روبه‌رو می شدند، اثر می گذاشت و انسان ها را، هم در سایه‌ی استقرار نظام اسلامی و هم با تربیت فردی، منقلب و متحول می کرد. تحول انسان، اساس همه‌ی تحولات عالم است.[۱۸۴]

حرکت از روی تدبیر و عقل برای حفظ منافع ملی

ملت ایران، این راه را بر روی ملت های دیگر باز کرده است. این درس و الگوست و چه آن ها بخواهند و چه نخواهند، این الگو در دنیا روزبه‌روز جای خود را بیشتر باز خواهد کرد. ...امروز وظیفه‌ی ما این است که با تدبیر و عقل، دنبال منطق حق خود حرکت کنیم و به خدا توکل نماییم و همه‌ی عواملی را که برای حفظ جهتگیری و حراست از منافع ملی لازم است، به خواست خدا در نظر بگیریم و پیش برویم. ...آنچه که خواهد توانست فضای عالم آفرینش را در اختیار بگیرد، حق است و بنای عالم بر حق است. دل های خود را روزبه‌روز بیشتر با نور معرفت، نور علم، نور حقیقت و نور اخلاق روشن کنید و از خدا کمک بخواهید.[۱۸۵]

حفظ و بالا بردن پایه‌های مجد و عظمت انقلاب

من به شما جوانان عزیز، به شما پسران و دختران بسیجیِ مؤمن، از هر قشری هستید، عرض می‌کنم: عزیزان من! کشور مال شماست؛ کشور متعلق به نَسل جوان است؛ شما باید این کشور را بسازید؛ شما باید پایه‌های مجد و عظمتی را که این انقلاب و دست توانای معمار انقلاب بنا گذاشته است، حفظ کنید و بالا ببرید؛ شما باید با نیروی خود، با اراده‌ی خود، با دانش خود و با ایمان خود، عقب‌ماندگی های چندده‌ساله‌ی دوران قبل از انقلاب را جبران کنید.[۱۸۶]

تداوم رشد و تعالی مجموعه

امروز خوشبختانه در درون مجموعه‌ی بسیج، شخصیت‌های برجسته‌ی علمی، شخصیت‌های

۱۸۳- همان
۱۸۴- همان
۱۸۵- همان
۱۸۶ - بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی یاران امام علی (ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹

هنری، شخصیت‌های اجتماعی، شخصیت‌های سیاسی، فعالان اجتماعی، متنفذین در میان مردم کم نیستند؛ بسیج تا امروز یک مجموعه‌ی انسانی رو به رشد و رو به تعالی بوده است؛ بعد از این هم باید همین باشد.[۱۸۷]

اولویت‌های امروز بسیج

۱. تقوا و طهارت

امروز اولویت‌های بسیج چیست؟ در درجه‌ی اوّل تقوا و طهارت؛ تقوا و طهارت. همه‌ی کسانی که اهل معنا بودند –بزرگان اهل معنا– که ما گاهی خدمت بعضی از این‌ها رسیدیم، توصیه‌شان این بود که گناه نکنید. بعضی‌ها میگویند آقا چه ذکری را بخوانیم که مثلاً فرض کنید خیلی خوب باشد و به مقامات عالی [برسیم]؟ آن‌ها می‌گفتند آقا ذکر پیشکش! گناه نکنید. قدم اوّل این است و اگر این قدم تأمین شد، خیلی از مشکلات شما –مشکلات روحی، مشکلات معنوی و مشکلات مادّی– برطرف خواهد شد. همه در معرض گناهیم، همه در معرض لغزشیم؛ عرض کردم. مراقب باشید. اگر چنانچه این مراقبت را شما داشتید –این مراقبت از خود را که اسم این مراقبت از خود تقوا است. تقوا که در قرآن این‌همه تکرار شده، یعنی همین مراقبت کردن از خود که گناه نکنید که خلاف نکنید– خدای متعال به شما کمک خواهد کرد، شمارا محکم نگه می‌دارد. خود این مراقبت موجب جلب رحمت الهی است، موجب برکت دادن به زندگی است. زندگی انسان، عمر انسان، آنات انسان، ساعات انسان برکت پیدا می‌کند براثر تقوا. این اولین توصیه‌ی من است.[۱۸۸]

۲. بصیرت

توصیه‌ی دوّم بصیرت، بصیرت. این جمله‌ی امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) را من بارها در سخنرانی‌ها گفتم: الا ... وَ لا یَحمِلُ هَذَا العَلَم اِلّا اَهلُ البَصَرِ و الصَّبر.(۷) اوّل اهل بَصَر، کسانی که دید درستی دارند، بصیرت دارند، صحنه را می‌فهمند. بصیرت را روزبه‌روز باید زیاد کرد، صحنه‌ی داخلی را بشناسیم، بدانیم الآن در داخل چه دارد می‌گذرد، کجاها است که انسان گاهی حضور دشمن را احساس می‌کند، کجاها است که می‌تواند انسان در آنجا با خاطرجمع، بادل آرام حرکت بکند. بصیرت؛ جایگاه خودمان را در دنیا بشناسیم؛ ما کجاییم امروز؟[۱۸۹]

۳. آمادگی، کمربستگی، پابه‌رکاب بودن؛

آمادگی، کمربستگی، پابه‌رکاب بودن؛ این هم یکی از شرایط لازم است و توصیه‌های لازمی است که ما به برادران و خواهران بسیجی باید بکنیم؛ آماده باید بود. خیلی ممنون، خیلی ممنون. میدانیم که شما آماده‌اید؛ خیلی خوب، کافی است. شما هم از خودتان یک رفع خستگی کردید،

۱۸۷– بیانات در دیدار پنجاه‌هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصلّای امام خمینی (ره) ۱۳۹۲/۸/۲۹
۱۸۸ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴
۱۸۹ – همان

مدّتی ساکت شده بودید، یک‌خرده شعار دادید، خستگی‌تان برطرف شد؛ حالا توجّه کنید:[۱۹۰]

اساسی ترین کار بسیج

الف. حمایت و دفاع از اصول مسلم اسلامی

از جمله‌ی اساسی‌ترین کارهائی که بر عهده‌ی بسیج است و در بافت درونی هویت بسیج دخالت دارد، عبارت است از حمایت و دفاع از اصول مسلم اسلامی؛ این هم در بیاناَت امام هست؛ اصول تغییرناپذیر اسلامی؛ اینجا بسیج، یک نقش فرادوره‌ای پیدا می کند.[۱۹۱]

ب. مقابله با انحرافات

بسیج نگاه می کند، ببیند که این حرکت عمومی انقلاب و نظام از مسیرِ درست منحرف نشود؛ مراقب است که انحراف به وجود نیاید؛ هر جا انحرافی مشاهده شد، بسیجَ در مقابل آن می‌ایستد. این از جمله‌ی خصوصیاتی است که مربوط به بسیج است؛ یعنی در مقابل انحرافات می‌ایستد.[۱۹۲]

حرکت به سمت اهداف والای انقلاب اسلامی

خط مستقیم به سمت اهداف والای انقلاب اسلامی، بدون هیچ گونه انعطاف و انحراف، از خصوصیات بسیج، این است. این دیگر نگاهی از بالاست، نگاهی فرادوره‌ای است؛ در واقع فرازمانی است. در بعضی از بخش ها ممکن است اشکالاتی پیش بیاید؛ حرکت عمومی باید حرکت مستقیمی باشد. این نگاه، نگاه بسیجی است.[۱۹۳]

امر به معروف و نهی ازمنکر

همه امربه معروف و نهی از منکر کنند. ... این، واجب است. این، مسؤولیت شرعی شماست. امروز مسؤولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست. به من نامه می نویسند؛ بعضی هم تلفن می کنند و می گویند: «مانهی از منکر می کنیم؛ اما مأمورین رسمی، طرف ما را نمی گیرند؛ طرف مقابل را می گیرند!» من عرض می کنم که مأمورین رسمی (چه مأمورین انتظامی و چه مأمورین قضایی) حق ندارند از مجرم دفاع کنند. باید از آمر و ناهی شرعی دفاع کنند. همه دستگاه حکومت ماباید ازآمر به معروف و ناهی از منکر دفاع کند؛ این، وظیفه است. اگر کسی نماز بخواند و کس دیگری به نمازگزار حمله کند، دستگاه های ما از کدامیک باید دفاع کنند؟ از نمازگزار یااز آن کسی که سجاده رااز زیر پای نمازگزار می کشد؟ امر به معروف و نهی از منکر

۱۹۰ – همان
۱۹۱– بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
۱۹۲– همان
۱۹۳– همان

نیز همین‌طور است. امر به معروف هم مثل نماز، واجب است. در نهج‌البلاغه می فرماید: «و ما اعمال البّر کلها و الجهاد فی سبیل‌الله عند الامر بالمعروف و النّهی عن المنکر الا کنفثهٔ فی بحر لجّی.» یعنی امر به معروف ونهی از منکر، در مقیاس وسیع و عمومی خود، حتی از جهاد بالاتراست؛ چون پایه دین رامحکم می کند. اساس جهاد را امربه معروف ونهی ازمنکراستوار می کند. مگر مأمورین و مسؤولین ما می توانند آمربه معروف وناهی از منکر را بادیگران مساوی قرار دهند؛ چه رسد به این‌که نقطه مقابل‌او را تأیید کنند؟! البته جوان حزب‌اللهی هم باید باهوش باشد. باید چشمهایش راباز کند و نگذارد کسی در صفوف او رخنه کند و به‌نام امربه معروف ونهی ازمنکر، فسادی ایجاد نماید که چهره حزب‌الله را خراب کند. باید مواظب باشید. این، به عهده خودتان است. من یقین دارم – و تجربه‌های این چندسال هم نشان داده – تانیروهای مؤمن وحزب‌اللهی برای انجام کاری به میدان می آیند، یک عده عناصر بدلی و دروغین، با نام این ها در گوشه‌ای فسادی ایجَاد می کنند تا ذهن مسؤولین را نسبت به نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی و مردمی چرکین کنند؛ مواظب باشید.[۱۹۴]

مسأله امر به معروف و نهی ازمنکر، مثل مسأله نمازاست؛ یادگرفتنی است. باید بروید یاد بگیرید. مسأله دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف ونهی از منکر کرد؟ البته من عرض می کنم – قبلاً هم گفته‌ام – در جامعه‌اسلامی، تکلیف عامه مردم، امربه معروف ونهی از منکر با لسان است؛ با زبان. اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر تکلیف مسؤولین است. آن ها باید وارد شوند؛ اما امر به معروف و نهی از منکر زبانی، مهمتر است. عاملی که جامعه رااصلاح می کند، همین نهی از منکر زبانی است. به آن آدم بدکار، به آن آدم خلافکار، به آن آدمی که اشاعه فحشا می کند، به آن آدمی که می خواهد قبح گناه را از جامعه ببرد، مردم باید بگویند. ده‌نفر، صدنفر، هزارنفر! افکار عمومی روی وجود و ذهن او باید سنگینی کند. این، شکننده‌ترین چیزهاست. همین نیروهای مؤمن و بسیجی و حزب‌اللهی؛ یعنی همین عامه مردم مؤمن؛ یعنی همین اکثریت عظیم کشور عزیز ما؛ همین هایی که جنگ را اداره کردند؛ همین هایی که از اول انقلاب تا به حال با همه حوادث مقابله کردند، در این مورد مهمترین نقش را می توانند داشته باشند.[۱۹۵]

اقامه‌ی امر به معروف و نهی از منکر

جوانان در محیط خودشان، امر به معروف و نهی از منکر کنند. چرا این واجب (امر به معروف و امر به کار خوب) در جامعه ی اسلامی هنوز اقامه نشده است؟ نگویید به من چه؛ او هم نمی تواند بگوید به تو چه؛ اگر هم گفت، شما اعتنا نکنید. بعضی ها خیال می کنند تا منکری دیده شد باید با مشت به سراغش بروند! نه ما سلاحی داریم که از مشت کارگرتر است. آن چیست؟ زبان، از مشت خیلی کارگرتر و نافذتر و مؤثرتر است، مشت کاری نمی کند. ... حرف بزنید، بگویید، یک کلمه بیشتر هم نمی خواهد؛ لازم نیست یک سخنرانی بکنید. کسی که می بینید خلافی را

۱۹۴ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۱۳۷۱/۴/۲۴
۱۹۵ – همان

مرتکب می شود، (دروغ، تهمت، کینه توزی نسبت به برادر مؤمن، بی اعتنائی به محرمات دین، بی اعتنایی به مقدسات، اهانت پذیرفته های ایمانی مردم، پوشش نامناسب، حرکت زشت)، یک کلمه ی آسان بیشتر نمی خواهد؛ بگویید این کار شما خلاف است. لازم نیست که با خشم همراه باشد. شما بگویید، دیگران هم بگویند، گناه در جامعه خواهد خشکید. امر به معروف و نهی از منکر را اقامه کنید؛ نگذارید در جوامع جوان (چه در مدرسه ها و چه در دانشگاه ها)، کار به فساد بکشد این مراکز برای دشمن هدف است.[۱۹۶]

مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن

فعالیت های توطئه‌آمیز دشمن بر تهاجم فرهنگی علیه ایران اسلامی تمرکز یافته است ، زیرا دشمن می‌داند که انسان های با ایمان، بافت مستحکم نظام اسلامی را تشکیل می‌دهند، اما مجموعه جوان و مؤمن سپاه و بسیج، باید تمامی سعی و تلاش خود را به کار بندد تا تیغ دشمن در این نقطه بُرّندگی نداشته باشد.[۱۹۷]

دفاع از فضیلت ها

کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می کند، یک «تهاجم‌فرهنگی» بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می کند. چه‌کسی می تواند ازاین فضیلت ها دفاع کند؟ جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می‌تواند بایستد و از فضیلت‌ها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلت‌ها دفاع کند! این جوان بااخلاص، می‌تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزش‌های اسلامی می‌تواند دفاع کند. لذا، چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الان هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید. این واجب است. این مسئولیت شرعی شماست. امروز مسئولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.[۱۹۸]

خدمت به محرومان، در قالب اردوهای هجرت

این کارِ اردوهای هجرت و حرکت عظیم بسیج سازندگی، یکی از برکاتش خدمت‌رسانی است که میلیون ها نفر از این خدمت شما، به صورت مستقیم بهره‌مند می شوند. از لحاظ مادی، از لحاظ امور روزمره‌ی زندگی، از لحاظ معنوی و هدایت، بهره‌مند می شوند. شما اگر درس قرآن هم آنجا ندهید، خودِ حضور یک جوان مؤمن و متدین و متشرع در یک مجموعه‌ی روستائی، در بین جوانان، در بین مردم، مظهر مجسم آیه‌ی قرآن است؛ آن ها را به دین، به انقلاب، به معنویت، سوق می دهد. «کونوا دعاة النّاس بغیر السنتکم»؛ شما با عمل خودتان مردم را به

۱۹۶ – حدیث ولایت ج ۸، ص ۱۹۹.
۱۹۷– بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان سپاه و بسیج مازندران با فرمانده کل قوا ۱۳۷۴/۷/۲۴
۱۹۸–بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا، ۱۳۷۱/۴/۲۲

ایمان، به اسلام، به دین، دعوت می کنید.[۱۹۹]

این کارِ اردوهای هجرت و حرکت عظیم بسیج سازندگی، یکی از برکاتش ... خدمت‌رسانی است؛ خَدمت‌رسانی مادی و خدمت‌رسانی معنوی؛ از این مهمتر، خدمتی است که شما به خودتان می کنید؛ استعدادهای درونی خودتان را فعال می کنید؛ به بالقوه‌هائی که در وجود شما هست، فعلیت می بخشید؛ تجربه پیدا می کنید؛ با زندگی مردم آشنا می شوید؛ این حصارهای طبقاتی شکسته می شود؛ واقعیت های زندگی را لمس می کنید؛ در خودتان شعف و بهجت خدمت‌رسانی را احساس می کنید و این احساس را در وجود خودتان زنده می کنید.[۲۰۰]

کسی که لذت خدمت و کار را بچشد، از کار خسته نمی شود. همان طور که در گزارش ها، برادران عزیز گفتند؛ من هم قبلاً در گزارش ها خوانده‌ام؛ جوانی که این لذت را در وجود خودش کشف کرد، از خدمت خسته نمی شود؛ این هم فایده‌ی دوم که فایده‌ی بسیار بزرگی است. فایده‌ی سوم، این است که شما سفیران کار و تلاش خواهید شد. وقتی شما در یک محیطی حاضر می شوید؛ در کویر، در کوهستان، در نقاط دور از دسترس، در میان مردم محروم مشغول کار می شوید؛ جوانی که در آنجاست، از شما الهام می گیرد و شما می شوید سفیر تلاش و کار و خدمت و جهاد و مجاهدت. «من احیاها فکانّما احیا النّاس جمیعا»؛ شما دل ها را زنده می کنید؛ فایده‌ی بزرگی است. فوائد فراوانی در این کار هست. این جریان عظیم را حفظ کنید.[۲۰۱]

ح. ضرورت و اهمیت بسیج

بسیج، پدیده ای بسیار مهم، اثرگذار، بابرکت و آینده‌دار

من بسیج را خیلی مهم میدانم؛ بسیج را یک پدیده‌ی بسیار مهم، اثرگذار، بابرکت و البتّه آینده‌دار [می‌دانم]؛ من معتقدم این تلاش‌هایی که می‌شود، کارهایی که می‌شود، تخریب‌هایی که انجام می‌گیرد، بسیج را سُست نمی‌کند؛ بسیج ان‌شاءالله روز به‌زور ریشه‌دارتر خواهد شد. بسیج یک روز یک نهال باریک و نازکی بود؛ امروز یک درخت تناوری است و بیشتر از این و بهتر از این خواهد شد به فضل الهی، لکن مراقب باشید این درخت تنومند دچار آفت نشود. اینجا من خطابم به شماها است؛ مراقب باشید. گاهی اوقات با ارّه می‌آیند سراغ یک درخت، خب می‌شود جلوی ارّه را گرفت؛ گاهی اوقات آفتی به درون درخت می‌خورد، این علاجش سخت‌تر است.[۲۰۲]

دنیای اسلام، محتاج حرکت بسیجی

کشور ما، ملت ما، انقلاب ما و تاریخ ما به بسیج نیازمند است و بسیج به کیفیت بخشیدن روزافزون به خود، نیازمند است و این کاری هم که شما برادران و خواهران عزیز اشتغال دارید، بخش مسأله ی مربوط به «صالحین» و این طبقات «صالحین»، از کارهای بسیار خوب و

۱۹۹- بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱
۲۰۰- همان
۲۰۱- همان
۲۰۲ - بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴

برجسته است و در طریق همین تکمیل بسیج قرار دارد که انشاءالله روز به روز باید آن را کاملتر کرد. کیفیت ها باید بالا برود؛ البته کیفیت بر کمیت ترجیح دارد، لیکن کمیتِ با کیفیت هم دارای اهمیت است؛ یعنی گسترش سطحی و عرضی همراه با عمق‌یابی، هر دو باید مورد توجه قرار بگیرد. امروز دنیای اسلام محتاج این حرکت بسیجی است.[۲۰۳]

کلید طلائیِ حل بسیاری از مشکلات

بسیج، یک پدیده‌ی شگفت‌آور و رمزآلود و رازآلود و استثنائی نظام جمهوری اسلامی است. این مجموعه خیلی گره‌ها را باز کرده است، در خیلی صحنه‌ها حضَور داشته است، حضور او اثرگذار و تعیین‌کننده بوده است. پس ما در آینده هم به این حضور احتیاج داریم. ... این کلید طلائیِ حل بسیاری از مشکلات آینده، مورد بغض و عداوت آن کسانی است که نمی خواهند آینده، آینَده‌ی خوبی و سرافرازی و موفقیت‌آمیزی برای نظام جمهوری اسلامی باشد؛ لذا می خواهند این کلید طلائی را بشکنند؛ لااقل در چشم من و شما آن را کوچک کنند؛ البته نخواهند توانست. ... شما جزء بسیجید. همه باید افتخار کنند که جزو مجموعه‌ی بسیجی باشند.[۲۰۴]

اساسی ترین کار انقلاب، بر دوش بسیج

هر کس وارد این عرصه شد، باارزش‌ترین افراد جامعه است و باید به این توفیق ، افتخار کند. من هم افتخار می‌کنم که یک بسیجی باشم. به عنوان یک بسیجی، هرجا که انقلاب به وجود من نیاز داشته باشد، حاضرم خدمت کنم. همه باید به این عضویت افتخار کنیم. چون اساسی ترین کار انقلاب را بسیج انجام می‌دهد.[۲۰۵]

حضور مداوم در صحنه

در این مجموعه‌ی عظیم ملی، آنچه که مثل یک شجره‌ی طیبه در این سرزمین طیب و طاهر باقی ماند و ماندگار شد، همین شجره‌ی طیبه‌ی «بسیج» بود. متعهدترین، مشتاق ترین، پرانگیزه‌ترین افرادی که آمدند در این صحنه حضور پیدا کردند، مجموعه‌ی بسیج عظیم نیروهای ما بودند؛ صحنه را هیچ وقت خالی نگذاشتند.[۲۰۶]

بسیج مثل هوا و آب، ضروری است

وجود نیروهایی که بتوانند برای این ملت و این کشور و برای هر فعالیت سازنده و حیاتی در این مملکت امنیت به وجود آورند، برای هر ملتی مثل هوا و آب ضروری است. عده‌ای می خواهند این ها را انکار کنند. نیروهای نظامی و انتظامی و بسیج عمومی مردم ما، مؤمن و با اخلاصند و به عنوان پشتوانه‌ای که هیچ خدشه‌ای در آن راه ندارد، محسوب می شوند. نیروهای نظامیِ

۲۰۳ – بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی صالحین ۱۳۹۱/۹/۱
۲۰۴– بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۴
۲۰۵– بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۱۳۶۸/۴/۶
۲۰۶– بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۴

با اخلاص ما (سپاه و ارتش) الحمدللّه کم نیستند. این ها سازمان های مبتنی بر ایمانند. در این بحثی نیست؛ اما فرق است بین آن نیروهایی که به عنوان وظیفه سازمانی وارد میدان دفاع می شوند، با نیروهایی که به دنبال وظیفه، ایمان و عشق و به دنبال دستور قاطع عواطف برخاسته از اعماق جان وارد میدان می شوند؛ این بسیج است. انکار بسیج، انکار بزرگ ترین ضرورت و مصلحت برای کشور است. ما در میدان جنگ هم اگر بسیج را نداشتیم، کمیتمان لنگ بود. در دوران بعد از پایان جنگ هم اگر بسیج نمی بود و اگر امروز هم نباشد، کمیت این انقلاب و این نظام و همه حرکت های سازنده این کشور لنگ است. انکار بسیج و بی احترامی به آن، یا نابخردانه است، یا خائنانه است. تا زمانی که برای این کشور امنیت لازم است و تا وقتی که این کشور و این ملت به امنیت احتیاج دارد (همیشه؛ چون همیشه احتیاج به امنیت هست) به نیروی بسیج، به انگیزه بسیجی، به سازماندهی بسیجی و به عشق و ایمان بسیجی احتیاج هست.[۲۰۷]

حضور در میدان چالش‌های حیاتی و اساسی

بسیج، یعنی به صحنه آمدن و به میدان آمدن، چه میدانی؟ میدان چالش‌های حیاتی و اساسی، میدان‌ها و چالش‌های اساسی زندگی چیست؟ فقط آن وقتی است که به کشوری حمله شود و مردم آن کشور به صحنه بیایند تا از مرزهای خودشان دفاع کنند؟ البته که نه؟ این فقط یکی از موارد به میدان آمدن است. آن وقتی که هویت ملی و سیاسی یک ملت مورد مناقشه قرار می‌گیرد، جای به میدان آمدن است. آن وقتی که هم به فرهنگ و اعتقادات و باورهای ریشه‌دار یک ملت اهانت می‌شود و آن را تحقیر می‌کنند، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که نسل برگزیده یک ملت احساس می‌کنند از قافله دشمن عقب مانده‌اند و باید علاجی بکنند، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که احساس بشود، پایه‌های یک زندگی مطلوب و عادلانه در کشور، به تلاشی نیاز دارد تا ترمیم و یا استوار شود، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که جبهه‌های فکری و فرهنگی دنیا برای تسخیر ملت‌ها، با ابزارهای فوق مدرن می‌آیند تا ملتی را از سابقه و فرهنگ و ریشه خود جدا کنند و به راحتی آن را زیر دامن خودشان بگیرند؛ جای به میدان آمدن است.[۲۰۸]

نیاز کشور به بسیج

انکار بسیج و بی احترامی به آن، یا نابخردانه است، یا خائنانه است. تا وقتی برای این کشور امنیت لازم است تا وقتی که این کشور و این ملت به امنیت احتیاج دارد؛ یعنی همیشه، چون همیشه احتیاج به امنیت هست؛ به نیروی بسیج، به انگیزه بسیجی، به سازماندهی بسیجی و به عشق و ایمان بسیجی، احتیاج است.[۲۰۹]

کشور به نیروی مقاومت بسیج نیاز دارد؛ اما به بسیج عظیم مردمی، در همه‌ی میدان های

۲۰۷ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۸/۶/۱۰
۲۰۸ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۳/۵
۲۰۹ – بیانات در دیدار با گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۱۳۷۸/۶/۱۰

فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی (آن وقتی که لازم باشد) و نظامی نیز نیازمند است.[۲۱۰]

تضمین آینده ی کشور

اگر بتوانید بسیج را هرچه فراگیرتر کنید و دل های بیشتر و نشاطِ متراکم تری را وارد این صحنه ی عمل بکنید، آینده ی این کشور تضمین شده تر است. روحیه ی بسیجی، یک روحیه یی است که اگر در هر نقطه یی و در هر قشری به وجود بیاید، در آنجا فعالیت و نشاط و حرکت و حیات را مضاعف و چند برابر می کند؛ این معنای بسیج است.[۲۱۱]

ایجاد بسیج، از معجزات نظام

حرکت عظیم، کم‌نظیر یا بی‌نظیر، ایجاد بسیج عمومیِ مردمی و به کار گرفتن نیروهای مؤمن و بازوان توانا َدر بخش های مختلَف، از معجزات نظامَ جمهوری اسلامی است.[۲۱۲]

بسیج، یک ذخیره‌ی تمام‌نشدنی

بدانید که وجود شما برای انقلاب، یک ذخیره‌ی تمام‌نشدنی است. تا وقتی که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی متکی به این احساسات وایمان ها و اخلاص هاست، هیچ دشمنی در هیچ سطحی قادر نیست، به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ضربه وارد کند.[۲۱۳]

حضور بسیجی، حقیقت مؤثر و کارآمد

دشمنان می دانند که حضور بسیجی، واقعیت بسیج، در کشور و در میان ملت ایران، چقدر اهمیت دارد؛ لذا همت می گمارند بر این که، این حقیقت مؤثر و کارآمد و نافذ را مورد تهاجم قرار بدهند. البته این مظلومیت است. مظلومیت، مطلقاً به معنای ضعف نیست. قوی‌ترین انسان های دنیا هم مظلوم واقع شدند. امیرالمؤمنین، نیرومندترین انسان دوران های گوناگون است و مظلوم‌ترین انسان ها هم هست. بنابراین، مظلومیت منافات ندارد با اقتدار. بسیج مظلوم است، ولی مقتدر است، نافذ است، اثرگذار است؛ این اثرگذاری باقی خواهد ماند و باید این را روزبه‌روز، خود عناصر بسیجی و مجموعه‌های بسیجی تقویت و عمیق‌تر کنند. تا بسیج هست، نظام اسلامی و جمهوری اسلامی از سوی دشمنان تهدیدِ نخواهد شد؛ این یک رکن اساسی است. در قضایای مختلف هم، بسیج کارآمدی خود را کاملاً نشان داده است.[۲۱۴]

تشکیل نظام اسلامی، از کارهایی است که ممکن است به نظر یک تحلیلگر، یک نظریه‌پرداز

۲۱۰ – بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱
۲۱۱ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۸۴/۹/۷
۲۱۲– بیانات در جمع نیروهای شرکت‌کننده در مانور بزرگ ولایت ۱۳۷۵/۳/۳
۲۱۳– بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۱۳۶۸/۴/۶
۲۱۴– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴

و یک تئوریسین، از دور، کار ساده‌ای بیاید؛ اما در عمل، متناسب با تأثیراتی که این کار در فضای زندگی جهانی دارد، کاری بسیار دشوار و بزرگ است. همچنان که تشکیل یک حکومت اسلامی (آن‌گاه که به کارآمدی کامل برسد)، از تبلیغات یک قرن دستگاه های استکبار علیه دین و علیه اسلام کارآمدتر است و می‌تواند طلسم پیچیده‌ی دست‌اندرکاران زر و زور را باطل کند و انسان ها را به میزان زیادی در دنیا، به ساحل نجات برساند؛ ادامه و درست راهنمایی کردن و راه بردنِ چنین حکومت و جامعه‌ای، بسیار دشوارتر است. چه کسی می‌خواهد در مقابل این سختی ها و دشواری ها و دشمنی ها و کارشکنی ها، قد علم کند، سینه سپر سازد و لباس مبارزه بر تن بپوشد؟ این کار جز از یک مجموعه‌ی مؤمن، جوان و پُرنشاط (به عنوان موتور این حرکت) ساخته نیست.[۲۱۵]

کارآمدی بسیج، در روز سخت یک ملت

بسیج، بسیج دلهاست؛ بسیج جانهاست؛ بسیج عواطف است؛ بسیج اعتقادات و ایمانهاست؛ و همین است که در روز سخت به کار یک ملت می‌آید. ... بسیج، یک چنین حقیقتی است؛ این را باید قدر بدانیم؛ اول، خود بسیجی باید قدر بداند. همین‌طوری که الان در این میثاق‌نامه شنیدیم و این جوانان عزیز از زبان بسیجیان به زبان آوردند، آن ها خدا را حمد کردند، سپاس گذاشتند، برای این که در بسیج عضوند. حقیقتاً همین است؛ باید خدا را شکرگزاری کرد که توفیق بدهد، انسان وارد یک چنین مجموعه‌ای بشود.[۲۱۶]

پاسداری از هویت ملی و دینی

از بزرگ ترین مسؤولیت های یک مجموعه‌ی بسیج در کشور، این است که از هویت ملی و دینی پاسداری می کند و باید پاسداری کند. بسیج، یعنی حضور در میدان هایی که نظام اسلامی، وظیفه‌ی انسانی و الهی و نیازهای کشور، حضور او را در آن میدان ها لازم می داند و او را به آن ها فرا می خواند. بسیجی، هر یک از آحاد ملت است که در هرجایی که به حضور او نیاز هست، آماده باشد.[۲۱۷]

بسیج، محور دفاع از انقلاب

اما آن چیزی که انقلاب ما (با داعیه‌های بزرگش)، به او تکیه می کند، نیروی «بسیج» است. اگر ما نیروهای بسیج و مردمی را از آن دو نیرو جدا کنیم، ارتش و سپاه نخواهند توانست انقلاب را در ابعاد جهانیش پشتیبانی کنند. محور دفاع از انقلاب، همین آحاد عظیم میلیونی بسیج هستند. بسیج در زندگی معمولی، جزیی از توده‌های میلیونی مردم است؛ اما باید سازماندهی و

۲۱۵ – بیانات در دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶
۲۱۶ – بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴
۲۱۷– بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱

آموزش و بازآموزی داشته باشد. نباید به آموزشی که طی چند ماه داده می شود، اکتفا کرد؛ بلکه بایستی آن را تکرار نمود.[۲۱۸]

امروز هم، عناد و دشمنی استکبار امریکا، سرمایه‌دارهای بزرگ جهانی، رژیم اشغالگر قدس و ارتجاع، ادامه دارد و با آن (نظام جمهوری اسلامی) مخالفت می کنند. انقلاب ما که به پیروزی رسید، نظام جمهوری اسلامی متولد شد. پس، دفاع از این نظام، اولین و مقدس ترین و واجب ترین فرایض ملت ایران است و بسیجی کسی است که سینه‌اش را سپر می کند و با هر وسیله‌یی که در اختیارش باشد، دفاع از انقلاب را به عهده می گیرد؛ چون درحقیقت از اسلام و قرآن دفاع کرده است.[۲۱۹]

بسیج، عامل اقتدار و شکست ناپذیری ملت ایران

یک روزی اگر تجربه‌ای پیش بیاید و ملت مجبور بشود که در مقابل دشمن دست به سلاح ببرد و دفاع نظامی بکند، باز هم همین مجموعه‌ی جوان ها، همین بسیج، همین جوان های شجاع ملت عزیز ما، دلاوری ملت ایران را، ماندگاری ملت ایران را، اقتدار ملت ایران را، شکست ناپذیری ملت ایران را به دشمن نشان خواهند داد.[۲۲۰]

نقش آفرین در حفظ استقلال، غرور ملی و افتخارات ملی

چرا در تبلیغات جهانی و رادیوها به بسیج اهانت می شود؟ بسیج را که در خور تشویق و تعظیم و تحسین است، مورد اهانت و بی مهری قرار می‌دهند؟ چون نقش بسیج را در حفظ استقلال ملی، در حفظ غرور ملی، در حفظ افتخارات ملی، در تأمین منافع ملی و بالاخره از همه در اعتلاء پرچم اسلام و نظام جمهوری اسلامی می‌دانند به جد با بسیج دشمنند، اما دشمنی آنها فایده‌ای ندارد.[۲۲۱]

بسیج، عنصر مؤمنِ انقلابیِ علاقه مند به سرنوشت کشور

اگر روزی دشمنی به کشوری حمله نظامی کند. چه کسی در مقابلش می‌ایستد؟ کسی که از همه به سرزمین خود علاقه‌مندتر است؛ به ملت خود علاقه‌مندتر است؛ به زخارف دنیوی بی‌علاقه‌تر است؛ احساس مسؤولیت بیشتری می‌کند و متعهدتر است. چنین کسی می‌رود دفاع می‌کند. شما دیدید که در دوران جنگ، چه کسانی رفتند دفاع کردند. عمده میدان ما را، بسیج پر کرد. بسیج یعنی همین؛ یعنی عنصر مؤمنِ انقلابی علاقه مند به سرنوشت میهن، علاقه مند به سرنوشت کشور و یک فرد فداکار؛ رفت وسَط میدان و با فداکاری، دشمن را به زانو درآورد.[۲۲۲]

۲۱۸- بیانات در مراسم بیعت بسیجیان نمونه‌ی کشور. ۱۳۶۹/۴/۶
۲۱۹- همان
۲۲۰- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی صالحین ۱۳۹۱/۹/۱
۲۲۱ - بیانات در اجتماع بزرگ بسیجیان ۱۳۷۹/۷/۲۹
۲۲۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۷۱/۵/۲۱

ما انتظار نداریم که دشمن، در جامعه و داخل کشور ما، جاسوس و سرانگشت و ایادی و انسان های خبیث و خود فروخته و منافق نداشته باشد. خیر؛ امروز هم هستند. چه کسی در مقابل آن ها می‌ایستد؟ طبیعی است که عناصر «بسیج»؛ یعنی همان نیرویِ عظیمِ خروشان و زبده ملت مؤمن، در مقابل دشمن و ایادی او می‌ایستد.[۲۲۳]

بسیج، مسأله‌ی اساسی و اصولی انقلاب

مسأله‌ی بسیج، یک مسأله‌ی اساسی و اصولی انقلاب است. اگر شما ملاحظه می کنید که امام بزرگوار ما این‌قدر روی بسیج تکیه می کردند، ناشی از همان فکر اصولی حاکم بر انقلاب اسلامی است. بر اساس آن فکر، اگر بگوییم قوام انقلاب به بسیج است، حرف گزافی نگفته‌ایم. (این) یک واقعیت است و همه باید بر اساس این واقعیت، حرکت و برنامه‌ریزی و پشتیبانی و اقدام کنند.[۲۲۴]

تقویت بسیج، برای آسیب ناپذیری انقلاب

اگر یک انقلاب از طرف مردم مؤمن حمایت شد، بیمه است. این مطلبی است که همه آن را می فهمند. اگر بخواهیم انقلاب و کشور بیمه باشد، جمهوری اسلامی آسیب ناپذیر باشد، باید این شور و شوق، این حرکت عمومی مردم و این بسیج عظیم نیروهای ملت را روزبه‌روز تقویت کنیم.[۲۲۵]

بسیج، بهترین مدافع انقلاب و اسلام

بسیج، در جبهه‌های جنگ، در داخل شهرها و در پایگاه های مقاومت، نشان داد که بهترین مدافع انقلاب و اسلام است؛ حتی دشمنان ما هم به این نکته اعتراف کرده‌اند. آن وقتی که خیل بسیجیان، با ایمان و شور و شوق خود، به سمت هدفی در میدان جنگ سرازیر می شدند، هیچ نیرویی نمی توانست جلوی آن ها را بگیرد. حتی دشمنان ما هم این را در جنگ دیدند؛ چه آن کسانی که جنگ را بر ما تحمیل کرده بودند و چه آن کسانی که به وسیله‌ی ماهواره‌هایشان، صحنه‌های جنگ را ذره‌به‌ذره می دیدند و به دشمنان ما گزارش می کردند. در دنیا، همه دیدند که نیروی سرشار از شور و شوق و عشق به اسلام، چگونه در میدان جنگ، می جنگد. در داخل شهرها هم، از روز اول انقلاب، این پایگاه های مقاومت، سنگر دفاع از انقلاب و اسلام شد و تا امروز هم همین‌طور است.[۲۲۶]

بسیج، عامل دفاع جانانه از انقلاب واسلام

یکی از عوامل دفاع جانانه‌ی از انقلاب و اسلام کیست؟ بسیج، یعنی همین پایگاه های مقاومت

۲۲۳- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۴/۹/۸
۲۲۴- بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵
۲۲۵- همان
۲۲۶- همان

و همین نیروهای جوان و پُرشور؛ همین جوانانی که در طول تاریخ ما از اول اسلام تا امروز، نظیرشان را به این زیادی در هیچ دوره‌یی نداشته‌ایم؛ همین جوانانی که در عین جوانی و شور جوانی، به جای این‌که مثل جوانان بی درد و جوانان معمول همه‌ی مناطق عالم، دنبال عیش و عشرت و عیاشی باشند، دنبال احساس تکلیف و خدمت به خلق و تلاش و کار برای آرمان ها و هدف ها و دفاع از اسلامند؛ همین جوانانی که با قرآن مأنوسند؛ همین جوانانی که نماز و عبادتشان، پدران و مادران پیر را به شگفتی و تعجب وادار می کند. خانه‌ی هر شهید که پا گذاشتیم، اغلب پدران و مادران آن ها، گفتند که ما دین را از این جوانمان یاد می گرفتیم! بله، هنر انقلاب این است و هنر امام این بود.[۲۲۷]

بسیج، عامل شکست ناپذیری و آسیب ناپذیری انقلاب

همین نیروهای مردمی که اگر نبودند – این بسیج اگر نبود، این نیروی عظیم حزب اللّٰه اگر نبود – در جنگ هم شکست می خوردیم؛ در مقابل دشمنان گوناگون هم دراین چندسال شکست می خوردیم و آسیب پذیر بودیم. کارخانه ما را می خواستند به تعطیلی بکشانند؛ نیروی حزب‌اللهی، از داخل کارخانه می زد به سینه‌شان. مزرعه ما را در اوایل انقلاب می خواستند، آتش بزنند؛ نیروی حزب‌اللهی، از همان وسط بیابان ها و روستاها و مزارع، می زد توی دهانشان. خیابان ها را می خواستند به اغتشاش بکشند؛ نیروی حزب‌اللهی می آمد سینه سپر می کرد و در مقابلشان می ایستاد. جنگ هم که معلوم است! این، آن نیروی اصلی کشوراست. نظام اسلامی متکی به این نیروست. اگر مردم، یعنی همین نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی، با نظام باشند، با دولت باشند – که هستند بحمدالله – اگراین نیروی عظیم و این نیروی بزرگ شکست ناپذیر مردمی، در کنار مسؤولین و پشت سر مسؤولین باشد – که بحمدالله هست، هیچ قدرتی نمی تواند با جمهوری اسلامی مقابله کند. دشمنان ما، ازاین می ترسند.[۲۲۸]

قدرت نظام‌اسلامی (که امریکا و شوروی سابق و بقیه قدرت های ریز و درشت عالم تا امروزنتوانسته‌اند ونخواهند توانست با آن مقابله کنند)، قدرت ایمان نیروهای حزب‌اللّٰه است. جمهوری اسلامی باید این نیرو را حفظ کند. این قدرت عظیم راباید حفظ کند. شما جوان ها باید دائم در صحنه باشید. باید دائم نشان دهید که جمهوری اسلامی آسیب ناپذیراست. نیروی مؤمن بسیج و نیروهای حزب‌اللهی، در سرتاسرکشور و آحاد مؤمن دراین کشور، باید کاری کنند که امید امریکا و صهیونیست ها وبقیه قدرت های دشمن از جمهوری اسلامی به کلی قطع شود.[۲۲۹]

نیاز همیشه نظام جمهوری اسلامی، به بسیج

نظام جمهوری اسلامی، اتکالش به خداست. ... اتکاء ما به نیروی درونی خود ماست که همان ارتباط با خداست، اتکال به خداست؛ متمرکز کردن موهبت های الهی است در وجود انسان ها

۲۲۷– همان
۲۲۸ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۱۳۷۱/۴/۲۴
۲۲۹ –

تا بتوان کارآئی آن ها را چند برابر کرد؛ این کاری است که امروز بر عهده‌ی نظام جمهوری اسلامی است. لذا همیشه به بسیج نیاز هست، چه در دورانی که تهدیدی وجود داشته باشد (چه تهدید سیاسی، چه تهدید اقتصادی، چه تهدید نظامی) و چه حتی در دورانی که تهدیدی وجود نداشته باشد. خوشبختانه قشرهای گوناگون مردم به این نیاز پاسخ دادند.[۲۳۰]

مشابهت بسیج و انقلاب

در همه ی عرصه های زندگی در کشور عزیز ما و در نظام جمهوری اسلامی، بسیج حضور دارد. یک بعدش، این بعد نظامی است و تحرکات نظامی و آموزش های نظامی و تربیت نظامی و انضباط نظامی؛ مثل خود انقلاب، مردمی است. هر عنصری، هر فردی، هر مجموعه ای که بتواند این خصوصیت انقلاب را با خود همراه داشته باشد، مثل انقلاب ماندگار و جاودانه است؛ مثل انقلاب مؤثر و فعال و اثرگذار در محیط حضور خود هست. در میدان سیاست هم، مردمی بودن، در میدان سازندگی هم همینجور، در میدان مدیریت کلان کشور هم مردمی بودن، عنصر مردمی بودن. انقلاب مردمی است، بسیج هم مردمی است. بسیج مثل انقلاب، سیراب از معارف اسلامی و سلوک دینی است.[۲۳۱]

بسیج مثل انقلاب با دشمنان، سازش ناپذیر است. انقلاب اسلامی را زیر فشار قرار دادند برای اینکه، به سود قواعد ظالمانه ی جهانی از جایگاه خود عقب نشینی کند؛ انواع فشارها را بر انقلاب و بر نظام جمهوری اسلامی به این منظور وارد کردند که یکی اش تحمیل هشت سال جنگ بر این کشور بود. انقلاب تسلیم نشد، امام تسلیم نشد، بسیج هم در مقابل فشَارها و قواعد ظالمانه و جوسازی ها هرگز تسلیم نمی شود و یک قدم به عقب نمی رود.[۲۳۲]

هر کس وارد این عرصه (بسیج) شد، باارزش ترین افراد جامعه است و باید به این توفیق، افتخار کند. من هم افتخار می‌کنم که یک بسیجی باشم. به عنوان یک بسیجی ، هرجا که انقلاب به وجود من نیاز داشته باشد، حاضرم خدمت کنم. همه باید به این عضویت افتخار کنیم؛ چون اساسی ترین کار انقلاب را بسیج انجام می‌دهد.[۲۳۳]

ط. عرصه های مجاهدت و فعالیت بسیج

عرصه‌های بی پایان

اما عرصه‌های (بسیج)، عرصه‌های بی‌پایان است. عرصه‌ها، هیچ محدودیتی ندارد. عرصه‌ی دفاع، عرصه‌ی سیاست، عرصه‌ی سازندگی، عرصه‌ی اقتصاد، عرصه‌ی هنر، عرصه‌ی علم و تحقیق، تشکل‌های مذهبی، عزاداری‌ها؛ همه‌جا و همه‌جور؛ این ها، عرصه‌های حضور بسیج

۲۳۰- بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۴
۲۳۱- بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۲۳۲- همان
۲۳۳- بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۱۳۶۸/۶/۴

است؛ همه‌جا، در همه‌ی این مراکز هم، ما الگو داریم.[۲۳۴]

حضور بسیج مثل انقلاب، در همه عرصه ها

در همه ی عرصه های زندگی، در کشور عزیز ما و در نظام جمهوری اسلامی، بسیج حضور دارد. یک بعدش، این بعد نظامی است و تحرکات نظامی و آموزش های نظامی و تربیت نظامی و انضباط نظامی، مثل خود انقلاب مردمی است. هر عنصری، هر فردی، هر مجموعه ای که بتواند این خصوصیت انقلاب را با خود همراه داشته باشد، مثل انقلاب ماندگار و جاودانه است؛ مثل انقلاب مؤثر و فعال و اثرگذار، در محیط حضور خود هست. در میدان سیاست هم مردمی بودن، در میدان سازندگی هم همینجور، در میدان مدیریت کلان کشور هم مردمی بودن؛ عنصر مردمی بودن. انقلاب مردمی است، بسیج هم مردمی است. بسیج مثل انقلاب، سیراب از معارف اسلامی و سلوک دینی است.[۲۳۵]

تنوع عرصه های فعالیت بسیج، تجربه قابل تبعیت برای جهان اسلام

امروز بسیج در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی تجربه، در زمینه‌ی فناوری، در زمینه‌های معنوی، در زمینه‌ی خدمات اجتماعی، در زمینه‌ی نظریه‌پردازی در بخش های مختلف زندگی اجتماعی، در زمینه‌ی تحصیل، در زمینه‌ی تربیت، ببینید چقدر فعال است (در بخش های گوناگون). یک روزی اگر تجربه‌ای پیش بیاید و ملت مجبور بشود که در مقابل دشمن دست به سلاح ببرد و دفاع نظامی بکند، باز هم همین مجموعه‌ی جوان ها، همین بسیج، همین جوان های شجاع ملت عزیز ما، دلاوری ملت ایران را، ماندگاری ملت ایران را، اقتدار ملت ایران را، شکست ناپذیری ملت ایران را به دشمن نشان خواهند داد. مجموعه‌های دیگر، کشورهای دیگر هم که در این راه نورانی اسلام خواسته‌اند، قدم بردارند یا قدم برداشتند، از این تجربه تبعیت خواهند کرد. این تجربه، تجربه‌ی موفقی است.[۲۳۶]

عرصه‌های مختلف فعالیت، در میدان عمل

ما بسیج را از اول تا امروز، در میدانِ عمل دیده‌ایم؛ در عرصه‌های مختلف، اما همه عمل؛ در دفاع مقدس در سازندگی؛ در فناوَری‌های متنوع (از سلول‌های بنیادی بگیرید تا انرژی هسته‌ای، این ها کار بسیج است)، از حضور پزشکان در بیمارستان هایی نزدیک به خط مقدم جبهه که بنده خودم، در آن دوران دیدم این بیمارستان ها را که دشمن با خمپاره‌های کوتاه‌بُرد، می توانست این مراکز را بزند. پزشکان از تهران، از شهرستان‌ها آماده بودند، به مجرد این که از مرکز جبهه به آن ها اطلاع داده می شد که راه بیفتند، کیفشان، ساکشان حاضر بود و راه می‌افتادند؛ می رفتند در آن‌چنان موقعیتی کار می کردند؛ از فعالیت های هنری بسیجی، کارهای هنری برجسته، فعال و مؤثر که روزبه‌روز هم بحمدالله تا امروز تکامل پیدا کَرده؛ همه‌جا، بسیج

۲۳۴ – بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶
۲۳۵– بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۲۳۶ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی «صالحین» ۱۳۹۱/۹/۱

را ما در میدان عمل ملاحظه کرده‌ایم. منته‌ی، عرصه، عرصه‌ی بسیار وسیعی است (که حالا بعد هم اشاره خواهم کرد)، از عمل علمی تا عمل هنری تا عمل جنگی تا عمل سازندگی تا عمل اقتصادی و همه‌ی این ها.[۲۳۷]

تنوع حرفه ها و تخصص ها در بسیج

تبلیغات مسموم جهانی، می خواهد اینجور وانمود بکند که بسیج، یک جمع کوچکی از جامعه‌ی ما است؛ و این خلاف است، زیرا که نیروی بسیجی، یک جمع عظیمی است در کشور سرافراز و سربلند ایران. ما بحمدالله از همه‌ی قشرهای کشورمان (از کارمندان دولتی و اداری و خواهران و زنان) بسیجی و نیروی حزب‌اللهی داریم؛ دکتر حزب‌اللهی، دانشجوی حزب‌اللهی، روحانی حزب‌اللهی، کارگران حزب‌اللهی، روستاییان و کشاورزان حزب‌اللهی، عناصر پیشه‌ور و کسبه‌ی حزب‌اللهی و بسیجی. ما شخصیت های برجسته‌ای از لحاظ علمی و از لحاظ تشخّص، در بین ملت ایران که افتخار می کنند که بسیجی‌اند و حزب‌اللهی‌اند، هم داریم؛ ما استاد دانشگاه داریم، حزب‌اللهی و بسیجی؛ آن هم نه کم، تعداد قابل‌توجهی. زنانی متخصص در رشته‌های گوناگون دانش داریم، حزب‌اللهی و بسیجی؛ و مردانی با معلومات، آگاه، بامعرفت، هوشمند، دارای فهم و بینش سیاسی و برخودار از فرهنگ بالا و بسیجی و حزب‌اللهی داریم. حزب‌اللهی بودن و بسیجی بودن؛ یعنی همان روح بیداری و هوشیاری و آمادگی.[۲۳۸]

در دانشگاه های ما، این هسته های علم و معرفت و سیاست، انجمن های گوناگون – انجمن های اسلامی، جامعه ی اسلامی، جنبش عدالتخواهی، بسیج دانشجوئی، دهها مجموعه ی جوان – که با نام های گوناگون در دانشگاه ها، در دبیرستان ها مشغول فعالیتند، هر کدام از این ها یک برگ زرین برنده ای هستند از تلاش ملت ایران؛ این ها را باید تقویت کنیم. این می شود بسیج یک ملت. بدخواهان این ملت، بسیج را بد معنا می کنند؛ بسیج یعنی این.[۲۳۹]

ما در همه‌ی قشرها بسیجی داریم؛ بازاری بسیجی، کارگر بسیجی، دانشجوی بسیجی، دانش‌آموز بسیجی، روستایی و کشاورز بسیجی، صنعت کار بسیجی، استاد دانشگاه بسیجی، پزشک بسیجی، روحانیِ بسیجی. من بدون این‌که بخواهم از شأن بقیه‌ی مسلمین و مؤمنین و انقلابیونی که بحمدالله در سرتاسر کشور هستند، چیزی کم بکاهم، عرض می کنم که بسیجی گل سرسبد خیل عظیم انقلاب و اسلام است.[۲۴۰]

عرصه‌ی بسیج یک عرصه‌ی عمومی است؛ نه مختص یک قشر است، نه مختص یک بخشی از بخش های جغرافیائی کشور است، نه مختص یک زمانی دونِ زمان دیگری است؛ نه مختص یک عرصه‌ئی دون عرصه‌ی دیگری است. در همه‌ی جاها، در هَمه‌ی مکان ها، در همه‌ی زمان

۲۳۷ – بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶
۲۳۸ – بیانات در جمع بزرگ بسیجیان تبریز ۸ /۱۳۷۲/۵
۲۳۹– بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹
۲۴۰– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶

ها، در همه‌ی عرصه‌ها و در همه‌ی قشرها، این وجود دارد. این معنای بسیج است.[۲۴۱]

ی. گستره و دایره‌ی بسیج

بسیج، یک حقیقت و حرکت گسترده مردمی

بسیج، یک سازمان مشخصِ رزمی (مثل دیگر سازمان ها) نیست. بسیج، یعنی متن ملت و همه آحاد مؤمن و یک حقیقتَ گسترده در تمام زوایای جامعه. در موضع گیری مردم، این عامل تعیین کننده است.[۲۴۲]

بسیج، در واقع یک حرکت گسترده ی مردمی است. خیلی ها ممکن است، داخل در نیروهای بسیج و گردان های مقاومت و نیروی مقاومت سپاه هم نباشند؛ اما در دل، بسیجی باشند. در نظرخواهی هایی که از جوان های ما کردند، بیش از ۹۰ درصد جوان های کشور در این نظرخواهی اعلام کردند که آماده ی دفاع از ملت اند. این، معنای بسیج است. همین روحیه وقتی با اخلاص بیشتر، با پایبندی بیشتر به مبانی و با پرهیزگاری و پارسایی همراه شود، چهره های نورانی جوانان بسیجیِ عزیز ما را در بخش های ممتاز و پیشرو مشخص می کند.[۲۴۳]

فراگیر نمودن بسیج، برای تضمین آینده ی کشور

بسیجی هم شدت و ضعف دارد. بعضی در میدان بسیج، خلوص و صفایشان مثل خورشید می تابد و انسان را مجذوب می کند. ... اگر بتوانید بسیج را هرچه فراگیرتر کنید و دل های بیشتر و نشاط متراکم تری را وارد این صحنه ی عمل بکنید، آینده ی این کشور، تضمین شده تر است.[۲۴۴]

نیروی مقاومت بسیج، نماد این نهضت فراگیرِ ملی

اما دایره‌ی بسیجیان؛ بسیجی کیست؟ هر کسی که در این بستر اعتقادی و انسانی، به فعالیت مشغول است، بسیجی است. البته، نیروی مقاومت بسیج، نماد این نهضت عظیم عمومیِ فراگیرِ ملی است؛ نماد نظم و انضباط و جهتگیری درست و تعلیم‌وتربیت است. بسیجی، نامِ بسیجی و عنوان بسیجی، فراگیر است؛ نیروی مقاومت بسیج، آن قلعه‌ی اصلی، جایگاه و مرکزَ و قرارگاهِ اصلیِ این چتر عظیمی است که همه‌ی ملت را در بر می گیرد؛ الهام‌بخشِ نظم است، الهام‌بخشِ حضورَ است، الهام‌بخش حرکت است؛ چه در جامعه، چه در قشرهای مختَلف، چه در دانشگاه، چه در مدرسه، چه در حوزه‌ی علمیه؛ در هر نقطه‌ای؛ حضور نیروی مقاومت بسیج به این معنا است. خط دهی، راهنمایی، انضباط، نظم، تعیین وظایف گوناگون نسبت به این مجموعه تا آنجایی که توانش و امکانش برسد – همان‌طور که حالا برادران شرح دادند – طبعاً امکانات، امکانات

۲۴۱– بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲
۲۴۲– بیانات در دیدار فرماندهانِ نواحی، پایگاه‌ها و گردان‌های بسیج سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸
۲۴۳ – دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۸۴/۹/۷
۲۴۴ – همان

محدودی است و تا حالا به اینجا منتهی شده است که این ده‌ها میلیون الحمدلله آمده‌اند. این، دایره و حیطه‌ی حضور انسانیِ بسیجیان.[۲۴۵]

بسیج دهها میلیونی

امید ما این است که این مجموعه (بسیج) فراگیر باشد؛ همه ی افراد این ملت بزرگ را در بر بگیرد. همینجور هم هست؛ ما می گوئیم بیست میلیون، اما در واقع، بسیج دهها میلیون بیشتر از این تعدادها و مقدارها باید باشد و به امید خدا هست و خواهد بود.[۲۴۶]

مگر امروز کسی جرأت می‌کند بر خلاف نظر این مردم حرکتی انجام دهد؟ امروز همه‌ی جوانان ما، پیران ما، دانشجویان ما، روحانیون ما، بزرگان ما، کوچکان ما و قشرهای مختلف ما، فهمیده‌اند که سعادتشان در این است که اسلام را با بصیرت و با روشن‌بینی و خردمندی بفهمند و آن را به‌کار گیرند تا بتوانند از دشمنی ها بکاهند، دشمنی ها را دفع کنند. این همان بسیج است؛ حقیقت بسیج یعنی این؛ ارتش بیست میلیونی که امام فرمودند، یعنی این.[۲۴۷]

بسیج، عبارت از چند هزار آدم در هر شهر نیست؛ بسیج، یعنی کل نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی کشور ما. این که امام گفتند «بسیج بیست میلیونی»، یعنی این. حالا دشمنان بنشینند تحلیل کنند که بله ایران بالاخره هم بیش از یک میلیون نتوانست! کل نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی کشور ما بسیج محسوب می شوند تا چشم دشمنان کور بشود! همه‌ی جوانان، پیران، زنان و مردان این کشور، برای دفاع از شرف و استقلال و اسلام و نظام جمهوری اسلامی آماده‌اند. هیچ‌کس خیال نکند که جنگ تمام شد، بسیج هم تمام شد؛ ابداً؛ مگر جنگ که تمام می شود، نیروهای نظامی (ارتش و سپاه) هم تمام می شوند؟ نه، به فرموده‌ی امام (ره)، «مملکت اسلامی، همه‌اش نظامی است». زن و مرد باید آمادگی نظامی داشته باشند و برای دفاع نظامی آموزش ببینند.[۲۴۸]

نیروی مقاومت بسیج، لکوموتیو قطار عظیم بسیجِ ملت

دامنه‌ی بسیج، بسیار وسیع است. بسیج را نباید در نیروی مقاومتِ بسیج خلاصه کرد. نیروی مقاومت بسیج با فعالیت و ابتکار و حضور خود، مانند لکوموتیوی است که قطار عظیم بسیجِ ملت ایران را به پیش می راند؛ بنابراین دامنه‌ی بسیج، بسیار وسیع تر از نیروی مقاومت بسیج است. کشور به نیروی مقاومت بسیج نیاز دارد؛ اما به بسیج عظیم مردمی در همه‌ی میدان های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و (آن وقتی که لازم باشد) نظامی نیز نیازمند است.[۲۴۹]

۲۴۵ – بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶
۲۴۶– بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۲۴۷– بیانات در دیدار جمعی از پاسداران و بسیجیان ۱۳۷۷/۹/۲
۲۴۸– بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵
۲۴۹ – بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱

فراگیر بودن بسیج، در همه اقشار ملت

بسیج، به جوانان اختصاص نداشت؛ جوان و پیر، دوش به دوش در آن حرکت می کردند. پدر و پسر با هم می آمدند. گاهی پدربزرگ و نوه با هم می آمدند و امروز با هم هستند. بسیج، اختصاص به مردان نداشت؛ زن و مرد با هم بودند. نام و نشان در آن نقشی نداشت؛ مسؤولیت مطرح بود. هر وقت که کشور گره ای داشته باشد، آن سرانگشتی که در درجه اول باید آن گره را باز کند، نیروی عظیم بسیج مردمی است. این بسیج در همه قشرها هست؛ در قشرهای جوان، در قشرهای پیر، در قشرهای دانشگاهی، در قشرهای دانشجویی، در قشرهای کارگری، در قشرهای کاسب و پیشه ور و در قشرهای روحانی. بسیج، اختصاص به یک منطقه جغرافیایی و یک منطقه انسانی و طبقاتی و قشری ندارد؛ همه جا هست.[۲۵۰]

بسیج، یک حقیقت عظیم، بی مانند و فرا مرزی

بسیج، امروز در کشور ما یک حقیقت عظیم و درخشنده است؛ نمونه‌ای هم دیگر ندارد شما نگاه کنید؛ جنسیت های مختلف: زن و مرد، سنین مختلف، نوجوان و جوان و میانسال و پیر و کهنسال، اصناف مختلف، از دانشجو و طلبه و استاد دانشگاه و معلم مدرسه و دانش‌آموز و کارگر و کشاورز و بازاری و بقیه‌ی اصناف گوناگون مؤمن در سرتاسر کشور، در بسیج عضویت دارند، شرکت دارند؛ یعنی هیچ مرزی از جهت صنفی وجود ندارد، هیچ مرز جنسیتی وجود ندارد، هیچ مرز قومی و زبانی وجود ندارد. الان در همین جمع، ترک و کرد و لر و فارس و بلوچ و بقیه‌ی اقوام ایرانی حضور دارند. در سرتاسر کشور هم همینجور است. بسیج یک مجموعه‌ی منتظم سازمان‌یافته‌ی دارای هدف است؛ با این گسترش و با این تنوع و با این کمیت عظیم و با اینَ کیفیت ایمانی که در مجموعه‌های گوناگون، انسان نظیرش را مشاهده نمی کند.[۲۵۱]

برای کسانی که با متن واقع بسیج آشنایی ندارند، تصور چنین حجم پُرکیفیت عظیمی، با این تنوع و همه جانبی، آسان نیست. بسیج مرز سِنی نمی شناسد؛ جوان های کم سال تا پیران کهنسال در آن شرکت دارند. بسیج مرز جنسی نَمی شناسد؛ زن و مرد در آن حضور دارند. بسیج مرز صنفی و مرز جغرافیای و قومی نمی شناسد؛ همه ی اقوام ایرانی، همه ی اصناف گوناگون ملی، در سطوح مختلف فکری از انسان های نخبه ی برجسته ی ممتاز در میان اهل علم و دانشجویان تا جوان های فعال و پُرشور صحنه های دیگر، همه در بسیج جمع اند.[۲۵۲]

منطقه‌ای که ما نام بسیج را بر آن اطلاق می کنیم و روحیه‌ی بسیجی را در آن گسترش می دهیم، یک منطقه‌ی محدود نیست، فقط منطقه‌ی نظامی نیست؛ همه‌ی بخش های کشور می توانند دارای روحیه‌ی بسیجی باشند. علم‌آموزی بسیجی، ثروت‌اندوزی بسیجی، دیپلماسی بسیجی، سیاست‌ورزی بسیجی، مدیریت بسیجی، سازماندهی بسیجی، مفهوم بسیج شامل حال

۲۵۰ – بیانات در دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان ۱۳۷۷/۹/۲
۲۵۱ – بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴
۲۵۲ – بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج ۱۳۸۴/۶/۲

همه‌ی این زمینه‌ها می شود؛ معنایش هم عبارت است از نوآوری و ابتکار و اخلاص.[۲۵۳]

بسیج، یعنی مردم

بسیج، نیروی خاصی در قبال نیروهای دیگر نیست؛ یعنی این‌طور نیست که ما بگوییم یک نیروی زمینی داریم، یک نیروی هوایی داریم، یک سپاه داریم، یک ارتش داریم؛ یک بسیج هم داریم. اگر این‌طور بگوییم، بسیج را کوچک کرده‌ایم. درست است که ما در سپاه، اسم این نیرو را نیروی مقاومت گذاشتیم، اما معنایش این نیست که این نیرو، عِدل نیروهای دیگر است. این، در شکل سازمانی است. حقیقت قضیه‌ی بسیج، بیش از اینهاست؛ بسیج، یعنی مردم. غیر از این است؟ شما مردم را به چند قشر تقسیم کنید. در میان این ها، آدم های از کار افتاده هست، آنها هیچ؛ آدم های لاابالی هست، آن ها هیچ؛ آدم های کم انگیزه هست، آن ها هیچ؛ بچه‌های کوچکِ نرسیده به حد انگیزه هستند، آن ها هیچ؛ سر و ته قضیه را که زدید، آن لُبّ مطلب،

بسیج است؛ یعنی همه‌ی نیروهای مؤمنِ پرانگیزه‌ی باشورِ با توان در جامعه‌ی اسلامی (اعم از زن و مرد) عضو بسیج اند. توقع شما از بَسیج، کمتر از این است؟[۲۵۴]

بسیج، یعنی به کار انداختن و جهت و سمت و سو دادن به همه ی نیروهای زنده و شاداب و با نشاط کشور در جهت اهداف والای نظام جمهوری اسلامی که این اهداف شامل علم، سازندگی، کار سیاسی، فعالیت‌های اقتصادی و روح و خون گردش کننده در این کالبد، یعنی ارزش‌های اسلامی است؛ بنابراین بسیج حد و مرز ندارد و عرض و طول بسیج همان عرض و طول همه کشور است. با این دید، باید به بسیج نگاه کرد و این طبعاً مسئولیت شماها را سنگین می‌کند.[۲۵۵]

امروز سازماندهی بسیج در سراسر کشور، در حدود پنج میلیون نفر است؛ اما این سازماندهی، یقیناً از این گسترده تر خواهد شد؛ و با یک دید وسیع که نگاه کنیم، همه ی ... انسان های مؤمن، آگاه، بصیر، عاشق، متعهد، علاقه مند و آماده به کار، در هر میدانی از میدان ها که برای ملت مفید است، حضور دارند؛ جزء بسیج اند. لذا بسیج، یک نام مقدس است.[۲۵۶]

فراجناحی بودن بسیج

شما نباید به عنوان یک حزب مطرح شوید. اگر شما یک حزب و یک تشکیلات در کنار تشکیلات دیگر شدید، بقیه‌ی تشکیلات رقیب شما می شوند. در حالی که طبیعت بسیج، این است که رقیب هیچ تشکیلاتی، مگر تشکیلات ضدانقلاب نیست؛ بلکه تشکیلات دیگر را در زیر بال های خودش می گیرد. بسیج، این‌گونه است دیگر؛ کمااین‌که در دوره‌ی دفاع مقدس، از اول انقلاب، همواره بسیج آن مجموعه‌ای بود که همه‌ی افراد و جناح ها و گروه های مختلف

۲۵۳ – بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
۲۵۴– بیانات در دیدار فرماندهان نیروی مقاومت بسیج ۱۳۶۹/۹/۱
۲۵۵– بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج ۱۳۸۲/۹/۹
۲۵۶ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

را زیر بال های خود می گرفت. شما طوری حرکت کنید که بتوانید همه را زیر بال های خودتان بگیرید. البته چه کسی زیر بار شما خواهد آمد؟ آن‌که اصول شما را قبول کند.[۲۵۷]

گستره رزمندگان بسیجی، در دفاع مقدس

در دوران جنگ که صدها هزار بسیجی به میدان رفتند؛ بعضی از این ها جوان بودند، بعضی پیر بودند، بعضی نوجوان بودند، بعضی شهری بودند، بعضی روستایی بودند، بعضی کارگر بودند، بعضی دانش‌آموز بودند، بعضی دانشجو بودند، بعضی کاسب بودند، بعضی روحانی بودند، بعضی استاد دانشگاه بودند، بعضی هنرمند بودند، بعضی متخصصین بودند، بعضی پزشک بودند؛ اما همه بسیجی بودند.[۲۵۸]

۲۵۷- بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران ۱۳۷۶/۱۱/۱۱
۲۵۸- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶

فصل دوم

معنویت، معرفت و فرهنگ بسیجی

الف. اهمیت و ضرورت رشد معنوی و اخلاقی

اهتمام به تقویت معرفت و معنویت

در محیط دانشجویی جوان، پرداختن به معارف دینی، پرداختن به الگوهای دینی، توسلات به پروردگار، توسلات بَه ائمه (علیهم السلام)، خواندن دعای عرفه، برگزاری مراسم اعتکاف و خواندن نماز جماعت، بسیار خوب است.[۲۵۹]

در مراسم مذهبی، به روح مراسم توجه کنید؛ فقط صورت سازی نباشد؛ انسان شعری بخواند، اشکی بگیرد یا بریزد. روح دعا و نماز، عبارت است از ارتباط با خدا، آشنا شدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و پیراستن روح و پالایش کردن ذهن از وسوسه ها. نماز را با توجه و اول وقت بخوانید.[۲۶۰]

تلاش در رشد معنویت و اخلاق

کسانی این موهِبت را به دست آورده‌اند که توانسته‌اند، داوطلبانه برای رضای خدا در صفوف جهاد فی‌سبیل‌الله، آن هم صفوف مقدم قرار بگیرند و خط شکنی کنند و سختی ها را متحمل بشوند و انواع و اقسام کارهایی را که بسیجیان کرده‌اند و همه می دانند؛ انجام بدهند. باید نیتشان را با خدا خالص کنند و در رشد معنویت و اخلاق و تقوا و عمل صالح در وجود خودشان خیلی تلاش کنند.[۲۶۱]

مقابله با طمع شیطان

برادران و خواهران! بدانید که ما هرگز از طمع شیطان دور نیستیم. شیطان در همه حال به ما طمع می ورزد. شیطان حتی به پیامبران طمع ورزید؛ چه برسد به امثال ما! آن چیزی که بندگان مخلص را از دیگران متمایز می کند، این است که دایماً بینی شیطان را به خاک می مالند و طمع او را ناکام می گذارند. این با چه چیزی ممکن است؟ با تقوا. تقوا هم چیز معضلی نیست که انسان نتواند بفهمد.[۲۶۲]

تأمین عیار خلوص، در حرکت بسیج

در دوران دفاع مقدس، آنچه که در حرکت بسیج دیده می شد در عیار خلوص، دارای عیار بالائی بود، که این را باید امروز هم ما تأمین کنیم در حرکت بسی؛ میدانِ امروز، میدان پیچیده‌تری است. رفتن در عرصه‌ی جنگ و قتال و مبارزه کردن و مسئولیت بَه عهده گرفتن، بعد هم به شهادت رسیدن یا جانباز شدن، یا به سلامت برگشتن، حضور در آن میدان، کار خطرناکی است، اما پیچیدگی ندارد. ... امتیاز آن صحنه این بود که کسی که می رفت، خلوص واضحی از خود

۲۵۹ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹
۲۶۰ – همان
۲۶۱ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۰/۸/۳۰
۲۶۲ – همان

نشان می داد. ورود در آن میدان، ورود در میدان مرگ و زندگی بود؛ شوخی نبود: هم شهامت لازم داشت، هم فداکاری لازم داشت، هم ایمان لازم داشت، هم توکل به خدا لازم داشت و می رفتند شهید می شدند.[۲۶۳]

مراقبت از محیط بسیج و خود

حضور در میدانِ امروز، در مقابله‌ی با توطئه‌ی دشمن، حمله‌ی دشمن و صف‌آرائی این دو صف و دو جبهه‌ی برجسته، پیچیدگی‌هائی دارد؛ ممکن است آن خطرات نقدِ آن روز، امروز نباشد، لیکن پیچیدگی‌های بیشتری دارد. ... امروز در میدان های مختلف، همانَ ایمان، همان شهامت لازم است؛ اما بدون این عناصر هم ممکن است کسانی در کسوت بسیجی ظاهر بشوند؛ این را بایست مراقبت بکنید. از خودمان مراقبت کنیم در درجه‌ی اول و از محیط بسیج مراقبت بکنیم در درجه‌ی بعد؛ این کارِ یکایک آحاد بسیج است[۲۶۴].

بالا بردن عیار روحیه‌ی و خلوص بسیجی

عیار روحیه‌ی بسیجی در مجموعه‌ی بسیج، از جمله در این مجموعه‌های «صالحین»، که شما تصدی آن ها را بر عهده گرفته‌اید و آن ها را مدیریت می کنید، باید بالا برود؛ خلوص را باید تضمین کنیم و در مجموعه‌ی کارها تضمین کنید. این یک قدری سخت است. یک علت این که جهاد در میدان مقابله‌ی با نفس و مسائل معنوی، «اکبر» نامیده شده است، همین سخت تر بودن کار است. در جنگ با دشمن (جنگ نظامی) انسان راحت می تواند آن میزان خلوص خود را و میزان خلوص دیگران را اندازه‌گیری بکند؛ راحت تر می شود اندازه‌گیری کرد، اینجا نه؛ اینجا، هم خود انسان دچار اشتباه می شود، هم دیگران در شناخت انسان دچار اشتباه می شوند[۲۶۵].

خلوص و معنویت بسیجی

من به شما عزیزانم، عرض کنم که یکی از برجسته ترین خصوصیاتی که ما برای فرد بسیجی قائل هستیم، عبارت است از صفا و خلوص؛ اخلاص و معنویت بسیجی و ارتباط با خدا در بسیجی، یک خصوصیت عمده است. من از این اجتماعِ بزرگ شما استفاده می کنم و به همه شما و همه کسانی که صدایم را می شنوند (یا بعداً خواهند شنید) عرض می کنم: عزیزان من! رابطه خودتان را با خدا، هرچه می توانید مستحکم تر کنید؛[۲۶۶]

ارتباط معنوی با خداوند

پیش خدا تضرع کنید و همه چیز را با تضرع، از خدا بخواهید. این بازوی قوی، این اراده‌ی نیرومند و پولادین، با دعاست که کارایی پیدا خواهد کرد. در میدان جنگ هم، پیغمبر اکرم و

۲۶۳ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی «صالحین» ۱۳۹۱/۹/۱
۲۶۴ – همان
۲۶۵ – همان
۲۶۶ – بیانات در دیدار جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

امیرالمؤمنین علیهماالسّلام دعا کردند و با تضرع از خدای متعال خواستند. امام عزیز ما هم در جنگ دعا می‌کرد. دل ما به دعاهای آن بزرگوار و دعاهای مؤمنین و صالحین، قرص بود. دعاها را رها نکنید؛ همه چیز را با دعا بخواهید.[۲۶۷]

برخورد برادرانه با مخاطبان

من به شما پدرانه عرض می‌کنم؛ عزیزان من با مخاطبان خودتان، برخورد برادرانه بکنید، هر که هستند؛ حساب آنجایی که یک دشمنی می‌آید به میدان و انسان وظیفه دارد با او برخورد کند، در جای خود جداست، آنجا و آن موقعیت و آن زمان را هم همیشه باید مسؤولین معین کنند؛ این ها وابسته به تشخیص های شخصی نمی تواند باشد؛ آن ها موارد استثنایی است. ... در محیط دانشگاه، در محیط خانواده، در محیط کار علمی، در محیط تحقیقی «ادع الی سبیل ربک بالحکمه والموعظه و جادلهم بالتّی هی احسن» با مجادله به نحو صحیح، با بیان حکمت‌آموز، با زبان نرم، با رفتار و اخلاق خوش (برخورد کنید).[۲۶۸]

آمادگی روحی و فکری

شما جوان ها هم که امروز تحصیل می‌کنید، درس می‌خوانید، خودتان را آماده کنید ... در وجود خودتان باید آن روح ملکوتی که با انوار الهی متلألئ شده با انوار معنویت و معرفت و ضمناً با توکل به خدا استحکام پیدا کرده، در مقابل وسوسه‌ها تسلیم نمی‌شود و در مقابل تهدیدها عقب‌نشینی نمی‌کند، در مقابل مانع‌ها احساس ناامیدی نمی‌کند، اینجور باید خودتان را تربیت کنید. خودتان را آماده کنید برای آن چنان کارهای بزرگی؛ عزیزان من! خودتان را برای حرکت بسیار خوش عاقبت و خوش فرجام از لحاظ روحی و از لحاظ فکری هر دو آماده کنید.[۲۶۹]

توجه به شور و عشق برخاسته از احساس مسؤولیت

در کنار معرفت‌آموزی، آن شور و عشق ناشی از احساس مسؤولیت لازم است. آن شور و عشقی که یک انسان آگاه و با معرفت را بی‌تاب می کند و به سمت مأموریت صحیح خود و پیمودن صراط مستقیم به حرکت در می‌آورد. از این شور، توجه و عشق به مأموریت و مسؤولیت غافل نشوید.[۲۷۰]

برداشتن مانع ها و باز کردن گره ها

همیشه آن کسانی که راه‌ها را باز می‌کنند، مانع‌ها را بر می‌دارند، کوه‌های بزرگ را می‌شکافند و به پیش می‌تازند و دیگران به دنبال آن‌ها حرکت می‌کنند، گروه زبده‌ای هستند که سلاح عمده‌ی آن‌ها معرفت است. امروز معرفت و آگاهی شما باید آن‌چنان راه را در مقابل شما روشن

۲۶۷- بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۳۷۱/۸/۲۷
۲۶۸ - بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۷۹/۶/۱۰
۲۶۹ - بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶
۲۷۰ - بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۱/۵/۱۷

کند که بتوانید کارهای بسیار بزرگی را که در این دهه و دهه‌ی بعد بر دوش شما جوانان است، انجام دهید. انقلاب اسلامی رسالتش فقط تشکیل یک حکومتی با نام اسلامی نبود. بسیاری از شکوفه‌های این درخت تناور هنوز باز نشده است. این شکوفه‌ها را این نسل باید باز کند. این درخت را این نسل باید به ثمر برساند.[۲۷۱]

برنامه های جذاب معنوی در مساجد

خودسازی باید بکنید. مساجد را رها نکنید. نیروی مقاومت بسیج، بهترین جایی که دارد، همین مساجد است. منتهی، مساجد را مسجد نگه دارید. با امام جماعت مسجد، با عبادت کنندگان مسجد و با مؤمنینی که در مسجدند، برادرانه، صمیمی باشید – که بحمدالله هستید – و آن را حفظ کنید و بیشتر کنید. اول وقت، نماز را به جماعت، پشت سر پیشنماز هر مسجدی که در آن هستید، بخوانید. در مراسم دینی مسجد و تبلیغات آن شرکت کنید. در مراسم دعا و قرآن و مراسم مذهبی شرکت کنید. شما و امام جماعت آن مسجد (هر کس که هست) مشترکاً مسجد را حفظ کنید. برای مسجد، جاذبه درست کنید تا بچه‌ها، جوانان و زن و مرد محله، مجذوب مسجدی شوند که شما در آن هستید و بیایند. مسجد، پایگاه بسیار مهمی است.[۲۷۲]

تلاش در جهت رشد معنویت و اخلاق

بسیج، یکی از برکات پروردگار عالم بر کشور و بر انقلاب و بر امام بزرگوار ما بود. ... نسبت به بسیج، یک کار بر عهده‌ی مسؤولان است، یک کار هم بر عهده‌ی خود نیروهای مؤمن و فداکار بسیج. ... کسانی که این موهبت را به دست آورده‌اند که توانسته‌اند داوطلبانه برای رضای خدا در صفوف جهاد فی‌سبیل‌الله، آن هم صفوف مقدم قرار بگیرند و خط شکنی کنند و سختی ها را متحمل بشوند و انواع و اقسام کارهایی را که بسیجیان کرده‌اند و همه می‌دانند، انجام بدهند، باید نیتشان را با خدا خالص کنند و در رشد معنویت و اخلاق و تقوا و عمل صالح در وجود خودشان خیلی تلاش کنند.[۲۷۳]

گسترش شعاع نورانیت و معنویت

از این‌که دست‌اندرکاران این مجموعه تلاش کردند و این مجموعه‌ی برگزیده و نخبه را دور هم جمع کردند، خیلی تشکر می‌کنم. این، بسیار باارزش است؛ اما (همان‌طور که عرض کردم) هر چه ممکن است؛ سعی شود شعاع این نورانیت و معنویت، گسترده‌تر شود.[۲۷۴]

رعایت و حفظ تقوا

شما جوانان که بسیجی و عزیز هستید و مورد علاقه‌ی امام بودید و انشاءالله مورد توجه وجود

۲۷۱ – بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۱/۵/۱۷
۲۷۲– همان
۲۷۳– بیانات در دیدار با فرماندهان رده‌های مقاومت نمونه‌ی بسیج و جمعی از دانشجویان و طلاب بسیجی ۱۳۷۰/۸/۳۰
۲۷۴– بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸

مقدس ولیّ‌عصر (عج) و مشمول دعوات زاکیه‌ی آن بزرگوار باشید؛ بزرگترین نکته‌ی کار شما همین حفظ تقواست؛ آماده بودن برای فداکاری در راه خدا و برای حضور در آنجایی که خدای متعال اراده کرده است.[۲۷۵]

در برابر دشمنان، مثل بنیان مستحکم

دشمنان انواع و اقسامی دارند: دشمن خارجی و دشمن داخلی. گاهی در درون هم دشمن هست. دشمن داخلی – آن چهره‌ی نفاق‌آلوده – را هم باید شناخت. در مقابله‌ی با این دشمنان گوناگون، امید به شماهاست. شما هستید که باید مثل بنیان مستحکمی، در مقابل این دشمنان بایستید.[۲۷۶]

تحجر بد است؛ فکر نکردن در لایه های زیرین ظواهر، عیب بزرگی است؛ مواظب باشید به این عیب دچار نشوید.[۲۷۷]

معنوی‌تر کردن عناصر بسیجی، جزء کارهای اساسی

تقویت بسیج، هرچه خالص تر کردن و معنوی‌تر کردن عناصر بسیجی، توسعه‌ی فعالیت های بسیجی به همه‌ی مناطق زندگی، جزء کارهای اساسی است که مجموعه‌ی دست‌اندرکاران بسیج و مرتبطین با آن و فعالان در آن باید دنبال کنند. از خود شروع کردن هم که دستور اسلام به ماهاست؛ همه‌ی ما در همه‌ی سطوح باید اول از خودمان شروع کنیم. «من نصب نفسه للنّاس اماما فلیبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره» در همه‌ی سطوح همینجور است. از خودمان باید شروع کنیم؛ این را ما در بسیج جا بیندازیم.[۲۷۸]

خصوصیاتی که جوانِ امروز به آن احتیاج دارد

بایستی دین را، تقوا را، عفت را، پاکیزگیِ روحی را در میان خودتان هرچه بیشتر ترویج کنید و تقویت کنید. جوان امروز احتیاج دارد به دَین، به تقوا، به علم، به نشاطِ کار، به امانت، به عفت، به انجام خدمات اَجتماعی و به ورزش؛ این ها خصوصیاتی است که جوانِ امروز به آن احتیاج دارد و شما عزیزان بسیجیِ من انشاءالله توفیق انجام این کار را داشته باشَید.[۲۷۹]

ضرورت خودسازی بسیج

عزیزان من! قبل از آن‌که دیگران بخواهند ما را بسازند، خودمان باید خود را مستحکم کنیم و

۲۷۵ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۰/۸/۳۰
۲۷۶ – همان
۲۷۷ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹
۲۷۸ –بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی «صالحین» ۱۳۹۱/۹/۱
۲۷۹–بیانات در دیدار پنجاه‌هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصلّای امام خمینی (ره) ۱۳۹۲/۸/۲۹

از درون بسازیم. هر انسانی مسؤول دل و فکر و احساسات و انگیزه‌های خود در مقابل خداست. جوانان، بهتر از قشرهای دیگر می توانند خودسازی کنند؛ چون نیرومندند. بعضی کسان خیال می کنند جوانان در مقابل گناه بی تابند؛ ولی من می گویم جوان همچنان که از قدرت جسمانی برخوردار است، از قدرت اراده هم بهره‌مند است. اراده، همان چیزی است که انسان می تواند با اتکای به آن، خود را به خدا نزدیک و از شیطان دور کند.[۲۸۰]

خودسازی، کار سهل و ممتنع

یکی از خصوصیات (بسیج)، خودسازی است. ما باید خودمان را تربیت کنیم. من مسن پیرمرد هم احتیاج دارم خودم را تربیت کنم، خودم را مهار کنم، خودم را حفظ کنم. حرَکت دَر جوان سریع‌تر، تصمیم‌گیری سریع‌تر، اقدام سریع‌تر است؛ بنابراین مراقبت و محافظت و خودسازی هم بسیار حساس تر است. خودسازی، کار سهل و ممتنعی است؛ هم آسان است، هم سخت است. اگر در محیطی قرار بگیریم که مناسب باشد، مساعد باشد، می شود آسان. شما مثلاً اهل توجه‌اید، اهل دعا و اهل تضرع و اهل گریه هستید. گاهی انسان در یک محیطی قرار می گیرد که محیط، محیط تضرع و گریه و توجه است؛ همه‌ی دل ها به سوی خداست، همه‌ی اشک ها جاری است؛ اینجا حالت تضرع برای انسان آسانتر دست می دهد. این، محیط مساعد است. محیط مساعد، خودسازی را آسان می کند. یکی از محیط های مساعد، خود مجموعه‌ی حالات دفاع مقدس بود؛ اما محیط مساعد، خود بسیج است.[۲۸۱]

بسیج، فضای مساعد برای خودسازی

شما که در این مجموعه هستید، در واقع در یک فضای مساعدی برای خودسازی هستید. تقوا، خویشتن داری، دوری از گناه، انجام فرائض، نماز خواندن به صورت فرصتی برای انس با خدای متعال، توجه به معانی نماز، حضور قلب، تمرکز در حال نماز این ها ابزارهای خودسازی است. وقتی شما در محیط مساعد قرار می گیرید، این ابزارهای خودسازی بهتر به شما کمک می کند، بیشتر به شما کمک می کند. وقتی اینجور شد، توانائی روحی شما بیشتر می شود؛ هم استقامت شما، ایستادگی شما، صبر شما، توکل شما، هم ابتکار و جوشش درونی شما؛ این ها همه با هم است.[۲۸۲]

دین و ایمان عمیق مردم، عامل پایداری نظام

چه چیزی موجب پایداری این نظام است؟ اینجاست که به آن گوهری می رسیم که در درون

۲۸۰ – بیانات در دیدار بسیجیان و کارکنان سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶
۲۸۱– بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۴
۲۸۲– همان

شماست. عزیزان من! درست توجه کنید و نکات را دریابید؛ این نکات برای شما و برای ادامه‌ی پایداری های مقدستان بسیار لازم است. علت این است که، این نظام به مردم باایمان متکی است؛ این راز اصلی است. این نظام اگر به مردمِ متکی بود، اما این مردم دین و ایمان نداشتند؛ این پایداری به دست نمی آمد. کسانی که دائماً و پشت سر هم نام مردم را تکرار می کنند، اما به ایمان مردم و گوهر درخشانی که در دل جوانان است، توجهی ندارند، اشتباه می کنند. این‌که بعضی از نظام های مردمی هستند، اما در مقابل تحمیلات دشمن نمی توانند از نظام خود دفاع کنند، به خاطر چیست؟ به خاطر این است که یک عنصر مشترک همگانیِ عمیقِ قلبی که بتواند آن ها را به پایداری و مقاومت در میدان های سخت وادار کندَ، در آن ها نیست. در کشور ما مسأله‌ی اساسی این است که مردم، با ایمان خودشان در همه‌ی میدان ها وارد شدند و خطر را پذیرفتند و ایستادند. انقلاب نیز همین‌گونه پیروز شد؛ نهضت امام هم با تکیه به همین دین و ایمان عمیق مردم به پیروزی رسید.[۲۸۳]

بسیجی، نمونه اخلاق و تواضع

شما بسیجی ها باید به گونه‌یی رفتار کنید که احترام و محبت مردم جلب شود. شما باید نمونه‌ی اخلاق و تواضع و مهربانی و رعایت مقررات باشید. این فکر غلط، باید از ذهن های دیگران بیرون رود که بسیجی، کسی است که مقررات را رعایت نمی‌کند؛ برعکس، آن کسی بسیجی‌تر است که مقررات را بیشتر رعایت می‌کند؛ به خاطر آن‌که‌این فرد بیشتر از همه برای نظام دل می‌سوزاند و مقررات، لوازم قطعی اداره‌ی درست نظام است. پس، در محیط کار و زندگی، حتما اخلاق و مقررات و نظم و انضباط را رعایت کنید و بدانید که وجود شما برای انقلاب، یک ذخیره‌ی تمام‌نشدنی است. تا وقتی که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی متکی به این احساسات وایمان ها و اخلاص هاست؛ هیچ دشمنی در هیچ سطحی قادر نیست به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ضربه وارد کند.[۲۸۴]

تقوا، ایجادکننده صف مستحکم و مرصوص

برادران و خواهران! بدانید که ما هرگز از طمع شیطان دور نیستیم. شیطان در همه حال به ما طمع می‌ورزد. شیطان حتی به پیامبران طمع ورزید؛ چه برسد به امثال ما! آن چیزی که بندگان مخلص را از دیگران متمایز می‌کند؛ این است که دایماً بینی شیطان را به خاک می‌مالند و طمع او را ناکام می‌گذارند. این با چه چیزی ممکن است؟ با تقوا. تقوا هم چیز معضلی نیست که انسان نتواند بفهمد. معنای تقوا این است که هر آنچه را خدای متعال بر انسان تکلیف کرده است، انجام بدهد؛ واجبات را بجا بیاورد و محرمات را ترک کند. این، اولین مرتبه‌ی تقواست. محرمات الهی را باید شناخت و دور و بر آن نچرخید و نگشت. شیطان وسوسه‌گر است. وقتی که روحیه‌ی تقوا و دل‌سپردن به خدا و معامله‌ی با خدا و یاد خدا و توجه و ذکر و دعا و توکل، در دل این جوان بسیجی مؤمن (چه دانشجو، چه طلبه، چه قشرهای دیگر، چه شهری، چه روستایی) جا گرفت

۲۸۳ – بیانات در دیدار بسیجیان و کارکنان سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶
۲۸۴– بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۱۳۶۸/۴/۶

و رشد کرد، آن‌وقت همان صف مستحکم مرصوصی است که هیچ قدرتی توانایی تکان دادن آن را ندارد. این، ضامن پیشرفت هدف های اسلام و انقلاب است؛ قدر این را باید دانست.[۲۸۵]

دلهایتان را هرچه می توانید با ذکر الهی، نورانی تر کنید. ...دعا و توجه شما، ذکر خدا در دل های پاک و نورانی شما جوانان عزیز، معجزه‌ها و کارها می کند. خود را از اکنون آماده کنید. مخصوص این ایام هم نیست؛ در تمام عمرتان، رابطه با خدا در شما صفا و اخلاص را تقویت می کند و صفا و اخلاص، گره‌گشای همه کارهاست.[۲۸۶]

بسیج، سرباز امام زمان و پشتوانه اسلام

شما سرباز امام زمان علیه السلام و پشتوانه اسلامید. تقوی، تواضع، فروتنی و گذشت در برابر ضعفا و مقاومت در برابر زورمندان و ستمگران از صفات سربازان امام عصر علیه السلام می باشد. جامه‌ی تقوی بر تن کنید و پیوسته فروتن و بزرگوار باشید تا وجودتان موجب آرامش خاطر محرومان و مستضعفان شود.[۲۸۷]

بسیج، تجلی‌گاه اخلاق عالیه‌ی اسلامی

به عنوان برادری که به زحمات نهادهای انقلابی با شیفتگی و احترام می نگرد؛ آرزو دارم که بسیج مستضعفان تجلی‌گاه اخلاق عالیه‌ی اسلامی و میعادگاه عاشقان حقیقی خدا و خدمتگزاران واقعی خلق خدا باشد و می دانم که چنین نیز خواهد بود. صمیمانه از درگاه خدا می خواهم که بسیج مستضعفان در راه خدمت به اسلام و خنثی کردن نقشه‌های دشمنان و حراست از میراث شهیدان موفق و پیروز باشد.[۲۸۸]

ایجاد فضای معطر بسیجی، با رفتار و گفتار

در محیط کار، مدرسه، حوزه، دانشگاه، عرصه سازندگی و خدمات اجتماعی، محیط های ورزشی و یا هر محیط دیگر که فعالیت می کنید، با رفتار و گفتار خود، فضای معطر بسیجی به وجود آورید و روحیه و بینش و تفکر صحیح را، به اطرافیان منتقل کنید.[۲۸۹]

تقویت ارتباط با خدا

عزیزان من! خودتان را در این دوران جوانی که آمادگی هست، از لحاظ معنوی بسازید. این عشق و شوری را که در باطن و نهاد شماست، درست به سمت آن مرکز و قطبی که شایسته‌ی

۲۸۵- بیانات در دیدار با فرماندهان رده‌های مقاومت و جمعی از دانشجویان و طلاب بسیجی ۱۳۷۰/۸/۳۰
۲۸۶ - بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
۲۸۷- پیام در چهارمین سالروز تشکیل بسیج مستضعفان ۱۳۶۲/۹/۴
۲۸۸- پیام به مناسبت دومین سالروز تشکیل بسیج مستضعفان ۱۳۶۰/۹/۵
۲۸۹-بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج ۱۳۸۲/۹/۹

این عشق و دلدادگی است (یعنی ذات مقدس حق و وجود باریتعالی که زیبایی مطلق و حقیقت مطلق است)، هدایت کنید. خود را به آن مرکز متصل نمایید و تا آنجا که می‌توانید، رابطه‌تان را با خدا قوی کنید. در همه‌ی میدان های زندگی، این برای شما یک مسأله‌ی اساسی است.[۲۹۰]

عزیزان من؛ جوانان و فرزندان من، ای دل های نورانی کسانی که در همه‌ی عالم، جوانانی به پاکی، به طهارت، به صفا، به صدق و به روشن‌بینی شما وجود ندارد! ارتباط معنوی و ارتباط با خدا را قدر بدانید. هر کس و هر جا هستید (در دانشگاه، در پایگاه بسیج، در مدرسه، در خانه و در مدرسه‌ی علوم دینی)، خدا و رابطه‌ی با خدا را فراموش نکنید. این صفحه‌ی دلتان را با نور فیوضات الهی و یاد خدا روبه‌رو کنید. اساسِ همه چیز، یاد خداست.[۲۹۱]

بر می‌دارند و می‌نویسند: چرا به جوانان می‌گویید که دعا و قرآن و تهجد و نافله و توسل و تضرع، داشته باشند! پس نگوییم؟! جوان را به معنویت، به عشق حقیقی و به ارتباط با محبوب حقیقی فرا نخوانیم؟! جوان را که در او چشمه‌های معنویت و روحانیت می‌جوشد، تشویق نکنیم به این‌که دل پاک و نورانی خود را با صحیفه و خورشید معنوی روبه‌رو کند! چرا؟ اگر به اسم ورزش، به اسم کار هنری و کار توریستی و کار سیاسی، جوانان را به میدان هایی بکشانند؛ آن ها ایراد نمی‌کنند؛ اما اگر گفته شود که جوانان ما در ایام اعتکاف، به مساجد می‌روند و اعتکاف می‌کنند (آفرین بر این جوانان)، اعتراض می‌کنند که چرا جوانان را به این کار تشویق می‌کنید؟! این انعکاس همان خواست خائنانه‌ی دشمن است. می‌خواهند رابطه‌ی معنوی و غیبی را از جوان بگیرند که البته نمی‌توانند.[۲۹۲]

تعمیق ایمان با عمل صالح

به برکت اسلام، آینده این انقلاب، آینده این نظام و آینده این کشور، آینده ای بسیار روشن و درخشان است. آنی که باید این آینده را شکل دهد؛ عمدتاً شما جوانان هستید. اولاً با عمل، ایمان اسلامی را در خودتان تعمیق کنید که این اساس کار است. ایمان هم یک موضوع کتابی و ذهنی نیست. ایمان، در عمل تقویت پیدا می کند. انسان، خدا را در میدانِ مجاهدت برای خدا، بهتر می بیند. این مجاهدت هم سنگرهای مختلفی دارد که سنگر علم و سازندگی از آن جمله است. البته با تقوا و با تضرع پیش خدای متعال و با انجام عبادات و اجتناب از محرمات؛ پس، اول ایمان اسلامی است.[۲۹۳]

حفظ اخلاص و صفا

انگیزه‌هایتان را که همان انگیزه‌ی الهی است، حفظ کنید. افکارتان را عمق دهید. ارتباطات محبت‌آمیز و برادرانه و صمیمانه را میان آحاد ملت تا آنجا که در توان شماست، مستحکم کنید.

۲۹۰- بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت یوم‌الله ۱۳۷۶/۸/۱۳/۰۸/۱۴

۲۹۱- بیانات در جمع رزمندگان و بسیجیان بندرعباس ۱۳۷۶/۱۱/۳۰

۲۹۲- همان

۲۹۳- بیانات در آستانه سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار ۱۳۷۳/۸/۱۱

هوشیاری را زیاد کنید. استقرار و ثبات جامعه را حفظ کنید. در راه هدف ها و سیاست های اعلام شده‌ی کشور، در هر جا که هستید، تلاش کنید. انضباط و نظم اجتماعی را پاسداری کنید. نیروی مؤمن و حزب‌اللهی کشور، باید پرچم انضباط اجتماعی، پرچم رعایت حدود و موازین و پرچم همه‌ی ارزش ها را در دست داشته باشد. با فقر هم شما باید مبارزه کنید. با بی‌عدالتی هم شما باید مبارزه کنید. با فساد و فحشا هم شما باید مبارزه کنید. با بی‌قانونی و بی‌نظمی هم شما باید مبارزه کنید. آن وقت این مبارزه، یک مبارزه‌ی منطقی، صحیح، منضبط، قابل فهم و قابل انتقال می‌شود. هر کس که نگاه کند؛ آن را فرا می‌گیرد.[۲۹۴]

سپاس و ستایش و تمجید و تحسین فراوان خود را بر جوانان بسیجی مؤمن در سرتاسر کشور؛ این دل های پاک، این دل های تپنده با عشق به خدا، با ایمان به حقیقت، بااخلاص و باصفا، نثار می کنم. این اخلاص و صفا را در خودتان حفظ کنید.[۲۹۵]

لزوم تقوا و مراقبت از خود

قرآن می فرماید:

«ثم کان عاقبةَ الذین اساء السوء ان کذبوا بایات اللّه»؛ خلافکاری، گناه، ارتکاب محرم، عدم اعتنا و مبالات به تربیت خود، گاهی کار را به جایی می رساند که جزای کار بد آنها «سوء» است. البته این آیه را دوسه جور نقل کرده‌اند. این بنابر یک وجه از آن وجوهی است که معنا شده است. «سوء» یعنی بدترین، علاج خرابی کار بد آن ها، بدترین شد. آن بدترین چیست؟ «ان کذبوا بایات اللّه». تکذیب به آیات خدا، یعنی یک مؤمن بر اثر عدم مراقبت، عدم دقت، مواظب خود نبودن (مواظب حرف خود، کار خود، رفتار خود، معاشرت خود، فکر خود) و از خود مراقبت معنوی نکردن؛ کارش به جایی می رسد که ایمان خود را از دست می دهد، تکذیب «آیات‌الله» می کند.

اسم این مراقبت، همان تقواست؛ این تقوایی که دایم گفته می شود: «تقوا، تقوا»، تقوا یعنی شما مراقب خودتان باشید، در رفتار و گفتار و حرف، مواظب باشید که شیطان در شما نفوذ نکند. البته هیچ انسانی از گناه بیرون نیست؛ مگر معصومین. همه گناه می کنند، همه‌ی ما در این

جهت مثل هم هستیم؛ جز معصومین؛ فرق آدم با تقوا، با آدم بی تقوا، این است که آدم بی تقوا خودش را در مقابل گناه، رها می کند؛ مثل این‌که شما یک برگ را در روی موجی و جریان آبی بیندازید، این جریان این برگ را می‌برد، هیچ مقاومتی در مقابل جریان ندارد. آدم با تقوا مثل آن کسی است که اگر هم در یک جریان تندی افتاده است، شنا می کند، نمی گذارد، خود را جمع و جور می کند، خود را اداره می کند؛ نمی گذارد که او را آب ببرد. به فرض هم که یک قدم عقب رفت، یک جا هم پایش لغزید، مراقب خودش است.[۲۹۶]

---

۲۹۴ – بیانات در جمع رزمندگان و بسیجیان بندرعباس ۱۳۷۶/۱۱/۳۰
۲۹۵ – بیانات در اجتماع نیروهای شرکت‌کننده در مانور عظیم طریق‌القدس ۱۳۷۶/۲/۳
۲۹۶– بیانات در جمع سپاهیان و بسیجیان لشکر ۱۰ سیدالشهدا ۱۳۷۷/۷/۲۶

الزامات افزایش توانایی‌های مجموعه‌ی بسیج

۱. الزامات اخلاقی

آنچه بنده توصیه می کنم، این است که توانایی‌های مجموعه‌ی بسیج را باید بالا برد؛ الزاماتی وجود دارد: الزامات اخلاقی، الزامات رفتاری، الزامات عملی. الزامات اخلاقی، یعنی ما در درون خودمان اخلاقیات نیکوی اسلامی را پرورش بدهیم؛ از جمله‌ی این اخلاقیات صبر است؛ از جمله‌ی این اخلاقیات گذشت است؛ از جمله‌ی این اخلاقیات حلم و ظرفیت داشتن و جنبه داشتن، است؛ از جمله‌ی این اخلاقیات تواضع است؛ این خصوصیات را در درون خودمان تقویت کنیم.[۲۹۷]

۲. الزامات رفتاری

الزامات رفتاری هم این است که همین خلقیات نیکو را در عمل با مردم، در عمل با محیط، در تعامل با جامعه و انسان ها به کار ببریم. رفتار یکایک عزیزان بسیجی، شما جوان ها، شما عناصر پاک، شما دل های پاکیزه و روشن، رفتار یکایک شما با آحاد مردم (که خیلی‌هایشان همان‌طور که گفتم به معنای واقعی کلمه بسیجی‌اند)، باید جوری باشد که بگویند این ها پرورش یافتگان نظام اسلامی‌اند؛ مایه‌ی جلب محبت، مایه‌ی جلب احترام برای نظام اسلامی و برای جمهوری اسلامی.[۲۹۸]

۳. الزامات عملی

این الزامات عملی، الزامات جهادی، الزامات اجتماعی، کارهایی است که بایستی انجام بگیرد؛ یعنی تقویت خصال نیک در خود، برخورد مهربان و خدوم و تحسین برانگیز با محیط، عمل جدی در همه‌ی جبهه‌ها (هم در جبهه‌ی علم، هم در جبهه‌ی فعالیت ها و خدمات مردمی، هم در جبهه‌ی کار، هم در جبهه‌ی سیاست، هم در جبهه‌ی تولید)، در هر جا که حضور دارید؛ کار جدی و بدون احساس خستگی و با پرهیز از تنبلی، کار کنیم. این مجموعه‌ی عظیم (که دهها هزار فرمانده‌ی آن ها امروز در اینجا جمع هستند) می تواند کشور را به معنای واقعی کلمه، در همه‌ی جهات مثبت حرکت بدهد، مایه‌ی استقرار و ثبات باشد، مایه‌ی ابهت نظام باشد که بحمدالله هست. امروز بسیج مایه‌ی ابهت نظام است، مایه‌ی افتخار نظام است.[۲۹۹]

پرورش و تقویت روحیه ایثار در بسیج

یک مسأله در بسیج، مسأله ایثار است. ایثار در لغت، نقطه‌ی مقابل استئثاراست. استئثار یعنی هرچه که وجود دارد، ما برای خودمان بخواهیم. ...ایثار، نقطه‌ی مقابل این است؛ یعنی از سهم خود، از حق خود برای دیگران گذشت کردن و به نفع دیگران از حق خود صرف نظر کردن.

۲۹۷- بیانات در دیدار پنجاه‌هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصلّای امام خمینی ره (۱۳۹۲/۸/۲۹)
۲۹۸ - همان
۲۹۹- همان

این خصوصیت در قله‌های بسیج وجود داشته است و من به شما جوان های عزیز عرض کنم: سعی کنید این خصوصیت را در خودتان تقویت کنید. ما افراد بشر، دائم در کنار لغزشگاه داریم حرکت می کنیم. جاذبه‌ها ما را به خود فرامی خواند. دنبال منافع شخصی حرکت می کنیم. منافع شخصی، ما را جذب می کند. گاهی به خاطر منافع خودمان، حاضریم حق دیگران را هم پامال کنیم. باید مراقب خودمان باشیم. خودسازی بسیجی، یکی از خصوصیاتش همین است که بتواند این روحیه را در خود تقویت کند و پرورش دهد که ایثار کند. آن قله‌های بسیج که عرض کردیم، آنهائی هستند که جان خودشان را در کف دست گرفتند، رفتند برای دفاع از اسلام، برای دفاع از انقلاب، برای دفاع از امام، برای دفاع از کشور، برای حفظ مرزهای کشور جنگیدند. از خودگذشتگی، بالاتر از این؟ بیش از این؟ این، قله‌ی ایثار است.[۳۰۰]

رشد دائمی در بعد معنوی

یکی دیگر از نیازهای عمده ی شما (برای بسیج دانشجویی)، مسأله یِ اخلاق و معنویت است. شماها جوان های خوبی هستید؛ این را بدون تعارف می گویم؛ انصافاً جوان های بسیجی ما، جوان های خوبی هستند؛ اما خوبی مراتبی دارد. هیچ وقت در خوب بودن و خوب شدن، حد نشناسید؛ مرتب در حال بالاتر رفتن باشید. سعی تان این باشد که گناه نکنید. فرائض را با شوق و رغبت انجام بدهید. از یاد خدا غفلت نکنید. با قرآن، انس پیدا کنید. در محیط های گوناگون که با همدیگر هستید، سعی کنید به دینداری و معنویتِ یکدیگر کمک کنید. اگر رفیقی در جایی، پایی کج می گذارد، او را برادرانه و مشفقانه باز بدارید.[۳۰۱]

ضرورت میل به معنویت، درفضای عمومی کشور

امروز کشور احتیاج دارد که فضای عمومی آن، فضای معروف، اقامه‌ی حق، اقامه‌ی عدالت و میل به معنویت باشد. نظام اسلامی فقط به این اکتفا نمی کند که زندگی اقتصادی و مادی مردم را آباد کند؛ این یکی از وظایف حتمی اوست؛ اما در کنار این وظیفه، اقامه‌ی معروف، اقامه‌ی روح دینی، استقرار اخلاق اسلامی، استقرار روح برادری و صمیمیت در میان همه‌ی آحاد ملت و

احیای روح عزت و استقلال (روحیه‌ای که مانع از آن شود که یک ملت تن به پستی و سستی و ذلت دهد)، نیز جزء وظایف اسلامی است. پیغمبر عظیم‌الشأن اسلام در هر نشست و برخاستی، بر روی یکایک مردمی که با او روبه‌رو می شدند؛ اثر می گذاشت و انسان ها را، هم در سایه‌ی استقرار نظام اسلامی و هم با تربیت فردی، منقلب و متحول می کرد. تحول انسان، اساس همه‌ی تحولات عالم است.[۳۰۲]

۳۰۰- بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۴
۳۰۱- بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی ۱۳۸۶/۲/۳۱
۳۰۲ – بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱

توکل و اعتماد به خدای متعال

به خدای متعال باید توکل کرد؛ به خدا باید اعتماد کرد؛ به خدای متعال باید حسن ظن داشت. خدای متعال وعده کرده است: «و لینصرن الله من ینصره»؛ آن کسانی که در راه نصرت دین خدا حرکت می کنند، وقتی حرکت کنند، خدا آن ها را نصرت می دهد. بله طرفدار دین خدا باشیم، کاری هم انجام ندهیم، گوشه ی خانه بخوابیم، نصرتی وجود ندارد؛ اما وقتی که حرکت می کنیم برای نصرت دین خدا، ممکن است هزینه هم داشته باشد، اما نصرت قطعی است؛ همچنانی که از اول انقلاب تا امروز، در چالش های گوناگون، ملت ایران پیروز شده است؛ این نصرت الهی است. در جنگ تحمیلی، هشت سال، تقریبا همه ی دنیای مطرح آن روز، پشت سر دشمن ما قرار گرفتند و با ما جنگیدند. آمریکا به آن ها کمک کرد؛ شوروی به آن ها کمک کرد؛ ناتو به آن ها کمک کرد؛ همسایگان بی انصاف به آن ها کمک کردند؛ پول دادند؛ امکانات دادند و همه ی این ها در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفتند و قصدشان تجزیه ی ایران بود؛ قصدشان جدا کردن خوزستان بود؛ قصدشان تصرف سرزمین بود؛ که بتوانند جمهوری اسلامی را به بی کفایتی متهم کنند و ساقط کنند؛ اما خدای متعال تو دهن آن ها زد و ملت ایران با صبر خود، با بصیرت خود، به دشمنان آنچنان ضربه ای وارد کرد که عقب نشینی کردند. این امکان همیشه در اختیار شماست.[۳۰۳]

تغذیه ی معنوی و فکری دایمی

امروز جوان ایرانی، آگاه، با معرفت، بصیر، سیاسی و اهل تحلیل است و از همه بالاتر با ایمان است. ... جوان که پرورش یافته ی دوران انقلاب است، از معرفت دینی برخوردار است، ایمانش هم ایمان عمیقی است؛ البته احتیاج دارد که تغذیه ی معنوی و فکری دایمی شود. ابزارها و فعالیت ها و کارهای فرهنگی باید در اختیار جوان قرار بگیرد. روحانیون خوش فکر و دانشگاهیان مؤمن باید در مقابل ایمان جوانان احساس مسئولیت کنند.[۳۰۴]

تقویت ایمان با عمل

آینده ی این انقلاب، آینده ی این نظام و این کشور به برکت اسلام، یک آینده ی بسیار روشن و درخشانی است. کسانی که باید این آینده را شکل بدهند؛ عمدتا شما جوان ها هستید. اولا

ایمان اسلامی را با عمل در خودتان تعمیق کنید؛ که این اساس کار است. ایمان هم یک چیز کتابی و ذهنی نیست؛ در عمل، ایمان تقویت پیدا می کند. انسان، خدا را در میدان مجاهدت برای خدا بهتر می بیند. این مجاهدت هم سنگرهای مختلفی دارد؛ سنگر علم و سازندگی هم از آن جمله است. با تقوا، با تضرع پیش خدای متعال، با انجام عبادات و با اجتناب از محرمات، ایمان را تقویت کنید.[۳۰۵]

۳۰۳- بیانات در دیدار با مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵
۳۰۴ – بیانات در دیدار با جوانان ۱۳۸۰/۲/۱۲
۳۰۵ – بیانات در دیدار با هزاران تن از دانشجویان و دانش آموزان ۱۳۷۳/۸/۱۱

اجتناب از تند خویی و خشونت

از جمله چیزهایی که به خصوص در رابطه با جوانان، لازم است به آن ها گفته شود و آن ها به آن هدایت بشوند؛ سوق دادن جوانان به اندیشیدن، تعقل، اخلاق اسلامی، حلم، اجتناب از شتابزدگی و عجله در امور، اجتناب از تند خویی و اعمال خشونت است.[۳۰۶]

ب. آثار و نقش معنویت و معرفت دینی

۱. آثار و نقش معنویت

معنویت در موفقیت های میدان نبرد

همین معنویت بود که بسیج را در میدان های نبرد، آن‌طور بی تاب و عاشق می کرد؛ به شوق جبهه، این جوانان را می کشاند و وقتی به جبهه می آمدند، از جبهه دل نمی کندند.[۳۰۷]

معنویت و سونامی قدرت

با خدا باشید؛ دل به خدا بسپارید؛ توکلتان را به خدای متعال از دست ندهید؛ به نیروی عظیمی که خدای متعال در دل شما، در ذهن شما، در اراده ی شما، در وجود شما و در جسم شما به ودیعه قرار داده است؛ باور و ایمان بیاورید و بدانید با این نیرو می توانید کوه های عظیم را جابه جا کنید. اقیانوس ملت ایران ممکن است گاهی آرام به نظر برسد؛ اما اگر طوفانی شد؛ سونامی ها به وجود خواهد آورد.[۳۰۸]

معجزه معنویت، در همه میدان ها

اگر این اقیانوس عظیم با تکیه ی بر اعماق دینی و ایمانی اش به طوفان برخیزد، جوان های ما کارهای بزرگی انجام می دهند. این کارهای بزرگ فقط در میدان جنگ نیست (یک نمونه مربوط به میدان جنگ است)، در میدان علم هست؛ در میدان مسائل اجتماعی هست؛ در میدان مسائل فرهنگی هست؛ در ایجاد فضائل اخلاقی و گسترش این فضائل در میان مردم هست؛ در میدان فناوری و پیشرفت های علمی و فنی هست. این کارها و این معجزه ها همه از شما جوان ها برمی آید؛ از شما ملت عزیز ایران برمی آید؛ از بسیج جوان و پیر و زن و مرد برمی آید. ملت ایران نمادش بسیج است و همه ی ملت ایران در واقع اجزای بسیج اند.[۳۰۹]

ایجاد صف مستحکم و مرصوص

معنای تقوا، این است که هر آنچه را خدای متعال بر انسان تکلیف کرده است؛ انجام بدهد؛ واجبات را بجا بیاورد و محرمات را ترک کند. این، اولین مرتبه‌ی تقواست. محرمات الهی را

۳۰۶ – بیانات در دیدار با جمعی از مبلغان دینی ۱۳۷۷/۲/۲
۳۰۷ – بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه ۱۳۷۰/۶/۲۷
۳۰۸ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۸۴/۹/۷
۳۰۹ – همان

باید شناخت و دور و بر آن نچرخید و نگشت. شیطان وسوسه‌گر است. وقتی که روحیه‌ی تقوا و دل‌سپردن به خدا و معامله‌ی با خدا و یاد خدا و توجه و ذکر و دعا و توکل، در دل این جوان بسیجی مؤمن (چه دانشجو، چه طلبه، چه قشرهای دیگر، چه شهری، چه روستایی) جا گرفت و رشد کرد؛ آن‌وقت همان صف مستحکم مرصوصی است که هیچ قدرتی توانایی تکان دادن آن را ندارد. این، ضامن پیشرفت هدف های اسلام و انقلاب است؛ قدر این را باید دانست.[۳۱۰]

کارامدی بازوی قوی، با دعاست

این بازوی قوی، این اراده نیرومند و پولادین، با دعاست که کارایی پیدا خواهد کرد. در میدان جنگ هم پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین علیهماالسّلام دعا کردند و با تضرع از خدای متعال خواستند. امام عزیز ما هم در جنگ دعا می کرد. دل ما به دعاهای آن بزرگوار و دعاهای مؤمنین و صالحین، قرص بود. دعاها را رها نکنید؛ همه چیز را با دعا بخواهید. ما برای مردم محروم و مظلوم بوسنی هرزگوین، هرچه از دستمان برآید؛ کمک می کنیم. کمک کردیم و باز هم می کنیم؛ اما من می گویم: برایشان دعا هم بکنید؛ دعاهم باید کرد. انسان با تضرع و از اعماق دل می تواند برای آن ها دعا کند.[۳۱۱]

یکی از سلاح های ما، دعاست؛ «لایملک الّا الدّعاء». ما دعا را داریم؛ سلاح دعا را داریم؛ سلاح تضرع را داریم و سلاح بکاء را داریم. ما از ترس، هیچ وقت گریه نمی کنیم. از هیچ‌کس و هیچ قدرتی در دنیا نمی ترسیم؛ اما بزرگ ترین افتخار برای یک انسان مؤمن این است که در مقابل عظمت خدای خود، اشک بریزد؛ به حال خود گریه کند؛ بر گناهان خود و بر عمری که در گناه گذشته است؛ تأسف بخورد. پیش خدا تضرع کنید و همه چیز را با تضرع، از خدا بخواهید.[۳۱۲]

تقوا و جهاد اکبر عامل تقویت روح مبارزه و ایستادگی

عزیزان من! روح مبارزه و ایستادگی در مقابل دشمن، وقتی به طور کامل و سالم در شما قشر جوان باقی می ماند که تقوا، بازگشت به خدا و جهاد اکبر در وجود و زندگی تان بگنجد. اگر ما به جوانان توصیه می کنیم که طهارت، تقوا، استغفار، اجتناب از گناه، رو آوردن به خدا و توجه به معنویات را سرلوحه کارها قرار دهند؛ به این دلیل است که علاوه بر به همراه داشتن سعادت شخصی شما، کشور شما هم به جوانانی نیازمند است که بتوانند حقایق را درک کنند؛ در میدان ها بایستند؛ توطئه دشمن را بشناسند و با آن مقابله کنند. دانشگاه، حوزه علمیه و محیط علمی و تحصیلی جای این ایستادگی، مقاومت، هوشیاری و مبارزه است. این، انتظار از نسل جوان است.[۳۱۳]

۳۱۰ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۰/۸/۳۰
۳۱۱– بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷
۳۱۲– همان
۳۱۳– بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۱۳۷۴/۸/۱۰

وصیت نامه‌های رزمندگان، جلوه هایی از معنویت بسیجیان

این وصیت نامه‌هایی که امام می فرمودند: بخوانید؛ من به این توصیه‌ی ایشان خیلی عمل کرده‌ام. هرچه از وصیت نامه‌های همین بچه‌ها به دستم رسیده – یک فتوکپی، یک جزوه – غالباً من این ها را خوانده‌ام؛ چیزهای عجیبی است. ماها واقعاً از این وصیت نامه‌ها درس می گیریم. اینجا معلوم می شود که درس و علم و علم الهی، بیش از آنچه که به ظواهر و قالب های رسمی وابسته باشد، به حکمت معنوی – که ناشی از نورانیت الهی است – وابسته است. آن جوان خطش هم به زور خوانده می شود، اما هر کلمه‌اش برای من و امثال من، یک درس و یک راهگشاست و من خودم خیلیِ استفاده کرده‌ام. در بسیاری از موارد، به پدر و مادرشان می نوشتند که ما از اینجا دل نمی کنیم؛ اینجا بهشت است و زندگی اینجاست. مثلاً در جواب این که مادرش نوشته بود پسرم! زودتر بیا، یا به ما خبر بده، می گوید اصلاً آنجا زندگی نیست؛ زندگی اینجاست. این همان معنویت بود.[۳۱۴]

معنویت، عنصری شکست ناپذیر

وقتی معنویت هست؛ دل ها مجذوب آن می شود. وقتی دل ها مجذوب شد؛ نیروها به دنبال دل ها و اراده‌ها حرکت می کند. وقتی این‌طور شد؛ بزرگ ترین قدرت ها نمی توانند یک ملت را شکست بدهند. برادران! این واقعیت در ایران اتفاق افتاد؛ بزرگ ترین قدرت های دنیا نتوانستند ایران را شکست بدهند.[۳۱۵]

صفا و اخلاص، گره گشای همه کاره

دعا و توجه شما، ذکر خدا در دل های پاک و نورانی شما جوانان عزیز، معجزه ها و کارها می کند. خود را از اکنون آماده کنید. مخصوص این ایام هم نیست؛ در تمام عمرتان رابطه با خدا، در شما صفا و اخلاص را تقویت می کند و صفا و اخلاص، گره گشای همه کارهاست.[۳۱۶]

اخلاص، رمز موفقیت امام

من از امام بزرگوار راحلمان که معلم و امام و محبوب بسیجیان کشور، بلکه محبوب همه انسان های پاک نهادی بود که دل آنان در هر نقطه دنیا، به یاد یک معنویت و حقیقتی می تپید، مثالی برای شما بزنم. عزیزان من! امام، آن کاری که کرد (و عظیم ترین کاری بود که ما در زمان معاصر و نزدیک خودمان سراغ داریم (به برکت اخلاص بود؛ اخلاص! اگر اخلاص نبود، شخصیت عظیم و جوهر مستحکم امام هم برای این که این کارها را پیش ببرد، کافی نبود.[۳۱۷]

۳۱۴ – بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه ۱۳۷۰/۶/۲۷
۳۱۵ – همان
۳۱۶ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
۳۱۷ – همان

نقش اخلاص در خنثی کردن توطئه های دشمن

اگر اخلاصی را که امام داشت و مایه آن، در دل همه شما هست، شما هم داشته باشید؛ ما هم داشته باشیم؛ دست اندرکاران هم داشته باشند؛ امروز هم تمام توطئه های دشمن، نقش بر آب خواهد شد! آن سلاحی که هیچ دشمن مادی، قادر به مقابله با آن نیست؛ سلاح ایمان مخلصانه و عمل مخلصانه است.[۳۱۸]

کارایی اخلاص

اخلاص یعنی چه؟ ...اخلاص یعنی این که انسان، کار را برای خدا و به عشق انجام وظیفه، انجام دهد. انسان برای هوای نفس، برای رسیدن به مال، به ثروت، به مقام، نام نیک، قضاوت تاریخ، برای انگیزه های نفسانی، برای اشباع صفت پلید حسد، طمع، حرص، زیاده طلبی و افزون طلبی کار نکند! کار را برای خدا و محض انجام وظیفه بکند؛ این، معنای اخلاص است. چنین کاری پیش می رود؛ این گونه کاری، مثل شمشیر برنده هر مانعی را از سر راه برمی دارد. امام با این سلاح، مجهز بود. بارها گفت من نسبت به نزدیک ترین نزدیکان خود هم اگر قدمی برخلاف حق بردارند، اغماض نمی کنم و همین طور هم بود. در مواقع حساس نشان داد که آنچه برای او مطرح است؛ انجام وظیفه است. در آشکار، در خلوت، در کارهای بزرگ و کارهای کوچک، این را نشان داد. این درسی شد برای مریدان، فرزندان و شاگردان امام که با همین سلاح در جبهه های جنگ آن روز، آن معجزه ها را آفریدند! بعضی از شما در آن میدان ها بودید، خودتان از نزدیک آن ها را دیدید، بعضی هم شنیدید. امروز هم به همان احتیاج است.[۳۱۹]

نقش اتحاد و ایمان در مقابله با مشکلات

شکست یک ملت، آن‌وقتی اتفاق می افتد که معتقد بشود که نمی تواند کاری انجام بدهد؛ این اولِ شکست هر ملتی است. آن ها خواستند این احساس را در دوران جنگ تحمیلی در دل ایرانیانَ به‌وجود بیاورند؛ اما قضیه به‌عکس شد. جنگ تحمیلی (دفاع مقدس ملت ایران)، نشان داد که یک ملت در سایه‌ی اتحاد، در سایه‌ی ایمان به خدا، در سایه‌ی حُسن ظن به خدای متعال و اعتقاد به صدق وعده‌ی الهی، می تواند از همه‌ی گذرگاه‌های دشوار عبور کند و می تواند در مقابل دشمنان بایستد و می تواند دشمن را وادار به هزیمت و عقب نشینی کند؛ جنگ تحمیلی این را به همه‌ی ما نشان داد.[۳۲۰]

یاری مخلصانه دین خدا، عامل نصرت الهی

در قرآن، چند جا وعده‌ی صریح داده شده است که اگر خدا را یاری کردید، خدای متعال شما را یاری می کند. «ان تنصروا الله ینصرکم» «ولینصرنّ الله من ینصره». در قرآن، چیزی دیگر از این صریح تر! انسان از خدای متعال، چه می خواهد؟ صریح و با تأکید، قطعاً «لینصرنّ الله»؛

۳۱۸- همان
۳۱۹- همان
۳۲۰- بیانات در یادمان شهدای شرق کارون ۱۳۹۳/۱/۶

یعنی دقیقاً، قطعاً خدای متعال، کسی که او را یاری کند؛ یاری می کند. یاری خدا یعنی چه؟ یاری خدا یعنی این‌که، انسان به دنبال این باشد که راه خدا را، راه همواری کند؛ بر تعداد رهروان آن راه بیفزاید و کمک کند به مردم که در این راه حرکت کنند. این، یاری خداست دیگر. خدا هم یاری خواهد کرد؛ تا حالا هم یاری کرده است. شما خیال نکنید که چنانچه این اخلاص ها و این نیت های خوب نبود، ممکن بود وضع کشور، این‌طور که هست باشد.[۳۲۱]

حفظ روحیه ایستادگی در مقابل دشمن، نتیجه نور معنویت

شما جوانان بحمدالله پاکید. جوانی که در فضای اسلام و انقلاب و نظام جمهوری اسلامی تربیت شده؛ طهارت فطری سالم را داراست. عوامل ویران کننده این طهارت در جامعه ما، بحمدالله نسبت به کشورهای دیگر و گذشته های کشور خودمان کم است. قدر این طهارت را بدانید و آن را حفظ کنید؛ در این صورت نورانیت آن را خواهید دید. هر جوانی که از گناه پرهیز داشته باشد و در رفتار معمولی خود، خدا را فراموش نکند و جهت خدایی را تا آنجایی که ممکن است؛ لحاظ کند؛ نورانیت آن را خواهد دید. اگر جوانی در درس خواندن و کارهای گوناگون، با خلوص قصد کند که برای کمال خود، خدمت به جامعه و اسلام و برای کمک به آینده این کشور، بکوشد؛ نتایج و نورانیت آن را در قلب خود می بیند. این امر، آثار زیادی برای او در پی خواهد داشت. یکی از آثار، چیزی است که امروز به آن بسیار احتیاج داریم و این مطلب اصلی امروز من است. آن اثر، حفظ روحیه ایستادگی در مقابل دشمن و مبارزه با اوست. عزیزان من! این موضوع بسیار مهم است. عده ای خیال کردند؛ در دنیایی که نظام سلطه بر آن مسلط است؛ یک فرد نظامی نمی تواند دم از فضیلت، معنویت، استقلال، اتکای به منابع انسانی و مادی خود و بی اعتنایی به دست اندازیهای بیگانگان بزند و بی دردسر، مشغول زندگی باشد.[۳۲۲]

ایمان و اعتقاد و امید، تشکیل دهنده قدرت واقعی

قدرت استکبار را نباید مورد مبالغه قرار داد. آنی که به معنای واقعی قدرت است؛ قدرت ملتهاست؛

در صورتی که با ایمان به خدای متعال و با آشنایی و معرفت به احکام الهی، دلهایشان محکم و مستحکم شده باشد. وقتی که آحاد ملت، به محوریت و تمرکز مسؤولین دلسوز، ایمان و اعتقاد و امید پیدا کرده باشند؛ اینهاست که یک قدرت واقعی را تشکیل می دهد و این، همان چیزی است که بحمدالله در کشور ما، از اول انقلاب، وجود پیدا کرد. امام بزرگوار در جلو، مسؤولین کشور در اطراف ایشان و آحاد عظیم ملت هم به نور هدایت امام، دلهاشان منور شد. هر طرفی که مصلحت این کشور و این ملت ایجاب می کرد، به همان طرف متوجه شدند؛ کارهای بزرگ را انجام دادند و به فضل پروردگار، کشور را پیش بردند.[۳۲۳]

۳۲۱- بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران ۱۳۷۶/۱۱/۱۱
۳۲۲- بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۱۳۷۴/۸/۱۰
۳۲۳- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۲/۸/۳۰

ایمان، عامل ایستادگی و روحیه‌ی سلحشوری

شما ملت عزیز، شما ملتی که دلهایتان با ایمان روشن شد و به برکت ایمان قوت قلب پیدا کردید و در مقابل دشمن ایستادید و حرف خودتان را پیش بردید؛ باید قدر این ایمان و این روحیه‌ی سلحشوری و قدر سلحشوران میدان نبرد را بدانید و این ارزش ها را زنده نگهدارید. ملت ما در مقابل چنین ظالم هایی سر خم نخواهد کرد.[۳۲۴]

قرآن به ما می گوید: «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون.» یعنی سست نشوید؛ غمگین نشوید؛ شما بالاتر از دیگران هستید. به دنبال این جمله، قیدی دارد؛ «ان کنتم مؤمنین» اگر مؤمن باشید. همه این حرف هایی که زدیم، مربوط به آن‌وقتی است که رابطه ما با خدا خوب باشد؛ مربوط به آن وقتی است که شما جوانان عزیز، با تقوا باشید؛ مربوط به آن وقتی است که شما زن و مرد، سعی کنید دینتان را حفظ کنید.[۳۲۵]

صفا و اخلاص، گره گشای همه کاره

دعا و توجه شما، ذکر خدا در دل های پاک و نورانی شما جوانان عزیز، معجزه ها و کارها می کند؛ خود را از اکنون آماده کنید. مخصوص این ایام هم نیست؛ در تمام عمرتان رابطه با خدا، در شما صفا و اخلاص را تقویت می کند و صفا و اخلاص، گره گشای همه کارهاست.[۳۲۶]

اخلاص، عامل پیشرفت و نوآوری

در همه جا، این اخلاص و ایمان و انگیزه و اقدام، متصور است. در وادی علم و معرفت و پیشرفت و نوآوری و خلاقیت علمی و تعلیم و تدریس هم عیناً وجود دارد. نمونه‌اش مجموعه‌ی اساتید مؤمن ما در دانشگاه ها هستند. البته مجموعه‌ی بسیج منحصراً کسانی نیستند که در دانشگاه های ما از ایمان و انگیزه‌ی معنوی برخوردارند؛ بحمدالله امروز فضای دانشگاه های کشور، شاهد اساتید بسیار فراوانی است که دارای ایمانند. ما خوشحالیم که بحمدالله این عنوان و این فرهنگ، در محیط تدریس دانشگاه ها هم به صورت بارزی خود را نشان می‌دهد. این می‌تواند برای دانشگاه ها منشأ برکاتی باشد.[۳۲۷]

تقویت رابطه با خدا، برای مبارزه با امریکا و ایادی استکباری

امریکا و ایادی استکباری و دنباله‌روها و جیره‌خوارهایش، از این نمی گذرند؛ مبارزه می کنند؛ توطئه، حیله‌گری و کید و مکر می کنند؛ مثل این‌که تا به‌حال در این هجده سال کردند. البته کید و مکر دشمن، در مقابل آگاهی و بیداری و حضور و فعالیت درست ملت و دولت، خنثی خواهد شد و اثری نمی کند؛ اما باید بیدار بود؛ باید هوشیار بود؛ باید رابطه را با خدا قوی کرد؛

۳۲۴- بیانات در جمع رزمندگان، بسیجیان و گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان در هفته‌ی دفاع مقدس ۱۳۷۰/۷/۳
۳۲۵- بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷
۳۲۶ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
۳۲۷-بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸

باید اخلاص را تقویت کرد.[۳۲۸]

بسیج تضمین کننده انقلاب

در محیط کار و زندگی، حتما اخلاق و مقررات و نظم و انضباط را رعایت کنید و بدانید که وجود شما برای انقلاب، یک ذخیره‌ی تمام‌نشدنی است. تا وقتی که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی متکی به این احساسات وایمان ها و اخلاص هاست، هیچ دشمنی در هیچ سطحی قادر نیست به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ضربه وارد کند.[۳۲۹]

ایجاد روح ایستادگی و مقاومت

باید در وجود خودتان، آن روح ملکوتی را که با انوار معرفت و معنویت الهی متلألی شده و ضمناً با توکل به خدا استحکام پیدا کرده؛ در مقابل وسوسه‌ها تسلیم نمی‌شود؛ در برابر تهدیدها عقب نشینی نمی‌کند و در مقابل مانع ها احساس نومیدی نمی‌کند؛ به وجود آورید و خودتان را برای چنان کارهای بزرگی آماده کنید.[۳۳۰]

ماندگاری روح انقلابی در نسل جوان

بارها من گفته‌ام و این گفته شعار نیست، واقعیت است: امروز ما هم همتمان، هم بصیرتمان، هم توانائی های گوناگون مان از سی سال قبل به مراتب بیشتر است. هدایت انقلاب، روح انقلاب، جهتگیری انقلاب در ما کهنه نشده؛ چیزی که آن ها امیدش را داشتند. شاهد و دلیل: همین جوانها. بهترین شاهدها همین شما جوانان عزیز هستید؛ این نسل پویا و بالنده‌ی بابصیرت و باهمت و آگاه که در صحنه‌های گوناگون حاضر است.[۳۳۱]

۲. آثار و نقش معرفت افزایی

اعتماد به نفس در پیمودن راه

معرفت دینی وقتی با توجه به عمل صالحی که دنبال آن است؛ به جوان، به خصوص جوان دانشجو و دانش آموز آموخته شد، این معرفت باید بتواند جوان را مسلح کند؛ مجهز کند. اعتماد به نفس را برای پیمودن راه بسیار مهم و دشواری که در پیش‌روی نسل امروز ماست، به او بدهد.[۳۳۲]

این معرفتی که شما می‌آموزید؛ باید شما را در میدان عمل، عمل صالح، راهنمایی کند و کمک کند و شما را با ذخیره با ارزشی از ایمان، امید و عزم راسخ وارد این میدان کند؛ احساس

۳۲۸ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
۳۲۹ – بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۱۳۶۸/۴/۶
۳۳۰– بیانات در دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶
۳۳۱ – بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱
۳۳۲ – بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۱/۵/۱۷

مسؤولیت کنند جوان‌ها.[۳۳۳]

معرفت و ترسیم راه روشن آینده

امروز معرفت شما و آگاهی شما باید آن چنان راه را در مقابل شما روشن کند که بتوانید کارهای بسیار بزرگی را که در این دهه و دهه بعد بر دوش شما جوانان است انجام دهید.[۳۳۴]

تاثیر در محیط پیرامونی

این دانایی که شما به دست می‌آورید؛ با این آشنایی‌ها و معرفت اندوزی‌ها باید، در محیط پیرامونی شما، چه محیط درس و تحصیل، چه محیط کار و چه محیط خانواده تأثیر بگذارد.[۳۳۵]

دفع شبهه‌ها و رفع آن ها

البته در یک چنین موضعی، دفع شبهه‌ها و رفع آن ها یک کار سهل و آسان خواهد بود؛ اما هدف فقط این نیست که بنشینیم و منتظر باشیم؛ یک شبهه‌ای به طرف ما پرتاب کنند ما هم دنبال علاج بگردیم و شبهه را بر طرف کنیم.[۳۳۶]

مجهز شدن به موضع تهاجمی

جوانی که با معرفت درست اسلامی مجهز است؛ همت او این نیست که فقط شبهه ها را برطرف کند؛ یعنی موضع دفاعی ندارد. موضع یک جوان آگاه دارای اعتماد به نفس، از لحاظ ابزار منطقی و فکری، موضع تهاجمی است. اوایل انقلاب، وقتی بنده به دانشگاه می رفتم و پاسخ به سوالات می دادم و صحبت می کردم؛ یک نفر از جوان های وابسته به گروه های

چپ از من پرسید: شما در مقابل فلان قضیه چه دفاعی دارید؟ گفتم بنده دفاعی ندارم؛ من هجومی دارم! انقلاب اسلامی در موضع دفاعی قرار ندارد. اگر ما موضع دفاعی داشتیم؛ تا حالا کارمان ساخته شده بود؛ موضع انقلاب اسلامی موضع هجومی است.[۳۳۷]

فعالیت سیاسی و فرهنگی دانشجو و دانش‌اموز بایستی به برکت این معرفت آموزی‌ها، جهت پیدا کند و رونق بگیرد. دانشجو و دانش‌آموز بداند که حالا باید چه کار کند و چه فعالیتی انجام دهد.[۳۳۸]

---

۳۳۳ – همان
۳۳۴ – همان
۳۳۵ – همان
۳۳۶ – همان
۳۳۷ – بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۱/۵/۱۷
۳۳۸ – همان

فعالیت‌های سیاسی بر پایه معرفت اسلامی

این معرفت‌ها باید ملاک فعالیت سیاسی را هم به دست شما بدهد. در یک جامعه زنده همه موظف به تلاش سیاسی هستند. تلاش سیاسی غیر از سیاست‌زدگی است؛ غیر از سیاست بازی است. تلاش سیاسی، یعنی آگاه شدن از جریان کنونی جامعه و خطراتی که آن را تهدید می‌کند و مشخص کردن جبهه دوست و جبهه دشمن و گرفتن موضع مناسب در مقابل آن ها؛ این، آن فهم سیاسی است که برای همه لازم است و به دنبال آن تلاش هم است. این باید با ملاک‌های ناشی از همین معرفت اسلامی باشد. اگر این ملاک‌ها در دست یک فعال سیاسی نباشد؛ جبهه‌ها را اشتباه می‌کند؛ جبهه حق و باطل را با هم مخلوط می‌کند؛ ازهم تمیز نمی‌دهد.[۳۳۹]

اثرگذاری در محیط دانشگاه

در محیط دانشگاه سعی کنید بر اثرگذاری، به آنچه فراگرفته اکتفا نکنید...سعی کنید آن را منعکس و منتقل کنید. در محیط دانشگاه دل‌ها و فکرهای زیادی هستند که می‌توان آن ها را با شعاع این معارف منور کرد. سعی دشمن این است که جوان‌ها از این معارف دور بمانند. ... شما سعی کنید این افکار را ببرید به میان محافل جوان، محافل دانشجویی. دل‌ها پاک، نورانی و پذیرنده.[۳۴۰]

تأثیرگذاری جوانان از نظر ایمان، فکر و انگیزه در محیط خود

شما جوان‌های عزیز، در هر محیطی که هستید باید اثرگذار باشید؛ یعنی بایستی محیط را تحت تأثیر ایمان، فکر، انگیزه خودتان قرار دهید؛ نگذارید عکس این عمل انجام شود. ... شما جوان‌ها در هر محیطی که هستید؛ سعی کنید اثر بگذارید تا آن ها (دشمنان) نتوانند با این وسایل و ابزارها تأثیر بگذارند.[۳۴۱]

ج. ویژگی ها و شاخص های معنوی و اخلاقی بسیج

ایمان عاشقانه، رمز درخشش بسیج

علت این که در کشور ما بسیج، این طور درخشان شد و شکفت چه بود؟ ایمان عاشقانه، ایمان عمیق، ایمان توأم با عواطف که از خصوصیات ملت ایران است. مثل بعضی از ملت های دیگر، عواطف در این ملت جوشان است؛ کلید بسیاری از مشکلات است. این ایمان با آن عواطف همراه شد و این رودخانه عظیم خروشان را به این دریای پهناور تبدیل کرد و مشکلات را در هر جایی که لازم بود؛ از بین برد. امروز هم هست؛ باید هم باشد؛ ادامه هم خواهد یافت و باید هم ادامه پیدا کند.[۳۴۲]

---

۳۳۹ – همان
۳۴۰ – بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۷۹/۶/۱۰
۳۴۱ – بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۲/۶/۱۳
۳۴۲ – بیانات در دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان ۱۳۷۷/۹/۲

خدامحوری بزرگ ترین امتیاز بسیج

البته شما باید خدا را فراموش نکنید؛ به یاد خدا باشید؛ به خدا توکل کنید و از دستورات او الهام بگیرید. این، روح مطلب است. آن چیزی که شما را از همه‌ی تشکیلات علی الظاهر مردمی در کشورهای دیگر ممتاز می کند؛ همین است. آنچه که شما را به این حد از کارایی می رساند؛ همین یاد خداست. به خصوص شما جوانان، یاد خدا را هرگز از دست ندهید؛ خودتان را با خدا مأنوس کنید. شما جوانید؛ دل ها و روح های شما، پاک و مطهر است. شما آلوده به زخارف این زندگی مادی نشده‌اید. شما کسانی هستید که روح ها و دلهایتان، برای پرتوگیری از انوار الهی آماده است؛ این را قدر بدانید و برای خودتان حفظ کنید.[۳۴۳]

اخلاص، پایه‌ی اصلی کار بسیجی

پایه‌ی اصلی کار بسیجی، اخلاص است. «گمنام»، از جمله‌ی تعبیرات امام است: «مکتب شاهدان و شهیدان گمنام». گمنام یعنی دنبال نام و نشان نبودن. گفت: «در کیش ما تجرد عنقا تمام نیست/در قید نام ماند اگر از نشان گذشت». برای خدا کار کردند؛ که این ناشی است از روحیه‌ی اعتماد به خدا، می دانیم که پیش خدای متعال ضایع نمی شود. شما در خلوت عبادت می کنید؛ با خدا حرف می زنید؛ کسی هم نمی فهمد؛ خاطرتان هم جمع است که خدا دارد می‌بیند؛ این عبادت را محسوب می کند. کرام‌الکاتبین الهی نمی گذارند؛ این عبادت شما مثل عملی که انجام نشده، بماند؛ نه، تحقق پیدا کرده؛ این را یادداشت می کنند؛ آن وقت «فمن یعمل مثقال ذرّة خیرا یره»؛ همین را می‌بینید. عین همین در فعالیت های اجتماعی است. شما یک حرکتی را انجام می دهید برای خدا، یک اقدامی را می کنید برای خدا، یک تصمیمی را می گیرید برای خدا، هیچ کس هم نمی فهمد؛ برای این تصمیم، پیش هیچ کس هم تفاخر نمی کنید؛ این را خدای متعال می فهمد، می داند، می نویسد. به خدای متعال اعتماد دارید؛ به خدای متعال حسن ظن دارید. حالا گیرم دیگران نفهمیدند. مگر دیگران چقدر به ما مزد می دهند؟ در مقابل مزد الهی، این مزدهای دنیوی مگر چقدر است؟ بسیجی اینجوری فکر می کند؛ لذاست که اخلاص به خرج می دهد؛ مخلصاً لله کار را انجام می دهد. اخلاص، یکی از خصوصیات است.[۳۴۴]

بسیج مظهر همه ارزش های خوب الهی

در شرایط کنونی کشور، بعضی کسان با همان تفسیر غلطی که فکر می کنند؛ بسیج یک مجموعه نظامی است؛ یا سپاه و ارتش و نیروهای نظامی، فقط در دوران جنگ حضورشان لازم است و بعد باید به کلی فراموش شوند و کنار بروند؛ با این تحلیل غلط معتقدند که همه ارزشهای بسیجی، همه ارزشهای خوب الهی – که بسیج مظهر آن است – بایستی از جامعه کنار برود! البته این تبلیغ دشمن است. وای به حال ملتی که گوشش به تبلیغ دشمن باشد. دشمن،

۳۴۳– بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵
۳۴۴ – بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲

خیر انسان را که نمی خواهد. دشمن اگر از شما تعریف هم بکند؛ بایستی نسبت به این تعریف سوء ظن پیدا کنید.[۳۴۵]

بسیجی کسی است که برای ارزش های اسلام، اهمیت قائل است و معتقد به خدا و خاضع و خاشع در مقابل پروردگار عالمیان است. در دل، مشتاق صلاح است و می خواهد صالح و پاک باشد و از رذایل اخلاقی دور بماند. می خواهد روز به روز اُنس خود را با خدا بیشتر کند و بنده او باشد و بر طبق فرمان او زندگی کند. بسیجی این راه را، راه سعادت می داند. او سعادت را در شهواتِ زودگذرِ زندگی و پوشیدن لباس الوان و رنگارنگ و قرار گرفتن در معرض دید این و آن به خاطَر ارضای یک ساعته نمی داند. روح او با این چیزهای کوچک و حقیر، ارضا نمی شود؛ روح او با معارف الهی ارضا می گردد.[۳۴۶]

بسیجی، متدین و متشرع

در میدان های نبرد هشت ساله هیچکس به جوان های بسیجی نمی گفت شما بیایید؛ اینجور توسل کنید؛ اینجور توجه کنید؛ اینجور عبادت کنید؛ اینجور دعا کنید؛ از درون می جوشیدند. دلشان و ایمانشان آن ها را به سمت تعبد می بُرد. بافت وجودی آن ها که در آن میدان دشوار، جلای بیشتری هم پیدا کرده بود؛ به آن ها می آموخت چگونه خدا را عبادت کنند و عبادت می کردند. این چیزهائی که می شنوید و در کتاب های یادگار از آن دوران می خوانید از عبادت بسیجی ها، از تضرع و اشک زلال جوان های بسیجی در میدان های جنگ، این ها جوشیده از دل آن ها بود. هیچ کسی نمی تواند این را به کسی یاد بدهد. این ها یادگرفتنی نیست؛ این ها از درونِ دل و از عمق جان جوشیدنی است. بسیج یک موجود متدین و متشرع است.[۳۴۷]

بسیجی سرشار از عاطفه و محبت

عده‌ای حرکات محبت‌آمیز جوان بسیجی را درست درک نمی کنند. ایمان، فقط یک فرمول علمی خشک نیست. البته ایمان اسلامی، صددرصد علمی و منطقی و مستحکم است؛ اما در لابلای آن، امواج عاطفه و احساسات، غوغا می کند. امیرالمؤمنین سلام‌الله‌علیه و قبل از او پیامبر مکرّم اسلام صلّی الله‌علیه‌وآله‌وسلّم و همه‌ی ائمّه‌ی هدی، در کنار فعالیت عقلی، از نیروی عاطفه بهره می بردند.[۳۴۸]

رفتار مهربانانه، بزرگوارانه

برادران عزیز! من تأکید می کنم که در برخورد با کسانی که تصور می کنید موافق روش و راه

۳۴۵ – بیانات در دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان ۱۳۷۷/۹/۲
۳۴۶– بیانات در دیدار فرماندهانِ نواحی، پایگاه‌ها و گردان‌های بسیج سراسر کشور به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۴/۹/۸
۳۴۷–. بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۳۴۸ – بیانات در دیدار بسیجیان و کارکنان سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶

شما نیستند؛ از روش های منطقی استفاده کنید: بحث کردن، سخن گفتن، استدلال و نصیحت کردن. ...با کسی که مخالف عقیده‌ی دینی مان است – و البته تعرضی هم نمی کند – باید با رفتار مهربانانه و بزرگوارانه برخورد کنیم. . . .آبروی بسیج، آبروی نظام و کشور است. کسانی که اعتراض کوچکی دارند؛ حق ندارند به بهانه‌ی این اعتراض کوچک، بسیج یا سپاه را زیر سؤال ببرند. دیده شده که این ها چیز کوچکی را بهانه می کنند – و اگر بهانه‌ای هم نداشته باشند؛ گاهی بهانه می سازند – برای این‌که بسیج و سپاه را زیر سؤال ببرند. نه این ها حق دارند این کار را بکنند و نه عنصری که خود عضو مجموعه‌ی نیروهای بسیج و یک جوان حزب‌اللهی است. او هم نباید برخوردی بکند که این نیروی عظیم و مؤمن و پاک نهاد و مؤثر و تعیین کننده زیر سؤال برود؛ مراقب باشید.[۳۴۹]

نشاط معنوی و امیدواری

چون نیروی مؤمن و بسیجی دارای هدف است؛ می فهمد چه کار می کند؛ لذا چنین نیرویی، هم امیدوار و هم شاد است. بسیجی، نیروی شاد است؛ چرا؟ چون امیدوار است. ممکن است یک جوان به منهیات و منکرات سرگرم و در لذایذ جسمانی پست غرق باشد و در لحظاتی از زندگیش، احساس شادی کاذب هم بکند؛ اما این شادی، شادیِ زودگذری است. آن جوانی که استعداد و هستی و وجود خود را به جریان فساد می سپارد؛ نمی تواند دارای یک هدف عالی باشد. اگر جوان دارای هدف عالی باشد؛ آن هدف مانع می شود از این‌که خود را در لجنزار و باتلاق مفاسد و منکرات گرفتار کند. کسی که هدف ندارد؛ در هر لحظه‌ای که به آفاق آینده و به وجود خود متوجه شود؛ احساس افسردگی و غم می کند؛ ولو لذت کاذب و زودگذری هم داشته باشد؛ اما جوان مؤمن و دارای بصیرت، می داند برای چه نفس می کشد و زندگی می کند؛ می داند که این دنیای سرشار از بی عدالتی و نامردمی، تشنه‌ی عدالت و چشم‌انتظار نظام و فلسفه و منطقی است که بیاید و آینده را به او نوید دهد[۳۵۰].

این کانون عظیمی که شما جزء تشکیل‌دهندگانش هستید؛ دائماً دارد شعله‌های مقدس و انوار تابناک خود را به سرتاسر دنیای اسلام و جهان بشریت می فرستد و آینده‌ها را روشن تر و افق ها را تابناک تر می کند. این آینده، آینده‌ای است که هر جوانی را که در این کسوت و در این موضع و در این راه قرار دارد؛ امیدوار می کند و امید به انسان شادی می بخشد. بعضی کسان می گویند: چرا جوانان بسیجی در مراسم مختلف، سینه می زنند و گریه می کنند؟ اگر این شور و شیدایی جوانان عزیز ما برای حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام، فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها و این گوهرهای تابناک والای بشری و بندگان برگزیده‌ی خدا، با اشک و سوز دل همراه است؛ اما باطنش نور امید و شادیِ معنوی را می تاباند. جوان بسیجی شاد است (شاد واقعی و حقیقی) این امید و شادی را پاس بدارید و از همه‌ی توان و نیروی خود استفاده کنید.[۳۵۱]

۳۴۹ – همان
۳۵۰ – همان
۳۵۱ – همان

خردمند، منطقی و استوار

هفته بسیج، در حقیقت فرصتی برای ارائه حرکت عظیمی است که به وسیله امام بزرگوار راحل، در این کشور پایه گذاری شد و این حرکت، در این منطقه اسلامی و دینی، برای دیگر ملت ها هم انشاءالله الگو و سرمشق خواهد شد. از حوادث زودگذری که گاهی بر اثر تبلیغات خصمانه دشمنان، در افکار عمومی ملت ها به وجود می آید و مانع و عایقی برای الگوگیری ملت ها می شود؛ بگذرید. حرکت ماندگار، این است. «الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمهٔ طیّبهٔ کشجرهٔ طیّبهٔ اصلها ثابت» مسأله این است که ریشه و پایه، سالم و محکم و استوار باشد. حرکت بسیج، از این قبیل است. علی رغم اظهارات خصمانه دشمنان جمهوری اسلامی (که هر هنری هم این ملت دارد، آن ها سعی می کنند با چشم بدبینی به آن نگاه کنند و آن را عیب معرفی نمایند) و به کوری چشم آن ها، حرکت بسیج، یک حرکت خردمندانه و منطقی و استوار و کاملا حکیمانه است.[۳۵۲]

متخلق به اخلاق اسلامی

بسیج سیاسی است؛ اما سیاست‌زده نیست؛ سیاسی کار نیست؛ جناحی نیست. بسیج مجاهد است؛ اما بی‌انضباط نیست؛ افراطی نیست. بسیج عمیقاً متدین و متعبد است؛ اما متحجر نیست؛ خرافی نیست. بسیج بابصیرت است؛ اما ازخودراضی نیست. بسیج اهل جذب است – گفته‌ایم جذب حداکثری – اما اهل تسامح در اصول نیست. بسیج غیور است؛ پاسدار خطوط فاصل است. بسیج طرفدار علم است؛ اما علم‌زده نیست. بسیج متخلق به اخلاق اسلامی است؛ اما ریاکار نیست. بسیج در کار آبادکردن دنیاست؛ اما خود اهل دنیا نیست. این شد یک فرهنگ.[۳۵۳]

د. راه ها و روش های تعالی معنوی و فکری بسیج

استفاده از فرصت جوانی برای ایجاد شور معنوی

من به شما جوانان عزیز عرض کنم که از منظر دینی، جوان یک نقطه‌ی امید و شکوفایی است. این نقطه‌ی امید و شکوفایی، در همه چیز است؛ در مبارزات، در مجاهدات اجتماعی، در فعالیت های گوناگون جامعه و در مجاهدت های شخصی و روحی و درونی؛ خطابِ به جوان از سوی دین، همیشه یک خطابِ ویژه است. با جوان، مخاطبه‌ی زیادی در مفاهیم اسلامی و فعالیت های دینی شده است. علت هم این است که در جوان، گوهر شور و عشق و صفا و معنویت، فروزان است. هر انسانی از این گوهر بهره‌مند است؛ لیکن در جوان و در دوران جوانی، این جوهره‌ی انسانی کاملا نمایان و فروزان و تابناک است و از آن باید استفاده کرد. اولین استفاده‌ای هم که هر انسانی باید از این روح شور و عشق و صفا و معنویت و نورانیت ببرد؛ این است که خود را – نفس خود را، اندرون خود را، معنا و حقیقت خود را – تعالی ببخشد. این، قدم اول است.

۳۵۲– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰
۳۵۳ – بیانات در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۶

لذا ما همیشه برای خودسازی معنوی، به جوانان سفارش مؤکدی داریم.[۳۵۴]

این زندگی (که دوران کوتاه یا بلندی است) در نهایت کوتاه است؛ زندگی یک ساعت است. در دوران جوانی، انسان این را حس نمی‌کند؛ لیکن وقتی زندگی را شناخت و سنین عمر قدری بالا رفت؛ می‌فهمد که زندگی ساعتی بیش نیست و گذراست. در این ساعت، باید حداکثر استفاده را کرد. برای این‌که این حقیقت «من» انسانی که بناست بعد از این نشئه بماند و از حیات حقیقی بهره‌مند شود – که «ان الدّارَ الاخرَةَ لهی‌الحیوان»؛ حیات حقیقی بعد از این نشئه است – بتواند خوب زندگی کند؛ بتواند به لقاءالهی برسد؛ بتواند به آن حقیقتی که خدای متعال برای آن معین کرده است؛ نائل شود و ناقص و نیمه‌کاره و منحرف و معذب نگردد؛ این، به دست شماست. همه‌ی عمر هم هر چه شما تلاش می‌کنید؛ باید در این جهت باشد. غیر از این، خطاَ و انحراف و اشتباه و کج‌فهمی است. کسانی که دنیا و لذات و زندگی روزمره را اصل می‌دانند؛ در اشتباه اند. البته روزی به اشتباه خودشان پی خواهند برد؛ اما آن وقتی که دیگر کار از کار گذشته است و کاری نمی‌شود کرد. اگر بخواهید این راه را خوب حرکت کنید؛ با شوق حرکت کنید؛ عاشقانه حرکت کنید؛ باید از جوانیتان استفاده کنید و خود را به خدای متعال نزدیک نمایید.[۳۵۵]

فرمودند: «علیکم بالاحداث» بر شما باد به جوانان. پیغمبر اکرم هم در مدینه و پیش از آن در آغاز بعثت در مکه، این بار سنگین را بر دوش تعدادی جوان قرار دادند؛ والّا این بار به منزل نمی‌رسید. پیامبر، هم نیروی معنوی و روحی، انگیزه، نشاط، روحیه‌ی حق‌پذیری و کمی تعلقات دنیوی جوانان و هم توانایی و طاقت جسمی آنان را برای کارهای بزرگ آماده می‌کردند. وقتی از سوی پیامبران، معرفت ایمانیِ روشن و متین و مستدل، به این دل های نورانی و به این روح ها تلقین و منتقل می‌شد؛ همانِ چیزی به وجود می‌آمد که از آن به «زبر الحدید» (یعنی پاره‌های پولاد آبدیده) تعبیر شده است. امروز هم حرکت عظیم جهانی اسلام، به همین روحیه‌ی پُرنشاط، انگیزه‌ی مواج، دل های نورانی و البته همراه با فکر منطقی و مستدل اسلامی و معرفت صحیح دینی، نیازمند است؛ و ما این را داریم. اگر شما می‌بینید میلیاردها دلار در دنیا خرج می‌شود برای این‌که به وسیله‌ی تبلیغات و انواع و اقسام حیَل سیاسی و شیوه‌های امنیتی و اطلاعاتی و روش های ناسالم مافیایی، بر روی جوانان جامعه‌ی ما و جوامع مسلمانِ برخاسته و بیدار شده، اثر بگذارند؛ به خاطر آگاهی از همین نقش است. انقلابِ ما را جوانان پیرَوز کردند؛ جنگ را هم جوانان اداره کردند؛ کشور را هم باید جوانان پیش ببرند؛ این انقلاب را هم باید جوانان به ثمر برسانند.[۳۵۶]

برنامه ها، شوق‌آور و اثر گذار و پیوند با مسایل روز

اگر می‌خواهید برِنامه‌هایتان به کلی از خسته‌کنندگی در آید؛ باید آمیزشی با مسایل حاضر پیدا کند. اگر صرفاً درسی و کتابی و علمی باشد؛ شوق را از بین می‌برد. اگر به روز بودن، به

۳۵۴- بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت یوم‌الله سیزده آبان ۱۳۷۶/۰۸/۱۴

۳۵۵- همان

۳۵۶- بیانات در دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶

خصوص جنبه مبارزه در آن باشد؛ یعنی این که با چه جبهه‌ای روبرو هستیم ... و چه کسانی سود می‌برند این شوق‌آور است و خسته کننده نخواهد بود. وقتی این روح مشخص شد و حرکت جهادی اشکار شد، خیلی اثر می‌گذارد.[۳۵۷]

دستگیری فکری جوانان در برابر شبهات

امروز جوان های ما احتیاج دارند به اینکه از لحاظ فکری دستگیری بشوند؛ هم آن کسانی که در حال شبهه اند؛ هم آن کسانی که شبهه در آن ها کارگر شده است و از حیطه ی این اعتقاد صحیح خارج شده اند؛ هم آن کسانی که جزء معتقدان و متعبدانند؛ که در این ها باید فکر را عمق داد. آن ها را باید آورد و شبهه را از آن ها زدود. اینهایی که هستند بایستی اعتقادشان را عمیق کرد؛ ثبات قدم در آن ها به وجود آورد و آن ها را مصونیت بخشید.[۳۵۸]

تحصیل، تهذیب و ورزش

اگر در یک جمله ی کوتاه از من بپرسند که شما از جوانان چه می خواهید؛ خواهم گفت: تحصیل، تهذیب و ورزش. من فکر می کنم که جوانان باید این سه خصوصیت را دنبال کنند. تحصیل اعم از تحقیق و کارهای علمی هم است. چون این نیرو در جوانان هست، بایستی در کار تحصیل خیلی تلاش کنند. هر کاری هم بخواهید بکنید؛ در دوران جوانی می شود کرد؛

یعنی در هر سه زمینه (هم زمینه ی علمی، هم در زمینه ی تهذیب نفس، هم در زمینه ی ورزش)، باید در دوره ی جوانی کار کنید. البته همه می دانند که در دوره ی پیری، ورزش این قدر تأثیری که در دوره ی جوانی دارد؛ ندارد؛ اما غالبا تهذیب نفس را نمی دانند؛ خیال می کنند انسان باید بماند؛ پیر که شد؛ عبادت و تهذیب نفس کند. در حالی که آن وقت تهذیب نفس مشکل است و گاهی محال است. در دوره ی پیری، تهذیب نفس سخت است؛ اما در دوره ی شما- در دوره ی جوانی- تهذیب نفس خیلی آسان است. به هر حال جوانان این سه کار را باید جدی بگیرند.[۳۵۹]

بزرگ ترین سرمایه جوان

گاهی با خود فکر می کنم، جوان که در بهترین اوقات عمر خود به سر می برد؛ اگر بخواهد سرمایه ای را بدست بیاورد که موفقیت های دنیایی و آخرتی او را تضمین کند. دنبال چه چیزی باید باشد؟ سؤال مهمی است؛ اولا موردنظر، موفقیت های دنیایی و اخروی است -جسم و جان، فکر و دلیل- ثانیا این سؤال مخصوص به یک دسته از جوان ها نیست. پاسخی هم که به ذهن من می رسد؛ باز مخصوص یک دسته از جوان ها نیست؛ یعنی اینجور نیست که فرض کنیم این پاسخ، مخصوص جوان های کاملا متدین و متعبد است. نه، حتی اگر جوانی را فرض کنیم

۳۵۷ - بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۷۷/۹/۲۷
۳۵۸ - بیانات در آغاز درس خارج فقه ۲۰/۶/ ۷۹
۳۵۹ - بیانات در دیدار با هزاران تن از دانشجویان، هنرمندان و نخبگان المپیادها ۱۳۷۷/۲/۷

که از لحاظ تعبد و تدین، در رتبه ی خیلی بالایی هم نباشد؛ باز این پاسخ درباره ی او صدق می کند. حتی اگر فرض کنیم جوانی را که در برخی عقاید خود مشکلی هم داشته باشد؛ باز این پاسخ درباره ی او صدق می کند. جوابی که من به آن رسیده ام؛ این یک کلمه است: تقوا! اگر جوان در دوره ی جوانی سعی کند تقوا داشته باشد (با همان تعریفی که در فرهنگ دین و قرآنی ازتقوا شده است)؛ بزرگ ترین سرمایه را هم برای درس، هم برای فعالیت های فرهنگی، هم برای عزت دنیوی، هم برای بدست آوردن دست آوردهای مادی، هم برای معنویت، اگر اهل معنویت است؛ به دست آورده است.[۳۶۰]

تقویت توامان فکر و عمل

شماها جوانید؛ فردای این کشور متعلق به شماست. مدیریت‌ها متعلق به شماست. چرخ پر عظیم اجرایی، متعلق به شماست. باید آلیاژ خودتان را آنچنان مستحکم انتخاب کنید و بریزید که این مهره و این پیچ در این دستگاهِ بزرگ ساییده نشود و تبدیل به یک پیچ و مهره‌ی بی ارزش نشود. باید آن فکر را قوی کنید. فکرِ تنها کافی نیست؛ در میدان عمل هم باید وارد شوید.[۳۶۱]

خودسازی اخلاقی

عزیزان من! از لحاظ اخلاق خودسازی کنید. انسان با تمرین، همه ی کارها را، همه ی خلقیات و خوی ها را می تواند به خودش بدهد؛ به خصوص در فصل جوانی که شما هستید. در فصل ما محال نیست؛ اما خیلی سخت است. در فصل شما نه خیلی آسان است. اگر بی نظمید و بخواهید به خودتان نظم بدهید، آسان است. اگر بخیلید و بخواهید به خودتان سخاوت بدهید؛ آسان است. اگر بداخلاق و اخم رو و ترش رو و بهانه گیرید و بخواهید به خودتان خوش اخلاقی بدهید؛ آسان است. اگر غیبت کننده و ایرادگیرنده ی از این و آنید و بخواهید خودتان را نگه دارید؛ آسان است. با تمرین! با تمرین حقیقتاً می توانید به سمت تعالی حرکت کنید؛ به این احتیاج دارید.[۳۶۲]

تقویت روحیه خدمتگزاری

امروز در دنیا، جوان های همسن و سال شما در میان چه احساساتی، چه توهماتی، چه فعالیت هائی دارند؛ این دوران عزیز و گرانبها را می گذرانند؟ در پیشرفته‌ترین کشورها غبار ناامیدی، افسردگی، بی هدفی، روی زندگی زیبای جوانی را پوشانده است. بسیاری از جوانان فقط هدفشان رسیدن به آرزوهای کوچک و حقیر مادی برای خودشان هست؛ نه لذت خدمت به خلق را می چشند، نه نیروی عظیم و کمیابِ جوانی را در راهی که شایسته‌ی آن هست خرج می کنند و بسیاری نه فقط هدف های والا ندارند؛ بلکه اصلاً هدف ندارند و زندگی را به صورت روزمره، غرق در مادیات، غرق در شهوات زودگذر و افسرده کننده طی می کنند. از آن روح متلألئ معنوی که یک جوان مؤمن و عاشق خدمت و متوجه به مبدأ عشق و زیبائی و حقیقت

۳۶۰ – بیانات در دیدار با تشکل‌های مختلف دانشجویی ۱۳۷۷/۱۰/۲۴
۳۶۱ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی. ۱۳۸۴/۳/۵
۳۶۲– بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱

برخوردار است؛ آن ها چیزی نمی فهمند. جوانیِ شما برای یک چنین انسان هائی (اگر چشم بصیرت داشته باشند)، هم در خور غبطه خوردنَ است. قدر این دوران را و این جهتگیری را و این روحیه را بدانید. نعمت خدمتگزاری را و توان خدمتگزاری را که خدای متعال به شما هدیه کرده است؛ قدر بدانید؛ خدا را شکر کنید؛ افزایش این گنجینه‌ی معنوی را از خدا بخواهید و این را بدانید که هر جامعه‌ای و هر کشوری از یک چنین سرمایه‌ی عظیمی و ذی قیمتی برخوردار باشد؛ بدون هیچ تردیدی خواهد توانست به برترین قله‌های عزت و عظمت دست پیدا کند و این سرنوشت قطعیِ جامعه‌ی شما و ملت شماست. عامل آن هم موتور محرکِ آن هم همین روحیه‌ای است که شَما دارید.[۳۶۳]

تقویت روزبه‌روز ارتباط با خداوند

خودتان را قدر بدانید؛ این راه را قدر بدانید؛ ارتباطتان، ارتباط دل های پاک و بی آلایشتان را با خدا روزبه‌روز قوی تر کنید؛ از خدای متعال مدد بخواهید. این احساس مسئولیتی که در شما هست؛ این احساس مسئولیت را روزبه‌روز بیشتر کنید و مثل نقطه‌ی مشتعلی که اطراف خود را مشتعل و نورانی می کند؛ در محیط خود اثر بگذارید. هر جا هستید: در محیط خانواده، در محیط کار، در محیط درس، در محیط جامعه، روی اطرافیان تأثیر بگذارید.[۳۶۴]

روح و جان خود را با ارتباط با خدا، با ذکر، با تدبر در قرآن، با توسل به ذیل عنایت پروردگار، صفا بدهید و این روشنی را در او حفظ کنید.[۳۶۵]

دانستن قدر نعمت جوانی در زندگی

از خداوند متعال درخواست می کنم که دل های نورانی و جان های پاک شما را با تفضلات معنوی و با هدایت و لطف و توفیق خود، نورانی تر کند. شاید خدای متعال در بین پدیده‌های ظاهری انسانی، از لحاظ زیبایی، هیچ پدیده‌ای مثل جوانی نیافریده باشد. در خصوصیات مادیِ زندگی انسان، بعد از نعمت حیات، خصوصیت جوانی، خصوصیت خیلی مهمی است. لذا شما ببینید؛ در روایات ما مکرر آمده است که خدای متعال در روز قیامت نمی گذارد؛ هیچ انسانی قدم از قدم بردارد؛ مگر این‌که درباره‌ی چهار چیز از او سؤال و مؤاخذه می کند. یکی از آن چهار چیز جوانی است؛ جوانی را چگونه و در کجا صرف کردید؟

خدای متعال، این منبع عظیم انرژی و توان را که در یک برهه از عمر، به همه‌ی انسان ها داده می شود (بی استثنا همه از این دوره‌ی زرین زندگی عبور می کنند)؛ جهت ذخیره‌سازی و

۳۶۳- بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱
۳۶۴- همان
۳۶۵ - بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶

ایجاد قاعده‌ی مستحکمی برای زندگی سعادتمند قرار داده است. بعد که از این دوره گذشتید؛ همت کارهای بزرگ در انسان تقلیل می یابد؛ توانش هم در انسان کم می شود. انسان نمی تواند کارهای زیربنایی را انجام دهد و شخصیت‌سازی و خودسازی برایش، دشوار می گردد. البته خدای متعال هیچ چیز را برای بشر – با این قدرت عظیمی که به او داده – محال نکرده است؛ بالاخره هر کسی تا آخر عمر می تواند انواع کارها و تلاش های بزرگ را انجام دهد؛ اما دشوار شدن کار بعد از دوره‌ی جوانی و روانی و آسانی آن در دوران جوانی، یک حقیقت مهم است. بسیاری از مردم دنیا در طول تاریخ، در این برهه دچار خسارت می شوند؛ یعنی جوانی را که سرمایه‌ای زایل شدنی است؛ خرج می کنند؛ بدون این‌که با این خرج، سرمایه‌گذاریِ مهمی برای آینده‌ی زندگی خودشان بکنند. بعضی به غفلت، بعضی به شهوات، بعضی به برخیِ از امور مفید، اما بدون رعایت صلاح معنوی و روحی خودشان، آن را صرف می کنند.[۳۶۶]

از فرصت جوانی برای اعتلای معنوی و فکری بهره بگیرید. کشور شما به نسل جوان مومن و اندیشمند و پرانگیزه، از همه چیز و از همیشه بیشتر نیازمند است.[۳۶۷]

یکی از بزرگ ترین فرصت های ما، همراهی جوان های ما با هدف های نظام است. نگاه کنید در این راهپیمایی‌های روز قدس یا بیست‌ودوم بهمن، عمده جوان ها هستند. این جوان ها، همان جوان هایی هستند که شبانه‌روز به‌وسیله‌ی رسانه‌های صوتی و تصویری و اینترنتی، در زیر بمباران تخریب قرار دارند؛ غوغایی است در دنیا، در دنیای مجازی. در دنیای رسانه‌های صوتی و تصویری، صدها رسانه و با یک اعتبار هزارها رسانه، در حال بمباران افکار جوان های ما هستند؛ درعین‌حال شما نگاه می کنید می‌بینید ده‌ها میلیون از همین جوان ها در سرتاسر کشور، در روز بیست‌ودوم بهمن می‌آیند و شعار می دهند و ابراز احساسات می کنند و نسبت به امام، نسبت به اسلام، نسبت به نظام اسلامی ابراز ارادت می کنند. این چیز کوچکی نیست؛ این فرصت بسیار بزرگی است.[۳۶۸]

تعمیق معرفت دینی با توسعه طرح ولایت

این دوره‌ای که شما گذراندید؛ دوره معارف و آگاهی‌های دینی و اسلامی، یکی از کارهای بسیار با ارزش و یکی از سرمایه‌هایی است که در جامعه ما و در کشور ما بحمدالله فراهم شده است و هر کدام از شما هم به خودی خود و به تنهایی، یک سرمایه‌اید! عزیزان من این سرمایه را حفظ کنید.[۳۶۹]

اینجور طرح هایی که شما جوان ها در آن وارد هستند؛ که مبتکر این کار هم حضرت آقای مصباح دامت برکاته هستند... جزء با ارزش ترین کارهاست که جوان‌ها را، با ایمان راستین و عمیق

۳۶۶- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۷۷/۹/۲۵
۳۶۷ –پیام به کنگره اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان ۱۳۸۷/۵/۱۰
۳۶۸- بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۱/۱
۳۶۹ – بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶

بار بیاورد و ایمان آن ها را با معرفت و روشن‌بینی همراه کند و ارزش این کارها به همین است.[۳۷۰]

تقویت معرفت، کاری اساسی

هر چه می‌توانید عزیزان من، جوانان مؤمن، پسرها و دخترها، خودتان را از لحاظ ایمانی، علمی و معرفتی بسازید. ایمانتان، علمتان، تلاش علمی‌تان و هم معرفتتان را تقویت کنید. آگاهی و معرفت دینی که آن ایمانتان عمق معرفتی داشته باشد؛ با شناختٍ و آگاهی و روشن‌بینی، همان چیزی که در یک چنین مجموعه‌ها و تلاش‌های فرهنگی کاملاً قابل تحقق است.[۳۷۱]

به نظر من این طرح (طرح ولایت) بایستی فراگیر بشود. اینجور طرح ها آن‌قدر مفید و خوب و سازنده است که هرچه درباره‌ی آن سرمایه‌گذاری بشود؛ به نظر من زیاد نیست.[۳۷۲]

واقعاً این کار «آموزش‌های اندیشه اسلامی»، جزء کارهای بنیانی است، خیلی کارهای خوب داریم ولی بعضی کارهای خوب بنیان‌سازی است. کار خیلی مهمی است و مبارک است انشاءالله.[۳۷۳]

فکر خود را با آموختن، با اندیشیدن، با مراجعه به صاحب‌نظران، با استفاده از اساتید خبره و مجرب تقویت کنید.[۳۷۴]

برای تداوم راه انقلاب، برای عمق بخشیدن به فکر انقلاب و به این اندیشه بلند و بزرگ بسیج بشوید. ... اعتقاد و ایمان را در دل‌های خودتان و در دل‌های دیگران عمیق کنید.[۳۷۵]

توجه به جنبه کاربردی معرفت‌آموزی

باید توجه داشته باشیم که معرفت آموزی در خلأ، بدون توجه به وظیفه‌ای که این معرفت بر دوش انسان می‌گذارد؛ چندان کارساز نیست. معرفت، مقدمه عمل است. ...چیزی می‌آموزیم تا صراط مستقیم را بشناسیم؛ در آن قدم بگذاریم؛ در آن پای بفشاریم و به سمت هدف‌های آن پیش برویم.[۳۷۶]

تشکر از بنیانگذاران و اساتید طرح معرفت بسیج

خوشبختانه جوان های ما می‌فهمند که دنبال چه هستند و همین بایستی در کشور روی آن تأکید بشود: اینجور طرح هایی [طرح ولایت] که شما جوان ها در آن وارد هستید که مبتکر این کار هم حضرت آقای مصباح (دامت‌برکاته) هستند که از چند سال قبل این کار مفید را شروع

۳۷۰ – بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۲/۶/۱۳
۳۷۱ – همان
۳۷۲ – همان
۳۷۳ – بیانات در دیدار با شورای عالی سیاست‌گذاری طرح ولایت ۱۳۷۵/۶/۲۰
۳۷۴ – بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶
۳۷۵ – بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۷۷/۹/۲۷
۳۷۶ – بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۱/۵/۱۷

کردند و اشباه و نظایر این کار در دانشگاه ها و محیط‌های علمی و تحقیقی و در هر نقطه‌ی دیگر کشور این ها جزء با ارزش ترین کارهاست که جوان ها را با ایمان راستین و عمیق بار بیاورد و ایمان آن ها را با معرفت و روشن‌بینی همراه کند. ارزش این کارها [طرح ولایت] به همین است...[۳۷۷]

لازم است تشکر کنم از معلمان، استادان، دست‌اندرکاران و مدیران این تلاش فرهنگی که بسیار با ارزش است. مخصوصاً از شخص جناب آقای مصباح که حقیقتاً یکی از وجودهای مبارک و مغتنم در دوره ما هستند؛ منبع فکر و اندیشه بی غل و غش معارف اسلامی؛ انشاء الله خداوند به ایشان و دیگر دست‌اندرکاران توفیق ادامه این خدمات بسیار با ارزش عنایت کند و وسیله‌ی بهرمندی هر چه گسترده‌تر و عمیق‌تر جوانان را از این سرچشمه‌های معرفت فراهم کند.[۳۷۸]

آن چه من را به این اجتماع، به این برنامه، به این اردو [طرح ولایت] و به این مجموعه‌ی علمی-آموزشی و فرهنگی [موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)] دلبسته و معتقد می‌کند؛ این است که در اینجا آمیزه‌ای از علم و ایمان، از تفکر و عاطفه مشاهده می‌شود. اشتباه می‌کنند کسانی که خیال می‌کنند این عواطف برخاسته از شور ایمان را از نسل جوان مؤمن این کشور می‌توان جدا کرد و اشتباه می‌کنند کسانی که این عواطف را دست کم می‌گیرند.[۳۷۹]

اهمیت کار شماها و این طرح ولایت و این زحمات حقیقتاً ارجمندی که برای این‌گونه کارها کشیده می‌شود؛ در اینجاست: شماها دارید با آگاهی، وارد عرصه‌ی حیات اجتماعی خودتان در دوران جوانی می‌شوید. این معرفت ها، این آگاهی ها ـ آشنایی با مبانی دین و مبانی فرهنگ محکم و استوار دینی- چیز خیلی عظیمی است.[۳۸۰]

این دوره‌ای که شما گذراندید؛ دوره معارف و آگاهی‌های دینی و اسلامی، یکی از کارهای بسیار با ارزش و یکی از سرمایه‌هایی است که در جامعه ما بحمدالله فراهم شده است. هر کدام از شما به خودی خود و به تنهایی یک سرمایه‌اید. عزیزان من! این سرمایه را حفظ کنید.[۳۸۱]

تلاش و حرکت برخاسته از دانایی

شما باید فعال باشید ... توصیه من این است که حرکت منطقی، متین، عالمانه و برخاسته از دانایی باشد؛ با حرکت‌های تند و جنجالی به خصوص در محیط دانشگاه، بنده اصلاً موافق نیستم؛ موفق هم نمی‌دانم اینجور حرکات را. حرکت باید برخاسته از منطق، منتهی دارای روح تحرک، پیشرفت و تهاجم، نه ردّ و موضع تدافعی باشد. این وظیفه‌ای است که بر عهده جوانان

۳۷۷ – بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۲/۶/۱۳
۳۷۸ – بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۱/۵/۱۷
۳۷۹ – بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۷۹/۶/۱۰
۳۸۰ – بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۲/۶/۱۳
۳۸۱ – بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶

عزیز ما هست و من می‌دانم و برایم روشن است که به فضل پروردگار، جوان‌های ما این وظیفه را به بهترین وجه انجام خواهند داد.[۳۸۲]

جوان های عزیز! این دیدگاه را پایه‌ای قرار بدهید برای حرکت خودتان؛ سعی کنید در محیط پیرامونی اثر بگذارید. سعی کنید این تعمق را بیشتر کنید. سعی کنید آگاهی‌های اسلامیِ عمیق را در حوزه‌ی کاریِ خودتان گسترش بدهید. امروز خوشبختانه وسائل این کارها هم فراهَم است. همین نوشته‌هایِ شهید مطهری و نوشته‌های فضلا و علمای برجسته‌ای که امروز در قم و تهران و جاهای دیگر هستند؛ چیزهای خوبی است، معارف خوبی است، مطالب خوبی است؛ در آن ها معنویت هست، عقلانیت هست، دقت هست، آینده‌نگری هست. ذهن خودتان را به این معارف تبدیل کنید و این را در محیط پیرامون خودتان گسترش بدهید.[۳۸۳]

این دوره‌ای (طرح ولایت) که شما گذراندید – دوره‌ی معارف و آگاهیِ های دینی و اسلامی – یکی از کارهای بسیار باارزش و یکی از سرمایه‌هایی است که بحمدالله در جامعه و کشور ما فراهم شده است. هر کدام از شما به تنهایی یک سرمایه‌اید. عزیزان من! این سرمایه را حفظ کنید.[۳۸۴]

تقویت ارتباط معنوی با خدا

هرچه می توانید، ارتباط معنوی و شخصی خودتان با خداوند متعال را تقویت کنید؛ این خیلی باارزش است. این نگاه جوانانه‌ی شما، یک سخن گفتنِ از روی دل با خدا، یک استغفار، یک تهلیل و تکبیر، یک استغاثه، تضرع پیشَ پروردگار عالم، از شما جوان ها، آثار خیلی زیادی را بر جا می گذارد؛ این را فراموش نکنید.[۳۸۵]

استفاده از علمای صاحب فکر در جلسات معنوی

این جلساتی هم که دارید (جلسات معنویت و دعا و این ها) سعی کنید آنها را همراه کنید با معرفت؛ دعای کمیل، همراه با شناخت مفاهیم دعای کمیل و معرفت دعای‌کمیل، دعای ندبه همین جور و بقیه‌ی کارهائی که اِنجام می گیرد؛ با معرفت باشد. از علمای محترم، خوب و صاحب فکر – که بحمدالله هستند –استفاده بشود.[۳۸۶]

تشکیل اتاق فکر

از جمله ی نیازهای شما، یک مجموعه ی اندیشه ورز است... یک مجموعه ی فکری

۳۸۲ – همان
۳۸۳– بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
۳۸۴– بیانات در دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶
۳۸۵– بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
۳۸۶– همان

درست کنید- همان اتاق فکر در مراکز - این ها بنشینند فکر کنند؛ فکرهای عالی بکنند. از افراد مطمئن، خاطرجمع و خوش فکر استفاده کنید. نشریات بسیج دانشجویی جزء پُرمایه ترین و غنی ترین نشریات باشد که هر دانشجویی یا هر استادی یا هر کسی بیرون از محیط دانشگاه آن را نگاه کرد، از آن استفاده کند؛ این جزء نیازهای شماست.[۳۸۷]

تکیه بر توانایی جوانان مومن و دانشمند

هرجا به ابتکار و استعداد جوانانمان تکیه کردیم، آنجا ناگهان مثل چشمه‌ای جوشید و شکوفا شد؛ در قضایای مربوط به مسائل هسته‌ای، مسائل دارویی، در درمان های گوناگون، در سلول های بنیادی، در نانو، در برنامه‌های صنعتیِ دفاعی.[۳۸۸]

امروز ما دانشمندان جوانِ مؤمن و تحصیل‌کرده‌های باایمان داریم که می‌توانند یک حرکت علمیِ فراگیر و به معنای واَقعی کلمه، در عرصه‌ی علوم انسانی به وجود آورند.[۳۸۹]

پرورش انسانِ در تراز شهید چمران

حالا شما توی دانشگاه می خواهید بسیجی باشید. معلوم است که چه کار باید کرد. دانشگاه به چی احتیاج دارد؟ کشور به چی احتیاج دارد؟...در دانشگاه پرورش انسان در تراز شهید چمران لازم است؛ این را لازم داریم. خوب، پس استاد بسیجی می داند در دانشگاه بایست چه کار کند؛ این حضور دائم، این حضور بجا و به هنگام، این حضور مخلصانه و مجاهدانه برای استاد بسیجی به این معناهاست که گفته شد.[۳۹۰]

نقش تربیتی استاد بسیجی

استاد خیلی نقش دارد؛ نقش استاد در محیط های آموزشی نقش بسیار برجسته و مهمی است. استاد فقط آموزنده‌ی دانش نیست؛ بلکه منش استاد و روش استاد می تواند مربی باشد؛ استاد، تربیت کننده است. تأثیر استاد روی شاگرد، علی‌الظاهر از تأثیر بقیه‌ی عوامل مؤثر در پیشرفت علمی و معنوی و مادی متعلم بیشتر است؛ از بعضی که خیلی بیشتر است. گاهی استاد می تواند یک کلاس را، یک مجموعه‌ی دانشجو یا دانش‌آموز را با یک جمله‌ی بجا تبدیل کند به انسان های متدین؛ لازم هم نیست حتماً رشته‌ی علوم دینی یا معارف را تدریس کند؛ نه شما گاهی یک جا در درس فیزیک، یا در درس ریاضی، یا در هر درس دیگری - علوم انسانی و غیر انسانی - می توانید یک کلمه بر زبانتان جاری کنید، یا یک استفاده‌ی خوب از یک آیه‌ی قرآن بکنید، یا یک انگشت اشاره به قدرت پروردگار و صنع الهی بکنید که در دل این جوان می ماند و او را تبدیل می کند به یک انسان مؤمن؛ استاد اینجوری است...بنابراین با معنائی که برای بسیج می کنیم، با معنائی که برای استاد می کنیم و با تلقی‌ای که از استاد بسیجی داریم؛ معلوم

۳۸۷- بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱
۳۸۸ - بیانات در دیدار مردم استان ایلام در سالروز ولادت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) ۱۳۹۳/۲/۲۳
۳۸۹ - بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) ۱۳۸۴/۱۰/۲۹
۳۹۰- بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲

می شود که نقش شماها در دانشگاه چقدر نقش حساسی است.[۳۹۱]

امروز کشور به جوان هایی نیاز دارد که بتوانند بازوان پُرقدرتی باشند برای پیشرفت کشور، سرشار از انگیزه‌ی ایمانی، بصیرت دینی، همت بلند، جرأت اقدام، اعتمادبه‌نفس، اعتقاد به این که «ما می توانیم»؛ امید به آینده، افق های آینده را روشن و درخشان دیدن، روح استغناء .... روحیه‌ی فهم درست از موقعیت کشور که ما در کجا هستیم و کجا می خواهیم برسیم و چگونه می توانیم این راه را طی کنیم؛ قاطع بودن در برابر دست‌اندازی، تجاوز و خدشه‌دار کردن استقلال ملی؛ ما به جوان هایی با یک چنین روحیه‌هایی نیاز داریم. این روحیه‌ها را، این امتیازات را استادها می توانند در نسل جوانِ مشغول تحصیل و علم‌آموز کشور، القا کنند و تزریق کنند و به‌وجود بیاورند؛ استاد این است؛ البَته با روش، با منش، نه با درس اخلاق؛ توصیه نمی کنم که اساتید علمی، کلاس اخلاق بگذارند برای دانشجو؛ این یک کار دیگری است.[۳۹۲]

اگر تشکل های دانشجویی و جریان دانشجویی بخواهند یک چنین تأثیرگذاری را به‌دست بیاورند؛ الزاماتی دارد. این الزامات را باید رعایت کنند. یکی از این الزامات عبارت است از کار بر روی مفاهیم اسلامی، یعنی عمقی روی مسائل کار کردن؛ سطحی‌نگری ضرر می زند. من البته امروز در صحبت هایی که این دوستان کردند (در بعضی از صحبت ها، حالا نمی گویم در همه‌ی آن ها) نشانه‌های تعمق را مشاهده کردم. دیدم خوشبختانه جوان دانشجو به مسائل، با نگاه عمقی نگاه می کند. این شرط اول است. ... یکی از الزاماتِ اثرگذاری این است که بتوانید بدنه‌ی دانشجویی را جذب کنید. تشکل ها یک اقلیت دانشجوییَ‌اند. مجموع شما تشکل ها را که جمع کنند؛ در بین خِیل انبوه دانشجوها، اکثریت نیستید. باید بتوانید جاذبه در خودتان ایجاد کنید که دانشجو را جَذب کند. جاذبه چگونه به‌وجود می‌آید؟ تصور من این است که راه‌های زیادی وجود دارد. شماها جوانید؛ ابتکاراتتان بیش از ما است (ما هم البته دوره‌ی جوانی همین‌طور برای هر مساله‌ای ده‌جور روش و راه کار به ذهنمان می‌آمد، اما حالاها ذهن شما بهتر کار می کند)؛ ابتکارهایی را پیدا کنید برای جذاب کردنِ مجموعه‌های دانشجویی ... یکی از انواع ایجاد جاذبه این است که حرف نو پیدا کنید: «سخنَ نو آر که نو را حلاوتی است دگر»؛ حرف های نو. حرف های نو به معنای حرف های من‌درآوردی نیست. خیلی از حقایق هست که با مطالعه‌ی در قرآن، با مطالعه‌ی در نهج‌البلاغه و در روایات، انسان به آنها برخورد می کند. ... بگردند حرف های تازه را پیدا کنند؛ منتهی آدم هایی باشند که اهلیت این کار را داشته باشند؛ بتوانند. حرف نو [هم] فقط حرف نو دینی نیست؛ حرف نو سیاسی هم هست؛ حرف نو اجتماعی هم هست؛ حرف نو در زمینه‌ی مسائل بین‌الملل هم هست. شما وقتی که در تشکل خودتان حرف نو، سخن نو مطرح کردید؛ جوان جذب می شود؛ جاذبه دارد دیگر؛ حرف نو جاذبه دارد. یکی دیگرِ از روش ها استفاده از بخشی از شیوه‌های هنری است که کمتر مورد توجه قرار گرفته؛ [مثلاً] تئاتر؛ تئاتر دانشجویی؛ ... در تئاتر، انسانْ انسان ها را حس می کند، حرفشان را از زبان خودشان می‌شنود. در این می تواند خیلی چیزهای سازنده‌ای باشد. تئاتر، تئاترهای دانشجویی؛ گروه‌های

۳۹۱- همان
۳۹۲ - بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۴/۴/۱۳

هنرمند بنشینند واقعاً مفاهیم حقیقی اسلامی را [بیان کنند]. در همین حسینیه سال ها پیش –شاید بیست سال پیش– یک تئاتری اجرا کردند برای ما، مربوط به حضرت ایّوب پیغمبر که طول هم کشید؛ یک ساعت، دو ساعت، طول کشید. بعد که تمام شد؛ من به آن کارگردان گفتم که من داستان ایّوب را در قرآن، شاید صدبار یا صدها بار تا حالا خوانده‌ام اما این فهمی را که امشب از ماجرای ایّوب از تئاتر تو فهمیدم؛ در این مدت از خواندن قرآن، این فهم را پیدا نکرده بودم. این چیز کمی است؟ کاریکاتور، کاریکاتور یکی از شیوه‌های هنری بسیار مؤثر است. طنز، کارهای طنز که جوان ها خوشبختانه در این زمینه‌ها کارهای خوبی کرده‌اند و می کنند. این ها کارهای خیلی خوبی است. فعالیت دانشجویی صرفاً به معنای اعلام مواضع به‌وسیله‌ی یک اعلامیه نیست که یک کار تکراری است و ممکن است جاذبه‌ای نداشته باشد؛ یا یک کتاب مثلاً بنویسیم بدهیم؛ یا یک جلسه‌ی دانشجویی [درست کنیم]؛ فقط این ها نیست؛ البته این ها هم خوب است اما کارهای جدید می توان انجام داد. مثل فرض بفرمایید که سرود، یا نشریه‌های صوتی، بحث سرود، بحث شعر، یک کار هنری است؛ واقعاً بپردازند. مسائلی وجود دارد که با شعر، با اجرای شعری و هنری، تأثیر چند برابر پیدا می کند. از این روش ها استفاده کنند. ...شما که جوانید، بنشینید فکر کنید؛ ممکن است بیست مورد، سی مورد ابتکارات جدیدی به ذهنتان برسد. از این ها استفاده کنید تا جاذبه پیدا بکند. یکی از راه‌های تأثیرگذاری و جذاب شدن تشکل ها، اقناع فکری است؛ اقناع فکری، طرف را بتوانید قانع کنید. این، فرع بر این است که خودتان درست کار کرده باشید. خودتان درست کار کنید؛ حقیقتاً [وقتی] یک حقیقتی جزء فکر شما و ذهن شما شد؛ می توانید. قدرت اقناع پیدا می کنید؛ مخاطبتان را اقناع می کنید؛ اقناع فکری؛ اگر چنانچه ما بخواهیم با تشر و تُشور و تهدید و ضرب و زور، یک چیزی را به ذهن طرف تحمیل بکنیم؛ ممکن هم هست مثلاً فرض کنید که تحت تأثیر هیجانات، [به‌صورت] لحظه‌ای قبول هم بکند اما ماندگار نیست. ... یکی از چیزهای دیگر حضور اساتید ارزشی است. از این اساتید ارزشی استفاده کنید. ...اکثراً اساتید ارزشی، اساتید مؤمن، هم در وزارت علوم، هم در وزارت آموزش پزشکی همینجور است؛ عناصر بسیار خوبی هستند؛ از این ها استفاده کنید در تشکل ها، از این ها بخواهید بیایند وقت بگذارند.[۳۹۳]

استاد فقط به معنای معلم نیست؛ بلکه به معنای مربی نیز هست. این یک راز طبیعی مکشوف برای همه است. کسی که ما از او چیزی یاد می گیریم و بابی از دانش را به روی ما باز می کند؛ به‌طور طبیعی یک نفوذی در قلب ما و روح ما ایجاد می کند؛ می توانیم بگوییم یک حالت تأثیرپذیری در متعلم ایجاد می شود به برکت همین تعلیم، این یک فرصت بسیار بزرگ و استثنائی است. جوان هایی که حاضر نیستند از نصیحت پدر و پدربزرگ و مادر و خانواده چیزی به گوش و به دل بگیرند و درعین‌حال یک حرف استاد و یک اشاره‌ی استاد در آن ها یک اثر عمیق می گذارد؛ کم نیستند. استاد اینجور است. به‌طور طبیعی تعلیم با امکان تربیت همراه است؛ از این فرصت باید استفاده کرد. اگر استاد ما متدین باشد؛ دارای غیرت ملی باشد؛ دارای انگیزه‌ی انقلابی باشد؛ دارای روحیه‌ی سخت‌کوشی باشد؛ به‌طور طبیعی این ها به متعلم منتقل

۳۹۳ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰

می شود. اگر عکس این ها هم باشد؛ همینجور. اگر آن استاد، یک انسان باانصاف و بااخلاق باشد؛ امکان تربیت دانشجوی باانصاف و بااخلاق بالا خواهد رفت؛ عکسش هم همینجور است.[۳۹۴]

استفاده از اساتید اخلاق و موعظه گرها

این جوان هایی که اول وارد دانشگاه می شوند؛ غالباً دل های پاکی دارند و دلشان هم می خواهد که یک کانون معنویتی پیدا کنند و به او بپیوندند؛ بسیج مورد نظر آنهاست و از بسیج توقع دارند. شما به یک معنا، شبیه ما طلبه ها هستید: مردم از طلبه ها انتظار بیشتری دارند؛ از بسیج هم انتظار بیشتری دارند. پس اخلاق و معنویت هم از نیازهای عمده ی شماست! درس های اخلاقی را در بین خودتان رائج کنید. از اساتید اخلاق و موعظه گرها استفاده کنید. البته مواظب باشید در دام عنکبوت های دنیادار و دکان دار گرفتار نشوید. این روزها از این چیزها هم زیاد است: دکان دارهایی که به اسم معنویت، ادعا می کنند که امام دیدیم و ...! هیچ واقعیتی هم ندارد. حواستان باشد که اسیر آن ها نشوید.[۳۹۵]
استاد در محیط دانشگاه، در محیط درس، می تواند دانشجوی خودش را، هم از لحاظ دینی مؤمن بار بیاورد؛ هم از لحاظ میهنی، انسان علاقه‌مند به آینده‌ی کشورش و آینده‌ی میهنش و سرنوشت ملتش بار بیاورد؛ می تواند او را امیدوار، باروحیه، خوش بین، معتقد به مبانی نظام کشور بار بیاورد؛ می تواند هم عکس عمل بکند. توقعی که از استاد است این است: نباید سخن استاد موجب دل‌زدگی و یأس دانشجوی جوان بشود؛ مَنِش استاد هم همینجور است.[۳۹۶]

امروز بحمدالله نظام اسلامی ما مفتخر است که شخصیت های برجسته‌ی علمی و معنوی در آن حضور دارند؛ مثل همین شخصیت عزیز و عظیم – جناب آقای مصباح که بحمدالله این کار هم از برکات ایشان است. من ایشان را نزدیک به چهل سال است می شناسم و به ایشان ارادت قلبی دارم؛ فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب نظر در مسائلِ اساسی اسلام؛ اگر خدای متعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت هایی مثلِ مرحوم علامه‌ی طباطبایی، یا مرحوم شهید مطهری استفاده کند؛ بحمدالله این شخصیت عزیز و عظیم، خلاءِ آن عزیزان را در زمان ما پر می کنند. من حقیقتاً خدا را حمد و شکر می کنم که جامعه‌ی ما و به خصوص نسل جوان ما به ایشان خیلی علاقه دارند. بنده از هرجا که کسب خبر کردم – در سرتاسر کشور – اطلاع یافتم که نسل جوان ما به ایشان شدیداً علاقه‌مند و معتقد و قدردان است. این هم نعمت بزرگ خدا و دلیل سلامت این کار است. وقتی انسان با روح و با هدف خدایی وارد میدان شد؛ همین‌طور می شود. امیدوارم انشاءالله این کار در حد عالی، نتایج و ثمرات خودش را به بار بیاورد و شما جوانان عزیز (هم پسران، هم دختران، هم دانشجویان و هم دانش‌آموزان) این آگاهی هایی را که به‌دست آوردید؛ معلوماتی که کسب کردید و کتاب هایی را که فراگرفتید؛ استمرار

۳۹۴ – همان
۳۹۵– بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱
۳۹۶– بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۴/۱۱

ببخشید و رابطه‌ی خود را با این مرکز، ادامه دهید. انشاءالله این کار هم باید روزبه‌روز به همین صورتِ قوی و خوب، توسعه پیدا کند و کسانی که دست‌اندرکار مسائل فرهنگی هستند؛ مغتنم بشمارند؛ قدر بدانند و از آن استقبال کنند. شما هم انشاءالله هر کدامتان در محیط خودتان مثل چراغی فروزان، مایه‌ی هدایت دیگران شوید و دیگران را با افکار عالیه‌ی اسلامی آشنا کنید. من از برادران عزیز سپاه و بسیج و همه‌ی دست‌اندرکاران این کار که هر کدام به نحوی دخالت داشتند؛ صمیمانه تشکر می کنم.[۳۹۷]

عمیق شدن ایمان، راه پیشگیری از لغزش

شما، جوانان دانشگاه را که با آن ها کار می کنید؛ با این دید نگاه کنید. چگونه می شود جلوِ لغزش و تزلزل را گرفت؟ با شفاف شدن و عمیق شدن ایمان؛ هرچه می توانید؛ سعی کنیدَ ایمانتان را عمیق و شفاف کنید؛ و این، کار دشواری هم نیست، کار خیلی آسانی است؛ به یک معنا آسان ترین کارهاست. چرا؟ چون آن چیزی که شما به آن ایمان پیدا کرده‌اید، هم از جنبه‌ی دینی و هم از جنبه‌ی سیاسی، قوی ترین، مستحکم‌ترین، قابل اعتمادترین و درخورترین، برای عشق ورزیدن است. هم تفکر انقلابی ما – که خوشبختانه تفکر سیاسی ماست – این‌طور است و هم تفکر دینی این‌گونه است.[۳۹۸]

ایمان قوی واستدلال های محکم

تفکر دینی ما، ارتباط با خدا، ارتباط با منبع قدرت، منبع زیبایی و منبع وجود است. هرچه این ارتباط، بیشتر باشد؛ بهتر است. هرچه این ایمان، قوی تر و این استدلال ها، استدلال های محکم باشد؛ بهتر است. خوشبختانه امروز اساتید بزرگی هستند. حالا به آقای «محمّدی عراقی» و بعضی از برادران دیگر اشاره کردید؛ خوشبختانه این ها فضلا و افراد برجسته هستند؛ این ها خوبند. از این ها می توانید حداکثر استفاده را بکنید. در قم، بزرگان و اساتیدی مثل آقای «مصباح» و دیگران هستند؛ هرچه می توانید؛ از آن ها استفاده کنید. آنان برای شما از لحاظ فکری، خیلی منبع و منشأ خیر و برکت اند.[۳۹۹]

عمق بخشی به معنویت و باورها

یک نکته‌ی اساسی که خوشبختانه دیدم در بیانات حضراتی که اینجا صحبت کردند مورد توجه قرار گرفته است؛ کیفیت و عمق این مجموعه‌هائی است که بدنه‌ی بسیج را و پایه‌های اصلی بسیج را تشکیل می دهند. آنچه که ضرر می زند؛ ضربه می زند؛ سطحی‌نگری در اعتقاد و در فهم و در گزینش منطق و مبناست. سطحی‌نگری ضربه می زند؛ مثل یک سر باری که بر روی یک مجموعه‌ی باری گذاشته باشند؛ یک باد شدید، یک تکان شدید، او را می‌اندازد. عمق باید داد؛ ریشه باید داد اعتقادات را؛ این ها چیزهائی است که مورد توجه شما هم بحمدالله قرار دارد.

۳۹۷- بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۸/۶/۱۳
۳۹۸- بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران ۱۳۷۶/۱۱/۱۱
۳۹۹- همان

اصل تشکیل مجموعه‌های «صالحین»، بر اساس همین دید به وجود آمد که از لحاظ معنوی، از لحاظ تربیتی، از لحاظ تعلیمی، عمق بخشیده بشود به فکر و به روحیه‌ی جوانان بسیجی ما در بخش های مختلف[۴۰۰].

کشور ما، ملت ما، انقلاب ما و تاریخ ما به بسیج نیازمند است و بسیج به کیفیت بخشیدن روزافزون به خود نیازمند است و این کاری هم که شما برادران و خواهران عزیز اشتغال دارید؛ بخش مساله‌ی مربوط به «صالحین» و این طبقات «صالحین»، از کارهای بسیار خوب و برجسته است و در طریق همین تکمیل بسیج قرار دارد که انشاءالله روز به روز باید آن را کامل تر کرد. کیفیت ها باید بالا برود؛ البته کیفیت بر کمیت ترجیح دارد؛ لیکن کمیتِ با کیفیت هم دارای اهمیت است؛ یعنی گسترش سطحی و عرضی همراه با عمق‌یابی، هر دو بَاید مورد توجه قرار بگیرد. امروز دنیای اسلام محتاج این حرکت بسیجی است.[۴۰۱]

من به شما برادران و خواهران عزیز – که فرزندان من هستید – مؤکداً توصیه می کنم که به عمق ها توجه کنید و آن را بطلبید؛ از ظواهر هم دست نکشید. این خطاست که کسی خیال یا توهم کند که باید باطن را درست کرد؛ ظاهر مهم نیست؛ نخیر، همین ظاهر، انسان را به وادی های گوناگونی می کشاند. ظاهر دینی، ظاهر اسلامی، پایبندی به تعبد دینی، همین مجالس دعا، همین مجالس توسل به ائمه (علیهم السّلام) لازم است؛ منتهی همه ی این ها را با دانایی همراه کنید. در مجلس روضه خوانی و سینه زنیِ بسیج وقتی شعر خوانده می شود؛ باید با معنا، با مضمون، جهتدار و همراه با درس باشد. وقتی دَر آنجا سخنرانی می شود؛ باید در جهت تعمیق فکر و اندیشه باشد. وقتی نماز جماعت می خوانید؛ نماز شما باید همراه با توجه به پروردگار و خشوع در مقابل او باشد. وقتی اعتکاف می کنید؛ وقتی روزه می گیرید؛ وقتی اجتماعات مذهبی تشکیل می دهید؛ باید همراه با توجه به خدای متعال و همراه با اخلاص باشد. کلید موفقیت اینهاست. اگر این نباشد، همان چیزی بر سر انسان خواهد آمد که دیدید بر سر عده ای آمد.[۴۰۲]

کسی که ریشه ی اعتقادی دارد؛ براساس اعتقادش حرکت می کند و در میدان های گوناگون می ایستد. اگر جبهه است؛ می رود شهید یا جانباز می شود و با رنج دائم بدنی و با ملامت ها می سازد. اگر هم از جبهه برمی گردد؛ ایمان خود را در میان تندبادهای گوَناگون حفظ می کند؛ این آدمِ عمیق است. ما از این گونه آدم های متکی به عمق هم کم نداریم؛ بعضی هم نه متکی به عمَق نبودند. بنابراین باید به تفکر اسلامی و تفکر بسیجی عمق داد. بسیجی عدالتِ طلب است. عدالت طلبی فقط این نیست که انسان شعار عدالت طلبی بدهد؛ نه باید این را واقعاً بخواهد.[۴۰۳]

بهره مندی از افراد خردمند و فاضل

در آنجاها صفا و روکردن به حقیقت و معنویت وجود دارد؛ از این استفاده کنید. مسجد را گرامی

۴۰۰ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی «صالحین» ۱۳۹۱/۹/۱
۴۰۱ – همان
۴۰۲– بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۳/۵
۴۰۳– همان

بدارید؛ مسجد، خیلی خوب است. اجتماعاتتان را – که به وجود می آورید – با افراد خردمند و عمیق و فاضل، زینت دهید.[۴۰۴]

تربیت معنوی و دینی

آن ها نسل جوانی را که با اراده و عزم راسخ و با طهارت و عصمت (چه پسرش، چه دخترش) در خط مستقیم معنویت و دین و دنیای اسلامی تلاش می کند؛ نمی پسندند. آن ها یک نسل جوان هرزه گرد می خواهند؛ این را می پسندند. در مقابل خواست دشمن، جوانان ما باید مقاومت کنند. ... جوانان هم قدر خودشان را بدانند و به خودسازی روی آورند... جوانیِ خود را قدر بدانید. تربیت مِعنوی و دینی و تحصیلات اسلامی و معرفتی و دانستن تاریخ و پیشَرفت علمی را (که بحمدالله جوانان ما امروز در خط آن هستند) قدر بدانید و در این راه ها بکوشید و بدانید دشمن می خواهد شما ترقی نکنید و کشور خود را آباد نسازید.[۴۰۵]

تعمیق معارف دینی و انقلابی

شما سرباز اسلامید و سرباز اسلام باید اسلام‌شناس و عمل‌کننده به دستورها و تعالیم اسلام باشد. از آموزش‌های عقیدتی غافل نباشید. وجود ارزشمند خود را به عطر دلنواز قرآن بیارایید. قرآن بخوانید و به احکام آن عمل کنید.[۴۰۶]

ملت ایران باید هم در میدان علم بایستد؛ هم در میدان فعالیت اقتصادی تلاش کند؛ هم این وحدت و یگانگی و یکدلی میان ملت و دولت را تقویت کند؛ هم هسته‌های معرفت و آگاهی و توانائی فکری و روحی را در مجموعه‌ی ملت، به خصوص در میان جوانان باید تقویت کند.[۴۰۷]

شما با آگاهی، وارد عرصه‌ی حیات اجتماعی خودتان در دوران جوانی می شوید. این معرفت ها، این آگاهی ها (آشنایی با مبانی دین و مبانی فرهنگ محکم و استوار دینی)، چیز خیلی عظیمی است؛ و به نظر من این طرح بایستی فراگیر شود. این‌گونه طرح ها آن‌قدر مفید و خوب و سازنده است که هرچه دِربارهٔ آن سرمایه‌گذاری شود؛ به نظر من زیاد نیست. دنیای روپا، دنیای مسلط امروز (که عمدتاً همان دنیای غرب و مَن تَبَعش هستند)، مهمترین خلأ را دارند و آن، خلاءِ یک فکر، یک اندیشه‌ی راهنما و به‌اصطلاحِ متداول، یک ایدئولوژی است که متکی به یکَ فکر صحیح و یک تلقی درست از عالَمِ وجوَد باشد. مهمترین خلاءِ آن ها نداشتن این است؛ لذا مرتب سعی می کنند ایدئولوژی هایَ دروغی، درست و تزریق کنَند. یک علت عمده‌ای که از این انقلاب می ترسند؛ همین است که این انقلاب، یک تفکر صحیح درست تعریف شده‌ی متکی بر یک جهان‌بینی صحیح و یک تلقیِ مستدل و متین از آفَرینش َعالم دارَد. براساسِ این

۴۰۴- بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران ۱۳۷۶/۱۱/۱۱
۴۰۵- بیانات در دیدار جوانان اهواز ۱۳۸۲/۵/۸
۴۰۶- پیام در چهارمین سالروز تشکیل بسیج مستضعفان ۱۳۶۲/۹/۴
۴۰۷. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹

مجموعه، هرکسی می داند کجای دنیا و کجای راه قرار دارد و به سمت کدام هدف حرکت می کند. زندگی، هدفدار و مبارزه نیز هدفدار می شود، در مبنا و تفکر اسلامی، هدف حیات انسان، رسیدن به درجات کمال است؛ کمال معنوی که حتماً آراستگی مادی را با خودش دارد؛ یعنی به تعبیر رایج، آخرتی که از دنیا عبور می کند. ایجاد یک جامعه‌ی عادلانه، یک جامعه‌ی صالح، یک کشور پیشرو و معنوی، درعین‌حال دارای قدرت های والای مادی، با جهتگیری معنوی، با اخلاق انسانی و با احساس حقیقی انسانیت، ببینید چه هدف والا و زیبایی است! غربی ها این را ندارند.[۴۰۸]

اگر تشکل های دانشجویی و جریان دانشجویی بخواهند یک چنین تأثیرگذاری را به‌دست بیاورند؛ الزاماتی دارد. این الزامات را باید رعایت کنند. یکی از این الزامات عبارت است از کار بر روی مفاهیم اسلامی، یعنی عمقی روی مسائل کار کردن؛ سطحی‌نگری ضرر می زند. من البته امروز در صحبت هایی که این دوستان کردند (در بعضی از صحبت ها، حالا نمی گویم در همه‌ی آن ها) نشانه‌های تعمق را مشاهده کردم. دیدم خوشبختانه جوان دانشجو به مسائل، با نگاه عمقی نگاه می کند. این شرط اول است. ... یکی از الزامات اثرگذاری این است که بتوانید بدنه‌ی دانشجویی را جذب کنید. تشکل ها یک اقلیت دانشجوییاند. مجموع شما تشکل ها را که جمع کنند؛ در بین خیل انبوه دانشجوها، اکثریت نیستید. باید بتوانید جاذبه در خودتان ایجاد کنید که دانشجو را جذب کند. جاذبه چگونه به‌وجود می‌آید؟ تصور من این است که راه‌های زیادی وجود دارد. شماها جوانید؛ ابتکاراتتان بیش از ما است (ما هم البته دوره‌ی جوانی همین‌طور برای هر مساله‌ای ده‌جور روش و راه کار به ذهنمان می‌آمد، اما حالاها ذهن شما بهتر کار می کند)؛ ابتکارهایی را پیدا کنید برای جذاب کردن مجموعه‌های دانشجویی ... یکی از انواع ایجاد جاذبه این است که حرف نو پیدا کنید: «سخن نو آر که نو را حلاوتی است دگر»؛ حرف های نو؛ حرف های نو به معنای حرف های من‌درآوردی نیست. خیلی از حقایق هست که با مطالعه‌ی در قرآن، با مطالعه‌ی در نهج‌البلاغه و در روایات، انسان به آنها برخورد می کند. ... بگردند حرف های تازه را پیدا کنند؛ منتهی آدم هایی باشند که اهلیت این کار را داشته باشند؛ بتوانند. حرف نو [هم] فقط حرف نو دینی نیست؛ حرف نو سیاسی هم هست؛ حرف نو اجتماعی هم هست؛ حرف نو در زمینه‌ی مسائل بین‌الملل هم هست. شما وقتی که در تشکل خودتان حرف نو، سخن نو مطرح کردید؛ جوان جذب می شود؛ جاذبه دارد دیگر؛ حرف نو جاذبه دارد. یکی دیگر از روش ها استفاده از بخشی از شیوه‌های هنری است که کمتر مورد توجه قرار گرفته؛ [مثلا] تئاتر؛ تئاتر دانشجویی؛ ... در تئاتر، انسانْ انسان ها را حس می کند، حرفشان را از زبان خودشان می‌شنود. در این می تواند خیلی چیزهای سازنده‌ای باشد. تئاتر، تئاترهای دانشجویی؛ گروه‌های هنرمند بنشینند واقعاً مفاهیم حقیقی اسلامی را [بیان کنند]. در همین حسینیه سال ها پیش –شاید بیست سال پیش– یک تئاتری اجرا کردند برای ما، مربوط به حضرت ایّوب پیغمبر که طول هم کشید؛ یک ساعت، دو ساعت، طول کشید. بعد که تمام شد؛ من به آن کارگردان گفتم که من داستان ایّوب را در قرآن، شاید صدبار یا صدها بار تا حالا خوانده‌ام اما این فهمی را که

۴۰۸- بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۸/۶/۱۳

امشب از ماجرای ایّوب از تئاتر تو فهمیدم؛ در این مدت از خواندن قرآن، این فهم را پیدا نکرده بودم. این چیز کمی است؟ کاریکاتور، کاریکاتور یکی از شیوه‌های هنری بسیار مؤثر است. طنز، کارهای طنز که جوان ها خوشبختانه در این زمینه‌ها کارهای خوبی کرده‌اند و می کنند. این ها کارهای خیلی خوبی است. فعالیت دانشجویی صرفاً به معنای اعلام مواضع به‌وسیله‌ی یک اعلامیه نیست که یک کار تکراری است و ممکن است جاذبه‌ای نداشته باشد؛ یا یک کتاب مثلاً بنویسیم بدهیم؛ یا یک جلسه‌ی دانشجویی [درست کنیم]؛ فقط این ها نیست؛ البته این ها هم خوب است اما کارهای جدید می توان انجام داد. مثل فرض بفرمایید که سرود، یا نشریه‌های صوتی، بحث سرود، بحث شعر، یک کار هنری است؛ واقعاً بپردازند. مسائلی وجود دارد که با شعر، با اجرای شعری و هنری، تأثیر چند برابر پیدا می کند. از این روش ها استفاده کنند. ...شما که جوانید، بنشینید فکر کنید؛ ممکن است بیست مورد، سی مورد ابتکارات جدیدی به ذهنتان برسد. از این ها استفاده کنید تا جاذبه پیدا بکند. یکی از راه‌های تأثیرگذاری و جذاب شدن تشکل ها، اقناع فکری است؛ اقناع فکری، طرف را بتوانید قانع کنید. این، فرع بر این است که خودتان درست کار کرده باشید. خودتان درست کار کنید؛ حقیقتاً [وقتی] یک حقیقتی جزء فکر شما و ذهن شما شد؛ می توانید. قدرت اقناع پیدا می کنید؛ مخاطبتان را اقناع می کنید؛ اقناع فکری؛ اگر چنانچه ما بخواهیم با تشر و تُشور و تهدید و ضرب و زور، یک چیزی را به ذهن طرف تحمیل بکنیم؛ ممکن هم هست مثلاً فرض کنید که تحت تأثیر هیجانات، [به‌صورت] لحظه‌ای قبول هم بکند اما ماندگار نیست. ... یکی از چیزهای دیگر حضور اساتید ارزشی است. از این اساتید ارزشی استفاده کنید. ...اکثراً اساتید ارزشی، اساتید مؤمن، هم در وزارت علوم، هم در وزارت آموزش پزشکی همینجور است؛ عناصر بسیار خوبی هستند؛ از این ها استفاده کنید در تشکل ها، از این ها بخواهید بیایند وقت بگذارند.[۴۰۹]

شما جوانان باید دائماً هشیار باشید. معارف دینی خود و معارف انقلابی خود را هر چه می توانید تعمیق کنید. مثل پاره‌های پولاد، «زبر الحدید» – آن طوری که در تعبیرات حدیث و در بعضی دعاها وجود دارد – نفوذ ناپذیر و نفوذ کننده و در مقابل دشمن برنده و با اراده‌ی قوی باشید. اگر بخواهید این هویت را به صورت کامل برای خودتان تأمین کنید و حفظ کنید و انشاءالله کسانی که در آینده به شما ملحق خواهند شد در نسل های بعدی، همین‌طور این شجره‌ی طیبه و این جریان مقدس ادامه پیدا کند؛ بایستی پایه‌های معارف را در دلهاتان مستحکم کنید. شما باید بتوانید در کلاس ها، درس علم را با درس ایمان همراه کنید. اعتقادم این است که انتقال ایمان به فکر و دل دانشجو و دانش‌آموز از طریق درس های غیر مستقیم دینی، میسرتر و طبیعی‌تر است تا درس هایی که منحصراً برای معارف دینی است. درس معارف دینی، معرفت دینی را می‌دهد؛ اما ایمان و عشق دینی گاهی در درس های غیر معارف دینی، به ذهن دانشجوی شما راحت تر منتقل می‌شود. این را قدر بدانید و از این فرصتِ بسیار والا استفاده کنید.[۴۱۰]

سعی کنید معرفت تان را عمیق کنید. اگر دعای کمیل می‌خوانید؛ حتماً سعی کنید که آن را

۴۰۹ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰
۴۱۰– بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸

بفهمید و معنایش را درک کنید. این دعا، سخن یک انسان بسیار عظیم – یعنی علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السّلام – با خداست! ببینید این انسان بزرگ، با خدا که حرف می‌زند؛ چگونه حرف می‌زند! اگر توانستید و فرصت پیدا کردید – انشاءالله پیدا کنید – و حالش را داشتید – انشاءالله داشته باشید – دعاهای صحیفه‌ی سجادیه را بخوانید؛ ببینید امام سجاد علیه‌السّلام، چگونه با خدا حرف می‌زند! ... باید تعمق و تدبر کنید؛ باریک شوید و فکر کنید.[۴۱۱]

امروز جوانان عزیز ما باید در هردو میدان هوشیار باشند و شما بحمدالله با تشکیل این جلسات و کلاس ها و دوره‌هایی که داشتید؛ قدم هایی را در این زمینه برداشتید. لازم است من از همه‌ی کسانی که این برنامه‌های تابستانی را برای شما جوانان عزیز ترتیب دادند، مخصوصاً از جناب آقای مصباح که حقیقتاً شخصیت مغتنمی هستند و همچنین از بقیه‌ی برادرانی که در این زمینه همکاری داشته‌اند – چه از جهت پشتیبانی، چه از جهت حضور در درس ها و تعلیم و نصیحت و غیره – صمیمانه تشکر کنم.[۴۱۲]

عزیزان من! از لحاظ روحی و فکری، خودتان را برای یک حرکت بسیار خوش عاقبت و خوش فرجام آماده کنید. فکر را با آموختن، اندیشیدن، مراجعه‌ی به صاحب نظران و استفاده از نظرات اساتیدِ خبره و مجرب تقویت کنید و روح و جان خود را با ارتباط با خدا، ذکر، تدبر در قرآن و توسلِ به ذیل عنایت پروردگار صفا دهید و این روشنی را در آن حفظ کنید؛ و این برای شما فراهم است.[۴۱۳]

مطالعه کتاب های شهید مطهری

من توصیه می کنم در زمینه‌ی مسائل دینی، جوان ها از معارف بلندی که جزء بهترین آن ها، آثار شهید مطهری است؛ حتماً استفاده کنند. شعارها خیلی خوب است؛ جهتگیری‌ها خیلی خوب است؛ بایستی به این جهتگیری‌ها و به این شعارها عمق داد. جوان ها از کتاب های شهید مطهری استفاده کنید؛ از شرح حال سرداران غفلت نکنید؛ آگاهی از شرح حال این شهدای راه حق، در درجه‌ی اول سردارانند؛ اما مخصوص سرداران نیست.[۴۱۴]

من شما جوانان عزیز (چه پسران و چه دختران) را دوست دارم. شما دانشجویان روی این مسائل فکر کنید. بحمدالله امکان هم برای شما فراهم است. همین تلاش را که دوستان کردند؛ با زحمات و در واقع با رهبری و تعلیم حضرت آقای مصباح (دامت برکاته) که وجود شریف ایشان، (واقعاً از مفاخر زمان ما و از برکات خدا بر ملت و بر حوزه‌ها و بر جوانان ماست) قدر بدانید و دنبال کنید. این فکرها را در خود تعمیق نمایید. ارتباطتان را با خدا روزبه‌روز قوی تر و در منابع دینی تأمل کنید. فکر کنید؛ کار کنید؛ خدا هم کمک خواهد کرد.[۴۱۵]

۴۱۱- بیانات در جمع رزمندگان و بسیجیان بندرعباس ۱۳۷۶/۱۱/۳۰
۴۱۲- بیانات در دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶
۴۱۳- همان
۴۱۴- بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۴
۴۱۵- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۷۷/۹/۲۵

بهره مندی از ظرفیت معنوی دوران دفاع مقدس

نگذارید یاد دوران دفاع مقدس از یادها برود. آمدن به این مناطق جنگی – چه در تعطیلات نوروزی و چه در دوره‌ی سال که بحمدالله حالا در دوره‌ی سال هم کسانی از سرتاسر کشور به این مناطق مسافرت می کنند و این سرزمین‌ها را زیارت می کنند – بسیار کار پسندیده‌ای است؛ کار درستی است؛ کار عاقلانه‌ای است که ملت ایران می کند؛ خاطره‌ی این سرزمین‌ها را زنده نگه دارید. این سرزمین‌ها، این بیابان ها، این رود کارون، این جاده‌ی اهواز – آبادان یا اهواز – خرمشهر، این مناطق گوناگون که با اسم های مختلفی امروز خودشان را به شما معرفی می کنند، این ها شاهد برترین فداکاری ها و مجاهدت ها و ازخودگذشتگی ها بوده‌اند. بنده فراموش نمی کنم در آن ماه‌های اول جنگ – در آن ماه‌های محنت، نبودن نیرو، نبودن امکانات، نبودن آموزش، نبودن انسجام و سازماندهی، در آن سختی همه‌جانبه‌ی مادی – جوان های ما با روحیه‌های خوب، از همین اهواز می آمدند به مناطق مختلف، از جمله همین‌جا، منطقه‌ی دارخوین، یک مشت از جوان های مؤمن و حزب‌اللهی که من اشخاصشان را هم بعضاً می شناسم، آمدند در همین روستای محمدیه که نزدیک است؛ سنگرهای انفرادی می کندند؛ در تاریکی شب از این سنگرهای انفرادی می آمدند بیرون و صد متر دویست متر جلوتر می رفتند؛ باز آنجا سنگر می کندند؛ تمام روز را زیر این آفتاب داغ خوزستان در سنگرها می ماندند؛ سختی ها را تحمل می کردند؛ خود را به دشمن نزدیک می کردند؛ تا وقتی که نوبت عملیات رسید که در مهر ماه سال بعد از حمله (در آخر شهریور ۵۹ حمله‌ی دشمن شروع شد؛ در مهر ۶۰) در این منطقه‌ی دارخوین و همه‌ی این مناطق اطراف، با نیروهای رزمنده‌ی ارتش و سپاه و بسیج و غیره، توانستند پاداش آن مجاهدت ها را بگیرند و به ملت ایران هدیه کنند. این ها یادهای ارزشمندی است؛ نباید بگذارید این یادها فراموش بشود.[۴۱۶]

در هر کدام از این مناطق، قضایایی اتفاق افتاده است که یکی از این قضایا در میان هر کشوری و هر ملتی اتفاق بیفتد؛ کافی است برای اینکه در تاریخ، آن ملت را سر بلند کند. همین مسائلی که در عملیات بیت‌المقدس اتفاق افتاد؛ یا آنچه در عملیات فتح‌المبین اتفاق افتاد؛ یا آنچه بعد از این ها در عملیات خیبر اتفاق افتاد؛ ذره ذره‌ی این عملیات و شخصیت‌هایی که این فداکاری ها از آن ها سر زد و حوادث را ساختند؛ می تواند مجموعه‌ای از افتخارات بزرگ و ماندگار و فراموش نشدنی را برای ملت ایران رقم بزند. دشمن ها می خواهند ما یادمان برود؛ می خواهند قضیه‌ی دفاع مقدس از یادمان برود؛ فداکاری ها از یادمان برود؛ شخصیت‌هایی را که در این فداکاری ها نقش آفریدند یا نشناسیم یا از یاد ببریم؛ اینجور می خواهند. بعضی می خواهند آن دوران را تخطئه کنند؛ آن آدم ها را تخطئه کنند؛ آن جهت‌گیری را و آن مسیر را که امام بزرگوار و حکیم و بنده‌ی بصیر الهی آن مسیر را معین کرده بود تخطئه کنند؛ برای این که می دانند که هر ذره‌ای و هر نقطه‌ای از این حوادث، برای ملت ایران فراموش نشدنی است و تأثیرات بزرگِ سازنده‌ای دارد. بنده باز هم به ملت ایران عرض می کنم این حرکت راهیان‌نور را مغتنم

۴۱۶- بیانات در یادمان شهدای شرق کارون ۱۳۹۳/۱/۶

بشمرید.[۴۱۷]

مطالعه کتاب های دفاع مقدس

شاید بسیاری از شما جوان های عزیز، دورانِ دفاع مقدس را درک نکردید. در آن دوران نتوانستید؛ نبودید که بیائید وسط آن میدان، اولاً باید با اوضاع داوطلبان و جوانان مؤمنِ آن روز همه آشنا شوند؛ مخصوص شما نیست. همه باید بدانند که در دوران دفاع مقدس چه مَعجزات عظیمی از حضور مؤمنانه و پر تلاش نیروهای بسیجی در صحنه‌های جنگ اتفاق افتاد؛ این را باید همه بدانند. نوشته‌هائی هست؛ کتاب های خوبی نوشته شده است؛ من توصیه می کنم این کتاب هائی که در شرح حال سرداران است یا آنچه که در گزارش روزهای جنگ و سال های دشوار اول بالخصوص نوشته شده؛ این را جوان ها بخوانند. خود را سیراب کنید از معرفت به آنچه که گذشته است در تاریخ انقلاب؛ ارزش بسیج اینجا معلوم می شود.[۴۱۸]

احساس افتخار به نام شهیدان و حفظ خاطره ها

دو نکته مورد توجه است که نه من باید فراموش کنم؛ نه شما باید فراموش کنید؛ نه به خصوص این جوانان و این نوجوانان عزیز باید هرگز این را فراموش کنند. یک نکته این است که ما آن احساس افتخاری را که نام شهید و یاد شهید به ما می دهد؛ حفظ کنیم. همچنانی که به دلاوری مردان بزرگ صدر اسلام افتخار می کنیم؛ به دلاوری این مردان بزرگ دوران خودمان افتخار کنیم. دشمن این را نمی خواهد. دشمن می خواهد یاد شهیدان فراموش شود. دشمن می خواهد خاطره ی این مجاهدت ها و بزرگ مردی ها در حافظه ی این ملت نماند. درست نقطه ی مقابل این، همه باید حرکت کنند. یاد شهیدان را برجسته کنید؛ زنده کنید؛ خاطره ی آن ها را حفظ کنید.[۴۱۹]

بسیج مظهر عشق و ایثار و فداکاری

در دوران جنگ تحمیلی، بسیج درخشید. عالی ترین مضامین انسانی، در بسیج معنا شد و تجسم یافت. پُرجاذبه‌ترین جلوه‌های هستی، در بسیج خود را نشان داد. در دنیایی که خودخواهی و خودپرستی و حرص و هوای نفس، اغلبِ حوادث آن را رقم می زند؛ بسیج مظهر عشق و ایثار و فداکاری و گذشت و نگاه حکیمانه‌ی یَک جوان به عالم وجود شد.[۴۲۰]

ما روی مساله‌ی شهدایمان انصافاً کم‌کاری کردیم. این حادثه‌ی شهدای هفتم تیر ظرفیت عجیبی دارد برای معرفی شدن؛ هم معرفی شدن این چهره‌هایی که آماج این جنایت قرار گرفتند؛ هم معرفی ملت ایران که چگونه در یک چنین حادثه‌ی تکان‌دهنده‌ای خودش را نگه می دارد؛ حفظ می کند و نه فقط از میدان در نمی رود بلکه روحیه‌ی مضاعف پیدا می کند؛

۴۱۷- همان
۴۱۸- بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۴
۴۱۹- بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲
۴۲۰ – بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱

هم معرفی دشمنان که چه موجودات پست و چه سیاست های خبیثی پشت سرِ این حوادث قرار دارد؛ دست های جنایتکار این ها را [معرفی می کند]. این ظرفیت در ماجرایِ هفتم تیر و ماجراهای دیگر – که البته عمده‌اش ماجرای هفتم تیر است – وجود دارد. ما کم‌کاری داشتیم؛ این ها را معرفی نکردیم. خیلی کار می شد کرد و باید کرد؛ دستگاه‌های مسئول و همه‌ی ما دچار کم‌کاری هستیم و به نظر می رسد که این کار را هم بایستی سپرد به جناح فرهنگیِ مؤمنِ انقلابی مردمیِ خودجوش، این جوان هایی که می‌بینید در اطراف کشور به‌طور خودجوشِ کارهایی انجام می دهند – کارهای فرهنگی انجام می دهند؛ کارهای هنری انجام می دهند؛ حقایقی را احیاء می کنند؛ استعدادهایی را بُروز می دهند؛ از استعدادهای بالفعلی استفاده می کنند – این کار را هم آن ها باید بکنند. با زبان هنر، با زبان تصویر، با استفاده‌ی از ابزارهای جدید باید بتوانند این حادثه را، این شخصیت‌ها را [معرفی کنند]؛ کسی مثل شهید بهشتی را در دنیا معرفی کنند؛ کسی مثل شهید رجایی را معرفی کنند؛ شهید باهنر را معرفی کنند. هرکدام از این شخصیت‌هایی که در ماجرای هفتم تیر یا ماجراهای دیگر به شهادت رسیدند؛ شایسته‌ی یک چهره‌نگاری بسیار باعظمت اند که می شود از این ها چهره‌نگاری کرد.[۴۲۱]

این کتاب هایی را که مربوط به زندگی شهدا است؛ بنده گاهی می خوانم؛ حقیقتاً درس‌دهنده است؛ بنده درس می گیرم؛ بنده روحیه می گیرم از خواندن این کتاب ها، نشان می دهد که این ها چه شخصیت‌هایی بودند؛ چه روحیاتی داشتند؛ چه عظمتی داشتند؛ چه خدمتی کردند با این ایثار خودشان، جان خودشان را کف دست گرفتند وارد میدان شدند. شهدای هفتم تیر نمی دانستند که یک چنین حادثه‌ای در انتظار آن ها است؟ معلوم بود؛ آن روز هر کسی در این میدان حرکت می کرد؛ مثل کسی بود که در میدان مین دارد حرکت می کند؛ از همه‌طرف حوادث گوناگون بود؛ اما درعین‌حال شجاعانه وارد این میدان شدند و حرکت کردند. برکات شهدا خیلی زیاد است؛ یعنی واقعاً با این تعبیرات نمی شود حقّ شهیدان را ادا کرد؛ واقعاً نمی شود کاری را که آن ها کردند؛ خدمتی را که آن ها کردند ادا کرد.[۴۲۲]

تداوم حرکت اردوهای هجرت

در مورد این حرکت عظیم بسیج سازندگی و اردوهای هجرت که ... اول از خود جوان ها شروع شد؛ خود جوان های دانشجو و دانش‌آموز در بخش های مختلف، این حرکت را شروع کردند؛ یعنی این یک حرکت خودجوش مردمی است. ...خوب، عامل اینجا چیست؟ عشق و ایمان، بصیرت و همت، این ها ستون های اصلی است. عشق و ایمان، انسانی که ایمان ندارد؛ محوری برای حرکت خود نمی تواند تصویر کند. انسانی که از احساس عاشقانه و عمیق قلبی برخوردار نیست؛ نمی تواند این حرکت را ادامه دهد و استمرار بخشد. انسانی که همت ندارد؛ به کارهای کوچک، به فرازهای محدود اکتفاء می کند؛ چشم به برترین قله‌ها نمی دوزد. انسانی

۴۲۱- بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای استان تهران ۱۳۹۴/۴/۶
۴۲۲- همان

که بصیرت ندارد؛ راه را عوضی می رود؛ اگر عشق و ایمانی هم در او هست؛ آن را در راه غلط مصرف می کند؛ کج راهه می رود. عشق و ایمان، همت و بصیرت، این ها را انقلاب به مردم ما و جامعه‌ی ما داد.[۴۲۳]

کسب ثبات در عقیده

عزیزان من: جوان، یک گرفتاری مهم دارد. جوان، مجموعه‌ای از زیبایی ها، برجستگی ها، درخشندگی ها، خوبی ها، استعدادها و امکانات است که هرچه به طرف پیری می رود، این استعدادها و امکانات – حتی از لحاظ معنوی مرتب به سمت نازیبایی کم می شود. هرچه پیش می روید؛ فعلیت هایتان بیشتر می شود؛ اما استعدادها و امکاناتتان، مرتب کاهش می یابد! استعداد، چیز خیلی مهمی است. امکانات، چیز خیلی مهمی است. استعداد، یعنی توان و توان خیلی مهم است. با همه‌ی این چیزهای مثبت و جالب و درخشان در وجود جوان، جوان یک گرفتاری بزرگ دارد و آن، عدم ثبات است – احتمال تزلزل – که هرچه سن بالاتر می رود، این حالات، کمتر می شود. التفات می کنید؟ این گرفتاری را حواستان باشد؛ این گرفتاری را در خودتان و در دیگران علاج کنید. کاری کنید که ثبات در عقیده داشته باشید. ببینید؛ شما در دعاها، چقدر «ثبات الیقین» می خوانید؟! در دعای سحر روز جمعه: «و هب لی ثبات الیقین و محض الاخلاص». در دعای ماه رمضان می خوانید: «اللهم انی اسألک ایماناً لا اجل له دون لقائک»؛ من از تو ایمانی می خواهم که تا هنگام لقای تو، هیچ پایانی ندارد – هست تا وقتی تو را ملاقات کنم – «احینی ما احییتنی علیه»؛ تا وقتی مرا زنده نگه می داری، این ایمان را برای من نگهدار. «و توفّنی اذا توفّیتنی علیه»؛ وقتی جان من را می گیری – «توفّی»، یعنی گرفتن جان – بر ایمان، جان مرا بگیر. «وابعثنی اذا بعثتنی علیه»؛ حتی قیامت، وقتی مرا برمی انگیزی، با این ایمان برانگیز. این دعاست! امام، آنچه را که از خدا می خواهد (در دعای ابوحمزه، آن هم در دعاهای پرحال و پرشور) نشان دهنده‌ی این است که این، یک نیاز حتمی است؛ توجه می کنید؟[۴۲۴]

جوان، ثبات لازم دارد و این ثبات هم به خودی خود به دست نمی‌آید. باید آن را پیدا کرد. جوان، دائم در معرض تزلزل قرار می گیرد. البته همه‌ی جوانان این‌طور نیستند – نمی خواهم بگویم که هر جوانی این‌گونه است – به‌هرحال، این استعدادِ تزلزل هم مثل بقیه‌ی استعدادها، در جوان هست؛ که این به یک معنا استعداد خوبی نیست. البَته به یک معنا هم خوب است؛ چون خودِ این هم یک تحول است. از همین هم می توان استفاده کرد. مرتب می شود؛ بهتر شد و بالاتر رفت؛ اما باید مواظب باشید که این، وسیله‌ی لغزش، دور افتادن از راه و دور افتادن از خدا نشود و به غلتیدن در پرتگاه هایی که انسان باید از آن ها پرهیز کند، منتهی نگردد.[۴۲۵]

۴۲۳- بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱
۴۲۴- بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران ۱۳۷۶/۱۱/۱۱
۴۲۵- همان

عیارسنجی، درالگوی سبک زندگی اسلامی

بحث سبک زندگی و اسلوب زندگی به حسب نظر اسلام، این در داخل بسیج می تواند یک معیار برای خودشناسی باشد. بحث این نیست که دستگاه های برتر و بالاتر بیایند ما را عیار بزنند؛ ببینند چه جوری است؛ بحث این است که خودمان، خودمان را عیارسنجی کنیم. رفتار ما در محیط کار چگونه است؟ رفتار ما با همسر و فرزند چگونه است؟ رفتار ما در محیط زندگی و محیط اجتماعی چگونه است؟ رفتار ما با زیر دست چگونه است؟ با کسی که بالادست ماست، رفتار ما چگونه است؟ رفتار ما با دوست چگونه است؟ با دشمن چگونه است؟ این ها همه در اسلام اندازه و معیار دارد. خودمان را بسنجیم؛ این می شود عیار خویش را سنجیدن، خود را درست شناختن. اگر از اینجا شروع کردیم؛ بنیان زندگی ما، بنیان کار ما در همه‌ی بخش ها، به خصوص در بسیج، که حالا محل بحث ماست؛ تقویت خواهد شد.[۴۲۶]

تربیت جوانان خوش‌روحیه، آینده نگر ودارای اعتمادبه نفس

ما امروز نیازمندیم که جوانان ما خوش‌روحیه، امیدوار، شجاع، دارای اعتمادبه‌نفس، دارای ایمان، دارای روحیه‌ی آینده‌نگر، دارای روحیه‌ی خدمت [باشند]؛ احتیاج داریم دانشجوی ما اینجور بار بیاید. خوب، این را شما می توانید در محیط علمی، در کلاس درس تأمین کنید. عکس آن هم ممکن است: می شود با تعبیراتی، با متلک گفتن به بنیان ها و اصول پذیرفته‌شده‌ی کشور، دانشجو را نسبت به آینده‌ی کشور بی‌اعتماد کرد؛ بی‌اعتقاد کرد؛ لاابالی کرد؛ این هم می شود.[۴۲۷]

پرورش دانشجوی معتقد و مؤمن به فرهنگ اسلامی

آنچه از استاد انتظار می رود فقط تغذیه‌ی علمی دانشجو نیست؛ بلکه تقویت روحیه‌ی معنوی او و شخصیت معنوی او هم از استاد متوقع است؛ شما می توانید در این زمینه اثر بگذارید. سعی کنید دانشجو را پایبند به تعلقات معنوی، تعلقات خانوادگی، تعلقات میهنی بار بیاورید؛ دانشجو را معتقد و مؤمن به فرهنگ اسلامی بار بیاورید.[۴۲۸]

برطرف کردن نیازهای علمی دانشجو

استاد، محیط دانشگاه را کار اصلی خود و دلبستگی اصلی خود بداند؛ نه کار دوم، نه کار فرعی و تبعی؛ استاد در دانشگاه مکث داشته باشد؛ توقف داشته باشد؛ حضور داشته باشد؛ نیازهای علمی دانشجو را برطرف کند؛ با دانشجو ارتباط برقرار بکند؛ صِرف رفتن و یک ادای تکلیفی به‌نحو اجمالی انجام دادن و آمدن نباشد؛ این هم نکته‌ی دیگری است که عرض کردیم. وقت بگذارند اساتید، دلسوزانه با دانشجو برخورد کنند؛ این کار، دانشجو را هم به تلاش علمی وادار خواهد کرد؛ یعنی این موجب می شود که دانشجو رفتار استاد را در زمینه‌ی پیگیری کار علمی برای

۴۲۶ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی «صالحین» ۱۳۹۱/۹/۱
۴۲۷– بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۴/۱۱
۴۲۸– همان

خودش الگو قرار بدهد و به‌طور طبیعی تحت تأثیر قرار می گیرد.[۴۲۹]

ترویج اندیشه سالم

شما بدانید؛ این فکر، این خط، این راه و این حادثه‌ی عظیمی که امروز در اینجا اتفاق افتاده؛ چیزی نیست که دشمن ها بتوانند با این‌گونه تدابیر آن را از حرکت و پیشرفت به جلو باز دارند. خودشان هم معترف هستند. گاهی یکبار به یک مناسبتی اندک امیدی پیدا می کنند و خیزی برمی دارند؛ اما باز دوباره می بینند فایده‌ای نکرد. خودشان هم می گویند؛ الان هم دارند می گویند. از این محافل، خبرهای فراوانی پیش ما می‌آید. در محافل گوناگون، بعضی از گویندگانشان، بعضی از صاحب‌نظرانشان، اظهار یأس می کنند و می گویند: نشد؛ نمی شود. واقعاً هم نخواهد شد و نمی شود. این حرکت عظیم را نمی توانند متوقف کنند. منتهی آنچه که من می خواهم در تکمیل این «نمی شود» به شما بگویم؛ این است که: چرا نمی شود؟ چون اندیشه درست است؛ مخاطبان مخلص و سالم و مؤمنی هم دارد و کمربستگانِ با علاقه و با اخلاص و پُرشوری هم در سرتاسر کشور دارد و شما جزء آن ها هستید. این یکَ وظیفه‌ی سنگین برای جوانان مؤمن است.[۴۳۰]

استفاده هدفمند از فرصت دروس معارف اسلامی

یک نکته‌ی دیگر هم در مورد دروس معارف است. استادان دروس معارف، فرصت بسیار ارزشمندی را دارند در دانشگاه، این مجموعه‌ی عظیم دانشجویان، جماعت میلیونی دانشجو در ساعات فراوانی در اختیار استاد معارف اند؛ این خیلی فرصت باارزشی است. بهترین جوان ها در اختیار شما هستند؛ اگر استاد معارف با هوشمندی، با تکیه‌ی به معلومات عمیق و به‌روزشده‌ی در مسائل گوناگون فکری و اسلامی، با دانشجو مواجه بشود؛ ما بیشترین سود را از حضور اساتید معارف در دانشگاه خواهیم برد و به‌نظر ما بسیار بجا و مناسب است که نهاد نمایندگی به این مسائل توجه کنند و دقت کنند؛ برنامه‌ریزی کنند که بتوان از حضور این استادان محترم در دانشگاه برای تقویت ایمان دانشجو و تقویت عمل و ساختن شخصیت دینی و معنوی دانشجویان بهره‌برداری بشود.[۴۳۱]

در کشور خودمان به برکت انقلاب، به برکت ایمان اسلامی و به برکت همین رابطه‌های قلبی میان دل های پاک و نورانی با خدا و با هر چیزی که احساس می کنند رنگ خدایی دارد؛ نسل جوان ممتازی شکل گرفته است. رابطه، خیلی مهم است و این رابطه از قبل از انقلاب تا شروع انقلاب و از اولِ پیروزی تا امروز هست. قبل از انقلاب، همه‌ی عوامل در جهت عکس این قضیه بود؛ یعنیَ جوانان به سمت فساد و بی تفاوتی سوق داده می شدند. اصلاً بنا و سیاست،

۴۲۹- همان
۴۳۰ - بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۹/۶/۱۰
۴۳۱- بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۴/۱۱

این بود.[۴۳۲]

امیدواریم خداوند متعال به همه‌ی شما توفیق دهد و تأییدتان کند و به مسؤولان هم توفیق دهد تا انشاءالله به اساتید مؤمن و جوان و پُرانگیزه و پُرتحرک در سطح دانشگاه های کشور، فرصت کار و تلاش و فعالیت بدهند و بتوانند هرچه بیشتر دانشگاه ها را به سمت ایجاد یک دانشگاه حقیقتاً اسلامی رهنمون شوند.[۴۳۳]

پرهیز از سیاسی کاری در دانشگاه‌ها

من خواهش می کنم از مدیران دانشگاه‌ها و مسئولان گوناگون مدیریتی که دانشگاه را مرکز جوَلان سیاسی و تلاش ها و فعالیت های جناح های سیاسی قرار ندهید. سمّ مهلک حرکت علمی این است که دانشگاه‌ها تبدیل بشوند به باشگاه‌های سیاسی، کاری که در یک دوره‌ای انجام گرفت. این به‌معنای نفی حرکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه‌ها نیست؛ بنده همیشه مدافع و منادی کار سیاسی دانشجوها و دانشگاهیان بوده‌ام و هستم – الان هم معتقدم – منتهی نگاه سیاسی، مَشرب سیاسی، فهم سیاسی و فعالیت سیاسی داشتن، یک حرف است و دانشگاه را و کلاس درس را و محیط علمی را جولانگاه کار سیاسی قرار دادن، یک حرف دیگری است؛ این ها با همدیگر تفاوت دارد. آرامش دانشگاه کمک کننده‌ی به این است که دانشگاه بتواند در زمینه‌ی مسائل علم – که این‌همه اهمیت دارد – کار خودش را انجام بدهد؛ وظیفه‌ی خودش را انجام بدهد و اگر خدای نکرده عکس این بشود؛ اولین ضربه‌ای که خواهیم خورد؛ این است که حرکت علمی در دانشگاه و به تبع آن در کشور متوقف خواهد شد یا کند خواهد شد؛ و عرض کردیم توقف، به‌معنای عقب‌گرد است.[۴۳۴]

شفاف سازی و ساماندهی فعالیت های اساتید بسیجی

وجود این مجموعه (استاد بسیجی) برای نظام اسلامی یک نعمت است. یک نعمت بزرگ، این همه استاد مؤمن، در هیچ کشوری از کشورهای اسلامی – به طریق اولی غیر اسلامی – وجود ندارد که در کشور ما هست. استاد دانشگاه، دانشمند، متخصص، حرفه‌ای در رشته‌ی خود و مؤمن به خدا و مؤمن به جهاد و مؤمن به راه خدا و اهداف الهی، آن هم با این تعداد کثیر و این کمیت، این دیگر در دنیا بی‌نظیر است. این هم از برکات امام بزرگوار است. این را قدر بدانید؛ این را دودستی نگه دارید. این را سامان بدهید؛ اهدافش را مشخص کنید؛ دقیق کنید؛ فعالیت هائی را که استاد بسیجی باید انجام بدهد را شفاف کنید و روشن کنید؛ به معنای واقعی کلمه، فرماندهان این عرصه‌ی عظیم جهاد فی‌سبیل‌الله باشید. کار بسیار مهمی است. امروز کشور به این چیزها احتیاج دارد. بحث امروز هم نیست؛ همیشه احتیاج دارد.[۴۳۵]

۴۳۲- بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۸/۶/۱۳
۴۳۳ – بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸
۴۳۴- بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۴/۱۱
۴۳۵- بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲

اثر گذاری بر محیط پیرامونی

خودتان را قدر بدانید؛ این راه را قدر بدانید؛ ارتباطتان، ارتباط دل های پاک و بی‌آلایش تان را با خدا روزبه‌روز قوی‌تر کنید؛ از خدای متعال مدد بخواهید. این احساس مسئولیتی که در شما هست؛ این احساس مسئولیت را روزبه‌روز بیشتر کنید و مثل نقطه‌ی مشتعلی که اطراف خود را مشتعل و نورانی می کند؛ در محیط خود اثر بگذارید. هر جا هستید: در محیط خانواده، در محیط کار، در محیط درس، در محیط جامعه، روی اطرافیان تأثیر بگذارید.[۴۳۶]

عمل خالصانه برای خدا

این مهم است که نسل جوان آن مملکت چگونه باشد. اگر نسل جوان، بی تفاوت و بی اعتنا به مصالح کشور و سرنوشت کشور باشد؛ برای آن ها خیلی بهتر است. آن ها سوق می دادند؛ عوامل در جهت عکس تدین و عزم و خلوص و صفا و حرکتِ جوانان بود؛ اما یک عامل فوق‌العاده پیدا شد. آن عامل، فریادِ امام بود؛ فریادِ امام نه به عنوانِ یک شخص؛ حُسن بزرگِ امام این بود که خود را به عنوانِ یک شخص، مطرح نکرد و برای خودش هم در مسائل مربوط به اسلام و مسلمین، عنوان شخصی قائل نشد. امام به عنوان یک انسان حل شده در اسلام و یک انسان دل داده به معارف الهی مطرح بود. او از بن دندان و از صمیم قلب، این معارف را پذیرفته بود و جزء جانش شده بود. او حاکمیت خدا را بر زندگی انسان قبول کرده بود؛ کمااین‌که در زندگی شخصی خودش حاکمیت خدا را حقیقتاً پذیرفته بود؛ عبد خدا و مطیع خدا بود.[۴۳۷]

ایجاد جاذبه در عرصه های فعالیت بسیج

بسیج، نخبگان را در درجه‌ی اول جذب کرد؛ هم نخبگان تحصیلی و علمی را، هم نخبگان سیاسی را، هم فعالان عرصه‌های اجتماعی را و هم دل های پاک و نورانی را؛ میدانی بود که جوانان دانشجو هم جذب آن می شدند؛ پیرانی که دوران تلاش آن ها سپری شده بود، جذب می شدند؛ نوجوانان هم جذب می شدند و همه احساس می کردند که سیراب می شوند؛ تشنگی معنوی آن ها در بسیج، در حضور در آن عرصه‌های دشوار برطرف می شود. یک چنین عرصه‌ای بود؛ عرصه‌ی دفاع مقدس و حضور بسیج در آن؛ بنابراین در تاریخ این کشور، این حادثه، حادثه‌ی ماندگاری است؛ تشکیل بسیج و نقشی که آن روز در دفاع مقدس ایفاء کرد.[۴۳۸]

البته من به شما پدرانه عرض می کنم: عزیزان من! با مخاطبان خودتان – هر که هستند – برخورد برادرانه داشته باشید. حساب آن‌جایی که دشمنی به میدان می‌آید و انسان وظیفه دارد با او برخورد کند؛ در جای خود جداست. آنجا و آن موقعیت و آن زمان را هم همیشه باید مسؤولان معین کنند. این ها وابسته به تشخیص های شخصی نمی تواند باشد و آن ها موارد استثنایی است. در محیط دانشگاه، در محیط خانواده، در محیط کار علمی، در محیط تحقیقی؛ «ادع الی

۴۳۶- بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱
۴۳۷- بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۸/۶/۱۳
۴۳۸- بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۴

سبیل ربّک بالحکمهٔ و الموعظهٔ الحسنهٔ و جادلهم بالّتی هی احسن» با مجادله‌ی به نحو صحیح، با بیان حکمت‌آموز، با زبان نرم، با رفتار و اخلاق خوش؛ البته دشمن همین را هم بیشتر اوقات تحمل نمی کند.[۴۳۹]

در محیط دانشگاه سعی بر اثرگذاری کنید؛ به آنچه فرا گرفتید؛ اکتفا نکنید؛ سعی تان این باشد که آن را منعکس و منتقل کنید. در محیط دانشگاه، دل ها و فکرهای زیادی هستند که می توان آن ها را با شعاع این معارف، منور کرد. سعی دشمن این است که جوان ها از این معارف دور بمانند. همچنان که در قرآن ملاحظه می کنید «و هم ینهون عنه و ینأون عنه» درباره‌ی پیام پیغمبران نیز همین‌طور بوده است. درباره‌ی پیام پیغمبر اسلام نیز همین‌طور بود. دشمنان، هم دیگران را از قرار گرفتن در شعاع این افکار نورانی نهی می کنند و هم خودشان را عقب می کشند که این شعاع به آن ها نتابد. راه مقابله‌اش همین است که شما سعی کنید این افکار را درمیان محافل جوان، محافل دانشجویی و دل های پاک، نورانی و پذیرنده ببرید.[۴۴۰]

توأم کردن فکر با عمل

عزیزان من! فکر، پایه‌ی اول است. توأم کردن فکر با عمل بر طبق آن اندیشه، پایه‌ی دوم است. «الّذین امنوا و عملوا الصّالحات طوبی لهم و حسن مآب» انسان وقتی که فکر و عمل را همراه کرد؛ آن‌وقت تفضلات الهی – انوار رحمت و هدایت – به سمت دل ها سرازیر می شود؛ اطمینان و سکینه و آرامش و امید در انسان به‌وجود می‌آید. مجموعه‌ای که این خصوصیات را داشته باشد، می تواند از تمام موانع عبور کند؛ ما این را داریم. اگر می بینید که جوامع اسلامی ما و جامعه‌ی ایرانی خودِ ما در قرن های گذشته با اوضاع و احوال سخت زندگی کردند و روزبه‌روز رو به انحطاط رفتند؛ یا امروز بسیاری از کشورهای اسلامی دچار این مشکلات اند، به خاطر این است که یا اندیشه‌ی درستی را که آن ایمان، متکی به آن اندیشه‌ی درست و صحیح و منطقی و قوی و حساب شده باشد؛ نداشتند و ندارند یا طمع ها و ضعف ها و سستی ها و لغزش ها و به دنیا چسبیدن ها و شهوت ها و هوسرانی ها و امثال این ها، جلو عمل را گرفته بود و گرفته است. وقتی فکر و عمل با هم نبود؛ هدایت الهی، تفضل الهی، دستگیری الهی و کمک الهی هم نخواهد بود؛ مگر یک وقت به‌ندرت و گهگاه.[۴۴۱]

ه.تلاش در جهت الگو شدن بسیج

بسیج جهان اسلام، دستورالعملِ زنده و قابل تبعیت

۴۳۹ – بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۹/۶/۱۰
۴۴۰ – همان
۴۴۱ – همان

ما باید عملکرد خوبی نشان بدهیم. این دستورالعملِ بسیج را در جهان اسلام و در میان کشورهای اسلامی و ملت های اسلامی به عنوان یک دَستورالعملِ زنده و قابل تبعیت و پیروی تثبیت خواهد کرد و این تا حدود زیادی امروز هم اتفاق افتاده استَ و انجام گرفته است.[۴۴۲]

الگوی جوانان سایر کشورها

در سال های اواسطِ دهه‌ی شصت در سفر به یکی از کشورهای عربی که به‌شدت تحت تأثیر فرهنگ منحط غربَ قرار داشت؛ من در خیابان ها به چشم خود دیدم که سبک لباس پوشیدن دختران و پسران، سبک جوان های حزب‌اللهی ماست؛ در حالی که آن ها به ایران نیامده بودند و از تلویزیون ها و از بعضی خبرها توانسته بودند جوان ایرانی را از دور ببینند و تحت تأثیر عظمت او قرار گیرند. جوان ایرانی توانست در زیر سایه‌ی انقلاب، چیزهایی را که جزء زیبایی های حقیقی او بود؛ برای خود حفظ و آن ها را مضاعف کند؛ مثل هوشمندی، زرنگی، فعالیت، جلادت، شجاعت و اقدام؛ این ها مال جوان ایرانی است. همین‌طور چیزهایی را که در طول یک قرن یا بیشتر، با وسایل فکری، با وسایل گوناگون اقتصادی و سیاسی و استعماری کار کرده بودند که به او تزریق کنند تا آن زیبایی ها تحت‌الشعاع قرار گیرد – مثل مدها و عادت های غلط، اعتیادهای مرگبار و معاشرت های به‌شدت مضر – توانست رها سازد و از خودش دور کند.[۴۴۳]

بسیجیِ، معلم اول جوانان دنیا در عصر جدید

حرکت بسیجی، سرنوشت ایران را، بلکه سرنوشت فراتر از ایران را تغییر داد؛ تعیین کرد. از روز اول، بسیجیان امام ما در میدان های گوناگون انقلاب تا پیروزی انقلاب و تا پس از انقلاب حرکتی کردند که ماندگار شد، الگو شد، یادگار ملت ایران در عرصه‌ی تاریخ شد. امروز جوانان نیویورک و کالیفرنیا هم شعارهای مردم مصر و تونس را تکرار می کنند؛ از آن ها الهام می گیرند؛ انکار هم نمی کنند. جوانان مصر و تونس هم از حزب‌الله و حماس و جهاد اسلامی الهام گرفته‌اند و فرا گرفته‌اند و پنهان نکردند و معلم اول در عصر جدید، بسیجیِ امام بزرگوار ما بود.[۴۴۴]

وظیفه نیروی مقاومت بسیج، الگو شدن برای همه جوان‌های بسیجی در کشور است. جوانی که در نیروی مقاومت بسیج به عنوان یک نیروی بسیجی، خود را خدمتگزار انقلاب و آرمان‌های اسلامی می‌داند؛ باید آنچنان خود را بسازد که مثل شمعی پروانه‌ها را به دور خود جمع کند؛ سازندگی علمی، اخلاقی، معنوی، فکری و سیاسی داشته باشد.[۴۴۵]

الگوهای برجسته‌ای داریم که این ها نشان دادند که برجسته‌اند؛ بزرگ اند. در جنگ سرداران بزرگی داشتیم؛ شخصیت‌های برجسته، حالا بعضی‌ها نخبه‌ی علمی بودند؛ آمدند در جنگ شدند

۴۴۲ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی «صالحین» ۱۳۹۱/۹/۱
۴۴۳– بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۷۷/۹/۲۵
۴۴۴ – بیانات در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۶
۴۴۵ – بیانات در دیدار با بسیجیان استان اصفهان، آبان ۱۳۸۰.

سرباز و فعال و تفنگ به‌دست، مثل مرحوم شهید چمران؛ چمران یک نخبه‌ی علمی بود؛ نخبه‌ی هنری هم بود؛ خودش به من می گفت: من در عکاسی هنرمندم. آمده بود جنگ، لباس نظامی پوشیده بود؛ شد نظامی؛ [اما] قبل از این که وارد این میدان بشود؛ نخبه بود. بعضی قبل از این که وارد این میدان بشوند نخبه نبودند؛ این میدان آن ها را به فلک رساند؛ مثل اوستا عبدالحسین بنّا که یک شاگرد بنّا بود؛ وارد میدان جنگ شد؛ رسید به خورشید، اوج گرفت؛ نخبه شد؛ آن هم چه نخبه‌ای! این ها برجسته‌اند. ما در علم و تحقیق نخبه‌های برجسته‌ای داریم؛ مثل مرحوم کاظمی آشتیانی که این سلول‌های بنیادی و این تشکیلات عظیم را راه انداخت و انسان های زیادی را تربیت کرد – همکارانش هم همان‌جور هستند؛ امروز هم بحمدالله این حرکت ادامه دارد – یا مثل شهید شهریاری که این روزها اسم شهید شهریاری را می‌آوریم؛ چون این روزها سالگرد شهادت او است؛ بقیه هم همین‌طور: رضایی‌نژاد، علی‌محمّدی، احمدی روشن؛ این ها نخبگانی بودند در وادی علم و تحقیق که بسیجی‌وار کار کردند؛ شهید شهریاری بسیجی وار کار کرد. آن روزی که درها را به روی ملت ایران خواستند ببندند – با آن شیوه‌هایی که حالا خیلی‌ها از آحاد مردم در تلویزیون، در خبرها چیزهایی را شنفتند؛ خیلی‌ها هم پشت پرده است که بعدها روشن خواهد شد که چقدر خباثت کردند – که محصول این رادیو داروها به دست مردم نرسد و جمهوری اسلامی دچار مشکل بشود و گفتند «نمی فروشیم» که این مرکز تهران تعطیل بشود، این ها – مرحوم شهید شهریاری – هم مشغول کار شدند؛ تلاش کردند؛ که بعد آمدند به ما گفتند که توانستیم بیست درصد را تولید کنیم؛ بعد هم آمدند به ما اطلاع دادند که ما لوله‌ی سوخت و صفحه‌ی سوخت را هم ساختیم؛ دشمن [متحیر] ماند. این کار کار بسیجی بود؛ این کار کار معمولی نبود. در همه‌ی این میدان هایی که ذکر کردیم؛ هزاران انسان بزرگ بودند و هستند و تلاش کردند که بعضی را اسم آوردیم.[۴۴۶]

الگوگیری از بسیج

امروز اگر شما جلوه های زیبای پُرشور حضور جوانان را در صحنه های پُرخطر فلسطین و لبنان مشاهده می کنید؛ این الگوگیری از بسیج است. امروز اگر بیداری جوانان دانشجو را در سرتاسر دنیای اسلام می بینید؛ این الگوگیری از بسیج است.[۴۴۷]

بسیجیان امام، الگوی مبارزان در جهان

از روز اول، بسیجیان امام ما در میدان های گوناگون انقلاب تا پیروزی انقلاب و تا پس از انقلاب حرکتی کردند که ماندگار شد؛ الگو شد؛ یادگار ملت ایران در عرصه‌ی تاریخ شد. امروز جوانان نیویورک و کالیفرنیا هم شعارهای مردم مصر و تونس را تکرار می کنند، از آن ها الهام می گیرند؛ انکار هم نمی کنند. جوانان مصر و تونس هم از حزب‌الله و حماس و جهاد اسلامی الهام گرفته‌اند و فرا گرفته‌اند و پنهان نکردند و معلم اول در عصر جدید، بسیجیِ امام بزرگوار ما

۴۴۶ – بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶
۴۴۷ – بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج ۱۳۸۴/۶/۲

بود؛ که همه از بسیجیِ امام بزرگوار فراگرفتند و از جانبازان و سربازان و فداکاران این انقلاب یاد گرفتند که چگونه می توان اسطوره‌های قدرت مادی را شکست؛ چگونه می توان به نام خدا بت ها را شکست؛ چگونه می توان ایستاد، چگونه می توان مقاومت کرد. این ها حقایقی است که امروز وجود بسیج، عینیت بسیج، حرکت بسیج، هدف های بسیج، ما را به این حقایق آشنا می کند. انقلاب اسلامی و ملت انقلابی با یک چنین فرهنگی، با یک چنین آموزه‌هائی، با یک چنین روحیه‌ای، توانست بسیاری از ناممکن ها را ممکن کند؛ محقق کند و این حرکت ادامه خواهد داشت.[۴۴۸]

بسیج، اسطوره ایستادگی و مقاومت

دشمنیِ دشمنان نمی تواند تأثیری بگذارد. البته دشمن، دشمنی می کند – در این تردیدی نباید داشت، انتظاری هم جز این از دشمن نباید داشت – منتهی ما وقتی حرکت عظیم ملت ایران را از آغاز این انقلاب، این حرکت، این نهضت عمومی تا امروز مشاهده می کنیم؛ می‌بینیم یک خط سیر مشخصی دارد. ملت ایران به سمت پیش حرکت می کند؛ به سمت اوج حرکت می کند؛ در میدان های گوناگون بر چالش های گوناگون غلبه پیدا می کند و دشمنان در همین مقابله و مواجهه عقب نشینی می کنند؛ کوتاه می‌آیند؛ ناچارند. با این حرکت، سرنوشت ملت ایران، پیروزیِ قطعی است.[۴۴۹]

بسیج، الگو و نمونه‌ی کاملِ تمدنِ نوینِ اسلامی

جوان ها! بدانید، بدون هیچ‌گونه تردیدی آینده‌ی روشن و امیدبخش این کشور و این نظام متعلق به شما است. شما خواهید توانست کشورتان و ملت تان را به اوج افتخار برسانید؛ شما به توفیق الهی خواهید توانست الگو و نمونه‌ی کاملِ تمدنِ نوینِ اسلامی را در این آب و خاک تشکیل بدهید.[۴۵۰]

الگو قرار دادن ائمه در زندگی

من به بسیجیان عزیز فعال این کشور علوی و فاطمی، عرض می کنم؛ امیرالمؤمنین علیه الصّلاه والسلام را الگوی خودتان قرار دهید که بهترین و بزرگ ترین الگو برای بسیجیان مسلمان در همه عالم، علی ابن ابیطالب علیه السلام است.[۴۵۱]

و. تناسب هویت بسیج با هویت محرم و عاشورا

۴۴۸– بیانات در دیدار اقشار نمونه‌ی بسیج سراسر کشور ۱۳۹۰/۹/۶
۴۴۹ – بیانات در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۶
۴۵۰– بیانات در دیدار پنجاه‌هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصلّای امام خمینی ره (۱۳۹۲/۸/۲۹
۴۵۱ – از بیانات در دیدار با مداحان به مناسبت ولادت حضرت زهرا (س) ۱۳۷۳/۹/۳

الف. فداکاری و شهادت

تناسبی میان هویت و حقیقت بسیج با هویت محرم و عاشورا وجود دارد. بسیج افتخار دارد که پیرو مکتب عاشوراست. البته عاشورا اوج فداکاری و ایثار است. همه‌ی تاریخ، همه‌ی عالم، مساله‌ی عاشورا و حسین‌بن‌علی (علیه‌السّلام) و اصحاب وفادار او را با این خصوصیت شناخته‌اند؛ فداکاری، ایثار در راه خدا و در راه تحقق اهداف الهی، لیکن مساله‌ی عاشورا فقط این نیست؛ بله برجسته‌ترین و نمایان ترین خصوصیت عاشورا، همین فداکاری و شهادت است.[۴۵۲]

ب.معرفت و بصیرت

در ماجرای عاشورا حقایق دیگری هم وجود دارد. از آغاز حرکت از مدینه، بذر معرفت پاشیده شد – این یکی از خصوصیات حادثه‌ی عاشوراست – بذر بصیرت پاشیده شد. اگر مردمی، امتی از بصیرت برخوردار نباشند؛ حقایق گوناگون، کار آن ها را اصلاح نخواهد کرد؛ گره از مشکلات آن ها گشوده نخواهد شد. بنابراین اخلاص، موقع‌شناسی، پاشیدن بذر یک حرکت فزاینده‌ی تاریخی، از خصوصیات مهم عاشوراست. ماجرا فقط در ظهر عاشورا تمام نشد؛ ... بسیج، همین راه است؛ همین حرکت است؛ همین هدفهاست؛ همین ابزارها و وسیله‌هاست.[۴۵۳]

برجستگی های شخصیت امام حسین (ع)

الف. اخلاص

برجستگی وجود اباعبداللّه علیه‌السّلام، دارای ابعاد است؛ که هر کدام از این ابعاد هم بحث و توضیح و تبیین فراوانی به دنبال دارد؛ ولی اگر دو، سه صفت برجسته را در میان همه این برجستگی ها اسم بیاوریم؛ یکی از آن ها «اخلاص» است؛ یعنی رعایت کردن وظیفه خدایی و دخالت ندادن منافع شخصی و گروهی و انگیزه‌های مادی در کار. [۴۵۴]

ب. اعتماد به خدا

صفت برجسته دیگر «اعتماد به خدا» است. ظواهر حکم می کرد که این شعله در صحرای کربلا خاموش خواهد شد. ... ولی اعتماد به خدا حکم می کرد که علی‌رغم این ظواهر، یقین کند که حرف حق و سخن درست او غالب خواهد شد. اصل قضیه هم این است که نیت و هدف انسان تحقق پیدا کند. اگر هدف تحقق پیدا کرد؛ برای انسانِ با اخلاص، شخصِ خود او که مهم نیست. [۴۵۵]

۴۵۲– بیانات در دیدار اقشار نمونه‌ی بسیج سراسر کشور ۱۳۹۰/۹/۶
۴۵۳– همان
۴۵۴ – بیانات در دیدار جمعی از پاسداران و بسیجیان ۱۳۷۷/۹/۲
۴۵۵ – همان

ج. شناختن موقع

خصوصیت سوم، شناختن «موقع» است. امام حسین علیه‌السّلام در فهم «موقع» اشتباه نکرد. ... موقع را شناخت و آن را از دست نداد. این سه خصوصیت، تعیین کننده است. در تمام ادوار نیز همین طور است؛ در انقلاب نیز همین‌گونه بود. امام ما هم که می بینید این‌قدر خدای متعال او را به مقام رفیع رساند – و رفعناه مکانا علیّا– و علی‌رغم همه عوامل در سرتاسر دنیای مادیت و استکبار که می خواستند او را محو کنند؛ به فراموشی دهند و کوچک کنند؛ او را حفظ و بزرگ کرد و ماندگار و جاودان نمود؛ علت همین بود که این سه خصوصیت را داشت: اولاً با اخلاص بود و برای خود چیزی نمی خواست؛ ثانیاً به خدای خود اعتماد داشت و می دانست که کار و هدف، تحقق پیدا خواهد کرد – به بندگان خدا هم اعتماد داشت – ثالثاً زمان و «موقع» را از دست نداد. در لحظه لازم، اقدام لازم، صحبت لازم، اشاره لازم و حرکت لازم را کرد.[۴۵۶]

درس و عبرت گرفتن از حادثه عاشورا

پیام ها و درس های عاشورا

عاشورا پیام ها و درس هایی دارد. عاشورا درس می دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد. درس می دهد که در راه قرآن، از همه چیز باید گذشت. درس می دهد که در میدان نبرد حق و باطل، کوچک وبزرگ، زن ومرد، پیر و جوان، شریف و وضیع و امام و رعیت، با هم‌در یک صف قرار می گیرند. درس می دهد که جبهه دشمن با همه توانایی های ظاهری، بسیار آسیب پذیر است. همچنان که جبهه بنی امیه، به‌وسیله کاروان اسیران عاشورا، در کوفه آسیب دید؛ در شام آسیب دید، در مدینه آسیب دید و بالأخره هم این ماجرا، به فنای جبهه سفیانی منتهی شد. درس می دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی بصیرت ها فریب می خورند. بی بصیرت هادرجبهه باطل قرار می گیرند؛ بدون این‌که خود بدانند. همچنان که در جبهه ابن‌زیاد، کسانی بودند که از فسّاق و فجّار نبودند؛ ولی از بی بصیرت ها بودند. این ها درس های عاشوراست. البته همین درس ها کافی است که یک ملت را، از ذلت به عزت برساند. همین درس ها می تواند جبهه کفر و استکبار را شکست دهد؛ درس های زندگی سازی است.[۴۵۷]

ما امروز یک جامعه‌اسلامی هستیم. باید ببینیم آن جامعه‌اسلامی، چه آفتی پیدا کرد که کارش به یزید رسید؟ چه شد که بیست سال بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه‌الصّلاةوالسّلام، در همان شهری که او حکومت می کرد؛ سرهای پسرانش را بر نیزه کردند و در آن شهر گرداندند؟! کوفه یک نقطه بیگانه از دین نبود! کوفه همان جایی بود که امیرالمؤمنین علیه‌السّلام در بازارهای آن راه می رفت؛ تازیانه بر دوش می انداخت؛ مردم را امر به معروف و نهی از منکر می کرد؛ فریاد تلاوت قرآن در «آناءاللیل و اطراف النهار» ازآن مسجد و آن تشکیلات بلند

۴۵۶ – همان
۴۵۷ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۱۳۷۱/۴/۲۴

بود. این، همان شهر بود که پس از گذشت سال هایی نه چندان طولانی در بازارش دختران و حرم امیرالمؤمنین علیه‌السّلام را، با اسارت می گرداندند. در ظرف بیست سال چه شد که به آنجا رسیدند؟ اگر بیماریی وجود دارد که می تواند جامعه‌ای را که در رأسش کسانی مثل پیغمبراسلام و امیرالمؤمنین علیهما السّلام بوده‌اند؛ در ظرف چند ده سال به آن وضعیت برساند؛ این بیماری، بیماری خطرناکی است و ما هم باید از آن بترسیم. امام بزرگوارما، اگر خودرا شاگردی از شاگردان پیغمبر اکرم صلوات‌الله و سلامه علیه محسوب می کرد؛ سر فخر به آسمان می ساود. امام، افتخارش به این بود که بتواند احکام پیغمبر را درک، عملَ و تبلیغ کند. امام ما کجا، پیغمبر کجا؟! آن جامعه را پیغمبر ساخته بود و بعد از چند سال به آن وضع دچار شد. این جامعه ما خیلی باید مواظب باشد که به آن بیماری دچار نشود. عبرت، اینجاست! ما باید آن بیماری را بشناسیم؛ آن را یک خطر بزرگ بدانیم و از آن اجتناب کنیم. به‌نظر من این پیام عاشورا، از درس ها و پیام های دیگر عاشورا برای ما امروز فوری تر است. ما باید بفهمیم چه بلایی بر سر آن جامعه آمد که حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام، آقازاده اولِ دنیای اسلام و پسر خلیفه مسلمین، پسر علی بن ابیطالب علیه‌الصّلاةوالسّلام، در همان شهریَ که پدر بزرگوارش بر مسند خلافت می نشست؛ سر بریده‌اش گردانده شد و آب از آب تکان نخورد! از همان شهر آدم هایی به کربلا آمدند؛ او و اصحاب او را با لب تشنه به شهادت رسانند و حرم امیرالمؤمنین علیه‌السّلام را به اسارت گرفتند![۴۵۸]

عبرت های عاشورا

جهت دوم «عبرت های عاشورا» ست. غیراز درس، عاشورا یک صحنه عبرت است. انسان باید به این صحنه نگاه کند؛ تا عبرت بگیرد؛ یعنی چه، عبرت بگیرد؟ یعنی خود رابا آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و در چه وضعیتی است؛ چه چیزی او را تهدید می کند؛ چه چیزی برای او لازم است؟ این را می گویند «عبرت». شما اگر از جاده‌ای عبور کردید و اتومبیلی را دیدید که واژگون شده یا تصادف کرده و آسیب دیده؛ مچاله شده و سرنشینانش نابود شده‌اند؛ می ایستید و نگاه می کنید؛ برای این‌که عبرت بگیرید. معلوم شود که چطور سرعتی، چطور حرکتی و چگونه رانندگی، به این وضعیت منتهی می شود. این هم‌نوع دیگری از درس است؛ اما درس از راه عبرت گیری است. این را قدری بررسی کنیم.[۴۵۹]

اولین عبرتی که در قضیه عاشورا ما را به خِود متوجه می کند؛ این است که ببینیم چه شد که پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر صلوات‌الله و سلامه علیه، جامعه اسلامی به آن حدی رسید که کسی مثل امام حسین علیه‌السّلام، ناچار شد برای نجات جامعه اسلامی، چنین فداکاری بکند؟ این فداکاری حسین بن علی علیه‌السّلام، یک وقت بعد از هزار سال از صدراسلام است؛ یک وقت درقلب کشورها و ملت های مخالف و معاند بااسلام است؛ این یک حرفی است؛ اما حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام، در مرکزاسلام، در مدینه و مکه – مرکز وحی نبوی – وضعیتی دید

۴۵۸ – همان
۴۵۹ – همان

که هر چه نگاه کرد چاره‌ای جز فداکاری نداشت؛ آن هم چنین فداکاری خونین با عظمتی! مگر چه وضعی بود که حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام، احساس کرد که اسلام فقط با فداکاری او زنده خواهد ماند؛ والّا از دست رفته است؟! عبرت اینجاست. روزگاری رهبر و پیغمبر جامعه اسلامی، از همان مکه و مدینه پرچم ها را می بست، به دست مسلمان ها می داد و آن ها تا اقصی نقاط جزیرةالعرب و تا مرزهای شام می رفتند؛ امپراتوری روم را تهدید می کردند؛ آن ها از مقابلشان می گریختند و و لشکریان اسلام پیروزمندانه برمی گشتند؛ که در این خصوص می توان به ماجرای «تبوک» اشاره کرد. روزگاری در مسجد و معبر جامعه اسلامی، صوت و تلاوت قرآن بلند بود و پیغمبر با آن لحن و آن نَفَس، آیات خدا را بر مردم می خواند و مردم را موعظه می کرد وآن ها را در جاده هدایت با سرعت پیش می‌برد. ولی چه شد که همین جامعه، همین کشور و همین شهرها، کارشان به جایی رسد و آن‌قدر از اسلام دور شدند که کسی مثل یزید برآن ها حکومت می کرد؟! وضعی پیش آمد که کسی مثل حسین بن‌علی علیه‌السّلام، دید که چاره‌ای جزاین فداکاری عظیم ندارد! این فداکاری، در تاریخ بی‌نظیراست. چه شد که به چنین مرحله‌ای رسیدند؟ این، آن عبرت است. ما باید این را امروز مورد توجه دقیق قرار دهیم.[۴۶۰]

عوامل اصلی گمراهی و انحراف عمومی در عصر امام حسین (ع)

من یک آیه از قرآن را در پاسخ به این سؤال مطرح می کنم؛ قرآن جواب ما را داده است. قرآن، آن درد را به مسلمین معرفی می کند. آن آیه این است که می فرماید: «فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصّلاة واتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیّا.» دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دورشدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است. فراموش کردن خدا و معنویت، حساب معنویت را از زندگی جدا کردن و توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب از خدای متعال و توکل به خدا و محاسبات خدایی را از زندگی کنار گذاشتن. دوم «واتّبعوا الشهوات»؛ دنبال شهوت‌رانی ها رفتن؛ دنبال هوس ها رفتن و در یک جمله: دنیاطلبی؛ به فکر جمع‌آوری ثروت، جمع‌آوری مال و التذاذ به شهوات دنیا افتادن. این ها را اصل دانستن و آرمان ها را فراموش کردن. این، درد اساسی وبزرگ است. ما هم ممکن است به این درد دچار شویم. اگر در جامعه‌اسلامی، آن حالت آرمانخواهی از بین برود یا ضعیف شود؛ هر کس به فکراین باشد که کلاهش را از معرکه در ببرد و از دیگران در دنیا عقب نیفتد؛ این‌که «دیگری جمع کرده است؛ ما هم برویم جمع کنیم و خلاصه خود و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح دهیم»، معلوم است که به این درد دچار خواهیم شد.[۴۶۱]

پایه های برپایی نظام اسلامی

نظام اسلامی، با ایمان ها، با همت های بلند، با مطرح شدن آرمان ها و با اهمیت دادن و زنده نگه‌داشتن شعارها به وجود می‌آید و حفظ می شود و پیش می رود. شعارها را کم رنگ کردن؛ اصول اسلام وانقلاب را مورد بی اعتنایی قراردادن و همه چیز را با محاسبات مادی مطرح کردن

۴۶۰ – همان
۴۶۱ – همان

و فهمیدن؛ جامعه رابه آنجا خواهد برد که به چنان وضعی برسد؛ آن ها به آن وضع دچار شدند.[۴۶۲]

روزگاری برای مسلمین، پیشرفت اسلام مطرح بود؛ رضای خدا مطرح بود؛ تعلیم دین و معارف اسلامی مطرح بود؛ آشنایی با قرآن و معارف قرآن مطرح بود؛ دستگاه حکومت، دستگاه اداره کشور، دستگاه زهد و تقوا وبی اعتنایی به زخارف دنیا و شهوات شخصی بود و نتیجه‌اش آن حرکت عظیمی شد که مردم به سمت خدا کردند. در چنان وضعیتی، شخصیتی مثل علی بن ابیطالب علیه‌السّلام، خلیفه شد. کسی مثل حسین بن علی علیه‌السّلام شخصیت برجسته شد. معیارها در این ها، بیش از همه هست. وقتی معیار خدا باشد؛ تقوا باشد؛ بی اعتنایی به دنیا باشد؛ مجاهدت در راه خداباشد؛ آدم هایی که‌این معیارها را دارند؛ در صحنه عمل می آیند و سر رشته کارها رابه دست می گیرند و جامعه، جامعه‌اسلامی می شود. [۴۶۳]

پیامدهای تغییر معیارها و ارزش ها

وقتی که معیارهای خدایی عوض شود؛ هر کس که دنیا طلب‌تراست؛ هر کس که شهوترانتراست؛ هر کس که برای به دست آوردن منافع شخصی زرنگتراست؛ هر کس که با صدق و راستی بیگانه‌تر است؛ بر سر کار می‌آید. آن وقت نتیجه این می شود که امثال عمربن‌سعد و شمر و عبیدالله‌بن‌زیاد به ریاست می رسند و کسی مثل حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام، به مذبح می رود و در کربلا به شهادت می رسد! این، یک حساب دو دو تا چهارتاست. باید کسانی که دلسوزند؛ نگذارند معیارهای الهی در جامعه عوض شود. اگر معیار تقوا در جامعه عوض شد؛ معلوم است که انسان با تقوایی مثل حسین بن علی علیه‌السّلام، باید خونش ریخته شود. اگر زرنگی و دست و پاداری در کار دنیا و پشت هم اندازی و دروغگویی و بی اعتنایی به ارزش های اسلامی ملاک قرار گرفت؛ معلوم‌است که کسی مثل یزید باید در رأس کار قرار گیرد و کسی مثل عبیدالله، شخص اول کشور عراق شود. همه کار اسلام این بود که این معیارهای باطل را عوض کند. همه کار انقلاب ما هم این بود که در مقابل معیارهای باطل و غلط مادیِ جهانی بایستد و آن ها را عوض کند.[۴۶۴]

دنیای امروز، دنیای دروغ، دنیای زور، دنیای شهوت‌رانی و دنیای ترجیح ارزش های مادی برارزش های معنوی است. این دنیاست! ...این انقلاب آمد تا این بساط جهانی را، این ترتیب غلط جهانی را بشکند و ترتیب جدیدی درست کند. اگر آن ترتیب مادیِ جهانی باشد؛ معلوم است که شهوتران هایِ فاسد رو سیاه و گمراهی مثل محمّدرضا باید در رأس کار باشند و انسان با فضیلتِ منوریِ مثل امام باید در زندان یا درتبعید باشد! در چنان وضعیتی، جای امام در جامعه نیست. وقتی زور حاکم است؛ وقتی فساد حاکم است؛ وقتی دروغ حاکم است و وقتی بی فضیلتی حاکم است؛ کسی که دارای فضیلت است؛ دارای صدق است؛ دارای نور است؛ دارای عرفان است و دارای توجه به خداست؛ جایش در زندان ها یا در مقتل ومذبح یا در گودال قتلگاه هاست. وقتی مثل امامی برسرکارآمد؛ یعنی ورق برگشت؛ شهوت‌رانی و دنیاطلبی به انزوا

۴۶۲ – همان
۴۶۳ – همان
۴۶۴ – همان

رفت؛ وابستگی و فساد به انزوا رفت؛ تقوی بالای کار آمد؛ زهد روی کار آمد؛ صفا و نورانیت آمد؛ جهاد آمد؛ دلسوزی برای انسان ها آمد؛ رحم و مروت و برادری و ایثار و از خودگذشتگی آمد. امام که بر سر کار می‌آید؛ یعنی این خصلت ها می‌آید؛ یعنی این فضیلت ها می‌آید؛ یعنی این ارزش ها مطرح می شود. اگراین ارزش ها را نگه داشتید؛ نظام امامت باقی می ماند. آن وقت امثال حسین‌بن‌علی علیه‌الصّلاة والسّلام، دیگربه مذبح برده نمی شوند؛ اما اگر این ها را از دست دادیم چه؟ اگر روحیه بسیجی را ازدست دادیم چه؟ اگربه جای توجه به تکلیف و وظیفه وآرمان الهی، به فکر تجملات شخصی خودمان افتادیم چه؟ اگر جوان بسیجی را، جوان مؤمن را، جوان با اخلاص را – که هیچ چیزنمی خواهد جز این‌که میدانی باشد که در راه خدا مجاهدت کند – درانزوا انداختیم و آن آدم‌پرروی افزون‌خواه پرتوقع بی صفای بی معنویت را مسلط کردیم چه؟ آن وقت همه چیز دگرگون خواهد شد. اگر در صدر اسلام فاصله بین رحلت نبیّ‌اکرم صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه و شهادت جگرگوشه‌اش پنجاه سال شد؛ در روزگار ما، این فاصله، خیلی کوتاه تر ممکن است بشود و زودتر از این حرف ها، فضیلت ها و صاحبان فضایل ما به مذبح بروند. باید نگذاریم؛ باید در مقابل انحرافی که‌ممکن است دشمن بر ما تحمیل کند؛ بایستیم. پس، عبرت‌گیری از عاشورا این است که نگذاریم روح انقلاب در جامعه منزوی و فرزند انقلاب گوشه‌گیر شود.[۴۶۵]

ز. فرهنگ و تفکر بسیجی

بسیج، یک اندیشه و منظومه‌ی فکری

آنچه به‌نظر این حقیر، کمتر به آن پرداخته شده است و باید پرداخته بشود؛ مساله‌ی عقبه‌ی فکری و پشتوانه‌ی فکری بسیج است. بسیج یک اندیشه است؛ یک فکر است؛ یک منطق است؛ یک منظومه‌ی فکری است. علت این هم که همه می‌بینند که تحصیل‌کرده، نخبه، نابغه، از رشته‌های مختلف مجذوب بسیج می شوند؛ این است که بسیج صرفاً یک حرکت احساسی نیست؛ یک منطق قوی پشت سر بسیج وجود دارد؛ این منطق، این علم، وقتی با عمل همراه می شود؛ این غوغا را درست می کند؛ این حوادث شگفت‌آور را خلق می کند.[۴۶۶]

پایه‌های تفکر بسیج

الف. اعتقاد به مسئولیت انسان

پایه‌ی این تفکر (بسیج) چیست؟ ... پایه‌ی این تفکر، اعتقاد به مسئولیت انسان است؛ مسئولیت انسان؛ انسان موجودی است مسئول؛ نقطه‌ی مقابل این فکر، حالت احساس بی‌مسئولیتی، «ولش کن»، «برو خوش باش»، «به خودت بپرداز» است. پایه‌ی فکری بسیج این مسئولیت

۴۶۵ – همان
۴۶۶ – بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶

الهی است که حالا عرض می کنم مبانی دینی مستحکمی دارد. نه فقط مسئولیت در برابر خود و در برابر خانواده‌ی خود و نزدیکان خود – که این هست – بلکه مسئولیت در قبال حوادث زندگی، در قبال سرنوشت جهان، سرنوشت کشور و سرنوشت جامعه، چه مسلمان، چه غیر مسلمان. این احساس مسئولیت فقط نسبت به انسان های هم‌عقیده و مسلِم و مؤمن نیست بلکه حتی نسبت به غیر مسلمین و غیر مؤمنین هم احساس مسئولیت می کند. نقطه‌ی مقابل همان دَم‌غنیمتی، ولش کن و حالت تنبلی و حالت گریز از مسئولیت و مانند این ها است. پایه‌ی اصلی بسیج، این احساس مسئولیت است. این تفکر مسئولیت انسان، جزو بینات اسلام است. یعنی هیچ‌کس نمی تواند در این تردید بکند که اسلام، انسان را اینجور موجودی می داند: موجودی که مسئول است؛ کار از او خواسته شده است. شما ملاحظه کنید احکام گوناگون را: مثلاً حکم امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر. امر به معروف یعنی شما همه مسئولید که معروف را، نیکی را گسترش بدهید؛ امر کنید به آن، نهی از منکر [یعنی] زشتی را، بدی را، پلشتی را نهی کنید؛ جلوی آن را بگیرید با شیوه‌های مختلف. معنای این چیست؟ معنای این، مسئولیت در قبال سلامت عمومی جامعه است. همه مسئولند: من مسئولم، شما مسئولی، آن یکی مسئول است؛ یا مساله جهاد... که حالا اگر بروید دنبال این فکر را در متون اسلامی بگیرید؛ چیزهای عجیب‌وغریبی انسان مشاهده می کند از این اهتمام و از این احساس مسئولیت... پایه‌ی اصلیِ حرکت بسیج این است: احساس مسئولیت الهی.[۴۶۷]

ب. بصیرت

دومین پایه (تفکر بسیج)...که مکمل پایه‌ی اول است؛ عبارت است از بصیرت، روشن‌بینی؛ یعنی چه؟ یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد؛ این شناخت‌ها، بصیرت است. همیشه با یک سلاح نمی شود مبارزه کرد. در همه‌ی میدان ها با یک سلاح نمی شود رفت. کدام سلاح را به کار بیندازیم؟ دشمن کجا است؟ بارها من عرض کرده‌ام اینهایی که بصیرت ندارند – مثل این بیچاره‌هایی که در فتنه گرفتار شدند – مثل کسانی‌اند که در تاریکی شب، در مه غلیظ، در غبار می خواهند مخالفی را، دشمنی را بزنند؛ خوب نمی داند دشمن کجا است؛ یکی از اولین شرایط جنگ های نظامی، اطلاعات است؛ بروید اطلاع کسب کنید و ببینید دشمن کجا است. اگر بدون اطلاع رفتید؛ شما ممکن است جایی را بزنید که دوست آنجا است؛ کسی را بزنید که با شما دشمن نیست و به دشمن کمک کنید؛ گاهی اینجوری می شود. اگر بصیرت نبود، می شود این که فرمود: العالِمُ بِزَمانِهِ لا تَهجُمُ عَلَیهِ اللَّوابِس؛ شبهات و نادانی‌ها و نفهمی‌ها به کسی که عالم به زمان خود است؛ هجوم نمی‌آورند؛ می فهمد چه‌کار باید بکند. اگر این نبود؛ مشکل به‌وجود خواهد آمد؛ حتی اگر آن احساس مسئولیت هم باشد. بعضی‌ها احساس مسئولیت داشتند در دوران مبارزات اما نمی فهمیدند این را کجا خرج کنند؛ جایی خرج می کردند که به ضرر حرکت عظیم مبارزاتیِ امام بزرگوار بود؛ بعد از انقلاب هم

۴۶۷ – همان

همینجور تا امروز هم همینجور است. بعضی‌ها احساس دارند؛ احساس مسئولیت می کنند؛ انگیزه دارند اما این انگیزه را غلط خرج می کنند؛ بد جایی خرج می کنند؛ اسلحه را به آنجایی که باید، نشانه نمی گیرند؛ این بر اثر بی‌بصیرتی است. حالا ما چند سال پیش در قضیه‌ی فتنه گفتیم بصیرت؛ بعضی دهن‌کجی کردند که بصیرت! بله بصیرت، بصیرت که نبود؛ هرچه که مسئولیت و انگیزه بیشتر باشد؛ احساس بیشتر باشد؛ خطر بیشتر است؛ اطمینانی دیگر نیست به این آدم بی‌بصیرت و بدون روشن‌بینی که دوست را نمی‌شناسد؛ دشمن را نمی‌شناسد و نمی فهمد کجا باید این احساس را، این نیرو را، این انگیزه را خرج کند. این پس شد رکن دوم که بسیار بسیار لازم است. اگر این رکن دوم نباشد؛ امر به معروفش هم اشتباهی درمی‌آید؛ جهادش هم اشتباهی درمی‌آید؛ امرِ مورد اهتمامش هم دچار خطا می شود و به کج‌راهه می‌افتد.[۴۶۸]

پایه‌ی فکری در درجه‌ی اول، آن احساس مسئولیت است؛ که این عقبه‌ی فکری بسیار مستحکمی است برای شما که می خواهید در عرصه‌ی بسیج حرکت بکنید و شرط لَازم که پایه‌ی دوم محسوب می شود، بصیرت است؛ از این دو چیز یک لحظه نباید غفلت کرد. آن احساس مسئولیت – یعنی برای خدا، صَبراً وَ احتساباً؛ پروردگارا، من این کشف علمی را می کنم؛ این مطالعه را می کنم؛ این کار هنری را خلَق می کنم؛ این مبارزه را می کنم؛ این عمل اقتصادی را انجام می دهم؛ این کمک را به زید می کنم؛ این مبارزه را با عَمرو می کنم؛ برای تو، چون از من مسئولیت خواسته‌ای – این احساس مسئولیت و احساس تعهد الهی، بعد هم آگاهی: بدانیم کجا هستیم؛ جای ما کجا است؛ جای دشمن کجا است؛ دشمن کیست؛ با دشمن با چه سلاحی باید مبارزه کرد. این هم رکن دوم؛ با این نگاه، هم دایره‌ی بسیجیان مشخص می شود، هم عرصه‌های فعالیت بسیج روشن می شود.[۴۶۹]

صدور تفکر بسیجی

خوب این تفکر که تفکر بسیجی است و امام بزرگوار ما این را در ایران اسلامی خلق کرد؛ این صادر شده. بارها گفتیم؛ مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مثل عطر گل های بهاری است؛ هیچ کسی نمی تواند جلوی آن را بگیرد؛ پخش می شود، همه‌جا می رود؛ نسیم روح‌افزا و روان‌بخشی است که همه‌جا را به خودی خود می گیرد؛ حالا جنجال کنند؛ دادوبیداد کنند؛ رفته، صادر شده و الان شما در کشورهای گوناگونی ملاحظه کنید؛ این تفکر در لبنان دارد فعالیت می کند، در عراق دارد فعالیت می کند؛ جوان های عراقی حرکت کردند همراه ارتششان شدند؛ توانستند این پیروزی‌ها را به دست بیاورند؛ در سوریه همین جور، در غزه همین جور، در فلسطین همینجور، در یمن همین جور، انشاءالله در قدس شریف و برای نجاتِ الاقصی هم همین جور.[۴۷۰]

شکست ناپذیری جمهوری اسلامی، نتیجه تفکر بسیجی

آنهایی که نظام اسلامی و جمهوری اسلامی را تهدید می کنند که ما چنین می کنیم؛ چنان می

۴۶۸ – همان
۴۶۹ – همان
۴۷۰ – همان

کنیم بدانند: جمهوری اسلامی به برکت تفکر بسیجی و عمل و حرکت بسیجی شکست ناپذیر است. هر فرد ایرانی بالقوّه یک بسیجی است، مگر عده‌ی معدودی که یا دچار خودپرستی‌اند یا دچار شهوت‌پرستی‌اند یا دچار پول‌پرستی‌اند یا دستشان زیر سنگ دشمن است؛ آن ها را می گذاریم کنار، معدودند، زیاد نیستند. اکثریت قاطع ملت ایران بالقوّه بسیجی‌اند؛ دلیل شکست‌ناپذیری نظام جمهوری اسلامی این است.[۴۷۱]

تعمیق تفکر اسلامی و تفکر بسیجی

من به شما برادران و خواهران عزیز – که فرزندان من هستید – مؤکداً توصیه می کنم که به عمق‌ها توجه کنید و آن را بطلبید؛ از ظواهر هم دست نکشید. این خطاست که کسی خیال یا توهم کند که باید باطن را درست کرد؛ ظاهر مهم نیست؛ نخیر، همین ظاهر، انسان را به وادی های گوناگونی می کشاند. ظاهر دینی، ظاهر اسلامی، پایبندی به تعبد دینی، همین مجالس دعا، همین مجالس توسل به ائمه (علیهم‌السّلام) لازم است؛ منتهی همه‌ی این ها را با دانایی همراه کنید. در مجلس روضه‌خوانی و سینه‌زنیِ بسیج وقتی شعر خوانده می شود، باید با معنا، با مضمون، جهتدار و همراه با درس باشد. وقتیَ در آنجا سخنرانی می شود، باید در جهت تعمیق فکر و اندیشه باشد. وقتی نماز جماعت می خوانید؛ نماز شما باید همراه با توجه به پروردگار و خشوع در مقابل او باشد. وقتی اعتکاف می کنید؛ وقتی روزه می گیرید، وقتی اجتماعات مذهبی تشکیل می دهید؛ باید همراه با توجه به خدای متعال و همراه با اخلاص باشد. کلید موفقیت اینهاست. اگر این نباشد، همان چیزی بر سر انسان خواهد آمد که دیدید بر سر عده‌یی آمد. عده‌ای در اول انقلاب خیلی تند و داغ و پُرشور بودند؛ اما متأسفانه فکر دینی آنها عمق نداشت؛ با اولین باد سردی که از طرف تبلیغات دشمنان آمد؛ برگ و بار انقلابیشان ریخت و جوشش انقلابیشان تمام شد! بعضی ها صدوهشتاد درجه این طرف غلتیدند. من یک وقت به یکی از این آقایان گفتم که شماها اوایل انقلاب در زمینه‌ی مسائل اقتصادی چپ چپ بودید و ما از تندروی های چپگرایی شما را منع می کردیم؛ اما الان شما رفته‌اید منتهاالیه جهت مقابل و شده‌اید راستِ راست! ما همانجایی که قبلاً بودیم، ایستاده‌ایم و باز شما را از تندروی های راست‌گرایانه منع مَی کنیم! این به‌خاطرِ نداشتن عمق است؛ به این دلیل است که ریشه‌ی اعتقادی و فکری وجود ندارد...کسی که ریشَه‌ی اعتقادی دارد؛ براساس اعتقادش حرکت می کند و در میدان‌های گوناگون می‌ایستد. اگر جبهه است؛ می رود شهید یا جانباز می شود و با رنج دائم بدنی و با ملامت‌ها می سازد. اگر هم از جبهه برمی گردد، ایمان خود را در میان تندبادهای گونَاگون حفظ می کند؛ این آدمِ عمیق است. ما از این‌گونه آدم های متکی به عمق هم کم نداریم. بعضی هم نه متکی به عمقَ نبودند؛ بنابراین باید به تفکر اسلامی و تفکر بسیجی عمق داد.[۴۷۲]

پایبندی به اصول و تفکرات انقلابیِ اصیل

منطق ما قوی است. ما از لحاظ منطق در مقابل هیچ‌کس کم نمی آوریم؛ دیگران در مقابل

---

۴۷۱ – همان

۴۷۲ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی. ۱۳۸۴/۳/۵

ما کم می‌آورند. واقعیت‌های جامعه هم صحت آن منطق را نشان داده است. با این‌که در طول سالهای متمادی خرابکاری شده؛ جنگ و موانع بیرونی بوده؛ نفوذ آدم های ناباب در دستگاه‌ها بوده؛ بی همتی و بی حالیِ بعضی ها بوده؛ در عین حال هرجا ما با همان اصول و تفکرات انقلابیِ اصیل جلو رفته‌ایم، واقعاً پیش رفته‌ایم؛ نمونه‌هایش همین پیشرفت‌های صنعتی و علمی و گشایَش‌های گوناگونی است که در کارها به‌وجود آمده. هرجا کار برجسته‌ای شد؛ انسان وقتی رفت؛ دید یک عنصر مؤمن در آنجا مسؤولیت تعیین‌کننده‌ای دارد؛ این را بنده در جاهای مختلف به تجربه مشاهده کرده‌ام. هرجا کارها لنگ است؛ به‌خاطر این است که در آن از این بی ایمانی ها و بی ریشه‌یی ها که منجر به نفع‌طلبی و فساد و تبعیض و رفیق‌بازی و امثال این ها می شود؛ وجود دارد. بنابراین در میدان عمل هم ما این فکر را آزموده‌ایم.[۴۷۳]

رمز بقای معارف و اندیشه‌ی شیعه در طول تاریخ

الف. سلامت و اصالتِ اندیشه

عزیزان من! تاریخ اسلام یک مجموعه‌ی تلخی و شیرینی و فراز و نشیب و دشواری ها و ناهمواری هاست. اگر کسی این تاریخ را ملاحظه کرده باشد؛ خواهد دید که بقای اندیشه‌ی شیعی، فکر شیعی، فقه شیعی، فلسفه شیعه و معارف شیعی، خودش یک معجزه است. یعنی در لابلای سنگلاخ های سخت، خارهای درهم پیچیده و درهم تنیده و راههای گوناگون و پیچ‌درپیچ با نگهبانان سنگدلِ پایه‌های قدرت های سیاسی نابحق و ظالم و غاصب، یک جریان آب زلالِ گوارای سالمی از مَبدأ سرچشمه‌ی اسلام جاری شده است؛ از همه‌ی این موانع عبور کرده است؛ این فاصله‌ی ژرف را درنوردیده است و روزبه‌روز، هم خالص تر، هم وسیع تر، هم برجسته‌تر و هم متعالی تر شده است. این ها گزافه نیست؛ این ها واقعیت است.

فقه شیعه، فلسفه‌ی شیعه، کلام شیعی و معارف شیعی، در طول زمان، در میان تحریف ها، در میان شبهه‌افکنی ها، در میان بافندگی های شبه علمی، آن هم همراه با پشتوانه‌ی سیاسی ظالمانه، پشتوانه‌ی پول های بیت‌المال که در خدمت اهداف مغرضانه قرار می گرفته؛ توانسته است خود را، هم سالم نگه دارد؛ هم تکامل ببخشد؛ هم توسعه ببخشد و دل ها و ذهن های میلیون ها انسان را در اقطارِ عالم – نه فقط در ایران – مقهور عظمت و استحکام خود قرار دهد. این ناشی از چیست؟ یقیناً سلامت و اصالتِ این فکر، بیشترین تأثیر را دارد.[۴۷۴]

ب. عواطف صحیح برخاسته از معرفت درست

اما جاهایی هست که قدرت علمی به تنهایی کافی نیست؛ یک چیز دیگر لازم است؛ آن چیزی که پشتوانه‌ی ایمان های خالص هم همان است و آن، عواطف صحیح برخاسته از معرفت درست است. این محبت ائمه، این محبت اهل بیت – همین چیزی که در قرآن هم روی آن تکیه شده؛ «الّا المودّة فی القربی» این تمسک به سخنان اهل بیت و راهنمایی های آن ها

۴۷۳ – همان
۴۷۴ – بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۹/۶/۱۰

و انگشت راهگشای اشاره‌ی آن ها در همه‌ی مسائل، آن عامل مهمی است که توانسته این اندیشه‌ی سالم و مستحکم را از گزندها محفوظ نگه دارد. عالمان و متفکرانی که مقهور پول و زور و قدرت و شهوت و بقیه‌ی لغزشگاه ها شدند؛ کم نیستند. آن عاملی که می تواند عالم و عامی را از این لغزشگاه ها دور نگه دارد؛ همین جوشش ایمان آمیخته‌ی با عواطف است. این را شیعه حفظ کرده است.[۴۷۵]

بوستان تفکر معنوی انقلاب

بوستان تفکر معنوی انقلاب که از آن، گل های عواطف و احساسات و اراده و تصمیم می‌روید و بر اثر این اراده و تصمیم و آن ایمان و احساس، انقلاب ها پیروز می‌شود، جنگ ها – جنگ هشت ساله – به پیروزی می‌رسد و توطئه‌های دشمنان ناکام می‌ماند، یک بوستان همیشه بهار است که خزان ندارد! آن کس که از خزان سخن می‌گوید؛ خودش دچار پژمردگی و افسردگی است؛ خودش خزان‌زده است و می‌خواهد به پای انقلاب بنویسد![۴۷۶]

مبانی تفکرات انقلاب

تفکراتی که این انقلاب را به وجود آورد (تفکر اسلام ناب) این عواطف و احساساتی که این بساط عظیم را چید و این توفان عظیم را در دنیای سیاست و انسانیت به وجود آورد؛ بوستان همیشه بهار است؛ یعنی همیشه گل می‌دهد؛ همیشه هم میوه می‌دهد و خزان ندارد. کسی سخن از خزان می‌گوید که خودش به دلیلی خزان زده است؛ اشکالی در خود اوست! ... نکته‌ی اصلی در این تفکر و مبنایی که این خصوصیات را دارد – که این‌گونه انسان های برجسته و بزرگ و فداکار می‌سازد – چیست و چرا این‌طور است؟ ... این بحث، یکی از آن بحث هایی است که نسل جوان مؤمن، لازم است بیشتر با آن آشنا شود؛ بر آن تعمق کند و اطراف آن را با ذهن و فکر جوّال خود بسنجد. این ها به عنوان ابزارهای فرهنگی، پشتوانه‌ی اساسی فکر و اندیشه‌ی انقلاب هستند که مثل پولاد، مثل بتون‌آرمه، بایستی پایه‌های این انقلاب را محکم نگهدارند.[۴۷۷]

ویژگی تفکر انقلاب

حرف اول این‌که مگر خصوصیت این فکر و این مکتب، چیست؟ خیلی ساده است؛ خصوصیتش، ایمان به غیب است. ایمان به غیب، یعنی فراتر از خوردن و خوابیدن و آشامیدن و لذت بردنِ روزمره – که یکی دارد؛ یکی ندارد؛ یک روز هست و یک روز نیست – بهترین و شیرین ترینِ آن هم دوران کوتاهی دارد که بالاخره یک روزی – هنگام مرگ، یا دوران پیری – همه به حسرت آن خواهند نشست! فراتر از این تمتعات و تلذذات مادی، جهان دیگری، گستره و میدان دیگری، تلذذ و تمتع و بازار دیگر و سود و سودای دیگری برای بشر وجود دارد.[۴۷۸]

---

۴۷۵ – همان
۴۷۶– بیانات در جمع رزمندگان و بسیجیان بندرعباس ۱۳۷۶/۱۱/۳۰
۴۷۷– همان
۴۷۸– همان

انسان، بزرگ تر از این عرض و طول محدود و این تمتعات کوچک و حقیر است. دروازه‌ای وجود دارد که همه‌ی انسان های تاریخ تا کنون از آن عبور کرده‌اند، جلو چشم ما هم هزار هزار عبور می‌کنند؛ من و شما هم عبور خواهیم کرد؛ دروازه‌ی اجل، برو بَرگرَد هم ندارد! ...کسی که گستره‌ی حیات را فراتر از مادیات می‌داند؛ آن وقت لذایذش فراتر از لذایذ حقیر، آرزوهایش بالاتر از آرزوهای فردی، همت ها بلندتر، تصمیم ها بلند مدت تر و محبوب ها و مطلوب ها بزرگترند؛ محدود به یک کار کوچک شخصی نمی‌شوند و زمان هم طولانی تر است. یعنی آن کسانی که – مثلاً – با رضاخان و محمدرضا، در همین دوران نزدیک به خودمان مبارزه می‌کردند و از دنیا رفتند؛ فکرشان باقی است؛ کمااین‌که فکر پیامبران باقی است. حضرت عیسی، یا حضرت موسی، یا بقیه‌ی پیامبران، چند سالی با مردم بودند؛ آن یکی به آسمان رفت و بقیه – اغلب – از دنیا رفتند؛ اما ماجرایشان تمام نشد. هر کسی که در دنیا آن فکر را بپذیرد و برای آن کار کند و موفقیتی کسب نماید؛ با وجود او صاحب آن فکر وجود دارد؛ با حیات او زنده و با موفقیت او پیروز است. وقتی در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی، انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، معنایش این است که نبّی مکرمِ اسلام و همه‌ی یاران و اصحابش و همه‌ی کسانی که وجودشان با نام مبارک «محمّدبن‌عبدالله» پیوند خورده بود؛ همه در این دوران زنده شدند! همه حضور دارند؛ چون فکر آن ها حضور دارد. ماورای ماده، این خصوصیت را دارد. عشق به چیزی که فراتر از چارچوب های حقیر مادی است؛ خصوصیتش این است که کهنه، پژمرده و تمام نمی‌شود. راز اصلی آن، ایمان به غیب است![۴۷۹]

با این‌که مسأله‌ی «ایمان به غیب»، مسأله‌ی سیاسی نیست؛ حتی در دوران سیاست و در ماجراهای سیاسی – در این نوزده سال بعد از پیروزی انقلاب تا به حال – بیشترین دشمنی با همین «ایمان به غیب» ملت ایران شده است! مسخره کردند؛ اشکال و خدشه کردند و به خیال خودشان خواستند پایه‌ی این «ایمان به غیب» را بزنند؛ اما ایمان است و ایمان در یک ملت، عمیق است. ایمان مذهبی و دینی، به این آسانی ها قابل تکان خوردن نیست. خودشان را خسته می‌کنند. ...انسان‌سازی، در ظل حکومت الهی است. اگر قدرت و حکومت و زمام جامعه در دست کسانی است که خودشان با همه‌ی وجود، به این راه اعتقاد دارند؛ آن وقت این کارخانه‌ی انسان‌سازی، کار خود را با تمام ظرفیت انجام می‌دهد – مثل دوران نبّی اکرم و دوران امیرالمؤمنین – ولی اگر حکومت، در دست بیگانگان، دست نامحرمان و دست کسانی باشد که اعتقادی در دل خودشان ندارند؛ آن وقت کار می‌کنند؛ ولی کم و ناقص! لذا اسلام، هزاروچهارصد سال در غربت می‌ماند؛ هزاروچهارصد سال در مظلومیت می‌ماند![۴۸۰]

ح. مفهوم شناسی فرهنگ بسیجی

مجموعه‌ی معرفت ها و روش ها و منش ها

فرهنگ بسیجی یعنی آن مجموعه‌ی معرفت ها و روش ها و منش هائی که می تواند

۴۷۹- همان
۴۸۰- همان

مجموعه‌های عظیمی را در ملت به وجود بیاورد که تضمین‌کننده‌ی حرکت مستقیم و پایدار اسلامی آن ملت باشند. این یک تفکر است؛ در ذهن هم نیست؛ در خارج و در عینیت وجود دارد. حرکت بسیجی، سرنوشت ایران را، بلکه سرنوشت فراتر از ایران را تغییر داد؛ تعیین کرد.[۴۸۱]

فرهنگ بسیجی، یعنی چیزی که ما برای هر یک از آحاد جامعه اسلامی، آن را آرزو می‌کنیم. این که می‌گوییم همه باید بسیجی باشند؛ معنایش همین است.[۴۸۲]

فرهنگ معنویت و شجاعت و غیرت

فرهنگ بسیجی، فرهنگ معنویت و شجاعت و غیرت و استقلال و آزادگی و اسیر خواستهای حقیر نشدن است. خواست های زندگی، برای همه مهم است؛ اما آنچه که مهم تر است؛ آرمان ها و ارزش ها و هدفهاست. آن ها را باید مقدم داشت. این، راه شماست.[۴۸۳]

فرهنگ بسیج و بسیجی – با این معنایی که ما امروز آن را به کار می‌بریم – یکی از پدیده‌های بسیار مبارک انقلاب اسلامی است. بسیج، یعنی حضور ناشی از ایمان و اخلاص و انگیزه‌ی دینی و ایمان صادقانه در هر میدانی که انسان احساس می‌کند کارایی و توانایی حضور در آن میدان را داراست. از اول انقلاب تا امروز، هرجا که این حالت و انگیزه و اقدام مشاهده شده؛ خیرات و برکات آن بی‌نهایَت بوده است. فرق نمی‌کند؛ در هر میدانی ممکن است این حالت پیش آید؛ که نمونه‌ی بارز آن، میدان جنگ بود. هر کس که احساس کرد می‌تواند در آن میدان نقش ایفا کند؛ نه نگاه کرد سنّش چقدر است؛ نه نگاه کرد شأن اجتماعی‌اش چه اندازه است؛ نه نگاه کرد سود مادی او چیست و با این حضور و اقدام، آینده‌ی او چگونه رقم خواهد خورد؛ با همان انگیزه‌ی صادقانه و معنوی و انقلابی، در آن میدان حضور پیدا کرد. این شد بسیج و شد تعیین کننده.[۴۸۴]

فرهنگ بسیج فراتر از ذهنیت ها

درباره نیاز دنیای اسلام به این حرکت، واقعاً باید تأمل و تعمق کرد. بعضی کسان «بسیج» را درست نفهمیدند. آنها خیال می کنند؛ بسیجی یعنی کسی که از کارهای دیگر باز بماند! این، ضعف بینش آنهاست. این، ندانستن حقیقت و کوته فکری است. بسیج و بسیجی بودن و حرکت و فرهنگ بسیجی، از این تخیلات بی اساس، خیلی فراتر است.[۴۸۵]

فرهنگ تابنده، همچون خورشید

بسیجی هم شدت و ضعف دارد. بعضی در میدان بسیج، خلوص و صفایشان مثل خورشید می تابد و انسان را مجذوب می کند. به هرحال، بسیج یک فرهنگ است؛ بسیج، یک ذهنیت

۴۸۱- بیانات در دیدار اقشار نمونه‌ی بسیج سراسر کشور ۱۳۹۰/۹/۶
۴۸۲ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۲/۹/۸
۴۸۳- بیانات در دیدار فرماندهانِ نواحی، پایگاه‌ها و گردان‌های بسیج سراسر کشور به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۴/۹/۸
۴۸۴- بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸
۴۸۵- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸

برجسته و والا در جامعه ی ماست... اگر بتوانید بسیج را هرچه فراگیرتر کنید و دل های بیشتر و نشاطِ متراکم تری را وارد این صحنه ی عمل بکنید؛ آینده ی این کشور تضمین شده تر است.[۴۸۶]

فرهنگ بسیجی، آرزو ی هر یک از آحاد جامعه اسلامی

در کجای دنیا، این همه جوان مؤمن و پارسا دیده می شود و وجود دارد؟ هیچ جا این گونه نیست. این، از برکات بسیج است؛ بنابراین، در حقیقت بسیج یک فرهنگ و یک حرکت فرهنگی است. فرهنگ بسیجی، یعنی چیزی که ما برای هر یک از آحاد جامعه اسلامی، آن را آرزو می کنیم. این که می گوییم همه باید بسیجی باشند؛ معنایش همین است.[۴۸۷]

فرهنگ فداکاری و دفاع از ولایت

در دوران دفاع مقدس، بسیجیان ما از سرتاسر کشور، از کار و زندگی و استراحت و آغوش خانواده و زن و بچه و همسر و فرزند و عزیزانشان، چشم می پوشیدند و به سمت بیابان های گرم خوزستان و یا قله‌های یخ زده و پر برف غرب و شمال غرب کشور می رفتند و تابستان و زمستان را در آنجا می گذراندند. آن ها این کار را برای دفاع از اسلام و کشور و شرف و استقلال و آزادی و حاکمیت دین خدا می کردند و می دانستند که اگر نظام اسلامی در مرزها شکست بخورد؛ در مرکز هم شکست خواهد خورد و اگر از لحاظ نظامی شکست بخورد؛ از لحاظ سیاسی هم شکست خواهد خورد. آن ها با اقدام خود، امامشان را تنها نگذاشتند. این، مفهومِ بسیجی و فرهنگ بسیج است. این مفهوم همیشه خواهد بود.[۴۸۸]

ط. دشمن و تهاجم به فرهنگی بسیجی

تمرکز فعالیت دشمن بر تهاجم فرهنگی

فعالیت های توطئه‌آمیز دشمن بر تهاجم فرهنگی علیه ایران اسلامی تمرکز یافته است؛ زیرا دشمن می‌داند که انسان های با ایمان، بافت مستحکم نظام اسلامی را تشکیل می‌دهند؛ اما مجموعه جوان و مؤمن سپاه و بسیج، باید تمامی سعی و تلاش خود را به کار بندد تا تیغ دشمن در این نقطه برندگی نداشته باشد.[۴۸۹]

تهاجم فرهنگی یا قتل عام فرهنگی

کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می کند؛ یک «تهاجم‌فرهنگی» بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می کند. چه‌کسی می تواند ازاین فضیلت ها دفاع کند؟[۴۹۰]

۴۸۶ – دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۸۴/۹/۷
۴۸۷– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸
۴۸۸– همان
۴۸۹– بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان سپاه و بسیج مازندران ۱۳۷۴/۷/۲۴
۴۹۰ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۱۳۷۱/۴/۲۴

حمله‌ی همه‌جانبه‌ی فرهنگی

ما مواجه ایم با یک حمله‌ی همه‌جانبه‌ی فرهنگی و اعتقادی و سیاسی اعلام نشده؛ یعنی شما حالا که من دارم می گویم، قاعدتاً از من قبول می کنید لکن اطّلاع نَدارید از آنچه دارد اتّفاق می‌افتد؛ بنده اطلاع دارم از آنچه دارد اتّفاق می‌افتد؛ من دارم می بینم چه دارد اتّفاق می‌افتد؛ لشکر فرهنگی دشمن و لشکر سیاسی دشمن با همه‌ی ابزارهایی که برایشان ممکن بوده، حمله کرده‌اند به ما برای سست کردن اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما، تقویت نارضایی‌ها در داخل کشور، جذب جوان ها بخصوص جوان های فعّال و اثرگذار در سطوح مختلف برای مقاصد خودشان؛ دارند کار می کنند. خب، در مقابل این ها کارهایی دارد انجام می گیرد؛ بچّه‌های حزب‌اللّهی، مردمان مؤمن، مسئولان باتعهّد کارهای خوبی دارند انجام می دهند لکن بیش از این ها باید در کشور کار بشود. یکی از قلم های مهم، همین است که این مفاهیم باارزش مثل مفهوم جهاد، مفهوم شهادت، مفهوم شهید، مفهوم خانواده‌ی شهید، مفهوم صبر برای خدا، احتساب لله باید زنده بماند.[۴۹۱]

هدف تهاجم فرهنگی، متزلزل ساختن پایه های ایمان

آنچه که امروز دشمن حسابگر در قبال این حادثه‌ی عظیم (ایجاد نظام جمهوری اسلامی) اندیشیده؛ این است که این ارکان را متلاشی کند؛ پایه‌ی ایمان را متزلزل کند؛ گاهی با شبهه‌افکنی ذهن ها را دچار تردید کند – کمااین‌که می بینید. بعضی افراد کأنّه مأموریتشان این است که بنشینند فکر کنند و شبهه‌ای پرتاب کنند. این شبهه را بعد فاضلی، عالمی، خوش فکری می‌آید و برطرف می کند؛ اما این ها کار خودشان را می کنند – و یا با توپ و تشر، با تهمت، با تحقیر، با افتراء – یکی از کارهای رایج در دنیای سیاست و در بعضی از دنیاهای دیگر همین است – صاحب حقیقتی را از میدان خارج کنند و نسبت به آن حقیقتی که دارد؛ دلسردش نمایند.[۴۹۲]

ایجاد تردید نسبت به اندیشه والای اسلامی

مردم سالاری متکی به ایمان یک نظام را بر سر پا کرد؛ یک انقلاب را به وجود آورد؛ یک پرچم را در دنیا بلند کرد؛ پرچم هویت بخشیدن به انسان – در درجه‌ی اول – و اندیشه‌ی والای اسلامی. برای این‌که این ایمان و این اعتقاد را ضایع کنند، مرتب چیزِ به این درخشندگی را از اول انقلاب با شکل های مختلف و با تعبیرات موهن در رادیوها، موردَ تحقیر قرار دادند. برای چه؟ برای این‌که صاحبان این فکر، در حفظ و بالندگی آن دچار تردید شوند. یا عمل صالح را با شکل های گوناگون مورد تحقیر قرار دادند؛ با همین چیزهایی که جناب آقای مصباح الان از زبان همه‌ی شما بیان فرمودند؛ همین کمرنگ شدن بعضی از چیزها و توسعه دادن به برخی از خطاها و از این قبیل چیزهایی که هست.[۴۹۳]

۴۹۱ – بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استان چهارمحال و بختیاری ۱۳۹۴/۷/۱۳
۴۹۲ – بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۹/۶/۱۰
۴۹۳ – همان

چالش دومی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارد – که البته با آن بخش اول کاملاً مرتبط است – در زمینه‌ی تفکرات و خط کلی نظام اسلامی است. امروز بخش عظیمی از تبلیغات جهانی در این راه صرف می‌شود که معارَف اسلامی را در باب حکومت، مورد تردید و خدشه قرار دهد و فرآورده‌های ذهنی خود را – که بارها تخلف آن ظاهر شده و ناکارآمدی‌اش نشان داده شده است – بر ذهن جوامع مسلمان و از جمله مردم کشور و مسؤولان ما تحمیل کند. ...اولین کار مهمی که دشمنان دارند؛ این است که در اساس این مبنا خدشه ایجاد کنند و آن مسأله این است که آیا اساساً دین می‌تواند اداره‌ی امور زندگی انسان ها را به عهده گیرد یا نه؟ این تعبیر دیگری است از این‌که اصلاً دین درست است یا نه؛ تعبیر پنهانی و منافقانه‌ای است از این‌که اصلاً آیا دین رسالتی دارد یا نه؟ خودِ دین می‌گوید من آمده‌ام دنیا و آخرت مردم را اداره کنم. اگر کسی در این شک کرد که آیا دین می‌تواند امور سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جوامع را اداره کند؛ در حقیقت دین را تکذیب کرده است. کدام دین است که چنین ادعایی نداشته باشد؟ «و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله»، «لقد ارسلنا رسلنا بالبیّنات ... لیقوم النّاس بالقسط»، اصلاً برای این است که جامعه را نظام بدهند و انسان ها را در هیأت اجتماعی‌شان اداره کنند. اگر کسی این را انکار کرد؛ در واقع اصل دین را انکار کرده است. این همان تغییر جهت کلی است؛ این جزو کارهایی است که در برنامه‌ی بسیار حساب شده و پیگیر دشمنان نظام اسلامی و جمهوری اسلامی وجود دارد. هم در این بخش کار می‌کنند، هم در بخش کارآمدی. عین همین قضایا در صدر اسلام هم بوده است.[۴۹۴]

از بین بردن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی

امروز ملت ایران به آن رتبه ای از اقتدار رسیده که خطرپذیری دشمنان خود را بسیار بالا برده، جرأت نمی کنند به این ملت تهاجم نظامی کنند؛ می دانند سرکوب خواهند شد؛ می دانند که این ملت مقاوم است. بنابراین خطر تهاجم نظامی بسیار پائین است؛ اما تهاجم فقط تهاجم نظامی نیست. دشمن به آن نقاطی متوجه می شود که پشتوانه ی استقامت ملی ماست. دشمن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی را هدف قرار می دهد. دشمن روحیه ی صبر و استقامت مردان و زنان ما را هدف قرار می دهد؛ این تهاجم از تهاجم نظامی خطرناک تر است.[۴۹۵]

تخریب چهره های برجسته و موثر

شما می بینید این هجوم های تبلیغاتی را که به شخصیتهای برجسته، به انسان های والا و با اخلاق های برجسته می کنند؟ این ها همه‌اش نشان دهنده‌ی اهداف و نیات دشمن است. وقتی یک نفر مثل جناب آقای مصباح که حقیقتاً این شخصیت عزیز، جزء شخصیت هایی است که همه‌ی دلسوزان اسلام و معارف اسلامی بایستی از اعماق دل قدردان و سپاسگزار این مرد عزیز باشند؛ مورد هجوم تبلیغاتی قرار می گیرد؛ می بینید که همین «و هم ینهون عنه و ینأون عنه». حرف رسا و نافذ، منطق قوی و مستحکم، هر جایی که باشد، دشمن آنجا را زود

۴۹۴- بیانات در دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶
۴۹۵- بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲

تشخیص می دهد؛ چون حسابگر است. دشمن – همان‌طور که گفتم – آنجا را می شناسد و به مقابله‌اش می‌آید. با مرحوم شهید مطهری نیز همین‌گونه برخورد کردند. امروز شهید مطهری در دنیا نیست. البته امروز هم بعضی کسان شهید مطهری را رها نمی کنند؛ امروز هم حتی به او تهاجم می کنند؛ لیکن آن روزی که زنده بود؛ کسانی که بوده‌اند و دیده‌اند؛ می دانند که با آن شهید عزیز چه کردند؛ چه اهانت ها، چه ناشایست ها و ناسزاها که به آن چهره‌ی مطهر و منور زده شد. در همه‌ی سطوح ممکن است چنین چیزی پیش بیاید. نسبت به اشخاص هم ممکن است پیش بیاید؛ اما بایستی راه درست را، شیوه‌ی درست را و ابزار درست را، با این چیزها از دست نداد. باید اثرگذاری داشته باشد. دو چیز در کنار هم باید باشد: اول تصمیم قاطع و جدی و هوشیارانه برای مقابله با ترفند دشمن، دوم، به‌کارگیری ابزار صحیح و اثرگذار که بهانه‌ای به دست دشمن ندهد که بتواند یک عده بی خبر و غافل را با آن گمراه کند.[۴۹۶]

ویژگی تهاجم معنوی و فرهنگی

در تهاجم نظامی شما طرفتان را می شناسید؛ دشمنتان را می بینید؛ اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی بینید. هوشیاری لازم است. من از همه ی ملت ایران به خصوص از خانواده های شهیدان و از همه ی شما عزیزان، به خصوص از جوان ها خواهش می کنم با هوشیاری کامل مرزهای فکری و روحی را حراست کنید. نگذارید دشمن مثل موریانه ای به جان پایه های فکری و اعتقادی و ایمانی مردم بیفتد و آن ها را دچار رخنه کند؛ این مهم است. همه وظیفه داریم مرزهای ایمانی و مرزهای روحی خودمان را حفظ کنیم.[۴۹۷]

تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه – سیاسی یا اقتصادی – برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیرکردن یک ملت، به بنیان های فرهنگی آن ملت هجوم می برد. چنین مجموعه ای هم چیزهای تازه ای را وارد آن کشور و آن ملت می کند؛ امابه زور، اما به قصد جایگزین کردن آن ها با فرهنگ و باورهای ملی؛ این، اسمش تهاجم است.[۴۹۸]

تفاوت تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی

۱–در تبادل فرهنگی، هدف، بارور کردن فرهنگ ملی و کامل کردن آن است؛ اما در تهاجم فرهنگی، هدف، ریشه کن کردن فرهنگ ملی و ازبین بردن آن است. ... تهاجم فرهنگی، مثل خودِ کار فرهنگی، اقدامِ آرام و بی سر و صدایی است.[۴۹۹]

۲–در تبادل فرهنگی، آن ملتی که از ملت های دیگر چیزی می گیرد، می گردد چیزهای مطبوع و دلنشین و خوب و مورد علاقه را می گیرد. فرض بفرمایید؛ دانش را از آن ها تعلیم می گیرد. فرض کنید؛ ملت ایران به اروپا می رود و می بیند آنها مردمی اهل سخت کوشی و خطر کردند.

۴۹۶ – بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۹/۶/۱۰
۴۹۷– بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲
۴۹۸– بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۵/۲۱
۴۹۹– همان

اگر این را از آن ها یاد بگیرد؛ خیلی خوب است. به اقصای شرق آسیا می رود و می بیند که آن ها مردمی هستند دارای وجدان کار، علاقه مند به کار، مشتاق کار. اگر این را از آن ها یاد بگیرد؛ خیلی خوب است. به فلان کشور می رود و می بیند مردم آن کشور، وقت شناس، دارای نظم و انضباط، دارای محبت، دارای حس ادب و حس احترامند. اگر یاد بگیرد؛ این ها چیزهای خوبی است. در تبادل فرهنگی، قضیه چنین است. ملت فراگیرنده، می گردد نقاط درست و چیزهایی را که فرهنگ او را کامل می کند؛ از دیگران تعلیم می گیرد. درست مثل انسانی که ضعیف است و دنبال غذای مناسبی می گردد. دوا و غذای مناسب را مصرف می کند؛ تا سالم شود و نقصش از بین برود. در تهاجم فرهنگی، چیزهایی که به ملت مورد تهاجم می دهند؛ چیزهای خوب نیست؛ بلکه چیزهای بد است. فرض بفرمایید اروپایی ها، وقتی تهاجم فرهنگی را در کشور ما شروع کردند؛ نیامدند روحیه وقت شناسی شان را، روحیه شجاعت و خطر کردن در مسائل را، یا تجسس و کنجکاوی علمی را، در ملت ما منتشر کنند و با تبلیغات و تحقیقات، سعی کنند ملت ایران، ملتی دارای وجدان کاری یا وجدان علمی شود. این کارها را که نمی کنند! مساله لاابالی گری جنسی را وارد کشور ما می کردند. ملت ما، در طول هزاران سال، ملتی بود دارای مبالات جنسی، یعنی رعایت های مربوط به زن و مرد و این در تمام دوران اسلامی بوده است. نه این که کسی خطا و تخلف نمی کرده؛ خطا همیشه هست. در همه دوران ها و در همه زمینه ها، افراد بشر خطا می کنند. خطا هست؛ اما خطا غیر از این است که چیزی بشود عرف جامعه!. در تهاجم فرهنگی، دشمن می گردد آن نقطه ای از فرهنگ خود را به این ملت می دهد و وارد این ملت می کند که خودش می خواهد. معلوم است که دشمن چه می خواهد! اگر در تبادل فرهنگی، ملتی که از فرهنگ بیگانه چیزی می گیرد؛ تشبیه به آدمی شود که در کوچه و بازار، غذا و دوای مناسب می خرد که مصرف کند؛ در تهاجم فرهنگی، ملتی را که تحت تهاجم قرار گرفته است؛ باید به بیماری که افتاده و خودش کاری نمی تواند بکند؛ تشبیه کنیم. آن وقت دشمن، آمپولی به او تزریق می کند و معلوم است آمپولی که دشمن تزریق کند؛ چیست! این، فرق دارد با آن دارو و درمانی که خود شما بروید و آن را با میل انتخاب و وارد بدنتان کنید. این، تهاجم فرهنگی است.[۵۰۰]

۳-تبادل فرهنگی به انتخاب ماست؛ اما تهاجم فرهنگی به انتخاب دشمن است. تبادل فرهنگی انجام می دهیم تا کامل شویم؛ یعنی فرهنگ خودی را کامل کنیم؛ اما تهاجم فرهنگی انجام می گیرد تا فرهنگ خودی را ریشه کن کند. تبادل فرهنگی از چیزهای خوب است؛ تهاجم فرهنگی از چیزهای بد است. تبادل فرهنگی در هنگام قوت و روزگار توانایی یک ملت انجام می گیرد؛ ولی تهاجم فرهنگی در دوران ضعف یک ملت است. لذا دیدید که استعمارگران، در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین، هر جا خواستند وارد شوند؛ قبل از آن که سیاستمداران و سربازان و قزاقهایشان وارد شوند؛ میسیونهای مسیحی و هیأت های تبشیری مسیحی شان وارد شدند! سرخپوستان و سیاهپوستان را اول مسیحی کردند؛ بعد طناب استعمار به گردنشان انداختند. بعد هم از خانه و کاشانه شان، آواره شان کردند و پدرشان را در آوردند![۵۰۱]

۵۰۰- همان
۵۰۱- همان

رضاخان آغازگر تهاجم فرهنگی

این تهاجم فرهنگی، از چه وقت شروع شد؟ مشخصاً از دوران رضاخان شروع شد. البته قبل از او، مقدمات آن، فراهم شده بود. کارهای فراوانی شده بود: روشنفکران وابسته، در داخل کشور ما کاشته شده بودند. نمی دانم آیا جوانان نسل ما و نسل انقلابی، تاریخچه این صدوپنجاه، دویست سال را درست خوانده اند یا نه؟ من همه دغدغه ام این است که جوان انقلابی امروز، نداند مابعد از چه دورانی، امروز در ایران مشغول چنین حرکت عظیمی هستیم. تاریخچه این صدوپنجاه، دویست سال اخیر – از دوران اواسط قاجار به این طرف؛ از دوران جنگ های ایران و روس به این طرف – را بخوانید و ببینید چه حوادثی بر این کشور گذشته است.[۵۰۲]

انقلاب اسلامی عامل توقف تهاجم فرهنگی

انقلاب اسلامی که آمد؛ مثل مشتی به سینه مهاجم خورد؛ او را عقب انداخت و تهاجم را متوقف کرد. در دورانِ اولِ انقلاب، شما ناگهان دیدید که مردم ما در ظرف مدت کوتاهی، تغییرات اساسی در خُلقیاتِ خودشان احساس کردند: گذشت در بین مردم زیاد شد؛ آز و طمع کم شد؛ همکاری زیاد شد؛ گرایش به دین زیاد شد؛ اسراف کم شد؛ قناعت زیاد شد – فرهنگ اینهاست؛ فرهنگ اسلامی اینهاست – جوان به فکر فعالیت و کار افتاد، دنبال تلاش رفت؛ خیلی ها که به شهرنشینی عادت کرده بودند، به روستاها رفتند؛ گفتند: «بگذار کار کنیم. بگذار تولید کنیم»؛ شبه کارهایی که به صورت گیاه هرزی در زندگی اقتصادی مردم رشد پیدا کرده بود کم شد. این، مربوط به یکی دو سال اول انقلاب بود. این، مربوط به همان زمانی است که تلاشِ روزبه روز دشمن برای پاشیدن بذرِ اخلاقیاتِ منفی متوقف شده بود و یک گرایش و یک توجه به اسلام پیش آمده بود. مجدداً آن فرهنگ و اخلاق و آداب و خُلقیات اسلامی که در خمیره مردم ما بود؛ در آنان زنده شد؛ البته عمیق نبود. عمق، آن زمانی پیدا می کند که روی موضوع، چند سالی کار شود. این فرصت پیش نیامد.[۵۰۳]

آغاز مرحله دوم تهاجم فرهنگی، پس ازانقلاب اسلامی

آن تهاجم، به تدریج و به مرور، از سرگرفته شد. تهاجم، در اواسط دوران جنگ به وسیله ابزارهای تبلیغی و گفتارهای غلط و کج اندیشانه شروع شد و آن ته نشین ها و رسوب های ذهنی و روحی خود ما مردم هم در تأثیرگذاریش مؤثر بود؛ اما باز حرارت جنگ، مانع بود؛ تا جنگ تمام شد. بعد از جنگ، این جبهه جدید، به شکل جدی مشغول کار شد. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی شود از بین برد. محاسبه قبلی، غلط از آب درآمده بود. دیدند با محاصره اقتصادی هم نمی شود. وقتی ملتی را محاصره اقتصادی کنند؛ اگر آن ملت یک ملت قانع، صبور، متکی به نفس و متوکل علی الله باشد؛ مگر شکست خواهد خورد؟! هرگز شکست نمی خورد! این را، هم ما در گذرگاههای تاریخی – درگذشته – تجربه کردیم و هم

۵۰۲– همان
۵۰۳– همان

ملت های دیگر تجربه کرده اند؛ مخصوص ما نیست. دیدند با محاصره اقتصادی هم نمی شود. فهمیدند باید عقبه ما را بمباران کنند. اگر بخواهیم تشبیه کنیم؛ این طور است که وقتی یک گروه نظامی، در جلو با دشمن مشغول جنگ است؛ غذایش از عقب می آید؛ نیروی تازه نفس از عقب می آید؛ ملزومات از عقب می آید؛ نامه دوستانه از پدر و مادر و یاران از عقب می آید. عقبه تا سالم است؛ این نیروی در خط مقدم، می تواند بجنگد. اگر دشمن آمد عقبه ها رابمباران کرد؛ غذا از بین رفت؛ ملزومات ازبین رفت؛ نیروی تازه نفس ازبین رفت؛ نامه «دست شما درد نکند» از بین رفت؛ پدر و مادر «زهی» و «مرحبا» گو از بین رفت؛ کسی که در جلو مبارزه می کند؛ چطور قدرت مبارزه خواهد داشت؟! دو روز تلاش می کند؛ ولی از بین خواهد رفت. عقبه ما، در مبارزه ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت بود از «فرهنگ» ما؛ منطقه عقبه ما عبارت بود از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان و علاقه به اسلام؛ ... دشمن که کور نبود. دشمن این ها را دید؛ دشمن این هارا تحلیل کرد و فهمید ... این ها را باید از بین برد و شروع کرد.[۵۰۴]

فرهنگ دینی عقبه ملت در دوران انقلاب و جنگ

عقبه ما، در مبارزه ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت بود از «فرهنگ» ما. منطقه عقبه ما عبارت بود از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان و علاقه به اسلام؛ یعنی علاقه آن مادری که چهار پسرش شهید شده اند و می گوید من این ها را در راه اسلام دادم و به این راضی است. بنده خانواده هایی را ازنزدیک دیده ام – یعنی به خانه آن ها رفته ام و باپدران و مادران صحبت کرده ام. روایت نیست؛ خودم از نزدیک دیده ام. – خانواده ای که دو پسر داشتند؛ هر دو شهید شدند. خانواده ای که سه پسر داشتند و هر سه شهید شدند. این مگر شوخی است؟! این مصیبت، مگر قابل تحمل است؟! این پدر و مادر باید از غصه دیوانه شوند. آن وقت، مادر، که عواطف جوشان تری هم دارد، با کمال قدرت می گوید: «مااین ها را در راه اسلام دادیم و حرفی نداریم.» عجب! پس تأثیراسلام این است! تأثیر ایمان به خدا این است! این را دشمن فهمید. پدر و مادری به جوان خود می گویند «تو هنوز شانزده سالت است، هفده سالت است؛ برو درست رابخوان؛ برو بازیت رابکن؛ لذتت را ببر؛ برادرت رفت و شهید شد»؛ جوان می گوید: «نه! من سهم خودم راباید برای اسلام ادا کنم.» این، عبارتی است که ما در وصیت نامه های شهدا دیده ایم و ازپدران و مادران شهدا و خانواده ها شنیده ایم. اثر اسلام، این است. یک روز امام فرمود: «امروز اسلام محتاج کمک شما جوانهاست.» بعدازظهرش بنده به خیابان ها آمدم و کاری داشتم. دیدم مثل روزهای اول انقلاب شده و مردم به طرف پاوه در حرکتند. این ماجرا و این صحنه، بارها تا آخر جنگ تکرار شد. هر وقت که اسم اسلام و فرمان امام به گوش مردم می رسید – فرمان امام، فرمان اسلام بود و مردم برای امام به خاطر اسلام اهمیت قائل بودند – ناگهان می دیدید این ملت، به جوش و خروش در می آید. جوانان شهر را، ده را، دانشگاه را، بازار را، کار و کسب را، میدان فوتبال را، همه را رها می کنند و می روند. برای چه؟

۵۰۴– همان

برای این که جانشان رادر معرض خطر مرگ بگذارند! این شوخی نیست! دشمن که کور نبود. دشمن این ها را دید، دشمن این هارا تحلیل کرد و فهمید این ملت عقبه ای دارد. فهمید تا آن عقبه هست؛ این ملت را با محاصره اقتصادی و با محاصره نظامی و یا چه و چه، نمی شود به زانو درآورد. پس، آن عقبه را باید بمباران کرد؛ فرهنگ او را، اخلاق او را، ایمان او را، ایثار او را، اعتقاد به دین او را، اعتقاد به رهبری او را، اعتقاد به قرآن و جهاد و شهادت او را، این ها را باید از بین برد و شروع کرد.[۵۰۵]

برنامه ها و روش های تهاجم فرهنگی دشمن

بعد از جنگ، محیط هم مناسب بود. چون کوره گداخته جنگ، جوان را به خود مشغول می کرد؛ به خود جذب می کرد و گوشش به این حرف ها بدهکار نبود. وقتی آن کوره خاموش شد؛ محیط مناسبی پیش آمد و به طور وسیع شروع به برنامه ریزی کردند و ابزارهای متعددی را به کار گرفتند. من وقتی به تنوع ابزارهای دشمن نگاه می کنم؛ می فهمم چقدر این قضیه برای این ها اهمیت داشت! یکی از کارها این بود که:

۱- جریان ادب و هنر و فرهنگ انقلابی را در کشور تحقیر کنند و به انزوا بکشانند. این یکی از کارهایشان بود. از جمله کارهای مهمی که انقلاب کرده؛ یکی این است که یک عده عنصر فرهنگی و ادیب و هنرمند و دارای اقتدار فرهنگی تربیت کرده و بحمدالله کم هم نیستند. شعرای زیادی به وجود آمدند؛ داستان نویسان زیادی به وجود آمدند؛ نویسندگان قلم زنِ دقیق فارسی نویسِ محکمی به وجود آمدند و بحمدالله هستند. از اولِ انقلاب تا کنون، سیزده سالَ گذشته استَ. شما نگاه کنید ببینید کدام سیزده سال در دورانَ عمر فرهنگی و تاریخی ما، توانسته است شخصیت های درجه یک به وجود آورد؟ البته این ها تا شخصیت درجه یک بشوند؛ هنوز فاصله دارند؛ اما کسانی که شخصیت درجه یک بشوند، در این مجموعه ایِ که انقلاب پدید آورده، زیادند. مادرِ میهن ما، در دوران استبدادهای اواخر دوران پادشاهی، سِترون و عقیم شده بود. حقیقتاً آدم هایَ بزرگ، نویسندگان بزرگ، هنرمندان بزرگ، به خصوص در بعضی از رشته های هنری، پرورش پیدا نمی کردند. لیکن امروز می بینیم در میان بچه های جوان ما، سینماگران خوب، نمایشنامه نویسان خوب، کارگردانان خوب، شعرای خوب و داستان نویسان خوب، زیادند. انقلاب است که این نیروها را آزاد کرد.[۵۰۶]

۲- یکی از راه های تهاجم فرهنگی، این بوده است که سعی کنند جوانان مؤمن را از پایبندی های متعصبانه به ایمان، که همان عواملی است که یک تمدن را نگه می دارد، منصرف کنند. همان کاری را که در اندلس، در قرن های گذشته کردند. یعنی جوانان را در عالم، به فساد و شهوترانی و میگساری و این چیزها مشغول کردند. این کار، حالا هم انجام می گیرد. من بارها گفته ام: عده ای وقتی در خیابان نگاه می کنند و زنانی را می بینند که حجابشان قدری ناجور است، دلشان خون می شود. بله این کارِ بدی است؛ اما کارِ بد اصلی، این نیست. کارِ بد اصلی

۵۰۵- همان
۵۰۶- همان

آن است که شما در کوچه و خیابان نمی بینید! کسی به کسی گفت: «چه کارمی کنی؟» گفت: «دهل می زنم.» گفت: «چرا صدای دهلت در نمی آید؟» گفت: «فردا صدای دهل من درمی آید!» صدای فروریختن ایمان و اعتقاد ناشی از تهاجم پنهانی و زیرزیرکی دشمن – اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید – خدای نخواسته، آن وقتی درمی آید که دیگر قابل علاج نیست! جوان جبهه رفته ما را اگر محاصره کردند؛ اگر اول یک ویدئو در اختیارش گذاشتند و بعد او را به تماشای فیلم های جنسیِ وقیح وادار کردند؛ شهوت او را تحریک کردند و بعد او را به چند مجلس کشاندند، چه خواهد شد؟! وقتی تشکیلاتی وجود داشته باشد؛ جوان را در اوج نیروی جوانی، فاسد می کنند و حالا دشمن این کار رامی کند.[۵۰۷]

۳–یکی از کارهای دشمن، این شد که این مجموعه های مؤمن را منزوی کند. جوان، بی تجربه است. به مجرد این که ببیند در یک دستگاه رسمی کشور – مثلاً در یک مرکز فرهنگی کشور – دو نفر به او اخم کردند؛ به او بی اعتنایی کردند؛ او را تحقیر کردند؛ در حرکتش اثر می گذارد و او را کند می کند؛ یا مثلاً وقتی ببیند که در مجلات به اصطلاح ادبی و هنری کشور، چهره های مخالف با این روش و خط را، بزرگ می کنند؛ بر جسته می کنند؛ تعریف می کنند؛ این جوان دلش آب می شود و روحیه اش را از دست می دهد. وقتی یک فیلمساز، اثرش را به مراکزی می برد که می توانند از او استفاده کنند و کاری کنند که بتواند کارش را ادامه دهد؛ اما با بی اعتنایی به او می گویند: «نه آقا؛ ما این را قبول نداریم. این طورش را قبول نداریم» و بعد در همان حال ببیند انواع و اقسام کارهایی که از لحاظ مایه های هنری از کار او کمتر است اما چون مایه اسلامی ندارد مورد قبول آنهاست؛ این جوان به خودی خود، منزوی و ناامید خواهد شد. من بارها از اعماق جان، قلبم برای این جوانان مؤمن و انقلابی، سوخته و گداخته است. بارها تأسف خورده ام که چرابايد به جوانان به این خوبی، بی اعتنایی شود؟! این ها هیچ چیزشان ازآن کسانی که در جاهایی به عنوان هنرمند معروف شده اند؛ کمتر نیست. در بسیاری از امور، از آن ها خیلی هم بهترند؛ اما به این ها بی اعتنایی می شود.[۵۰۸]

برنامه‌ریزی برای جدا کردن نسل جوان از انقلاب

شما جوانان عزیز در آن سال هایی که من اشاره می کنم – سال های ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ – در میدان نبودید. بعضی خیلی کوچک بودید؛ بعضی هم به‌هرحال در میدان نبودید. قضیه، این‌طور بود که وقتی امام یک اشاره می کرد، سیل داوطلبان جبهه به سمت پایگاه ها و پادگان ها سرازیر می شد. بعضی هم بی اجازه به طرف جبهه می رفتند که البته نیروهای نظامی، این ها را می گرفتند، سازماندهی می کردند، به آن ها آموزش هایی می دادند و از این ها در جبهه استفاده می شد. همین ها گره‌ی بسیاری از مشکلات را باز می کرد؛ یعنی در دوران جنگ، ما کمتر وقتی دچار کمبود نیروی انسانی شدیم. از لحاظ تجهیزات، مشکل خیلی بود؛ اما از لحاظ نیروی انسانی نه چون همیشه آماده بودند. دشمن چه می گفت؟ دشمن واقعیت را می دید؛ لذا درمانده بود. آن

۵۰۷– همان
۵۰۸– همان

ها وقتی که جنگ را طراحی و حمله‌ی نظامی به انقلاب را برنامه‌ریزی می کردند؛ فقط روی نیروهای سازمانی ارتش حساب کرده بودند؛ فکر سپاه و بسیج و فکر نیروهای عظیم انسانی را نکرده بودند و چون با آن مواجه می شدند؛ برنامه‌شان غلط از آب درمی آمد. باید با این کار به مبارزه می‌پرداختند؛ پس شروع به تبلیغات می کردند. از جمله حرف هایی که در دوران جنگ، بارها و بارها علیه نظام و انقلاب و امام گفته شد؛ این بود که ایران از امواج انسانی استفاده می کند. ما در جواب می گفتیم بله، ما از امواج انسانی استفاده می کنیم؛ منتهی امواج انسانی آگاه و مؤمن؛ بله ما از نیروی عشق و ایمان استفاده می کنیم. نگران بودند؛ لذا برنامه‌ریزی را شروع کردند؛ برای این‌که نسل جوان را از این حرکت عظیم بگیرند.[۵۰۹]

ضرورت استفاده ازعناصرِ مؤمنِ خودی درمقابله با تهاجم دشمن

در مقابل تهاجم، عناصرِ مؤمنِ خودی می توانند بایستند. عناصر مؤمنِ خودی را، هرجا که هستند؛ گرامی بدارید. حرَف منَ این است...به عناصر خودی تکیه کنید. منظور من این نیست که اگر کسی، جوان انقلابی نیست؛ دستش را بگیرید بگذاریدش بیرون؛ نه؛ چه کسی چنین چیزی را می گوید؟ اصلاً منطق اسلام که این نیست؛ منطق انقلاب که این نیست. میدان بدهید. به همه میدان بدهید. هرکس که می خواهد برای این ملت کار کند؛ کار کند. من می گویم اجازه منزوی شدنِ عناصر خودی را ندهید.[۵۱۰]

ی. هشدارها و انذارهای اخلاقی و معنوی

پرهیز از آفت های اخلاقی

از آفت ها نسبت به خودمان پرهیز کنیم. آفتِ غرور، آفتِ تظاهر و ریاکاری، این آفات، آفات مهلکی است. اگر چنانچه موفقیتی به دست می‌آوریم؛ خدا را شاکر باشیم؛ از خدا بدانیم؛ برای ادامه‌ی آن از خدا کمک بخواهیم؛ این هم یک مساله‌ی اساسی است که دچار غرور نشویم؛ دچار اعتماد به نفس زیادی نشویم؛ از خودمان ندانیم؛ توکل به خدای متعال بکنیم. حقیقت قضیه هم همین است؛ حول و قوه‌ای جز آنچه که در اختیار خالق ذوالجلال است؛ وجود ندارد؛ کار اوست؛ توفیق ما، انتخاب ما، توانائی‌های ما، شوق ما، ایمان و عشقی که در دل ما هست؛ همه صنع دست پروردگار است. این را بدانیم؛ شاکر باشیم و تزاید او را از خدای متعال طلب کنیم. این هم یک مساله است[۵۱۱].

یکی از آفت‌ها در بسیج، غرور است. ما که حالا بسیجی هستیم –به‌عنوان برگزیدگان، به‌عنوان گل سرسبد، تعریف داریم دیگر؛ این‌همه تعریف کردیم– به دیگران به چشم تحقیر نگاه کنیم؛

۵۰۹– بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۸/۶/۱۳
۵۱۰– بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی. ۱۳۷۱/۵/۲۱
۵۱۱ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی «صالحین» ۱۳۹۱/۹/۱

این آفت است؛ این آفت است. هرچه بزرگ‌تر می‌شوید، هرچه بالاتر می‌روید، تواضعتان بیشتر بشود؛ خشوعتان پیش خدای متعال بیشتر بشود. شما نگاه کنید، من و شما هم استغفار می‌کنیم و گاهی میگوییم: استغفرالله ربی و اتوب الیه؛ استغفار ما را نگاه کنید، استغفار امام سجاد را [هم] نگاه کنید. ما هم دعا می‌خوانیم؛ تضرّع ما در دعاهایمان را نگاه کنید چه‌جوری است، تضرّع امیرالمؤمنین در آن مناجات یا تضرّع امام حسین در دعای عرفه یا تضرّع امام سجاد در صحیفه‌ی سجادیه را نگاه کنید؛ او کجا، ما کجا؛ امّا او هزار برابر ما در تضرّع جدی‌تر است؛ در استغفار جدی‌تر است. امیرالمؤمنین با آن عظمت، با آن مقام، با آنَ عبودیت، با آن تقوا، در دعای کمیل ترس از عذاب خدا را مطرح می‌کند! هرچه بالاتر می‌روید، خودتان را در مقابل خدا و در مقابل خلق خدا [کوچک‌تر ببینید]؛ در دعایِ مکارم‌الاخلاق به ما یاد داده‌اند که هرچه خودمان در چشم مردم بالاتر می‌رویم، در الا حَططتَنی عِندَ نَفسی مِثلَها؛ هرچه مقاممان پیش مردم بالاتر می‌رود، در نفْس خودمان به همان مقدار پایین‌تر برویم. توجّه کنیم به مسئولیتمان، توجّه کنیم به کوتاهی‌هایمان، توجّه کنیم به ضعف‌هایمان، به نقص‌هایمان؛ ماها کم که نقص نداریم، من خودم را میگویم. خب، شما جوان‌ها بهتر از ما هستید لکن همه نقص داریم؛ به نقص‌های خودمان بیشتر باید [توجّه کنیم]. پس غرور یکی از آفت‌ها است. مواظب باشید، به‌خاطر اینکه من بسیجی‌ام، من فدائی‌ام، من حاضرم جانم را بدهم، غرور شمارا نگیرد.[۵۱۲]

آفت دوّم غفلت است. یکی از چیزهایی که بر غرور مترتّب می‌شود، همین غفلت است. وقتی انسان خیلی مغرور شد به قدرت خود، به توانایی‌های خود، به ارزش‌های خود، کانّه خاطرش جمع می‌شود و دچار غفلت می‌شود. غفلت نکنید، دچار غفلت نشوید. همیشه نگاهتان باز، چشمتان باز، نگاهتان دقیق [باشد].[۵۱۳]

یک آفت دیگر –که حالا به همین مقدار اکتفا کنم– ورود در مسابقه‌ی زرق‌وبرق زندگی است؛ یک مسابقه‌ای است دیگر: دنبال زرق‌وبرق زندگی دویدن، دنبال وسایل تجملاتی بیشتر، دنبال زندگی بهتر، دنبال درآمد بیشتر. دویدن یک مسابقه است، اهل دنیا در این مسابقه واردند؛ حالا بعضی‌ها زرنگ‌ترند در این مسابقه، می‌روند جلو تا میلیاردها بالا می‌کشند، بعضی‌ها به آن زرنگی نیستند. امّا اهل دنیا در مسابقه‌اند، کسانی که دنیاپرست‌اند. در این مسابقه وارد نشوید. نگویید فلانی دارد، فلانی به دست آورده، من دستم خالی است، من هم باید داشته باشم؛ نه این نه‌فقط از آفات بسیج، [که از] آفات هر مؤمن است. خیلی‌ها را ما دیدیم آدم‌های خوبی بودند، آدم‌های عِلاقه‌مندی بودند، وقتی افتادند توی دنیا و زرق‌وبرق و مانند این‌ها، یواش‌یواش‌یواش تیزی‌ها کُند شد، توانایی‌ها کم شد، انگیزه‌ها ضعیف شد. انگیزه که ضعیف شد، اراده‌ها هم ضعیف می‌شود. اراده که ضعیف شد، در عمل خودش را نشان می‌دهد. [از دست] رفتند. آفت‌ها این است.[۵۱۴]

---

۵۱۲ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴
۵۱۳ – همان
۵۱۴ – همان

بی‌اخلاصی، مشکل ساز

اگر کسی در میدان جهاد فی‌سبیل‌الله دنبال یک خواسته‌ی شخصی برود؛ دنبال غنیمت برود و کشته شود؛ شهید فی‌سبیل‌الله نیست. شرط شهادت و شرط مجاهد فی‌سبیل‌الله بودن این است که حرکت او فی‌سبیل‌الله باشد، الله باشد؛ یعنی اخلاص داشته باشد. انگیزه‌های شخصی، انگیزه‌های گروهی، انگیزه‌های فامیلی، رودربایستی‌های رفاقتی اگر در حرکت ما تأثیر گذاشت؛ این اخلاص را مشوب می کند؛ مشکل درست می کند. بی‌اخلاصی، یک جائی خودش را نشان خواهد داد.[۵۱۵]

خودخواهی و خودپرستی پایه همه بدبختی های ملت ها

امروز وحدت در زیر سایه اسلام، حرکت در جهت سازندگی اسلامی، حرکت در جهت محکم کردن پایه‌های استقلال این کشور و حرکت در جهت تهذیب معنوی و روحی ضروری است. جوانان عزیز! از تهذیب و تزکیه روحی و قلبی غافل نشوید. پایه همه بدبختی های ملت ها، مسؤولان، بزرگ ها و کوچک ها، خودخواهی و خودپرستی و خود را عمده کردن و خدا کردن و ایجاد فرعونیت در درون دل است. گاهی انسان در بیرون قالب جسم خود – یعنی در ظاهر خود – هیچ نشانه فرعونیت ندارد؛ اما در دل، فرعون است. خودخواهی ها، خود پرستی ها، خود محوری ها، عمده کردن خود و خواست ها و تمایلات و شهوات و سود و منفعت خود، اینهاست که منشأ اغلب مفاسد زندگی است؛ لذا به سمت تهذیب نفس حرکت کنید. این حرکت های عمده – چه حرکت های در جهت سازندگی فضای کشور، سازندگی محیط های گوناگون، سازندگی درون دل – امروز فریضه‌ای است که بر دوش همه ماست.[۵۱۶]

تسلیم نشدن در برابر جاذبه های گناه

در مقابل جاذبه‌های گناه، تسلیم نشوید و در مقابل وسوسه شیطان، مقاومت کنید. شما می توانید و امتحان کردیم که شما می توانید. بالاترین وسوسه‌های شیطان، وسوسه حفظ نفس است. چقدر شما در زیر گلوله‌باران های پی درپی دشمن و آتش های انبوهی که دشمن، در جنگ بر سرتان می ریخت؛ جلو رفتید و نترسیدید! پیکر مطهر و مبارک رفیقتان را دیدید که پهلوی شما افتاد و شهید شد؛ اما شما جلو رفتید. شیطان در اینجاها وسوسه بسیار قوی دارد. شیطان می ترساند؛ «یخوّف اولیاءَه.» اما نتوانست شما را بترساند. نتوانست شما را در قبضه و تصرف خود بگیرد و در مقابل گناه هم نخواهد توانست.[۵۱۷]

بدانید امروز یکی از سلاح های دشمنانی که مرگ بر آن ها می گویید؛ این است که در مقابل جوانان ما دانه بپاشند – دانه گناه، دانه جاذبه‌های گناه، جاذبه‌های فساد – تا بلکه بتوانند آن ها را جذب کنند. نفس قوی باید بایستد و تسلیم این جاذبه‌ها نشود. مراقب باشید! جوانان

۵۱۵ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
۵۱۶ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۸/۶/۱۰
۵۱۷– بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷

بسیجی ما مؤمنند، مطهرند، پاکند؛ اما ممکن است در میان آن ها افرادی پیدا شوند که روح قوی نداشته‌باشند و تسلیم ترفند دشمن و شیطان گردند. اینجا، تقوا به درد می خورد. تقوا یعنی این‌که دایم مراقب خودمان باشیم و نگذاریم که اشتباه کنیم.[۵۱۸]

پرهیز از رفتار خشونت آمیز

این گونه حرکاتی که ملاحظه شد کسانی به دانشگاه حمله کنند؛ ناشی از بی انضباطی است؛ با هر نامی انجام گیرد؛ غلط و محکوم است. اگر با نام دفاع از دین هم انجام گیرد؛ غلط است؛ اگر با نام دفاع از ولایت هم انجام گیرد؛ غلط است. مگر من بارها نگفته ام در اجتماعات کسانی که مخالفند، هیچ کس نباید رفتار خشونت آمیز داشته باشد؛ چون این، دشمن را خوشحال می کند. بارها ما این حرف را گفتیم، چرا گوش نکردند؟! چرا گوش نمی کنند؟! حتی اگر یک حرفی که خون شما را به جوش می آورد به زبان آورند – مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند – باز هم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس مرا هم آتش زدند و یا پاره کردند؛ باید سکوت کنید.[۵۱۹]

ضرورت دوری، از جلوه‌های فریبنده مادی

همان عناصری که در میدان جنگ برای زمینگیر کردن نیروهای حزب اللهی و جلوگیری از پیشرفت آنان تلاش می‌کردند؛ امروز نیز دست‌اندرکار برنامه‌ریزی برای تأثیرگذاری بر وجود فاخر و ارزشمند نیروهای سپاه و بسیج هستند و برای بی‌اثر کردن برنامه‌ها و توطئه‌های آنان، لازم است که نیروهای مؤمن و انقلابی سپاه و بسیج فاصله خود را با جلوه‌های فریبنده دنیای مادیت، هر چه بیشتر حفظ کنند.[۵۲۰]

مسائل اقتصادی و مالی از دام‌های دشمن

البتّه خیلی باید برادران عزیزِ فرماندهان بسیج و سپاه مراقب باشند که فعّالیّت اقتصادی از جاهای لغزنده است؛ «چو گِل بسیار شد پیلان بلغزند»، حواسشان باشد. از دام‌های دشمن، یکی همین مسائل مالی و اقتصادی و مانند این‌ها است که باید خیلی مراقبت کرد، خیلی باید مواظب بود. چون انسان همیشه در معرض امتحان است، این را بدانید؛ و میدانید، در معارف اسلامی واضح است؛ یعنی انسان وقتی بلعم‌باعورا هم بشود –کسی که دعای او از درگاه خدا ردخور ندارد و هرچه دعا کند مستجاب می‌شود– و به اینجا هم برسد، باز جای لغزش وجود دارد، ممکن است بلغزد. یک خطّی است که شما دارید می‌روید بالا؛ در همه‌ی لحظات و آنات و قدم‌های این خطّی که دارید می‌روید بالا، پرتگاه زیر پایتان است؛ در همه‌ی آنات؛ هرچه بالاتر هم بروید، پرتگاه سخت‌تر و سهمگین‌تر و خطرناک‌تر خواهد شد؛ باید مراقبت کرد.[۵۲۱]

۵۱۸– همان

۵۱۹– متن کامل بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۴/۲۱

۵۲۰– بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان سپاه و بسیج مازندران ۱۳۷۴/۷/۲۴

۵۲۱ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴

سقوط و بی هویتی انسان، نتیجه انقطاع از خدا و معنویت

انسانِ بی خشوع، انسانِ منقطع از خدا و انسانِ بی معنویت، همین انسانِ بی هویتی می شود که امروز شما در اروپا و امریکا دارید مشاهده می کنید؛ همه چیز دارند به جز عدالت و آسایش و انسانیت و احترام به حقوق انسان ها، یعنی مدنیت جنگلی؛ صریحاً هم می گویند چون قدرت داری، باید اقدام کنی؛ چون تفنگ دستت هست، باید بزنی؛ اخلاق هیچ معنایی ندارد. البته این تازه اول کارشان است؛ هنوز به نقطه‌ی شیب تند سقوط نرسیده‌اند؛ اما خواهند رسید؛ این را من به شما عرض کنم. شماها آن روز را می بینید که همین غرب، همین اروپا و امریکا، به آن نقطه‌ی شیب تندِ سقوط رسیده‌اند و دیگر نمی توانند خودشان را کنترل کنند؛ لذا ساقط خواهند شد.[۵۲۲]

امروز اگر در دنیا ظلم و سلطه وجود دارد و تمدن خشن غربی، دنیا را از فضای خشونت و ظلم و زورگویی و ناحق‌گویی – تسلط قدرت ها بر ملت ها، غارت اموال ملت ها به وسیله‌ی مراکز جهانی – پُر کرده است، این ها به خاطر انزوای معنویت و اخلاق انسانی است. وقتی معنویت و اخلاق و فضیلت منزوی شد و کسی جرأت نکرد در دنیا فضایل اخلاقی را به عنوان ارزش های طراز اول مطرح کند، شر و فساد غلبه خواهد کرد و پول و زور، ارزش خواهد شد و صاحبان پول و زور برای باز کردن راه به سوی هدف های خود، هیچ مانعی را ملاحظه نخواهند کرد و دنیا همان چیزی می شود که امروز وجود دارد. دهها سال است که ملتی مثل فلسطین، زیر دست و پای ظلم و ستم قهاران و ستمکاران عالم لگدمال می شود؛ اما این مظلومیت به این عظمت، در دنیا انعکاسی ندارد! دستگاه های تبلیغاتی دنیا در خدمت ظالم و ظلم و ادامه‌ی این ظلم کار می کنند. از قبیل قضیه‌ی فلسطین، قضایای کوچک و بزرگ دیگری در صد سال، صدوپنجاه سالی که قدرت های استعماری دنیا را قبضه کرده‌اند؛ وجود داشته و دارد که در زمان خود ما موارد متعددی را به چشم شاهد و ناظر بوده‌ایم. این به خاطر آن است که معنویت منزوی است.[۵۲۳]

از دست دادن تقوا، عامل فساد جامعه

آنچه که جامعه ما را فاسد می کند؛ غرق‌شدن در شهوات است؛ از دست‌دادن روح تقوا و فداکاری است؛ یعنی همان روحیه‌ای که در بسیجی هاست. بسیجی باید در وسط میدان باشد تا فضیلت های اصلی انقلاب زنده بماند. دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط سعی می کند جوان های ما را از مابگیرد.[۵۲۴]

بیچاره کسانی که از یاد خدا غافل می‌شوند! نسیان و غفلت – غافل شدن از خدا – بزرگ ترین بلایی است که بر سر انسان می‌آید. «یاد» که باشد، گناه می‌گریزد.

---

۵۲۲ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی. ۱۳۸۴/۳/۵
۵۲۳– بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱
۵۲۴ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۱۳۷۱/۴/۲۴

«یاد» که باشد؛ دل با طراوت می‌ماند و صفحه‌ی دل نورانی و شفاف شما، مقابل خورشیدِ ذات مقدس ربوبی قرار می‌گیرد؛ مثل آیینه‌ای که مقابل خورشید نگهدارید؛ می‌بینید که چطور می‌درخشد! البته یادِ با معرفت.[۵۲۵]

آن چیزی که من از بزرگان شنیدم و به شما عرض می کنم، یک کلمه است؛ مهم‌ترین کار برای اعتلای معنوی و روحی، پرهیز از گناه است؛ این مهم‌ترین کار است. سعی کنید از گناه پرهیز کنید. گناه‌ها هم مختلفند؛ هم گناه زبان هست؛ هم گناه‌های مربوط به چشم هست؛ هم گناه‌های مربوط به دست هست؛ انواع گناهان هست؛ گناه‌ها را بشناسید؛ خودتان را مراقبت کنید. تقوا! تقوا یعنی همین، تقوا یعنی مراقبت؛ در یک جاده‌ی خطرناک وقتی دارید حرکت می کنید؛ دقیق مراقبید؛ این تقوا است. مراقبت کنید؛ از گناه پرهیز کنید؛ این مهم‌ترین راه اعتلای معنوی است. البته بلافاصله بعد از این، انجام فرائض است؛ در میان فرائض هم از همه مهم‌تر نماز است؛ نماز اول وقت، باحضور قلب. حضور قلب یعنی این که شما وقتی نماز می خوانید؛ بدانید دارید با کسی حرف می زنید؛ مخاطب دارید. توجه به این داشته باشید. گاهی هم حواس انسان پرت می شود؛ عیبی ندارد؛ به‌مجرد این که باز حواس انسان جمع شد؛ همان حالت و احساس داشتن مخاطب را در خودش احیاء کند و زنده نگه دارد؛ این حضور قلب است. نماز با حضورِ قلب، نماز اول وقت، حتی‌المقدور نماز به جماعت، این چیزها را رعایت کنید؛ شما اعتلای روحی پیدا خواهید کرد؛ فرشته خواهید شد؛ از فرشته بالاتر خواهید شد؛ این را شما بدانید. شماها جوانید، دلهایتان پاک است؛ روحهایتان پاک است، آلودگی ندارید یا خیلی کم دارید؛ به سن ما که انسان برسد مشکلاتش خیلی زیاد می شود؛ بنابراین اگر این را رعایت بکنید؛ هیچ نصیحت دیگری لازم نیست.[۵۲۶]

۵۲۵ – بیانات در جمع رزمندگان و بسیجیان بندرعباس ۱۳۷۶/۱۱/۳۰
۵۲۶ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰

فصل سوم

بصیرت و دشمن شناسی

۱-بصیرت

الف. مفهوم شناسی بصیرت

تشخیص خط درگیری با دشمن

یکی از مسائل مهم، مساله‌ی بصیرت است. من به شما عرض بکنم؛ بصیرت در این دوران و در همه‌ی دوران ها به معنای این است که شما خط درگیری با دشمن را تشخیص دهید؛ کجا با دشمن درگیری است؟ بعضی‌ها نقطه‌ی درگیری را اشتباه می کنند؛ خمپاره و توپخانه‌ی خودشان را آتش می کنند به سمت یک نقطه‌ای که آنجا دشمن نیست؛ آنجا دوست است. ...خط درگیری با دشمن را باید ترسیم کرد، مشخص کرد؛ این بصیرت می خواهد. بصیرتی که ما عرض می کنیم؛ این است. یک عده‌ای از آن طرف می‌افتند؛ یک عده‌ای از این طرف می‌افتند. یک عده‌ای با دشمن هم معامله‌ی دوست می کنند؛ فریاد دشمن را هم نمی شناسند، چون از حنجره‌ی دیگری در می‌آید؛ یک عده هم از این طرف، هرکسی که اندک اختلاف سلیقه‌ای با آن ها دارد؛ به حساب دشمن می گذارند! بصیرت، آن خط وسط است؛ آن خط درست است.[۵۲۷]

بدانید چه می خواهید

بصیرت یعنی این که بدانید چه می خواهید؛ تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید.[۵۲۸]

مفهوم بصیرت بسیجی

بصیرت بسیجی این است که بداند امروز با تکیه به چه ایمانی و در مقابل چه کسی ایستاده است. خیال نکنید مخالفان شما چهار نفر آدمی هستند که به ظاهر ممکن است با اخم به شما نگاه کنند؛ نه این ها برادران و خواهران شما هستند و حداکثر این است که در زمینه‌ای اشتباه می کنند. مخالفان و دشمنان شما قدرت های استکباری و غارتگران بین‌المللی و کمپانی های بزرگ اقتصادی دنیا هستند که تقریباً به طور کامل همه‌ی رسانه‌های جمعی را در اختیار دارند[۵۲۹]

مفهوم شناسی بصیرت و صبر

ملت ایران این تجربه‌ی بزرگ را امروز در مقابل ملت های دیگر قرار داده است؛ تجربه‌ی موفقیتِ ناشی از دو عامل بصیرت و صبر؛ بصیرت یعنی گم نکردن راه، اشتباه نکردن راه، دچار بی راهه‌ها و کج راهه‌ها نشدن؛ تأثیر نپذیرفتن از وسوسه‌ی خناسان و اشتباه نکردن کار و هدف و صبر یعنی ایستادگی. نسل ها دست به دست به یکدیگر تحویل می دهند. امروز به حول و قوه‌ی الهی نسل جوانی در کشور ما حضور دارد که دوران انقلاب را ندیده است؛ دوران جنگ را درست درک نکرده است؛ اما در عین حال با همان روحیه، با همان احساس، با همان انگیزه،

۵۲۷- بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۴
۵۲۸- بیانات در دیدار با مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۷/۱۵
۵۲۹ - بیانات در دیدار بسیجیان و کارکنان سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶

با همان تصمیم قاطع، در میدان ایستاده است؛ این خیلی مهم است؛ این هنر انقلاب اسلامی است. باید عوامل این ایستادگی و این بصیرت را در میان خودمان تقویت کنیم.[۵۳۰]

بصیرت یعنی فهم قضایا و هدف آن ها

امروز هم بهترین حرف ها، بهترین راه ها، بزرگترین درس ها، شفابخش‌ترین داروها برای بشریت توی همین مجموعه‌ی امت اسلامی است – اینجور به وجود آمد؛ گسترش پیدا کرد و ریشه‌دار شد؛ والا صرف این که حق با ما باشد؛ ما پیش نمی رویم؛ حق همراه با ایستادگی. امیرالمؤمنین – بارها من این جمله را از آن بزرگوار نقل کردم – در جنگ صفین فرمود: «لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر». این پرچم را کسانی می توانند بلند کنند که اولا بصیرت داشته باشند؛ بفهمند قضیه چیست، هدف چیست؛ ثانیا صبر داشته باشند. صبر یعنی همین استقامت، ایستادگی، پابرجائی؛ این را ما باید از بعثت درس بگیریم.[۵۳۱]

بصیرت یعنی روشن بینی و آمادگی برای حرکت در راه اسلام

ملت عزیز ایران: این وحدت و این یکپارچگی و این تمسک شما به ارزش های معنوی، بزرگترین دستاوردی است که به شما کمک می‌کند که بتوانید در مقابل افزون‌طلبی و زیاده‌خواهی و تعدی و تجاوز استکبار ایستادگی کنید؛ این را حفظ کنید؛ این بسیار ارزش دارد. همین نمازهای عید، همین اجتماعات عظیم، همین راهپیمایی‌های پرشکوه، همین جوان های پرانگیزه و همین ملت آماده‌ی برای حرکت، قیام، دفاع و جهاد در راه اسلام، توانسته است به همه‌ی امت اسلامی عزت ببخشد. عزت و قدرت شما مردم در گرو تمسک به همین وحدت، همین یکپارچگی، همین بصیرت و روشن‌بینی است.[۵۳۲]

امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) در جای دیگر می فرماید: «فانّما البصیر من سمع فتفکّر و نظر فأبصر»؛ بصیر آن کسی است که بشنود؛ گوش خود را بر صداها نبندد؛ وقتی شنید؛ بیندیشد. هر شنیده‌ای را نمی شود به صرف شنیدن رد کرد یا قبول کرد؛ باید اندیشید. «البصیر من سمع فتفکّر و نظر فأبصر». نَظَرَ یعنی نگاه کند؛ چشم خود را نبندد.[۵۳۳]

ب.ضرورت و اهمیت

اسلام بصیرت را لازم می داند

اسلام برای انسان، تربیت و تهذیب نفس و به دست آوردن بصیرت را لازم دانسته و در خلال برنامه‌های اسلامی، آن ها را تأمین کرده است. بصیرت جوان، یعنی این‌که او بداند با چه وسیله و انگیزه‌ای دنبال این هدف است؛ بداند کجا می رود و چه کار می کند. امروز ملت ایران و به

۵۳۰- بیانات در دیدار با مردم قم به مناسبت سالروز ۱۳۱۹/۱۰/۱۹/۱۰/۱۳۹۰
۵۳۱- دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم (ص) ۱۳۸۷/۵/۹
۵۳۲- بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۳/۸/۲۴
۵۳۳- بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴

خصوص جوانان از بصیرت برخوردارند؛ این را همه می فهمند.[۵۳۴]

لزوم بصیرت، برای تشخیص درست دوست از دشمن

بنده بارها این جبهه‌های سیاسی و صحنه‌های سیاسی را مثال می زنم به جبهه‌ی جنگ. اگر شما تو جبهه‌ی جنگ نظامی، هندسه‌ی زمین در اختیارتان نباشد؛ احتمال خطاهای بزرگ هست. برای همین هم هست که شناسائی میروند. یکی از کارهای مهم در عمل نظامی، شناسائی است؛ شناسائی از نزدیک، که زمین را بروند ببینند: دشمن کجاست؛ چه جوری است؛ مواضعش چگونه است؛ عوارضش چگونه است؛ تا بفهمند چه کار باید بکنند. اگر کسی این شناسائی را نداشته باشد؛ میدان را نشناسد؛ دشمن را گم بکند؛ یک وقت می‌بینید که دارد خمپاره‌اش را، توپخانه‌اش را آتش می کند به طرفی، که اتفاقاً این طرف، طرفِ دوست است؛ نه طرفِ دشمن؛ نمیداند دیگر؛ عرصه‌ی سیاسی عیناً همینجور است. اگر بصیرتَ نداشته باشید؛ دوستَ را نشناسید؛ دشمن را نشناسید؛ یک وقت می‌بینید آتش توپخانه‌ی تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتمع اند، نه دشمنان؛ آدم دشمن را بشناسد؛ در شناخت دشمن خطا نکنیم. لذا بصیرت لازم است؛ تبیین لازم است.[۵۳۵]

در این عرصه‌ی رویاروئی و رزم انسانی و جنگ اراده‌ها، آنچه که می تواند تعیین‌کننده باشد؛ عبارت است از تصمیم و اراده و بصیرت و روشن‌بینی.[۵۳۶]

من می خواهم روی مساله‌ی بصیرت باز هم تأکید کنم. این تأکید من در واقع با این انگیزه است که شما که خودتان مخاطبید؛ خودتان میدانداريد؛ کار بر دوش شماست؛ بروید سراغ کارها و برنامه‌ریزی‌هائی که با بصیرت‌یافتن ارتباط دارد؛ این نیاز مهم را تأمین کنید. بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله‌نما و قطب‌نماست. توی یک بیابان انسان اگر بدون قطب‌نما حرکت کند؛ ممکن است تصادفاً به یک جائی هم برسد؛ لیکن احتمالش ضعیف است؛ احتمال بیشتری وجود دارد که از سرگردانی و حیرت، دچار مشکلات و تعب های زیادی شود. قطب‌نما لازم است؛ به خصوص وقتی دشمن جلوی انسان هست. اگر قطب‌نما نبود؛ یک وقت شما می‌بینید بی‌سازوبرگ در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ آن وقت دیگر کاری از دست شما برنمی‌آید. پس بصیرت، قطب‌نما و نورافکن است. در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را به ما نشان می دهد.[۵۳۷]

توصیه اصلی، افزایش بصیرت

اگر من بخواهم یک توصیه به شما بکنم؛ آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید؛ بصیرت؛ بلاهائی که بر ملت ها وارد میشود در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است.

۵۳۴ – بیانات در دیدار بسیجیان و کارکنان سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶
۵۳۵– بیانات در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۱۸
۵۳۶– بیانات در اجتماع مردم اسفراین ۱۳۹۱/۷/۲۲
۵۳۷– بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴

خطاهائی که بعضی از افراد می کنند – می‌بینید در جامعه‌ی خودمان هم گاهی بعضی از عامه‌ی مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهائی می کنند. نخبگان که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند؛ گاهی خطاهایشان اگر کماً هم بیشتر نباشد؛ کیفاً بیشتر از خطاهای عامه‌ی مردم است – بر اثر بی‌بصیرتی است؛ خیلی‌هایش، نمیگوئیم همه‌اش.[۵۳۸]

هر گونه حرکت عمومی، به یک بصیرت عمومی احتیاج دارد

این که ملاحظه می کنید بنده مکرر در دیدار جوان ها، دانشجویان، قشرهای مختلف مردم، بر روی بصیرت تکیه می کنم؛ برای این است که در وضع بسیار مهم امروز دنیا و موقعیت استثنایی کشور عزیز ما ـ امروز در دنیا که موقعیت ممتازی است ـ هر گونه حرکت عمومی به یک بصیرت عمومی احتیاج دارد. البته من این را به شما بگویم: امروز بصیرت جوان های ما هم از جوانان آن روزگار اول انقلاب و در اثنای انقلاب، یقینا بیشتر است. خیلی چیزها را شما امروز می دانید؛ برای شما جزء واضحات است؛ که آن روزها باید برای جوان ها، آن ها را شرح می دادیم؛ بیان می کردیم؛ اما امروز جوان های ما این ها را می دانند؛ بصیرت بالاست. در عین حال من تأکید می کنم بر روی بصیرت.[۵۳۹]

تشخیص درست از طرُق صحیح

در مسائل جاری کشور و مسائل مربوط به امور سیاسی، همواره فکر کنید. تشخیص درست را از طرُق صحیح خودش به دست آورید و بر آن، پا بفشارید. آن چیز صحیح، این است. اگر انسان، دچار بعضی از کج‌فهمی ها نشود و آنچه را که خدای متعال از انسان – طبق تشخیص آدم – خواسته است؛ انجام دهد، خدا هم کمک خواهد کرد؛ یعنی هیچ دغدغه‌ای از این جهت وجود ندارد؛ خدای متعال کمک می کند.[۵۴۰]

بصیرتی عمار گونه

شما افسران جوان جنگ نرم هستید و عرصه‌ی جنگ نرم، بصیرتی عمار گونه و استقامتی مالک‌اشتر وار می طلبد؛ با تمام وجود، خود را برای این عرصه آماده کنید.[۵۴۱]

رفتار منطقی و عقلائی همراه با بصیرت

انقلابی باید بصیر باشد؛ باید بینا باشد؛ باید پیچیدگی‌های شرائط زمانه را درک کند. مساله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم؛ یکی را اثبات کنیم؛ یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمی شود. باید دقیق باشید؛ باید شور انقلابی را حفظ کنید؛ باید با مشکلات هم بسازید؛ باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید؛ اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مأیوس نشوید؛ در

۵۳۸- بیانات در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۱۸
۵۳۹- بیانات در دیدار با مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵
۵۴۰- بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران ۱۳۷۶/۱۱/۱۱
۵۴۱- پیام شفاهی به تشکل‌های دانشجویی انقلابی ۱۳۹۲/۱۱/۲۳

صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد؛ شما را عصبانی نکند؛ شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلائی یک چیز لازمی است.[۵۴۲]

تحلیل درست، حضور هوشیارانه، بانشاط و فعال در صحنه

مسؤولیت بزرگ دانشجویان بسیجی تحلیل درست، بررسی کارشناسانه و ریشه یابی مسایل اساسی کشور و جهان اسلام و حضور هوشیارانه، بانشاط و فعال در صحنه است.[۵۴۳]

ضرورت کسب قدرت تحلیل و تشخیص در شناخت نقشه‌ی دشمن

قدرت تحلیل باید پیدا کرد؛ قدرت تشخیص باید پیدا کرد. امام – کسی که پدر همه‌ی این جریان بود؛ حق حیات به گردن جامعه و این حرکت عظیم داشت – فرمودند اگر من از اسلام جدا شوم؛ مردم از من رو برخواهند گرداند. شاخص، اسلام است؛ شاخص، اشخاص نیستند؛ این حرف امام (رضوان الله علیه) است. او به ما یاد داد که راه را تشخیص بدهیم؛ حرکت صحیح را تشخیص بدهیم؛ نقشه‌ی دشمن را بفهمیم و بخوانیم تا بتوانیم بفهمیم کدام کار در جهت دشمن و در خط دشمن است و کدام کار در ضد اوست. پس بصیرت، عنصر اول است. بصیرت را نباید فراموش کرد.[۵۴۴]

فکر و تحلیل و روشن بینی، نیاز اساسی بسیج دانشجویی

بسیج دانشجویی نیازهائی دارد؛ نیازهای اصلی و عنصری و اساسی: نیاز اولش به فکر و تحلیل و روشن بینی است. فکر، تفکر، اندیشه پردازی – یا به قول شماها کار تئوریک – در زمینه ی مسائل اسلام، در زمینه ی مسائل انقلاب، در زمینه ی مسائل بین المللی و در زمینه ی مسائل جاری، به طوری که دانشجوی بسیجی، در هر جمع دانشجویی، ذهن روشن تر، زبان گویاتر و ابتکار بیشتری داشته باشد.[۵۴۵]

آگاهی سیاسی را در خودتان تقویت کنید که فریب تبلیغات دشمن را نخورید؛ این هم یک رکن اساسی است. از این هم نمی شود گذشت؛ به خصوص شما جوانانی که مشغول تحصیل علم هستید؛ نمی توانید از این بگذرید.[۵۴۶]

۵۴۲– بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۱۳۸۹/۷/۲۹
۵۴۳–بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکل بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۷۹/۱۱/۲۴
۵۴۴ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
۵۴۵– بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱
۵۴۶– بیانات در آستانه سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار ۱۳۷۳/۸/۱۱

آگاهی های بسیج

بسیج چه آگاهی هایی را باید در خود تقویت کند؟ آگاهی اول همین چیزی است که عرض شد؛ فلسفه‌ی وجود بسیج و فلسفه‌ی برنامه و عملکرد بسیج؛ مبادا کسی خیال کند که بسیج یک چیز خودرو، بی برنامه و بی انضباط است. این‌طور چیزی نیست. این، آن تصوری است که دشمنان بسیج می خواهند القاء کنند. بسیج از اول که به وجود آمد و نام بسیج به خود گرفت؛ عبارت بود از یک حرکت آگاهانه در دوران جنگ تحمیلی که در سال ۵۹ شروع شد. جوان در این مملکت کم نبود؛ خیلی از این جوان ها اصلاً اعتنا نکردند به این‌که جنگی در مرزهای این کشور هست؛ مشغول خورد و خواب خودشان شدند. اگر کسی برای آن ها از جبهه سخن می گفت، احیاناً پوزخندی هم می زدند. تابستان ها خوزستان گرم است؛ زمستان ها منطقه‌ی شمال غربی سرد است. از پای کولر راحت و آب خنک داخل یخچال و آغوش گرم پدر و مادر بیرون آمدن؛ از کنار مزرعه‌ی محصول بر زمین مانده بیرون آمدن؛ یا کار کارخانه‌ای را که ممکن بود بعداً از او بگیرند؛ یا اداره‌ای را که ممکن بود بعداً دیگر به آن‌جا راهش ندهند؛ رها کردن و بیرون آمدن و رفتن به خوزستان گرم و شمال غرب سرد، برای همه گوارا نبود. خیلی ها نکردند؛ نشستند تماشا کردند. وقتی شهرها را بمباران کردند؛ از آن شهرهایی که بمباران می شدند؛ رخت و لباس برداشتند و به شهر دور دست‌تر رفتند. یک عده این‌گونه عمل کردند. این ها هم ایرانی بودند؛ خیلی هایشان هم مسلمان بودند؛ اما آن همت را نداشتند. در چنین هنگامه‌ای، عده‌ی دیگری پیدا شدند؛ از جاهای مختلف، از قشرهای مختلف، در سنین مختلف، زن و مرد؛ این ها آن راحتی را، آن خنکای تابستان را، آن کرسی گرم زمستان را رها کردند؛ آغوش پدر و مادر را رها کردند؛ محصول روی زمین مانده را رها کردند؛ کار کارخانه و اداره را رها کردند؛ درس دانشگاه و مدرسه را رها کردند و به سمت جبهه راه افتادند. چرا؟ چون احساس کردند که دشمن مرزها را شکسته و وارد میهن اسلامی شده است. اگر جوان، ایثارگرانه به استقبال دشمن نرود، دشمن به سراغ او در شهر و در خانه‌ی او خواهد آمد. این ها وظیفه‌ی جهاد اسلامی را ادراک کردند؛ فهمیدند، همت گماشتند و رفتند. این ها بسیجی هستند. این ها همان کسانی هستند که خداوند متعال در قرآن فرمود: «فضّل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیما». مجاهدین یعنی همین ها؛ قاعدین یعنی آن ها که در خانه نشستند. قاعد، یعنی نشسته؛ مجاهد، یعنی تلاشگر راه خدا.[۵۴۷]

آن جوانی، آن پیری، آن دانش‌آموزی، آن دانشجویی که درس خود را رها می کند؛ آن مردی که خانواده‌ی خود را به امان خدا رها می کند؛ آن کسی که دکان خود را رها می کند؛ آن ورزشکاری که مسابقات و افتخارات را رها می کند و به سمت جبهه راه می افتد؛ این ناآگاه است؟! این ناآگاه است یا آن کسی که خیر و راحتی نقد خودش را بر خیر مملکت و سرنوشت کشور و ملتش ترجیح می دهد؟! بسیجی آگاه است؛ بسیجی با آگاهی شروع می کند؛ کمااین‌که بسیج با آگاهی شروع شد. چون آگاهی بود، خشنودی هم بود؛ بسیجی ها در جبهه شاد بودند. من خودم در اهواز مردی را دیدم که جوان هم نبود – به گمانم همان وقت بعد از شهادتش،

۵۴۷- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶

در نماز جمعه‌ی تهران هم این خاطره را گفتم – شب می خواستند به عملیات بسیار خطرناکی بروند؛ آن وقتی بود که عراقی ها از رود کارون عبور کرده بودند و به این طرف آمده بودند و در زمین پهن شده بودند. خرمشهر داشت به‌کلی محاصره می شد – سال ۵۹؛ در عین خطر – شب لباس رزم، لباس نظامی – همین لباس بسیجی – را پوشیده بود و با رفقایش داشتند می رفتند. او آذربایجانی بود؛ اما در تهران تاجر بود؛ داشت با تلفن از منزلش خداحافظی می کرد. من نشسته بودم؛ نمی دانست که من هم ترکی بلدم؛ به زنش می گفت «گد یروخ گناخلقا»؛ او هم می فهمید که «گناخلوق، نجور گناخلو خدی»! هم این آگاه بود؛ هم آن آگاه بود؛ می فهمیدند چه کار می کنند. بسیجیان آگاهانه حرکت کردند: جوان، آگاه؛ نوجوان، آگاه – نوجوان سیزده، چهارده ساله آگاهانه رفت؛ از این قبیل هم ما دیدیم – پیرمردهایی را هم دیدیم با محاسن سفید – از امروزِ من پیرتر – که در جبهه مشغول بودند؛ دکتر هم دیدیم؛ روستایی بیسواد هم دیدیم؛ دانشجو هم دیدیم؛ کاسب هم دیدیم. بسیجی با آگاهی شروع می کند. بسیج از روی آگاهی شروع شد. چطور ممکن است کسی بسیج را به ناآگاهی متهم کند؟! دشنام است دیگر، فحش را همه رقم می شود داد. کسی که تقوا نداشته باشد؛ ممکن است نسبت به اولیا هم چیزهایی بگوید.[۵۴۸]

نقش بسیج در مسائل کلان سیاسی

همان‌طور که امام فرمودند؛ سپاه، ارتش و نیروهای مسلح نباید در سیاست دخالت کنند؛ اما معنای فرموده‌ی امام این نیست که نیروی عظیم بسیج، حق ندارد در قضیه‌ی عظیمی مثل انتخابات، حرکت شایسته و مناسبی انجام دهد. چرا مسائل را با هم مخلوط می کنند؟![۵۴۹].

آگاهی‌های ضروری بسیجی

در اینجا سه سؤال مهم مطرح است: اول، چه کسانی بسیجی را گرامی می‌دارند؟ دوم، چه کسانی از بسیجی عصبانی یا ناراحت‌اند؟ سوم، بسیجی چه وظایفی را باید بر خودش حتم و لازم کند؟ شناختن موضع‌گیری‌ها، اشخاص و ابعاد گوناگون آن‌ها، یکی از وظایف هر مسلمانی است. مسلمان باید آگاه باشد – فرق هم نمی‌کند؛ همه باید این آگاهی را داشته باشند – این آگاهی، آگاهی کلاس و درس و دیپلم و لیسانس و اجازه‌ی اجتهاد و علوم حوزه‌ای نیست؛ این آگاهی همگانی است که شهری و روستایی، باسواد و بی‌سواد، پیر و جوان، زن و مرد، اگر بسیجی است؛ باید این آگاهی‌ها را پیدا کند.[۵۵۰]

ضرورت هوشیاری و بیداری

امروز متأسفانه دشمنان ملت ایران توانسته‌اند حتی تا پشت مرزهای ما حضور پیدا کنند. درگذشته و اوایل انقلاب هم طراحی‌ها مال دشمنان بود؛ دشمنان قدرتمند، استکبار، صهیونیست، اما امروز

۵۴۸– همان

۵۴۹– بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) ۱۳۷۵/۳/۲۰

۵۵۰– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶

همان‌ها با تحولاتی که در منطقه پیش‌آمده؛ پایگاه‌ها و مراکزی را در کنار مرزهای جغرافیائی شما به وجود آورده‌اند و از آن برای فعالیت‌های نرم و بسیار خصمانه استفاده می‌کنند. همه باید هوشیار باشند و من به‌خصوص به جوان‌ها عرض می‌کنم: جوانان عزیز! میهن شما امروز احتیاج دارد به آگاهی، به بیداری. حرکات کسانی را که دل‌ها را از وحدت و صمیمیت می‌خواهند دور کنند؛ رصد کنید. امروز در میدان شهر به همه عرض کردم؛ به شما هم عرض می‌کنم: کسانی می‌خواهند به هر وسیله‌ای، به هر بهانه‌ای، میان آحاد ملت اختلاف و تفرقه به وجود بیاورند. هرکسی که دیدید در این زمینه کار می‌کند؛ درباره‌ی او داوری کنید که سرانگشت دشمن است؛ بداند یا نداند. ممکن است ندانند؛ اما سرانگشت دشمن‌اند؛ برای دشمن کار می‌کنند. نتیجه یکی است؛ آن‌کسی که دانسته به شما ضربه می‌زند؛ با آن‌کسی که ندانسته همان ضربه را وارد می‌کند؛ باهم فرقی درنتیجه ندارند. باید هوشیار بود؛ باید بیدار بود.[۵۵۱]

امریکا و ایادی استکباری و دنباله‌روها و جیره‌خوارهایش، از این نمی‌گذرند؛ مبارزه می‌کنند. توطئه، حیله‌گری و کید و مکر می‌کنند. مثل این‌که تابه‌حال در این هجده سال کردند. البته کید و مکر دشمن، در مقابل آگاهی و بیداری و حضور و فعالیت درستِ ملت و دولت، خنثی خواهد شد و اثری نمی‌کند؛ اما باید بیدار بود؛ باید هوشیار بود؛ باید رابطه را باخدا قوی کرد؛ باید اخلاص را تقویت کرد.[۵۵۲]

چطور دشمن را بشناسیم؟ چطور تمایلات او را کشف کنیم؟ چطور بفهمیم که این کار به نفع دشمن یا به ضرر دشمن است؟ این همان نقطه‌ی اساسی است. این همان‌جایی است که به اهتمام کامل، مطلقاً سهل‌انگاری نکردن و هوشیاری و بیداری کامل احتیاج دارد. اگر هم در جایی برای انسان مطلب روشن نیست؛ آنجا نباید حرکت کند. اگر دیدید زیر پا محکم است، پا بگذارید؛ اگر دیدید مشکوک است؛ پا نگذارید؛ بنابراین محافظه‌کار نباشید؛ اما هوشیار باشید؛ این، آن خط سیاسی است. البته سخت است و آسان نیست؛ اما شما هم مرد کارِ سختید؛ بسیجی هستید و باید این کار سخت را به عهده بگیرید.[۵۵۳]

تهاجم فقط تهاجم نظامی نیست. دشمن به آن نقاطی متوجه می‌شود که پشتوانه‌ی استقامت ملی ماست. دشمن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی را هدف قرار می‌دهد. دشمن روحیه‌ی صبر و استقامت مردان وزنان ما را هدف قرار می‌دهد؛ این تهاجم از تهاجم نظامی خطرناک‌تر است. در تهاجم نظامی شما طرفتان را می‌شناسید؛ دشمنتان را می‌بینید؛ اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی‌بینید. هوشیاری لازم است.[۵۵۴]

مگر مجموعه‌ی بسیجی – آن‌هم بسیجیِ انقلاب و دانشجوی انقلاب – می‌تواند نسبت به مسائل سیاسی کشور بی‌تفاوت یا بدون موضع و بدون نظر باشد؟! مگر چنین چیزی ممکن

۵۵۱– بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲
۵۵۲ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
۵۵۳ – بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱
۵۵۴ – بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲

است؟! من، شما دانشجوهای بسیجی را توصیه می‌کنم به این‌که محافظه‌کار نشوید و همواره دانشجو و بسیجی – به همان معنای مثبت و پُرخون و پُرتپش – باقی بمانید. البته دنباله‌ی این‌که می گوئیم «محافظه‌کار نشوید» این است که «ولی هوشیار هم باشید». کاملاً هوشیار باشید. شعار می‌دهید: دانشجو بیدار است! بله همین توقع هست؛ من می‌خواهم به شما عرض بکنم: بیدارباشید؛ بیداری دانشجو هم فقط بیزاری از امریکا نیست.[۵۵۵]

ضرورت هوشیاری مضاعف بسیج

بسیج، در سرتاسر کشور هوشیار باشد. همه‌ی نیروهای مسلح – ارتش، سپاه و نیروهای انتظامی – باید هوشیار باشند. همه باید هوشیار باشند؛ اما بسیج، احتیاج به هوشیاری مضاعف دارد. آحاد بسیج در هر جا هستند – در شهر، در ده، در عشایر، در دانشگاه، در حوزه‌ی علمیه، در دبیرستان، در بازار، در اداره، در کارخانه – باید هوشیار باشند. دشمن، برای ضربه زدن به انقلاب و اسلام، از یک‌راه نمی‌آید؛ از راه‌های مختلف می‌آید. باید چشمتان را بازکنید؛ متوجه باشید و دشمن را بشناسید.[۵۵۶]

درباره مسائلی که اخلال‌کننده‌ی در کارهاست؛ ما باید هوشیار باشیم؛ هم دستگاه‌ها باید هوشیار باشند؛ هم خودِ جوان‌ها. همین‌جا بگویم که من به مسئله‌ی شیوع اعتیاد و حالت ولگردی و بیکارگی و به بعضی از تحرکات سیاسی به‌هیچ‌وجه به چشم یک پدیده‌ی عادی و متعارف نگاه نمی‌کنم. پشت همه‌ی این‌ها، دست‌ها و مغزهای پلید و توطئه‌گرِ دشمن را من مشاهده می‌کنم؛ البته باید مبارزه کنیم. مگر از دشمن می‌شود انتظار دشمنی نکردن داشت؟! پشت سر سوق دادن جوان‌ها به بی‌بندوباری، ولنگاریِ شهوانی و جنسی – که دارند برای این کار تلاش می‌کنند – دست و سرانگشت دشمن هست. مسئله، مسئله‌ی سیاسی است؛ مسئله‌ی امنیتی است؛ مسئله‌ی اجتماعیِ معمولی نیست. شما جوان‌ها همیشه به یاد داشته باشید که پشت سر مسئله‌ی اعتیاد، مسئله‌یَ گرایش به سمت لاابالی‌گری و رهاییِ شهوانی و جنسی و مسائلی از این قبیل، دست‌ها و مغزهای سیاسی است که در اتاق‌های سیاست‌گذاری در دنیا برای این کار نقشه‌کشی‌ها انجام می‌شود. این را ما روی حدس نمی‌گوییم؛ این‌ها را دانسته‌ایم؛ فهمیده‌ایم و شناخته‌ایم.[۵۵۷]

آن چیزی که همیشه من آرزو داشتم؛ از خدا می‌خواستم و برای آن تلاش می‌کردم؛ در بیانات شما جوانان عزیز بسیجی به‌طور مجسم مشاهده کردم و آن عبارت است از: وجود یک ذهنیت شفاف و روشن، یک درک متعالی از مسائل کشور و مسائل جهان، اهمیت بسیج و اهمیت حضور جوان در محیط علمی و در محیط سیاسی. نقطه‌نظرهایی که من همیشه تلاش می‌کردم که جامعه‌ی جوانِ مؤمن و انقلابیِ ما، به آن‌ها توجه کنند و در آن‌ها پیشرفت کنند.[۵۵۸]

۵۵۵ – بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱
۵۵۶ – بیانات در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۷
۵۵۷ – بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۶
۵۵۸ – بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱

برنامه‌ریزی برای تقویت بصیرت

ما باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم. مراکز فکر، کانون‌های فکر، مراکز سیاسی و فرهنگی ... این کارها را باید بکنند و می‌کنند هم، آن چیزی که من درمجموع می‌توانم عرض کنم؛ این است که یک زمینه‌ی اساسی برای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت هست که این را من بارها تذکر دادم؛ اینجا هم لازم می‌دانم یک‌قدری درباره‌اش بیشتر صحبت کنم و آن، مسئله‌ی بصیرت یافتن است. در باب بصیرت، بنده در سال اخیر و قبل از آن خیلی صحبت کردم؛ ... من می‌خواهم روی مسئله‌ی بصیرت بازهم تأکید کنم. این تأکید من درواقع با این انگیزه است که شما که خودتان مخاطبید، خودتان میداندارید، کاربر دوش شماست؛ بروید سراغ کارها و برنامه‌ریزی‌هایی که با بصیرت یافتن ارتباط دارد؛ این نیاز مهم را تأمین کنید.[۵۵۹]

بصیرت، شرط لازم موفقیت کامل

برای موفقیت کامل، بصیرت، شرط لازم است؛ اما شرط کافی نیست. به تعبیر طلبگی ماها، علت گروهه‌ی موفقیت نیست. برای موفقیت، شرائط دیگری هم لازم است؛ ... اما بصیرت شرط لازم است. اگر همه‌ی آن چیزهای دیگر باشد، بصیرت نباشد؛ رسیدن به هدف و موفقیت، بسیار دشوار خواهد بود.[۵۶۰]

بصیرت، روشنگر فضای فتنه و جنگ نرم

یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند؛ بد دل کنند؛ اختلاف ایجاد کنند؛ یک بهانه ای پیدا کنند؛ با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند؛ مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه ای درست کردند؛ بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم با بصیرت اند. اینجور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را به کلی عوض کرد؛ در جاهای دیگر، تردید افکنی در دل های مردم نسبت به یکدیگر، یک بهانه ای مثل بهانه ی انتخابات را پیش بکشند؛ ایجاد تردید کنند؛ دل ها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند؛ مردم را در مقابل هم قرار بدهند؛ بعد در میانه، عناصر دست آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسؤولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود؛ چی شد. این جزء طرح های اساسی است. اینجور کاری را دنبال می کنند. خوب، شما ببینید در یک چنین وضعیتی چه چیزی بیش از همه برای انسان مهم است؟ بصیرت.[۵۶۱]

بصیرت یعنی آگاهی از امروز، دیروز و فردا

فردای این کشور، فردای این ملت، به احساس مسئولیت امروز شما نیازمند است. احساس

۵۵۹- بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴
۵۶۰- همان
۵۶۱- دیدار با بسیجیان کشور، به تاریخ ۱۳۸۸/۹/۴

مسئولیت کنید که چه بشود؟ که خود را بسازید؛ از لحاظ علمی بسازید؛ از لحاظ ایمان و تقوا بسازید؛ بصیرت خودتان را زیاد کنید؛ آگاهی‌های خودتان را نسبت به امروز و دیروز و فردا افزایش بدهید. ده سال دیگر، دوازده سال دیگر، همه‌ی شما جمعیتی که اینجا هستید و نظائر شما در سرتاسر کشور، جوانان تحصیل‌کرده‌ای هستند که وارد میدان عرصه‌ی زندگی ملت ایران خواهند شد و بسیاری از شماها مسئولیت هائی در اختیارتان خواهد بود. رؤسای جمهور آینده، وزرای آینده، مدیران آینده و برجستگان گوناگون بخش های مختلف آینده – آن کسانی که طراحند، برنامه‌ریزند، متفکرند، تئوریسین اداره‌ی کشور هستند – از میان شماها پدید می‌آیند؛ از میان شماها برمی خیزند. این مدیران و این برنامه‌ریزان، هم باید عالم باشند؛ هم به معنای حقیقی کلمه باید متدین، پاکدامن و بصیر باشند. این نمی شود، مگر این که شما از حالا خودتان را آماده کنید.[۵۶۲]

تأثیر بیداری و بصیرت یک ملت در حوادث عالم

این که امام بزرگوار ما هی خطاب می کرد به امت اسلام، با توجه به این حقیقت است. یک ملت وقتی بیدار می شود؛ اینجور می تواند همه‌ی محاسبات استکبار را به هم بریزد. ... اگر همه‌ی ملت های مسلمان بیایند توی میدان، چه می شود! اگر همه‌ی ملت های مسلمان همین بصیرت را، همین آمادگی را، همین حضور را پیدا کنند؛ چه اتفاقی در دنیا می افتد! از این می ترسند. می خواهند صدای من و شما خاموش بشود و به گوش ملت های دیگر نرسد. می خواهند کاری کنند که ملت های دیگر نفهمند تأثیر بیداری و بصیرت یک ملت در حوادث عالم چقدر است.[۵۶۳]

بصیرت یعنی جدایی از عوام زدگی

جزء «عوام» قرار نگرفتن؛ بدین معنا نیست که حتما در پی کسب تحصیلات عالیه باشید؛ نه! گفتم که معنای «عوام» این نیست. ای بسا کسانی که تحصیلات عالیه هم کرده‌اند؛ اما جزء عوامند. ای بسا کسانی که تحصیلات دینی هم کرده‌اند؛ اما جزء عوامند. ای بسا کسانی که فقیر یا غنی‌اند؛ اما جزء عوامند. عوام بودن، دست خود من و شماست. باید مواظب باشیم که به این جرگه نپیوندیم. یعنی هر کاری می‌کنیم از روی بصیرت باشد. هر کس که از روی بصیرت کار نمی‌کند؛ عوام است. لذا، می‌بینید قرآن درباره‌ی پیغمبر می‌فرماید: «ادعوا الی‌الله علی بصیرة انا و من اتبعنی.» یعنی من و پیروانم با بصیرت عمل می‌کنیم؛ به دعوت می‌پردازیم و پیش می‌رویم. پس، اول ببینید جزء گروه عوامید یا نه. اگر جزء گروه عوامید، به سرعت خودتان را از آن گروه خارج کنید. بکوشید قدرت تحلیل پیدا کنید؛ تشخیص دهید و به معرفت دست یابید.[۵۶۴]

۵۶۲- دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی سالروز ۱۳۸۰/۸/۱۳
۵۶۳- بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی ۱۳۸۸/۱۰/۱۹
۵۶۴- بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) ۱۳۷۵/۳/۲۰

شناخت درست حوادث تاریخی انقلاب

این‌ها (خاطرات انقلاب) خاطرات عجیبی است؛ پرمعنا است؛ پُرمغز است. در همه‌ی این حوادث، رژیم آمریکا پشت قضیه بود؛ عوامل آمریکایی بودند که یا به‌طور مستقیم کمک کردند یا تشویق کردند یا حداقل چشمشان را بر این جنایات بستند. جوان های ما باید این خاطرات را فراموش نکنند؛ یکی از چیزهایی که بنده نگران آن هستم؛ این است که این نسل جوانِ بالنده‌ی ما که بحمدالله، هم آگاه و با بصیرت است؛ هم دارای انگیزه است؛ آماده به‌کار استَ؛ وسط میدان است؛ انقلابی است؛ به تدریج این حوادث مهم را، این عبرت های بزرگ دوران معاصر را از یاد ببرد؛ این کم‌کاری ما است؛ کم‌کاری دستگاه‌های مسئول است؛ این حوادث نباید کهنه بشود؛ حافظه‌ی تاریخی یک ملت نباید ضعیف بشود. اگر جوان های ما در سرتاسر کشور این حوادث را ندانند؛ تحلیل نکنند؛ عمق‌یابی نکنند؛ در شناخت کشورشان و در شناخت آینده دچار اشتباه خواهند شد. جوان ها باید این حوادث را درست بشناسند و بدانند که چه شد، چه اتفاق افتاد؛ چه کسی بود؛ این ها را باید جوان ها بفهمند.[۵۶۵]

عالم و زمان شناس

روحانیِ (بسیجی) این زمان از این امکان باید حداکثر استفاده را بکند؛ با افکار جدید آشنا شوند؛ راه ها وَ شیوه های دشمن را بشناسند و به زمان خوَدشان عالم شوند؛ «العالم بزمانه لاتهجم علیه اللّوابس». درست مثل جبهه ی جنگ. شاید بسیاری از این جمع حاضر جبهه های جنگ را دیده باشند – حالا جوان ترها آن روزها را ندیده اند – در داخل جبهه ی جنگ، از اطراف گلوله ی توپخانه می آید؛ خمپاره می آید؛ انواع و اقسام آتش از اطراف می بارد و از بالای سر انسان رد می شود؛ به طوری که گاهی انسان جهتگیری را گم می کند؛ نمی داند این گلوله ای که دارد می آید؛ از طرف دشمن دارد می آید؛ یا از طرف دوست دارد مواضع دشمن را می کوبد. این خیلی خطر بزرگی است.[۵۶۶]

ج. راهکارهای بصیرت افزایی

بهره مندی از الگوها و عوامل بصیرت بخش

بصیرت، ویژگی پیامبر و پیروانش

خدای متعال به پیغمبرش در آن دوران دشوار مکه می فرماید: ای پیغمبر! من با بصیرت حرکت می کنم؛ «قال هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرةٍ انا و من اتبعنی»؛ خود پیغمبر با بصیرت حرکت می کند؛ تابعان و پیروان و مدافعان فکر پیغمبر هم با بصیرت؛ این مال دوران مکه است؛ آن وقتی که هنوز حکومتی وجود نداشت؛ جامعه ای وجود نداشت؛ مدیریت دشواری وجود نداشت؛ بصیرت لازم بود؛ در دوران مدینه، به طریق اولی.[۵۶۷]

۵۶۵ – بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۴/۶/۱۸
۵۶۶– بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۳
۵۶۷– بیانات در دیدار با مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۷/۱۵

بصیرت و صبر مهم ترین ویژگی امیرالمؤمنین

امیرالمؤمنین علیه السّلام از اوایل نوجوانی تا هنگام مرگ، دو صفت «بصیرت» و «صبر» – بیداری و پایداری – را با خود همراه داشت. او یک لحظه دچار غفلت و کج فهمی و انحراف فکری و بد تشخیص دادن واقعیت ها نشد. از همان وقتی که از غار حرا و کوه نور، پرچم اسلام به دست پیامبر برافراشته شد و کلمه «لااله الاالله» بر زبان آن بزرگوار جاری شد و حرکت نبوت و رسالت آغاز گردید؛ این واقعیت درخشان را علی بن ابیطالب علیه السّلام تشخیص داد؛ پای این تشخیص هم ایستاد و با مشکلات آن هم ساخت؛ اگر تلاش لازم داشت؛ آن تلاش را هم انجام داد؛ اگر مبارزه لازم داشت؛ آن مبارزه را کرد؛ اگر جانفشانی می خواست؛ جان خود را در طبق اخلاص گذاشت و به میدان برد و اگر کار سیاسی و فعالیت حکومت داری و کشورداری می خواست؛ آن را انجام داد. بصیرت و بیداری او، یک لحظه از او جدا نشد. دوم، صبر و پایداری کرد و در این راه استوار و صراط مستقیم، استقامت ورزید. این استقامت ورزیدن، خسته نشدن، مغلوب خواسته ها و هواهای نفس انسانی نشدن؛ نکته مهمی است. ...کسی نمی تواند بگوید که اگر امیرالمؤمنین علیه السّلام صبر و بصیرت داشت به خاطر این بود که امیرالمؤمنین بود. همه در این خصوصیت باید سعی کنند که خودشان را به امیرالمؤمنین علیه السّلام نزدیک کنند؛ هر چه همت و استعدادشان باشد.[۵۶۸]

بصیرت افزایی امام حسین (ع)

بصیرت افزایی امام حسین را فقط به جنگ روز عاشورا نباید شناخت؛ آن یک بخش از جهاد امام حسین است. به تبیین او، امر به معروف اَو، نهی از منکر او، توضیح مسائل گوناگون در همان منی و عرفات، خطاب به علما، خطاب به نخبگان – حضرت بیانات عجیبی دارد که تو کتاب ها ثبت و ضبط است – بعد هم در راه به سمت کربلا، هم در خود عرصه‌ی کربلا و میدان کربلا، باید شناخت. در خود عرصه‌ی کربلا حضرت اهل تبیین بودند؛ میرفتند صحبت میکردند. حالا میدان جنگ است؛ منتظرند خون هم را بریزند؛ اما از هر فرصتی این بزرگوار استفاده میکردند که بروند با آن ها صحبت بکنند؛ بلکه بتوانند آن ها را بیدار کنند. البته بعضی خواب بودند؛ بیدار شدند؛ بعضی خودشان را به خواب زده بودند و آخر هم بیدار نشدند. آنهائی که خودشان را به خواب میزنند؛ بیدار کردن آن ها مشکل است؛ گاهی اوقات غیر ممکن است.[۵۶۹]

تبیین، وظیفه مهم نخبگان و خواص

یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است. حقائق را بدون تعصب روشن کنند؛ بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی و بر دل آن گوینده؛ این ها مضر است. جناح و این ها را باید کنار گذاشت؛ باید حقیقت را فهمید. در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود. چون آن جناح مقابل که جناح معاویه بود؛ تبلیغات گوناگونی داشتند. همینی که

۵۶۸- بیانات در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت ۳۷۷/۸/۱۳/۰۸/۱۲
۵۶۹- بیانات در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۱۸

حالا امروز به آن جنگ روانی میگویند؛ این جزء اختراعات جدید نیست؛ شیوه‌هاش فرق کرده؛ این از اول بوده؛ خیلی هم ماهر بودند در این جنگ روانی، خیلی؛ آدم نگاه می کند کارهایشان را، می‌بیند که در جنگ روانی ماهر بودند. تخریب ذهن هم آسان تر از تعمیر ذهن است. وقتی به شما چیزی بگویند؛ سوءظنی یک جا پیدا کنید؛ وارد شدن سوء ظن به ذهن آسان است؛ پاک کردنش از ذهن سخت است. لذا آنها شبهه‌افکنی میکردند؛ سوء ظن را وارد می کردند؛ کار آسانی بود. این کسی که از این طرف، خودش را موظف دانسته بود که در مقابل این جنگ روانی بایستد و مقاومت کند؛ جناب عمار یاسر بود؛ که در قضایای جنگ صفین دارد که با اسب از این طرف جبهه، به آن طرف جبهه و صفوف خودی می رفت و همین طور این گروه‌هائی را که – به تعبیر امروز، گردان ها یا تیپ های جدا جدای از هم – بودند؛ به هر کدام می رسید؛ در مقابل آن ها می‌ایستاد و مبالغی برای آنها صحبت می کرد؛ حقائقی را برای آن ها روشن می کرد و تأثیر می گذاشت. یک جا می دید اختلاف پیدا شده؛ یک عده‌ای دچار تردید شدند؛ بگو مگو توی آن ها هست؛ خودش را به سرعت آنجا میرساند و برایشان حرف می زد؛ صحبت میکرد؛ تبیین میکرد؛ این گره‌ها را باز می کرد. بنابراین، بصیرت مهم است. نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران به وجود بیاورند.[۵۷۰]

هدف، پیشرفت است؛ منتهی رصد کردن مرحله به مرحله هم لازم است؛ که این کار نخبگان است. امروز شرائط ما چگونه است؛ موانع ما چیست؛ نقاط قوت ما کدام است؛ نقاط ضعف ما کدام است؛ فرصتهامان کدام است؛ تهدیدها چیست؛ چه کار باید بکنیم؛ برای بهره‌مندی از فرصت ها و جلوگیری از خطر تهدیدها چگونه برنامه‌ریزی کنیم؛ این ها کارهائی است که باید نخبگان در هر مرحله‌ای انجام دهند؛ هم در برنامه‌ریزی‌ها آن را به کار ببرند و هم مردم را آگاه کنند؛ چون مردم می خواهند با چشم باز و با بصیرت حرکت کنند؛ بدانند چه می کنند؛ بدانند کجا می روند. وقتی اینجور شد، مردم با همه‌ی وجود وارد میدان های دشوار خواهند شد.[۵۷۱]

خواندن آثار خوب، گفتگو با انسان های مورد اعتماد و پخته

این بی‌بصیرتی را به خصوص شما جوان ها با خواندن آثار خوب، با تأمل، با گفتگو با انسان های مورد اعتماد و پخته، نه گفتگوی تقلیدی – که هر چه گفت، شما قبول کنید. نه این را من نمی خواهم – از بین ببرید. کسانی هستند که می توانند با استدلال، آدم را قانع کنند؛ ذهن انسان را قانع کنند و حتی حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) هم از این ابزار در شروع نهضت و در ادامه‌ی نهضت استفاده کرد.[۵۷۲]

قران، عامل مهم بصیرت افزایی

در فضای زندگی ما باید قرآن حکومت کند و برکات قرآنی موج بزند. در سایه‌ی قرآن است که

۵۷۰– همان
۵۷۱– بیانات در اجتماع مردم بجنورد ۱۳۹۱/۷/۱۹
۵۷۲– بیانات در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر ۱۳۸۸/۵/۱۸

معرفت و بصیرت و شجاعت و اقدام ما معنا پیدا می کند و به سمت هدف های درست متوجه می‌شود.[۵۷۳]

افزایش اخلاص

بسیجی بودن ارکانی دارد. همه‌ی ما باید این ارکان را روزبه‌روز در خودمان تقویت کنیم جوانان عزیز! بارها گفتیم که در درجه‌ی اول، روحیه‌ی اخلاص و روحیه‌ی بصیرت است. این اخلاص و بصیرت روی هم اثر می گذارند. هرچه بصیرت شما بیشتر باشد؛ شما را به اخلاص عمل نزدیک تر می کند. هرچه مخلصانه‌تر عمل کنید؛ خدای متعال بصیرت شما را بیشتر می کند. «اللّه ولیّ الّذین امنوا یخرجهم من الظّلمات الی النّور»؛ خدا ولی شماست. هرچه به خدا نزدیک تر شوید؛ بصیرت شما بیشتر خواهد شد و حقایق را بیشتر می‌بینید. نور که بود؛ انسان می تواند واقعیات و حقایق را مشاهده کند. وقتی نور نباشد؛ انسان واقعیات را هم نمی تواند ببیند؛ «والّذین کفروا اولیائهم الطّاغوت یخرجونهم من النّور الی الظّلمات». وقتی طغیان جلوی چشم انسان را بگیرد؛ وقتی هوی‌های نفس – که طاغوت حقیقی‌اند و در وجود خود ما بدتر از فرعونند – جلوی چشم ما را بگیرند؛ وقتی جاه‌طلبی‌ها و حسادت ها و دنیاطلبی‌ها و هوی‌پرستی‌ها و شهوترانی‌ها جلوی چشم ما را بگیرند؛ واقعیات را هم نمی توانیم مشاهده کنیم.[۵۷۴]

د. عرصه ها و محورهای بصیرت افزایی

جوان ها باید فکر کنند؛ بیاندیشند و بصیرت خودشان را افزایش دهند. باید با مساله ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرتی در شناخت موانع راه، وقتی بصیرت بود؛ آن وقت شما می دانید با کی طرفید. ابزار لازم را با خودتان بر می دارید. بصیرت یعنی این که بدانید چه می خواهید؛ تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید.[۵۷۵]

معرفت به فلسفه‌ی بسیج

شما بسیجی ها بدانید که باید آگاهی هایتان را تقویت کنید؛ معرفت به فلسفه‌ی بسیج – همین مطلبی که من عرض کردم – معرفت به کارهایی که بسیج نسبت به آن حساس است. ممکن است یک اتفاقی هم در گوشه و کنار کشور بیفتد – یک مسأله‌ی سیاسی، یک مسأله‌ی حزبی، یک مسأله‌ی جناحی – این ارتباطی به مسائل اصلی انقلاب ندارد. اینجا بسیج احساساتی نمی شود و دخالت نمی کند. آنجایی که مسأله‌ی ارزش ها مطرح است؛ آنجایی که مسأله‌ی اساس انقلاب مطرح است؛ آنجایی که مسأله‌ی حاکمیت دین خدا مطرح است؛ آنجایی که دشمن می خواهد از فرصت های به خیال خود به دست آمده‌اش علیه این انقلاب عظیم و شکوهمند

۵۷۳- بیانات در دیدار با مردم بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱
۵۷۴- بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴
۵۷۵- بیانات در دیدار با مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۷/۱۵

بهره‌برداری کند؛ آنجا جای حضور بسیج است. فلسفه‌ی بسیج آنجا معنا می دهد. این آگاهی را باید بسیجی ها در خودشان تقویت کنند. البته به عهده‌ی مسؤولان بسیج هم هست. در میان شما، فرماندهان نیز حضور دارند – چه فرماندهان بسیجی و چه فرماندهان سپاهی – به این نکات توجه کنند. این دل های پاک و نورانی، این روح های جوشان و قلب های تپنده، این ایمان های راسخ و پُرطراوت و شاداب را با بار آگاهی های فراوان هرچه ممکن است بیشتر تقویت کنید؛ این جزء کارهای لازم است.[۵۷۶]

من به شما عرض کنم؛ در همه‌ی مکاتب این‌گونه است؛ وقتی یک فکری، یک مکتبی، یک انقلابی، یک آرمان بزرگی، یک سخن بزرگی در دنیا مطرح می شود، یک مدتی دشمن ها گیج و ویج هستند و نمی دانند چه کار کنند؛ اما بعد از مدتی که از گیجی خارج شدند؛ بنا می کنند به ناخن زدن، شبهه کردن، خدشه کردن. در مورد انقلاب ما از این کارها کردند. بعد از آن‌که از آن گیجی اولیه خلاص شدند؛ بنا کردند به خیال خودشان خدشه‌ی فکری و علمی در مبانی انقلاب، راجع به اصل انقلاب، راجع به اصولی از قانون اساسی، راجع به ولایت فقیه، راجع به وحدت دین و سیاست و از این قبیل حرف ها، بنا کردند به خدشه‌هایی که صورتاً برای آدم ناآگاه، منطقی بود؛ اما باطناً پوچ بود. این هم مربوط به یک دوره‌ای است؛ این دوره را انقلاب گذرانده است. بعد از این‌که چنین شبهه‌هایی در فضا مطرح شد؛ آن وقت انقلاب شروع می کند به شکوفه کردن؛ دل خود را باز کردن، شبهه‌ها را پاسخ گفتن و منطق مستدل خود را عرضه کردن؛ این کار بحمدالله در جمهوری اسلامی و در انقلاب آغاز شده است؛ آن هم به صورت خوب، فضلای جوان، روشنفکران آگاه حوزه‌های مقدس علمیه و برخی عناصر دانشگاهی، در زمینه‌های گوناگون، راجع به مبانی انقلاب یا مسائل مربوط به انقلاب – چه در تاریخ، چه در فلسفه‌ی سیاسی، چه در مسائل دینی – شروع کردند به مطالب بسیار خوب، کتاب های خوبی هم نوشته‌اند؛ سخنان خوبی هم گفته‌اند. البته این‌گونه سخنان با هوچیگری مخالفان روبه‌رو می شود – این قهری است – اما آن هوچیگری ها تأثیری ندارد. این کتاب ها را، این سخن ها را، این فکرها را باید پیدا کنید و آگاهی ها را بالا ببرید.[۵۷۷]

ضرورت کسب بصیرت در همه حوزه ها

در زندگی پیچیده اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی شود حرکت کرد. جوان ها باید فکر کنند؛ بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان وجود در جامعه ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مساله ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع، این بصیرت ها لازم است. وقتی بصیرت بود؛ آن وقت شما می دانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمی دارید. یک روز شما می خواهید تو خیابان قدم بزنید؛ خوب، با لباس معمولی، با یک دمپایی هم می شود رفت

۵۷۶– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶
۵۷۷– همان

تو خیابان قدم زد؛ اما یک روز می خواهید بروید قله ی دماوند را فتح کنید؛ او دیگر تجهیزات خودش را می خواهد. بصیرت یعنی این که بدانید چه می خواهید؛ تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید.[۵۷۸]

بصیرت نسبت به اوضاع کنونی و تاریخ معاصر

من توصیه‌ام به جوان ها این است که اولاً جوان های دانشجو و دانش‌آموز تحصیلات را خوب دنبال بکنند. علم وسیله‌ی قدرت است؛ یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی، عبارت است از دانش، علم را دنبال بکنند؛ اهداف عمومی را بر خواسته‌های شخصی مقدم بدارند؛ بصیرت خودشان را نسبت به اوضاع کنونی، نسبت به گذشته‌ی تاریخیِ نزدیک، روزبه‌روز افزایش بدهند و بتوانند صحنه‌ی امروز دنیا را مشاهده بکنند.[۵۷۹]

بسیج یعنی حرکت منطقی و عمیق، بسیج یک حرکت بی ریشه و سطحی و صرفاً ازروی احساسات نیست. بسیج یک حرکت منطقی و عمیق و اسلامی و منطبق بر نیازهای دنیای اسلام ـ و به طریق اولی ـ جامعهٔ اسلامی است. قرآن کریم می فرماید: «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین». ای پیامبر، خدای متعال تو را، هم به وسیله نصرت خودش و هم از طریق مؤمنین مؤید قرار داد و کمک کرد. این خیل عظیم مؤمنینی که در اینجا مورد اشارهٔ آیه قران قرار گرفته‌اند؛ عبارت دیگری است از آنچه که امروز به نام بسیج در جامعه ما قرار دارد.[۵۸۰]

بصیرت افزایی در فضای مغشوش

بنده بارها بر روی بصیرت تکیه می کنم؛ به خاطر این که مردم بدانند چه اتفاقی دارد می افتد؛ ببینید آن دستی را که دارد صحنه گردانی می کند؛ صحنه را شلوغ می کند تا در خلال شلوغی های مردم، یک عنصر خائنی، یک عنصر دست نشانده و دست آموزی بیاید کاری را که آن ها می خواهند؛ انجام بدهد و نشود او را توی مردم پیدا کرد؛ این کاری است که دشمن می خواهد انجام بدهد. هر اقدامی که به بصیرت منتهی بشود؛ بتواند عنصر خائن را، عنصر بدخواه را از آحاد مردم و توده ی مردم جدا کند؛ او را مشخص کند؛ این خوب است. هر اقدامی که فضا را مغشوش کند؛ مشوش کند؛ انسان ها را نسبت به یکدیگر مردد کند؛ فضای تهمت آلود باشد. مجرم و غیر مجرم در آن مخلوط بشوند؛ این فضا مضر است؛ مخالف است.[۵۸۱]

نقش بصیرت نسبت به تاریخ گذشته کشور

ملت ایران به خاطر این‌که گذشته‌ی خود را با بصیرت نگاه می‌کند؛ چشم خود را بر گذشته نمی‌بندد. مسائل تاریخ خود، تاریخ نزدیک خود، از صد سال پیش، از پنجاه سال پیش، از سی سال پیش را با دقت نگاه می‌کند. ملت ایران به این نتیجه رسیده است که رژیم استکبار – و

۵۷۸– بیانات در دیدار با مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۷/۱۵
۵۷۹ – بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی روز ملّی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۴/۸/۱۲
۵۸۰ – بیانات در تاریخ ۱۳۷۴/۹/۸
۵۸۱–بیانات در دیدار با بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴

در وضع فعلی، رژیم ایالات متحده‌ی امریکا – در طول شاید قریب سی و پنج سال که در زمان رژیم منحوس پهلوی بر این کشور تسلط سیاسی داشته، به او خیلی بدی کرده است. ملت ایران، این را فهمیده و دانسته و دیده است. دست این ها به خون مردم آغشته است. به این ملت اهانت کردند؛ ثروت های او را بردند و از رژیم فاسد ضد بشری – مثل رژیم محمد رضا – حمایت کردند.[۵۸۲]

افزایش بصیرت در شناسایی دشمن

بصیر باشید در شناسایی دشمن. بصیر باشید در شناسایی ترفندهای دشمن. ببینید دشمن چطور می خواهد جمهوری اسلامی را در سطح جهان بد معرفی کند؛ یا با شکل های غلط معرفی کند! البته موفق که نمی شود. تبلیغات دشمن، انصافاً تبلیغات حساب‌شده‌ای است؛ این را باید قبول کنیم. پول خرج می کنند؛ میلیاردها دلار خرج می کنند، برای این‌که بتوانند حرفی را جعل کنند که وقتی این حرف بر بال امواج رادیوهایشان قرارگرفت و با یکی دو واسطه به گوش فردی از ملت ایران رسید؛ در دل او اثر کند. چقدر دروغ ها همین‌طور درست کردند! این ها متخصصینی برای این طور کارها دارند. لذا هدفشان را باید فهمید. هدف آن ها این است که ما را از اسلام جداکنند؛ ملت را از مسؤولین جداکنند؛ ملت را از انقلاب دلسرد کنند؛ ملت را از آینده جهاد و دفاعش ناامید کنند؛ ملت را از میدان و مرکز صحنه مبارزه عقب بزنند. البته باید بدانند که هرگز در این خواستن ها، موفق نخواهند شد.[۵۸۳]
جوانان عزیز! بسیجیان عزیز! هر جای کشور که هستید؛ این بصیرت را روزبه‌روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسائل کوچک، جلو بصیرت ها را بگیرد. بصیرتتان را حفظ کنید و دشمنتان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد؛ و آن ملتی موفق می‌شود که فریب نخورد. بصیر باشید در شناسایی دشمن؛ بصیر باشید در شناسایی ترفندهای دشمن؛ ببینید دشمن چطور می‌خواهد جمهوری اسلامی را در سطح جهان بد معرفی کند؛ یا با شکل های غلط معرفی کند! البته موفق که نمی‌شود.[۵۸۴]

ه. آثار بصیرت

استقلال کشور نتیجه بصیرت و صبر

شما امروز وقتی در افق سیاسی جهان نگاه می کنید؛ اگر یک ملت وجود داشته باشد که هیچ سلطه خارجی بر آن نیست؛ آن ملت، ملت ایران است. اگر تعدادی ملت ها و کشورها با این خصوصیت وجود داشته باشند؛ باز در رأس آن کشورها، ایران و ملت ایران است. چرا؟ چون به وسیله این مردم، به وسیله جوانان این ملت، به وسیله مسؤولان این ملت، به وسیله رهبران و هدایتگران این ملت، بصیرت و صبر از امیرالمؤمنین علیه السّلام آموخته شد. این دو خصوصیت

۵۸۲- بیانات در اجتماع نیروهای شرکت‌کننده در مانور عظیم طریق‌القدس ۱۳۷۶/۲/۳
۵۸۳- بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷
۵۸۴- همان

این قدر مهم است! امروز هم در دنیا کسانی که در رأس قدرت های سیاسی زور گو و مداخله گر، یا در رأس کمپانی های اقتصادی، یا در رأس دستگاه های سرطان گونه تبلیغاتی و شبکه های عظیم سودجوی تبلیغات قرار گرفته اند؛ از طریق یکی از این دو خصوصیت بر ملت ها حکم می رانند و زورگویی می کنند. یا سعی می کنند ملت ها را در غفلت نگه دارند و بصیرت آن ها را از آن ها بگیرند – اگر هم نتوانند به طور کلی از آن ها بصیرت را سلب کنند؛ در یک مورد که یک مسأله خاص برایشان مهم است؛ سعی می کنند بیداری ملت ها و بصیرت انسان ها را در آن جامعه سلب نمایند – یا آن ها را دچار بی صبری کنند. گاهی یک ملت و یک مجموعه انسان، در یک راه درست دچار بی صبری می شوند. این بی صبری هم یک امر تلقینی است؛ می شود به ملت ها تلقین کرد. امروز شما بدانید که در شبکه های تبلیغاتی، میلیاردها دلار خرج می شود؛ برای تلقین همین چیزها در ملت ها که آن ها را یا از تشخیص درست، یا از صبر صحیح و کامل دور بیندازند و دور کنند.[۵۸۵]

خودسازی لازم است و بصیرت را هم باید روزبه‌روز بیشتر کنید. وقتی بصیرت انسان زیاد شد؛ استقامت و پایداری هرگز تمام نمی شود و وسوسه‌ی وسوسه‌کنندگان و شکلک درآوردن دشمنِ عاجز، انسان را از میدان خارج نمی کند.[۵۸۶]

خودسازی و بصیرت اساس ایستادگی بسیج

بسیج بر اساس بصیرت و روشنایی گوهر ایمان در دل او، ایستاده و مستحکم است و چون این استحکام متکی به آن بصیرت استَ؛ تمام‌شدنی نیست.[۵۸۷]

هوشیاری و آمادگی موجب یأس دشمن

امام بزرگوار، این خطوط را برای ما درست مشخص کردند. هر چیزی که دیدید دشمن روی آن حساسیت نشان می‌دهد؛ شما هم روی آن حساس بشوید و بفهمید که دشمن از اینجا می‌خواهد رخنه کند. وقتی که می‌بینید دشمنان خبیث، نسبت به ملت و انقلاب و پایبندی مردم به انقلاب تبلیغات می کنند؛ بدانید که دشمن از پایبندی مردم به انقلاب و از حضور آن ها در صحنه‌های انقلاب می‌ترسد. حضور شما در صحنه‌های انقلاب و هوشیاری و آمادگیتان، دشمن را مأیوس خواهد کرد.[۵۸۸]

هوشیاری، خبرویت در میدان سیاسی و فرهنگی

امروز ما در میدان نظامی جنگ نداریم؛ اما عزیزان من! در میدان سیاسی و فرهنگی یک جنگ

۵۸۵– بیانات در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت ۱۳۷۷/۸/۱۳/۰۸/۱۲
۵۸۶ – بیانات در دیدار بسیجیان و کارکنان سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶
۵۸۷ – همان
۵۸۸ – بیانات در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۷

حقیقی وجود دارد؛ هشیارانه و مدبرانه باید کار کرد. در میدان جنگ نظامی- آن ها که بوده‌اند، می‌دانند- هیچ لشکری به این ترتیب که سرش را پایین بیندازد و تفنگ‌ها را بگیرد و مرتب شلیک کند و جلو برود؛ به جایی نمی‌رسد؛ همه‌شان را درو می‌کنند؛ لذا باید نقشه بکشد؛ باید دشمن را دور بزند؛ باید از غفلت دشمن استفاده کند؛ باید طراحی تاکتیکی بکند تا موفق بشود؛ در جنگ سیاسی و فرهنگی هم عیناً همین طور است؛ اگر سرمان را پایین بیندازیم و همین طور جلو برویم؛ کاری صورت نمی‌گیرد؛ تدبیر، آگاهی، هوشیاری، خبرویت و حسابگری دقیق بر اساس اصول لازم است و شما این کارها را بکنید.[۵۸۹]

اراده و بصیرت، کلید پیروزی در جنگ اراده‌ها

بحمدالله با لطف الهی، مردم ایران سرزنده و سرحال و بانشاط و در صحنه‌اند؛ حضور آن ها یک حضور همراه با بصیرت و توأم با عزم و اراده‌ی راسخ است. دشمنان سعی می کنند مردم ایران را خسته و ملول و نومید نشان دهند. مردم با حرکات خودشان دارند نشان می دهند که دشمن دروغ می گوید؛ دشمن مغرضانه قضاوت می کند.[۵۹۰]

اراده و بصیرت، تعیین‌کننده در رویارویی با دشمن

کشور ما، ملت ما در یک عرصه‌ی رویاروئی بزرگی با موانع حضور دارد و در این عرصه‌ی رویاروئی، کشور احساس ضعف نمی کند. ما احساس ناتوانی نمی کنیم؛ احساس قدرت و توانائی می کنیم؛ می دانیم که با تلاش می توان همه‌ی این موانع را از بین برد. برخی از موانع، موانع طبیعی است؛ با این موانع طبیعی به شکلی باید برخورد کرد و با آن ها زورآزمائی کرد. بعضی از موانع، موانع تحمیلی است؛ موانع سیاسی است؛ مشکلاتی است که دشمنان پیشرفت این کشور در برابر راه این مردم به صورت مانع ایجاد می کنند؛ با این ها به شکل دیگری باید برخورد کرد. در این عرصه‌ی رویاروئی و رزم انسانی و جنگ اراده‌ها، آنچه که می تواند تعیین‌کننده باشد؛ عبارت است از تصمیم و اراده و بصیرت و روشن‌بینی شما مردم عزیز. وحدت ملت ایران، اتحاد کلمه‌ی مسئولان کشور، همکاری دستگاه‌های مختلف، وظیفه‌شناسی و مسئولیت شناسی آحاد مردم می تواند ما را به پیشرفت های بیشتری برساند؛ می تواند آن چهره‌ای را که متناسب با این کشور و این ملت عزیز و بااستعداد است؛ برای ما به وجود بیاورد.[۵۹۱]

بصیرت، کارآمدترین نوع دفاع

دفاع هم همیشه، با آلات قهریه نیست؛ با مشت نیست؛ با تفنگ نیست. گاهی دفاع، با فهمیدن

۵۸۹ – بیانات در دیدار با دانشجویان بسیجی، بهمن ۱۳۷۹
۵۹۰– بیانات در اجتماع مردم شیروان ۱۳۹۱/۷/۲۴
۵۹۱– همان

است. گاهی دفاع، با زبان است. گاهی دفاع از حقیقت، با حضور در جایی است. شاید یکی از بزرگ ترین خدماتی که انقلاب به ملت ایران کرد؛ این بود که ذهن ها را باز کرد، ذهن ها را سیاسی کرد؛ چشم ها را باز کرد و همه را با مسائل کشور آشنا کرد. این آشنایی و این بصیرت، باید روزبه روز بیشتر و زیادتر شود. اگر این بشود؛ دشمن هیچ کاری نمی تواند انجام دهد. شما بدانید مسؤولین کشور، همه آماده هستند برای این که وظایف خودشان را به بهترین وجهی انجام دهند.[۵۹۲]

نقش بصیرت، نورافکن، قبله‌نما و قطب نما

بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله‌نما و قطب‌نماست. توی یک بیابان انسان اگر بدون قطب‌نما حرکت کند؛ ممکن است تصادفاً به یک جائی هم برسد؛ لیکن احتمالش ضعیف است؛ احتمال بیشتری وجود دارد که از سرگردانی و حیرت، دچار مشکلات و تعب های زیادی شود. قطب‌نما لازم است؛ به خصوص وقتی دشمن جلوی انسان هست. اگر قطب‌نما نبود؛ یک وقت شما می‌بینید بی‌سازوبرگ در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ آن وقت دیگر کاری از دست شما برنمی‌آید. پس بصیرت، قطب نما و نورافکن است. در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را به ما نشان می دهد.[۵۹۳]

رهبری کارآمد و شایسته، صبر و بصیرت، رمز موفقیت ملت ایران

ملت ها در مقابل حوادث دوجورند؛ بعضی از ملت ها حادثه را، سختی را، شکنجه را لمس می کنند؛ اما نمی توانند یک تحلیل و یک جمع‌بندی درستی برای خودشان به وجود بیاورند که این جمع‌بندی آن ها را به حرکت متقابل وادار کند؛ بعضی ملت ها اینجورند. ملت هایی که رهبران کارآمد و شایسته‌ای داشته باشند؛ نه سختی‌ها را تحمل می کنند اما در کنار آن، آگاهی‌ها و بصیرت ها و راه‌حل‌ها و تقویت باورهای صحیح و منطقی را هم دنبال می کنند؛ ملت ایران از این قبیل بود. خدای متعال تفضل کرد؛ رهبری امام بزرگوار را به این ملت به‌عنوان یک موهبت بزرگ داد؛ امام بزرگوار ملت را آگاه کرد؛ بصیرت بخشید؛ سختی‌ها را خودش تحمل کرد؛ زندان رفت، تبعید شد، دست برنداشت؛ به تدریج این آگاهی و بصیرت همه‌گیر شد؛ تا در سال های ۵۶ و ۵۷ به شکل یک حرکت عمومی در میان ملت ایران درآمد. ...هرجا ملت ها حرکت کنند؛ ایستادگی کنند؛ صبر و مقاومت نشان بدهند؛ پیروزی قطعی است؛ همه‌جا همینجور است. اشکال کار مبارزاتی که به شکست می‌انجامد؛ این است که یا ملت ها طاقت ندارند و ایستادگی نمی کنند؛ یا رهبرانی که بتوانند این ها را درست اداره کنند ندارند. ما در زمان این سال های اخیر دیدیم جاهایی را که ملت ها حرکت کردند؛ عزم و اراده‌ی خودشان را نشان دادند؛ به نتایجی هم رسیدند؛ [اما] رهبرانی که بتوانند این ها را درست اداره کنند؛ هدف را درست تشخیص بدهند؛ راه را در مقابل مردم درست ترسیم کنند؛ وجود نداشتند؛ [لذا] شکست خوردند؛...ملت ایران راه را درست رفت، حرکت را درست انجام داد؛ رهبری مقتدر، آگاه، مصمم و دارای توکل به خدا،

۵۹۲ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
۵۹۳– بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴

اتکاء به خدا، اتکاء به وعده‌ی الهی که «اِن تَنصُرُوا اللّهَ یَنصُرکُم»؛ موجب شد که این ملت بتواند به پیروزی برسد.[۵۹۴]

بصیرت، عامل کندی تیغ های دشمن

این که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده ام؛ به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد؛ مجموعه ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند؛ آگاهانه حرکت می کنند و قدم بر می دارند؛ همه ی تیغ های دشمن در مقابل آن ها کند می شود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود؛ غبارآلودگی فتنه نمی تواند آن ها را گمراه کند؛ آن ها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می گذارد. شما در جبهه ی جنگ اگر راه را بلد نباشید؛ اگر نقشه خوانی بلد نباشید؛ اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید؛ یک وقت نگاه می کنید می بینید در محاصره ی دشمن قرار گرفته اید؛ راه را عوضی آمده اید؛ دشمن بر شما مسلط می شود. این قطب نما همان بصیرت است.[۵۹۵]

حضور معنوی و هدایتگر و آرامش بخش در فضای فکری بسیج

در عمل فردی، کار تعلیم دانشجویان را، کار حضور در فضای فکری دانشجویان را باید دنبال کنید. اساتید بسیجی می توانند در دل دانشجویان و در فضای ذهن آن ها یک حضور معنوی و هدایتگر و آرامش بخش داشته باشند. نقش مهم ایجاد بصیرت – هم در خود مجموعه، هم در مجموعه‌ی مخاطب شما که دانشجویان هستندَ – یکی از کارهای بسیار مهم است و بصیرت خیلی نقش ایفاء می کند.[۵۹۶]

افزایش و عمق بخشی به بصیرت

جوان عزیز! هر چه می توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید؛ نگذارید دشمنان از بی بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند؛ حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت؛ امیرالمؤمنین در یک خطبه ای از جمله ی مهمترین مشکلات جامعه همین را می شمارند.«انما بدء الوقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تبتدع یخالف فیها کتاب الله». در همین خطبه، امیرالمؤمنین می فرماید: اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود؛ کسی نمی تواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش به طور آشکار نشان بدهد؛ مردم به سمت باطل نخواهند رفت.«ولکن یؤخذ من هذا ضعث و من هذا ضعث فیمزجان». آن کسانی که مردم را می خواهند گمراه بکنند؛ باطل را به صورت خالص نمی آورند؛ باطل و حق را آمیخته می کنند؛ ممزوج می کنند؛ آن وقت نتیجه این می شود که: «فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه»؛ حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می شود. این

۵۹۴ – بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی روز ملّی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۴/۸/۱۲
۵۹۵– بیانات در دیدار با مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۷/۱۵
۵۹۶– بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲

است که بصیرت می شود اولین وظیفه ما؛ نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود.[۵۹۷]

بصیرت، یعنی برجسته کردن شاخص ها و نشان دادن معالم الطریق

باید شاخص ایجاد بشود؛ مایز، شاخص سازی، معالم‌الطریق. اگر چنانچه سر دو راهی تابلوئی نباشد که نشان بدهد راهِ فلان جا از کجاست، طرف راست است یا طرف چپ است؛ این سیر کننده و رونده، به خطا خواهد افتاد. اگر چند راهی باشد؛ گمراه خواهد شد. شاخص باید معین کرد؛ انگشت اشاره را بایستی واضح مقابل چشم همه قرار داد تا بتوانند گمراه نشوند. در دنیائی که اساس کار دشمنان حقیقت بر فتنه‌سازی است؛ اساس کار طرفداران حقیقت بایست بر این باشد که بصیرت را، راهنمائی را، هرچه می توانند؛ برجسته‌تر کنند و این شاخص ها را، این مایزها را، این معالم‌الطریق را بیشتر، واضح‌تر، روشن‌تر در مقابل چشم مردم قرار بدهند، که مردم بفهمند، تشخیص بدهند و گمراه نشوند.[۵۹۸]

بصیرت مردم، موجب ثبات سیاسی مستمر کشور

تلاش ملت عزیز ما و هوشمندی و آگاهی و بصیرت مردم عزیز ما در این استان و در سرتاسر کشور، موجب شده است که کشور ما از یک ثبات سیاسی مستمری برخوردار باشد؛ این نعمت بزرگی است. قدرتمندان زورگو و تجاوزگر، یکی از سلاحهاشان این است که در کشورهائی بی‌ثباتی ایجاد کنند؛ که نمونه‌ی آن را شما مشاهده می کنید؛ هم در منطقه‌ی خودمان و هم در مناطق دیگر این دنیای بزرگ؛ می‌بینید که قدرتمندان هر جا توانسته‌اند، هر جا در کشوری طمعی ورزیده‌اند، برای این که سلطه‌ی خود را در آن کشورها و در آن مناطق مستقر کنند؛ بین مردم آن کشور یا مردم آن کشور با کشور همسایه، بی‌ثباتی ایجاد کردند؛ ایجاد اختلاف کردند؛ ایجاد درگیری کردند؛ تا بی‌ثباتی در نظام ها به وجود بیاید؛ از این بی‌ثباتی، کارخانجات اسلحه‌سازی استفاده کنند؛ کارتل ها و تراست ها و بنگاه‌های بزرگ اقتصادیِ حاکم بر دستگاه سیاسی غرب استفاده کنند. امروز یکی از سیاست های دستگاه‌های استکبار، ایجاد بی‌ثباتی است. آن وقت در یک چنین شرائطی، نظام جمهوری اسلامی به برکت ایمان شما مردم، به برکت بصیرتی که به فضل الهی در ملت ما وجود دارد؛ توانسته است به کوری چشم دشمنان، یک کشور با ثبات و استقرار به وجود بیاورد.[۵۹۹]

مجلس جایگاه بسیار مهمی است؛ خانه‌ی ملت است؛ تجلیگاه عزت ملی ماست؛ می‌تواند عزت اسلامی و عزت ملی ما را به دنیا نشان دهد؛ تأمین‌کننده‌ی منافع عمومی است. با قوانین مجلس است که مسؤولان می‌توانند حرکت کنند و پیش بروند. مجلس می‌تواند حافظ امنیت ملی باشد؛ می‌تواند سد مستحکمی در برابر تعرض دشمنان و طمع‌ورزی بیگانگان باشد. خصوصیات یک مجلس مطلوب این است. وقتی مردم در انتخابات شرکت کنند و با چشم باز و با بصیرت، کسی

۵۹۷- بیانات در دیدار با مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵
۵۹۸- بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ۱۳۸۸/۹/۲۲
۵۹۹- بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۴

را که شرایط لازم را در او می‌بینند، انتخاب کنند و به مجلس بفرستند؛ مجلس خواهد توانست چنین نقش بزرگی را ایفا کند. مجلس – همان‌طور که امام فرمودند – عصاره‌ی فضایل ملت است. وقتی مردم در انتخابات بیشتر شرکت کنند؛ کارآمدی و اعتبار مجلس بیشتر می‌شود و توان خدمت‌رسانی پیدا می‌کند.[۶۰۰]

آگاهی و تعهد، لازمه حرکت

اگر بخواهیم این سرمایه دانایی، معرفت، آگاهی و شناخت به کار بیفتد و در خدمت هدف‌های والا قرار بگیرد باید با همان شور و احساس مسؤولیت همراه بشود. این دو بال می‌تواند انسان را پرواز بدهد و به اوج برساند.[۶۰۱]

و. پیامدهای بی بصیرتی

عدم بصیرت و صبر، عامل تمام مشکلات بشر

عزیزان من! تمام مشکلاتی که برای افراد یا اجتماعات بشر پیش می آید؛ بر اثر یکی از این دو است: یا عدم بصیرت، یا عدم صبر؛ یا دچار غفلت می شوند؛ واقعیت ها را تشخیص نمی دهند؛ حقایق ها را نمی فهمند؛ یا با وجود فهمیدن واقعیات، از ایستادگی خسته می شوند. لذاست که به خاطر یکی از این دو، یا هر دو، تاریخ بشر پُر از محنت های بزرگ ملت هاست؛ پُر از غلبه ی زورگویان عالم بر ملت های ضعیف النفس و غافل است. دهها سال – گاهی صدها سال – یک ملت مقهور سیاست یک جهانخوار و یک قدرت بزرگ بوده است. چرا؟ مگر این ها انسان نبوده اند؟ بله انسان بوده اند؛ لیکن یا بصیرت نداشته اند؛ یا اگر بصیرت داشته اند؛ در راه آن آگاهی خود، فاقد صبر لازم را بوده اند؛ یعنی یا بیداری نداشته اند؛ یا پایداری نداشته اند.[۶۰۲]

در طول سال های قبل از انقلاب، هرچه شما عقب بروید، محنت، ذلت، بدبختی، فشارهای گوناگون از طبقات حاکم و سلطه و زورگویی و تحقیر از طرف قدرت های بیگانه را در کشور ما می بینید. ... ملت ما همین ملت بود و همین استعدادها را داشت اما به خاطر حکومت های ناباب و به خاطر تربیت های غلط، بصیرت و صبرش کم بود. وقتی در برهه ای از زمان، آگاهان جامعه، بزرگان جامعه، دانایان جامعه و کسی مثل امام بزرگوار پیدا شدند؛ در مردم بصیرت دمیدند؛ مردم را به صبر وادار کردند؛ «و تواصوا بالحق و تواصوبالصبر» را در جامعه رایج کردند؛ این دریای خروشان به وجود آمد و توانست آن تاریخ سرتاپا ذلت و محنت را قطع کند و تسلط بیگانگان را بر این کشور از میان بردارد.[۶۰۳]

۶۰۰– بیانات در اجتماع بزرگ مردم قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۵
۶۰۱ –بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۱/۵/۱۷
۶۰۲– بیانات در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت ۱۳۷۷/۸/۱۳/۰۸/۱۲
۶۰۳– همان

اگر یک ملت وقتی به دنبال یک هدفی حرکت می کند؛ نداند سر راه او چه خطراتی است؛ چه کمین‌کرده‌هائی هستند؛ چه باید کرد در مقابل این ها، خود را رها کند، قید و بندهای خود را رها کند، بی‌خیال باشد؛ ضربه خواهد خورد. همه‌ی ملت هائی که در جهت یک هدف بزرگی حرکت کردند و وسط راه ضربه خوردند و گاهی آنچنان افتادند که دیگر قرن ها بلند نشدند؛ مشکلشان از همین جا آغاز شد: ندانستند چی در انتظار آنهاست و خود را برای مواجهه‌ی با آن آماده نکردند. درس های گذشته این کمک را به ما می کند که راهمان را بفهمیم، بشناسیم؛ کمین‌کرده‌ها را بشناسیم.[۶۰۴]

بصیرت و آمادگی، عامل یأس دشمن

بزرگ ترین ثروت برای یک نظام همین است که مردم پشت سرش باشند. ... حقیقت این است که در کشور ما حکومت و مردمی وجود ندارد – همه یکی اند – مسئولین حکومت، از شخص حقیر این بنده گرفته تا دیگران، هر کدام قطره‌هائی هستیم در اقیانوس عظیم این ملت؛ رحمت خداوند بر روان پاک امام بزرگوارمان که سلسله‌جنبان این حرکت عظیم، او بود؛ و رحمت خداوند بر روان پاک شهدای عزیزمان که آن ها بودند که پیشروان و سابقون این حرکت عظیم بودند؛ که «و السّابقون السّابقون، اولئک المقرّبون» این ها هستند که راه را باز کردند، هموار کردند؛ و رحمت خدا بر شما مردم عزیز، بر شما جوانان عزیز، که اینجور بصیرت و آمادگی را از خودتان نشان می دهید و دشمن را از دست اندازی به کشورتان و نظامتان و انقلابتان مأیوس می کنید.[۶۰۵]

ضعف تحلیل، عامل همه مشکلات

در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیت های جامعه یک جمع بندی ذهنی برای خودتان به‌وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم؛ از ضعف قدرت تحلیل بود. در صدر اسلام هم ضرباتی که خوردیم؛ همین‌طور بوده که حالا این ها بحث های تفسیری زیادی دارد؛ در دوره‌های گوناگون دیگر هم همین‌طور است. نگذارید که دشمن از بی‌بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشممان جلوه دهد.[۶۰۶]

من از سابق مکرر گفته‌ام که اگر ملتی قدرت تحلیل خودش را از دست بدهد؛ فریب و شکست خواهد خورد. اصحاب امام حسن، قدرت تحلیل نداشتند؛ نمی‌توانستند بفهمند که قضیه چیست و چه دارد می‌گذرد. اصحاب امیرالمؤمنین، آنهایی که دل او را خون کردند؛ همه مغرض نبودند؛ اما خیلی از آن ها – مثل خوارج – قدرت تحلیل نداشتند. قدرت تحلیل خوارج ضعیف بود. یک آدم ناباب، یک آدم بدجنس، یک آدم زبان‌دار پیدا می‌شد و مردم را به یک طرف می‌کشاند؛ شاخص

۶۰۴- بیانات در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۱۳۰۶/۱۱/۶/۱۱/۱۳۸۸
۶۰۵- بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۸۸/۱۰/۱۹
۶۰۶- بیانات در دومین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

را گم می‌کردند. در جاده، همیشه باید شاخص مورد نظر باشد. اگر شاخص را گم کردید؛ زود اشتباه می‌کنید. امیرالمؤمنین می‌فرمود: اول، بصیرت، هوشمندی، بینایی، قدرت فهم و تحلیل و بعد صبر و مقاومت و ایستادگی؛ از آنچه که پیش می‌آید؛ انسان زود دلش آب نشود. راه حق، راه دشواری است.[۶۰۷]

از دست رفتن فرصت ها و نعمت ها

لحظه را باید شناخت؛ نیاز را باید دانست. فرض بفرمائید کسانی در کوفه دلهاشان پر از ایمان به امام حسین بود؛ به اهل‌بیت محبت هم داشتند؛ اما چند ماه دیرتر وارد میدان شدند؛ همه‌شان هم به شهادت رسیدند؛ پیش خدا هم مأجورند؛ اما کاری که باید بکنند؛ آن کاری نبود که آن ها کردند؛ لحظه را نشناختند؛ عاشورا را نشناختند؛ در زمان، آن کار را انجام ندادند. اگر کاری که توابین در مدتی بعد از عاشورا انجام دادند؛ در هنگام ورود جناب مسلم به کوفه انجام می دادند؛ اوضاع عوض می شد؛ ممکن بود حوادث، جور دیگری حرکت بکند. شناسائی لحظه‌ها و انجام کار در لحظه‌ی نیاز، خیلی چیز مهمی است. مشکل برخی از افراد و مجموعه‌ها این است؛ بی‌ایمان نیستند، بی‌شوق و بی‌محبت هم نیستند؛ اما لحظه‌شناس نیستند.[۶۰۸]

تجربه تلخ بی‌بصیرتی در دوران امیرالمومنین

بصیرت خودتان را بالا ببرید؛ آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله‌ی امیرالمؤمنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «الا و لایحمل هذا العلم الّا اهل البصر و الصّبر» میدانید؛ سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان حرف هائی را می زد که دوست می زند؛ همان نماز جماعت را که تو اردوگاه امیرالمؤمنین میخواندند؛ تو اردوگاه طرف مقابل هم – در جنگ جمل و صفین و نهروان – میخواندند. حالا شما باشید؛ چه کار می کنید؟ به شما می گویند: آقا! این طرفِ مقابل، باطل است. شما می گوئید: با این نماز، با این عبادت! بعضی‌شان مثل خوارج که خیلیَ هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ خیلی؛ امیرالمؤمنین از تاریکی شب استفاده کرد و از اردوگاه خوارج عبور کرد؛ دید یکی دارد با صدای خوشی می خواند: «أمّن هو قانت ءاناء اللّیل» – آیه‌ی قرآن را نصفه شب دارد می خواند؛ با صدای خیلی گرم و تکان دهنده‌ای – یک نفر کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! به به! خوش به حال این کسی که دارد این آیه را به اینِ قشنگی میخواند. ای کاش من یک موئی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت می رود؛ حتماً، یقیناً؛ من هم با برکت او به بهشت می روم. این گذشت، جنگ نهروان شروع شد. بعد که دشمنان کشته شدند و مغلوب شدند؛ امیرالمؤمنین آمد بالاسر کشته‌های دشمن، همین طور عبور میکرد و می گفت بعضی‌ها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند میکردند؛ حضرت با این ها حرف می زد. آن ها مرده بودند؛ اما میخواست اصحاب بشنوند. یکی را گفت بلند کنید؛ بلند کردند. به همان

۶۰۷- بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۷۰/۱/۲۶

۶۰۸- بیانات در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۸۸/۱۰/۲۹

کسی که آن شب همراهش بود؛ حضرت فرمود: این شخص را می شناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی یک مو از بدن او باشی، که آن شب داشت آن قرآن را با آن لحن سوزناک میخواند! اینجا در مقابل قرآن ناطق، امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلّین) می ایستد؛ شمشیر میکشد! چون بصیرت نیست؛ بصیرت نیست، نمیتواند اوضاع را بفهمد.[۶۰۹]

عدم توانایی نقش آفرینی در جامعه

اگرشما اعلم علما هم باشید؛ ولی زمانتان را نشناسید؛ محال است بتوانید برای جامعه‌ی اسلامی امروز مفید واقع شوید. اگر ندانیم که استکبار چه کار می‌خواهد بکند و دشمنان ما چه کسانی هستند و از کجا نفوذ می‌کنند؛ و اگر متوجه نباشیم که در جامعه‌ی ما چه می‌گذرد و چه مشکلاتی وجود دارد و علاجش چیست؛ و اگر اطلاع نداشته باشیم که در جبهه‌بندی های امروز جهان چه جایگاهی داریم ؛ نمی‌توانیم نقش واقعی خود را ایفا کنیم. ... هرچه مقام بالاتر باشد؛ آگاهی های بیشتر و وسیع تری مورد لزوم است.[۶۱۰]

افزایش ضربه پذیری

ما در طول تاریخ تشیع، به خاطر عدم آگاهی علما از حقایق جریانات دنیا، خیلی ضربه خوردیم؛ به خصوص در دویست سال اخیر که دنیا شکل جدیدی پیدا کرد و استعمار پدید آمد و سیاست ها عوض شد و دولت های اروپایی وارد میدان سیاست جهانی شدند و به کشورهای اسلامی تعرض کردند. هرگاه ما عالم دین و تقی و باهوش و زرنگ و دقیقی مثل میرزای شیرازی و شیخ انصاری داشتیم؛ از شر دشمن محفوظ می‌ماندیم و برنده بودیم؛ ولی آنجا که قدری غفلت و ناآگاهی در کار بوده است، ضرر می‌کردیم؛ که آن ضرر، به یک نفر و یک حوزه و یک مجموعه و یک شهر و یک سال و چند سال محدود نمی‌شد؛ بلکه در برخی موارد اثرش تا پنجاه سال تمام، جامعه‌ی اسلامی را تحت فشار قرار می‌داد. دیگر نباید تسلیم ناآگاهی ها شویم. باید آگاهی و بصیرت را در خودمان تقویت کنیم.[۶۱۱]

در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیت های جامعه یک جمع بندی ذهنی برای خودتان به وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم؛ از ضعف قدرت تحلیل بود. در صدر اسلام هم ضرباتی که خوردیم؛ همین طور بوده که حالا این ها بحث های تفسیری زیادی دارد. در دوره های گوناگون دیگر هم همین طور است. نگذارید که دشمن از بی بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشممان جلوه دهد.[۶۱۲]

۶۰۹- بیانات در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۱۸
۶۱۰- بیانات در دیدار با اساتید و طلاب مشهد ۱۳۶۸/۴/۲۰
۶۱۱- بیانات در دیدار با اساتید و طلاب مشهد ۱۳۶۸/۴/۲۰
۶۱۲- بیانات در دیدار با جوانان ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

گم کردن جهت گیری، بزرگ ترین خطر

برای یک رزمنده بزرگ ترین خطر این است که جهتگیری را گم کند؛ نداند دشمن کجاست؛ دوست کجاست. اگر ندانست دشمن کجاست و دوست کجاست، آنوقت ممکن است به طرف دوست آتش کند؛ به خیال این که دارد به طرف دشمن آتش می کند. این ها خیلی خطرناک است. بعضی از ما به طرف دوستانمان آتش می کنیم، خیال می کنیم به طرف دشمن داریم آتش می کنیم! بعضی از ما غفلت می کنیم از این که ایجاد اختلاف مذهبی، نقشه و طرح دشمن است برای این که ما را مشغول به خودمان کند. غفلت می کنیم؛ همه ی همت یک شیعه می شود کوبیدن سنی، همه ی همت یک سنی می شود کوبیدن شیعه؛ خوب، این خیلی تأسف آور است و دشمن این را می خواهد.[۶۱۳]

ز. موانع بصیرت

هوای نفس، مانع بصیرت

گاهی بصیرت هم وجود دارد؛ اما در عین حال خطا و اشتباه ادامه پیدا می کند؛ که گفتیم بصیرت شرط کافی برای موفقیت نیست؛ شرط لازم است. در اینجا عواملی وجود دارد؛ یکی مساله‌ی نبود عزم و اراده است. بعضی‌ها حقایقی را می دانند؛ اما برای اقدام تصمیم نمی گیرند؛ برای اظهار تصمیم نمی گیرند؛ برای ایستادن در موضع حق و دفاع از حق تصمیم نمی گیرند. البته این تصمیم نگرفتن هم عللی دارد: گاهی عافیت طلبی است؛ گاهی تنزه‌طلبی است؛ گاهی هوای نفس است؛ گاهی شهوات است؛ گاهی ملاحظه‌ی منافع شخصی خود است؛ گاهی لجاجت است.[۶۱۴]

وقتی جاه‌طلبی‌ها و حسادت ها و دنیاطلبی‌ها و هوی‌پرستی‌ها و شهوترانی‌ها جلوی چشم ما را بگیرند؛ واقعیات را هم نمی توانیم مشاهده کنیم. دیدید بعضی‌ها نتوانستند واقعیاتِ جلوی چشم را ببینند؛ نتوانستند تشخیص بدهند. در فتنه‌ی طراحی‌شده‌ی پیچیده‌ی سال ۸۸ حقایقی جلوی چشم مردم بود؛ نگذاشتند یک عده‌ای این حقایق را ببینند، بفهمند؛ ندیدند، نفهمیدند. وقتی در یک کشور فتنه‌گرانی پیدا می شوند که برای جاه‌طلبی خودشان، برای دست یافتن به قدرت، برای رسیدن به اهدافی که به صورت آرزو در وجود خودشان متراکم و انباشته کردند؛ حاضر می شوند به مصلحت یک کشور، به حقانیت یک راه پشت کنند و لگد بزنند؛ کاری می کنند که سردمداران غربی و دشمنان درجه‌ی یک ملت ایران به هیجان می‌آیند و سر شوق می‌آیند و از آن ها حمایت می کنند؛ این یک حقیقت روشن است؛ این چیزی نیست که وقتی نور هست، انسان آن را نبیند؛ اما بعضی ندیدند، بعضی نمی‌بینند، بعضی درک نمی کنند؛ بعضی به خاطر ظلمت دل، حتی درک هم می کنند؛ اما حاضر نیستند به این فهم ترتیب اثر بدهند؛ این ها همه عوارض هوای نفس است؛ این ها همه نتیجه‌ی امر و نهی همان فرعون درونی ماست؛ همان

۶۱۳- بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۳
۶۱۴- بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴

فیل مستِ هوی و هوس است که شرع مقدس چکشی از تقوا و ورع به دست مؤمن می دهد که بر سرِ این فیل مست بکوبد و او را آرام کند. اگر توانستیم این را در وجود خودمان آرام کنیم؛ آن وقت دنیا نورانی خواهد شد؛ همه چیز را می‌بینیم، چشم ما می‌بیند؛ اما وقتی هوی‌پرستی باشد؛ نمی‌بیند. شما که بسیجی هستید، جوان هستید، دل های شما پاک است، نورانی است، با صفای باطن خودتان می توانید این روحیه را، این حالت را در خودتان تقویت کنید. بسیجی باصفاست؛ نورانی است.[۶۱۵]

ح. سطوح و لایه های بصیرت

الف. بصیرت در انتخاب جهان‌بینی

بصیرت را در دو سطح می توانیم تعریف کنیم. یک سطح، سطح اصولی و لایه‌ی زیرین بصیرت است. انسان در انتخاب جهان‌بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، یک بصیرتی پیدا می کند. فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی در این است: با نگاه توحیدی، این جهان یک مجموعه‌ی نظام‌مند است؛ یک مجموعه‌ی قانون‌مدار است؛ طبیعت هدفدار است؛ ما هم که جزئی از این طبیعت هستیم، وجودمان، پیدایشمان و زندگی‌مان هدفدار است؛ بی‌هدف به دنیا نیامدیم. این، لازمه‌ی نگاه توحیدی است. معنای اعتقاد به وجود خداوند عالم و قادر این است. وقتی فهمیدیم هدفدار هستیم؛ آن گاه در جستجوی آن هدف برمی‌آئیم. خود این جستجو، یک تلاش امیدوارانه است. تلاش می کنیم آن هدف را پیدا کنیم. بعد که هدف را یافتیم، فهمیدیم هدف چیست؛ تلاشی شروع می شود برای رسیدن به آن هدف؛ در این صورت همه‌ی زندگی می شود تلاش، آن هم تلاش جهتدار و هدفدار؛ از آن طرف این را هم می دانیم که با نگاه توحیدی، هر گونه تلاش و مجاهدتی در راه هدف، انسان را قطعاً به نتیجه می رساند. این نتائج مراتبی دارد؛ یقیناً به یک نتیجه‌ی مطلوب می رساند. با این نگاه، در زندگی انسان دیگر یأس، ناامیدی، سرخوردگی و افسردگی معنی ندارد. وقتی شما می دانید وجود شما، پیدایش شما، حیات شما، تنفس شما با یک هدفی تحقق پیدا کرده است؛ دنبال آن هدف می گردید و برای رسیدن به آن هدف، تکاپو و تلاش می کنید. از نظر خدای متعال که آفریننده‌ی هستی است؛ خود این تکاپو هم اجر و پاداش دارد. به هر نقطه‌ای که رسیدید، در واقع به هدف رسیدید. این است که در دیدگاه توحیدی، خسارت و ضرر برای مؤمن اصلاً متصور نیست. فرمود: «ما لنا الّا احدی الحسنیین»؛ یکی از دو بهترین در انتظار ماست؛ یا در این راه کشته می شویم، که این بهترین است؛ یا دشمن را از سر راه برمی داریم و به مقصود می رسیم، که این هم بهترین است. پس در اینجا ضرری وجود ندارد. درست نقطه‌ی مقابل، نگاه مادی است. نگاه مادی اولاً پیدایش انسان را، وجود انسان را در عالم بدون هدف می داند؛ اصلاً نمی داند برای چه به دنیا آمده است. البته در دنیا برای خودش هدف هائی تعریف می کند – به پول برسد، به عشق برسد، به مقام برسد، به لذت های جسمی برسد، به لذت های علمی برسد؛ از این هدف ها می تواند برای خودش تعریف کند – اما این ها هیچکدام هدف های طبیعی

۶۱۵- بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۰۹/۰۴

نیست؛ ملازم با وجود او نیست. وقتی اعتقاد به خدا نبود؛ اخلاقیات هم بی‌معنی می شود، عدالت هم بی‌معنی می شود؛ جز لذت و سود شخصی، هیچ چیز دیگری معنا پیدا نمی کند. اگر انسان در راه رسیدن به سود شخصی پایش به سنگ خورد و آسیب دید، ضرر کرده، خسارت کرده؛ اگر به سود نرسید، اگر نتوانست تلاش کند؛ نوبت به یأس و ناامیدی و خودکشی و به کارهای غیر معقول دست زدن می رسد. پس ببینید فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی، معرفت الهی و معرفت مادی این است. این، اساسی‌ترین پایه‌های بصیرت است. با این نگاه، وقتی انسان مبارزه می کند، این مبارزه یک تلاش مقدس است؛ اگر جنگ مسلحانه هم بکند؛ همینجور است. اصلاً مبارزه بر اساس بدبینی و بدخواهی نیست. مبارزه برای این است که انسانیت – نه فقط شخص خود او – به خیر و کمال و رفاه و تکامل مقامات رفیع نائل شود. با این نگاه، زندگی چهره‌ی زیبائی دارد و حرکت در این میدان وسیع، یک کار شیرین است. خستگی انسان با یاد خدای متعال و با یاد هدف برطرف می شود. این، پایه‌ی اساسی معرفت است؛ پایه‌ی اساسی بصیرت است. این بصیرت خیلی چیز لازمی است؛ این را باید ما در خودمان تأمین کنیم. بصیرت در حقیقت زمینه‌ی همه‌ی تلاش ها و مبارزات انسانی در جامعه است.[۶۱۶]

ب. بصیرت درحوادث گوناگون

به جز این سطح وسیع بصیرت و لایه‌ی عمیق بصیرت، در حوادث گوناگون هم ممکن است بصیرت و بی‌بصیرتی عارض انسان شود. انسان باید بصیرت پیدا کند. این بصیرت به چه معناست؟ یعنی چه بصیرت پیدا کند؟ چه جوری می شود این بصیرت را پیدا کرد؟ این بصیرتی که در حوادث لازم است و در روایات و در کلمات امیرالمؤمنین هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او می گذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا می کند، تدبر کند؛ سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رحم الله امرء تفکّر فاعتبر»؛ فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبر مسائل را بسنجد – «و اعتبر فأبصر» – با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آن ها تدبر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می کند؛ یعنی بینائی ایجاد می کند و انسان چشمش به حقیقت باز می شود.[۶۱۷]

ط. مصادیق و جلوه های بصیرت

امواج بصیرت و مجاهدت نوزدهم دی

در هر سال نوزدهم دی را همه‌ی ملت ایران، به خصوص مردم عزیز و با بصیرت قم، همچون یک مقطع تاریخیِ گویا و زباندار، به رخ مستکبران عالم می کشند. جا هم دارد؛ حقیقتاً هم، حادثه ای مثل نوزدهم دی، به رخ دشمن کشیدنی است. این حادثه از ابعاد مختلفی قابل توجه و تأمل است: هم بصیرت در این حادثه موج می زند، هم موقع‌شناسی، هم دشمن شناسی، هم

۶۱۶- بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴
۶۱۷- همان

مجاهدت و اقدام و فداکاری، این ها ابعاد این حادثه‌ی عظیمی است که در نوزدهم دی سال ۵۶ – یعنی سی و دو سال قبل – به وقوع پیوسته است. از طرف دیگر، همین حادثه، مبدأ یک تحول، یک حرکت، یک جریان عظیم و جهتداری در ملت ایران شد. پس حادثه، حقیقتاً حادثه‌ی مهمی است. آن روز هم تأثیر گذاشت؛ امروز هم که شما یاد آن حادثه را و یاد شهدای روحانی و غیر روحانیِ آن حادثه را گرامی می دارید؛ باز تأثیر می گذارد؛ درس می دهد؛ بصیرت می دهد و جهت حرکَت را به ما نشان می دهد. روزهای سال، به طور طبیعی و به خودی خود همه مثل هم اند؛ این انسان ها هستند؛ این اراده‌ها و مجاهدتهاست که یک روزی را از میان روزهای دیگر برمی کشد و آن را مشخص می کند؛ متمایز می کند؛ متفاوت می کند و مثل یک پرچمی نگه می دارد تا راهنمای دیگران باشد. روز عاشورا – دهم محرم – فی نفسه با روزهای دیگر فرقی ندارد؛ این حسین بن علی (علیه السّلام) است که به این روز جان می دهد، معنا می دهد، او را تا عرش بالا می برد؛ این مجاهدت های یاران حسین بن علی (علیه السّلام) است که به این روز، این خطورت و اهمیت را می بخشد. روز نوزدهم دی هم همینجور است؛ روز نهم دیِ امسال هم از همین قبیل است. نهم دی با دهم دی فرقی ندارد؛ این مردمند که ناگهان با یکَ حرکت – که آن حرکت برخاسته از همان عواملی است که نوزدهم دیِ قم را تشکیل داد؛ یعنی برخاسته ی از بصیرت است؛ از دشمن‌شناسی است؛ از وقت‌شناسی استَ؛ از حضور در عرصه ی مجاهدانه است – روز نهم دی را هم متمایز می کنند.[۶۱۸]

فهمیدن نیاز و حضور در لحظه‌ی مورد نیاز، اساس کار است

دلائل زیادی هم برای این هست؛ آخری‌اش همین نهم دی است؛ قبلش – ده سال قبل از این – ۲۳ تیر است؛ آن روز هم نیاز لحظه‌ها بود؛ این یک کار متعارف و معمولی نبود. راهپیمائی مردم در بیست و دوی بهمن با همه‌ی عظمتی که دارد – که حالا عرض خواهم کرد – یک کار متعارف است؛ یک کار روان‌شده است؛ شناخته‌شده است؛ متوقع است که انجام بگیرد و انجام می گیرد؛ اما بیست و سه‌ی تیر در سال ۷۸، یک کار متوقع نبود؛ اهمیت داشت که این مجموعه بداند و بفهمد که این کار در آن شرائط، لازم است و آن را انجام بدهد. کار نهم دی ماه امسال هم همینجور بود. شناختن موقعیت، فهمیدن نیاز، حضور در لحظه‌ی مناسب و مورد نیَاز، این اساس کار است که مؤمن باید این را هم با خود همراه داشته باشد تا بتواند وجودش مؤثر بشود؛ آن کاری را که باید انجام بدهد؛ بتواند انجام بدهد. خوب، الحمدلله شورای هماهنگی تبلیغات این خصوصیت را داشته است؛ نشان داده است؛ هم در دهه‌ی اول، در اوضاع و احوال گوناگون آن دهه – در دوران دفاع مقدس، قبل از دفاع مقدس، بعد از دوران دفاع مقدس – هم بعد از رحلت امام در مناسبت های مختلف که قله‌هائی را در تاریخ ما به وجود آورد. یکی از این قله‌های فراموش نشدنی، همین نهم دی امسال بود.[۶۱۹]

۶۱۸- بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۸۸/۱۰/۱۹
۶۱۹- بیانات در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۸۸/۱۰/۲۹

بصیرت و موقع‌شناسی بی‌نظیر و اعجاب آور

ملت ایران امسال احساس کرد که کشورش، نظامش، اسلام عزیزش به این حضور احتیاج دارد. یک جبهه‌ی دشمن عنودِ شریر که همه‌ی دستگاه‌های ارتباطی دنیا و رسانه‌های دنیا در مشت اوست و بسیاری از سیاستمداران دنیای غرب دست‌نشانده‌ی این جبهه‌ی شریر هستند؛ یعنی جبهه‌ی سرمایه‌داران، کارتل‌داران، تراست‌داران، کمپانی‌داران بزرگ، سرمایه‌داران خونخوار و صهیونیست ها، شبکه‌ی صهیونیست جهانی که اغلبِ رسانه‌های دنیا و رسانه‌های فوق مدرنِ امروز مثل این کانال های تلویزیونی و بیشتر از همهَ کانال های اینترنتی در اختیار اینهاست؛ متعلق به آنهاست. این ها از مدت ها قبل، از ماه‌ها قبل تبلیغات خود را روی این نقطه متمرکز کردند که ملت ایران نسبت به نظام، نسبت به اسلام، نسبت به هدف های اعلام شده، سست شده است. این را هی تبلیغ کردند و به طور مداوم در بوق های تبلیغاتی خودشان این حمله را تشدیدِ کردند که به ملت عزیز ما بباورانند این دروغ بزرگ را؛ هدف چی بود؟ هدف این بود که عملاً ملت شجاع ایران، ملت مؤمن ایران، ملت امتحان‌داده‌ی ایران در عرصه‌های سخت و بزرگ، سست بشود. وقتی ملت سست شد؛ کشور بی‌دفاع می شود؛ وقتی ملت در صحنه نبود؛ مسئولین تنها می مانند. هیچ مجموعه‌ی سیاسی در دنیا بدون پشتوانه‌ی ملت های خودشان نمی توانند کار کنند؛ پیش بروند. این ها این غرض را داشتند. روی خصوص بیست و دوی بهمن هم تکیه کردند؛ انواع و اقسام حیله‌های تبلیغاتی را به کار بردند تا شاید بتوانند این صحنه‌ی حضور را خلوت کنند، خاموش کنند، بی‌رونق کنند؛ مردم این را فهمیدند. آنچه که انسان را به اعجاب وادار می کند؛ آنچه که انسان را در مقابل عظمت این ملت کوچک می کند که چقدر این ملت با عظمت است؛ همین بصیرت و موقع‌شناسی ملت ایران است.[۶۲۰]

این بصیرت بی‌نظیر مردمی، این موقع‌شناسی انسان را دچار اعجاب می کند. این است که ملت را نگه داشته است؛ این است که کشور را حفظ کرده است. ملت ایران فهمید که امروز دشمن این هدف را دارد؛ با عمل خود، توی دهن دشمن زد؛ با حضور خود، تبلیغات دشمن را خنثی کرد. نوجوان، جوان، پیر، کهنسالِ از کارافتاده، زن و مرد، در همه‌ی کشورِ آمدند توی عرصه و صحنه‌ی حضور. طبق گزارشیَ که به من دادند – گزارش موثق – اقلاً در هشتصد و پنجاه شهر کشور این تظاهرات با همین شکل گسترده وجود داشته است که تلویزیون قادر نیست این همه را نشان بدهد. این ملت ایران است؛ این بصیرت است؛ این موقع‌شناسی و حضور این ملت است. این ملت شکست نخواهد خورد. آنهائی که باید پیام را بگیرند؛ گرفتند. آنهائی که در مغزهای الکلیِ آفت‌دیده‌ی خود خیالاتی برای ملت ایران در سر می پختند، آن ها فهمیدند در ایران چه خبرَ است. البته در تبلیغات سعی کردند نگذارند این حقیقت منعکس بشود؛ اما آنی که باید بفهمد، فهمید. دستگاه‌های اطلاعاتی دشمنان ما و سیاستگذاران اصلی در کشورهای معارض با جمهوری اسلامی، فهمیدند که ملت قهرمان ایران اینجور در صحنه است؛ اینجور وسط میدان حاضر است.[۶۲۱]

۶۲۰- بیانات در دیدار مردم آذربایجان ۱۳۹۰/۱۱/۲۶
۶۲۱- همان

بصیرت مثال‌زدنی مردم

مردم واقعاً هوشیار و بصیرند. انسان چه بگوید در قبال این هوشیاری و بصیرت مردم؟ عامه‌ی مردم همیشه به مصالح کشور با نظر درستی نگاه کرده‌اند؛ این تجربه‌ی ماست. در طول این سه دهه، هر جا مسئولیتی متوجه مردم بوده است؛ به بهترین وجه آن را انجام داده‌اند. دشمنان خواستند مردم را از میدان های لازم‌الحضور خودشان دور کنند؛ نتوانستند، خواستند مردم را دچار تشتت آراء کنند؛ اختلاف کنند، که گریبان یکدیگر را بگیرند؛ از مصالح کشور و پیشرفت کشور غافل شوند؛ نتوانستند. مردم از خودشان بصیرت نشان دادند. حقاً و انصافاً بصیرت مردم مثال‌زدنی است؛ این هم کار خداست. دل ها دست خداست، اراده‌ها مقهور اراده‌ی الهی است. مردم مؤمن اند، متوجه به حقایق اند؛ سفارش ما بیشتر به مسئولین است؛ به سیاستمداران است، به مدیران گوناگون است؛ مراقب باشند دشمن نتواند این آرامش و استقرار و طمأنینه‌ای را که به فضل الهی در کشور وجود دارد و دشمن سعی کرده این را به هم بزند و نتوانسته، به هم بزند؛ سعی کنند این آرامش و استقرار را حفظ کنند؛ نگذارند تلاطم به وجود بیاید. گاهی یک حرف، گاهی یک عمل نسنجیده، گاهی یک اقدام نابجا، موجب تلاطم در محیط سیاسی می شود؛ باید خیلی مراقب باشند.[۶۲۲]

مردم در مقابل توطئه بیدارند

خوب، جمهوری اسلامی هویتی غیر از هویت مردم و ایمان مردم و عزم مردم که ندارد؛ امروز هم همینجور است. ما کسی نیستیم، ما چیزی نیستیم؛ خدای متعال به وسیله‌ی این مردم و این دلهاست که این نظام را حمایت می کند؛ «هو الّذی ایّدک بنصره و بالمؤمنین». خداوند متعال به پیغمبرش می فرماید که پروردگار، تو را به وسیله‌ی مؤمنین یاری کرد. جمهوری اسلامی امروز هم همینجور است؛ آن روز هم همینجور بود. ما وسیله‌ی دیگری نداریم؛ وسیله، همین ایمان های مردم است که از هر سلاحی کارآمدتر است؛ از هر وسیله‌ای مؤثرتر است. آن روز هم همینجور بود. مردم آمدند این توطئه‌ها را جارو کردند. البته یک توطئه که جارو شد، معنایش این نیست که توطئه تمام شد؛ خوب، دشمن بیدار است؛ یک بازی دیگری، یک توطئه‌ی دیگری، یک ماجرای دیگری، مردم که بیدار بودند، فرقی نمی کند؛ صد تا توطئه هم که بیاورند؛ مردم

در مقابلش می‌ایستند و حرکتشان را هم ادامه می دهند. حرکت عظیم ملت ایران متوقف نمی شود؛ هم پیش می روند؛ هم در عین حال با معارضه‌ها، با دشمنی‌ها و با مزاحمت ها مقابله می کنند. این وضعی بوده است که در این سی سال وجود داشته است.[۶۲۳]

مطمئن به هوشیاری و قدرت تحلیل مردم

اینجانب، با اعتماد و اطمینان به هوشیاری و قدرت تحلیل که بحمدالله به برکت انقلاب در میان اقشار مردم ما رایج است؛ لازم می‌دانم اعلام کنم که برخلاف ادعا و میل سخنگویان استکبار،

۶۲۲- بیانات در اجتماع مردم شیروان ۱۳۹۱/۷/۲۴
۶۲۳- بیانات در دیدار مردم مازندران ۱۳۸۸/۱۱/۶

خطوط اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی – که پایه‌ی عمده‌ی آن، اصل «نه شرقی و نه غربی» است – تغییر نیافته و هرگز هم قابل تغییر نیست و جنجال هوچیگرانه‌ی دشمنان قادر نیست دولت و ملت ایران اسلامی را از راهی که با بصیرت انتخاب کرده و با معرفت پیموده است؛ منحرف سازد.[۶۲۴]

ی. بصیرت شاخص بسیج

بصیرت و ایمان، معیار بسیج

معیار بسیج، بصیرت است و ایمان؛ ایمان از دل او می جوشداو را به کار وادار می کند. بصیرت هم به او تفهیم می کند که چگونه حرکت کند؛ معیارها را چگونه تشخیص بدهد؛ راه را چگونه طی کند؛ این معنای بسیجی است.[۶۲۵]

بسیج، شاخص بصیرت را برای خود حفظ کرد

آنچه که راه را مشخص می کند؛ بصیرت است. ... بسیجیان در قبال پیچیدگی اوضاع توانسته‌اند در ذهن خود و فکر خود و شخصیت خود پیچیدگی ایجاد کنند و بشناسند؛ قضایای سال ۸۸ این را نشان داد. ممکن بود خیلی‌ها اشتباه کنند و خیلی‌ها هم اشتباه کردند؛ اگرچه اکثر آن کسانی که اشتباه کرده بودند، به فاصله‌ی کمی اشتباه را تصحیح کردند؛ اما حرکت عظیم بسیج، این شاخص بصیرت و این پرچم بصیرت را برای خود حفظ کرد؛ اشتباه نکرد؛ همان طور که امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) فرموده بود: «لا یعرف الحقّ بالرّجال»؛ با چهره‌ها نمی شود حق را تشخیص داد. یک چهره‌ی موجه محترم است؛ مورد قبول است، مورد تکریم است؛ اما او نمی تواند شاخص حق باشد. گاهی چهره‌ی موجهی مثل بعضی از صحابه‌ی پیغمبر راه را عوضی می روند؛ اشتباه می کنند. باید حق را شناخت؛ باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل؛ هر که از این راه رفت، حق است؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است. حق را باید شناخت. جماعت جوانِ مؤمنِ گردآمده‌ی در زیر سقف بسیج و پرچم بسیج، این بصیرت را نشان دادند؛ نشان دادند بابصَیرتند. بَصیرت، عنصر اول است. در آینده هم باید همینجور باشد.[۶۲۶]

بصیرت، اخلاص، عمل به هنگام، شاخص بسیجیان

آنچه که برای همه‌ی ما، برای همه‌ی بسیجیان عزیز، برای جوان ها در هر نقطه‌ای از این عرصه‌ی عظیم که مشغول کار هستند؛ باید به عنوان شاخص مطرح باشد؛ عبارت است از این سه عنصر: بصیرت، اخلاص، عمل به هنگام و به اندازه؛ این سه عنصر را همیشه با یکدیگر توأم کنید و در نظر داشته باشید. این عناصر سه‌گانه باید برای ما شاخص باشد؛ بصیرت، اخلاص، عمل به هنگام و به اندازه.[۶۲۷]

۶۲۴– پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۳
۶۲۵– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴
۶۲۶ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
۶۲۷ – همان

عشق و ایمان، بصیرت و همت، ستون های اصلی اردوهای هجرت

در مورد این حرکت عظیم بسیج سازندگی و اردوهای هجرت که ... این کار، اول از خود جوان ها شروع شد؛ خود جوان های دانشجو و دانش‌آموز در بخش های مختلف، این حرکت را شروع کردند؛ یعنی این یک حرکت خودجوش مردمی است ...خوب، عامل اینجا چیست؟ عشق و ایمان، بصیرت و همت؛ این ها ستون های اصلی است. عشق و ایمان، انسانی که ایمان ندارد؛ محوری برای حرکت خود نمی تواند تصویر کند. انسانی که از احساس عاشقانه و عمیق قلبی برخوردار نیست؛ نمی تواند این حرکت را ادامه دهد و استمرار بخشد. انسانی که همت ندارد؛ به کارهای کوچک، به فرازهای محدود اکتفاء می کند؛ چشم به برترین قله‌ها نمی دوزد. انسانی که بصیرت ندارد، راه را عوضی می رود؛ اگر عشق و ایمانی هم در او هست، آن را در راه غلط مصرف می کند؛ کج راهه می رود. عشق و ایمان، همت و بصیرت، این ها را انقلاب به مردم ما و جامعه‌ی ما داد.[۶۲۸]

انقلاب اسلامی، راهی که با بصیرت انتخاب شد

یک روز در صدر اسلام، دشمنان به نظرشان رسید که با شِعب ابیطالب و محاصره‌ی اقتصادی مسلمان ها، آن ها را از پا بیندازند؛ اما نتوانستند. این روسیاه‌های بدمحاسبه‌گر خیال می کنند ما امروز در شرائط شِعب ابیطالبیم. اینجور نیست؛ ما امروز در شرائط شِعب ابیطالب نیستیم؛ ما در شرائط بدر و خیبریم. ما در شرائطی هستیم که ملت ما نشانه‌های پیروزی را به چشم دیده است؛ به آن ها نزدیک شده است؛ به بسیاری از مراحل پیروزی، با سرافرازی دست پیدا کرده است. امروز مردم ما را از محاصره‌ی اقتصادی می ترسانند؟ با این حرف ها، با این ترفندها می خواهند مردم را از صحنه بیرون کنند؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ امروز می خواهند در اراده‌ی مسئولین اختلال ایجاد کنند؟ «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتّبعنی»؛ این راهی است که با بصیرت انتخاب شده است. این راهی است که با مجاهدت باز شده است؛ این راهی است که با خون عزیزترین ها هموار شده است. ما از این راه رفتیم، به قله‌هائی هم دست پیدا کردیم. ما متوقف نمی شویم، انشاءالله پیش می رویم؛ ولی تا امروز هم به قله‌های بسیاری دست پیدا کرده‌ایم. جمهوری اسلامی، امروز کجا، بیست سال و سی سال قبل کجا؟ دشمنان جمهوری اسلامی، هیمنه و باد و بروتِ آن روزشان کجا، ضعف و انکسار امروزشان کجا؟ این ها نشانه‌هائی است که ملت ایران را تشویق می کند. نخیر، در ادامه‌ی راه اسلام – که راه خداست؛ راه دین است؛ راه سعادت دنیا و آخرت است – اراده‌ی مسئولین همچنان مستحکم خواهد ماند؛ مردم هم امروز و در آینده، پای ثابت این حرکت عظیم خواهند بود.[۶۲۹]

ک. لغزشگاه‌های بی‌بصیرتی

آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی‌اند؛ نمیفهمند؛

۶۲۸- بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱
۶۲۹- بیانات در دیدار با مردم قم ۱۳۹۰/۱۰/۱۹

اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یک هو به نفع دشمن می پرانند؛ به نفع جبهه‌ای که همتش نابودی بنای جمهوری اسلامی است به نحوی، نخبه هم هستند؛ خواص هم هستند؛ آدم های بدی هم نیستند؛ نیت بدی هم ندارند؛ اما این است دیگر، بی‌بصیرتی است دیگر.[۶۳۰]

ایراد کار بسیاری از کسانی که در لغزشگاه‌های بی‌بصیرتی لغزیدند و سرنگون شدند؛ این است که نگاه نکردند و چشم خودشان را بر یک حقایق واضح بستند. انسان باید نگاه کند؛ وقتی که نگاه کرد، آنگاه خواهد دید. ما خیلی اوقات اصلاً حاضر نیستیم یک چیزهائی را نگاه کنیم. انسان می‌بیند منحرفینی را که اصلاً حاضر نیستند نگاه کنند. آن دشمن عنود را کار نداریم – حالا این را بعداً عرض خواهم کرد؛ «و جحدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلما و علوّا» – بعضی‌ها هستند که انگیزه دارند و با عناد وارد می شوند؛ خوب، دشمن است دیگر، بحث بر سر او نیست؛ بحث بر سر من و شماست که توی عرصه هستیم. ما اگر بخواهیم بصیرت پیدا کنیم، باید چشم را باز کنیم؛ باید ببینیم. یک چیزهائی هست که قابل دیدن است. اگر ما از آن ها سطحی عبور کنیم؛ آن ها را نبینیم، طبعاً اشتباه می کنیم. من یک مثال از تاریخ بزنم؛ در جنگ صفین لشکر معاویه نزدیک به شکست خوردن شد؛ چیزی نمانده بود که به کلی منهدم و منهزم شود. حیله‌ای که برای نجات خودشان اندیشیدند؛ این بود که قرآن ها را بر روی نیزه‌ها کنند و بیاورند وسط میدان؛ ورقه‌های قرآن را سر نیزه کردند؛ آوردند وسط میدان، با این معنا که قرآن بین ما و شما حکم باشد؛ گفتند بیائید هرچه قرآن می گوید، بر طبق آن عمل کنیم. خوب، کار عوام‌پسند قشنگی بود. یک عده‌ای که بعدها خوارج شدند و روی امیرالمؤمنین شمشیر کشیدند؛ از میان لشکر امیرالمؤمنین نگاه کردند، گفتند این که حرف خوبی است؛ این ها که حرف بدی نمی زنند؛ می گویند بیائیم قرآن را حکم کنیم. ببینید، اینجا فریب خوردن است؛ اینجا لغزیدن به خاطر این است که انسان زیر پایش را نگاه نمی کند. هیچ کس انسان را نمی بخشد اگر بلغزد؛ به خاطر این که زیر پایش را نگاه نکرده، پوست خربزه را زیر پای خودش ندیده؛ آن ها نگاه نکردند. آن ها اگر می خواستند حقیقت را بفهمند؛ حقیقت جلوی چشمشان بود. این کسی که دارد دعوت می کند و می گوید بیائید به حکمیت قرآن تن بدهیم و رضایت بدهیم؛ کسی است که دارد با امام منتخب مفترض‌الطاعه می جنگد! او چطور به قرآن معتقد است؟ امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابیطالب غیر از اینکه از نظر ما از طرف پیغمبر منصوص و منصوب بود؛ اما آن کسانی هم که این را قبول نداشتند؛ این مساله را قبول داشتند که آن روز بعد از خلیفه‌ی سوم، همه‌ی مردم با او بیعت کردند، خلافت او را قبول کردند؛ شد امام، شد حاکم مفترض‌الطاعه‌ی جامعه‌ی اسلامی؛ هر کس با او می جنگید؛ روی او شمشیر می کشید؛ وظیفه‌ی همه‌ی مسلمان ها بود که با او مقابله کنند. خوب، اگر این کسی که قرآن را سر نیزه کرده، حقیقتاً به قرآن معتقد است؛ قرآن می گوید که تو چرا با علی می جنگی؛ اگر واقعاً به قرآن معتقد است؛ باید دستهایش را بالا ببرد؛ بگوید آقا من نمی جنگم؛ شمشیرش را بیندازد. این را باید می دیدند؛ باید می فهمیدند. این مطلب مشکلی بود؟ این معضلی بود که نشود فهمید؟ کوتاهی کردند. این می شود بی‌بصیرتی، اگر اندکی تدبر و تأمل می کردند؛ این

۶۳۰- بیانات در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۱۸

حقیقت را می فهمیدند؛ چون این ها خودشان در مدینه اصحاب امیرالمؤمنین بودند؛ دیده بودند که در قتل عثمان، عوامل و دستیاران خود معاویه مؤثر بودند؛ آن ها کمک کردند به کشته شدن عثمان، در عین حال پیراهن عثمان را به عنوان خونخواهی بلند کردند. آن ها خودشان این کار را کردند؛ مقصر خودشان بودند؛ اما دنبال مقصر می گشتند. ببینید، این بی‌بصیرتی ناشی از بی‌دقتی است؛ ناشی از نگاه نکردن است؛ ناشی از چشم بستن بر روی یک حقیقت واضح است.[۶۳۱]

بی بصیرتی در فتنه ۸۸

در همین قضایای فتنه‌ی اخیر، یک عده‌ای اشتباه کردند؛ این بر اثر بی‌بصیرتی بود. ادعای تقلب در یک انتخابات بزرگ و باعظمت می شود؛ خوب، این راهش واضح است. اگر چنانچه کسی معتقد به تقلب است؛ اولاً باید استدلال کند؛ دلیل بیاورد بر وجود تقلب، بعد هم اگر چنانچه دلیل آورد یا نیاورد، قانون راه را معین کرده است؛ می تواند شکایت کند. باید بازرسی شود، بازبینی شود؛ آدم های بی‌طرفی بیایند نگاه کنند تا معلوم شود تقلب شده یا نشده؛ راهش این است دیگر، اگر چنانچه کسی زیر بار این راه نرفت و قبول نکرد – با این که ما کمک های زیادی هم کردیم: مدت قانونی را بنده تمدید کردم؛ حتی گفتیم خود افراد بیایند جلوی دوربین های تلویزیون شمارش کنند – دارد تمرد می کند. ... توجه بفرمائید. مقصود این نیست که راجع به قضایای گذشته اظهارنظر کنیم؛ می خواهیم مثال بزنیم؛ پس بصیرت پیدا کردن، کار دشواری نیست. اگر شما نگاه کردید دیدید یک راه معقول قانونی وجود دارد و کسی از آن راه معقول قانونی سرمی پیچد و کاری می کند که برای کشور مضر است؛ ضربه‌ی به منافع ملت است؛ خوب، با نگاه عادلانه، با نگاه متعارف، با نگاه غیرجانبدارانه، معلوم است که او محکوم است؛ این یک چیز روشنی است، یک قضاوت واضحی است. پس ببینید مطالبه‌ی بصیرت، مطالبه‌ی یک امر دشوار و ناممکن نیست. بصیرت پیدا کردن، کار سختی نیست. بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دام های گوناگون، از دوستی‌ها، دشمنی‌ها، هوای نفس‌ها و پیش داوری‌های گوناگون نشود. انسان همین قدر نگاه کند و تدبر کند؛ می تواند واقعیت را پیدا کند. مطالبه‌ی بصیرت، مطالبه‌ی همین تدبر است؛ مطالبه‌ی همین نگاه کردن است؛ مطالبه‌ی چیز بیشتری نیست و به این ترتیب می شود فهمید که بصیرت پیدا کردن، کار همه است؛ همه می توانند بصیرت پیدا کنند. البته بعضی نه به خاطر عناد، نه به خاطر بدخواهی، که گاهی غفلت می کنند. انسان با این که جان خودش را خیلی دوست دارد؛ اما گاهی ممکن است در حال رانندگی هم یک لحظه حواسش پرت شود؛ یک لحظه چرت بزند، یک ضایعه‌ای پیش بیاید. لغزش هائی که در این زمینه پیش می‌آید، این ها را نمی شود گناه دانست؛ اما اگر چنانچه تداوم پیدا کند؛ این دیگر بی‌بصیرتی است؛ این دیگر غیر قابل قبول است.[۶۳۲]

۶۳۱- بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴
۶۳۲- همان

ل. دو آفت مهم جهان اسلام

الف. انقطاع حکومت ها از مردم

امروز دو آفت در سطح جهان اسلام مشاهده می شودکه یکی مربوط به دولت ها و حکومت ها و رژیم های حاکم است و دیگری به مردم مربوط می شود. آن آفتی که به دولت ها و رژیم ها مربوط می شود؛ این است که غالباً در دنیای اسلام، حکومت ها از مردم منقطع اند. ممکن است انتخاباتی انجام گیرد و اکثریتی – واقعی و یا صوری – رأی هم بدهند و مثلاً فردی هم رئیس جمهور شود؛ ولی اکثریت مردم‌در صحنه نیستند و رابطه آن ها با نظام قطع است. ...اگر شما به زندگی چنین حکومت ها و رؤسایی نگاه کنید؛ می بینید که شبیه مردمشان نیستند و اگر به مردم نگاه کنید؛ می بینید از وضع حکامشان اصلاً خبر ندارند! گذشته کشور خودمان نیز همین گونه بود و هیچ ارتباط و پیوند عاطفی و عملی، میان مردم و رؤسای کشور وجود نداشت. مردم منتظر حرف و دستور آن ها نبودند و اگر حرف و دستوری هم می دادند، گوش نمی کردند و در مواقعی از روی ترس، دستورات را اجرا می کردند. نتیجه این آفت و عیب بزرگ، این شده است که حکومت های بریده از ملت ها، چون موقعیت خودشان را متزلزل و پشتشان را خالی می بینند؛ به دامن قدرت ها پناه می برند؛ یعنی یا به دامن امریکا می چسبند یا دیروز که شوروی بود؛ به سراغ آن کشور می رفتند و یا به یکی دیگر از دولت هایی که سرشان به تنشان می ارزد؛ تکیه می کنند!

رابطه و نسبت معکوسی بین ارتباط با مردم و ارتباط با قدرت ها و پناه بردن به آن ها وجود دارد: هر حکومتی که ارتباطش با مردم خود صمیمانه است؛ به قدرت ها بی اعتناست و به آن ها نگاه و تکیه نمی کند و به حرف آن ها محل نمی گذارد و دستور آن ها را به گوش نمی گیرد و به سراغ آن ها نمی رود؛ ولی هر حکومتی که با مردم خود رابطه ندارد، با قدرت های بزرگ گرم می گیرد و به آغوش آن ها پناه می‌برد و به آن ها تکیه می کند و قهراً از آن ها حرف می شنود و دستور آن ها را اجرا می کند! از آن طرف نیز همین طور است: هر حکومتی که به قدرت ها نزدیک شد، از مردم خود دور می شود و هر حکومتی که از قدرت های بزرگ جهانی دور شد؛ در دل مردم خود جای می گیرد. این، یک امر روشن و بدیهی در فرهنگ و معارف سیاسی امروز دنیاست. ...متأسفانه اغلب دولت های اسلامی با مردم خودشان رابطه ندارند و نتیجتاً به آغوش قدرت ها پناه می برند. اگر امریکا دستوری داد و فرمانی صادر کرد؛ فوراً اطاعت می کنند و دست به سینه در مقابل او می ایستند! حال شما نگاه کنید و ببینید که امروز کدام‌یک از کشورهای اسلامی، این گونه نیستند! [۶۳۳]

ب. فساد همه‌گیر و تباه کننده به سمت جوانان

آفت دوم – که آن هم خیلی دردناک و گریه آور است – مربوط به ملتهاست. متأسفانه در کشورهای اسلامی، از چهل، پنجاه سال قبل تا کنون، جوانان به سمت فساد سوق داده می

۶۳۳- همان

شوند. این روش هایی که می شنوید؛ در گذشته در کشور ما هم بود و امروز در کشوهای دیگر به صورت عمومی وجود دارد. امروز اگر در کشور ما فردی بخواهد در گوشه‌ای تظاهر به فساد کند؛ همه به او اخم می کنند و چهره در هم می کشند؛ اما متأسفانه در کشورهای دیگر، این حالت وجود ندارد. ...البته جوانان در همیشه تاریخ، احساسات شهوانی و غرایز گوناگون دارند و آسیب پذیرند؛ اما شاید در هیچ دوره‌ای از دوره‌های تاریخ، این گونه که حدس می زنیم، این همه فساد در میان جوانان دنیا مشاهده نشود و همه‌گیر نشده باشد! منشأ این فساد، کشورهای غربی – امریکا و اروپا – هستند. ...بنابراین آفت دوم این است که فساد همه‌گیر و سیل‌آسا و تباه کننده‌ای، به سمت جوانان کشورهای اسلامی سرازیر شده است. اثر این فساد و تباهی، این است که جوانِ فاسد شده، به فکر اصلاح نمی افتد و انگیزه پیدا نمی کند و دین و معنویت و ایمان و سیاستَ به معنای صحیح، برای او دیگر معنا پیدا نمی کند و اگر از روی اجبار و برای نان بخور و نمیر، درس بخواند، آن درس هم همراه با فساد است و وقتی متخصص شد؛ تازه یک آدم فاسد، فارغ التحصیل شده است! این، عیبِ بزرگِ جوامع اسلامی است که وقتی انسان ابعاد این عیب عظیم و آفت بزرگ را می بیند؛ واقعاً باید به خدای متعال پناه ببرد.[۶۳۴]

راه حل امام (ره) برای برطرف نمودن دو آفت

به اعتقاد من، امام عزیز ما با الهامی که پروردگار متعال به قلب آن بزرگوار کرد و او را هدایت نمود، با این حرکت عظیم بسیج، این دو عیب را در کشور ما ریشه کن کرد. شما بسیج را این گونه در نظر بگیرید. بسیج از طرفی به معنای حرکت خود جوش مردمی است؛ مردمی که خودشان را صاحب مملکت خویش می دانند؛ مردمی که – به خصوص جوانانش – با معنویّت هستند و دلشان با خدا آشناست؛ مردمی که اولاً از هر گونه انحراف در مشی کلی کشورشان آگاه می شوند؛ ثانیاً از آن رنج می برند و ثالثاً در مقابل آن انحراف می ایستند. این، معنای بسیج است...کسی که به مسائل و جریان کلی کشور خود و به دشمنی که از هر طرف به او حمله کند – چه نظامی و چه فرهنگی – حساس است، نمی تواند به سمت فساد برود و فرصت اندیشیدن به خواسته‌های فاسد و مفسدی که دشمنان در جامعه القا می کنند، ندارد...آن روزی که امام فرمودند: ارتش بیست میلیونی در ایران تشکیل شود؛ کشور ما چهل میلیون یعنی نصف

جمعیت کنونی، جمیعت داشت و همه دارای خصوصیات بسیجی بودند. امروز هم این گونه است. مردمی که چنین خصوصیتی دارند؛ نسبت به مسائل محیط و جامعه و نظام خود، بی تفاوت نیستند. کسی در رأس امور قرار می گیرد که مورد حمایت آن ها باشد و اگر کسی مورد حمایت مردم نباشد؛ در رأس امور قرار نمی گیرد. پس رابطه و پیوند بین مسؤولان کشور و آحاد مردم که متن عمومی آن ها هم همین بسیجی ها هستند؛ یک رابطه تنگاتنگ و برادرانه و صمیمانه است و این خصوصیت، آن عیب اول را از بین می‌برد. حکومتی که این گونه به مردم متکی باشد؛ به امریکا که هیچ، اگر در جهان ده قدرت هم وجود داشته باشند و هر کدام هم به عظمتِ استکبار امریکا باشند؛ آنجایی که لازم باشد؛ با قدرت و شهامت و توکل به خدا، به دهان همهَ

۶۳۴- همان

این ها می زند. ...درمان واقعی آفت دوم هم – که فساد جوانان در دنیاست – همین حرکت و فرهنگ بسیج است. شما در دوران دفاع مقدس و حتی بعد از آن تا امروز، دیدید و می بینید که جوانان کشور ما، با صفا و پاکدامن و مشتاق حقیقت و سرشار از معنویات و ارزش های اسلامی و انقلابی بودند و هستند و با بی اعتنایی و اَعراض از آن چیزهایی که جوانان دیگر را در دنیا به خود مشغول می کند؛ در جامعه ما حضور دارند.[۶۳۵]

م. مشکلات اصلی دشمنان با نظام مقدس اسلامی

الف بی اعتنایی مردم به تهدید و تطمیع دشمن

نظام مقدس اسلامی، نظامی است که همه مردم در آن بیدار و هوشیارند؛ با اراده تصمیم می گیرند، در صحنه مسائل زندگی حضور دارند؛ مسؤولان کشور – دولت، دستگاه قضایی، قوه مقننه – آزاد و اسلامی فکر می کنند؛ برای خدا حرکت می کنند؛ به تهدید دشمن اعتنا نمی کنند و از تطمیع کسی به طمع نمی افتند. چنین نظامی، برای آن ها مطلوب نیست... ...در چنین کشور و نظامی، هر حُسنی هم که در مردم وجود داشته باشد؛ از نظر آن ها عیب است! از نظر امریکایی ها، بزرگ ترین عیب جمهوری اسلامی این است که غصب غاصبانِ صهیونیست نسبت به فلسطین را قبول نمی کند. بزرگ ترین نقطه دشمنی آن ها با نظام جمهَوری اسلامی این است که چرا شما قبول نمی کنید چکمه‌پوشان اسرائیلی، بدون اجازه در خانه مردم حرکت کنند و بر سر آن ها بکوبند و حاکمانِ آن مردم باشند؟! همه دنیا قبول کرده‌اند؛ شما چرا قبول نمی کنید؟! بزرگ ترین نقطه قوت اینَ ملت، از نظر آن ها، بزرگ ترین نقطه ضعف است![۶۳۶]

ب. ایمان و اعتقادات مردم

ملت ایران، عقیده و ایمان و عشق خود، عدالت اجتماعی و رفاه و امنیت در سایه اسلام و توحید و احکام نورانی و مقدس اسلام را، هدف قرار داده است و برای آن تلاش می کند و شعار می

دهد. این، از نظر آن ها تحجر و تعصب و کج‌فهمی است و آن را عیب می گیرند! ملت ایران از روز اول، با رژیم مستکبر امریکا مبارزه کرده است؛ باز هم مبارزه می کند. آن طور که از قرائن به دست می‌آید؛ هنوز که هنوز است؛ رژیم مستکبر امریکا تصمیم دارد با این فکر و این راه و این هدف و این ملت، مقابله کند.[۶۳۷]

ج. بناهای مستحکم در نظام اسلامی

یک جا هم در دنیا وجود دارد که در مقابل نفوذ دشمن، در مقابل تسلط دشمن، در مقابل این که

۶۳۵– همان
۶۳۶– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰
۶۳۷– همان

کشور، دستخوش دشمن باشد، ایستاده‌اند؛ خوب، پیداست که با اینجا دشمن خواهند بود. روشن است که سعی می کنند این مانع را درهم بشکنند. این مانع چیست؟ نظام اسلامی! البته مبنا و اصل کار، ملتند؛ اما ملت، مجموعه‌یی از انسانهاست. اگر نظمی، نظامی، قائدی، فرماندهی، دولتی و تشکیلاتی این ملت را بر طبق مطلوب، به سمتی متوجه نکند، مثل همه‌ی ملت های مسلمان دیگری خواهند بود که مسلمانند، احیاناً همین احساسات اسلام دوستی ملت ما را هم دارند – اگر همه هم نداشته باشند؛ بعضی دارند – اما هیچ حرکتی انجام نمی گیرد. پس در واقع آن چیزی که باید آن ها با آن دشمنی بکنند؛ نظام و تشکیلات حکومت است؛ این بنای شامخ اسلامی است که اسلام در این جا به‌وجود آورده است و هر بخشی از این بنای شامخ که مستحکم تر باشد؛ بیشتر مورد بغض آنهاست؛ هر بخشی راسخ‌تر و قاطع‌تر در ایستادگی باشد؛ آن ها بیشتر بدشان می‌آید. مثال آن، خود شما هستید – سپاه – دشمن ها معمولاً از سپاه، بیشتر بدشان می‌آید.[۶۳۸]

رهبری، مهم ترین نقطه قوت کشور

رهبری، یعنی آن نقطه‌ای که هرجا دولت مشکلی داشته باشد؛ مشکلات لاعلاجش به دست رهبری حل می شود. توجه کنید؛ هر جا که تبلیغات دشمن کاری کند تا مردم را به دولت ها بدبین سازد؛ اینجا نقش رهبری است که حقیقت را برای مردم، روشن و توطئه دشمن را بر ملا می کند. این چند ساله ندیدید که درباره دولت ها، دولتمردان و مسؤولان چه می کردند و چگونه سعی می نمودند که تبلیغات دروغ و ترفندهای گوناگونی را رایج کنند تا مردم را مأیوس نمایند! آنجایی که می خواهند مردم را مأیوس کنند؛ رهبری است که امید به مردم می دهد. آنجایی که می خواهند یک توطئه سیاسی بین‌المللی برای ملت ایران به‌وجود آورند؛ رهبری است که قدم جلو می گذارد و تمامیت انقلاب را در مقابل توطئه قرار می دهد و دشمن را وادار به عقب‌نشینی می کند. آنجایی که می خواهند در بین جناح های گوناگون مردم، اختلاف ایجاد کنند؛ رهبری است که می‌آید مایه الفت و مانع از تفرقه می شود. آنجایی که می خواهند صندوق های انتخابات را خلوت کنند و مردم را از حضور در پای صندوق ها و رأی دادن مأیوس نمایند؛ رهبری است که به مردم الگو می دهد و می گوید که انتخابات

وظیفه است. آن‌گاه مردم اعتماد می کنند؛ وارد می شوند و حماسه عظیمی می آفرینند. آنجایی که جایگاه ابراز نظر مردم در مسائل انقلاب است؛ چشم مردم به دهان رهبری است. در زمان امام راحل این را بارها تجربه کردند و به لطف پروردگار، تو دهنی خوردند. بعد از رحلت امام راحل هم با کمک مردم، با همت و با همکاری مردم، دهها بار با همین کیفیت و همین شیوه، پیوند جوشیده استوار میان مردم و رهبری، توانسته است مشت محکم به دهان دشمنان بزند. لذا بسیار طبیعی است که با رهبری، بد باشند و کینه عمیق داشته باشند؛ جای تعجبی ندارد.[۶۳۹]

چرا در طول این یکی دو قرن گذشته – شاید از دویست سال پیش به این طرف – ایران در

۶۳۸– بیانات در جمع سپاهیان و بسیجیان لشکر ۱۰ سیدالشهدا ۱۳۷۷/۷/۲۶
۶۳۹ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

همه جنگ هایی که با همسایگان خود و دیگران داشته، شکست خورده است؛ مگر در همین جنگ تحمیلی هشت ساله که از همه جنگ هایی که ملت ایران در این مدت با آن مواجه شد؛ سخت‌تر و طولانی تر بود؟ این، سابقه ندارد. ...ما در این جنگ هشت ساله که تقریباً تمام قدرت های نظامی دنیا با یکدیگر همدست شدند و کشوری را علیه ما بسیج نمودند و به ما حمله کردند؛ ما آن ها را شکست دادیم. شکست نخوردیم و پیروز شدیم. چرا؟ عین همین مطلب، در سایر کشورها هم هست. این ها را می گویم تا فکر کنید و پاسخ درست سؤال را پیدا کنیم؛ تا بشود با یک فهم عقلانی درست، با هدایت عقلانی و محاسبه دقیق، راه آینده را پیدا کرد. ...علت چیست؟ علت، همان چیزی است که موجب شده بود ملت بزرگ ایران با وجود دین و ایمانش تا قبل از برهه انقلاب – در دوران های قبل – در همه قضایایی که برایش پیش آمد، دچار ناکامی شود. علت، در همه جا یکی است. علت این است که ملت ما از آن خصایص ممتازی که در طول این هشت سال از آن ها برخوردار بود، در گذشته برخوردار نبود. ... آن چیست؟ این، یک نکته اساسی است. این، عامل پیروزی های بزرگ و کامیابی ملت ایران است؛ یعنی ارتباط این توده عظیم مؤمن – این جوانان، این مردان و زن ها و قشرهای مختلف – با آن مرکزیت و رهبری الهیِ ایمانی که با همه وجود در راه هدف های اسلامی تلاش می کرد و مردم را در آن راهی که بایستی حرکت می کردند، هدایت می کرد. وجود یک رهبری، یک مرکزیت و یک دستگاه هدایت که در امام بزرگوار ما – آن مرد حکیم و معنوی – متجسم شده بود. او بود که به این توده عظیم مسلمانِ مؤمنِ متعهدِ ما راه نشان می داد. به مردم می گفت که باید با چه کسی مبارزه کنند. مردم را دعوت می کرد به این‌که دلشان را با خدا مرتبط کنند و به خدا توکل نمایند. به مردم هشدار می داد که چگونه در مقابل دشمنْ خود را مجهز و آماده نگهدارند که دشمن نتواند آن ها را فریب دهد. هر وقت لازم بود؛ آنچه را که دانستن آن برای مردم لازم بود به مردم می گفت. پشتِ سرِ امام هم دستگاه اداره کننده کشور، یعنی نظام جمهوری اسلامی بود.[۶۴۰]

البته اگر در مسؤولین کشور، یک وقت خدای ناخواسته انحرافی پیدا می شد، امام بزرگوار هشدار می داد و این، یک وظیفه است؛ اما آن مرکزیتی که من می گویم «توده مردم و بسیج عمومی مردم با آن متصل است»، عبارت است از مرکزیت نظام جمهوری اسلامی، یعنی در نظام اسلامی ما، مردم – این توده عظیم – نسبت به مسؤولین کشور که محورش مسؤولین و نقطه مرکزی آن هم شخص امام بزرگوار و رهبر است؛ یک پیوند دائمی با هم دارند. این، آن چیزی است که عامل پیروزی های جمهوری اسلامی تا امروز بوده است؛ به این، توجه داشته باشید.[۶۴۱]

من می خواهم به شما عزیزانم و به شما فرزندان و برادران بسیجی خودم، این نکته را عرض کنم که این را سررشته یک تحلیل طولانی و همیشگی قرار دهید تا دشمن را بشناسید و بفهمید دشمن، امروز چه کار می کند. وقتی در یک نظام، مسؤولینی – عده‌ای که یک کشور بزرگ مثل ایران را اداره می کنند – متکی به آحاد مردم هستند؛ به این نیروهای زنده و پرنشاط؛ به این جوانانی که خطر را در مقابل هدف های خودشان به هیچ می انگارند؛ به این دل های سرشار

۶۴۰- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۲/۸/۳۰
۶۴۱- همان

از شور و شوق و عشق به هدف والا، همین هایی که جنگ هشت ساله را اداره کردند؛ همین هایی که امروز اگر ما در مقابل استکبار جهانی با قدرت می ایستیم؛ به خاطر این است که به ایستادگی این نیروی عظیم در داخل کشور اعتماد و اطمینان داریم؛ وقتی که بین این نیروی عظیم با مرکزیت کشور، با مسؤولین کشور، با دستگاه اداره کننده کشور، با رهبر، با دولت، پیوند و ارتباط مستحکم باشد، اداره کنندگان چنان قدرت روحی پیدا می کنند که در مقابل فشارها و تحمیلاَت جهانی بگویند «نه»؛ تا استکبار نتواند بر آن ها چیزی را تحمیل کند. کما این‌که امروز آمریکایی ها و بقیه قدرت های ظالم و غاصب، بر خیلی از دولت ها تحمیل می کنند. هم آن ها قدرت پیدا می کنند؛ هم نیروی مردم در راه مصالح کشور به‌کار می رود. اراده‌های مردم، مشت های گره کرده مردم، در راه استقلال و آباد شدن کشور و در راه آزاد زیستن و عزت ملت به‌کار می افتد و کدام عزت برای یک ملت از این بالاتر که هیچ قدرتی نتواند آن را ابزار دست و وسیله برای رسیدن به خواست های خودش قرار دهد؟! این برای یک ملت، از هر عزتی بالاتر است.[۶۴۲]

۲. دشمن شناسی

الف. ضرورت شناخت دشمن

این را همه بدانند: امروز کشور به شناخت دشمن [نیاز دارد]. دشمن را بشناسیم؛ دشمنان جهانی که خودشان را به‌وسیله‌ی انواع و اقسام اقلام آرایشیِ رسانه‌ای و تبلیغاتی بزک می کنند و در مقابل چشم قرار می دهند، بشناسیم؛ آمریکا را بشناسَیم. در همین چند روز مشاهده کنید: فردا هفتم تیر است، حادثه‌ی حزب اتفاق افتاده است؛ در سال ۶۶ در همین روز هفتم تیر، حادثه‌ی بمباران شیمیایی سردشت اتفاق افتاده است؛ بله صدام آن کار را کرد، اما پشت سر صدام چه کسی بود؟ آمریکایی‌ها بودند، غربی‌ها بودند، همان کسانی بودند که بمب های شیمیایی را به او دادند؛ چراغ سبز هم به او دادند و در مقابل این جنایت بزرگ و این قتل‌عام عجیب سکوت هم کردند. در روز یازدهم تیر – چند روز بعد – ترور شهید صدوقی است که این هم کار همین جنایتکاران است؛ در روز دوازدهم تیر – چند روز بعد از این – حادثه‌ی اسقاط هواپیمای ایرباس بر روی خلیج‌فارس است. از هفتم تیر تا دوازدهم تیر شما ببینید چقدر ترور، قتل‌عام و کشتار [انجام شد]؟ [چقدر] زن، کودک، عالِم، سیاستمدار، به‌وسیله‌ی عوامل آمریکا آماج این جنایت ها قرار گرفتند؟ اگر طراح این حوادثَ هم سرویس‌های امنیتی آمریکا و غرب نبودند، حداقل کمک‌کننده بودند؛ حداقل تشویق‌کننده بودند. این دشمن ها را بشناسیم.[۶۴۳]

احتیاج داریم دشمن را بشناسیم. آن کسانی که امروز سعی می کنند از این هیولا یک چهره‌ی موجهی معرفی کنند، این ها دارند خیانت می کنند؛ این ها دارند جنایت می کنند. این کسانی که این حقیقت روشن را کتمان می کنند، این دشمنی خباثت‌آلود را در زیر پرده‌های توجیه می پوشانند؛ این ها دارند خیانت می کنند به این ملت، کشور ما و ملت ما احتیاج دارد دشمن را

۶۴۲- همان
۶۴۳- بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای استان تهران ۱۳۹۴/۴/۶

بشناسد؛ عمق دشمنی را بفهمد و احتیاج دارد به این که خود را آماده کند برای مواجهه، این مواجهه همیشه مواجهه‌ی سخت نیست؛ مواجهه‌ی در میدان جنگ نظامی نیست؛ دشوارتر از آن، مواجهه‌ی در میدان جنگ نرم است؛ در میدان فرهنگ است؛ در میدان سیاست است؛ در میدان زندگی اجتماعی است. ملت عزیز ایران، امروز به پیام شهیدان نیازمند است؛ احتیاج به این پیام دارد. ملت ما احتیاج دارد به این پیام امیدبخش، این پیام افشاگر.[۶۴۴]

اگر صحنه را نشناسیم؛ اگر دوست را نشناسیم؛ دشمن را نشناسیم؛ اگر امروز نظام سلطه را نشناسیم؛ استکبار را نشناسیم؛ چطور می توانیم با حکمت و درایت حرکت کنیم؟ چطور می توانیم درست برنامه‌ریزی کنیم؟ لذا باید بشناسیم.[۶۴۵]

دشمن، موجود خیالی و توهمی نیست

دشمن که ما می گوییم؛ به یک موجود خیالی و توهمی اشاره نمی کنیم. مراد ما از دشمن عبارت است از نظام استکبار؛ یعنی قدرت های استکباری؛ قدرت هایی که حیاتشان متوقف بر سلطه‌ی بر دیگران است؛ دخالت در امور دیگران، در اختیار گرفتن منابع مالی و حیاتی دیگران، این ها استکبارند؛ یا به تعبیر دیگری، سردمداران نظام سلطه، ما یک عنوانی داریم در ادبیات سیاسی‌مان و آن عبارت است از نظام سلطه، یعنی تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ این، نظام سلطه است. آن کسانی که سردمداران نظام سلطه‌اند؛ آن ها دشمن هستند. اگر یک مصداق خارجی هم بخواهیم برایش مشخص کنیم؛ رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا است. مظهر کامل نظام سلطه، رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا است. بعضی‌های دیگر هم البته هستند، منتهی از همه عینی‌تر، واضح‌تر و روشن‌تر، رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا است؛ که از اخلاقیات انسانی هیچ بهره‌ای ندارند؛ در انجام جنایت – همه‌جور جنایتی – هیچ ابایی ندارند و این جنایت و این فشار و این خشونت را هم خیلی راحت در زیر لبخند، در زیر الفاظ متعارف، الفاظ خوب و زیبا پنهان می کنند؛ مظهر آن این است؛ بنابراین دشمن که می گوییم یعنی این.

ب. برنامه های امریکا علیه کشور و ملت

در مورد کشور عزیز و ملت شجاع و مقاوم ولی مظلوم ما، امریکایی ها همه چیزها را تجربه کرده‌اند. این هم یک تجربه است که فریاد بکشند، تهدید کنند؛ بترسانند و در سایه ترساندن، کارهای خود را پیش ببرند. آنچه آن ها در مورد کشور عزیز ما و شما ملت شجاع و مؤمن ایران – به خصوص شما جوانان – آرزو دارند؛ مجموعه چند چیز است که در کنار هم آن را دنبال می کنند:

یکی این است که با ایجاد اختلاف و دلسردی و ناامیدی و خدای نکرده با خریدن بعضی ها، عزم دولتمردان را برای اقدامات اساسی و سازنده در کشور متزلزل کنند و نگذارند دولت ایران – که یک دولت اسلامی است و پرچم اسلام را بلند کرده است – به مطالبات حقیقی و به حق

۶۴۴– همان
۶۴۵–بیانات در دیدار پنجاه‌هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصلّای امام خمینی ره ۱۳۹۲/۸/۲۹

مردم رسیدگی کند. ... این یکی از کارهای لازم برای اوست. اگر در این کار موفق شوند؛ نتیجه این خواهد شد که مردم را از نظام اسلامی دلسرد کنند.

... کار دومی که آن ها می خواهند تحقق پیدا کند؛ این است که دلبستگی ها و انگیزه‌های اساسی ای که می تواند این ملت را مقاوم و به صورت یکپارچه در مقابل آن ها نگه بدارد، ضعیف کنند؛ باورها را برگردانند، ایمان ها را عوض کنند؛ امیدها را کور کنند و آینده و افق را تیره و تاریک و مبهم جلوه دهند. ابزار کار آن ها هم رسانه است. رسانه‌ها در دنیا خیلی قدرت دارند و به نفع صاحبان خود، کارهای خیلی بزرگی را انجام می دهند.

...یکی دیگر از کارها و آرزوهایی که آن ها دنبال می کنند؛ این است که وحدت ملی و وحدت بین مسؤولان را از بین ببرند؛ آحاد و گروه های مردم را با نام های مختلف از هم جدا کنند و میان آن ها دیوار بکشند؛ بین جمعیت عظیم ملت ایران، دیوارهای بلند قومی، مذهبی، حزبی، سیاسی و بحث های مجادله‌آمیز بکشند و وحدت و یکپارچگی را محو سازند. ... اگر ما هوشیار باشیم و وظیفه خود را بدانیم و به آن عمل کنیم؛ همه تدابیر دشمن، ناموفق خواهد بود.

...یکی دیگر از کارها این است که ملت را مرعوب نشان دهند؛ در حالی که ملت و جوانان ما مرعوب نیستند. امتیاز ملت ما این است که بیشترین نسبت جوان را در بین ملت های دنیا دارد. جوان، سرشار از امید و نشاط است و مایل است کاری به او محول کنند و آن را با شجاعت و خطرپذیری انجام دهد. این ها سعی می کنند ملت را مرعوب کنند؛ اگر نتوانستند مرعوب کنند، با جوسازی و نظرسازی مجعول، وانمود کنند که ملت مرعوب شده است. با نظرسازی هایی که عواملشان از طریق بعضی از تیترهای روزنامه‌ها و بعضی از نوشته‌های انسان های وادادہ و مرعوب درست می کنند.[۶۴۶]

برنامه های امریکا

یکی از کارهای آمریکایی‌ها در این سال‌های آخر، این است که کسانی را وادار کنند به بَزَک‌کردن چهره‌ی آمریکا، به این‌که این‌جور وانمود بکنند که آمریکایی‌ها اگر هم یک روزی دشمن بودند، امروز دیگر دشمنی نمی‌کنند؛ هدف این است. هدف این است که چهره‌ی دشمن برای ملت ایران پنهان بماند تا از دشمنی او غفلت بشود و او بتواند دشمنی خودش را اعمال کند و خنجر را از پشت فروکند؛ هدف این است. یک عده‌ای البته مغرضانه این کار را می‌کنند؛ یک عده‌ای هم از روی ساده‌لوحی این کار را می‌کنند. واقعیت قضیه این است که اهداف آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی هیچ تغییر نکرده است.[۶۴۷]

۶۴۶- بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۸۱/۸/۱۳
۶۴۷ – بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۴/۸/۱۲

نفوذ نقشه‌ی اصلی دشمن در منطقه و کشور

نقشه‌ی دشمن در این منطقه عمدتاً بر دو پایه استوار است؛ یکی عبارت است از ایجاد اختلاف، دومی عبارت است از نفوذ. این، اساس نقشه‌ی دشمن در این منطقه است: ایجاد اختلاف، اختلاف بین دولت‌ها و بعد اختلاف بین ملت‌ها که خطرناک‌تر از اختلاف دولت‌ها، اختلاف ملت‌ها است؛ یعنی دل‌های ملت‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند و عصبیت بیافرینند؛ بانام‌های مختلف، حالا یک‌وقت مسئله‌ی پان‌ایرانیسم و پان‌عربیسم و پان‌ترکیسم و این حرف‌ها بود؛ یک روز هم مسئله‌ی سنی و شیعه و تکفیر و مانند این‌ها است؛ به هر عنوانی که بتوانند، ایجاد اختلاف کنند. این‌یک قلم از کارهای این‌ها است که به‌شدت دارند روی این کار می‌کنند.[۶۴۸]

یک‌جور دشمنی، دشمنیِ سخت است؛ بمبی بیندازند، تیری بزنند، تروریستی بفرستند. یک‌جور دشمنی، دشمنی‌های نرمَ است که من از چندی پیش مسئله‌ی نفوذ را مطرح کردم؛ نفوذ خیلی مسئله‌ی مهمی است. ... از اصل واقعیت نفوذ غفلت نشود؛ غفلت نکنیم که دشمن درصدد نفوذ است. حالا من نفوذ را مقداری تشریح می‌کنم که نفوذ چیست و چگونه است؛ از اصل قضیّه غفلت نکنیم. جناح‌ها همدیگر را متّهم نکنند؛ این بگوید آقا شما که گفتی مقصودت این بود، آن بگوید نه شما که گفتی مقصودت این بود؛ خیلی خب، حالا مقصود هرچه بود. بالاخره واقعیت فراموش نشود؛ دشمن دارد برای نفوذ طرّاحی می‌کند.[۶۴۹]

بعضی‌ها اصرار دارند این شیطان بزرگ را با این خصوصیّات –که از ابلیس بدتر است– بزک کنند و به شکل فرشته وانمود کنند. چرا؟ دین به کنار، انقلابی گری به کنار؛ وفاداری به مصالح کشور چه می‌شود؟ عقل چه می‌شود؟ کدام عقلی و کدام وجدانی اجازه می‌دهد که انسان قدرتی مثل قدرت آمریکا را به‌عنوان دوست، به‌عنوان مورد اعتماد، به‌عنوان فرشته‌ی نجات انتخاب بکند؟ این[گونه] هستند؛ حقیقت امر این است. بله خودشان را می‌آرایند؛ با ظاهر اتوکشیده، با کراوات، با اودکلن، با ظواهر به‌ظاهر چشم‌گیر، خودشان را در چشم افراد ساده‌لوح جور دیگری جلوه می‌دهند؛ حقیقت رژیم آمریکا این ها است. این در مورد ما است؛ در مورد کشورهای دیگر هم همین‌جور است. ملّت بزرگ ایران این شیطان بزرگ را از کشور بیرون کرد؛ نباید بگذاریم دوباره برگردد؛ نباید بگذاریم از در رفت، از پنجره برگردد؛ نباید اجازه بدهیم نفوذ پیدا کند؛ دشمنی اینها تمام نمی شود.[۶۵۰]

انواع نفوذ

۱. نفوذ موردی

نفوذ دو جور است: یک نفوذ موردی است، نفوذ فردی است؛ یک نفوذ جریانی است. نفوذ موردی خیلی نمونه دارد، معنایش این است که فرض کنید شما یک دم‌ودستگاهی دارید، یک مسئولی

۶۴۸ – بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام ۱۳۹۴/۵/۲۶
۶۴۹ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴
۶۵۰ – بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۴/۶/۱۸

هستید؛ یک نفر را با چهره‌ی آرایش‌شده، بزک‌شده، با ماسک در مجموعه‌ی شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است درحالی‌که او دوست نیست تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم‌اهمّیّت‌ترینش جاسوسی است، خبرکشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شمارا عوض می‌کند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیم گیر هستید، می‌توانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، اگر چنانچه این حرکت را این‌جور انجام بدهید این به نفع دشمن است، او می‌آید کاری می‌کند که شما حرکت را این‌جور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم‌سازی. در همه‌ی دستگاه‌ها سابقه هم دارد؛ فقط هم دستگاه‌های سیاسی نیست، دستگاه‌های روحانی و دینی و مانند این‌ها هم همیشه وجود داشته. ... امروز هم ممکن است باشد؛ البتّه خطرناک است.[۶۵۱]

۲. نفوذ جریانی

منتها از این (نفوذ موردی) خطرناک‌تر، نفوذ جریانی است. نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت؛ به‌وسیله‌ی پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن می‌شود. عمده‌ترین وسیله دو چیز [است]؛ یکی پول، یکی هم جاذبه‌های جنسی. افراد را جذب کنند، دورهم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد موثّر را، افرادی که می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت موردنظر خودشان. آن سمت موردنظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرارگرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرارگرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند؛ یعنی کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه می‌کند –البتّه یک سیاستمدار آمریکایی، به مردم آمریکا کاری ندارد– همان جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی‌رتبه‌ی سیا تشخیص می‌دهد؛ درنتیجه همان چیزی را بخواهی که او می‌خواهد؛ بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار می‌کنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه‌ای، نفوذ گسترده؛ نه موردی. اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که این‌ها در سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده‌ی کشور تأثیری دارند، شما ببینید چه اتّفاقی می‌افتد؟ آرمان‌ها تغییر پیدا خواهند کرد، ارزش‌ها تغییر پیدا خواهد کرد، خواست‌ها تغییر پیدا خواهد کرد، باورها تغییر پیدا خواهد کرد.[۶۵۲]

جامعه هدف در مسئله نفوذ

آماج نفوذ هم چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد موثّر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، این‌ها آماج نفوذند؛ این‌ها هستند که سعی می‌شود روی این‌ها نفوذ انجام بگیرد؛ بنابراین نفوذ خطر است؛ نفوذ خطر بزرگی است. ... مکمّل این نفوذ هم کارهای حاشیه‌ای است؛

۶۵۱ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴
۶۵۲ – همان

یکی از چیزهایی که مکمّل این نفوذ است، تخطئه‌ی کسانی است که بر اصالت‌ها، بر نگاه درست، بر ارزش‌ها پای می‌فشارند؛ این مکمّل نفوذ است. نمی‌خواهم بگویم آن‌کسانی که بسیج را تخطئه می‌کنند، متّهم می‌کنند به افراطی‌گری و تندی و چه و چه، آگاهانه دارند با نفوذگران همکاری می‌کنند؛ همراهی می‌کنند؛ بنده این ادّعا را نمی‌کنم، خبر ندارم امّا واقع قضیّه این است که این کمک است. این‌هایی که در بخش‌های مختلف، با زبان‌های مختلف، بسیج را متّهم می‌کنند به تندروی، به افراطی‌گری و چه و چه و چه، دارند درواقع نفوذ را تکمیل می‌کنند؛ پروژه‌ی نفوذ به‌وسیله‌ی این‌ها دارد تکمیل می‌شود؛ چون بسیج جزو آن خاک‌ریزهای مستحکم است؛ بسیج یک خاک‌ریز مستحکمی است؛ این خاک‌ریز را نباید سست کرد.[۶۵۳]

نفوذ از طریق مذاکره

دنبال چیزی به نام مذاکره‌ی با ایران‌اند؛ [امّا] مذاکره بهانه است، مذاکره وسیله برای نفوذ است، مذاکره وسیله برای تحمیل خواست‌ها است. ما فقط در قضیّه‌ی هسته‌ای به دلایل مشخصی که مکرّر هم این دلایل را ذکر کرده‌ایم، موافقت کردیم بروند مذاکره کنند؛ خب مذاکره کردند. بحمدالله مذاکره‌کنندگان ما هم در این عرصه خوب ظاهر شدند؛ امّا در عرصه‌های دیگر ما اجازه‌ی مذاکره ندادیم و با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم؛ با همه‌ی دنیا ما مذاکره می‌کنیم، [امّا] با آمریکا نمی‌کنیم. ما اهل مذاکره‌ایم، اهل تفاهمیم؛ هم مذاکرات در سطح دولت‌ها، هم مذاکرات در سطح اقوام، هم مذاکرات در سطح ادیان؛ ما اهل مذاکره‌ایم و با همه مذاکره می‌کنیم جز با آمریکا؛ و البتّه رژیم صهیونیستی بجای خود محفوظ که اصل وجود رژیم صهیونیستی، وجود نامشروع و دولت جعلی است.[۶۵۴]

به مسئولین محترم تذکّر دادیم و به شما هم‌عرض می‌کنیم، این است که به‌هیچ‌وجه اجازه داده نشود که به بهانه‌ی نظارت، این‌ها به حریم امنیتی و دفاعی کشور نفوذ کنند؛ مطلقاً. مسئولین نظامی کشور به‌هیچ‌وجه مأذون نیستند که به بهانه‌ی نظارت و به بهانه‌ی بازرسی و مانند این حرف‌ها، بیگانگان را به حریم و حصار امنیتی و دفاعی کشور راه بدهند، یا توسعه‌ی دفاعی کشور را متوقف کنند؛ توسعه‌ی دفاعی کشور، توانایی دفاعی کشور، مشت محکم ملّت در عرصه‌ی نظامی، این بایستی همچنان محکم بماند و محکم‌تر بشود؛ یا حمایت ما از برادران مقاوممان در نقاط مختلف؛ این‌ها مطلقاً نبایستی در مذاکرات مورد خدشه قرار بگیرد.[۶۵۵]

غبار پراکنی در فضای سیاسی، کار عمده‌ی دشمن در جنگ نرم

امروز کار عمده‌ی دشمن در جنگ نرم، غبار پراکنی در فضای سیاسی کشور است؛ این را توجه داشته باشید. امروز مهم‌ترین کار دشمن این است. افرادی که در کار سیاسی و مسئله‌ی سیاسی واردند و مطلع‌اند، می‌دانند امروز قدرت ابرقدرت‌ها بیش ازآنچه در بمب هسته‌ای‌شان باشد، در

---

۶۵۳ – همان
۶۵۴ – بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۴/۶/۱۸
۶۵۵ – بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام ۱۳۹۴/۱/۲۰

ثروت‌های انباشته‌ی در بانک‌هایشان باشد، در قدرت تبلیغاتی آن‌هاست؛ در صدای بلند آن‌هاست که به همه‌جا می‌رسد. شیوه‌های تبلیغاتی را هم خوب بلدند. در کار تبلیغات انصافاً پیشرفت هم کرده‌اند. امروز غربی‌ها – چه در اروپا، چه در آمریکا – در کار تبلیغات، شیوه‌های مدرن و بسیار پیشرفته‌ای را یاد گرفته‌اند و بلد شده‌اند؛ ما در این جهت عقبیم؛ یکی از اساسی‌ترین کارهای آن‌ها این است که تبلیغ کردن را بلدند. با این شیوه‌های تبلیغی، با جنجال، با فرستادن انبوه حرف‌های خلاف واقع، سعی می‌کنند فضای جوامع را دگرگون کنند و تأثیر بگذارند؛ باید به این نکته توجه داشت؛ باید این را مراقب بود. امروز وظیفه‌ی جوان‌های ما ازاین‌جهت سنگین است. نه‌فقط خودتان باید حقیقت را تشخیص دهید؛ بلکه باید فضا و محیط پیرامونی خودتان را هم با بصیرت کنید و برای آن‌ها هم قضایا را روشن کنید.[۶۵۶]

خطوط اصلی کار دشمن در جنگ نرم

آنچه برای فهم درست قضایا لازم است؛ ازجمله این است که ببینیم دشمن چه خطی را دارد دنبال می‌کند. امروز یکی از خطوط اصلی کار دشمن – که از عناصر مهم جنگ نرم به‌حساب می‌آید – این است که واقعیات را دگرگون جلوه دهد؛ حوادث گوناگون را دگرگون جلوه دهد. خود تبلیغاتی که دشمن در این زمینه انجام می‌دهد، نشانه‌ی ضعف اوست. دشمن هر جا که در میدان واقعیت دچار مشکل می‌شود و کم می‌آورد، بر حجم تبلیغات می‌افزاید. امروز اگر کسی کارهای دشمن را در عرصه‌ی عظیم شیوه‌های تبلیغاتی ملاحظه کند؛ از وسایل اینترنتی گرفته تا وسایل صوتی و تصویری تا بلندگوهایی که درجاهای مختلف دارند – در داخل هم دارند – می‌بیند یک‌قلم عمده این است که حوادث کشور را دگرگون جلوه دهند؛ وضع کشور را مأیوس‌کننده، ناامیدکننده، روبه‌زوال، رو به انحطاط، رو به بن‌بست نشان دهند. تلاش زیاد آن‌ها در این زمینه، خود نشانه‌ی ضعف آن‌ها در میدان واقعیت است. ...عین همین قضیه در مورد خود بسیج صدق می‌کند.[۶۵۷]

خواسته‌های دشمن درباره جوانان

دشمن می‌خواهد دانش ما پیشرفت نکند؛ دانشگاه‌های ما به‌جای درس خواندن، به کارهای دیگر بپردازند؛ ایمان نسل جوان تقویت نشود و جوان مؤمن تبدیل شود به جوان هوسران، دشمن می‌خواهد وحدت بین نیروهای ما نباشد و برادران تبدیل شوند به دشمنان. دشمن می‌خواهد ما صفا و نورانیت و معنویت نداشته باشیم و جوان ما به یک عنصر مادی و بی‌عاطفه تبدیل شود؛ این چیزی است که دشمن می‌خواهد. امروز همه وظیفه‌دارند در مقابل این، حرکت کنند.[۶۵۸]

ایجاد ناامنی راهکار دشمن

البته دشمن مأیوس نبوده است؛ الان هم مأیوس و منصرف نیست. اگر ما خیال کنیم که دوران

۶۵۶– بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴
۶۵۷ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
۶۵۸– بیانات در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۵

ایجاد امنیت نظامی و انتظامی تمام‌شده است؛ برداشت درستی نیست. دشمن هر جا بتواند، ایجاد ناامنی می‌کند. هر وقت دشمن بتواند، ناامنی نظامی و انتظامی را بر این ملت تحمیل می‌کند؛ کما این‌که دیدید یک بهانه کوچک یافتند و یا درست کردند و در همین ایام تیرماه، در تهران ایجاد ناامنی کردند. یا بهانه را خودشان درست می‌کنند؛ یا اگر فرض کنیم بهانه را آن‌ها درست نمی‌کنند؛ بهانه کوچکی می‌یابند تا ایجاد ناامنی کنند؛ به خیابان‌ها بیایند، شیشه بشکنند، مغازه آتش بزنند، ماشین آتش بزنند و مردم را تهدید کنند! بنابراین، دشمن از ایجاد ناامنی مأیوس و منصرف نیست. این‌که عده‌ای بیایند، لزوم وجود و اهمیت عناصر و عوامل مؤمنی را که ضامن امنیت‌اند و از اول انقلاب تا امروز هم نشان داده‌اند که امنیت را برای این ملت به وجود می‌آورند، انکار کنند؛ این یَا نابخردانه و یا خائنانه است؛ از این دو حال خارج نیست.[۶۵۹]

اهداف دشمن

عزیزان من! ما در شناختن دشمن، دچار اشتباه نخواهیم شد؛ این را دشمن بداند! خیال نکند که اگر آمدند و چند نفر آدم ساده‌لوح و معمم را وادار کردند که حرفی بزنند؛ ما اشتباه می‌کنیم و خیال می‌کنیم که دشمن ما این‌ها هستند! این‌ها کسی نیستند! دشمن، خود را پشت پرده پنهان می‌کند. دشمن که جلو نمی‌آید و خود را نشان نمی‌دهد. دشمن سعی می‌کند شناخته نشود! آن‌کسی که سینه سپر می‌کند و به خیال خود جلو می‌آید، یک عامل است؛ ممکن است خودش هم نداند عامل است! امام بزرگوار، مکرر می‌فرمود که گاهی دشمن با ده واسطه، یک نفر را تحریک می‌کند که حرفی بگوید؛ یا کاری را انجام دهد! اگر شما بخواهید دشمن را بشناسید، باید ده واسطه را طی کنید و بروید. دشمن انقلاب در ایران – یعنی ایادی استکبار جهانی – راحت می‌توانند ده واسطه پیدا کنند و خودشان را در حوزه قم، به بیچاره‌ای برسانند و او را به حرفی، به گفته‌ای و به یک موضع‌گیری غلط و ناشیانه وادار کنند! آن‌قدر در کشور، ورشکستگان سیاسی، ضربت‌خورده‌های از انقلاب، تودهنی خورده‌های از همین بسیج، ... هستند که واسطه بشوند تا آن ده واسطه را درست کنند.[۶۶۰]

سه هدف دشمن

دشمن طبق نقشه‌های خود، سه هدف را دنبال می‌کند؛ اول: عقب نگه‌داشتن کشور ازلحاظ اقتصادی، برای این‌که دولت را – که دولتی مکتبی و وفادار و هوادار ارزش‌های اسلامی است – ناکارآمد و نالایق و بی‌کفایت جلوه بدهند؛ لذا وضع اقتصادی برای این منظور، طبق نقشه‌های دشمن باید عقب بماند. دوم: عقب نگه‌داشتن علمی، برای این‌که آینده‌ی کشور، جز با نردبانِ علم، ترقی و پیشرفت نخواهد کرد. ملت ایران چاره‌ای جز این ندارد که ازلحاظ علمی بنیه‌اشَ را تقویت کند و در علم پیش برود؛ استعدادش را هم خداداده است. سوم: بر هم زدن اتحاد و انسجامی که بین ملت ایران – یا بین ملت ایران و ملت‌های مسلمان – وجود دارد؛ که آن‌وقت شعار «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» را مطرح کردیم.

۶۵۹ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۸/۶/۱۰
۶۶۰ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

همین‌الان قلم‌ها و نفس‌ها و مغزهایی هستند که می‌خواهند هندسه‌ی انقلاب را این‌گونه ترسیم کنند: یک دوران، دوران شکوفایی و بهار، با فرآورده‌های شگفت‌انگیز و گوناگون از عواطف و احساسات و افکار انسان‌ها و به دنبال آن حضور و حرکت انسان‌ها، یک دوره هم‌دوره‌ی خزان، دوره‌ی بی‌برگ و باری و دوره‌ی افسردگی! هم این را می‌نویسند؛ هم می‌گویند، هم به صد زبان تکرار می‌کنند! شاید خودشان هم واقعیت جامعه‌ی ما را خیلی منطبق بر این سخن باطل نبینند؛ اما تلقین و القا کردن در مسائل اجتماعی، خود یک عامل تحقق بخشیدنِ چیزی است که انسان از آن سخن می‌گوید! من عرض می‌کنم این سخن، غلط و این فکر خطّاست و این گفتن‌ها و نوشتن‌ها خائنانه است! اگر نگوییم خائنانه، پس غافلانه است![۶۶۱]

به جوان‌ها عرض می‌کنم: عزیزان من! دنبال تقلید نباشید؛ برروی آن شیوه و راهی که ذهن و اراده و ایمان شما قوی می شود و اخلاق شما پاک و آراسته می گردد، فکر کنید؛ آنگاه شما عنصری خواهید بود مثل یک ستون، سقف مدنیت این کشور و تمدن حقیقی این ملت بر آن قرار می گیرد. من به شما عرض می کنم؛ امروز دستگاه های تبلیغاتی فوق مدرن غربی –به خصوص آمریکایی و صهیونیستی– دارند برای ذهن ها و فعالیت ها و احساسات و اداره ی شما طرح عملیات تهیه می کنند؛ خیال نکنید آن ها غافل نشسته اند و این سی میلیون جوان را در کشور ما نمی بینند آن ها این سی میلیون جوان را می بینند؛ آن ها برای کار و هدف خودشان دارند برنامه ریزی می کنند؛ آن ها برای اخلاق و فکر و عقیده و ایمان جوان ما دارند برنامه ریزی می کنند. خیلی از حرف هایی که گاهی در فضای مطبوعاتی یا فرهنگی کشورمان زده

می شود؛ تفسیرش این است و با این دید، قابل تحلیل است. آن ها می خواهند نسلی که الگوی جوانان فداکار برجسته ی دنیا شد، به یک نسل بی خاصیت تبدیل شود... آن ها می خواهند فرهنگ سازی و الگو سازی کنند؛ آن ها می خواهند جوان ایرانی و نسل نوی ایرانی، یک نسل تحقیر شده ی تو سری خور باشد تا بتوانند روی او سوار شوند و به او دیکته و آن کاری را که می خواهند؛ انجام دهند.[۶۶۲]

عوامل مالی، نظامی و تبلیغی، ابزارهای استکباری برای سلطه

عزیزان من! امروز استکبار در همه جای دنیایی که می خواهد بر آن چنگ بیندازد؛ با سه عامل کار خود را پیش می‌برد و تلاش می کند. در اینجایی که نشسته‌اید تا به‌حال این سه عامل او کارگر نشده است. یک عامل، عامل مالی است؛ یک عامل، عامل نظامی است؛ یک عامل، عامل تبلیغی است. به وسیله عامل مالی، انسان ها را می خرند. منظور من از عامل مالی ... که عرض کردم؛ یعنی رشوه، عناصر ضعیف را می خرند. با عامل مالی، استکبار، انسان های پول دوست را در دنیا برده خود می کند. امروز این کار در دنیا رایج است. دست در کیسه فتوت خودشان – فتوتِ شیطانی – می کنند؛ کسانی را که دهانهایشان برای مال دنیا باز است؛ شناسایی نموده

۶۶۱ – بیانات در جمع رزمندگان و بسیجیان بندرعباس ۱۳۷۶/۱۱/۳۰
۶۶۲– بیانات در میدان با جوانان ۱۳۸۰/۲/۱۲

و با پول می خرند و اسیر خودشان می کنند! در بسیاری از کشورهای دنیا، این صدمه بزرگ را به ملت ها زدند. آدم های طمّاع، شکم‌پرست و پول‌دوست را با این متاع بی ارزش – یعنی پول – خریدند و ملک خودشان کردند!

عامل دیگر، عامل نظامی است که وسیله تهدید است. تا دو نفر در گوشه‌ای از دنیا حرفشان می شود، ناوگان امریکا به آن طرف راه می افتد و تهدید می کند!. ملت های زنده که نمی ترسند. ملت مؤمن که نمی ترسد. دلی که با ایمان است؛ به این چیزها اعتنایی ندارد...عامل سوم، عامل تبلیغات است. سعی می کنند دل ها را بفریبند و حقایق را قلب کنند. عزیزان من! بدانید، اول کاری هم که در کشورها می کنند؛ این است که کانون های حقیقی صدق و صفا را در زیر سؤال ببرند؛ رسانه‌های صادق را زیر سؤال ببرند؛ انسان های مؤمن را زیر سؤال ببرند؛ تهمت ها بزنند؛ مردم را مردد کنند؛ دل ها را بربایند و حقایق را قلب کنند. امروز استکبار با این سه عامل در دنیا کار می کند.[۶۶۳]

ج. نفاق و منافق، دشمن خطرناک

پدیده‌ی نفاق، از آن پدیده‌های خطرناک است و همیشه به یاد داشته باشید که آن چیزی که در صدر اسلام توانست کوشش مجاهدین صدر اول اسلام و سربازان دور و بر پیغمبر و خود نبی مکرم اسلام و بهترین مؤمنان را در نهایت معطل بگذارد – نمی گوییم ضایع و باطل کند؛ چون ضایع که نمی شود کوشش های آن ها ضایع شدنی نیست؛ بالاخره اثر خودش را خواهد بخشید، منتهی با تأثیر – نیروها و لشکرهای دشمنان قداره‌کش و واضح نبود؛ بلکه حیله‌ها و تکرارها و قدرهای دشمنان نقابدار بود. کسانی که در باطن، مسلمان نبودند؛ اما ظاهراً چهره‌ی اسلامی به خود می گرفتند؛ یا از منافقین دسته‌ی اول بودند؛ یا از منافقین دسته‌ی دوم، اگر توجه به این باشد، هوشیاری در مقابل مسأله‌ی نفاق و منافق، در جای خود قرار خواهد گرفت و من اصرار دارم که روی مسأله‌ی منافقین در قرآن – آیات مربوط به منافقین – مطالعات خوبی انجام بگیرد کارهای اساسی بشود.[۶۶۴]

همراهی با دشمن، راه شناخت منافق

امروز (برای شناخت منافق) یک نشانه وجود دارد؛ آن نشانه چیست؟ همراهی با دشمن شناخته شده! چون امروز نظام اسلامی، دشمن های شناخته شده‌ی معروفی دارد که هیچ پرده‌ی ریا و نفاقی روی صورتشان نیست؛ که در عرف انقلاب ما از آن ها به استکبار تعبیر می شود. مظهرش حالا – مثلاً – آمریکا و بعضی از کشورهای دیگر هستند. معلوم است که آن ها دشمن هستند؛ دشمنی آن ها هیچ پوششی ندارد؛ پنهان هم نمی کنند؛ دشمنیشان را هم می گویند.[۶۶۵]

۶۶۳ – بیانات در دیدار جمعی از پاسداران و بسیجیان ۱۳۷۷/۹/۲
۶۶۴– بیانات در جمع سپاهیان و بسیجیان لشکر ۱۰ سیدالشهدا ۱۳۷۷/۷/۲۶
۶۶۵– همان

خوب، حالا که ما یک دشمن صریح داریم؛ دشمن کوچکی هم نیست؛ دشمن پنهانی هم نیست؛ سراغ داخل می آییم. منافق را می شود از همراهی با دشمن شناخت. این وسیله، امروز در اختیار امروز ماست، ولی در اختیار مسلمان دوران پیغمبر نبود. هرکسی که برای دشمن و در جهت خواست او کار می کند؛ مورد سوءظن قرار می گیرد. هرکسی که دشمن، از کار او استفاده می کند، مورد سوءظن قرار می گیرد. مورد سوءظن قرار می گیرد، یعنی چه؟ یعنی آیا حتماً منافق است؟ نه چون ممکن است کارهایی از روی غفلت انجام بگیرد؛ یک نفر کاری را انجام می دهد، بد هم هست، آن دشمن صریح هم از او استفاده می کند؛ اما آن کننده‌ی کار از روی غفلت، این کار را انجام می دهد. نمی شود گفت «منافق»، عرض کردم، اول بحث هم ما نباید معیاری در دست بگیریم و مرتب این متر و معیار را روی افراد، امتحان کنیم و مرتب بگوییم: این منافق، او منافق، او منافق! این که نمی شود. پس «مورد سوءظن قرار می گیرد»، یعنی چه؟ یعنی این امکان به‌وجود می‌آید که او برروی خود پوششی کشانده باشد؛ در واقع جزو جبهه‌ی دشمن باشد و پوشش ایمان، پوشش ظاهری باشد. این گمان پیش می‌آید. خوب، راه برای امتحان باز است. چنانچه دیدیم نشانه‌ی غفلت در او هست و پیداست که غافل، یا جاهل است؛ حکم بکنیم به این که این از روی غفلت است؛ اما اگر دیدیم نشان عناد در او هست؛ می فهمیم که منافق است.[۶۶۶]

منافق امروز، از دوران صدر اسلام، قابل شناسایی است. آن روز این خصوصیت نبود؛ یا بسیار دشوار بود. برای همین است که آن قضایای صدر اسلام با همه‌ی شگفت‌آوریش پیش آمد؛ قضایایی که تا حادثه‌ی کربلا استمرار داشت و بعد هرچه پیش آمد، در مقابل حادثه‌ی کربلا کوچک بود – چون حادثه‌ی کربلا اوج این قضایا بود. مردم این زمان باید از این همراهی با دشمن که امکان شناسایی است؛ استفاده کنند. این معیار را بایستی به کار ببندند؛ معیار بسیار مهمی است. امام (رضوان‌الله علیه) بارها این مطلب را بیان می کردند که هر وقت دشمنان از ما بدگویی می کنند، ما خوشحال می شویم؛ می فهمیم که در رفتار خودمان – که رفتار دارای جهتگیری انقلاب و اسلام است – جوری حرکت کرده‌ایم که آن ها را عصبانی کرده است؛ پس درست حرکت کرده‌ایم.[۶۶۷]

تعریف از برخی افراد، برای ایجاد اختلاف

وای به آن وقتی که آن ها از ما تعریف کنند! آن وقت بایستی ما دغدغه پیدا کنیم؛ فکر کنیم مقصودشان چیست؟ در ما چه مشکلی به‌وجود آمده است که از ما تعریف می کنند؟ البته گاهی هم تعریف را از روی دغلی می کنند؛ به کسی هیچ علاقه‌یی هم ندارند؛ ولی برای ایجاد اختلاف بین مؤمنین، از یکی تعریف می کنند. این را هم ما در این دوره‌های زمان جنگ و بعد از جنگ و تا امروز داشته‌ایم. گاهی از کسی یا جمعی تعریف می

۶۶۶- همان
۶۶۷- همان

کنند؛ در حالی که با آن ها دشمنند؛ برای این که دیگران را به آن ها بدبین کنند؛ از آنها تعریف می کنند؛ ما این را هم داشته‌ایم. حیله‌های دشمن حیله‌های گوناگونی است.[۶۶۸]

د. فلسفه دشمنی دشمنان

ندای توحید و عدالت، فلسفه دشمنی طواغیت با اسلام

تا وقتی اسلام فقط به عنوان یک نظریه، در کتاب ها و در ذهن گروهی از انسان ها مطرح باشد؛ دشمنی با آن چندان جدی نیست و تنها در همان عرصه‌ی کتاب و مباحث کلامی است؛ اما وقتی فکر و اندیشه‌ی اسلامی وارد میدان عمل شد، به هر اندازه در میدان عمل جلو برود، دشمنی ها با آن شدت می‌گیرد و ادامه پیدا می‌کند؛ تا آن وقتی که اسلام وارد میدان عمل و تحقق شده، خود را آن‌چنان مستحکم و مستقر کند که ببینند دیگر نمی‌توانند با آن مواجه شوند؛ یعنی واقعیت را قبول کنند و تسلیم شوند. همه‌ی دشمنی هایی را که در طول تاریخ با پیامبران شده، در نظر بیاورید؛ اولاً این دشمنی ها با چه چیزی بود؟ ثانیاً چه کسانی این دشمنی ها را می‌کردند؟

چیزی که با آن دشمنی می‌شد؛ ندای توحید و عدالت و پرچم حقیقتی بود که در دست پیامبران قرار داشت. پیغمبران برای نجات انسان ها از دست کسانی که بعد از دعوت و ورود پیامبران در میدان، با همه‌ی وجود با آن ها مبارزه می‌کردند؛ آمده بودند. قرآن آن ها را معرفی کرده است: طواغیت و مترفین، طاغوت ها یعنی کسانی که توانسته بودند با هر وسیله‌ای بر گرده‌ی انسان ها سوار شوند؛ بر آن ها حکمرانی کنند و اراده‌ی خود را بر آن ها تحمیل نمایند. مترفین یعنی کسانی که در سایه‌ی آن نظام ظالمانه و طاغوتی و شیطانی، توانسته بودند جیبی پُر کنند؛ زندگی‌ای برای خودشان ترتیب دهند؛ در اموال مردم دست دراز کنند؛ در سایه‌ی یک ظلم فراگیر، برای خودشان جریان ظالمانه‌ی شخصی و خاصی را به وجود آورند؛ یعنی اشراف جوامع و ثروتمندان ظالم. پیغمبر، تنها وارد میدان می‌شد؛ فقط با زبان و منطق و اراده‌ی خود، درعین‌حال این همه دشمنی متوجه او می‌شد. حال شما فرض کنید پیغمبر یا کسانی که حامل پیام او هستند؛ توانسته باشند به طور عملی وارد میدان زندگی شوند؛ حکومتی تشکیل داده باشند و قدرت را – که متعلق به خداست – در جهت اراده‌ی الهی به کار برده باشند؛ شما می‌بینید همان دشمنی ها و خصومت ها در هر نقطه‌ی از دنیا به سمت این ها سرازیر می‌شود. این اتفاقی است که امروز در دنیا افتاده و می‌افتد. همان مترفینی که با پیغمبران روبه‌رو می‌شدند – یعنی همان انباشت کنندگان ثروت – امروز در چهره‌ی کمپانی های عظیم غاصبِ تجاری و غارتگران بین‌المللی، خودشان را در مقابل جمهوری اسلامی احساس می‌کنند؛ حق هم دارند. همان زمامدارانی که حکومت های طاغوتی را تشکیل داده بودند و اراده‌ی ظالمانه‌ی خود را بر گروهی از انسان ها در جامعه‌ای که پیغمبر در آن ظهور می‌کرد، حاکم کرده بودند؛ امروز در

۶۶۸- همان

هر جای دنیا هستند. احساس می‌کنند با پرچمی که پرچم پیغمبران است و در دست جمهوری اسلامی قرار دارد؛ به یک چالش حتمی کشیده شده‌اند. جمهوری اسلامی همان حرف پیغمبران را می‌زند و همان داعیه‌ی پیغمبران را دارد؛ لذا امروز همان دشمنی ها هم در مقابل آن به وجود آمده است. این یک امر قهری و طبیعی است و تا هنگامی ادامه دارد که جمهوری اسلامی قدرتمندانه در این راه حرکت می‌کند. آری؛ آن وقت که این نظام توانسته باشد با نشان دادن کارآمدی خود و با تحقق آرمان هایی که وعده داده، زبان بدخواهان را کوتاه و افکار عمومی مردم دنیا را در مقابل این حقیقت خاضع کند؛ این چالش به همین شکل ادامه خواهد داشت. آن روز، دشمنان چاره‌ای جز تسلیم نخواهند داشت؛ یعنی نمی‌توانند کاری بکنند. البته دشمنی های خود را ادامه می‌دهند؛ منتهی قدرت حق، استحکام و استقرار نظام الهی و وضوح برهان الهی در مقابل افکار عمومی، موجب می‌شود توانایی آن ها به‌شدت کاهش پیدا کند. ما باید جمهوری اسلامی را به آن نقطه برسانیم.[۶۶۹]

مقابله با اسلام و قران، هدف اصلی دشمن

امروز نوبت این فرا رسیده است که امت اسلامی خود را از زیر بار این همه مشکلات، این همه آلودگی ها، این همه گرفتاری ها خلاص کند. ملت ایران قدم بزرگ اول را برداشته است. دنیا، دنیای تعارض است؛ دنیای جنگ است. دنیای کشتی گیریهای مادی میان قدرتهاست؛ قدرت هائی که نمی خواهند ملت های مستقل سر بلند کنند و احساس شخصیت و حضور بکنند؛ ساکت نمی مانند، بیکار نمی مانند؛ به خصوص که می دانند امت اسلامی از یک استعداد درونیِ برخاسته‌ی از احکام اسلامی برخوردار است؛ لذا صف‌کشی می کنند؛ که دیدید صف‌کشی کردند. از اولِ انقلاب اسلامی، صف‌بندی میان جبهه‌ی مستبدان بین‌المللی، زیاده‌خواهان بین‌المللی و میانِ ملت بزرگ و شجاع ایران شروع شد؛ وانمود می کنند هدف، ایران است؛ اما هدف، اسلام است؛ هدف، امت اسلامی است. می دانند که موتور این حرکت عظیم، معنویت است؛ قرآن است، اسلام است؛ لذا با اسلام و قرآن معارضند. البته خط شکن ملت ایران است و ضربات را به خط شکن متوجه می کنند؛ اما این نیروی عظیم خط شکن، با گذشت بیش از سه دهه، نه فقط پاهاش سست نشد، نه فقط عزمش متزلزل نشد، نه فقط عقب‌نشینی نکرد؛ بلکه شتاب خود را بیشتر هم کرد.[۶۷۰]

دشمن، ترفندهای گوناگون دارد و آن ملتی موفق می‌شود که فریب نخورد. دشمن سعی می‌کند آرزوهای انقلابی را در نظر یک ملت مؤمن، کوچک کند.[۶۷۱]

۶۶۹- بیانات در دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶
۶۷۰- بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱
۶۷۱- بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷

ه. دشمنی با بسیج

بسیجی هدف اصلی دشمن

عناصر بسیجی در هر کجا هستند؛ باید درست توجه کنند که دشمن، آن ها را هم به عنوان شخص و هم به عنوان بسیجی هدف گرفته است. این توجه باید این نتیجه را داشته باشد که هر عنصر بسیجی روزبه‌روز مانعِ در مقابل دشمن را مستحکم‌تر کند. این مانع چگونه مستحکم‌تر می شود؟ استحکام مانع انسَانی در مقابل دشمن، با بالا رفتن بصیرت و ایمان و با خودسازی امکان پذیر است.[۶۷۲]

بسیج، آرام، مثل یک اقیانوسِ

دشمنان این انقلاب یکی از اصلی ترین نقاط حمله ی خود را همیشه بسیج قرار داده اند. بسیج را متهم کردند. در میدان های سیاسی، بازیگران سیاسی هرچه خواستند علیه بسیج گفتند. بسیج، آرام، مثل یک اقیانوسِ آرام و پر عمق، در پاسخ به آن ها چیزی نگفت و چیزی نمی گوید و چیزی نگوئید.[۶۷۳]

راز دشمنی با بسیج

باید راز حمله تبلیغاتی به بسیج را فهمید. چرا در تبلیغات جهانی و رادیوها به بسیج اهانت می‌شود؟ چرا آن کسانی که همیشه چشم به دهان بیگانگان دارند تا حرف آن ها را تکرار کنند؛ نسبت به بسیج زبان به ناسزا می‌گشایند؟ بسیج را که در خور تشریف، تعظیم و تحسین است مورد اهانت و بی‌مهری قرار می‌دهند؟ چون نقش بسیج را در حفظ استقلال ملی، در حفظ غرور ملی، در حفظ افتخارات ملی، در تأمین منافع ملی و بالاخره و بالاتر از همه در اعتلای پرچم اسلام و نظام جمهوری اسلامی می‌دانند؛ به جد با بسیج دشمن اند؛ اما دشمنی آن ها فایده‌ای ندارد.[۶۷۴]

هیچ تشکل دیگری قابل مقایسه‌ی با مجموعه‌ی بسیج نیست. این شکل سازمان‌یابی بسیجی هم دیگر قابل تکرار نیست؛ قابل تقلید نیست؛ این مخصوص خود بسیج است؛ خصوصیت هم متعلق به بسیج است. نشناختن این، ظلم است به بسیج و وقتی انسان حقیقت بسیج را می داند؛ آن وقت می فهمد سرّ مخالفت ها و دشمنی‌ها و عنادهائی که هدایت می شود از طرف دشمنان انقلاب و دشمنان کشور و دشمنان نظام به سوی بسیج، علت این دشمنی‌ها را انسان می فهمد. قله‌های بلند، بیشتر آماج قرار می گیرند. نشان های برجسته، زودتر مورد توجه واقع می شوند و آماج دشمنی قرار می گیرند.[۶۷۵]

---

۶۷۲ – بیانات در دیدار بسیجیان و کارکنان سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶
۶۷۳– بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
۶۷۴– اردوی یاران امام علی (ع)، مهر ۱۳۷۹
۶۷۵– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴

بسیج خار چشم دشمنان

از اول انقلاب تا امروز، بسیج خار چشم دشمنان بوده؛ چه دشمنان داخلی و چه دشمنان خارجی، همیشه بسیج مورد تهاجم لفظی و عملی دشمنان قرار داشته است. سم پاشی و لجن پراکنی علیه بهترین جوانان این کشور که در صفوف بسیج مستقرند، مخصوص یک دوره از دوره های پس از انقلاب نیست؛ از اول بوده تا امروز هم بوده است؛ خواهد بود؛ بعد از این هم خواهد بود. البته دشمنان موفقیت های بسیج را می بینند.[۶۷۶]

دشمنی با بسیج، یعنی دشمنی با مجاهدت و تلاش

ابراز دشمنی با بسیج، یعنی ابراز دشمنی با مجاهدت و تلاش و نشاط و کار در همه ی میدان ها، خیلی روشن است که آرزومندانِ ناکامی این ملت، از بسیج ناراحتند. هر کس آرزومند است که این ملت ناکام بشود و شکست بَخورد؛ از حضور بسیج ناراحت است. همه ی دشمنان، همه ی حاسدان، همه دل بستگان به دشمن در داخل، از بسیج خوش شان نمی آید.[۶۷۷]

دشمنان می دانند که حضور بسیجی، واقعیت بسیج در کشور و در میان ملت ایران چقدر اهمیت دارد؛ لذا همت می‌گمارند بر این که این حقیقت مؤثر و کارآمد و نافذ را مورد تهاجم قرار بدهند.[۶۷۸]

غافلان، همسو با دشمان

ما ادعا نمی کنیم آن شخص یا آن صدا مزدور امریکاست؛ نه ممکن است از روی غفلت باشد؛ اما ادعا می کنیم همسوی امریکاست؛ همسوی دشمن است. اگر غافل است، باید غفلت را از خود دور کند. هر حقیقتی دشمنانی و پاسدارانی دارد. دشمنان آن حقیقت، به دشمنی کردن با آن حقیقت اکتفا نمی کنند؛ بلکه با پاسداران آن حقیقت هم دشمنی می کنند؛ حتی دشمنی آنها با پاسداران آن حقیقت، گاهی وحشیانه‌تر و بی رحمانه‌تر از دشمنی آن ها با خود آن حقیقت است؛ چون می دانند اگر این نباشد؛ با آن حقیقت راحت می شود دست و پنجه نرم کرد؛ این از آن حقیقت حراست می کند.[۶۷۹]

سرویس های جاسوسی، دشمنان بسیج

چه کسی از بسیجی عصبانی است؟ جواب این هم معلوم است. هر کسی از انقلاب عصبانی است، هر کسی از حاکمیت اسلام ناراضی است؛ هر کسی از رواج ارزش های اسلامی ناراحت است؛ باید از بسیج عصبانی و ناراحت باشد. بزرگ ترین دشمن بسیج و بسیجی، سرویس های جاسوسی امریکا و اسرائیل اند. آن ها بسیار با بسیجی ها بدند؛ چون هدف عمده‌ای که امروز

۶۷۶ – بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج ۱۳۸۴/۶/۲
۶۷۷ – دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۸۴/۹/۷
۶۷۸ – بیانات در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۴
۶۷۹– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶

سرویس های جاسوسی امریکا و اسرائیل برای خودشان تعریف کرده‌اند؛ برچیدن بساط انقلاب است. البته من عرض می کنم؛ خواب خوش دیده‌اند، خیر باشد! بیست سال است که این خواب را می بینند – مربوط به امروز نیست – بیست سال است که تودهنی می خورند؛ امروز هم تودهنی خواهند خورد. علت هم واضح است: چون با اساس دشمن اند؛ با آن نیروی جوشانِ تمام نشدنی ای هم که دور این اساس را محکم گرفته‌اند و از آن حمایت می کنند، دشمن اند. این امر طبیعی است؛ البته اگر در گوشه‌ای صدایی از کسی علیه بسیج بلند شود.[۶۸۰]

مخالفان بسیج

بعضی تصور کردند که با پایان جنگ، بسیج هم پایان خواهد گرفت. بعضی هم صلاح‌اندیشی کردند که با پایان دوران جنگ، دیگر احتیاجی به بسیج نیست! فکرهایی که از نور بصیرتِ معنوی برخوردار نیست؛ بهتر از این محصولی نمی دهد. بسیج، آن روز از مرزهای نظامیِ جغرافیایی کشور دفاع کرد و در میدان رزم توانست خود را نشان دهد؛ اما مگر مرزهای دفاعیِ انقلاب فقط به مرزهای جغرافیایی منحصر می شود؟[۶۸۱]

تضعیف رهبری، نقطه اصلی حمله دشمن

دشمن برای مبارزه با انقلاب، انواع و اقسام روش ها را تجربه کرده است. این دفعه به خیال خود خواستند روش مؤثّرتری را تجربه کنند و آن، هدف گرفتن رهبری است! یقیناً بعد از مطالعه زیاد و با اطلاع از اوضاع و احوال گوناگونی توانسته‌اند به این نتیجه برسند که باید رهبری را هدف قرار داد! چرا؟ به خاطر این‌که می دانند در کشور، اگر یک رهبری مقتدر وجود داشته باشد؛ همه توطئه‌های آن ها نقش بر آب خواهد شد؛ والّا این ها با شخص، طرف نیستند! شخص، برای این ها مهم نیست؛ هر کس باشد. مگر همین کسانی که امروز به این زبان خشن حرف می زنند و این‌طور ناجوانمردانه سیل تهمت و افترا روانه می کنند، با امام، طرف نشدند؟! همین افراد با امام هم طرف شدند؛ دل امام را پر از خون کردند؛ که امام در آن نامه، به آن اشاره فرمود! همین کارها را با رهبری می کنند؛ چون می دانند رهبری در جامعه اسلامی و ایران اسلامی، گره‌گشاست.[۶۸۲]

و. راهکار مقابله با دشمن

ایمان و بصیرت دشمن حقیقی، سران استکبار

حربه مقابله با این سه عامل چیست؟ فکر کنید، ببینید... چه چیزی می تواند در مقابل این ها بایستد؟ ایمان روشن، ایمان با بصیرت. این همان چیزی است که ملت ما دارد و از اول انقلاب هم داشته است؛ همان چیزی است که بسیجی به آن متمیّز است. مسأله در کشور ما این است

۶۸۰– همان
۶۸۱– بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱
۶۸۲ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

که این ملت به برکت اسلام توانسته است یک طلسم غیر قابل شکست را بشکند. [۶۸۳]

این ملت عظیم از قشرهای مختلف در سراسر کشور نگاه می کنند به صحنه، می شناسند صحنه را؛ خیلی چیز بزرگ و مهمی است. این که من عرض می کنم روز نُه دی در تاریخ ماندگار است؛ به خاطر این است. مردم بیدارند؛ همین است که کشور شما را نگه داشته است عزیزان من! همین است که انقلابتان را حفظ کرده است؛ همین است که جرأت سران استکبار را از آن ها گرفته است که بخواهند به ملت ایران حمله کنند؛ می ترسند. حالا در تبلیغات، زید و عمرو و بکر را می کشند جلو، بمباران تبلیغاتی می کنند؛ اما حقیقت قضیه چیز دیگری است. دشمن حقیقی آن ها ملت ایران است؛ دشمن حقیقی آن ها ایمان و بصیرت ملت ایران است؛ دشمن حقیقی آن ها همین غیرت دینی جوانهاست که می جوشد. یک وقتی هم دندان روی جگر می گذارند، صبر هم می کنند، باید هم بکنند؛ اما یک وقت هم آنجائی که وقت حضور در صحنه است؛ می‌آیند توی صحنه.[۶۸۴]

موضعِ شجاعانه و برجسته نظام جمهوری اسلامی در برابر قدرت ها

امروز همه مردم دنیا و همه دولت ها و شخصیت های سیاسی، شاهدند که نظام مقدس جمهوری اسلامی، در مقابل خواسته‌ها و تحمیل ها و تقاضاهای امریکا «نه» می گوید و جنایت ها و فاجعه آفرینی های امریکا و استکبار و زائده‌های او – از جمله رژیم صهیونیستی – را امضا نمی کند. این، موضعِ شجاعانه و برجسته‌ای است و کار کوچکی هم نیست. کسانی که در دنیا مسائل را می فهمند – از جمله رؤسای برخی از کشورها و مسؤولان بزرگ سیاسی و شخصیت های مصلح – در مقابل این موضع، سر تسلیم فرود می‌آورند.[۶۸۵]

ضرورت هوشیاری بسیجیان در برابر تخریب مخالفان

خیلی ها در این کشور دوست می دارند به گونه‌ای عمل شود تا بتوانند بگویند بسیج اهل مواجهه‌ی با حرف حساب نیست؛ بلکه با روش های خشونت‌آمیز رفتار می کند؛ یعنی هم بسیج را در جای خود مظلوم کنند، هم مظلومیت را با هر روشی که می توانند؛ بر جوان حزب‌اللهیِ مؤمن تحمیل نمایند – که در بعضی جاها متأسفانه این کار می شود – و هم تهمت بزنند که بسیج از خشونت استفاده می کند. من تأکید می کنم نگذارید این‌طور وانمود کنند که نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی و بسیجی، هرجایی که درمی مانند؛ از مشت استفاده می کنند؛ نه، ما به مشت احتیاجی نداریم. البته از مشت و بالاتر از مشت هم استفاده می کنیم؛ اما در مقابل امریکا و اسرائیل و دشمن حقیقی و آن کسی که احیاناً در فهم موقعیت سیاسی کشور اشتباه می کند.[۶۸۶]

۶۸۳- بیانات در دیدار جمعی از پاسداران و بسیجیان ۱۳۷۷/۹/۲
۶۸۴- بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی؛ ۱۳۸۸/۱۰/۱۹
۶۸۵- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸
۶۸۶ – بیانات در دیدار بسیجیان و کارکنان سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶

تقویت روح حسینی

البته معارضه‌ی سیاسی و فرهنگی دولت ها، بخش کوچک معارضه با جمهوری اسلامی است. بخش مهم تر، معارضه‌ی فرهنگی غرب با نظام جمهوری اسلامی است که یک معارضه‌ی عمیق و بلند مدت است. ایستادگی در مقابل این ها روح حسینی می‌خواهد. آن کسانی که امروز در مقابل تهاجم و توطئه آفرینی های دشمنان ما در جبهه‌ی استکبار، در کار جهادی و سیاسی ایستادگی می‌کنند، کار حسین‌بن‌علی علیه السلام را می‌کنند؛ پس عظمت حرکت حسین‌بن‌علی علیه السلام، اینجاست.[۶۸۷]

توجه به دو امر مهم، هوشیاری و ابزار صحیح تأثیرگذار

دو چیز باید در کنار هم باشد؛ یک، تصمیم قاطع و جدی و هوشیارانه برای مقابله با ترفندهای دشمن، دوم به کارگیری ابزار صحیح و اثرگذار که بهانه‌ای به دست دشمن ندهد؛ تا بتواند یک عده افراد غافل و بی‌خبر را گمراه کند.[۶۸۸]

دشمنی در شکل‌های مختلفی ممکن است ظاهر بشود. این‌ها را ما باید توجّه کنیم؛ یعنی باید دائم این‌ها را با خودمان تکرار کنیم، تمرین کنیم، از یاد نبریم تا بفهمیم چه‌کار باید بکنیم؛ همه‌مان –هم سیاستمداران کشور، مدیران کشور، شما بسیجی‌های عزیز و دیگرانی که فعّال‌اند، متفکّرند، اهل کارند– این‌ها را باید دائم در ذهن داشته باشیم.[۶۸۹]

استفاده از روش‌های مؤثر روز در کار علمی

در مقابل تلاشی که دشمن می‌کند؛ صفا، صداقت، عزم، همت و البته کار علمی از سوی کسانی که اهل کار علمی هستند؛ مورد انتظار و توقع است که از شیوه‌ها و روش‌های مؤثر روز استفاده کند.[۶۹۰]

بسیج و مقابله با نقشه های دشمن

دشمن برای شایع‌کردن فساد در بین جوانان این کشور، برنامه‌ریزی می کند. چه کسی باید در مقابل این اشاعه‌ی فساد بایستد؟ چه کسی باید در مقابل خرابکاری ها بایستد؟ چه کسی باید در مقابل توطئه‌هایی که دشمن به وسیله‌ی عوامل خود در داخل کشور انجام می دهد و ممکن است یک عده آدم ساده‌لوح را هم به دنبال خود بکشاند؛ بایستد؟ بسیج، همین نیروی عظیم.[۶۹۱]

۶۸۷– بیانات در دیدار جمعی از پاسداران ۱۳۷۵/۹/۲۴
۶۸۸ –بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۷۹/۶/۱۰
۶۸۹ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴
۶۹۰ –بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۲/۶/۱۳
۶۹۱– بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵

معیار حرکت دشمنانه در تبلیغات داخلی و خارجی

شما به تبلیغات جهانی نگاه کنید! به تبلیغات داخل کشور هم نگاه کنید! به اظهارات افراد هم نگاه کنید! این، یک معیار است. هر گفتار و هر صدایی که سعی می کند پیوند بین دستگاه مرکزیت نظام جمهوری اسلامی و آحاد ملت را ضعیف کند؛ مالِ دشمن است؛ برو برگرد ندارد! هر دستگاه و هر صدا و هر گفتار و هر قلمی که سعی می کند دلَ های مردم را نسبت به حرکت مرکزیت نظام جمهوری اسلامی دچار تردید کند، مردم را متزلزل کند و در شک بیندازد؛ مالِ دشمن است. هرچند ممکن است خودش هم نداند. آن کسی که می نویسد، ممکن است خودشَ هم ملتفت نباشد چه می نویسد. ممکن است تحت تأثیر یک احساسات غلط آنی، حرفی بزند یا چیزی بنویسد؛ اما در نهایت و بلاشک، به تحریک دشمن یا به سود دشمن است؛ مال دشمن است. همه قلم ها و گفتارها و دست ها و تلاش هایی که سعی می کنند این یکپارچگی و وحدت عمومی ملت را در راه دفاع از منافع جمهوری اسلامی و دفاع از منافع ملت ایران خدشه‌دار کنند؛ مال دشمن اند. چون ما از همین طریق یکپارچگی بود که توانستیم دشمن را به زانو درآوریم. هر سخنی، هر نوشته‌ای، هر دستگاهی َکه کوشش کند چهره امام بزرگوار را – ولو امروز که آن بزرگوار به ملکوت اعلی پیوسته است – مخدوش کند؛ کارهای او را زیر سِؤال بِبرد؛ تصمیماتی که روزی ملت ایران را به اوج اعتبارِ در سطح جهانی رساند امروز مورد «لَیتَ و لَعَل» قرار دهد؛ بدانید مربوط به دشمن است. آن نَفَسی، آن قلبی و آن گفتاری حق است که سعی می کند پیوندها را میان آحاد مردم، میان مردم و دستگاه های اداره کننده کشور، میان مردم و اصول دین، میان آحاد مسؤولین کشور با یکدیگر و میان ارگان ها مستحکم کند. سعی می کند در دل های مردم نسبت به آینده، امید ایجاد کند و به مردم ثابت نماید و بفهماند که نیروی عظیمی مثل نیروی ملت ایران، وقتی که به عشق الهی و به ایمان و اعتقاد به خدا و مکتب اسلام منور شده باشد و وقتی که این دست ها و بازوها با یکدیگر گره خورده باشد؛ این قدرت را دارد که همه دشمنان را عقب بزند و ملت و کشور را به همان شکلی که شایسته یک ملت اسلامی است بسازد. حرف آن کسی حق است که در دل ها امید ایجاد می کند؛ قدم ها را مستحکم می کند؛ ذهن ها را روشن می کند؛ پیوندها را مستحکم می کند؛ ایمان ها را مستحکم می کند و قدرت دشمن را مورد مبالغه قرار نمی دهد.[۶۹۲]

مأیوس نمودن دشمن

این دشمنی‌ها ادامه پیدا می کند؛ تا کی ادامه پیدا می کند؟ تا وقتی شما قوی بشوید تا وقتی ملت ایران آن‌چنان قوی بشود که دشمن مأیوس بشود از تهاجم سیاسی یا امنیتی یا نظامی یا اقتصادی یا تحریم و غیرذلک، باید ما قوی بشویم؛ باید در داخل، خودمان را قوی کنیم. بنده مکرر عرض کرده‌ام این قوتی که برای کشور لازم است چه‌جوری تأمین می شود؛ اولاً از راه یک اقتصاد قوی، همین اقتصاد مقاومتی که سیاست های آن ابلاغ شده است و بر روی زمین و به‌صورت کار عملی و عملیاتی و اجرائی هم باید با شدت هرچه تمام‌تر و بدون فوت وقت دنبال

۶۹۲- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۲/۸/۳۰

بشود؛ خوب یک کارهایی را دوستان ما در دولت دارند انجام می دهند بحمدالله، یکی این است که اقتصاد کشور قوی بشود؛ جوان کشور بیکار نماند؛ ابتکارهای جوان ها روی زمین نماند؛ این یکی از راه‌هایش است.[۶۹۳]

ملت ایران، جوانان ایران، فعالان ایران، کسانی‌که به هر دلیلی ولو به دلیلی غیراسلامی به میهنشان و خاکشان عقیده دارند؛ باید کاری کنند که این یأس در دشمن به‌وجود بیاید؛ دشمن را باید مأیوس کرد. برای دستگاه استکبار و امروز برای دولت ایالات متحده‌ی آمریکا بسیار دشوار است که ببیند در این منطقه‌ی حساس عالم، در غرب آسیا یک کشوری، یک نظامی، یک ملتی سربرآورده است که خود را متصل و مربوط و تبع به آن قدرت ابرقدرت نمی داند؛ مستقل حرکت می کند؛ علیه او این‌همه مخالفت انجام می گیرد؛ [اما] از همه‌ی این مشکلات و سختی‌ها نظام اسلامی عبور می کند و به اعتراف خود آن ها نفوذ آمریکا را در این منطقه به چالش می کشد و نفوذ خودش را گسترش می دهد و به‌عنوان یک نمونه و الگویی برای ملت های منطقه درمی‌آید؛ تحمل این برای آن ها خیلی سخت است.[۶۹۴]

هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید

بعضی‌ها به بهانه‌ی همین مسائل جزئی داخلی، دشمن خارجی را فراموش می کنند؛ آمریکا را فراموش می کنند. این که (امام رضوان‌الله‌علیه) مکرر تکرار می کردند که هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید؛ به‌خاطر این است که بر سر یکدیگر کمتر فریاد بکشید. نمی گویم انتقاد نکنیم؛ نه بالاخره جامعه، جامعه‌ی آزادی است، افکار آزادند، حق انتقاد وجود دارد؛ انتقاد هم مایه‌ی پیشرفت است اما دشمن اصلی را با دشمنان درجه‌ی دو و با دوستانی که با آن ها اختلاف نظر داریم و دشمن هم حتی نیستند، اشتباه نگیریم؛ دشمن اصلی جای دیگر است. دشمن اصلی آن دشمنی است که با همه‌ی توان درصدد این است که دستاورد عظیم ملت ایران را از او بگیرد؛ این دستاورد عبارت است از حضور ملت، حاکمیت ملی، نفوذ افکار قرآنی و اسلامی در میان مردم، این، آن دستاورد بزرگ است که ما را به پیشرفت می رساند؛ تا امروز هم پیشرفت های زیادی کرده‌ایم، بعد از این هم همین ما را به آرمانهایمان خواهد رساند. این را می خواهند از دست مردم بگیرند؛ می خواهند حکومت ظالمانه، حکومت دست‌نشانده، حکومتی دلباخته‌ی به غرب و تسلیم غرب و مرعوب غرب به وجود بیاورند، هدفشان این است؛ این را بایستی از یاد نبریم و این دشمن را در نظر داشته باشیم.[۶۹۵]

آسیب شناسی نسبت به نقاط ضعف

در امتحان هائی از قبیل همین حوادثی که حول و حوش انتخابات پیش آمد – بعد از انتخابات

۶۹۳ – بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۴/۶/۱۸
۶۹۴–بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۸/۲۹
۶۹۵ – بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی روز ملّی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۴/۸/۱۲

و قبل از انتخابات – دیدیم که در همین زمینه‌ها ضعف ها و مشکلاتی داریم. این حوادث برای ما نعمت بزرگی است؛ از این جهت که ضعف های خودمان را بشناسیم؛ مثل رزمایش هائی که نیروهای مسلح راه می‌اندازند. رزمایش اصلا برای همین است که این یگان نظامی یا این سازمان نظامی، نقاط ضعفش را پیدا کند. هدفی را می دهند؛ فرمان صادر می شود که به سمت آن هدف حرکت بکنند؛ بعد چشم های بصیر و بینائی – در همه‌ی رزمایش ها اینجور است – می‌ایستند و از بالای صحنه، صحنه را نگاه می کنند. می‌بینند که بله در فلان نقطه، ضعف وجود دارد یا بعضا ناتوانی های مزمن وجود دارد. این برای ما یک رزمایش شد. البته به اختیار خود ما پیش نیامد؛ بر ما تحمیل شد؛ اما خوب شد؛ ضعف های خودمان را فهمیدیم. بنابراین این آرمان ها، بالای سر ماست و باید به سمت این آرمان ها حرکت کنیم؛ آن وقت این ضعف ها برطرف خواهد شد. این هم یک نکته است.[۶۹۶]

تکیه‌ی ما بر دشمنیِ دشمنان خارجی به معنای اغماض از ضعف های درونی خودمان نیست. این را به شما جوان های عزیزم عرض بکنم؛ ما در درون خودمان ضعف هایی داریم؛ دشمن در موارد زیادی از ضعف های ما استفاده می کند؛ این ضعف ها را باید برطرف کنیم. ما ضعف در سیاست‌گذاری داریم؛ ضعف در اجرا داریم؛ ضعف در تلاش داریم؛ گاهی دچار تنبلی و دچار کاهلی در حرکت های خودمان می شویم؛ ضعف در (تشخیص) اولویت های کشور داریم؛ گاهی اوقات سر یک چیز جزئی، گروه‌هایی در درون کشور از خودمان با همدیگر درگیر می شوند؛ سر یک امری که ضرورتی هم ندارد، لزومی هم ندارد؛ از دشمن غافل [می شویم]؛ این ها ضعف های ما است؛ این ضعف ها را بایستی برطرف کرد. لیکن وجود دشمن –دشمنی که آگاه است، دشمنی که پول خرج می کند، دشمنی که اگر بتواند از هیچ جنایتی فروگذار نمی کند– یک چیزی است که نباید مغفول‌عنه بماند.[۶۹۷]

ز. نتایج نهایی دشمنی ها

شکست امریکا از بسیج در استحاله فرهنگی

شکست بزرگ تر امریکایی ها در میدانی است که امروز آراسته‌اند و آن عبارت است از تلاش برای استحاله‌ی نظام جمهوری اسلامی، آن ها می خواهند با ابزارهای سیاسی، با ابزارهای فرهنگی و با دست‌نشاندگان فرهنگی و سیاسی، نظام اسلامی را از حقیقتش، از روحش و از هویت واقعیاش تهی کنند و این هم شکست خواهد خورد و این بزرگ ترین شکست امریکا از شما عزیزان مؤمنِ جوان در نیروهای بسیج است.[۶۹۸]

پیش روندگی و غلبه بر چالش ها

دشمنیِ دشمنان نمی تواند تأثیری بگذارد. البته دشمن، دشمنی می کند – در این تردیدی نباید

۶۹۶– بیانات در دیدار جمعی از شعرا ۱۳۸۸/۶/۱۴
۶۹۷ – بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی روز ملّی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۴/۸/۱۲
۶۹۸– بیانات در مراسم صبحگاه رده‌های مختلف نیروی مقاومت بسیج ۱۳۸۴/۶/۲

داشت؛ انتظاری هم جز این از دشمن نباید داشت – منتهی ما وقتی حرکت عظیم ملت ایران را از آغاز این انقلاب، این حرکت، این نهضت عمومی تا امروز مشاهده می کنیم؛ می‌بینیم یک خط سیر مشخصی دارد. ملت ایران به سمت پیش حرکت می کند، به سمت اوج حرکت می کند؛ در میدان های گوناگون بر چالش های گوناگون غلبه پیدا می کند و دشمنان در همین مقابله و مواجهه عقب‌نشینی می کنند، کوتاه می‌آیند؛ ناچارند. با این حرکت، سرنوشت ملت ایران، پیروزیِ قطعی است[۶۹۹].

برنامه‌ریزی بلندمدت برای مقابله با توطئه دشمن

اگر قبول داریم که جبهه‌ی دشمن برای کشور ما و انقلاب ما برنامه‌ریزی بلندمدت دارد؛ پس ما هم باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم. نمی شود قبول کرد که جبهه‌ی دشمنان اسلام و انقلاب که به شدت از ناحیه‌ی بیداری اسلامی تهدید می شوند، برنامه‌ریزی بلندمدت نداشته باشند؛ این را هیچ کس نمی تواند باور کند؛ مگر خیلی ساده‌لوح باشیم؛ غافل باشیم که این را باور کنیم. حتماً برنامه‌های بلندمدت دارند؛ کمااین که همین حوادثی هم که گاهی می‌بینید در کشور اتفاق می‌افتد که دست بیگانه در آن نمایان است[۷۰۰].

شکست دشمن در تخریب بسیج

دشمن در یک برهه‌ای – که امروز هم دنباله‌هایش کم و بیش هست – در تبلیغات گوناگون جهانی، علیه بسیج متمرکز شد. آنچه توانستند، گفتند. بسیج را بمباران تبلیغاتی کردند؛ برای اینکه او را از چشم مردم بیندازند؛ اما نتوانستند؛ «یحقّ اللّه الحقّ بکلماته». خدای متعال نمی گذارد این حقیقت روشن، پنهان بماند؛ لذا بسیج بحمداللّه روزبه‌روز آبرویش در کشور ما بیشتر شده است.[۷۰۱]

امریکا هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

امریکا هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. تمام امکانات دشمن، با همه‌ی عقبه‌ی فرهنگی آن هم نمی‌تواند کاری بکند! می‌دانید عقبه‌ی فرهنگی دشمن تا کجاهاست؟ مجلات، روزنامه‌ها، رادیوها، ماهواره‌ها، تشکیلات عظیم، کتاب‌نویسی ها، مزدورهای قلم به دست و قلم به مزد، همه عقبه‌ی فرهنگی استکبارند! همه‌ی این ها با هم به اضافه‌ی محاصره‌ی اقتصادی، تهدید سیاسی و اتهامات گوناگون، به اضافه‌ی آدم های حقیر پستی که در داخل کشور، طبق اشاره‌ی دست آن ها حرکت می‌کنند و می‌چرخند؛ همه و همه کوچک تر از آنند که بتوانند در این بنای استواری که با عواطف و احساسات و افکار و با دفاع بهترین نسل های تاریخ ایران – یعنی همین نسل شما – پدید آمده است؛ اندک تزلزلی ایجاد کنند! تا وقتی که انشاءاللّه این بنا مستقر است و مستقر خواهد بود؛ به فضل پروردگار و به لطف دل های پاک و آماده و روح های متوجه

۶۹۹– بیانات در دیدار اقشار نمونه‌ی بسیج سراسر کشور ۱۳۹۰/۹/۶
۷۰۰– بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴
۷۰۱ – همان

به خدا در میان انسان های مؤمن در هر نقطه‌ای از نقاط کشور – که الحمدللّه خیل عظیمی از مردم هم این‌طورند و متن ملت، علاقه و دل به این سمت دارد – همه‌ی امیدها به روی این ملت، لبخند می‌زند. مشکلات و کمبودها زیاد است. راه، دشوار و در جاهایی سنگلاخ است؛ اما راه و جاده هست. باید رفت و رفتن ممکن است؛ اگرچه دشوار باشد. به فضل پروردگار تا جان در بدنِ رَوَندگان این راه است؛ هیچ نیرویی نمی‌تواند از پیمودن راه اسلام در این کشور – که راه سعادتَ و رفاه و آزادی و آبادی این کشور و این ملت است – جلوگیری کند.[۷۰۲]

تودهنی محکم خوردن، نتیجه توطئه ها

عزیزان من! انشاءاللّه بنای آینده‌ی این کشور بر روی دوش شماست و آن‌که تعیین‌کننده است، شما هستید؛ نه امواج فرهنگ امریکایی و استکباری و غربی و امثال این ها که مرتب می خواهند موج بفرستند و به خیال خودشان با امواج، اینجا را آن‌طور که می خواهند بسازند! نخیر، همچنانی که در گذشته خطا کردند و این ملت را نشناختند و تودهنی خوردند؛ در این برهه و این مرحله هم این ملت را نمی شناسند؛ خطا می کنند و انشاءالله باز هم از این ملت، تودهنی محکم خواهند خورد.[۷۰۳]

ح. هشدارها و انذارها

مراقبت و مواظبت در تشخیص ها

مراقب باشید، مواظب باشید، نمی شود هر کسی را به مجرد یک خطائی یا اشتباهی گفت منافق، نمی شود هر کسی را به مجرد این که یک کلمه حرفی برخلاف آنچه که من و شما فکر می کنیم، زد، بگوئیم آقا این ضد ولایت فقیه است. در تشخیص ها خیلی باید مراقبت کنید. من تأکیدم به شما جوانان عزیز، فرزندان عزیز خود من، جوانان پرشور این کشور در سرتاسر میهن عزیز، همین است. انگیزه‌ها با شدت، با قوت، با ایمان کامل، با امید کامل به آینده حفظ بشود؛ اما در تشخیص ها و در مصداق های مختلف دقت بشود. بی‌دقتی در مصداق ها، گاهی اوقات ضررها و لطمات بزرگی خواهد زد.[۷۰۴]

مواظب باشید تکمیل کننده ی پازل دشمن نباشید

حقایق را از ورای جناح بندی های سیاسی نگاه کنید و ببینید؛ از بالا نگاه کنید و جبهه را ببینید. در یک جبهه ی گسترده ای که ممکن است طول آن صد کیلومتر باشد، واحدهای گوناگونی هستند؛ یک نفر در یک واحد، فقط خودش را می بیند؛ اما آن کسی که با هلی کوپتر از بالا عبور می کند؛ آرایش جنگی مجموعه ی این واحدها را می بیند. از بالا اوضاع کشور را نگاه کنید؛ آن وقت جای خودتان را درست پیدا می کنید که کجا باید باشید، چه کار باید بکنید؛ به چه چیز

۷۰۲– بیانات در جمع رزمندگان و بسیجیان بندرعباس ۱۳۷۶/۱۱/۳۰
۷۰۳– بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۷۷/۹/۲۵
۷۰۴– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴

باید حساسیت نشان بدهید؛ به چه چیز باید حساسیت نشان ندهید. همان طور که گفتم گاهی یک حرف حق را نباید زد؛ چون گفتن این حرف، پازل دشمن را تکمیل می کند. مواظب باشید در هیچ مرحله ای، شما تکمیل کننده ی پازل دشمن نباشید.[۷۰۵]

پرهیز از تردید افکنی نسبت به مسؤولین

من می بینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از حرف ها، فضا آنچنان مغشوش می شود که افراد سردرگم می شوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگانشان، نسبت به مسؤولانشان بدبین می شوند؛ این درست نیست. ...آن کسانی که مصالح کشور را می خواهند، مایلند حقائق را غالب کنند؛ من توصیه ام به آن ها این است که از اختلافات جزئی و غیراصولی صرف نظر کنند. شایعه سازی و شایعه پراکنی درست نیست. ...نباید شایعه پراکنی کرد؛ دشمن این را می خواهد. دشمن می خواهد شایعه پراکنی کند؛ می خواهد دل ها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسؤولین بدبین کند. دیدید شما در اوائل همین حوادث بعد از انتخابات اولین کاری که شد، تردید افکنی در کار مسؤولین رسمی کشور بود؛ در کار شورای نگهبان، در کار وزات کشور، این تردید افکنی ها خیلی مضر است؛ دشمن این را می خواهد. جوانان بسیجی باید ایمان را، بصیرت را، انگیزه را، رعایت موازین و معیارها را، این ها را با هم ملاحظه کنند.[۷۰۶]

بعضی‌ها رقیب انتخاباتی خودشان را «شیطان اکبر» به حساب می‌آورند! شیطان اکبر آمریکاست؛ شیطان اکبر صهیونیسم است؛ رقیب جناحی که شیطان اکبر نیست؛ رقیب انتخاباتی که شیطان اکبر نیست. من طرفدار زیدم، شما طرفدار عمروئی؛ من شما را شیطان بدانم؟ چرا؟ به چه مناسبت؟ در حالی که زید و عمرو هر دو ادعای انقلاب و اسلام می کنند؛ در خدمت اسلام و در خدمت انقلابند. خط درگیری با دشمن را مشخص کنیم. گاهی هست که یک نفری در لباس خودی است؛ اما حنجره‌ی او سخن دشمن را تکرار می کند! خوب، او را باید نصیحت کرد؛ اگر با نصیحت عمل نکرد، انسان با او باید حد و مرز تعریف کند: خط فاصل، جدا می شویم. اگر بناست شما با همان احساساتی که رژیم صهیونیستی نسبت به جمهوری اسلامی دارد – ولو با یک ادبیات دیگری – بخواهی در مقابل جمهوری اسلامی بایستی و حرف بزنی، خوب با رژیم صهیونیستی چه فرقی داری؟ اگر با همان منطقی که آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی عمل می کند، شما بخواهی با آن منطق با جمهوری اسلامی تعامل کنی؛ خوب شما با آمریکا فرقی نداری. این مساله جداست؛ اما یک وقت هست که نه اینجوری نیست. ممکن است اختلافات، اختلافات عمیقی هم باشد، اختلافات بزرگی هم باشد، اما انسان دشمن را با غیردشمن نباید اشتباه کند؛ دشمن حساب دیگری دارد؛ غیردشمن حساب دیگری دارد.[۷۰۷]

۷۰۵- بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱
۷۰۶- بیانات در دیدار با بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴
۷۰۷- بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۴

فصل چهارم

روحیه بسیجی و انقلابی

الف. مفهوم روحیه بسیجی

روحیه‌ی بسیجی – یعنی همین آمادگی برای پیشگامی و پیشقدمی در میدان های خطر، در میدان های مجاهدت، در میدان هایی که احتیاج دارد انسان یک مقداری گذشت کند.[۷۰۸]

... در دل نظام اسلامی باید یک نیروی دفاعیِ قادر، بیدار، مستحکم و آماده به کاری همیشه وجود داشته باشد؛ این همان روحیه بسیجی است.[۷۰۹]

روحیه ی بسیجی یک روحیه یی است که اگر در هر نقطه یی و در هر قشری به وجود بیاید؛ در آنجا فعالیت و نشاط و حرکت و حیات را مضاعف و چند برابر می کند؛ این معنای بسیج است.[۷۱۰]

روحیه‌ی بسیجی همه بخش‌های کشور می توانند دارای روحیه بسیجی باشند. علم‌آموزی بسیجی، ثروت‌اندوزی بسیجی، دیپلماسی بسیجی، سیاست‌ورزی بسیجی، مدیریت بسیجی، سازماندهی بسیجی، مفهوم بسیج شامل حال همه این زمینه‌ها می شود؛ معنایش هم عبارت است از نوآوری و ابتکار و اخلاص.[۷۱۱]

ب. ضرورت و اهمیت حفظ روحیه‌ی بسیجی و انقلابی

حکمفرما شدن روحیه‌ی بسیجی و انقلابی توأم با آمادگی

تأکید می کنم که روحیه‌ی بسیجی و انقلابی توأم با آمادگی کامل برای کار و تلاش، به نحو صحیح و صادقانه، در سازمان های مالی و اقتصادی و اجتماعی حکمفرما شود.[۷۱۲]

زنده ماندن فضیلت های اصلی انقلاب

آنچه که جامعه ما را فاسد می کند، غرق‌شدن در شهوات است؛ از دست‌دادن روح تقوا و فداکاری است؛ یعنی همان روحیه‌ای که در بسیجیهاست. بسیجی باید در وسط میدان باشد تا فضیلت های اصلی انقلاب زنده بماند. دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط سعی می کند جوان های ما را از مابگیرد.[۷۱۳]

نظام جمهوری اسلامی، متکی به نیروی بسیجی

من می خواهم به...همه بسیجی‌های کشور عرض بکنم که روحیه‌ی بسیج را و لباس بسیج را و سلک بسیج را از دست ندهید و نظام جمهوری اسلامی در قضایای گوناگون متکی به نیروی

۷۰۸– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶
۷۰۹–بیانات در تاریخ، ۱۳۸۴/۲/۱۸
۷۱۰ –بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۸۴/۹/۷
۷۱۱–بیانات در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۸
۷۱۲–بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۷/۵
۷۱۳ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۱۳۷۱/۴/۲۴

بسیجی شما است. بسیجی‌ها، آموزشهایشان را باید تقویت کنند. گردان های عاشورا و گردان های مقاومت بایستی سازماندهی را تقویت کنند؛ سازماندهی صحیح و مستحکم پیدا کنند و این یک ارزش است برای هر یک فردی از افراد که در یک چنین مجموعه‌هایی عضو باشند.[۷۱۴]

توسعه روحیه‌ی بسیجی

بسیج تمام شدنی نیست. بسیج باید روزبه‌روز توسعه پیدا کند و قوی شود. روحیه‌ی بسیجی و معرفت بسیجی باید فراگیر شود؛ تا این کشور بتواند بار سنگینی را که بردوش دارد – که همان بار هدایت الهی و سعادت انسانهاست – به سر منزل برساند. لذا، بسیج، تمام شدنی نیست.[۷۱۵]

نیاز کشور به روحیه‌ی بسیجی در همه زمینه‌ها

امام در همین نوشته‌ای که در آذر ۶۷ مرقوم کردند؛ از دانشجویان و طلاب می خواهند که بسیج تشکیل بدهند؛ بسیج دانشجو و بسیج طلبه، این نشان‌دهنده‌ی این است که نیازی که کشور به روحیه‌ی بسیجی دارد؛ مربوط می شود به همه‌ی زمینه‌ها، از جمله زمینه‌هائی که در قلمرو حوزه‌های علمیه است و زمینه‌هائی که در قلمرو دانشگاه‌هاست.[۷۱۶]

افزایش دائمی شور انقلابی

شور انقلابی را اندکی نباید کاهش داد. انگیزه‌ی انقلابی باید روزبه‌روز در دل های من و شما افزایش پیدا کند. این کوه‌های گوناگون مشکلاتی که بر سر راه مستضعفین عالم قرار دارد؛ جز با قدرت عزم و اراده‌ی پولادین مؤمن برداشته نخواهد شد. هدف فقط سر و سامان دادن به وضع کشور نیست. دنیای اسلام، بلکه جامعه‌ی بشریت نیازمند کمک به آن ها از سوی اسلام و امت اسلامی است. مشکلات زیادی در سر راه هست؛ عزم و اراده لازم است؛ نگاه به دوردست لازم است. این عزم و اراده باید باقی بماند؛ این شور انقلابی باید روزبه‌روز افزایش پیدا کند.[۷۱۷]

بکاربستن صحیح شور انقلابی

توسل و توجه به پروردگار، تمسک به اولیای الهی، راه عبادت، راه خشوع، راه تفکر بایستی به روی ما همیشه باز باشد؛ خودمان را از این راه تقویت کنیم. این شور انقلابی باید باقی باشد؛ اما مواظب باشید این شور و هیجان انقلابیِ باارزش در جای خود مصرف شود – نابجا مصرف نشود – این احتیاج به تأمل، تفکر، آگاهی وَ بصیرت دارد.[۷۱۸]

---

۷۱۴ – بیانات در جمع بزرگ بسیجیان تبریز ۱۳۷۲/۵/۸
۷۱۵– بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷
۷۱۶– بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
۷۱۷ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
۷۱۸ – همان

ج. آثار روحیه‌ی بسیجی

کسب موفقیت های بزرگ

در جنگ نیز همین روحیه‌ی بسیجی بود که توانست برای کشور ما افتخار به بار آورد. هر جا این روحیه‌ی بسیجی وارد شد؛ گره‌ها را باز کرد. در جنگ هم هرگاه در سازمان های موظف نظامی، یک فرمانده یا یک نظامی، با روحیه‌ی بسیجی حضور داشت؛ همه چیز رنگ دیگری به خود می گرفت و فداکاری برجسته‌تر و پیشرفت و امید و نگاه به آینده روشن تر می شد. هر جا که این روحیه باشد و هر ملتی که مردمانی با چنین روحیه‌ای داشته باشد؛ بدون تردید آن ملت موفقیت های بزرگی به دست خواهد آورد.[۷۱۹]

از بین رفتن خودپرستی‌ها و ثروت‌اندوزی ها

اگر اخلاص شد، آن وقت خودپرستی‌ها و خودمحوری‌ها و این ها برکنار خواهد شد؛ ثروت‌اندوزی برای خود، دست دراز کردن به اینجا، به آنجا، دیگر ممنوع خواهد شد. این ها همه‌اش ناشی از شرک است؛ شرک پنهان. وقتی که اخلاص بود، شرک نبود؛ این ها دیگر از بین خواهد رفت. روحیه‌ی بسیجی این است؛ در مدیریت های کشور، در نظام عمومی کشور و سازماندهی عمومی کشور، در فعالیت های گوناگون، در فعالیت های مرسوم دولتی، در فعالیت های شخصی، همه جا روحیه‌ی بسیجی می تواند خودش را نشان بدهد.[۷۲۰]

عملی نشدن تهدیدهای دشمن

دشمنان ما از اتحاد خود و حمله و فشار به نظام جمهوری اسلامی، طرفی نبستند. علت موفقیت ما این بود که شما جوانان در صحنه بودید؛ ملت آماده بود و روحیه‌ی انقلابی بر جریان های غیرانقلابی و ضد انقلابی غلبه داشت؛ تا وقتی این‌گونه باشد؛ تهدیدهای دشمن عملی نخواهد شد. تهدید و سوء نیت دشمن و خطر وجود دارد؛ اما تا شما در صحنه هستید؛ این خطر تحقق پیدا نخواهد کرد. نقش جوانان بسیجی و بسیج، در این آمادگی عمومی کاملاً روشن است. ...می گویم که بسیج باید با همان روحیه و شور و قدرتِ دوران جنگ باقی بماند و جوانان آموزش ببینند و سازماندهی شوند و آمادگی و حضور پیدا کنند.[۷۲۱]

نقش موثر در حرکت علمیِ اسلامیِ صحیح کشور

به مجموعه‌ی اساتید عزیز، مؤمن، جوان و انقلابی که در اینجا تشریف دارند؛ خوشامد عرض می‌کنم. انشاءالله تلاش و روحیه‌ی بسیجی و ایمانی که در شما وجود دارد؛ بتواند در حرکت علمیِ اسلامیِ صحیح کشور، نقش بسزایی ایفا کند.[۷۲۲]

۷۱۹ – بیانات در دیدار بسیجیان و کارکنان سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶
۷۲۰ – بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
۷۲۱– دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۷/۵
۷۲۲ – بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸

با وجود روحیه بسیجی، امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند

عزیزان من! تا وقتی این روحیه‌ی بسیجی (همین آمادگی برای پیشگامی و پیشقدمی در میدان های خطر، در میدان های مجاهدت، در میدان هایی که احتیاج دارد انسان یک مقداری گذشت کند)؛ در شما و در هزاران هزار جوان و غیرجوان و زن و مرد در سرتاسر کشور وجود دارد؛ امریکا نسبت به انقلاب هیچ غلطی نمی تواند بکند.[۷۲۳]

روحیه‌ی بسیجی، تضمین کننده انقلاب

بعضی در میدان بسیج، خلوص و صفایشان مثل خورشید می تابد و انسان را مجذوب می کند. به هرحال، بسیج یک فرهنگ است؛ بسیج، یک ذهنیت برجسته و والا در جامعه ی ماست. ... اگر بتوانید بسیج را هرچه فراگیرتر کنید و دل های بیشتر و نشاطِ متراکم تری را وارد این صحنه ی عمل بکنید؛ آینده ی این کشور تضمین شده تر است.[۷۲۴]

روحیه بسیجی همانند شط خروشان و پر برکت

بار دیگر به برکت همت و تلاش و کار مستمر و پر رنج دوره سال شما، نام و یاد و روحیه بسیجی، در جامعه اسلامی زنده شد. این جریان مبارک، بآید همچنان در همه مقاطع و فصول و در همه سال ها، مثل یک شط خروشان و پر برکت و پر فیض، ادامه پیدا کند و جریان داشته باشد.[۷۲۵]

انجام کارهای بزرگ

در هر میدانی وقتی با روحیه‌ی بسیجی، با اخلاص بسیجی، با ایمان بسیجی، با شجاعت و شهامت بسیجی، با قدرت ابتکار بسیجی وارد شوند؛ می توانند کارهای بزرگی را انجام دهند. این، حقیقت بسیج است.[۷۲۶]

فتح قله‌های اقتدار جهانی با روحیه بسیجی

این حرکت، حرکت موفقی است و ملت ایران به کمک همین روحیه‌های جوان و مؤمن و بسیجی و دارای ابتکار، انشاءالله قله‌های اقتدار جهانی را فتح خواهد کرد و به دست خواهد آورد و انشاءالله پرچم اسلام را بر این قله‌ها خواهید کوبید؛ همچنان که سی سال پیش کسی خیال نمی کرد که شعار اسلام و قرآن و ایمان به مبانی اسلامی در کشوری مثل تونس یا در کشوری مثل مصر بلند شود. امروز این شعارها را مشاهده می کنید. انشاءالله این روند رو به گسترش است.[۷۲۷]

۷۲۳- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶
۷۲۴ -بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۸۴/۹/۷
۷۲۵- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸
۷۲۶- بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴
۷۲۷- بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲

پیروزی حتمی و سریع، با همگانی نمودن روحیه بسیجی

ارتش هم می تواند روحیه بسیجی داشته باشد؛ سپاه هم می تواند روحیه بسیجی داشته باشد؛ یگان های بسیج هم که با همین مبنا تشکیل شدند، می توانند روحیه بسیجی داشته باشند؛ دستگاه‌های دولتی هم می توانند روحیه بسیجی داشته باشند؛ دستگاه‌های انتظامی هم می توانند روحیه بسیجی داشته باشند؛ دستگاه دیپلماسی هم می تواند روحیه بسیجی داشته باشد. اگر این شد، پیروزی حتمی و سریع خواهد شد. به بسیجی با این چشم نگاه کنیم؛ به روحیه بسیجی با این چشم نگاه کنیم واین روحیه را هرچه می توانیم زنده بداریم.[۷۲۸]

خاصیت جهاد و فداکاری همان خاصیت روحیه بسیجی

ملت ها دلشان با جمهوری اسلامی است و افرادی غافل و روسیاه، خیال می کنند که این ها تحریک شده ایرانند. چه تحریکی؟! ما چه کار داریم که ملت های دیگر را تحریک کنیم؟ ما شعار اسلام می دهیم؛ ما پرچم اسلام را بلند می کنیم و هر کس که در دلش شعله اسلام هست؛ به طور طبیعی دور این پرچم جمع می شود. ما چه وقت رفتیم در بوسنی هرزگوین تبلیغ جمهوری اسلامی را بکنیم؟ ببینید آنجا پرچم جمهوری اسلامی چقدر عزیز است! هرجا که ملتی به نام اسلام سربلندکرد و زبان بازکرد؛ بلاشک بدانید آنجا نام ملت ایران، نام عزیز و محترمی است. این، خاصیت مبارزه شماست. این، خاصیت جهاد و فداکاری شماست و این خاصیت، همان روحیه بسیجی شماست؛ موضوع این است![۷۲۹]

تحقق ناممکن ها با روحیه بسیجی

این ها حقایقی است که امروز وجود بسیج، عینیت بسیج، حرکت بسیج، هدف های بسیج، ما را به این حقایق آشنا می کند. انقلاب اسلامی و ملت انقلابی با یک چنین فرهنگی، با یک چنین آموزه‌هائی، با یک چنین روحیه‌ای، توانست بسیاری از ناممکن ها را ممکن کند؛ محقق کند و این حرکت ادامه خواهد داشت[۷۳۰].

شاخص های روحیه بسیجی و انقلابی

خطر پذیری

حضور داوطلبانه در میدان خطر

اگر خدمتگزاران این مردم خطاب کنند و از مردم کمک بخواهند؛ بعضی در اول وقت (مثلاً فردا صبح) حرکت می کنند؛ بعضی نمی گذارند به فردا صبح برسد، همین لحظه حرکت می کنند. این ها بسیجی اند؛ بنابراین فلسفه‌ی بسیجی عبارت است از سرعت عمل، کار مخلصانه، کار

۷۲۸-بیانات در تاریخ، ۱۳۸۴/۲/۱۸
۷۲۹- بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷
۷۳۰- بیانات در دیدار اقشار نمونه‌ی بسیج سراسر کشور ۱۳۹۰/۹/۶

شجاعانه، حضور داوطلبانه در میدان خطر و کم خواستن و بسیار نثار کردن.[۷۳۱]

بسیجی، یعنی آن فرد از افراد ملت که در هنگام بروز حادثه، در صف جلو قرار دارد. بسیجی یعنی این، یعنی همه وجودش وقف اسلام است.[۷۳۲]

فعال بودن، در میدان عمل رفتن، تن به حادثه دادن و عمل خالصانه برای اهداف متعالی از ارزش های والای بسیجی بودن است. [۷۳۳]

ارتش بیست میلیونی ... جای خودش را در افکار عمومی مردم دنیا باز کرده است. تقریباً در طول دوازده سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته است؛ نیروی عظیم بسیج توانسته در میدان های پُرخطر، وظیفه‌های سنگینی را برعهده بگیرد و کارهایی را که گاهی از هیچ عنصر دیگری ساخته نبود و برنمی آمد؛ انجام بدهد.[۷۳۴]

تجدد و نوگراییِ حقیقی و باز کردن میدان های تازه ی زندگی، مطلوب اسلام است؛ اصلاً اسلام این را از انسان خواسته؛ این به برکت تأمل، تعمق، کار درست، کار فکری، تلاش عملی، مجاهدت، استقبال از کار و از خطر در همه ی میدان ها و همت ها را بلند کردن به دست می آید. این کارها مربوط به کیست؟ مربوط به بسیج است. اگر بسیج را درست معنا کنیم؛ همین است. بسیج، همچنین یعنی انسان باهمتی که غیرت دینی و داناییِ فکری و نیازشناسی و ابتکار و جوشش ذهنی و خلاقیت دارد و وارد میدان می شود. بسیج دانشجویی طبیعتاً مظهر تام و تمام این مفاهیم است. همت شما باید این باشد که این عرصه ی اساسی را تأمین کنید. از هیچ چیز هم نباید بیمناک باشید؛ نه این که ملاحظه نکنید؛ (ملاحظه، یعنی عقل را به کار گرفتن؛ این همیشه لازم است) اما آن چیزی را که حق تشخیص می دهید؛ باید مطالبه کنید؛ نه فقط خواستن با زبان و با شعار (البته یک وقت شعار لازم است؛ یک وقت هم لازم نیست)، باید کار و تلاش هم کرد.[۷۳۵]

سینه‌ی بسیجی، سپر انقلاب

بسیجی بودن افتخار است؛ حزب‌اللهی بودن افتخار است؛ حزب‌اللهی یعنی آن عنصری که در مقابل مشکلات سینه سپر می کند و احساس مسئولیت می کند؛ این بهتراست یا آن کسی که هیچ مسئولیتی در مقابل مسائل کشور خودش و جامعه‌ی خودش قائل نیست و تنها همین [را] بلد است که به شکم خود و لذائذ خود و جیب خود برسد و بپردازد.[۷۳۶]

۷۳۱- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶
۷۳۲- بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۷۲/۸/۳۰
۷۳۳- بیانات در دیدار بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۷۹/۱۱/۲۴
۷۳۴- بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵
۷۳۵- بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۳/۵
۷۳۶ – بیانات در جمع بزرگ بسیجیان تبریز ۱۳۷۲/۵/۸

اگر یک فرد بسیجی، در مدرسه و دانشگاه و حوزه‌ی علمیه و کارخانه و مزرعه و اداره مشغول است؛ بداند که جزء ارتش عظیم مردمی و انقلابی است و باید به آن افتخار کند. در هر مجموعه‌یی که افراد آن عضو بسیج هستند؛ از جهت خدمت به انقلاب، نسبت به دیگران برتر و مقدم ترند؛ زیرا هرگاه خطری نظام را تهدید کند؛ سینه‌ی بسیجی سپر انقلاب خواهد شد.[۷۳۷]

بسیج، معنایش این است که دستگاه های مسؤول کشور برای باز کردن گره‌های بزرگ، برای برداشتن قدم های بلند و برای دفاع از کشور، فقط به سازمان های رسمی و دولتی تکیه نکنند. در جنگ، ما سازمان های مسلح نیرومندی داریم؛ ارتش و سپاه را داریم؛ اما آن روزی که میدان دفاع از مرزهای کشور یا از استقلال کشور یا از سربلندی کشور مطرح باشد و باز بشود؛ این فقط سازمان های رسمی نیستند که وارد میدان می‌شوند؛ بلکه آحاد ملت به این ها کمک می‌کنند و وارد میدان می‌شوند؛ همچنان که در طول این بیست سال در دوران جنگ و قبل از جنگ و بعد از جنگ وارد شدند؛ این معنای بسیج است. ... خدا را شکر می‌کنیم که از روز اولِ انقلاب، نیروی خود جوش مردم در همه‌ی میدان ها حاضر بود و امام، قدر این نیرو را دانستَ و آحاد ملت قدر این جریان جوشنده‌ی عظیم را در میان خودشان دانستند؛ آنهایی که خودشان حاضر نبودند؛ یا آمادگی نداشتند که در این میدان های خطر وارد شوند؛ آن جوانان آماده و عناصر از خود گذشته را تحسین و تشویق کردند. این، آن چیزی است که دستگاه های اقتدار جهانی را، دستگاه های استکبار را، آن کسانی را که می‌خواهند سرنوشت کشورها و ملت ها را بناحق در دست گیرند؛ خشمگین می‌کند.[۷۳۸]

روحیه‌ی انقلابی و دینی، رمز خطر پذیری

در بین این ملت که سطوح گوناگون و مختلفی دارند؛ روحیه‌ی جمع کثیری، این است که هرجا و هر زمان و هرطور که لازم باشد؛ سینه‌شان را سپر می کنند و به وسط میدان می آیند. این نقطه‌ی قوت ماست. این چگونه حاصل شده است؟ با موتور ایمان، با روحیه‌ی انقلاب، با انگیزه‌ی دین، این حقیقتی که دنیاداران او را نفهمیدند! نفهمیدند که قدرت دین چه استحکامی به یک ملت و به یک نظام می دهد. جمهوری اسلامی به طور طبیعی در این راه و در این کیفیت قرار داشت و قرار گرفت؛ یعنی ایمان، حالا شما (بسیج دانشجویی) در این خیمه‌ی فرماندهی در کجا قرار دارید؟ خودتان معین کنید و فکرش را بکنید؛ البته با این محاسبه، دانشجوجماعت – به خصوص آن وقتی که انگیزه‌ی بسیجی و روح بسیجی بر او حاکم است – آن عنصر بی همتاست؛ بی همتاست؛ یعنی برای پیشبرد این حرکت عظیم، دیگر نمی توان روی او قیمت گذاشت.[۷۳۹]

۷۳۷– بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۱۳۶۸/۴/۶
۷۳۸ – سخنرانی فرمانده کل قوا در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت‌کننده در اردوی یاران امام علی (ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹
۷۳۹ – بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها ۱۳۸۶/۲/۳۱

به استقبال خطر و شهادت رفتن، رمز پیروزی ها

انقلاب ما که پیروز شد، به برکت صفا و خلوص و اخلاص و کار برای خدا و بلند شدن از سر منافع مادی و شخصی بود؛ مقاومت در جنگ تحمیلی هم همین‌طور بود. این شهدای عزیز ما یا این جانبازان، در اوج صفا و اخلاص، به استقبال شهادت رفتند و شهید شدند و همین شهادت‌ها و مقاومت‌ها و به استقبال خطر رفتن‌ها بود که انقلاب را حفظ کرد؛ اسلام را عزیز کرد؛ مسلمین را قوی کرد و دشمنان اسلام و آمریکا را خوار نمود.[۷۴۰]

حضور در میدان خطر، وجه تمایز انقلابیون

ما از اولِ انقلاب دوگونه انقلابی داشتیم و انقلابیون ما دوگونه نقش ایفا کردند. بعضی از انقلابیون، انقلابیونِ مثبت بودند؛ بعضی از انقلابیون هم انقلابیون منفی بودند. در اوایل انقلاب، انقلابی منفیَ به آن انقلابی‌ای می‌گفتیم که از میدان کار و تلاش و حرکت، آنجایی که دردسری داشت؛ عقب می‌کشید. انقلابی بود؛ اما انقلابیِ و جاه‌طلب و راحتخواه، انقلابی‌ای که می‌گفت من مبارزه‌ام را قبل از انقلاب کرده‌ام؛ اکنون دیگر می‌خواهم احترام شوم؛ بنابراین، چنین کسانی به میدان خطر و دردسر و آنجایی که چهار نفر آدم از انسان گله‌مند می‌شوند؛ وارد نمی شدند. یک عده هم انقلابیِ مثبت بودند؛ حاضر بودند آبرویشان را هم خرج کنند. آنجایی که فکر می‌کردند وجودشان می‌تواند کمکی بکند؛ با همه‌ی وجود حاضر بودند. اگر جبهه بود؛ یک طور، اگر دانشگاه بود؛ یک طور، اگر میدان فرهنگی یا سیاسی بود؛ وارد میدان می‌شدند. ...انقلابیِ مثبت، حتی اگر هیچ‌کاره هم باشد؛ خودش را مسئول‌ترین افراد می‌داند و وارد میدان می‌شود. من می‌خواهم به شما عرض کنم: عزیزان من! جوانان! انقلابیِ مثبت باشید. دانشگاه باید انقلابیون مثبت پرورش دهد؛ این ملت و این تاریخ به شما نیاز دارد؛ باید خودتان را آماده کنید.[۷۴۱]

۲. پیشگامی و پیشتازی

بعضی این طور گمان می کنند که بسیج یک مجموعه‌ی نظامی است. این طور نیست؛ بسیج، جزء سازمان های نظامی به معنای خاص آن به حساب نمی‌آید. بسیج یعنی پیشگام و پیشقراول در همه‌ی میدان های مورد نیاز کشور و نظام اسلامی، هرجا حضور شجاعانه و فداکارانه و مخلصانه ضرورت پیدا می کند؛ بسیج در خط مقدم قرار می گیرد. جنگ، یکی از این میدان ها بود.[۷۴۲]

بسیج، عبارت است از مجموعه‌ی عظیمی از انسان هایی که در میدان خطر، در میدان مجاهدت، در میدان تلاش (هر گونه تلاشی) آنجایی که به گذشت، به اغماض از استراحت و آسایش،

۷۴۰-بیانات در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان، ۱۳۶۹/۵/۲۴
۷۴۱-بیانات و پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۰۹/ ۱۲/ ۱۳۷۹
۷۴۲- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶

به اخلاص در اقدام و عمل احتیاج دارد؛ پیشقدم است. این معنای بسیج است. بسیج، در جنگ پیشقدم بود؛ در آنجایی هم که پای سازندگی به میان می‌آید (اگر میدان بدهند) پیشقدم است؛ در آنجایی هم که خدمات عمومی مطرح می شود – اگر درخواست کنند – پیشقدم است؛ در آنجایی هم که مسأله‌ی آبروی نظام در انتخابات و امثال آن مطرح است؛ پیشقدم است. هرجا یک حضور مخلصانه‌ی شجاعانه لازم است؛ می توان بسیج را در آنجا جست و یافت. این معنای بسیج است؛ بی خود نیست که شخصیتی مثل امام با آن عظمت که وجود او مرکز توجه همه‌ی عواطف عاشقانه‌ی این ملت بود؛ به بسیجیان عشق می ورزید و با همه‌ی وجود آن ها را گرامی می داشت.[۷۴۳]

پیشگامی و جلوداری در روز حادثه

بسیجی، یعنی آن فردی از افراد ملت که در هنگام بروز حادثه در صف جلو قرار دارد؛ این معنای بسیجی است. همیشه در میان یک ملت، باارزش‌ترین افراد آن ملت، آن کسانی هستند که در هنگام خطر و به خصوص خطرهای بزرگ، حضورشان محسوس‌تر است؛ ملموس‌تر است. آنهایی که بر سر سفره غذای رنگین، جمع می شوند و می‌نشینند؛ اما وقتی خطری متوجه بشود، گم اند؛ آن ها انسان های بی‌ارزشی هستند. آن کسانی که در (طول(هشت سال که این ملت در خون و آتش گذرانید؛ ده‌ها شهر کشور مورد تهاجم هوایی و بمباران دشمن قرار گرفت و میلیون ها نفر از آحاد این مردم به مرور در این هشت سال در قالب نیروهای بسیجی به این میدان های جنگ رفتند و برگشتند و چقدر شهید شدند.[۷۴۴]

در میدان اقتصادی هم تا آنجایی که می توانید، شما باید پیشقدم باشید؛ در میدان فرهنگ هم باید پیشقدم باشید؛ امر به معروف و نهی از منکر یک واجب عمومی است؛ اما در این میدان هم شما باید پیشقدم باشید و [این] وظیفه‌ی بزرگ را بر دوش بگیرید؛ «وَ لتَکُن مِنکُم اُمَّةٌ یَدعونَ اِلَی الخَیرِ وَ یَأمُرونَ بِالمَعروفِ وَ یَنهَونَ عَنِ المُنکَر». آن امت در میان جامعه‌ی اسلامی شما هستید. بسیج یک ذخیره‌ی تمام نشدنی برای انقلاب اسلامی است و این ذخیره را باید روزبه‌روز بیشتر کنید. من البته، توصیه‌ی مؤکد دیگری هم دارم و آن، رسیدگی به فکر و اندیشه و معلومات است. در هر سطحی که هستید؛ با کتاب و با معلومات و مانند این ها به‌طور دائم باید انس داشته باشید. این، بسیجی نمونه و کامل است.[۷۴۵]

بعد از دوران جنگ هم در همه‌ی حوادث، بسیج جلودار بوده است؛ پیشرو بوده است؛ خطشکن بوده است. اگر بحث اقتدار سیاسی و ایستادگی سیاسی مطرح بوده، این جریان عظیم بسیج مردم در سرتاسر کشور این شعار را تثبیت کردند؛ به رخ دنیا کشیدند؛ اگر بحث فرهنگی بوده است؛ اگر بحث سازندگی بوده است؛ چقدر در سرتاسر این کشور کارهای عظیم به وسیله‌ی نیروهای

۷۴۳– همان
۷۴۴ – بیانات در جمع بزرگ بسیجیان تبریز ۱۳۷۲/۵/۸
۷۴۵ – همان

بسیجی انجام گرفت.[۷۴۶]

بسیجی یعنی فرهنگ پیشرو بودن

بسیجی یک فرهنگ است و اگر بخواهیم این فرهنگ را در یک جمله تعریف کنیم، باید بگوییم پیشرو بودن در همه‌ی عرصه‌های اساسی زندگی. درست است که بعضیها اصرار دارند بسیجی را در محیط دانشگاه و بیرون دانشگاه بد معنا کنند؛ اما از کسانی که حرفهای بوقهای تبلیغاتی دشمنان این ملت را تکرار میکنند، انتظار زیادی نیست. مسأله این است که خود ما بفهمیم بسیجی یعنی چه.[۷۴۷]

بسیج، عنصر پیشتاز در دفاع از کشور

اگر روزی دشمنی به کشوری حمله نظامی کند؛ چه کسی در مقابلش می ایستد؟ کسی که از همه به سرزمین خود علاقه مندتر است؛ به ملت خود علاقه مندتر است؛ به زخارف دنیوی بی علاقه تر است؛ احساس مسؤولیت بیشتری می کند و متعهدتر است. چنین کسی می رود دفاع می کند. شما دیدید که در دوران جنگ، چه کسانی رفتند دفاع کردند. عمده میدان ما را، بسیج پرکرد. بسیج یعنی همین؛ یعنی عنصر مؤمن انقلابی علاقه مند به سرنوشت میهن، علاقه مند به سرنوشت کشور و یک فرد فداکار، رفت وَسط میدان و با فداکاری، دشمن را به زانو درآورد.[۷۴۸]

پیشرو در همه میدان های مورد نیاز

درست است که شما در قالب مجموعه‌های وابسته‌ی به نیروی مقاومت، شکل گردان های رزمی می گیرید؛ آمادگی های نظامی پیدا می کنید و در میدان نبرد خودتان را نشان دادید و اگر یک روزی کشور باز نیاز به نیروی نظامی و جنگی پیدا کند، در صفوف مقدم هستید؛ این درست است؛ اما جنگ همه‌ی محتوای بسیج نیست. بسیج، گسترده‌ی در همه‌ی عرصه‌های زندگی است. آن وقتی که نوبت سازندگی است، بسیج پیشرو است؛ آن وقتی که نوبت مددرسانی و خدمات است، بسیج پیشرو است؛ آن وقتی که نوبت تحقیقات بسیار دقیق و ریز و حساس است؛ نیروهای بسیجی در صفوف اولند. امروز شما نگاه کنید در همین قضیه‌ی هسته‌ای، در این فناوری پیچیده و بسیار دشوار، جوان هائی که آنجا هستند؛ جوان های متدین و اجزاء طبیعی و حقیقی بسیج را تشکیل می دهند؛ در همه جا همینجور است.[۷۴۹]

۷۴۶- بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۰۹/۰۴
۷۴۷- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی۱۳۸۴/۰۳/۰۵
۷۴۸- بیانات در تاریخ ۱۳۷۱/۵/۲۱
۷۴۹- بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵

پیشرو در مسایل فکری، فرهنگی، علمی و هنری

استقلال این کشور و راه سعادت ملت ایران در تمسک و عمل به اسلام، وحدت کلمه و شناختن استکبار و در رأس آن آمریکاست و این ملت راه سعادت را خواهد رفت؛ بنا بر این نیروهای مؤمن و با اخلاص بسیجی وظیفه دارند با آنچه که نیاز این زمان است آشنا شوند و در مسایل فکری، فرهنگی، علمی و هنری پیشرو باشند.[۷۵۰]

درباره‌ی دانشجوی بسیجی حرف های زیادی در ذهن و دل هست که اگر این ها را به عنوان مناقب بسیجیان دانشجو تنظیم و بیان کنیم؛ شوق انسان های متکی به منطق و استدلال به سوی بسیجی شدن در محیط دانشگاه‌ها مضاعف خواهد شد. بسیجی یک فرهنگ است و اگر بخواهیم این فرهنگ را در یک جمله تعریف کنیم؛ باید بگوییم پیشرو بودن در همه‌ی عرصه‌های اساسی زندگی، درست است که بعضی ها اصرار دارند بسیجی را در محیط دانشگاه و بیرون دانشگاه بد معنا کنند؛ اما از کسانی که حرف های، بوق های تبلیغاتی دشمنان این ملت را تکرار می کنند؛ انتظار زیادی نیست. مسأله این است که خود ما بفهمیم بسیجی یعنی چه.[۷۵۱]

پیشرو و پیشتاز در میدان علم

امروز جوانان بسیجی ما در میدان علم هم پیشرو و پیشتازند. اساتید بسیجی ما هم در کار علمی جزء موفق‌ترین ها هستند. هنرمندان بسیجی ما هم (آن کسانی که با روح بسیج وارد میدان هنر شدند)، موفقیت های بیشتر و بهتری پیدا کردند و توانستند مخاطبان بیشتری را جذب کنند.[۷۵۲]

اهمیت دیگر بسیج، در این است که بسیج دارای یک جهت و یک بعد و متوجه یک منظور نیست. بسیج با اینکه هنر نظامی دارد و در خطوط مقدم میدان نبرد، هر جا که لازم بوده است؛ قرار گرفته و سخت‌ترین کارها را به عهده گرفته و انجام داده است. همه‌کاره است؛ یعنی در همه‌ی میدان ها وقتی بسیج حضور داشته باشد؛ پیشرو است؛ پیشتاز است.[۷۵۳]

جنگ، همه ی محتوای بسیج نیست. بسیج، گسترده ی در همه ی عرصه های زندگی است. آن وقتی که نوبت سازندگی است، بسیج پیشرو است؛ آن وقتی که نوبت مددرسانی و خدمات است، بسیج پیشرو است؛ آن وقتی که نوبت تحقیقات بسیار دقیق و ریز و حساس است؛ نیروهای بسیجی در صفوف اولند. امروز شما نگاه کنید در همین قضیه ی هسته ای، در این فناوری پیچیده و بسیار دشوار، جوان هائی که آنجا هستند؛ جوان های متدین و اجزاء طبیعی و حقیقی بسیج را تشکیل می دهند؛ در همه جا همینجور است.[۷۵۴]

۷۵۰- بیانات در دیدار جمعی از پاسداران و بسیجیان با رهبر انقلاب ۱۳۷۷/۹/۲
۷۵۱ - بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی. ۱۳۸۴/۳/۵
۷۵۲- بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴
۷۵۳- همان
۷۵۴- بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵

تعقل و تعبد، عامل پیشرفت

تجدد چیست؟ تجدد، پیشرو بودن است. نگاه کنید ببینید چه کم دارید، کجا خلأ دارید و این خلأ چگونه به بهترین وجه قابل پُر شدن است. ذهن خلاق خودتان را به کار بیندازید و آن خلأ را پُر کنید؛ این می شود پیشرفت، این حرف، در لباس هست؛ در منش ظاهری هست؛ در فکر هست؛ در شیوه‌ی اداره‌ی جامعه هست؛ در مسائل اجتماعی گوناگون هست؛ در مسائل سیاسی هست؛ در همه چیز این حرف جاری است؛ در آنجاهایی که عقل انسان قادر به حکم کردن و قضاوت کردن است. آنجایی که عقل میدانی ندارد – میدان تعبد و شرع است – باید متعبد به شرع ماند. اتفاقاً کسانی که پابند و متعبد به شرع ماندند؛ بعدها وقتی عقلشان بیشتر به کار افتاد؛ فهمیدند چرا شرع این حکم را کرده. یک روز بود که مسأله‌ی طهارت و نجاست، مسأله‌ی محرم و نامحرم، مسأله‌ی عبادت و نماز و خشوع مورد سؤال بود؛ بعد که فکرها بیشتر پیشرفت کرد؛ فهمیدند این ها هم فلسفه‌ها و حکمت های طبیعی دارد؛ بالاتر از آن، حکمت های انسانی دارد.[۷۵۵]

پیشرو در همه ابعاد و زمینه ها

البته بسیجی که در سال ۵۸ تشکیل شد؛ نیازهای آن روز را تأمین می کرد – این یک نیاز بود – امروز بسیج نوع نیازهای دیگری را برآورده می کند. مسائلی که امروز مطرح است؛ آن روز مطرح نبود. امروز بسیج ما در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی ابتکار، در زمینه‌ی نوآوری، پیشرو است؛ این هم هنر امام بود.[۷۵۶]

تا امروز بسیج رشد داشته است. پیشرفت بسیج در ابعاد مختلف، همان پیشرفتی است که مورد انتظار هر کسی است که بسیج را می شناخت؛ هم رشد کمی داشته است، هم رشد کیفی و معنوی، هم ایستادگی در مقابل مزاحم ها و معارض های مؤثر در دل انسان و تکان‌دهنده‌ی دل انسان، یعنی وسوسه‌ها، بسیج در این زمینه‌ها امتحان خود را داده است.[۷۵۷]

بسیجیان عزیز ما تا امروز پیشرفت‌های خوبی کرده‌اند؛ این پیشرفت‌ها باید همچنان ادامه پیدا کند. مطمئناً این الگو در کشور عزیز ما دنیا را تحت تأثیر قرار خواهد داد.[۷۵۸] یک راه دیگر، توسعه‌ی علم است؛ کاروان علم، شتاب خود را از دست ندهد؛ در علم پیشروی کنیم، همه چیز به علم وابسته است؛ این هم یکی از راه‌های تقویت است.[۷۵۹]

۷۵۵ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی. ۱۳۸۴/۳/۵
۷۵۶– بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
۷۵۷ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
۷۵۸– بیانات در مراسم صبحگاه رده‌های مختلف نیروی مقاومت بسیج۱۳۸۴/۶/۲
۷۵۹ – بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۴/۶/۱۸

بسیج دانشجویان و اساتید، یک پدیده‌ی پیشرونده و پیشرو

امروز در حوزه‌ی علمیه هم، فضلای بسیجی ما، علمای بزرگ بسیجی ما حضور دارند؛ افتخار هم می کنند. امام هم افتخار می کرد؛امام با آن عظمت، می گفت من افتخارم این است که یک بسیجی‌ام، در دانشگاه هم همین جور اَست. در دانشگاه هم بسیج دانشجو، بسیج استاد، یک پدیده‌ی پیشرونده و پیشرو محسوب می شود . [۷۶۰]

بسیج باید جلوتر از همه وارد عرصه‌ی علم بشود. شما باید بروید و عرصه‌های علمی را، عرصه‌های فناوری را، نوآوری های علمی و آفاق شناخته‌نشده‌ی علم را تصرف کنید. البته درس نخوانده و کارنکرده نمی شود؛ این هم راه دارد. [۷۶۱]

برداشتن مقررات دست و پا گیر، مقابل پیشرفت

بعضی‌ها برای این که حرکت های ابتکاری را، حرکت های برخاسته‌ی از روحیه‌ی بسیجی را به حاشیه و انزوا برانند؛ به بعضی از مقررات دست‌وپاگیر تمسک نکنند؛ این هم این طرف قضیه است. اگر یک وقتی واقعاً دیده شد، مقرراتی وجود دارد که جلوی ابتکار را، جلوی حرکت را، جلوی پیشرفت را می گیرد؛ آن کسانی که باید آن مقررات را تغییر بدهند؛ تغییر بدهند و مانع را بردارند.[۷۶۲]

رو به جلو بودن نظام، با وجود پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین توطئه‌ها

اگر ما برای زنده بودن، فعال بودن، بااراده بودن، هدفدار بودن، رو به جلو بودن این نظام هیچ دلیل دیگری نمی داشتیم جز حضور میلیون ها جوانِ پرشورِ مؤمن صادقِ بابصیرت در سراسر کشور، زیر عنوان بسیج، همین کافی بود برای این که نشان بدهد، این نظام و این حرکت عظیم ملت ایران در برابر پیچیده‌ترین توطئه‌ها و خطرناک‌ترین حرکت های دشمن آسیب ناپذیر است. البته این شعار نیست؛ یک حرف متکی به استدلال منطقی است. [۷۶۳]

خدمتگزار وافتخار آفرین برای کشور

امروز افتخارات کشور، ساخته و پرداخته‌ی دست همین انسان های خدوم و باارزش است. نشناختن این حقائق – یعنی نشناختن معنای بسیج – خود این، ظلم به بسیج است.[۷۶۴]

هر کس وارد این عرصه شد، باارزش ترین افراد جامعه است و باید به این توفیق، افتخار کند.

۷۶۰– بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
۷۶۱ – بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها ۱۳۸۶/۲/۳۱
۷۶۲– بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
۷۶۳– بیانات در دیدار بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
۷۶۴– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴

من هم افتخار می‌کنم که یک بسیجی باشم. به عنوان یک بسیجی، هرجا که انقلاب به وجود من نیاز داشته باشد؛ حاضرم خدمت کنم. همه باید به این عضویت افتخار کنیم؛ چون اساسی ترین کار انقلاب را بسیج انجام می‌دهد.[۷۶۵]

حضور دائم و به هنگام در صحنه

حاضر در همه میدان ها برای پیشبرد مسائل گوناگون کشور

بسیج، جمع فداکاری از مردمند؛ برای مردم، تشکیل یک مجموعه‌ای در حرکت عظیم یک ملت مجاهد، حضور در دفاع، حضور در علم، حضور در هنر، حضور در سازندگی، حضور در سیاست، در فرهنگ، در کمک به مستضعفان، در کمک به درماندگان، در تولید، در فناوری، در پیشبرد مسائل گوناگون کشور، در ورزش، در درخشش های بین‌المللی، در هر کار خیر، این حرکت بسیج است. حرکتی مردمی، برای مردم، در دل مردم، از خود مردم، از همه‌ی قشرها، زنان، مردان، جوانان، پیران، نوجوانان، از اصناف گوناگون؛ یعنی تشکیل یک مجموعه‌ی حزب‌الله واقعی.[۷۶۶]

جوانان عزیز! شما امیدهای انقلاب و اسلامید. رفتار شما می تواند این مملکت را در جهت شکوفایی، با سرعت به پیش ببرد. وقتی جوان مملکت هوشیارانه، با تدبیر، با حلم و با توجه به موقعیت ها، حرف بزند و تصمیم بگیرد و عمل کند؛ کشور گلستان خواهد شد. وقتی هیجانات کور، پا وسط بگذارند، دشمن فوراً استفاده خواهد کرد. بارها گفته ام، باز هم تکرار می کنم؛ من معتقدم که جوان مملکت بایستی در همه میدان ها حضور و آمادگی داشته باشد؛ منتهی با انضباط.[۷۶۷]

حضور، اوّلی‌ترین خصوصیات بسیجی

یکی از خصوصیات خصلت بسیجی و جریان بسیجی، حضور است؛ غایب نبودن در آنجایی که باید در آنجا حاضر باشیم. این یکی از اوّلی‌ترین خصوصیات بسیجی است.[۷۶۸]

تمرین حضور، همانی که درباره‌ی شهید چمران گفتم؛ شب تا ساعت یک بعد از نصف شب و بیشتر دنبال کار است. صبح زود (تاریک، روشن) جلوتر از همه توی جبهه است و هرجا لازم هست، حضور دارد. این حضور دائم و به هنگام، در هر نقطه‌ای که لازم است را باید تمرین کنیم. همه‌ی ما باید این را یاد بگیریم.[۷۶۹]

۷۶۵- بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۱۳۶۸/۴/۶
۷۶۶ - بیانات در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۶
۷۶۷- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۴/۲۱
۷۶۸- همان
۷۶۹- بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲

هر زمانی نیاز هست، آنجا حاضر باشید

هر جا و در هر زمانی به شما نیاز هست؛ آنجا حاضر باشید. این می شود بسیجی، بسیج یعنی این، البته بعضی ها صددرصد بسیجی اند؛ بعضی صددرصد نیستند: نوددرصد، هشتاددرصد، کشور ما و نظام ما به این احتیاج دارد و این چیزی که مورد احتیاجش هست؛ خوشبختانه دارد. راز ایستادگی ما این است؛ راز امید ما به آینده هم همین است.[۷۷۰]

تکیه به جوانان مؤمن، به عنوان بدنه نظام

جوانان، چون پرچمدار، بدنه و عقبه ی نظام هستند، باید همیشه در صحنه باشند؛ تربیت شوند آموزش ببینند و مبارزه کنند. علمی و عملی دانش بیندوزند به تخصص های مختلف دست پیدا کنند تا کشورمان بی نیاز شود؛ مستقل بماند، وابسته نباشد؛ خود کفا شود. جوانان، آینده سازان این دیارند، امیدوار و پرتلاش باید به آن ها اعتماد کرد، اعتقاد داشت و هدایت کرد. جوان مؤمن و معتقد و مخلص هیچ چیزی نمی خواهد جز میدانی برای مجاهدت و مبارزه در راه خدا و سازندگی، جوانان را باید در صحنه نگه داشت؛ روحیه ی بسیجی شان باید حفظ شود. مسأله ی مهم در امر سازندگی و بازسازی کشور، سپردن کارها به دست جوانان است. اگر جوانان به سلاح علم و ایمان مجهز نشوند؛ نخواهند توانست بار سنگین اداره ی کشور را به دوش بگیرند.[۷۷۱]

تنوع عرصه‌های حضور بسیج

از جمله‌ی چیزهای مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد؛ تنوع عرصه‌های حضور بسیج است. این رویکردی که اخیراً برای بسیج اعلام شد – رویکرد علم، نوآوری علمی، کار فرهنگی – بسیار چیز مبارکی است.[۷۷۲]

اولین عرصه‌ای که بسیج را به خود جذب کرد؛ عرصه‌ی دفاع از استقلال کشور و از مرزهای کشور بود. بحث جان بود، بحث کنار گذاشتن همه‌ی لذت های زندگی بود. ... آن زمان هم بودند کسانی که حاضر نبودند از جانشان یا از مالشان یا از استراحت شان، هیچ مایه‌ای برای کشور و برای انقلاب و برای استقلال کشور بگذارند؛ لیکن یک جمع کثیری از مردم آمدند وسط میدان، همه چیزشان را آوردند وسط میدان (از جان، از مال، از آسایش، از آبرو) و استقلال و عزت کشور را حفظ کردند.[۷۷۳]
مطمئن باشید، اگر حضور بسیج مستضعفین در هشت سال دفاع مقدس نبود؛ امروز سرنوشت کشور چیز دیگری بود. دشمن مسلط می شد و این حرکت عمومی، این هیجان عمومی، این جوانی که خودش می‌آمد، همه‌ی خانواده‌ی خودش را هم در پشت جبهه در حال و هوای دفاع

۷۷۰–بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱
۷۷۱ – برگزیده بیانات مقام معظم رهبری، حدیث ولایت ج ۹، ص ۱۷۵.
۷۷۲– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴
۷۷۳– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴

از انقلاب و دفاع از کشور و دفاع از نظام قرار می داد، پدید نمی‌آمد؛ این خیلی حادثه‌ی عظیمی بود.[۷۷۴]

عرصه های حضور بسیج

حضور در صحنه های مورد نیاز اسلام و نظام

نقش بسیج، منحصر به معرکه‌ی جنگ و عرصه‌ی نبرد نیست؛ اگرچه که عرصه‌ی نبرد، یکی از مظاهر حضور مردمی و حضور بسیج است. بدون تردید، بهترین نیروهای ما، پاکیزه‌ترین نیت های جوانان ما، پاک ترین و پاکدامن‌ترین عناصر جوان ما در بسیج می توانند حضور پیدا کنند و متشکل شوند؛ واقعیت هم همین بوده است. در هرجائی که اسلام به آن نیازمند است و جمهوری اسلامی نسبت به آن احساس نیاز می کند؛ نیروی بسیج می تواند در آنجا حضور پیدا کند.[۷۷۵]

عرصه‌ی علم و تحصیل دانش

خوشبختانه در عرصه‌ی علم و تحصیل دانش، جوانان بسیجی، می‌بینیم و می شنویم که رتبه‌های بسیار خوب و برجستگی‌هائی را کسب کردند و از خودشان نشان دادند. هر جائی که جای حضور – حضور مردمی و حضور نیروی انسانی فعال و پرانگیزه – است؛ آنجا، جای بسیج است.[۷۷۶]

حاضر و با گذشت و آماده برای هر میدان

بسیجی، آرمان‌گرا و بااخلاص و باگذشت و در هر میدانی تن به کار بده است. یک روز میدان جنگ است، به آن کار تن می‌دهد؛ یک روز هم میدان سیاست و میدان علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری است؛ بسیجی هر جا وارد بشود؛ این گونه عمل می‌کند. خیلی از این پیشرفت‌هایی که امروز فلان نشریه نظامی بین‌المللی وابسته به امریکایی‌ها، با نگرانی از آن یاد می‌کند و می‌گوید؛ ایران به فلان سلاح دست یافته یا دارد دست پیدا می‌کند؛ توسط همین بسیجی‌ها حاصل شده است. این ها تصور نمی‌کردند ایران بتواند جز نام این وسایل را بشنود و اگر سلاح حاضر و آماده‌ای را هم یک وقت با پول گزاف به ایران می‌فروختند؛ حاضر نبودند طرز اتصال و یا تعویض قطعات را به ما یاد بدهند. در حال حاضر همین آدم‌ها می‌بینند که ایران، بدون نقشه و بدون راهنمایی خارجی، به این سلاح‌های پیشرفته دست پیدا کرده است. خیلی از این ها را همین بسیجی‌ها ساخته اند.[۷۷۷]

۷۷۴– همان

۷۷۵– بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۴

۷۷۶–همان

۷۷۷ – بیانات در دیدار با فرماندهان و بسیجیان نمونه، آذر ۱۳۷۹

حضور در میدان های ارزش های دینی و انقلابی

آنجایی که مساله ارزش‌ها مطرح است؛ آنجایی که مساله اساس انقلاب مطرح است؛ آنجایی که مساله حاکمیت دین خدا مطرح است؛ آنجایی که دشمن می‌خواهد از فرصت‌های به خیال خود به دست آمده‌اش، علیه این انقلاب عظیم و شکوهمند، بهره‌برداری کند؛ آنجا جای حضور بسیج است.[۷۷۸]

بسیج، یعنی حضور در صحنه، بسیج یعنی حضور بهترین و بانشاط‌ترین و با ایمان‌ترین نیروهای عظیم ملت در میدان‌هایی که برای منافع ملی، برای اهداف بالا، کشورشان به آن‌ها نیاز دارد؛ همیشه بهترین و خالص ترین و شرافتمندترین و پرافتخارترین انسان‌ها این خصوصیات را دارند. بسیج در یک کشور، معنایش آن زمره‌ای است که حاضرند، این پرچم افتخار را بر دوش بکشند و برایش سرمایه‌گذاری کنند.[۷۷۹]

بسیج، یعنی حضور در میدان‌هایی که نظام اسلامی، وظیفه انسانی و الهی و نیازهای کشور، حضور او را در آن میدان‌ها لازم می‌داند و او را به آنها فرامی‌خواند. بسیجی، هر یک از آحاد ملت است که در هر جایی که به حضور او نیاز هست؛ آماده باشد.[۷۸۰]

حضور بسیجی از برکات انقلاب و نشانه نَفَس حق امام بزرگوار

درباره بسیج، همین قدر باید عرض کنم که این حرکت و این جنبش حضور بسیجی در کشور، یکی از برکات بسیار بزرگ انقلاب و نشانه نَفَس حق امام بزرگوار ما بود. بسیج یعنی حرکت در صفوف مقدم هر جبهه‌ای که نظام، به حضور عناصر کارامد در آن جبهه نیاز دارد؛ یعنی کسانی بروند ببینند نظام درچه جبهه‌هایی احتیاج دارد که انسان‌های کارامد در آن حضور پیدا کنند و در خطوط مقدم آن ایستادگی نمایند؛ آن هم رفتنی بدون مزد و منت، بدون مأموریت دولتی و بدون تکلیف، رفتنی از روی عشق، از روی ایمان، از روی معرفت و آگاهی و رفتنی با قبول همه خطرات و در هر جبهه‌ای، کسی به صف مقدم می‌رود که خطرات آن را قبول کند. آن کسانی که حاضر نیستند خطرات را قبول کنند؛ در خاکریز بعدی احتیاطاً متوقف می‌شوند؛ تا ببینند چه پیش می‌آید. شما این مفهوم را مجرد از همه انگیزه‌های سیاسی و جهت‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌هایی

۷۷۸ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶
۷۷۹ – بیانات در مورخه ۱۳۷۹/۷/۲۹
۷۸۰ – بیانات در دیدار با بسیجیان استان اصفهان، آبان ۱۳۸۰

که احیاناً به انگیزه‌های ناسالمی متکی است در نظر بگیرید. ببینید عقل و انصاف، این انسان را ستایش می‌کند یا نه؟ یعنی ما جامعه‌ای داشته باشیم و کسانی در میان افراد این جامعه به دنبال این باشند که ببینند، کجای این کشور و این مجموعه به وجود آدم‌های کارامد احتیاج دارد؛ بعد بروند داوطلبانه، بدون پول، بدون مزد، بدون مأموریت ویژه و حتی در خیلی جاها بدون نام در صفوف این جبهه قرار بگیرند و تا پای جان و قبول خطر هم بایستند. آیا هر انسان منصفی این را ستایش می‌کند یا نه؟ این معنای بسیج است.[۷۸۱]

گستره‌ی حضور بسیج

یک خصوصیّت بسیج، گستره‌ی حضور است که این را باید حفظ کرد؛ در عرصه‌ی نظامی، در عرصه‌ی علمی، در عرصه‌ی هنری –خب شهید آوینی یک بسیجی است؛ فرض بفرمایید فلان هنرمند متعهّدِ علاقه‌مند، چه در عالم هنرهای تجسّمی، چه در شعر، چه در ادبیات و امثال این‌ها، این‌یکَ بسیجَی است– چه در فنّاوری، چه اخیراً در مسائل اقتصادی که بنده هم به دولتی‌ها سفارش کردم و گفتم بسیج داوطلب است که در اقتصاد مقاومتی حضور پیدا کند و نقش‌آفرینی کند... خب، پس گستره‌ی حضور هم –در همه‌ی عرصه‌هایی که ذکر کردیم و ذکر نکردیم که قابل حضور بسیجیان است– یکی از خصوصیّات است.[۷۸۲]

حضور در میدان چالش های حیاتی و اساسی

بسیج، یعنی به صحنه آمدن و به میدان آمدن؛ چه میدانی؟ میدان چالش های حیاتی و اساسی، میدان ها و چالش های اساسی زندگی چیست؟ فقط آن وقتی است که به کشوری حمله شود و مردم آن کشور به صحنه بیایند تا از مرزهای خودشان دفاع کنند؟ البته که نه؛ این فقط یکی از موارد به میدان آمدن است. آن وقتی هم که هویت ملی و سیاسی یک ملت مورد مناقشه قرار می گیرد؛ جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که به فرهنگ و اعتقادات و باورهای ریشه دار یک ملت اهانت می شود و آن را تحقیر می کنند؛ جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که نسل برگزیده ی یک ملت احساس می کنند از قافله ی دانش عقب مانده اند و باید علاجی بکنند؛ جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که احساس بشود پایه های یک زندگی مطلوب و عادلانه در کشور احتیاج به تلاش دارد تا ترمیم و یا استوار شود؛ جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که جبهه های فکری و فرهنگی دنیا برای تسخیر ملت ها با ابزارهای فوق مدرن می آیند تا ملتی را از سابقه و فرهنگ و ریشه ی خود جدا کنند و به راحتی آن را زیر دامن خودشان بگیرند؛ جای به میدان آمدن است. همه ی این ها انسان هایی را می طلبد که نیاز را

۷۸۱ – بیانات در دیدار با فرماندهان و بسیجیان نمونه، آذر ۱۳۷۹
۷۸۲ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴

احساس کنند؛ آدم های گیج و غافل و سرگرم نیازهای حقیر اصلاً این نیازها را احساس نمی کنند. آن روزی هم که مرزهای ما به وسیله ی هزاران چکمه پوش نظامی تهدید می شد؛ در کشور ما کسانی بودند که اگر به آن ها گفته می شد، خاک و وطن و ملت و حیثیت و غیرت ما را دارند لگدکوب می کنند؛ تو هم بیا کاری بکن، می گفت برو بابا، دلت خوش است! حواس اش به این نیاز نبود و حس نمی کرد که چنین نیازی وجود دارد. پس اول، احساس نیاز است.[۷۸۳]

خصوصیات حضور بسیجی

اولاً این مجموعه‌ی عمومی مردمی از اول دارای سازماندهی بود؛ این یک خصوصیت منحصربه‌فرد است. این سازمآندهی کمک کرد به این که، این حرکت عظیم مردمی راه خودش را گم نکند. وقتی سازماندهی بود، یعنی هدایت در آن هست، بصیرت در آن هست، تمرکز در تصمیم‌گیری هست، اراده‌ی مردم هست؛ اما از تندروی، از زیاده‌روی، از کج روی، از خطاهای فاحش، جلوگیری می کند. مهمتر از این، خصوصیت ایمان و برخاستن از احساس تکلیف شرعی بود.[۷۸۴]

نورانیت حضور بسیجی

خود حضور بسیجی در عرصه‌ی نبرد، به او یک نورانیتی می بخشد. معروف بود در دوران دفاع مقدس می گفتند فلانی نور بالا می زند، روشن است؛ یعنی به زودی شهید خواهد شد. این نورانیتِ حضور بسیجی بود؛ این را من خودم مشاهده کردم؛ نه یک بار و دو بار.[۷۸۵]

بسیج، به معنی حضور و آمادگی

همه‌ی جوانان، همه‌ی انسان ها و همه‌ی مردان و زنانی که در این کشور، دلشان با نور ایمان، منور است؛ در قبال مسؤولیت عظیمی که بر دوش ملت ایران نهاده شده است؛ احساس وظیفه می‌کنند. این پرچم پرافتخاری که دست ملت ایران سپرده شده است؛ یعنی پرچم سربلندی اسلام، پرچم عزت اسلام، پرچم نام‌آوری و شکست ناپذیری اسلام، این ها امروز دست ملت ایران است. همه‌ی کسانی که نسبت به این وظیفه‌ی بزرگ، احساس مسؤولیت می‌کنند؛ در حقیقت بسیجی هستند. هرجا وظیفه‌ای باشد، انسان بسیجی در میدان آن وظیفه، حاضر است. ... بسیجیان، این امتیاز را دارند که در میدان این خدمت آماده‌اند. بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه‌ای است که اسلام و قرآن و امام زمان ارواحنافداه و این انقلاب مقدس به آن نیازمند است؛ لذا پیوند میان بسیجیان عزیز و حضرت ولی عصر ارواحنافداه – مهدی موعود عزیز – یک پیوند ناگسستنی و همیشگی است.[۷۸۶]

۷۸۳– بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۳/۵

۷۸۴– بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۴

۷۸۵–همان

۷۸۶ – بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور همزمان با هفته بسیج و روز ولادت حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۸/۹/۳

حضور اساتید، بعنوان فرمانده در وسط میدان مبارزه

اساتید ما با رفتار خودشان، با اظهارات خودشان، با منش خودشان، با اظهار عقیده‌هایی که در زمینه‌های مختلف می کنند؛ می توانند این تأثیرات را در دانشجوی خود، در جوان امروز القا کنند و به‌وجود بیاورند و خلق کنند. این که ما گفتیم، اساتید فرماندهان جنگ نرمند، این به این معنا است. اگر آن جوان افسر جوان جنگ نرم است؛ استاد، فرمانده او است و این فرماندهی به این صورت است. در جنگ های سخت هم همینجور بود: هر وقت خود فرمانده –فرمانده گردان، فرمانده گروهان، فرمانده تیپ– در وسط میدان در نقطه‌ی حساس حضور داشت؛ یعنی خود او اگرچنانچه می جنگید؛ تأثیر فوق‌العاده‌ای در سربازان هم داشت؛ مخصوص ما هم نیست؛ دیگران هم همینجور هستند. ناپلئون، پهلوی سربازهای خودش با لباس روی خاک می خوابید. راز پیشرفت های جنگی ناپلئون در دوران خودش که یک چیز فوق‌العاده‌ای است، این است: سربازها از او فقط به زبان دستور نمی گرفتند؛ در عمل دستور می گرفتند. جوان های ما هم در دوران دفاع هشت‌ساله همینجور عمل کردند؛ فرمانده لشکر، گاهی اوقات جلوتر از عناصر عادی در میدان جنگ حضور داشت؛ در خطوط مقدم حضور داشت و حتی گاهی به شناسایی می رفت؛ خود فرمانده لشکر می رفت شناسایی! که این در ارتش های دنیا یک چیز بی‌معنی و غیر قابل قبولی است؛ اما این اتفاق افتاد و همین بود که پیشرفت ها و شگفتی‌های عظیم دوره‌ی دفاع مقدس را به‌وجود آورد. در جنگ نرم هم همینجور است؛ استاد خودش باید وسط میدان این مبارزه‌ی عمیق، حیاتی و مقدس –یعنی همین چیزی که اسمش را می گذاریم «جنگ نرم» که این هم یک دفاع مقدسی است– حضور داشته باشد.[۷۸۷]

آثار حضور بسیج

پیشرفت های کشور، نتیجه حضور بسیج

هر جا حضور بسیج و حرکت بسیجی در هر میدانی احساس شده است، ما پیشرفت داشته‌ایم؛ این یک تجربه‌ی مهمی است. کشور در آینده مسائل مهمتری در پیش دارد؛ کارهای بزرگتری هست. ما که نمی خواهیم به عنوان یک ملت، دور خودمان حصار بکشیم؛ که اگر این کار را هم بکنیم، رشد متوقف نخواهد ماند؛ اما نگاه ما، نگاه وسیع است؛ در طول تاریخ و در عرض جهان، این نگاه، گسترده است. ملتی با یک چنین آرمان هائی، با یک چنین همت بلندی، با یک چنین افق دوری، خیلی مسائل در پیش دارد. این مسائل احتیاج دارد به خصوصیاتی که در مجموعه‌ی بسیج هست.[۷۸۸]

حضور بسیجی، موجب پیروزی انقلاب

راجع به بسیج هرچه گفته شود، مداقه شود، بر روی خصوصیات تکیه شود و تعمق شود؛ زیادی نیست. اولاً بسیج همزاد انقلاب است. شاید به یک معنا بشود گفت که حضور بسیجی مردم،

۷۸۷ – بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۴/۴/۱۳
۷۸۸– بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۴

خود موجب پیروزی انقلاب شد؛ یا موجب پدید آمدن انقلاب شد.[۷۸۹]

حضور در صحنه، موجب مرعوب شدن دشمن

ملت بزرگ ایران، مخصوصاً جوانان عزیز باید در کمال هوشیاری، مراقب حرکات دشمن باشند و به طور کامل با مأموران، همکاری کنند و عرصه را بر عناصر مزدور و خودفروخته‌ی دشمن، تنگ نمایند و به خصوص فرزندان بسیجی‌ام باید آمادگی های لازم را در خود حفظ کنند و با حضور خود در هر صحنه‌ای که حضور آنان در آن لازم است؛ دشمنان زبون را مرعوب و منکوب سازند.[۷۹۰]

روحیه‌ی بسیجی، عامل شکست توطئه دشمن

خیلی کارها هست که باید انجام بگیرد، که جز با روحیه‌ی بسیجی و با همین ایمان جوشان امکان‌پذیر نیست. مطمئن باشید تا بسیج در این کشور هست؛ تا این روحیه‌ی صدق و صفا و خدمت بی‌مزد و منت در میان مردم ما – به خصوص جوانان ما – وجود دارد؛ دشمن هیچگونه لطمه‌ای به این انقلاب و به این نظام و به این کشور نخواهد توانست وارد کند.[۷۹۱]

حضور، رمز اقتدار کشور

اتاق فرماندهی این طرف این جبهه، ایران است: ایران حزب‌اللهیِ پُر از عزم و همت، اما با دست خالی – از لحاظ عُده‌ی ظاهری و پشتیبانی های ظاهری، یعنی پول و سلاح و این ها – خالی است؛ اما در عین حال دنیا وقتی نگاه می کند؛ این دو کفه را برابر و در یک جاهائی کفه‌ی همین نیروی حزب‌اللهی را سنگین تر می بیند. چرا سنگین تر می بیند؟ مگر ما چه داریم؟ همان احساس حضور! حضور! ما ملتی داریم که با انقلاب اُخت است؛ گره‌خورده است؛ جوشیده است.[۷۹۲]

روحیه‌ی انقلابی و دینی، رمز خطر پذیری

در بین این ملت که سطوح گوناگون و مختلفی دارند، روحیه‌ی جمع کثیری این است که هرجا و هر زمان و هرطور که لازم باشد؛ سینه‌شان را سپر می کنند و به وسط میدان می آیند؛ این نقطه‌ی قوت ماست. این چگونه حاصل شده است؟ با موتور ایمان، با روحیه‌ی انقلاب، با انگیزه‌ی دین، این حقیقتی که دنیاداران او را نفهمیدند! نفهمیدند که قدرت دین چه استحکامی به یک ملت و به یک نظام می دهد. جمهوری اسلامی به طور طبیعی در این راه و در این کیفیت قرار داشت و قرار گرفت؛ یعنی ایمان، حالا شما – بسیج دانشجویی – در این خیمه‌ی فرماندهی

۷۸۹– بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۴
۷۹۰ – پیام به ملت شریف ایران درباره فتنه سال ۷۸، ۱۳۷۸/۴/۲۲
۷۹۱– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴
۷۹۲ – بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها ۱۳۸۶/۲/۳۱

در کجا قرار دارید؟ خودتان معین کنید و فکرش را بکنید؛ البته با این محاسبه، دانشجوجماعت – به خصوص آن وقتی که انگیزه‌ی بسیجی و روح بسیجی بر او حاکم است – آن عنصر بی همتاست؛ بی همتاست؛ یعنی برای پیشبرد این حرکت عظیم، دیگر نمی توان روی او قیمت گذاشت.[۷۹۳]

پا به رکاب بودن

خصوصیت دیگر (بسیج)، پا به رکاب بودن است. ... بسیج در صحنه است، در عرصه است، پا به رکاب است. آن نسلی که آن روز وارد بسیج بودند؛ امروز افراد میانسال و مسنی شده‌اند، محاسنهاشان سفید شده؛ نوه دارند، عروس دارند، داماد دارند؛ اما بسیجی‌اند. آن ها پیر شدند؛ اما آیا چهره‌ی بسیج پیر شد؟ ابدا، چهره‌ی بسیج، چهره‌ی جوانی است. این معنایش چیست؟ این معنایش این است که نسل های نوظهور و پی‌درپی، این حضور مردمی را از دست نداده‌اند؛ فراموش نکرده‌اند.[۷۹۴]

آماده در پای انجام تکلیف

عزیزان من! آنچه مهم است؛ این است که همه آحاد ملت، به خصوص جوانان، به خصوص اعضای بسیج (بسیج دانش آموزی، دانشجویی، کارگری، صنفی و عشایری، یگان های گوناگون بسیج) و کسانی که جزء سازمان بسیج نیستند و در واقع جزء بسیج اند، همه و همه در پای انجام تکلیف، حاضر و آماده باشند؛ خودشان را برای دفاع از اسلام و انقلاب آماده کنند.[۷۹۵]

حفظ روحیه‌ی حضور در انتخابات

حضور در انتخابات، آگاهی است؛ بصیرت است. حضور در پای صندوق رأی، یک کاری از سر بیکاری نیست؛ یک عمل است؛ یک عمل صالح است. ...خود این که یک مردمی، یک مجموعه‌ای در یک شهر، در یک استان و در کل کشور نسبت به آینده احساس وظیفه کند، نسبت به مدیریت کشور احساس وظیفه کند و بخواهد در آن دخالت کند و ورود در صحنه پیدا کند، چیز ارزشمندی است؛ این ضد آن غفلتی است که دشمن می خواهد بر ما تحمیل کند. این روحیه را باید حفظ کرد؛ روحیه‌ی حضور را، روحیه‌ی شرکت را، روحیه‌ی همکاری و تعاون را، به مناسبت مسائل اقتصاد، روحیه‌ی مصرف داخلی را، که این هم یکی از مقولات مهمی است که در اینجا وارد آن مقوله نمی شوم.[۷۹۶]

(شاخص بسیج)، عمل به هنگام و به اندازه است؛ لحظه‌ها را باید شناخت. اگر چنانچه انسان وقت‌شناس نباشد، نداند کدام کار را در کجا باید انجام داد؛ ممکن است خطاهای بزرگی از انسان سر بزند. خوب، جوانان بسیجی ما – از پسرها و دخترها – در بخش های مختلف مشغول تلاش

۷۹۳ – همان
۷۹۴– بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۴
۷۹۵ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
۷۹۶– بیانات در اجتماع مردم اسفراین ۱۳۹۱/۷/۲۲

هستند؛ تلاش فکری، تلاش علمی، تلاش سیاسی، تلاش اِجتماعی، همه‌ی این ها وقتی برای خدا و برای انجام وظیفه باشد؛ مجاهدت و جهاد فی‌سبیل‌الله است. بسیجی آن کسی است که این کارها را انجام می دهد. در همه‌ی این ها باید آن خط روشن و صحیح را در نظر گرفت؛ یعنی خط انقلاب، خط حفظ نظام، خط احیای دین... باید در درون خودمان با خودمان مجاهدت کنیم؛ یعنی جهاد اکبر، جهاد با نفس، تلاشی است که امروز همه‌ی ما به آن احتیاج داریم.[۷۹۷]

توانمندی و کارآمدی

کارامدی بسیج، در همه میدان ها

بسیج یک نیروی کارامد برای همه ی میدانهاست و همچنان که در میدان جنگ کارامدی خود را ثابت کرد؛ بسیج قادر است کارامدی خود را در میدان های دیگری ثابت کند. بسیجی، همان جوان دلباخته و عاشقی است که در دانشگاه، آزمایشگاه علمی و در میدان تحلیل سیاسی نیز کارایی خود را نشان داده است؛ بنا بر این بسیج مردمی، نیروی عظیمی است که منطقه جغرافیایی ندارد و متعلق به همه اقشار جامعه است.[۷۹۸]

بسیج، یعنی نیروی کارآمد

بعضی کسان خیال می کنند که «بسیج» یک سازمان نظامی، مثل سازمان های نظامی دیگر – یعنی ارتش و سپاه – است. این خطاست. بسیج، یعنی نیروی کارآمد کشور برای همه میدان ها، میدان جنگ مطرح بود؛ بسیجْ کارآمدی خود را ثابت کرد. میدانَ های دیگر هم که پیش بیاید (و تا به حال خیلی از آنها پیش آمده است) باز بسیجْ کارآمدی خود را اثبات می کند. همان جوانِ دلباخته و عاشقی که در میدان جنگ، چشم به دهان فرمانده داشت و فرمانده اش را از شَدت اخلاص و فداکاری و شیفتگی خود متحیر می کرد؛ همان جوان وارد دانشگاه هم که می شود، استاد خود را متحیر می کند؛ وارد آزمایشگاه علمی هم که می شود، همین طور است؛ در میدان تحلیل سیاسی هم که وارد می شود؛ همین گونه است.[۷۹۹]
امروز بسیج عناصر مؤمن و فداکار، علاوه بر دفاع مسلحانه از کشور و انقلاب، باید سازندگی کشور را نیز هدف دیگر خود قرار دهد. امروز، روزی است که همه‌ی نیروها باید، همه‌ی سرمایه‌های علمی، فکری، تخصصی، تجربی، مادی و معنوی خود را همچون بسیجیان میدان جنگ، پشت سر دولت به میدان سازندگی وارد کنند. دولت به شکل بسیجی عمل کرده و نیروهای کارآمد بسیجی را به حضور در میدان سازندگی تشویق کند و با برنامه‌ریزی جامع، جایگاه هر قشر و هر فردی را در جهاد بازسازی کشور معین کند و آحاد مردم نیز با ترجیح مصلحت سازندگی بر مصالح شخصی، فداکارانه در این میدان مجاهدت کنند.[۸۰۰]

۷۹۷ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
۷۹۸– همان
۷۹۹ – همان
۸۰۰– پیام به گردهمائی فرماندهان ارتش بیست‌میلیونی ۱۳۶۸/۹/۲

توانمندی در همه میدان ها

یک مجموعه ی بسیجی علاوه ی بر همه ی این ها، باید توان هم داشته باشد. درست است که بسیج ما در دوران جنگ و بعد از جنگ، پیرمردهای هفتاد ساله هم داشت؛ اما توان، نشاط و قدرتِ نوردیدن این راه های دشوار، غالباً مخصوص جوانان است. بنابراین مجموعه ی بسیجی، یک مجموعه ی جوان و یک چهره ی جوانی است. این میدان ها، میدان فکر و دانایی و تولید علم است؛ میدان چالش های گوناگون برای جبران عقب ماندگی علمی است. یک نفر می آید فکر و شبهه و پیشنهاد فکری ای را در میان می گذارد؛ اگر بخواهیم درست انتخاب کنیم؛ باید بتوانیم آن را بشناسیم، بفهمیم، تجزیه و تحلیل کنیم و نقاط و بخش های غلط آن را کنار بزنیم و اگر بخش درستی دارد؛ آن را بگیریم و با بخش های درستِ خودمان در هم بیامیزیم و مخلوق خودمان را ارائه دهیم. اگر هم عنصر درستی ندارد؛ همه اش را توی زباله دانی بریزیم.[۸۰۱]

حفظ ایمان و روحیه‌ی سلحشوری

شما ملت عزیز، شما ملتی که دلهایتان با ایمان روشن شد و به برکت ایمان قوت قلب پیدا کردید و در مقابل دشمن ایستادید و حرف خودتان را پیش بردید؛ باید قدر این ایمان و این روحیه‌ی سلحشوری و قدر سلحشوران میدان نبرد را بدانید و این ارزش ها را زنده نگهدارید. ملت ما در مقابل چنین ظالم هایی سر خم نخواهد کرد.[۸۰۲]

آمادگی کامل و همه جانبه

دفاع از نظام، اولین، مقدس ترین و واجب ترین فرایض

حفظ موجودیت انقلاب، کار اول ماست که در استمرار نظام جمهوری اسلامی تجسم یافته است. به همین خاطر، امام(ره) مکرر می‌فرمودند: حفظ نظام اسلامی، واجب ترین فریضه است. انقلاب، از نظام جمهوری اسلامی جدا نیست. نباید کسی خیال کند که این دو از هم جدا هستند. تجسم انقلاب، نظام جمهوری اسلامی است. ...انقلاب ما که به پیروزی رسید؛ نظام جمهوری اسلامی متولد شد. پس، دفاع از این نظام، اولین و مقدس ترین و واجب ترین فرایض ملت ایران است و بسیجی کسی است که سینه‌اش را سپر می‌کند و با هر وسیله‌یی که در اختیارش باشد؛ دفاع از انقلاب را به عهده می‌گیرد؛ چون درحقیقت از اسلام و قرآن دفاع کرده است.[۸۰۳]

دفاع از جامعه‌ی انقلابی، همیشه یک واجب اهم و ضروری

ما می گوییم که دفاع از جامعه‌ی انقلابی، همیشه یک واجب اهم و ضروری است؛ چون تهدید علیه جامعه‌ی انقلابی، موضوعی تقریباً دایمی است؛ نمی گوییم جنگ دایمی است. تهدید وجود دارد؛ اما بسته به این است که ملت ما چگونه در مقابل تهدید، خود را نشان بدهد و آمادگی خود

۸۰۱- بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۳/۵
۸۰۲- بیانات در جمع رزمندگان، بسیجیان و گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان در هفته‌ی دفاع مقدس ۱۳۷۰/۷/۳
۸۰۳- بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۱۳۶۸/۴/۶

را در چه حدی حفظ کند. اگر ملت انقلابی، همیشه آمادگی خود را حفظ کرد؛ یعنی جوان ها عضویت در بسیج و کار در میدان تمرین و آموزش را همیشه برای خودشان نگه داشتند و اگر مردم، روحیه‌ی دفاع را برای خودشان حفظ کردند و اگر چهره و قیافه‌ی جامعه طوری بود که هرکس به آن نگاه کرد؛ احساس کند ملت آماده و مستعد دفاع از کشور است؛ در این‌صورت تهدیدها عملی نخواهد شد و نیت دشمن به تحقق نخواهد پیوست.[۸۰۴]

ضرورت آمادگی معنوی و فکری

به همان نسبتی که آن ها (دشمنان) روش ها را پیچیده تر می کنند؛ ملت ایران هم بایستی هوشیاریش را بیشتر کند. جوانان بایستی آمادگی شان را بیشتر کنند؛ نه آمادگی جنگی، چون امروز بحث جنگ نظامی نیست. البته آمادگی رزمی هم برای روز مبادا ضروری است؛ اما آن چیزی که برای همه لازم است؛ آمادگی معنوی: یعنی آمادگی فکری، آمادگی روحی، آمادگی سیاسی و حفظ وحدت، اتصال و ارتباط نیروها با یکدیگر، ارتباط مستحکم و دوستانه ملت و دولت و شناختن چهره دشمن در هر لباسی است. دشمن با شکل های مختلفی خود را به مقابله با انقلاب می کشاند. همیشه با لباس نظامی وابسته به فلان دولتِ بیگانه، جلو نمی آید.[۸۰۵]

ضرورت ایفای نقش تاریخی نسل جوانِ، در همه ی امتحان های دشوار

عزیزان من! این کشور مال شماست. نوبتِ شماست؛ باید خودتان را از لحاظ علمی و اخلاقی و از لحاظ روحیه، همیشه در حال آماده نگه دارید. بدانید که برای سربلندی یک کشور، باید نسل ها پی درپی مجاهدت و تلاش کنند. یک نسل تلاش کرد این انقلاب را به وجود آورد. جمعیت عظیم دیگری تلاش کردند این کشور را از فشارهایی که بر اثر این انقلاب بر این ملت وارد می شد؛ در جنگ، در محاصره اقتصادی و در بقیه چیزها حفظ کردند. امروز هم دوران دیگری است و من به نسل جوانِ امروز کشورمان اعتماد دارم. من با همه وجود معتقدم که نسل جوانِ امروز خواهد توانست نقشِ تاریخی خود را در همه امتحان های دشوار ایفا کند.[۸۰۶]

آمادگی و هوشیاری دائمی

نام بسیج، نام مقدسی است. بسیج عمومی یک ملت، یعنی آمادگی و هوشیاری دائمی یک ملت، به خصوص جوان هائی که در راه تحصیل علم اند؛ دانش‌آموزی و دانشجوئی، مسئولان کشور هم همینجور، همه باید به این معنا، بسیجی باشند. این که شد؛ ملت می شود آسیب ناپذیر، روزبه‌روز ملت رشد پیدا می کند و این در کشور ما اتفاق افتاده است؛ لذا روزبه‌روز کشور ما رشد کرده است.[۸۰۷]

۸۰۴- بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۷/۵
۸۰۵- بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
۸۰۶ -بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۱/۱۱/۲۸
۸۰۷-. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹

بسیجیان سلحشور و هسته‌های مقاومت نیز باید همواره آماده و هوشیار باشند؛ تا در صورت لزوم، به وظیفه‌ی دفاع مقدس قیام کنند.[۸۰۸]

آمادگی و حضور دایمی انتظار امام از بسیج

انتظاری که امام از بسیج داشت، آمادگی و حضور دایمی بود؛ زیرا بسیج، پشتوانه‌ی اصلی انقلاب است. ... آن چیزی که انقلاب ما ـ با داعیه‌های بزرگش ـ به او تکیه می‌کند؛ نیروی بسیج« است. اگر ما نیروهای بسیج و مردمی را از آن دو نیرو جدا کنیم؛ ارتش و سپاه، نخواهند توانست انقلاب را در ابعاد جهانیش پشتیبانی کنند. محور دفاع از انقلاب، همین آحاد عظیم میلیونی بسیج هستند. بسیج در زندگی معمولی، جزیی از توده‌های میلیونی مردم است؛ اما باید سازماندهی و آموزش و بازآموزی داشته باشد. نباید به آموزشی که طی چند ماه داده می‌شود، اکتفا کرد؛ بلکه بایستی آن را تکرار نمود.[۸۰۹]

آمادگی برای دفاع از انقلاب

ما آمادگی برای دفاع از انقلاب را همیشه لازم می‌دانیم. نباید روزی بر ما بگذرد که اهمیت آمادگی عمومی، مغفول‌عنه واقع شود؛ ... لذا مجموعه‌ی بسیج (خصوصا جوان ها در همه‌ی اقشار مردم)، باید با قوت و قدرت و آمادگی و نشاط و احساس ضرورت، کار و راه خودش را ادامه دهد و مثل گذشته وظیفه‌ی دفاع از انقلاب را به عهده گیرد.[۸۱۰]

حفظ آمادگی صددرصد

ما قصد جنگ نداریم و از جنگ استقبال نمی‌کنیم؛ اما واجب و لازم می‌دانیم که وقتی جهالت ها و وسوسه‌ها تهدید کننده‌اند؛ آمادگی خود را به صورت صددرصد و کامل حفظ کنیم و این، به ما تکلیف می‌کند که نیروهای مسلح ـ ارتش و سپاه و مخصوصا سازماندهی عظیم بسیج ـ را هیچ‌وقت به فراموشی نسپریم.[۸۱۱]

آماده مقابله با هر گونه اقدام خشن دشمن

جوانان عزیز من، بسیجیان عزیز، جوانان مؤمن، دل های نورانی ای که آیات خدا را شنیدید؛ پذیرفتید، فهمیدید و به کار بستید! آینده متعلق به شماست. میدان در مقابل شما باز است؛ پس خودتان را در همه جبهه ها و عرصه های گوناگون آماده کنید. البته همه بدانند که این راه، راهی است که اگر یک ملت مثل شما، آن را با موفقیت به پیماید و به فضل پروردگار به نتایج آن برسد؛ ملت های دیگر از آن درس می گیرند و راه را پیدا می کنند. این، همان چیزی است

۸۰۸- پیام به گردهمائی فرماندهان ارتش بیست‌میلیونی ۱۳۶۸/۹/۲
۸۰۹- بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۱۳۶۸/۴/۶
۸۱۰- همان
۸۱۱- بیانات در تاریخ ۱۳۶۸/۸/۲۹

که استکبار را وادار می کند که با همه وجود بخواهد علیه ملت ایران وارد اقدام های خشن و خصمانه شود. باید برای مقابله با دشمنی که در مقابل ملت ایران (اگر بتواند)، مهیای هر گونه اقدام خشنی است؛ آماده بود.[۸۱۲]

حفظ آمادگی ها توسط فرزندان بسیجی‌ام

ملت بزرگ ایران مخصوصاً جوانان عزیز باید در کمال هوشیاری، مراقب حرکات دشمن باشند و به طور کامل با مأموران، همکاری کنند و عرصه را بر عناصر مزدور و خودفروخته‌ی دشمن، تنگ نمایند و به خصوص فرزندان بسیجی‌ام، باید آمادگی های لازم را در خود حفظ کنند و با حضور خود در هر صحنه‌ای که حضور آنان در آن لازم است؛ دشمنان زبون را مرعوب و منکوب سازند.[۸۱۳]

آمادگی و به روز بودن در همه عرصه ها

باید خودتان را آماده نگه دارید؛ خودتان را به‌روز نگه دارید، بصیرتتان را به‌روز نگه دارید، اخلاصتان را به‌روز نگه دارید؛ به‌روز، بسیجی باشید و بسیجی بمانید؛ این رمز موفقیت ملت ایران و جامعه‌ی عظیم ایرانی است. انشاءالله شما جوان ها، آن روزی را شاهد خواهید بود که به قله‌های افتخار دست پیدا کردید و همچنان که قرآن وعده کرده است: «لتکونوا شهداء علی النّاس» شهیدان و گواهان مردم دنیا شدید و در قله‌ها باشید که ملت ها به شما نگاه کنند و به سمت این قله‌ها حرکت کنند.[۸۱۴]

بسیج، یکی از ارکان آمادگی

وقتی یک نظامی، یک کشوری، یک ملتی با این آرمان های والا و به ظاهر دست نیافتنی – مقابله‌ی با ظلم جهانی، مقابله‌ی با سلطه‌ی بین‌المللیِ قدرت ها، مقابله‌ی با نظام سلطه، مقابله‌ی با استضعاف و استکبار، هر دو – سر کار می‌آید؛ طبعاً دشمنان گردن‌کلفتی دارد، دشمنان بزرگی دارد؛ قدرت های بزرگی به میدان او می‌آیند برای مقابله‌ی با او، لذا باید آمادگی‌های لازم را در خود به وجود بیاورد. یکی از ارکان این آمادگی‌ها، همین مساله‌ی بسیج بود.[۸۱۵]

توانائی جسمانی، برای مردان اهل معنا

از جوان هائی که میل به ورزش دارند، آمادگی ورزش دارند؛ بجد می خواهیم که این احساس توانائی را در خودشان جدی کنند. مجموعه‌ی نسل حاضر ما در کنار پیشرفت های معنوی، پیشرفت های فکری و چیزهائی که انقلاب به ما هدیه داده است؛ آمادگی‌های جسمانی خودشان را تأمین کنند. سلامت جسمی و توانائی جسمانی، برای مردانی که اهل معنا، اهل معنویت، اهل

۸۱۲– بیانات در اجتماع نیروهای شرکت‌کننده در مانور عظیم طریق‌القدس ۱۳۷۶/۲/۳
۸۱۳ – پیام به ملت شریف ایران درباره فتنه سال ۷۸، ۱۳۷۸/۴/۲۲
۸۱۴– بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴
۸۱۵– بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲

فکر و اهل اهداف والا هستند؛ چیز لازمی است و بسیار مفید و کمک کار آنهاست.[۸۱۶]

شکست ناپذیری، نتیجه آمادگی همگانی

امام با این مضمون فرمودند که، وقتی بیست میلیون انسانِ آماده‌ی مبارزه‌ی با سلاح در یک جامعه‌ای باشد، هیچ قدرتی در دنیا طمع نمی ورزد؛ می فهمَد هزینه‌ی تهاجم به این مجموعه، هزینه‌ی زیادی است. ... ملتی که همه آماده‌ی مبارزه‌اند؛ این ملت دیگر شکست نخواهد خورد. هر توطئه‌ای در مقابل این ملتِ این چنینی، اینجور با این سطح از آمادگی، نقش بر آب خواهد شد.[۸۱۷]

استکبار زنده است، پس خطر زنده است

اگر کسی خیال کند که جنگ تمام شد؛ به نظر من، دقیق نگاه نکرده است. جنگ، یک امکان دایمی است. ما یک نظام انقلابی هستیم. استکبار، با ما بد است. استکبار زنده است؛ پس خطر زنده است. ممکن است این خطر به شکل نظامی باشد؛ ممکن است به شکل غیر نظامی باشد؛ اما امکان نظامی همواره وجود دارد. نمی خواهیم حالا میان مردم بیفتیم و بگوییم جنگ، جنگ، نه داعی نداریم؛ اما ما به عنوان مسؤولان، باید همواره این امکان را جدی، فعلی و قابل تحقق در آینده (حتی آینده‌ی نزدیک) بدانیم؛ والا غافلگیر خواهیم شد.[۸۱۸]

سازماندهی بسیج

سازماندهی بسیج و حضور مرتب و منظم شما هم در مراکزی که باید باشید؛ بسیار مهم است. باید به صورتی باشد که هر یک از افراد بسیجی بداند که متعلق به کدام یگان است و کجا باید باشد؛ آن وقتی که مورد احتیاج اسلام و نظام اسلامی شد، بتواند خودش را آماده کند.[۸۱۹]

تلاش برای حضور قوی و سازمان یافته بسیج

همت و تلاش را بر ایجاد زمینه های لازم برای حضور قوی تر و سازمان یافته تر مردم، به ویژه جوانان عزیز در صحنه های مورد نیاز انقلاب اسلامی قرار دهید و انتظارات گفته شده را با حرکت علمی و نو از جمله در بسیج اقشار، برآورده سازید.[۸۲۰]

عدم کارایی ایمان، بدون نظم

برای جنگیدن و مبارزه کردن، نظم لازم است؛ همین نظم و ترتیبی که الان مظهرش را می شود در این میدان مشاهده کرد. ایمان تنها و بدون نظم، کارایی نخواهد داشت؛ یا بسیار کم خواهد داشت. این نیروی مقاومتی که برادران در سپاه پاسداران ترتیب داده‌اند و با جدیت دنبال

۸۱۶- همان
۸۱۷- همان
۸۱۸- بیانات در دیدار فرماندهان نیروی مقاومت بسیج.۱۳۶۹//۱/۹
۸۱۹- بیانات در دیدار با فرماندهان رده‌های مقاومت نمونه‌ی بسیج و جمعی از دانشجویان و طلاب بسیجی ۱۳۷۰/۸/۳۰
۸۲۰- انتصاب سردار محمدرضا نقدی به ریاست سازمان بسیج مستضعفین ۱۳۸۸/۷/۱۲

کار آن هستند، به خاطر همین نظم دادن و سازماندهی و آموزش به نیروهای بسیجی است؛ تا آن روزی که انقلاب و اسلام و کشور به این ها نیاز دارد، آماده باشد.[۸۲۱]

سازماندهی بسیج و حضور مرتب و منظم شما هم در مراکزی که باید باشید؛ بسیار مهم است. باید به صورتی باشد که هر یک از افراد بسیجی بداند که متعلق به کدام یگان است و کجا باید باشد؛ آن وقتی که مورد احتیاج اسلام و نظام اسلامی شد، بتواند خودش را آماده کند.[۸۲۲]

پایبندی به قوانین و مقررات

یکی از چیزهائی هم که من لازم است عرض کنم، این است که بسیج با همین خصوصیاتی که گفته شد، پایبند به قوانین و مقررات و ارزش هائی است که در قالب نظام مجسم شدند. ابتکار باید به وجود بیاید، نوآوری باید به وجود بیاید، اما بی‌انضباطی نه یک عده‌ای اشتباه می کنند؛ خیال می کنند بسیجی، یعنی کسی که پایبند به مقررات نیست، پایبند به قوانین نیست؛ پایبند به ضوابط مستقر در جامعه نیست؛ نخیر، این اشتباه است؛ این خطاست. ... نظم است که زمینه برای موفقیت فراهم می کند. یک نیروی نظامی هم اگر نظم نداشته باشد؛ به کلی بی‌فایده می شود. ... بنابراین انضباط ارزش است، بی‌انضباطی ارزش نیست؛ بی‌قانونی ارزش نیست، بر طبق مقررات عمل کردن ارزش است؛ این را توجه داشته باشند. این از این طرف، از آن طرف هم ...دست‌وپاگیری مقررات و مزاحمت مقررات از میان برداشته شود. مدیریت های کلان در بخش های مختلف باید به این چیزها توجه کنند. به هر حال این یک بخشی بود از نگاهی که ما به بسیج داریم.[۸۲۳]

ضرورت سازماندهی کارآمد

شما بسیج هستید؛ اگر سازماندهی شما، کارآمدی لازم را داشته باشد؛ ...ببینید چه‌طور می شود از دولت و کشور و از این خیل عظیم جوان مؤمن و حاضر در میدان و دارای استعداد، در پیشرفت های گوناگون کشور استفاده کنید؛ چه در پیشرفت ها و تحرکات علمی، چه در کارهای جهادی و چه در کارهای اقتصادی.[۸۲۴]

توجه به تعمیق فکر و بصیرت در سازماندهی‌ها

مسؤولان محترم بسیج باید به سازماندهی خیلی اهمیت دهند؛ زیرا اصل قضیه، سازماندهی است و در چارچوب سازماندهی خوب، آموزش و پشتیبانی و تغذیه‌ی فکری خوب شکل می گیرد.[۸۲۵]

۸۲۱- بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵
۸۲۲- بیانات در دیدار با فرماندهان رده‌های مقاومت نمونه‌ی بسیج ۱۳۷۰/۸/۳۰
۸۲۳- بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
۸۲۴ – بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها ۱۳۸۶/۲/۳۱
۸۲۵ – بیانات در مراسم بیعت بسیجیان نمونه‌ی کشور. ۱۳۶۹/۴/۶

البته برای بخش نظامی و آمادگی‌های دفاعی، یک امتیاز وجود دارد. وقتی ما می گوئیم همه جا بسیج هست، معنایش این نیست که از بسیج بیست میلیونی که امام گفت – یا ده‌هامیلیونی بعد از امام – غفلت کنیم؛ نه نه؛ آن لازم استَ. با آرزوها و آمال و نگاه‌های بلندنظرانه‌ای کهَ ملت ما دارد؛ آمادگی دفاعی لازم است و همیشه بایدٍ وجود داشته باشد؛ همراه با ابتکار، همراه با نوآوری، لذاست که ما از سازماندهی‌های بسیج کاملاً حمایت می کنیم. عمق فکر و بصیرت هم در این سازماندهی‌ها باید مورد ملاحظه قرار بگیرد؛ یعنی جوانان عزیز ما بدانند، آگاهانه حرکت کنند؛ بدانند دنبال چه هستند. [۸۲۶]

ضرورت گسترش سازماندهی بسیج

امروز سازماندهی بسیج در سراسر کشور، در حدود پنج میلیون نفر است؛ اما این سازماندهی، یقیناً از این گسترده تر خواهد شد و با یک دید وسیع که نگاه کنیم، همه انسان هایی که این خصوصیات را دارند؛ در واقع جزء بسیج اند. در حقیقت همه انسان های مؤمن، آگاه، بصیر، عاشق، متعهد، علاقه مند و آماده به کار، در هر میدانی از میدان ها که برای ملت مفید است؛ حضور دارند، جزء بسیج اند؛ لذا بسیج، یک نام مقدس است.[۸۲۷]

ساماندهی عاقلانه و مدبرانه اساتید بسیجی

در درجه‌ی اول توی دانشگاه‌ها کار علمی، کار پژوهشی و تحقیقی، کار معنوی و ایمانی، حاکم کردن روحیه‌ی مجاهدت و جهاد بر همه‌ی فعالیت ها، قلم های اصلی است که باید وجود داشته باشد و آنگاه سامان دادن به این حرکت، البته اعتقاد من این است که استاد متدینِ علاقه‌مند به کار برای کشور، در سطح کشور مختص به همین مجموعه‌ای که در بسیج اساتیدَ حضور دارند، نیست؛ فراتر از اینهاست. بسیاری هستند، کارت بسیج هم ندارند؛ جزء مجموعه‌ی بسیج اساتید هم نیستند؛ اما در معنا بسیجی‌اند؛ در معنا متدین‌اند؛ در معنا آماده‌اند – البته سطح آمادگی‌ها همیشه یکسان نیست؛ سطح ایمان ها یکسان نیست؛ همیشه همینجور بوده، بعد از این هم همینجور خواهد بود – اما داخل در مجموعه‌اند. باید ساماندهی کرد؛ باید نگاه عاقلانه و مدبرانه داشت؛ برنامه‌ها را مشخص کرد؛ هدف ها را مشخص کرد. کاری است که باید انجام بگیرد؛ این بر مجموعه‌ی شماست.[۸۲۸]

فلسفه سازماندهی، ایجاد آمادگی

امام فرمودند: «بسیج باید سازماندهی شود؛ باید یکدیگر را بشناسند؛ باید آمادگی به وجود بیاورند و آن را حفظ کنند». امروز هم تکلیف بزرگ شما، همین کاراست. خیال نکنند که بسیج، یک امر احساسی است. بسیج یک امر منطقی و فکری و ریشه دار و عمیق است و کسانی که در کارِ این حقیقت بزرگ، شرکت دارند؛ همه آحاد ملت اند. هر کس که بسیجی است؛ باید به بسیجی بودن خَود افتخار کَند.

۸۲۶ – بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
۸۲۷ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
۸۲۸– بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲

بسیجی بودن، مایه سرافرازی و سربلندی پیش پروردگار است.[۸۲۹]

عزم و اراده و ایستادگی

استکبار از سپاه، خیلی بدش می‌آید؛ چرا؟ چون سپاه، یکی از آن بخش هایی است که در مقابل موج سلطه، واضح‌تر و راسخ‌تر ایستاده است. پایبندیش به ارزش ها، پایبندیش به اصول، پایبندیش به مبانی و دشمنیش با کسانی که با آن ها مخالفند، واضح‌تر از همه است؛ لذا با سپاه، بیشتر دشمن اند؛ مثال های دیگری هم دارد.[۸۳۰]

استقامت، شرط اصلی است. ایستادگی و راه را طولانی دیدن – اگرچه موفقیت‌آمیز – لازم است. اگر شما برای راهی که باید یک شبانه‌روز طی کنید، همتِ دو ساعت راه را با خودتان برداشتید و وارد این راه شدید، از کار خواهید ماند! باید با همتِ بیست‌وچهار ساعت راه، حرکت کنید؛ راه را طولانی ببینید. البته راه، بن‌بست نیست؛ راهی استَ که موفقیت در آن حتمی است؛ اما حتمی بودن موفقیت، معنایش این نیست که راه را کوتاه ببینیم؛ بی‌صبری کنیم، پا به زمین بکوبیم و از جمع و از اهدافِ والا، به نفع شخص خودمان غفلت کنیم! این کسانی که مشغول جمع کردن می‌شوند و سر دَر آخور شخصی می‌کنند؛ در اشتباهند. به خودشان ضربه می‌زنند، به جمع هم ضربه می‌زنند![۸۳۱]

ایستادگی برای دفاع از آرمان ها

ما امروز در مقابل تحریکات امریکایی ایستاده‌ایم و در واقع تضمین‌کننده‌ی ثبات این منطقه هستیم؛ این دفاع از هویت ماست؛ دفاع از شخصیت ملی ماست؛ دفاع از دین ماست؛ دفاع از آرمان های بلند نظام جمهوری اسلامی است؛ دفاع از منطقه است و به این معنا دفاع از دنیاست. امریکایی ها از هر وسیله‌یی برای مقابله‌ی با ملت ایران استفاده کردند و در همه‌ی این وسایل، در مقابل صلابت ملت ایران و رشادت جوان های ما، مرعوب و مغلوب شدند. آن ها از جوان های ما می ترسند؛ ملت ما ملت جوانی است. این جوان ها بیدارند و دلهایشان با اعتقاد به مبانی اسلام و آرمان های اسلامی محکم است.[۸۳۲]

راه های دست یافتن به آرزوهای بزرگ ملی

جوانان عزیز! دست یافتن به آرزوهای بزرگ ملی، نیازمند فکر روشن و عزم راسخ و شجاعت و اخلاص است و جوان مومن که مبانی جمهوری اسلامی و راه امام بزرگوار را عمیقا پذیرفته است؛ امید بخش‌ترین نیرویی است که می تواند ملت ایران را در

۸۲۹– بیانات در دیدار با بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸
۸۳۰– بیانات در جمع سپاهیان و بسیجیان لشکر ۱۰ سیدالشهدا ۱۳۷۷/۷/۲۶
۸۳۱ – بیانات در جمع رزمندگان و بسیجیان بندرعباس ۱۳۷۶/۱۱/۳۰
۸۳۲– بیانات در مراسم صبحگاه رده‌های مختلف نیروی مقاومت بسیج۱۳۸۴/۶/۲

رسیدن به آرزوهای بزرگش یاری برساند. نقشه‌ی راه برای رسیدن به پیشرفت و عدالت در دهه‌ی چهارم را فقط با اذعان به این حقیقت، می توان ترسیم کرد.[۸۳۳]

راه انقلاب، محتاج عزم، ایمان و ثبات قدم

جوان های امروز ما، جوان‌های نسل معاصر ما و جوان هائی که در آینده خواهند آمد؛ بدانند راه انقلاب، راهی است که احتیاج دارد به عزم، به ایمان، به ثبات قدم؛ بعضی این ثبات قدم را دارند؛ بعضی در بین راه برمی‌گردند. البته این‌ها به ضرر خودشان عمل می‌کنند؛ «فمن نکث فإنّما ینکث علی نفسه». آن کسانی که از راه انقلاب برگردند؛ مثل کسانی هستند که در تابستان روزه گرفته‌اند و تا اواخر روز، روزه را حفظ می‌کنند؛ اما یک ساعت به غروب، دو ساعت به غروب طاقتشان تمام می‌شود؛ افطار می‌کنند. این مثل همان کسی است که از اول روز، روزه نگرفته است. باطل کردن روزه در هر زمانی از ساعات روز باشد؛ ابطال روزه است.[۸۴۴]

شاخص انقلابی بودن، حفظ رابطه، عمل و پیوستگی خود با انقلاب

در راه انقلاب اگر ثبات قدم وجود نداشت؛ اگر پیوستگی حرکت وجود نداشت؛ انسان رابطه‌اش با انقلاب قطع می‌شود. این بی‌وفائی به انقلاب است. همیشه بودند کسانی که به انقلاب بی‌وفائی کردند؛ به انقلاب دل‌بستگی خود را کم کردند؛ به انقلاب پشت کردند. وصیت امام این است که جوان ما، مردم ما، نسل های گوناگون ما، با چشم واقع‌بینانه نگاه کنند. اصل، انقلاب است؛ اشخاص، اصل نیستند. انقلابی بودن به حفظ رابطه‌ی خود و عمل خود و پیوستگی خود با انقلاب است.[۸۳۵]

رحمت و برکت خداوند، نتیجه استقامت

امروز امریکا قدرتش، هیمنه‌اش، ابهت ابرقدرتی اش در چشم ملت ها ریخته و ملت ها بیدار شده‌اند؛ جرأت و جسارت پیدا کرده‌اند و عامل اصلی شما هستید؛ شما ملت ایران، شما جوان ها که قیام کردید؛ ایستادید، انقلاب کردید، حرف حقی را زدید؛ پای آن حرف ایستادید. «انّ الّذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقاموا»؛ استقامت کردید. نتیجه این است که خدای متعال رحمت و برکتش را بر شما نازل می کند؛ «تتنزّل علیهم الملائکة الّا تخافوا و لاتحزنوا». خوف از دشمن در دل جوانان ایرانی نیست. جوانان ما از دشمن نمی ترسند. حزن و اندوه بر این که زیر سلطه‌ی دشمنند؛ در دل آن ها نیست. «الّا تخافوا و لاتحزنوا»؛ خوف نداشته باشید؛ حزن و اندوه نداشته باشید. این پیام ملائکه‌ی الهی و فرشتگان الهی به شماست.[۸۳۶]

۸۳۳-پیام به نهمین نشست سالیانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل ۱۳۷۸/۶/۳
۸۳۴-بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴
۸۳۵-همان
۸۳۶-بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹

پیروزی و نصرت الهی، نتیجه ایستادگی

البته اگر ما ایستادگی‌مان را ادامه دهیم؛ این معارضه، نهایت روشنی دارد؛ «و لینصرنّ اللّه من ینصره». خدای متعال به‌تحقیق و بدون تردید نصرت را برای کسانی قرار داده است که به طرف حق حرکت می کنند و دعوت می کنند و ما این را تجربه کرده‌ایم. سی سال است که دشمنان علیه ملت ایران دارند تلاش می کنند، کار می کنند؛ اما ملت ایران به برکت ایستادگی خود، به برکت ایمان خود، روزبه‌روز قوی‌تر شده است؛ دشمن هم روزبه‌روز ضعیف تر شده است.[۸۳۷]

عوامل تقویت عزم و اراده

در سرتاسر کشور، جوان ها در بخش های مختلف، به بسیج به چشم یک هویت درخشنده‌ی باعظمتِ مظهر عزم و اراده نگاه می کنند؛ این را شما بسیجی‌ها بایستی تقویت کنید. این را با توجه به همان سه عنصری که گفته شد – عنصر بصیرت، عنصر اخلاص، عنصر عمل به هنگام و به اندازه – تقویت کنید. افراط نباید باشد؛ تفریطِ هم نباید باشد. توجه کنید که افراط هم همان اندازه ضرر می زند که تفریط، عمل نکردن یقیناً مضر است؛ عمل افراط آمیز هم به همان اندازه مضر است؛ مراقب باشید.[۸۳۸]

لزوم ایستادگی در راه بسیجی ماندن

عزیزان من! بسیجی شدید، مبارک است؛ اما بسیجی بمانید. ایستادگی در راه، مهم است. بسیجی ماندن متوقف به این است که دائم خودمان را مراقبت کنیم؛ مواظبت کنیم و از راه بیرون نرویم. ملت ایران کار بزرگی انجام داده است. کار بزرگ این است که دنیائی را که یکجا و چهاراسبه به سمت جهنم حرکت می کرد و می تاخت، یک نهیب زده است؛ یک بخشی را جدا کرده است. امروز جمعیت های عظیمی از مردم دنیا متوجه حقیقت شده‌اند و ملت ایران به عنوان پیشتاز و پیشرو، راه را تغییر داده است و مسیر را عوض کرده است. مسیر جوامع انسانی باید به سمت خدا باشد؛ باید به سمت بهشت باشد؛ باید به سمت حقیقت باشد. خوب، بدیهی است که شما ملت ایران، این کار بزرگ را انجام داده‌اید؛ اهل باطل که ساکت نمی‌نشینند. آن کسانی که وجودشان وابسته‌ی به باطل و ناحق است؛ وابسته‌ی به ظلم است؛ وابسته‌ی به لگد زدن بر سر ملتهاست؛ این ها که آرام نمی‌نشینند که ملت ایران فریاد حقیقت و هدایت بدهد؛ دنیا را بیدار کند، بشریت را بیدار کند؛ این ها معارضه می کنند.[۸۳۹]

لزوم پیروزی عزم و اراده‌ی ما، بر عزم دشمن

در هر جایی که صحنه‌ی زورآزمایی است، در مقابل دشمن باید ایستاد؛ باید عزم شما بر عزم دشمن پیروز بشود. باید اراده‌ی شما بر اراده‌ی دشمن غالب بشود و می شود و این ممکن است.

۸۳۷– بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴
۸۳۸ – بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
۸۳۹– بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴

در عرصه‌ی هرگونه جهاد و کارزاری، پشت کردن به دشمن و هزیمت کردن، از نظر اسلام و قرآن ممنوع است.[۸۴۰]

ایستادگی در مقابل تهاجم های گوناگون

شما جوانان عزیزی که امروز در مجموعه‌ی بسیج حضور دارید و نیروی مقاومت، سازماندهی شما را بر عهده گرفته است؛ احساس و تلقی‌تان از مسئولیت یک انسان در قبال اسلام، باید این باشد که می توانید مؤثر باشید؛ می توانید این حرکت عظیم را سرعت ببخشید؛ می توانید گره‌هائی را باز کنید؛ می توانید در مقابل تهاجم های گوناگون ایستادگی کنید؛ چه تهاجم سیاسی، چه تهاجم تبلیغاتی، چه جنگ های روانی و چه احیاناً تهاجم نظامی و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و کشور ما به این حضور مردمی و پرانگیزه و برخاسته‌ی از ایمان، حداکثر نیاز را دارد؛ چون اتکاء این نظام به خدا و عوامل الهی است و مهمترین عوامل الهی همین ایمان های مردمی است؛ «هو الّذی ایّدک بنصره وبالمؤمنین». خداوند به پیغمبرش می فرماید: خدا تو را به وسیله‌ی نصرت خود و به وسیله‌ی مؤمنین تأیید کرد؛ یعنی یکی از مظاهر نصرت الهی، اعمال قدرت الهی، نصرت مؤمنین است.[۸۴۱]

تحقق معجزه‌انقلاب با اقدام، عمل، اراده و ایستادگی

شما عزیزان من، بدانید که این کار بزرگ و معجزه‌آسا، یعنی قیام یک دولت اسلامی و مستقل، آن هم در این منطقه‌ی بسیار حساس عالم...این یک معجزه است؛ اصلاً قابل تصور نبود؛ اما این معجزه اتفاق افتاد. معجزه‌های اجتماعی برخلاف معجزه‌ی اژدها شدن عصای موسی است؛ چون آن‌طور معجزه‌ها، ربطی به اراده‌ی انسان ندارد؛ اما معجزه‌های اجتماعی به‌طور مستقیم به اراده‌ی انسان ها ارتباط پیدا می کند؛ «انّ الله لا یغیّر ما بقوم حتّی یغیّروا ما بأنفسهم». هرگاه ملتی تصمیم بگیرد؛ اراده کند، اقدام کند، حرکت متناسب با هدفش را انجام دهد؛ آن وقت معجزه‌ی اجتماعی اتفاق می افتد. البته در تحولات اجتماعی، حق بودن کافی نیست؛ خیلی اوقات امواج باطل می‌آید حق را لگدکوب می کند و عبور می کند. حق بودن به اضافه‌ی اقدام، عمل، اراده و به اضافه‌ی ایستادگی و پایداری است که آن معجزه را تحقق می بخشد. این پایداری، این ایستادگی، این تصمیم و این فداکاری در صحنه‌ی جامعه و کشور ما به برکت همین اخلاص ها، بینش ها و بصیرت ها که امروز در جمع جوانان مؤمن و بسیجی کشور ما متبلور است اتفاق افتاد؛ که یک نمونه‌ی باارزش آن را اینجا مشاهده می کنیم؛ اما آنچه بزرگتر از آن حادثه‌ی بزرگ و باورنکردنی بود؛ این است که نظام جمهوری اسلامی با وجود همه‌ی امواج متلاطم و خصمانه‌ی در پیرامون خود، هم ماند و هم رشد کرد.[۸۴۲]

۸۴۰- بیانات در دیدار پنجاه‌هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصلّای امام خمینی ره (۱۳۹۲/۸/۲۹)
۸۴۱- بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۴
۸۴۲ – بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۶

جبران عقب ماندگی با نیروی اراده و ایمان

من به شما جوانان عزیز، به شما پسران و دختران بسیجیِ مؤمن، از هر قشری هستید؛ عرض می کنم: عزیزان من! کشور مال شماست؛ کشور متعلق به نَسل جوان است؛ شما باید این کشور را بسازید. شما باید پایه‌های مجد و عظمتی را که این انقلاب و دست توانای معمار انقلاب بنا گذاشته است، حفظ کنید و بالا ببرید؛ شما باید با نیروی خود، با اراده خود، با دانش خود و با ایمان خود، عقب‌ماندگی های چندده‌ساله دوران قبل از انقلاب را جبران کنید.[۸۴۳]

ایران در مرکز فرماندهی جبهه جنگ اراده ها در دنیا

قدر شهدای جبهه‌تان را بدانید؛ قدر آن مقاومت های مظلومانه را بدانید؛ قدر آن ایستادگی و صلابت از پولاد محکم تر امام راحل را بدانید؛ اینهاست که ملت فلسطین را یک طور، ملت لبنان رَا یک طور، ملت هایَ امریکای لاتین را یک طور، ملت آفریقای جنوبی را یک طور، ملت های خاورمیانه را یک طور، ملت های بسیاری از کشورهای عرب را – که دولتهاشان وابسته‌ی به امریکا هستند – یک طور، تحت تأثیر قرار داده؛ مهم این است که جوان ایرانی بداند ایران در کجای این جبهه است. در دنیا یک جنگ عظیم و یک چالش بزرگ برپاست؛ جنگ توپ و تفنگ نیست؛ اما جنگ اراده‌ها و عزم‌ها و سیاست‌ها و تدبیرهاست. ایران در کجای این جنگ است؟ ایران در جبهه‌ای از این جنگ، در مرکز فرماندهی قرار دارد که افراد آن جبهه را ملت ها تشکیل می دهند. سرسری عبور نکنیم، از این‌که وقتی رئیس جمهور ایران به اندونزی می رود؛ در نماز جمعه برایش شعار می دهند؛ در دانشگاه برایش شعار می دهند؛ در مجموعه‌ی اساتید برایش شعار می دهند و اگر اجازه می دادند در کوچه و بازار راه برود، مردم هم برایش شعار می دادند. این ها چیزهای مهمی است.[۸۴۴]

نهایت ایستادگی، نصرت الهی

یکی از خصوصیات دولت کریمه، نفوذناپذیری است. معنای نفوذناپذیری این نیست که انسان در مقابل سخنی با اندیشه‌ورزی، مطالعه و تفکر نکند. معنایش این است که در مقابل وسوسه و هو و جنجال و مسلّم گرفتنِ یک غلط از سوی دشمن و پرتاب کردن آن به سمت افکار عمومی، تسلیم نشود. امروز یکی از پیشرفته‌ترین بخش های علمی دنیا، بخش ارتباطات است؛ همین تبلیغات و چگونگیِ وانمود کردن یک مطلب غلط به صورت درست و تحمیل آن و تحقیر هر کسی که آن را قبول ندارد. این، آنجایی است که اگر دشمن موفق شد، جهتِ کلی نظام را تغییر خواهد داد؛ خطرِ این بیشتر است. اینجا دیگر بحث جزئیات نیست. شما امروز می‌بینید که در

۸۴۳ – بیانات در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت‌کننده در اردوی یاران امام علی (ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹
۸۴۴ – بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها ۱۳۸۶/۲/۳۱

تبلیغات دشمن، بر روی مبانی واضح تفکر اسلامی، علامت سؤال می‌گذارند؛ بدون هیچ‌گونه منطق و استدلالی پشت سر این علامت سؤال![۸۴۵]

اگر ما ایستادگی‌مان را ادامه دهیم، این معارضه نهایت روشنی دارد؛ «و لینصرنّ اللّه من ینصره» خدای متعال به‌تحقیق و بدون تردید نصرت را برای کسانی قرار داده است که به طرف حق حرکت می کنند و دعوت می کنند و ما این را تجربه کرده‌ایم. سی سال است که دشمنان علیه ملت ایران دارند تلاش می کنند، کار می کنند؛ اما ملت ایران به برکت ایستادگی خود، به برکت ایمان خود، روزبه‌روز قوی‌تر شده است؛ دشمن هم روزبه‌روز ضعیف تر شده است. امروز قدرت ایستادگی ما از بیست سال پیش بیشتر است؛ از سی سال پیش بیشتر است؛ این تجربه‌ی ماست. پس نهایت این مبارزه، پیروزی اسلام و مسلمین است؛ اما باید توجه داشته باشید که درگیری و چالش وجود دارد؛ باید خودتان را آماده نگه دارید؛ خودتان را به‌روز نگه دارید؛ بصیرتتان را به‌روز نگه دارید؛ اخلاصتان را به‌روز نگه دارید؛ به‌روز بسیجی باشید و بسیجی بمانید؛ این رمز موفقیت ملت ایران و جامعه‌ی عظیم ایرانی است.انشاءالله شما جوان ها آن روزی را شاهد خواهید بود که به قله‌های افتخار دست پیدا کردید و همچنان که قرآن وعده کرده است: «لتکونوا شهداء علی النّاس»، شهیدان و گواهان مردم دنیا شدید و در قله‌ها باشید؛ که ملت ها به شما نگاه کنند و به سمت این قله‌ها حرکت کنند.[۸۴۶]

مجاهدت وفداکاری

مکتب بسیج، مکتب جهاد و شهادت

مکتب بسیج، مکتب مجاهدت معنوی و مخلصانه است. این مجاهدت، برای ملت و کشور و بالاتر از همه برای دین خدا و سرافرازی پرچم آزادگی اسلامی در همه ی دنیاست. این مجاهدت خطراتی دارد؛ بالاترین خطر برای انسان، جان باختن است. در مکتب بسیج، نام این جان باختن «شهادت» است. شهادت بالاترین ارزش عاشورایی انسان و بالاترین ارزش در معیار ارزش های معنوی است. در روایت وارد است: فوق کل ذی برّ برٌّ حتی یقتل الرّجل فی سبیل الله؛ بالاتر از هر فضیلتی، ارزشی و معنویتی، ارزش دیگری وجود دارد تا وقتی که فرد به شهادت می رسد؛ که بالاترین ارزشهاست. آن معنای جهاد است و این معنای شهادت است.[۸۴۷]

جهاد و شهادت، دو فصل بزرگ حرکت بسیجی

افرادی به نیابت از دشمنان عزت این ملت، سعی کردند جهاد را بدنام کنند. الان می دانید در کشورهایی از منطقه‌ی ما، سعی امریکایی ها بر این است که آیات جهاد را از کتاب های درسی بیرون بیاورند؛ اصرار کردند که باید این کار را بکنید؛ بعضی از دولت های ضعیف و زبون هم این را قبول کردند. می خواهند جهاد را از آیات قرآن و تعالیم دینی خارج کنند؛ چون ضامن عزت

۸۴۵-همان
۸۴۶- بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴
۸۴۷- بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج ۱۳۸۴/۶/۲

ملت های اسلامی و امت اسلامی و بزرگترین سنگر و حصن حصین مقاومت، جهاد فی‌سبیل‌اللّه است. شهادت را به عنوان یک عمل ساده‌لوحانه معرفی کردند؛ که خود برترین ارزش هایی است که جهاد به دنبال دارد. جهاد وقتی می تواند اثر خودش را به‌طور کامل نشان دهد که با دل نهادن به شهادت همراه باشد. جهاد و شهادت، دو فصل بزرگ حرکت بسیجی است.[۸۴۸]

حضور بسیج، درهمه ی میدان های مجاهدت

جنگ تحمیلی تمام شد؛ سطحی‌نگرها خیال می کردند بسیج هم تمام شد؛ اما بسیج ماند؛ چون مجاهدت باقی بود؛ چون میدان مجاهدت ادامه داشت. هر جا مجاهدت هست، در آنجا حضور بسیج هست؛ مجاهدت در میدان علم، مجاهدت در میدان سیاست، مجاهدت در میدان فعالیت های اجتماعی، مجاهدت در میدان وسیع و عرصه‌ی عظیم بین‌المللی، این مجاهدت ها ادامه دارد و همچنان ادامه خواهد داشت.[۸۴۹]

روحیه‌ی جهادی، یعنی کار را برای خدا انجام دادن، کار را وظیفه‌ی خود دانستن، همه‌ی نیروها را در راهِ کارِ درست به میدان آوردن؛ این روحیه‌ی جهادی است. برای این که این روحیه‌ی جهادی دَر شَما تقویت بشود؛ حضورتان در اردوهای جهادی خیلی خوب است.[۸۵۰]

ارزش و آثار جهاد

چرا خدای متعال این ها را خاصان اولیای خود می داند؟ زیرا اگر این مجاهدت ها نباشد؛ یک ملت همیشه توسری خور، همیشه عقب مانده، همیشه ضعیف، همیشه زورشنو باقی خواهد ماند. ملت ما، ملت بزرگ ایران، در مجموعه های گوناگون این عظمت را از خودشان نشان دادند و شما در اینجا امتحان خوبی دادید؛ شما در این امتحان بزرگ رتبه ی خوبی کسب کردید.[۸۵۱]

جایگاه و مقام مجاهدان

من فراموش نمی کنم آن مجاهدتی را که در مریوان و دزلی دیدم، که این جوان ها چگونه مثل آتش های گداخته در مقابل دشمن ایستاده بودند. عزیزان من! آن چیزی که یک ملت را از درون محکم می کند؛ همین مجاهدتهاست. ما از سست عنصری به جائی نمی رسیم. ما از تسلیم شدن در برابر زورگوئی در مسابقه ی میان ملت ها هیچ رتبه ای را کسب نمی کنیم. اینی که در نهج البلاغه می فرماید: «انّ الجهاد باب من ابواب الجنّة فتحه اللّه لخاصّة اولیائه»، این معنایش چیست؟ جهاد، مجاهدت در راه خدا و در راه حق، دری از درهای بهشت است که خدای متعال این در را فقط برای خاصان اولیای خود گشوده است؛ یعنی جوان های شما، شهیدان شما، عزیزان شما، جزء خاصان اولیای الهی بودند که توانستند از این در عبور کنند.[۸۵۲]

۸۴۸- بیانات در مراسم صبحگاه رده‌های مختلف نیروی مقاومت بسیج۱۳۸۴/۶/۲
۸۴۹ - بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
۸۵۰ - بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» ۱۳۹۴/۷/۲۲
۸۵۱- بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲
۸۵۲- همان

امامان، الگوی جهاد و مبارزه

زندگی ائمه (علیهم السّلام) سر تا پا عبارت است از مبارزه‌ی با ظلمه، مبارزه‌ی با ظلم، علت آن فشارها و مسموم شدن‌ها و شهید شدن‌ها و مانند این ها هم همه‌اش همین بوده است؛ چون با ظلم و ظالم مبارزه می کردند. این زندگی ائمه است؛ ما حالا می خواهیم پیروان اهل‌بیت باشیم؛ باید این چیزها را رعایت کنیم. بایستی معارف اسلامی را ترویج کنیم؛ بایستی اقامه‌ی احکام الهی را جزء اهداف خودمان بدانیم. باید در راه خدا با همه‌ی وجود مجاهدت کنیم؛ باید با ظلم بجنگیم، با ظالم بجنگیم، مبارزه کنیم؛ این وظیفه‌ی ما است. خوب، مجاهدت فقط جنگ نظامی نیست؛ مجاهدت اعم است از انواع مبارزات، از مبارزات فرهنگی گرفته تا مبارزات سیاسی تا مبارزات اقتصادی، این ها همه داخل در عنوان مجاهدت است. ذهن فقط نرود به جنگ نظامی، یک وقتی هم ممکن است در یک جایی جنگ نظامی پیش بیاید؛ لیکن همه‌ی مجاهدت آن نیست. امروز به نظر ما مصداق مجاهدت که در مقابل ما مسلمان ها، ما پیروان اهل بیت قرار دارد؛ عبارت است از مبارزه‌ی با نقشه‌های استکبار در منطقه‌ی اسلامی، امروز بزرگ‌ترین مجاهدت این است. با نقشه‌های استکبار باید مبارزه کرد. این نقشه‌ها را باید اول شناخت، اول باید دست دشمن را بخوانیم، بدانیم چه‌کار می خواهد بکند؛ بعد بنشینیم برنامه‌ریزی کنیم و با اهداف دشمن مبارزه کنیم. فقط هم حالت دفاع و انفعال نیست؛ مبارزه اعم است از دفاع و هجوم، یک‌وقت لازم است انسان در مواضع دفاعی قرار بگیرد؛ یک‌وقت هم لازم است در مواضع هجومی قرار بگیرد؛ در هردو حالت، هدف عبارت است از مبارزه‌ی با برنامه‌های استکبار که دشمن اساسی و اصلی است.[۸۵۳]

مجاهدان، طبقه برگزیده نظام

در نظام اسلامی، بزرگ ترین ارزش، متعلق به مجاهدانی است که شب و روزشان را برای دفاع از حریم دین خدا صرف می‌کنند. سپاه و بسیج برای ارزش های برتر، گسترش ارزش های الهی و انسانی، سرکوب دشمنان توحید و عدالت و ریشه‌کن کردن استکبار می‌جنگند و بر همین اساس در خط مقدم مجاهدان راه خدا قرار دارند و طبقه برگزیده نظام و جامعه اسلامی محسوب می‌شوند.[۸۵۴]

لزوم مجاهدت، برای برافراشته ماندن پرچم حق

امروز دشمنان اسلام، تمامی ابزار خود را به کار گرفته‌اند تا پرچم دفاع و حراست از ارزش های برتر را، از دست ملت ایران بگیرند و آن را سرنگون کنند و اگر ملت ایران نتواند این پرچم را برافراشته نگاه دارد؛ دیگر خداوند متعال بر روی زمین عبادت نخواهد شد. امروز علم و معنویت در خدمت جهاد در راه خداست تا پرچم حق، همچنان برافراشته بماند. ...در دنیای مادیت، استکبار، طاقت مشاهده در اهتزاز بودن پرچم توحید و «لا اله الا الله» را ندارد؛ ولی با وجود آن،

۸۵۳ – بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی ۱۳۹۴/۵/۲۶
۸۵۴–بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان سپاه و بسیج مازندران ۱۳۷۴/۷/۲۴

شجره طیبه سپاه و بسیج و سازماندهی مبارک این دو نیرو، برای حفظ و استحکام پرچم حق، آماده جهاد فی‌سبیل‌الله هستند.[۸۵۵]

گستره و عرصه جهاد

طلاب، باید ارزش هایی را به عنوان ارزش های ثابت و زوال‌ناپذیر همواره به یاد داشته باشند؛ که از جمله‌آن ها، ارزش علم و ارزش جهاد است. ارزش جهاد را دست کم نگیرید. طلبه جهادگر، طلبه تلاش گر، طلبه بسیجی، طلبه‌یی که آماده است تا در میدان های خطر حضور پیدا کند؛ این طلبه است که اگر با ابزار علم مجهز شد، آن وقت دنیایی در مقابل او دیگر تاب نمی‌آورد.[۸۵۶]

دو چیز را باید در نظر داشت: یکی، به فکر کار و تلاش بودن و خسته نشدن از آن که انسان بایستی این میل و اراده‌ی به تلاش را در خود زنده نگه دارد؛ به خصوص شما جَوان ها که مطلقاً نباید بگذارید، میل به تلاش و کار در شما ضعیف شود. دوم، پیدا کردن نقطه‌یی است که شما باید در آنجا کار کنید. اگر شما دانشجواید، اگر کارمند اداره‌اید، اگر شاغل در شغل آزادید، اگر نظامی اید، اگر غیرنظامی اید، نقطه‌یی را که باید در آنجا حضور داشته باشید و کار کنید؛ پیدا کنید. جهاد، فقط در میدان جنگ نیست؛ این‌که شما شعار می دهید که ما اهل کوفه نیستیم (که بنده هم صددرصد این را قبول دارم)، معنایش این نیست که اگر میدان جنگی آراسته شد، ما می آییم و اسلحه به دوش می اندازیم و می جنگیم؛ این یکی از کارهاست (جنگ هم که نداریم، انشاءالله هم نداشته باشیم)، اما کارِ همیشگی، کارِ تولید علم، تولید سازندگی، خدمت‌رسانی، تلاش برای تأمین عدالت، تلاش بَرای حفظ عصمَت و عفت عمومی، تلاش برای هدایت و ساختن دیگران و مقدم بر همه‌ی آن ها: تلاش برای حفظ عصمت و سلامت نفس خود است. عزیزان من! خیلی مراقب خودتان باشید؛ «اتّقوا الله». گفته‌اند که امام‌جمعه در هر نماز جمعه باید مردم را به تقوا و پرهیزگاری دعوت کند؛ این کار برای چیست؟ برای این است که راه زندگی – که همان صراط بین بهشت و جهنم است – راه لغزانی است؛ که دائم انسان باید جلوی پای خودش را نگاه کند؛ مراقب باشد؛ درست حرکت کند که مبادا پای او بلغزد؛ این، حفظ تقواست؛ این، اساس کارهاست. این دو موضوع را در نظر داشته باشید و بدانید که این کشور به آن مقاصد خواهد رسید.[۸۵۷]

ضرورت حضور حزب‌اللهی در صحنه امر به معروف و نهی از منکر

آمر به معروف و ناهی از منکر و آنهایی که در نظام اسلامی انگیزه دارند؛ باید در صحنه باشند؛ همه جا باید حضور داشته باشند. حزب‌اللهی بودن، یعنی آماده کار بودن برای انجام تکلیف الهی. این، یک ارزش است؛ یک ارزش انقلابی است. در نظام اسلامی، همه جا، کسی که دارای روحیه حزب‌اللهی است، بر کسی که دارای روحیه حزب‌اللهی نیست، ترجیح دارد؛ از جمله، یک مدیر

۸۵۵– همان
۸۵۶ – بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۰/۱۲/۱
۸۵۷– بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۶

حزب‌اللهی، یک استاد حزب‌اللهی، یک صاحب منصب حزب‌اللهی، یک فرمانده حزب‌اللهی، یک هنرمند حزب‌اللهی، یک نویسنده حزب‌اللهی. ... مبادا گمان شود که حزب‌اللهی، یعنی جوان پرسروصدا و پرهیاهویی که نه سواد درستی دارد، نه معلومات درستی! این‌طور نیست. در میان متخصصین ما، در میان برگزیدگان ما، در میان مدیران ما، در میان علما و اساتید ما، انسان های حزب‌اللهی، زیادند. مفهوم حزب‌اللهی را در ذهن خودمان، غلط تصور نکنیم.[۸۵۸]

حضور حزب‌اللهی باید برجسته باشد

در محیط های مختلف، حضور عناصر حزب‌اللهی، باید حضور برجسته‌ای باشد. دستگاه‌های اجرایی، اعم از دستگاه‌های قضائی یا دستگاه‌های دولتی، باید به طور عملی، این ارزش را در مأموران و کارگزاران خودشان، مورد توجه قرار دهند. یک دستگاه اداری سالم، چه وقت می‌تواند کارآیی بیشتری داشته باشد؟ وقتی‌که عناصر مؤمن، عناصر خالص، عناصری که به معنای حقیقی کلمه حزب‌اللهی هستند؛ در آنجا مؤثر باشند. مدیران خوب، مسئولین خوب و متخصصین خوب، بر سرِ کار باشند. این‌طور نباشد که همان بحث های سال های پیش، که دشمنان آن روزها تعقیبَ می‌کردند؛ رایج شود. بین عناصر مؤمن و متخصص، تفکیک کنیم! «آیا مؤمنین سرِ کار باشند یا متخصصین؟!» کأنّه بین مؤمن و متخصص، یک تضاد طبیعی وجود دارد! این چهَ حرفی است؟! عناصر مؤمن، با گذشت سیزده سال از انقلاب، بحمد الله در همه سطوح فراوانند؛ در سطوح تصمیم‌گیری، در سطوح مدیریت بالای جامعه، در سطوح مسئولان نظامی از سپاه و ارتش و بسیج، آحاد مردم هم که معلوم است. مردم ما، مردم مؤمنی هستند؛ مردم امتحان داده‌ای هستند. مردم ما مردمی نیستند که حاضر باشند بین آن‌ها و اسلام و دین و قرآن، فاصله بیفتد؛ بین آن‌ها و اهل بیت فاصله بیفتد. ملت ما اولین ملتی است که به اتکای قرآن و با شعار قرآن و اسلام توانست یک نظام سیاسی با آن عظمت را شکست دهد؛ امریکا را شکست دهد و دنیای استکبار را شکست دهد.[۸۵۹]

جهاد علمی، نیاز بسیج دانشجویی

یک نیاز دیگر (برای بسیج دانشجویی)، عبارت است از جهاد علمی، جهاد علمی برای شما لازم است. باید در میدان های علم وارد بشوید؛ وزارتخانه ها هم باید کمک کنند؛ معاونت های تحقیقاتی هم باید کمک کنند؛ معاونت های اداری مالی دانشگاه ها و وزارتخانه ها هم باید کمک مالی کنند؛ خود سازمان مقاومت بسیج هم در بخش هایی باید کمک و پشتیبانی کند.[۸۶۰]

سازندگی یک جهاد فی سبیل‌الله

سازندگی یک مجاهدت است؛ یک جهاد فی سبیل‌اللّه است. هر کس که در این مجاهدت شرکت کند؛ جهاد کرده است. کسی که در راه اداره و حفظ جامعه اسلامی – که یک واجب بزرگ

۸۵۸– بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۱/۵/۷
۸۵۹– همان
۸۶۰– بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱

است – گامی برداشته، خیلی با ارزش است؛ اما آن طرف قضیه، مادیگری است؛ ماده‌پرستی است؛ دنیاطلبی است. آن، یک حرفِ دیگر است. سازندگی، کاری بود که علی بن ابیطالب علیه‌السّلام داشت؛ که حتی شاید در دوران خلافت هم (که حالا من این را تردید دارم، اما تا قبل از خلافت، قطعی است)، با دست خود نخلستان آباد می کرد؛ زمین احیا می کرد؛ درخت می کاشت؛ چاهٍ می کند و آبیاری می کرد. این، سازندگی است! دنیاطلبی و مادی طلبی، کاری است که عبیدالله زیاد و یزید می کردند.[۸۶۱]

بسیج عرصه‌ی جهاد، نه قتال

عرصه‌ی حضور بسیج، خیلی وسیع تر از عرصه‌ی نظامی است. اینی که من بارها گفتم و تکرار می کنم که نباید بسیج را یک نهاد نظامی به حساب آورد، تعارف نیست؛ بلکه حقیقت قضیه این است. بسیج عرصه‌ی جهاد است، نه قتال، قتال یک گوشه‌ای از جهاد است. جهاد، یعنی حضور در میدان با مجاهدت، با تلاش، با هدف و با ایمان، این می شود جهاد، لذا «جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل الله»؛ جهاد با نفس، جهاد با مال، جهاد با نفس کجاست؟ فقط به این است که توی میدان جنگ برویم و جانمان را کف دست بگیریم؛ نه یکی از انواع جهاد با نفس هم این است که شما شب تا صبح را روی یک پروژه‌ی تحقیقاتی صرف کنید و گذر ساعات را نفهمید. جهاد با نفس این است که از تفریحتان بزنید، از آسایش جسمانیتان بزنید، از فلان کار پرپول و پردرآمد – به قول فرنگی‌ها، پول‌ساز – بزنید و توی این محیط علمی و تحقیقی و پژوهشی، صرف وقت کنید تا یک حقیقت زنده‌ی علمی را به دست بیاورید و مثل دسته‌ی گل به جامعه‌تان تقدیم کنید؛ جهاد با نفس این است. یک قسمت کوچکی هم جهاد با مال است.[۸۶۲]

تلاش و سرزندگی، عامل قدرت و عزت

جوانان عزیز! این راه را ادامه بدهید. آینده‌ی کشور روشن است. افق ها بسیار تابان است؛ اما به اراده‌ی شما بستگی دارد، به فعالیت شما، به کار شما، به پرداختن شما به خودسازی؛ خودسازی علمی، خودسازی دینی، پاک نگه داشتن دامان روح و دل نورانی – که خدا به شما داده است – در همه‌ی میدانِ ها؛ فعالیت، تلاش، سرزندگی؛ این عاملی است که کشور شما را به اوج قدرت و عزت انشاءالله خواهد رساند.[۸۶۳]

ایمان حقیقی، ایمانی همراه با جهاد در میدان عمل

معنای بسیج، توأم کردن ایمان و عمل است؛ عمل مجاهدانه، نه صرفاً عمل شخصی؛ از نظر اسلام، ایمان مجرد از عمل، یک حداقل است. ایمان کامل و ایمان حقیقی، آن ایمانی است که با جهاد در میدان عمل همراه باشد. «و الّذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله و الّذین آووا و نصروا اولئک هم المؤمنون حقّا»؛ مؤمن حقیقی آن کسی است که ایمان را با جهاد و هجرت و نصرت همراه می کند؛ تشخص بسیجی به این است. این فکر غلط

۸۶۱ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۱۳۷۱/۴/۲۴
۸۶۲– بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲
۸۶۳– بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹

و انحرافی که ما ایمان را منهای عمل و منهای جهاد، برای تقرب الی اللّه کافی بدانیم؛ این آیه و آیات زیادی، آن را رد می کنند. بسیج، قائم به همین است که ایمان همراه با عمل، آن هم عمل مجاهدانه باشد. پس جهاد، عرصه‌های مختلفی دارد که عرض شد.[۸۶۴]

جهاد اسلام برای دریدن پرده‌های استعماری و استکباری

جهاد اسلام، در واقع کمک به ملت هایی است که پشت پرده‌ی سیاست های استعماری و استکباری و استبدادی قرار داده شده‌اند که نور اسلام به این ها نرسد؛ نور هدایت به این ها نرسد. جهاد برای دریدن این پرده‌ها و این حجاب ها است؛ جهاد اسلامی این است. بحث این که آیا جهاد، دفاعی است یا ابتدائی است یا مانند این ها، بحث های فرعی است؛ بحث اصلی این است: ما لَکُم لا تُقاتلونَ فی سَبیلِ اللهِ وَ المُستَضعَفینَ مِنَ الرّجالِ وَ النّسآءِ وَ الوِلدان؛ چرا جهاد نمی کنید، مقاتله نمی کنید، نبرد نمی کنید در راه خدا - و بلافاصله [می گوید]- و در راه مستضعفین، برای نجات مستضعفین؟ این احساس مسئولیت است؛ یعنی شما برو جان خودت را به خطر بینداز و جانت را کف دستت بگیر در میدان های خطر، برای این که مستضعفان را نجات بدهی؛ معنای این، همان مسئولیت است دیگر. یا این حدیث معروف «مَن اَصبَحَ وَ لَم یَهتَمَّ بِاُمورِ المُسلمینَ فَلَیسَ بِمُسلِم»؛ و از این قبیل، فراوان آیات و روایاتی در متون اسلامی است که این جزء بینات اسلام است؛ یعنی اسلام انسان را اینجور خواسته است که مسئول باشد؛ هم نسبت به خود، هم نسبت به نزدیکان خود، هم نسبت به جامعه‌ی خود، هم نسبت به بشریت مسئول است؛ که حالا اگر بروید دنبال این فکر را در متون اسلامی بگیرید، چیزهای عجیب‌وغریبی انسان مشاهده می کند از این اهتمام و از این احساس مسئولیت.[۸۶۵]

تولید علم، جهاد می خواهد

دانشگاه، بسیار مهم است. علم برای یک کشور، بسیار مهم است. فهمیدن این‌که کدام علم و چگونه تلاش علمی، برای یک کشور می‌تواند آینده ساز باشد، بسیار مهم است. یک ملت هنگامی می‌تواند در میدان علم، شأنی کسب کند که در این زمینه حرفی برای گفتن داشته باشد. نگاه کردن به علم دیگران و حداکثر، فراگرفتن آن علم، آن هم در حدی که آن ها مصلحت می‌دانند تعلیم دهند و در اختیار دیگران بگذارند، هیچ افتخار علمی برای کشور به وجود نمی‌آورد. علم را باید کشف و تولید کرد؛ البته ابزار آن، عالم شدن است. پس از آن‌که یک ملت توانست علم دیگران را فرا گیرد و وارد میدان علم شود، آن‌گاه خودش باید، علم تولید کند؛ این، یک جهاد می‌خواهد. کسی که چشمش به آینده‌ی مادی خود است و چند سالی - که معلوم نیست چقدر هم خواهد بود - زندگی می‌کند و به فکر تأمین آن است، نمی‌تواند خودش را در

۸۶۴ - بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
۸۶۵ - بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶

این جهاد، مخلصانه و خالصانه وارد کند. ما مشاهده می‌کنیم که در فرهنگ برخی از مردم ما، در میدان هایی، جای تلاش و تن به آب و آتش زدن هست؛ اما در میدان علم کأنّه به چنین تلاشی معتقد نیستند! این نمی‌شود. در میدان علم باید تن به آب و آتش زد و کار کرد؛ این یکی از مظاهر بسیج علمی است. عامل عمده‌ی اقدام هم می‌تواند، همین مجموعه‌ی برادران و خواهرانِ اساتید مؤمنی باشد که در دانشگاه مشغول تعلیم اند.[۸۶۶]

سرمایه امروز کشور، نتیجه مجاهدت های جوانان

من به شما عرض می کنم: آن روزی که جوانان امروز ما بتوانند به توفیق الهی، زمام کارهای کشور را به دست بگیرند؛ آن روز چندان دور نیست و بدون تردید کشور و ملت ما به آن مرحله و دوره، در آینده ی نه چندان دور خواهد رسید که هیچ دشمنی هوس تهاجم به این کشور را، نه تهاجم نظامی و نه تهاجم سیاسی و اقتصادی، در سر نپروراند. آنچه امروز داریم، به برکت مجاهدت های سال های طولانی است (که جوانان عزیز ما، این مجاهدت ها را از خود نشان دادند) و به برکت خون شهیدان عزیز ماست.[۸۶۷]

دو چالش، دو مجاهدت

امروز جمهوری اسلامی در دو جهت (که به هم مرتبط و متصل است)، احتیاج به مجاهدت فراوانی دارد: یکی این‌که در مجموعه‌ی مسائل کشور، کارآمدی خود را نشان دهد. این چیزی است که ما همیشه از مسؤولان دولتی خواسته‌ایم: یعنی با فساد مبارزه کنند؛ قوانین خدا را با قوت و قدرت اجرا کنند؛ روش های صحیح را برای اداره‌ی جامعه برگزینند؛ از تخلف اغماض نکنند؛ با گناهکار، متجاوز، قانون‌شکن، سودجو و چپاول گر کنار نیایند؛ تنبلی و کوتاهی را در ادای مسؤولیت اجراییِ عظیمی که بر دوش آنهاست، روا ندارند؛ کار خود را خوب و متقن و با اخلاص انجام دهند و با تخلف برخورد کنند؛ بنابراین مواجهه با چالش اول، بر عهده‌ی مسؤولان نظام است. ... چالش دومی که در مقابل جمهوری اسلامی است، در زمینه تفکرات و خط کلی نظام اسلامی است که البته کاملاً با آن بخش اول هم مرتبط است. امروز بخش عظیمی از تبلیغات جهانی متوجه این می‌شود که معارف اسلامی در باب حکومت را مورد تردید و خدشه قرار بدهد و فرهنگ و معارف و فراوده‌های ذهنی خود را که بارها هم تخلفش ظاهر شده است؛ ناکارآمدی‌اش نشان داده شده است؛ آن را بر ذهن جوامع مسلمان و از جمله مردم کشور ما و از جمله مسؤولین ما تحمیل کنند.[۸۶۸]

دوری از فرهنگ جهاد، خسارت است

هر مقدار ما از معارف اسلامی فاصله بگیریم، از مجاهدت و تلاش و تکاپو دست برداریم، ضرر خواهیم

---

۸۶۶ – بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸
۸۶۷– بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲
۸۶۸ – بیانات در دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶

کرد و به همین نسبت در این نبرد تاریخی مرگ و زندگی، عقب خواهیم رفت؛ ضربه خواهیم خورد.[۸۶۹]

عناصر تجدد و نوگراییِ حقیقی

تجدد و نوگرایی حقیقی و باز کردن میدان‌های تازه‌ی زندگی، مطلوب اسلام است؛ اصلاً اسلام این را از انسان خواسته؛ این به برکت: تأمل، تعمق، کار درست، کار فکری، تلاش عملی، مجاهدت، استقبال از کار و از خطر، در همه‌ی میدان‌ها و همت ها را بلند کردن، به‌دست می‌آید. این کارها مربوط به کیست؟ مربوط به بسیج است. اگر بسیج را درست معنا کنیم، همین است. بسیج همچنین یعنی، انسان باهمتی که غیرت دینی و داناییِ فکری و نیازشناسیِ و ابتکار و جوشش ذهنی و خلاقیت دارد و وارد میدان می شود. ...بسیجِ دانشجویی طبیعتاً مظهر تام و تمام این مفاهیم است. همت شما باید این باشد که این عرصه‌ی اساسی را تأمین کنید؛ از هیچ چیز هم نباید بیمناک باشید؛ نه این‌که ملاحظه نکنید (ملاحظه، یعنی عقل را به‌کار گرفتن؛ این همیشه لازم است)، اما آن چیزی را که حق تشخیص می دهید، باید مطالبه کنید؛ نه فقط خواستن با زبان و با شعار (البته یک وقت شعار لازم است، یک وقت هم لازم نیست)، باید کار و تلاش هم کرد. [۸۷۰] بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی

ارتقای علمی و عملی و اخلاقی، جهادی بزرگ

عزیزان من! هرچه می توانید، خودتان را با علم و عمل بسازید. دوران جوانی شما، مثل دوران جوانی نسل قبل از شما، دوران تعیین کننده سرنوشتِ تاریخی این ملت است. نسل قبل از شما اگر تنبلی می کرد؛ اگر در خانه می نشست و اگر لاابالی گری را پیشه خود می ساخت؛ ملت ما غرق در فسادِ وابستگی و ذلتِ فرودستی نسبت به امریکا باقی می ماند. آن نسل ایستاد، انقلاب را پیروز کَرد، جنگ را پیروز کرد و از هویت ملی و شخصیت ملی دفاع جانانه ای نمود؛ امروز هم نوبت نسل جدید است. دشمن از جوانان ما می ترسد و می داند که اگر نسل جوانِ گسترده با ایمانِ ما با همین ایمان در صحنه بایستد؛ هیچ سلاحی، هیچ بمبی و هیچ موشکیَ نمی تواند این مَلت را به زانو درآورد. هر گامی که شما برای ارتقای علمی و عملی و اخلاقی خودتان بردارید، مثل گلوله ای است که به سمت دشمن شلیک می کنید. این جنگ و این رزم، جهاد بزرگی است.[۸۷۱]

خوشبختانه ملت بیدار است. در این تجربه ی طولانی سال های گذشته، ملت ما آبدیده شده است. انواع و اقسام توطئه ها را مردم ما توانستند بشناسند و با آن مواجهه و مقابله کنند. امروز هم همین اتفاق خواهد افتاد. ما باید از درون خودمان را تقویت کنیم؛ تقویت علمی، تقویت اقتصادی، تقویت نوآوری و فناوری و بالاتر از همه، تقویت ایمانی.[۸۷۲]

۸۶۹- بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹
۸۷۰- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۳/۵
۸۷۱- بیانات در دیدار جوانان اهواز ۱۳۸۲/۵/۸
۸۷۲- بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲

آرمان‌خواهی

آرمان‌خواهی، اولین فریضه

اولین فریضه‌ی دانشجویی، عبارت است از آرمان‌خواهی، یک‌عده‌ای تبلیغ می کنند و وانمود می کنند که آرمان‌خواهی مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است؛ نه مخالف واقع‌گرایی. محافظه‌کاری یعنی شما تسلیم هر واقعیتی (هرچه تلخ، هرچه بد) باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید؛ این محافظه‌کاری است. معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیت ها و آن ها را درست بشناسید؛ از واقعیت های مثبت استفاده کنید؛ با واقعیت های سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید. این معنای آرمان‌گرایی است. چشمتان به آرمان ها باشد؛ این اولین فریضه‌ی دانشجو است.[۸۷۳]

مهم ترین آرمان ها

آرمان ها چه هستند؟ یکی مساله‌ی ایجاد جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی است؛ یعنی احیای تفکر اسلام سیاسی؛ یک‌عده‌ای از قرن ها پیش، سعی کردند اسلام را از زندگی، از سیاست، از مدیریت جامعه هرچه می توانند دور کنند و منحصرش کنند به مسائل شخصی؛ مسائل شخصی را هم یواش یواش محدود کنند به مسائل قبرستان و قبر و مجلس عقد و از این حرف ها؛ نه اسلام آمده است که «الّا لِیُطاعَ بِاذنِ الله»؛ فقط هم اسلام نیست؛ همه‌ی پیغمبران همینجورند. ادیان الهی آمده‌اند برای این که در جامعه پیاده بشوند؛ در جامعه تحقق واقعی پیدا کنند؛ این باید اتفاق بیفتد؛ یکی از مهم‌ترین آرمان ها این است. یک آرمان دیگر عبارت است از آرمان اعتماد به نفس؛ یعنی همین «ما می توانیم» که در حرف های شماها هم بود؛ این یک آرمان است. بایستی دنبال تفکر اعتماد به نفس ملی و اعتقاد به قدرت و توانایی ملی [بود] و به‌عنوان یک آرمان حتماً باید تعقیب بشود. البته تعقیب آرمان ها یک لوازمی دارد که باید به آن لوازم عمل بشود. یکی از آرمان ها، مبارزه با نظام سلطه و استکبار است. نظام سلطه، یعنی نظامی که بر پایه‌ی رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بنا شده؛ یعنی کشورهای دنیا یا مجموعه‌های بشری دنیا، تقسیم می شوند به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ آن اتفاقی که امروز در دنیا افتاده [این است]؛ یک عده‌ای سلطه‌گرند، یک عده سلطه‌پذیرند. دعوای با ایران هم سر همین است؛ این را بدانید. دعوای با جمهوری اسلامی این است که این، نظام سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را نپذیرفته؛ سلطه‌گر که نیست، خودش را از سلطه‌پذیری هم بیرون آورده و پای این حرف ایستاده. اگر ایران موفق شد و پیشرفت پیدا کرد –پیشرفت علمی، پیشرفت صنعتی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت اجتماعی، گسترش نفوذ منطقه‌ای و جهانی– نشان داده می شود به ملت ها که می توان سلطه‌پذیر نبود و روی پای خود ایستاد و پیشرفت کرد. نمی خواهند این اتفاق بیفتد؛ همه‌ی دعواها سر این است؛ بقیه‌ی حرف ها بهانه است. از جمله‌ی آرمان ها، عدالت‌خواهی است؛ همین حرف هایی که بعضی از برادرها اینجا گفتند. مساله‌ی عدالت‌خواهی خیلی مهم است، شُعب گوناگونی دارد؛ به اسم هم اکتفا نباید کرد، باید واقعاً دنبال بود؛ از جمله، مساله‌ی سبک زندگی اسلامی است؛

۸۷۳ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰

از جمله، آزادی‌خواهی است؛ آزادی نه به‌معنای غلط و منحرف‌کننده‌ی غربی که معنای آزادی این است که دختر اینجوری زندگی کند؛ پسر اینجوری زندگی کند. لعنت بر آن کسانی که برخلاف سنت های اسلامی و سنت ازدواج، با سنت ازدواج صریحاً مخالفت می کنند و بعضی از منشورات ما و دستگاه‌های فرهنگی ما متأسفانه این را ترویج می کنند؛ باید با این ها مقابله کرد. مساله‌ی آزادی‌خواهی در اندیشه، در عمل فردی، در عمل سیاسی، در عمل اجتماعی و در جامعه که معنای آزادی‌خواهی در جامعه، همان استقلال است؛ از جمله‌ی آرمان ها رشد علمی است؛ از جمله‌ی آرمان ها کار و تلاش و پرهیز از تنبلی و نیمه‌کاره کار انجام دادن است؛ از جمله‌ی آرمان ها، ایجاد دانشگاه اسلامی است؛ این ها آرمان ها است.[۸۷۴]

همه آماده حرکت به‌سمت اهداف و آرمان های اسلامی

نیروهای مؤمن ما در سرتاسر کشور بدانند که حرکت، به‌سمت اهداف و آرمان های اسلامی است؛ در این هیچ تردیدی نیست و همه خودشان را آماده نگه بدارند؛ همه آماده باشند. نیروهای مؤمن، نیروهای اصیل و معتقد در سرتاسر کشور –که بحمدالله اکثریت قاطع این کشور را هم تشکیل می دهند– آماده‌به‌کار باشند. آماده‌به‌کار به معنای آماده‌ی جنگ نیست؛ یعنی هم آماده‌ی کار اقتصادی باشند، هم آماده‌ی کار فرهنگی باشند، هم آماده‌ی کار سیاسی باشند، هم آماده‌ی حضور در میدان ها و عرصه‌های مختلف باشند؛ آماده باشند.[۸۷۵]

آرمان خواهی بسیج

بسیجی، بلندهمت است؛ خواسته های او بزرگ و در حد اعتلای کشور است. خواسته او، نجات همه آحاد بشر و رفع فساد و فقر و تبعیض و بی عدالتی و سلطه دشمن است. او از این که زیر پرچم امریکا یا دیگر قدرت های بیگانه زندگی کند و مثل حیوانات بچرد، بیزار است. برای او فرق می کند و مهم است که چه کسی بر کشور او فرمان براند: یک انسان فاسد و فاسق و فاجر و مزدور بیگانه، یا بندگانِ صالح خدا، او به این که در خانه و در محیط زندگی اش، حکومتِ الله مستقر باشد یا حکومت دَشمنانِ الله، اهمیت می دهد؛ لذا برای این کار می ایستد.[۸۷۶]

نحوه پیگیری آرمان ها

ممکن است کسی بگوید ما این آرمان ها را چه‌جوری دنبال بکنیم؟ ما که در کشور اثری نداریم؛ یک عده مدیرانی هستند، دارند کار خودشان را می کنند؛ ما هم اینجا شعار می دهیم؛ حرف می زنیم. این اشتباه در فهم مساله است؛ هرگز اینجوری نیست. دانشجو تصمیم‌ساز است؛ دانشجو گفتمان‌ساز است. شما وقتی که یک آرمانی را دنبال می کنید، می گویید، تکرار می کنید و به جد پای آن می‌ایستید، این یک گفتمان در جامعه ایجاد می کند؛ این موجب تصمیم‌سازی می شود؛ زیدِ تصمیم‌گیر در فلان مرکز تصمیم‌گیریِ مدیریت کشوری، وقتی که یک چیزی

۸۷۴ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰
۸۷۵ – بیانات مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۹۴/۶/۱۲
۸۷۶– بیانات در دیدار فرماندهانِ نواحی، پایگاه‌ها و گردان‌های بسیج سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸

به‌عنوان یک گفتمان درآمد، مجبور می شود دنبال بکند. یک نمونه‌ی زنده‌اش، همین گفتمان نهضت نرم‌افزاری و احیای حرکت علمی است که مطرح شد، تکرار شد، خوشبختانه استقبال شد و به‌عنوان یک گفتمان درآمد؛ حرکت جامعه براساس آن به‌وجود آمد؛ ده پانزده سال است که ما از لحاظ علمی داریم همین‌طور حرکت می کنیم و جلو می رویم. در همه‌ی زمینه‌ها همینجور است، دانشجو می تواند مؤثر باشد. کسی از عزیزان از قول مرحوم شهید بهشتی، نقل کردند که ایشان فرمودند که «دانشجو مؤذن جامعه است؛ وقتی که خواب بماند، مردم هم خواب می مانند»؛ خوب، تعبیر خوبی است؛ شما می توانید بیدارکننده باشید؛ می توانید گفتمان‌ساز باشید؛ به‌هیچ‌وجه تصور نکنید که این کارهای دانشجویی شما، کارهای بی‌اثری است.[۸۷۷]

چمران‌ها به نحو قاعده، فرآورده دانشگاه باشند

توقعی که ما داریم و این توقع، توقع زیادی هم نیست؛ یعنی آن زمینه‌ای که انسان مشاهده می کند – این روحیه های پرنشاط شما، این دل های پاک و صاف، این ذهن های روشن، این جوّال بودن فکرهای شما که انسان در عرصه‌های مختلف از نزدیک شاهد است – این امید را و این توقع را به انسان می بخشد؛ این است که فرآورده‌ی دانشگاه جمهوری اسلامی – نه به نحو استثناء بلکه به نحو قاعده – چمران‌ها باشند؛ نه این که چمران‌ها یک استثناء باشند. این امید، امید بیجائی نیست؛ اگر در سال ۷۶ ... می گفتند که ده سال بعد یا دوازده سال بعد، چند هزار استاد بسیجی با همین انگیزه‌ها، با همین عشق ها و با همین جهتگیری‌ها در سطح کشور وجود خواهد داشت، هیچ‌کس باور نمی کرد؛ اما شد. ...و این جریان، از صورت یک جریان باریک که بعضی امید نداشتند باقی بماند و بعضی همت گماشته بودند که آن را از بین ببرند؛ به یک جریانی تبدیل شده که دیگر حالا جلوی آن را نمی شود گرفت. جریان عظیم استادان انقلابی و مؤمن و بسیجی در سطح دانشگاه، در رشته‌های مختلف علمی و در رتبه‌های بالای علمی، پس این توقع بیجا نیست؛ وقتی انسان این حرکت را می‌بیند؛ این رشد را می‌بیند؛ این توقع بیجا نیست که ما بخواهیم دانشگاه جمهوری اسلامی، در آینده عناصری مثل چمران را پرورش بدهد. آن وقت شما ببینید چه خواهد شد! چه خواهد شد! نظامی با مطالبات بین‌المللی در سطح اعلا: در زمینه‌ی انسان، در زمینه‌ی حکومت، در زمینه‌ی زن، در زمینه‌ی اخلاق و در زمینه‌ی علم؛ مطالبات امروز ما مطالبات بین‌المللی است.[۸۷۸]

ساخت یک کشور نمونه

ما باید یک کشور نمونه بسازیم و نشان دهیم که اسلام می تواند با اجرای قوانین خود و با حاکمیت خود، انسان ها را از لحاظ نیازهای مادی و معنوی اشباع کند. ما باید عدالت را در واقعِ، در جامعه‌ی خودمان تجسم ببخشیم و روی دست بگیریم؛ به دنیا نشان بدهیم؛ این ها

۸۷۷ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰
۸۷۸– بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲

وظیفه‌ی ماست؛ که این کارها هنوز نشده است. البته کار خیلی دشوار است و ما آن مقداری که تا حالا سازندگی کرده‌ایم، دو برابر آن هم باز باید سازندگی کنیم و البته این اهدافی که من گفتم، به‌طور کامل فقط با سازندگی تحقق پیدا نمی کند؛ ما باید کار کنیم. «الحق اوسع الاشیاء فیالتّواصف و اضیقها فی التّناصف»؛ انسان در زبان می تواند مقصود، هدف و خواسته را خوب بیان کند. شما این قله‌ی الوند را که از پایین نگاه می کنید، به نظرتان می‌آید که رفتنِ روی قله‌ی الوند دم دست است؛ حالا راه بیفت در این پیچ و خم ها تا ببینی که هر قدمش نیرو و نفس و توان وَ اراده می طلبد. اگر بخواهیم به قله‌های بلند انسانیت برسیم – که آنچه که گفتم اینهاست و امروز هیچ‌کدام از کشورهای دنیا به این ها نرسیده‌اند.[۸۷۹]

آرمان‌های انقلاب، مرهون نیرو و نشاط و جسارت جوانی

جوان دانشجو و عنصر انقلابی، نسبتش با آرمان‌های انقلاب چیست؟ بنده معتقدم که آرمان‌های انقلاب ... بدون نیرو و نشاط و جسارت جوانی، قابل تعقیب و قابل دسترسی نیست. نسبت شما با آرمان‌ها، این‌چنین نسبتی است. عقیده‌ی من این است که اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی و اگر نشاط و روحیه و حالت تحرک و همچنین جسارت، یعنی خط‌شکنی‌ها که در جوان‌ها به‌عنوان خصیصه وجود دارد، نباشد؛ ما به آرمان‌ها دست پیدا نخواهیم کرد؛ لذا جوان‌ها در زمینه‌ی دسترسی به آرمان‌ها و تحقق آرمان‌های انقلاب و آرمان‌های اسلامی، دارای مسئولیت‌های بزرگی هستند و کارآمدی بسیار بالایی هم دارند.[۸۸۰]

وظیفه بزرگ، پرچمداری از عدالت و معنویت

شما جوان‌ها با سلاح معرفت، با آگاهی که به دست می‌آورید، بایستی بتوانید این پرچم (عدالت، آزادی و معنویت بر پایه اسلام) را برافراشته نگه دارید. خیلی وظیفه سنگین و بزرگی است.[۸۸۱]

بسیجی عدالت طلب است. عدالت طلبی فقط این نیست که انسان شعار عدالت طلبی بدهد؛ نه باید این را واقعاً بخواهد. عدالت طلبی به این نیست که انسان رودرروی کسی بایستد و بگوید تو عدالت طلب نیستی؛ نه این، ساز و کار دارد. باید جامعه به نقطه‌ای برسد که سیاست‌های عدالت طلبانه در آن طراحی شود و دستگاه اجرایی طوری باشد که سیاست‌های عدالت طلبانه، فرصت عملیاتی شدن و اجرایی شدن پیدا کند؛ والا خیلی سیاست‌های عدالت طلبانه هم مطرح می شود؛ اما سازوکار، آدم ها، مهره‌ها، قلم‌به‌دست‌ها و امضاءکننده‌ها یا علاقه ندارند، یا اعتقاد ندارند، یا همت ندارند، یا حال و حوصله ندارند، یا از همان قبیل «برو بابا دلت خوشه» است؛ لذا کارها متوقف و لنگ می ماند؛ بنابراین، آنجاها را باید اصلاح کرد... برای رسیدن به هر آرزوی بزرگ و هر هدف والایی، سازوکاری وجود دارد؛ این سازوکار را باید جوانِ هوشمندِ فرزانه‌ی دانشجو پیدا کند. بحث جنبش نرم‌افزاری از همین قبیل است؛ بحث آزاداندیشی از همین قبیل

۸۷۹ – بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۶
۸۸۰–بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۲/۵/۶
۸۸۱ – همان

است؛ بحث‌های گوناگونی که در زمینه‌های مختلف اجتماعی می شود، از همین قبیل است.[۸۸۲]

استکبارستیزی

شناخت استکبار

استکبار، یک واژه‌ی قرآنی است که در قرآن درباره‌ی امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حق و حقیقت به‌کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است تا امروز هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه‌ی دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روش ها در هر زمانی تفاوت می کند. امروز هم نظام استکباری وجود دارد؛ رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده‌ی آمریکا است. استکبار را باید بشناسیم، خصوصیات استکبار را باید بدانیم؛ عملکرد و جهت‌گیریِ استکبار را باید بدانیم تا بتوانیم خردمندانه رفتار خودمان را در مقابل او تنظیم کنیم.[۸۸۳]

شناخت نظام سلطه با تمام ابعاد و لایه‌هایش

نظام سلطه را با تمام ابعاد و لایه‌هایش بشناسید و اهداف و راهبردهای واقعی آن را تحلیل کنید و برای رویارویی با آن، تمام ظرفیت‌های خودتان را به‌کار گیرید و در این مسیر به وعده‌های خداوند اطمینان داشته باشید.[۸۸۴]

آنچه که مهم است فراموش نشود، اهداف و شاخص های اصلی است. ... استکبارستیزی، ایستادگی قاطع در مقابل حرکت کفر و نفاق (نه فقط در کشور، بلکه در سطح جهان)، مرزبندی شفاف با دشمنان انقلاب و دشمنان دین، این ها شاخص است. اگر کسی مرزبندی شفاف نمی کند، قدر خودش را کاهش می دهد؛ اگر گرایش پیدا می کند، از دائره خارج می شود؛ این ها آن مبانی و آن خطوط اصِلی است. حرکت انقلاب، حرکت روشنی است؛ حرکت رو به جلوئی است و این حرکت انشاءالله ادامه پیدا خواهد کرد.[۸۸۵]

استکبار ستیزی، مبنای انقلاب

انقلاب در اعتراض به استکبار و عوامل استکبار در ایران به‌وجود آمد و بر این اساس تشکیل شد؛ رشد پیدا کرد، قوی شد؛ منطق استکبار را به چالش کشید. استکبار نمی تواند تحمل کند.[۸۸۶]

آنچه نقطه‌ی مقابل نظام اسلامی است، استکبار است. جهت‌گیری خصومت های نظام اسلامی، با نظام استکبار است؛ ما با استکبار مخالفیم، ما با استکبار مبارزه می کنیم.[۸۸۷]

---

۸۸۲ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی. ۱۳۸۴/۳/۵
۸۸۳–بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۸/۲۹
۸۸۴– پیام شفاهی رهبر انقلاب به تشکل‌های دانشجویی انقلابی ۱۳۹۲/۱۱/۲۳
۸۸۵– بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲
۸۸۶–بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۸/۲۹
۸۸۷–همان

نظام اسلامی با ملت ها طرف نیست، با مردم طرف نیست، با انسان ها طرف نیست؛ نظام اسلامی با استکبار طرف است. از زمان ابراهیم خلیل و نوح پیغمبر و پیغمبران بزرگ و پیغمبر اسلام تا امروز هم همین بوده؛ جبهه‌ی حق در مقابل استکبار قرار داشته است. چرا؟ مقابله‌ی امروز نظام اسلامی با استکبار از چه رو است؟ چون استکبار با این خصوصیاتی که گفتیم، قادر نیست نظام اسلامی‌ای، مثل نظام جمهوری اسلامی ایران را تحمل کند؛ چون نظام جمهوری اسلامی اساساً در اعتراض به استکبار پدید آمده است.[۸۸۸]

امریکا مظهر استکبار

مسأله، مسأله استکبار است؛ بحث یک دولت یا یک رژیم خاص نیست. البته امروز در دنیا مظهر استکبار – با همان معنای زشت و نفرت‌انگیزش – امریکاست؛ والّا مسأله دشمنی با یک نژاد یا با یک ملت یا با یک کشور نیست. مسأله این است که هر ملتی برای خود عزت و شخصیتی دارد و مایل نیست قدرت های بیرونی، با اتکاء به زور یا فریب، آن عزت را بازیچه قرار دهند. هر ملتی ثروتی دارد و مایل نیست که آن ثروت چپاول شود. ... استکبار، یعنی روح تکبر و بی اعتنایی به ارزش های ملت های دیگر و دخالت در امور ملت ها و به خود حق دادن.[۸۸۹]

وقتی میگوییم (بسیج) باید دفاع کند، یک سؤال به ذهن می‌رسد که مگر حمله‌ای وجود دارد که دفاع کند؟ مگر دشمنی هست که باید دفاع کرد در مقابل آن دشمن؟ این سؤال به ذهن می‌آید. شماها جواب این سؤال را به‌روشنی میدانید؛ بله دشمن هست؛ دشمن غدّار، زرنگ، دست‌وپا دار، متقلّب، شیطان‌صفت در مقابل این حرکت عظیم وجود دارد؛ آن دشمن کیست؟ استکبار. البتّه مظهر استکبار، امروز آمریکا است؛ یک روزی انگلیس بود. این دشمن، بیکار نیست، مشغول است؛ دائم مشغول است.[۸۹۰]

این استکبار، مظهرش امروز آمریکا است؛ امّا این دستگاه سیاسی استکبار است، استکبار فقط دستگاه سیاسی نیست؛ دستگاه مالی گاهی مهم‌تر و مؤثرتر است؛ [مثل] این شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ و پول‌دارهای بزرگ دنیا که عمدتاً هم صهیونیست هستند؛ مجموعه‌ی استکبار این‌ها هستند؛ این‌ها دائم مشغول‌اند. درواقع هم زر و هم زور، زر و زور؛ حالا مثلث زر و زور و تزویر را گفتند که مثلث درستی هم هست. ... منظورمان از تزویر فقط تزویر دینی نیست، تزویر سیاسی هم هست؛ یعنی دستگاه‌های سیاسی، دستگاه‌های دیپلماسی، به شدّت در حال تزویر، نقشه‌چینی و توطئه و برنامه‌ریزی و طرّاحی‌اند؛ به چهره‌ی خندان ظاهر می‌شدند، با آغوش باز جلو می‌آیند و در همان حال مثل‌اینکه در بعضی از فیلم‌ها دیده‌اید، طرف را که بغل می‌گیرد، خنجر را هم در قلبش فرومی‌کند؛ بنابراین امروز تزویر شامل تزویر سیاسی و دیپلماسی و مانند این‌ها هم هست که باید به آن توجّه کرد. خب، این دشمنی است،[۸۹۱]

۸۸۸–همان

۸۸۹– بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۸۱/۸/۱۳

۸۹۰ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴

۸۹۱ – همان

تقابل حرکت استکباری و حرکت ارزشی

امروز درگیری جهانی، بین حرکت استکباری و حرکت ارزشی و استقلال ملّی و هویتی است که مظهرش انقلاب اسلامی یا جمهوری اسلامی است؛ دعوا امروز در دنیا این است؛ نه اینکه دعواهای دیگری نیست؛ چرا، بالاخره بر سر یک جیفه هم سگ‌ها به جان هم می‌افتند، باهم دعوا می‌کنند، این هست لکن دعوای اصلی این است، خطّ اصلی و جبهه‌ی اصلی این است؛ لذا دشمن وجود دارد، دشمن حسّاس است.[۸۹۲]

تعطیل ناپذیر بودن مبارزه‌ی با نظام سلطه

مبارزه‌ی با استکبار، مبارزه‌ی با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست. این جزء کارهای ما است، جزءِ کارهای اساسی است؛ جزء مبانی انقلاب است؛ یعنی اگر مبارزه‌ی با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم؛ مبارزه‌ی با استکبار که تمام نمی شود. در مورد مصادیق استکبار، آمریکا اتمّ مصادیق استکبار است. ... مبارزه‌ی با استکبار تعطیل‌پذیر نیست؛ تکلیفش کاملاً روشن است و خودتان را آماده کنید برای ادامه‌ی مبارزه‌ی با استکبار.[۸۹۳]

مبارزه‌ی با استکبار، تعطیل‌پذیر نیست؛ رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده‌ی آمریکا است. استکبار را باید بشناسیم، خصوصیات استکبار را باید بدانیم، عملکرد و جهت‌گیری استکبار را باید بدانیم تا بتوانیم خردمندانه رفتار خودمان را در مقابل او تنظیم کنیم. ما با برخورد غیرخردمندانه در همه‌ی عرصه‌ها مخالفیم؛ ما معتقدیم در همه‌ی عرصه‌ها، در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها، در همه‌ی جهت‌گیری‌های جمعی و فردی باید با درایت و حکمت عمل کرد.[۸۹۴]

باید حواس همه جمع باشد؛ امتحان همیشه هست، برای همه هست؛ حرکت نباید سست بشود؛ جهت حرکت اشتباه نباید بشود؛ جهت حرکت به سمت استکبار است؛ مقابله‌ی با استکبار است. ما هم که اسم آمریکا را بارها می‌آوریم؛ ملت ما، خود ما، {چون} مساله‌ی آمریکا به‌خاطر استکبار است؛ چون آمریکا یک دولت استکباری است، چون روش [آمریکا] استکباری است. ما با آمریکا به‌عنوان یک مجموعه‌ی جغرافیایی یا به‌عنوان یک ملت، به‌عنوان یک مجموعه‌ی انسانی هیچ مساله‌ای نداریم؛ آن هم مثل بقیه‌ی کشورها، مساله‌ی ما با آمریکا، مساله‌ی استکبار آمریکایی است؛ مستکبرند، متکبرند، زورگویند، زیاده‌طلبند. همین حرف هایی که این چند روز، سرِ همین مذاکرات هسته‌ای زدند، شما ببینید؛ چند ماه مذاکره کردند و حالا تمدید کردند؛ [بعد] شروع کردند مثل همیشه حرف زدن.[۸۹۵]

مبارزه‌ی با استکبار، یک حرکت معقول و منطقی

مبارزه‌ی با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما، یک حرکت معقول و منطقی و دارای

۸۹۲ – همان
۸۹۳– بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰
۸۹۴–بیانات در دیدار پنجاه‌هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصلّای امام خمینی (ره) ۱۳۹۲/۸/۲۹
۸۹۵ – بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶

پشتوانه‌ی علمی و یک حرکت خردمندانه است. برخلاف آنچه بعضی می خواهند وانمود بکنند که این یک حرکت شعاری است، احساساتی است؛ متکی به منطق و عقلانیت نیست؛ بعکس، حرکت ملت ایران یک حرکت متکی به عقلانیت است. از دین و آیه‌ی قرآن و آنچه الهام دینی است، فعلاً صرف‌نظر می کنیم؛ «اَشِدّآءُ عَلَی الکُفّار» و «رُحَماءُ بَینَهُم» و «قاتِلوا ائِمَّةَ الکُفر» را فعلاً کنار می گذاریم؛ چون کسانی به این چیزها معتقد هم نیستند یا باور هم ندارند؛ به تجربه‌ی ملت ایران تکیه می کنیم.[۸۹۶]

این را بدانید که این شعار شما «مرگ بر آمریکای شما»، این فریادی که ملت ایران می کشند، این دارای یک پشتوانه و عقبه‌ی منطقی و قوی است؛ دارای پشتوانه‌ی عقلانی است. معلوم هم هست که مراد از «مرگ بر آمریکا»، مرگ بر ملت آمریکا نیست. ملت آمریکا هم مثل بقیه‌ی ملت ها [هستند]، یعنی مرگ بر سیاست های آمریکا، مرگ بر استکبار، معنایش این است؛ این دارای پشتوانه‌ی عقلانی است؛ قانون اساسی ما به این ناطق است؛ تفکرات اصولی و عمیق و منطقی بر این ناطق است و این را برای هر ملتی که تشریح بکنیم، آن را می‌پسندند و می پذیرند و قبول می کنند.[۸۹۷]

آمریکا از ابلیس هم بدتر

امام بزرگوار فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است؛ این «شیطان بزرگ» خیلی حرف پرمغزی است. رئیس همه‌ی شیطان های عالم، ابلیس است؛ اما ابلیس بنا به تصریح قرآن، تنها کاری که می تواند بکند، این است که انسان ها را اغواء می کند؛ بیشتر از اغواء کاری نمی تواند بکند؛ انسان ها را اغواء می کند، فریب می دهد، وسوسه می کند؛ اما آمریکا، هم اغواء می کند، هم کشتار می کند، هم تحریم می کند، هم فریب می دهد، هم ریاکاری می کند. پرچم حقوق بشر را بلند می کند، ادعای طرفداری از حقوق بشر می کند [اما] هر چند روز یک بار در خیابان های شهرهای آمریکا یک بی‌گناهی، یک بی‌سلاحی، به دست پلیس آمریکا به خاک‌وخون می غلتد؛ غیر از بقیه‌ی جنایات و فجایعشان، این هم رفتارشان در ایران، در دوران رژیم طاغوت و جنگ‌آفرینی‌هایشان، جنگ‌افروزی‌هایشان، به راه انداختن جریان های جنگ‌افروز، از قبیل همین هایی که حالا در عراق و سوریه و بقیه‌ی جاها مشغول خرابکاری هستند؛ این ها کارهای آمریکا است. حالا بعضی‌ها اصرار دارند این شیطان بزرگ را با این خصوصیات –که از ابلیس بدتر است– بزک کنند و به شکل فرشته وانمود کنند. چرا؟ دین به‌کنار، انقلابی گری به‌کنار، وفاداری به مصالح کشور چه می شود؟ عقل چه می شود؟ کدام عقلی و کدام وجدانی اجازه می دهد که انسان، قدرتی مثل قدرت آمریکا را به‌عنوان دوست، به‌عنوان مورد اعتماد، به‌عنوان فرشته‌ی نجات انتخاب بکند؟ این[گونه] هستند؛ حقیقت امر این است. بله خودشان را می‌آرایند؛ با ظاهر اتوکشیده، با کراوات، با ادکلن، با ظواهر به ظاهر چشمگیر، خودشان را در چشم افراد ساده‌لوح جور دیگری جلوه می دهند؛ حقیقت رژیم آمریکا این ها است. این در مورد ما است؛ در

۸۹۶ – بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی روز ملّی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۴/۸/۱۲
۸۹۷ – بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی روز ملّی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۴/۸/۱۲

مورد کشورهای دیگر هم همینجور است. ملت بزرگ ایران، این شیطان بزرگ را از کشور بیرون کرد؛ نباید بگذاریم دوباره برگردد؛ نباید بگذاریم از در رفت، از پنجره برگردد؛ نباید اجازه بدهیم نفوذ پیدا کند؛ دشمنی این ها تمام نمی شود.[۸۹۸]

استکبار دشمن اصلی و آمریکا نماد آن است

امروز استقلال این کشور در تمسک به اسلام و عمل به اسلام، در وحدت کلمه و در شناختن دشمن است که دشمن ایران هم امروز استکبار است و رأس استکبار هم امریکاست. این است راه سعادت این ملت، این ملت این راه سعادت را خواهد رفت و همه هم وظیفه دارند که با آنچه که نیاز این زمان است؛ خود را آشنا کنند و به آن پاسخ بگویند. در همه نیروهای فرهنگی و فکری، نیروهای علمی و نیروهای هنری هم این نیروی عظیم بسیج مردمی می تواند پیشرو باشد؛ چون جوان است؛ چون با نشاط است؛ چون از متن مردم اَست. همه نیروهای مؤمن وظیفه دارند که به خدا توکل و اعتماد کنند. راه روشن و منوری که امام بزرگوار بر روی این ملت گشوده است؛ این راه را انشاءالله دنبال کنند؛ خدای متعال هم به آنها برکت خواهد داد، آن ها را کمک و پیروز خواهد کرد. باید هوشیار بود. من امیدوارم که ملت ایران در شناخت دشمن، اشتباه نکند و دشمن را بشناسد. دشمن، استکبار جهانی و امریکاست. دشمن، صهیونیست ها هستند.[۸۹۹]

امریکا چیست؟ امریکا به معنای یک منطقه‌ی جغرافیایی یا یک ملت مطرح است؟ یا نه به عنوان یک حجم و هویت سیاسی، امنیتی، تشکیلاتی، فرهنگی که به چشم دیده نمی شود؟ آن هم تشکیلاتی با پشتوانه‌ی عظیم مالی و تجربه‌ی فراوان در کار تبلیغات و جنگ روانی، بیزاری از این، بیداری مضاعف لازم دارد؛ مثل بیداری در میدان جنگ نظامی نیست که شما اگر در سنگر بیدار باشید، به مجردی که دشمن کوچکترین تحرکی نشان داد، او را هدف قرار بدهید. در جنگ فرهنگی، در جنگ سیاسی، در جنگ امنیتی، تحرک دشمن را درست نمی توان دید. گاهی اوقات، دشمن کار را به گونه‌ای ترتیب می دهد که حرف حقی، از زبان یک نفر صادر بشود! دشمن ناحق و باطل است، پس چرا می خواهد این حرف حق از زبان آن شخص صادر بشود؟ چون می خواهد پازل خودش را کامل کند. این پازل از صد یا دویست قطعه تشکیل شده؛ یک قطعه‌اش هم همین حرف حقی است که آن شخص باید بزند تا این پازل را کامل کند! اینجا این حرف حق را نباید زد. پازل دشمن را کامل نباید کرد؛ در این حد هوشیاری لازم است! بله وارد سیاست بشوید و فکر سیاسی کنید؛ اما بسیار هوشیار، دشمن نباید بتواند از هیچ حرکت و اظهار و موضعگیری شما اَستفاده کند. این، اصل اول و یک خط قرمز است. [۹۰۰]

معنای نظام سلطه

معنای نظام سلطه آن است که کشورها، ملت ها و دولت ها یا باید سلطه گر باشند، یا سلطه پذیر، ... امروز مظهر نظام سلطه، امریکاست. هر سیئه ای که در دنیا براساس نظام سلطه به

۸۹۸ – بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۴/۶/۱۸
۸۹۹ – بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
۹۰۰ – بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه ۱۳۸۶/۲/۳۱

وجود آید؛ حتماً بخشی از گناه آن به گردن امریکاست. معنای نظام سلطه آن است که اگر رژیم امریکا برای خود در نقطه ای از دنیا منافعی فرض کرد؛ حق دارد در آن نقطه حضور قدرتمندانه نظامی پیدا کند و هر کسی را که با منافعش مخالفت کند، بکوبد.[۹۰۱]

اهداف استکباری

دستگاه استکباری، با تشبّث به همه امکانات، درصدد است که قدرت ظالمانه و غاصبانه خود را در هر نقطه‌ای از نقاط عالم که بتواند، گسترش دهد. امروز دولت امریکا، به این قانع نیست که بر کشور و منافع خود تسلط داشته باشد و خود را به عنوان یک کشور و یک ملت، طبق میل و اراده خود اداره کند. آن ها می خواهند در هر نقطه‌ای از عالم که موقعیت جغرافیایی حساسی وجود دارد، حضور داشته باشند؛ هر جا آبراه مهمی وجود دارد، بر آن مسلط باشند؛ هر جا منابع حیاتی زیرزمینی ای وجود دارد، زیر کلید آن ها باشد؛ هر جا پول و قدرت و امکانی هست، آن ها بتوانند بر آن تسلط داشته باشند و هر جا مجموعه‌ای از انسان ها زندگی می کنند؛ تا آنجا که می توانند، اراده خودشان را بر آن مجموعه انسانی تحمیل کنند. استکبار، یعنی این، ما با این کارها، مخالف و مقابل و ضدیم؛ ما نمی توانیم این را قبول و تحمل کنیم. هیچ ملتی هم این را نمی خواهد.[۹۰۲]

دشمنی ها و خصومت ها، دلیلِ زنده بودن انقلاب

شما دانشجویان عزیز، باید بدانید نقش دانشجو برای حرکت انقلابی و پیشبرد آن، همچنان یک نقش زنده است. خیال نکنید که انقلاب تمام شد؛ انقلاب ادامه دارد، اگر انقلاب به معنای ایجاد تحول بنیادین است و نوید نجات و سعادت و صلاح برای قشرهای عظیم محروم و مظلوم را می‌دهدو دشمن‌هایی در برابر جهت‌گیری‌های آن به صف‌آرایی برمی‌خیزند؛ طبیعی است که این کار هنوز جریان دارد و تمام نشده است. دلیلش، دشمنی ها و خصومت هایی است که در دنیا نسبت به ما می‌شودو نیز حمایت ها و محبت ها و صمیمیت هایی است که از طرف ملت های مظلوم دنیا، نسبت به این انقلاب و رهبر آن- که شما این روزها مظهرش را می‌بینید- ابراز می‌شود.[۹۰۳]

نشاط و امیدواری

شکر الهی برای نشاط جوانان

وجود بسیج باید ما را وادار کند به شکر الهی، نشاط جوانان بسیجی باید ما را وادار کند به شکر الهی.[۹۰۴]

۹۰۱- بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۱۳۷۴/۸/۱۰
۹۰۲- بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور طریق‌القدس۱۳۷۶/۲/۳
۹۰۳- بیانات در مراسم بیعت دانشجویان.۱۳۶۸/۳/۲۳
۹۰۴ - بیانات در اجتماع بسیجیان ۱۳۷۹/۷/۲۹

احساس حیات و نشاط در بسیج

امروز بحمدالله جوانان ما از قشرهای مختلف، در بسیج احساس حیات و نشاط می کنند؛ نسل جوان ما قدر می شناسد. امروز در انبوه عظیم جوانان بسیجی ما، برجستگان حوزه و دانشگاه، طلبه فاضلِ ممتاز، دانشجوی درجه یک ممتاز، برنده مدال های بالای مسابقات علمی جهان، دانش‌آموز ممتاز دبیرستان ها، کارگر ممتاز کارخانه‌ها، فرد ممتاز در بخش های مختلف، قاری ممتاز، هنرمند ممتاز، استاد ممتاز و ممتازان قشرهای مختلف، حضور دارند و اجتماع کرده‌اند؛ مگر دشمن می تواند این ارزش والا را با این تبلیغات خصمانه و بیهوده در چشم مردم پایین بیاورد؟[۹۰۵]

نیرو و نشاط و جسارت جوانی، عامل تحقق آرمان ها

جوان دانشجو و عنصر انقلابی، نسبتش با آرمان‌های انقلاب چیست؟ بنده معتقدم که آرمان‌های انقلاب ... بدون نیرو و نشاط و جسارت جوانی، قابل تعقیب و قابل دسترسی نیست. نسبت شما با آرمان‌ها، این‌چنین نسبتی است. عقیده‌ی من این است که اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی و اگر نشاط و روحیه و حالت تحرک و همچنین جسارت، یعنی خط‌شکنی‌ها که در جوان‌ها به‌عنوان خصیصه وجود دارد، نباشد؛ ما به آرمان‌ها دست پیدا نخواهیم کرد؛ لذا جوان‌ها در زمینه‌ی دسترسی به آرمان‌ها و تحقق آرمان‌های انقلاب و آرمان‌های اسلامی، دارای مسئولیت‌های بزرگی هستند و کارآمدی بسیار بالایی هم دارند.[۹۰۶]

امید به شما جوانهاست؛ خودتان را آماده کنید. مساله فقط مساله‌ی جنگ نظامی نیست که بگوئیم خودتان را آماده‌ی جنگ نظامی کنید؛ نه اگر یک روزی اتفاق نظامی هم در این کشور بیفتد، این میلیون ها جوان ایرانی، این پسران، این دختران، این مادران و فرزندان، امتحان خوبی داده‌اند؛ در گذشته نشان داده‌اند که چه می کنند، در آینده هم همین خواهد بود؛ لیکن مساله منحصر به این نمی شود. راه علم، راه تقویت اراده، راه خلاقیت و سازندگی، راه رشد و تکامل را جوان ایرانی باید بپیماید.[۹۰۷]

امید به آینده و چشم انداز زیبا

آینده مال شماست؛ ایرانِ عزیز متعلق به شماست؛ چشم‌انداز را شما می سازید و می آرایید. شما علم را به پیش ببرید؛ فناوری را شما جوان ها باید پیش ببرید. دفاع در همه‌ی حوزه‌های گوناگون را شماها بایستی به عهده بگیرید؛ هم دفاع از حوزه‌ی سیاسی را و هم دفاع از حوزه‌ی اخلاقی و دینی را و هم اگر یک روز پیش بیاید، دفاع از حوزه‌ی نظامی را.[۹۰۸]

---

۹۰۵ – بیانات در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت‌کننده در اردوی یاران امام علی (ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹
۹۰۶–بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۲/۵/۶
۹۰۷– بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹
۹۰۸ – بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۶

افق های روشن و پاک

هرچه که نگاه می‌کنم، به فضل پروردگار، آفاق را روشن و پاک و صاف می‌بینم. خدا را شکر می‌کنیم که امام عزیز را که یک حکیم معنوی بود، به ما داد. خیلی چیزها را این بزرگوار دید، فهمید و به ما آموخت. راه، روشن است، افق ها هم روشن است، دشمن هم خیلی تلاش می‌کند؛ اما تلاش بی‌فایده! پیروزی، متعلق به شما، متعلق به ملت ایران، متعلق به اسلام و متعلق به حق است. البته گفتیم، راه سعادت این ملت، راه آسفالته نیست؛ تلاش سنگین لازم دارد. آن کسانی که صبرشان زود تمام می‌شود؛ آن کسانی که زود به فکر بهره‌برداری از موجودی می‌افتند؛ آن کسانی که سرمایه‌گذاری فراموششان می‌شود؛ آن کسانی که شکاف کوه را با مشاهده‌ی پیروزیِ عمده‌ی قوا، رها می‌کنند و از دشمنِ کمین کرده، غافل می‌شوند و برای جمع غنایم، مأموریتَ خودشان را از دست می‌دهند، این هَا بد می‌کنند؛ اشتباه می‌کنند![۹۰۹]

این کانون عظیمی که شما جزء تشکیل‌دهندگانش هستید، دائماً دارد شعله‌های مقدس و انوار تابناک خود را به سرتاسر دنیای اسلام و جهان بشریت می فرستد و آینده‌ها را روشن تر و افق ها را تابناک تر می کند. این آینده، آینده‌ای است که هر جوانی را که در این کسوت و در این موضع و در این راه قرار دارد؛ امیدوار می کند و امید به انسان شادی می بخشد. ...جوان بسیجی شاد است – شاد واقعی و حقیقی – این امید و شادی را پاس بدارید و از همه‌ی توان و نیروی خود استفاده کنید.[۹۱۰]

این نیروی جوانی را خدا به ما داده، یک چیز دیگر هم خدا به ما داده و آن، تجربه‌ی پیشروی و موفقیت است. ما مثل کشورهای دیگر نیستیم که بگوییم آیا بکنیم می شود؟ نمی شود؟ شاید نشد؟ ممکن است نشود؟ نه ما امتحان کرده‌ایم، حرکت کرده‌ایم؛ اقدام کرده‌ایم و دیده‌ایم که می شود؛ در صورتی که انسان اراده کند. پس این تجربه را هم ما داریم.[۹۱۱]

امید به وعده و نصرت الهی

ما همه باید آماده باشیم؛ در مقابل این جهت‌گیری‌های دشمنان (که دشمنان ما شب‌وروز نمی‌شناسند)، ما هم بایستی شب و روز نشناسیم و همه آماده باشیم و وعده‌ی الهی هم راست است؛ خدای متعال وعده‌اش راست است. ما سوءظن به وعده‌ی الهی نباید داشته باشیم. یک‌بار من اینجا عرض کردم که باید به خدا پناه ببریم و سوءظن به وعده‌ی الهی نداشته باشیم. خدای متعال لعنت کرده؛ الظّآنّینَ بِاللهِ ظَنَّ السَّوءِ عَلَیهِم دآئِرَةُ السَّوءِ وَ غَضِبَ اللهُ عَلَیهِم وَ لَعَنَهُم وَ اَعَدَّ لَهُم جَهَنَّمَ وَ سآءَت مَصیرًا یعنی: خدا لعنت کرده کسانی را که به خدا سوءظن داشته باشند. حُسن ظن به خدا، این است که وقتی می گوید که «اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم»، این را باور کن؛ این

۹۰۹ – بیانات در جمع رزمندگان و بسیجیان بندرعباس ۱۳۷۶/۱۱/۳۰
۹۱۰ – همان
۹۱۱ – بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۶

حسن ظن به خدا است؛ وقتی می فرماید: لَیَنصُرَنَّ اللهُ مَن یَنصُرُه، این را باور کنیم. اگر حقیقتاً نیت ما نصرت دین الهی است –معنای نصرت خدا همین است– بدانیم که خدای متعال نصرت خواهد کرد و تردیدی در این زمینه نداشته باشیم. وقتی انسان با این روحیه حرکت کرد؛ آن‌وقت آن سکینه‌ای که عرض کردیم بر دل های ما انشاءالله نازل خواهد شد.[۹۱۲]

حفظ شور و نشاط

این شور و نشاط را باید حفظ کرد؛ نباید گذاشت و اجازه داد که عوامل گوناگون و مؤثرات گوناگون، این شور و نشاط همگانی را ضعیف کند یا از بین ببرد. مطمئناً یک نقطه‌ی مورد نظر دشمنان پیشرفت این کشور، این است که به ملت ما حالت خمودگی بدهند؛ یعنی همین شور و نشاط را خاموش کنند، این شعله را فروبنشانند. نباید تسلیم این خواست مغرضانه و خصمانه‌ی دشمنان شد. این که شما مشاهده می کنید صدها مرکز رادیوئی و تلویزیونی، به علاوه‌ی صدها مراکز گوناگون سایبری و محیط مجازی، در نقاط مختلف دنیا دارند تلاش می کنند تا پیام یأس و ناامیدی را به اذهان ملت ما تلقین کنند؛ به خاطر همین است. وقتی ناامیدی به وجود آمد، وقتی یأس وجود داشت؛ نشاط از بین می رود و شور و تحرک خاموش می شود.[۹۱۳]

نشاط جوانی و میل حرکت به جلو، مثل تیری به چشم دشمن

آن ها وقتی بعد از بیست‌وپنج سال به صحنه‌ی جامعه نگاه می کنند و این قشر جوانِ مؤمن پُرشور و بااخلاص – مثل شماها – و ایمان اسلامی، خلوص، صفا و نشاط جوانی و میلِ حرکتَ به جلو را در شما می بینند؛ هر کدام از این ها مثل تیری به چشم و به قلب آن ها فرو می رود؛ چه بکنند در مقابل این پدیده‌ی عظیم؟ تهدید به حمله‌ی نظامی می کنند، فایده‌یی ندارد؛ تهدید به محاصره‌ی اقتصادی می کنند، فایده‌یی ندارد؛ محاصره‌ی اقتصادی را تا حدود زیادی عمل می کنند، اثر نمی‌بخشد؛ سعی می کنند در داخل کشور، قشر جوان فعال را به سمت مسائلی که اخلال‌کننده‌ی کارهاست بکشانند؛ با برخوردها مواجه می شوند.[۹۱۴]

توقع ازجوانان

آنچه که ما امروز ازجوانان انتظار داریم؛ عینا همان چیزی است که درروز اول انقلاب و قبل از انقلاب از جوانان انتظارداشتیم. ما از جوان می خواهیم که در عین پاکی و پارسایی و دین داری، با نشاط باشد، پرشور باشد، اهل ابتکار باشد، خلاق باشد؛ کار کند و از تنبلی بپرهیزند. تقوا را برای خودش شعار قرار بدهد، واقعا دنبال تقوا باشد.[۹۱۵]

باید کار کنیم؛ باید تلاش کنیم؛ باید دور را ببینیم؛ باید همت را در خودمان حفظ کنیم؛ باید زانوانمان در راه نلرزد؛ باید خستگی را حس نکنیم؛ اراده‌مان باید تضعیف نشود؛ باید پیش برویم؛

۹۱۲ – بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۶/۱۲
۹۱۳ – بیانات در اجتماع مردم اسفراین ۱۳۹۱/۷/۲۲
۹۱۴ – بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۶
۹۱۵ – بیانات در دیدار با جوانان ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

نه این‌که این ممکن نیست؛ کاملاً ممکن است. چون خدای متعال ابزاری به بشر داده است که با این ابزار همه‌ی کارهای دشوار را می تواند انجام بدهد و آن ابزار، عبارت است از عقل و اراده. ما ملت ایران به توفیق الهی کمک ابزارِ بسیار کارآمدی هم داریم و آن، جوان بودنِ ملت ماست. من همیشه گفته‌ام که این یک نعمت بَسیار بزرگی است.[۹۱۶]

ج. الزامات عنصر مومن و انقلابی

تقوا در اندیشه و عمل

این که دشمنان، با تبلیغات گمراه‌کننده و لغزاننده نمی‌تواند او را بلغزانند، زیرا حقیقت را می‌بیند و در ورای تبلیغات رنگارنگ دشمنان، باطن ظلمانی و خبیث محورها و مراکزی که این تبلیغات را به راه می‌اندازند؛ برای او روشن است. این، نقطه‌ای است که دشمن نمی‌تواند به هیچ کیفیتی آن را نسبت به جوان مسلمان و مؤمن انقلابی علاج و با آن مقابله کند. دلی که از ایمان برخوردار است و منشأ تقوا در اندیشه و عمل است، با تبلیغات دشمنان گمراه نمی‌شود.[۹۱۷]

سینه سپربودن (جوانان) برای انقلاب

واقعاً باید قدر جوانان مؤمن و انقلابی را همه بدانند، همه، این جوانان مؤمن و انقلابی‌اند که روز خطر، سینه سپر می‌کنند. هشت سال جنگ تحمیلی می‌روند توی میدان، این‌ها هستند.[۹۱۸]

متعهد و مسئولیت پذیر در برابر سرنوشت ملت

اگر روزی دشمنی به کشوری حمله‌ی نظامی کند؛ چه کسی در مقابلش می‌ایستد؟ کسی که از همه به سرزمین خود علاقه‌مندتر است؛ به ملت خود علاقه‌مندتر است؛ به زخارف دنیوی بی‌علاقه‌تر است؛ احساس مسئولیت بیشتری می‌کند و متعهدتر است؛ چنین کسی می‌رود دفاع می‌کند. شما دیدید که در دوران جنگ، چه کسانی رفتند دفاع کردند. عمده‌ی میدان ما را بسیج پر کرد.[۹۱۹]

دارای روحیه استکبارستیزی

مؤمن انقلابی ... می‌خواهد که در دنیا، اثری از ظلم و جور نباشد؛ می‌خواهد که گردن‌کشان عالم، میدان گردن‌کشی پیدا نکنند؛ می‌خواهد که زندگی انسان‌ها، زندگی شیرین و سعادت‌مندانه‌ای باشد؛ می‌خواهد که عزت و شرف توحید و دین الهی و پایبندی به آن، مثل پرچم افتخاری، بر سر همه‌ی مسلمانان به اهتزاز دربیاید.[۹۲۰]

---

۹۱۶ – همان

۹۱۷–بیانات در اجتماع بسیجیان سپاهیان لشکر ۲۵ کربلا، ۱۳۸۲/۶/۲۹

۹۱۸–بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

۹۱۹–بیانات در تاریخ ۱۳۷۱/۵/۲۱

۹۲۰– بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رؤسای دفاتر نمایندگی ولی‌فقیه، ۱۳۶۹/۶/۲۹

میانه‌روی و تقوا در رفتار سیاسی

درست است که جوان طلبه‌ی انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ مبادا حرکت انقلابی جوری باشد که بتوانند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوان‌های انقلابی بدانند؛ همان‌طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می‌زند؛ زیاده‌روی هم ضربه می‌زند. مراقب باشید زیاده‌روی نشود.[۹۲۱]

اثرگذار فکری و روانی بر روی محیط

به نظر من، جوانان انقلابی دانشگاه سعی کنند خوب درس بخوانند. خوب فکر و معرفتشان را بالا ببرند. سعی کنند در محیط خودشان اثر بگذارند. فعال باشند، نه منفعل، روی محیط خودشان اثر فکری و روانی بگذارند؛ این شدنی است. یک جوان، گاهی اوقات می‌تواند مجموعه‌ی پیرامونی خودش را –کلاس را، استاد را و حتی دانشگاه را– زیر تأثیر شخصیت معنوی خودش قرار دهد. البته این کار با سیاسی‌کاری به دست نمی‌آید؛ با معنویت به‌دست می‌آید؛ با صفا به دست می‌آید؛ با استحکام رابطه با خدا به دست می‌آید. عزیزان من! رابطه با خدا را جدی بگیرید. شما جوانید؛ به آن اهمیت بدهید؛ با خدا حرف بزنید؛ از خدا بخواهید. مناجات، نماز (نماز با حال و با توجه)، برای شما خیلی لازم است. مبادا این‌ها را به حاشیه برانید.[۹۲۲]

آگاه به تاریخ معاصر کشور

نمی‌دانم، آیا جوانان نسل ما و نسل انقلابی، تاریخچه‌ی این صدوپنجاه، دویست سال را درست خوانده‌اند یا نه؟ من همه‌ی دغدغه‌ام این است که جوان انقلابی امروز، نداند ما بعد از چه دورانی، امروز در ایران مشغول چنین حرکت عظیمی هستیم. تاریخچه‌ی این صدوپنجاه، دویست سال اخیر، از دوران اواسط قاجار به این طرف، از دوران جنگ‌های ایران و روس به این طرف را بخوانید و ببینید چه حوادثی بر این کشور گذشته است.[۹۲۳]

در ک پیچیدگی های زمانه، همراه باشور انقلابی

انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرایط زمانه را درک کند. مسأله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم. اینجوری نمی‌شود؛ باید دقیق باشید. باید شور انقلابی را حفظ کنید. باید با مشکلات هم بسازید. باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید؛ اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مأیوس نشوید؛ در صحنه بمانید.[۹۲۴]

۹۲۱– بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹
۹۲۲– بیانات درجلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۲/۲۲
۹۲۳– بیانات در تاریخ ۱۳۷۱/۵/۲۱
۹۲۴– بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹

رفاقت و صمیمیت با برادران معتقد به ارزش‌های انقلاب

من توصیه می‌کنم برادران مسلمان، برادران انقلابی، برادران معتقد به ارزش‌های انقلاب، هرچه می‌توانند فاصله‌ی بین خودشان را کم کنند؛ با هم دوست و رفیق باشند؛ با هم همکار باشند. علیه یکدیگر جوسازی و فعالیت نکنند؛ اما فاصله را با دشمن‌ها زیاد کنند. این‌ها توصیه‌هایی است که علی‌رغم دشمنان این ملت، در دل جوانان جا گرفته است. هر جا ما این توصیه‌ها را کردیم، احساس کردیم و دیدیم و تجربه کردیم که این نسل جوان مؤمن، با دل‌های روشن و پاک و صافشان و با روح‌های صمیمی‌شان، آن لبّ مطلب را فهمیدند و به کار گرفتند و فوایدش برای کشور آشکار شد. اینجا نیز همین‌طور خواهد بود.[۹۲۵]

حفظ نیروی جوانی برای مقابله با دشمن

نیرویتان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است، برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب اللهی باید در مقابله با دشمن بایستد، حفظ کنید؛ والّا حالا فرض کنیم یک جوان، یا یک دانشجوی فریب خورده ای هم حرفی زد و کاری کرد؛ چه اشکالی دارد؟ من از او صرف نظر می کنم.[۹۲۶]

گسترش کار فرهنگی

من می‌خواهم بگویم، آن جوان‌هایی که در تهران، در شهرهای گوناگون، در استان‌های مختلف، در خود مشهد، در بسیاری از شهرهای دیگر کار فرهنگی می‌کنند با اراده‌ی خودشان، با انگیزه‌ی خودشان کار را هرچه می‌توانند به‌طور جدی دنبال کنند و ادامه بدهند. بدانند که همین گسترش کار فرهنگی در بین جوان‌های مؤمن و انقلابی، نقش بسیار زیادی را در پیشرفت این کشور و در ایستادگی ما در مقابل دشمنان این ملت ایفا کرده است.[۹۲۷]

صراحت داشتن در اتخاذ مواضع انقلابی

فراموش نکنیم که در مقابل ما یک جبهه‌ای وجود دارد (جبهه‌ی دشمن) که بنای بر دشمنی [دارد]. البته این خطاب فقط به مسئولان دولتی نیست؛ همه‌ی آحاد مردم، به خصوص عناصر دلسوز انقلاب و کسانی که آماده‌ی خدمت به انقلاب هستند، بایستی مورد توجه‌شان باشد؛ منته‌ی مسئولیت دولتمردان در این زمینه، طبعاً بیشتر است و بیش از دیگر وفاداران به انقلاب است. به نظر من کاری که علی‌العجاله باید کرد، این است که در اتخاذ مواضع انقلابی، باید صراحت داشت؛ یعنی رودربایستی نکنیم. مواضع انقلابی را، مبانی امام بزرگوار را صریح بیان کنیم، خجالت نکشیم؛ رودربایستی نکنیم؛ ترس نداشته باشیم و بدانیم که «وَ لله جُنودُ السَّموات وَ الاَرض وَ کانَ الله عَزیزًا حَکیمًا». همه‌ی امکانات عالم و سنن عالم، جنود الهی هستند؛ می توان آن جنود الهی را پشت سرِ خود قرار داد و به کمک خود کشاند

۹۲۵-بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک، ۱۳۷۹/۸/۲۴
۹۲۶- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۴/۲۱
۹۲۷-بیانات درحرم مطهررضوی، ۱۳۹۳/۱/۱

با توکل به خدا، با پیمودن راه خدا.[۹۲۸]

مراعات رفتار اسلامی و قانون

من همه‌ی جوان های غیور کشور را، جوان های مؤمنِ انقلابی کشور را فرزندان خودم می دانم و پشت سر آن ها قرار می گیرم. من از جوانان انقلابیَ و مؤمن و غیور حمایت می کنم؛ منته‌ی همه را توصیه می کنم به این که در رفتار خود، با اخلاق اسلامی رفتار کنند؛ قانون را مراعات کنند. همه باید قانون را مراعات کنند؛ تجسم انقلاب در قانون جمهوری اسلامی است.[۹۲۹]

آسیب شناسی و آفت زدایی

آنچه مهم است برای مجموعه‌های گوناگون مؤمن – که در همه جای کشور، در همه‌ی قشرها، بدون هیچگونه اختلافی حضور دارند؛ که اسم آن ها اسم بسیج است؛ توصیف آن ها به بسیج، یک توصیف حقیقی و واقعی است – این است که مراقبت کنند؛ آسیب‌شناسی کنند؛ نگذارند نقشه‌های دشمن در آسیب زدن و آفت وارد کردن توفیق پیدا کند؛ این مهم است. در همه‌ی حرکت های موفق، دو کار لازم است: یک کار، پیش‌بینی‌های راه برای پیشرفت؛ کار دوم، ملاحظه‌ی نقص ها و آفت‌زدائی‌ها و شناخت آسیب ها، برای این که ضعف ها برطرف شود. این هم پیش‌بینی است؛ این هم مثل پیش‌بینی راه پیشرفت، جزء واجبات و فرائض هر حرکت است.[۹۳۰]

آثار وبرکات روحیه انقلابی

پیشرفت های گوناگون در بخش های مختلف

چیزهایی را انسان مشاهده می کند که واقعاً انسان [امیدوار می شود]. گاهی این نمایشگاه‌های پیشرفت های گوناگون را در بخش های مختلف، می‌آورند پیش ما –بعضی‌هایش اعلام‌شدنی است که اعلام می شود؛ بعضی‌ها هم اعلام‌شدنی نیست که اعلام نمی شود ولی ما از نزدیک می‌بینیم– واقعاً دستان این جوان های ما دستان معجزه‌گر است. جوان های کم‌سال، با انگیزه، با ایمان، با توانایی، با قابلیت، با روحیه‌ی خوب و آن‌وقت با توکل به خدا، با صلوات، با نماز، با توجه، با خواندن آیه‌ی قرآن، کارهای بزرگی را دارند انجام می دهند؛ کارهای خوبی را دارند انجام می دهند و انشاءالله این پیشرفت ها در انتظار جمهوری اسلامی است.[۹۳۱]

این رشته‌هایی که شما می شنوید و در آمارهای ما می گویند، ما در دنیا جزء هشت کشوریم، جزء نُه کشوریم، جزء ده کشوریم که این پیشرفت را به دست آوردیم؛ اغلب پیشروان این کارها جوان های متدین اند، جوان های انقلابی‌اند؛ هم در قضیه‌ی هسته‌ای اینجور است، هم در نانو

۹۲۸ – بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به‌مناسبت هفته‌ی دولت ۱۳۹۴/۶/۴
۹۲۹ – بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۱/۱/۱
۹۳۰– بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴
۹۳۱ – بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۶/۱۲

اینجور است؛ هم در خیلی از رشته‌های دیگر تحقیقی که امروز [وجود دارد]. این ها همه دست بچه‌های مؤمن، بچه‌های متدین، بچه‌های انقلابی است؛ این ها هستند که این کارهای بزرگ را انجام دادند. ما بچه‌ها را از گرایش انقلابی و گرایش اسلامی و دینی و میل به معنویت دور کنیم، با این کارهای غلط؟ این غلط ترین کارها است.[۹۳۲]

دفاع از کشور، در هنگام خطر

جوان انقلابی را باید گرامی داشت؛ باید به روحیه‌ی انقلابی گری تشویق کرد. این روحیه است که کشور را حفظ می کند، از کشور دفاع می کند؛ این روحیه است که در هنگام خطر به داد کشور می رسد. سه عامل اساسی اقتدار ملی این ها است: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون و حفظ روحیه‌ی انقلابی گری در همه، به خصوص در جوان ها؛ این ها است که می تواند کشور را حفظ کند؛ آن‌وقت دشمن مأیوس خواهد شد.[۹۳۳]

استحکام و تقویت درونی

یکی از مهم‌ترین راه‌های تقویت درونی، حفظ روحیه‌ی انقلابی گری است در مردم، به خصوص در جوان ها، سعی دشمنان این است که جوان ما را لاابالی بار بیاورند؛ نسبت به انقلاب بی‌تفاوت بار بیاورند؛ روحیه‌ی حماسه و انقلابی گری را در او بکشند و از بین ببرند؛ جلوی این باید ایستاد. جوان، روحیه‌ی انقلابی گری را باید حفظ کند و مسئولین کشور جوان های انقلابی را گرامی بدارند. این‌همه، جوان های حزب‌اللهی و انقلابی را، برخی از گویندگان و نویسندگان نکوبند به اسم افراطی و امثال این ها.[۹۳۴]

د. شناخت مسائل انقلاب

فلسفه انقلاب

برای تداوم راه انقلاب، برای عمق بخشیدن به فکر انقلاب و به این اندیشه‌ی بلند و بزرگ، بسیج شوید. فلسفه‌ی انقلاب، یک بنای فکریِ شامخ است؛ بنایی فکری و دارای آن‌قدر استحکام که توانست یک نظام را که بزرگ ترینِ قدرت های دنیا پشتیبانش بودند، منهدم و زیر و رو کند؛ یک نظام نو به وجود آورد و تمام کسانی را که در دنیای امروز، چیزی شبیه آن نظام منهدم شده دارند؛ به خود بلرزاند! آری؛ به خود لرزیدند. این است که هنوز هم که هنوز است تا حرف می زنند؛ می گویند جلو این صدور انقلاب را بگیرید؛ ما از این صدور انقلاب، خیلی می ترسیم! این یعنی چه؟ یعنی این‌که فلسفه‌ی مستحکم، قوی، خوش بنیه‌ی اسلامی و الهی و قرآنی، همه‌ی کسانی را که وجه مشترک زیادی با آن نظام دارند (که این فلسفه، آن را منهدم

۹۳۲ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰
۹۳۳ – بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۴/۶/۱۸
۹۳۴ – همان

کرده است)، به خود می لرزاند! یک چنین چیزی است. این را به روشنی دریابید؛ اعتقاد و ایمان به آن را در دل های خودتان و در دل های دیگران، عمیق کنید و بدانید آینده‌ی این کشور و آینده‌ی این قرن، متعلق به اسلام و قرآن است. دشمنان خیال نکنند که خواهند توانست سر و ته این انقلاب را که چند سالی است، اسباب زحمتشان شده است، به‌گونه‌ای جمع کنند؛ نخیر، این‌گونه نیست. این یک بنای مبارک و شجره‌ی طیبه‌ای است که «اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلها کل حین باذن ربّها».[۹۳۵]

انقلاب عامل تحول عمیق در ملت

انقلاب آمد و یک تکان سخت و یک تغییر نگرش عمیق به این ملت داد که ملت ما بیدار شد، حرکت کرد، راه افتاد؛ خودش را شناخت و گفت «می توانیم»؛ و توانست، حالا هم پیش رفته است. موتورِ حرکت ما، ایمان ماست و اتکای ما، به خداست؛ تکیه‌ی ما، به راهنمایی ها و هدایت‌های الهیِ است که در معارف دینی و در احکام ما وجود دارد. حرکت ما هم حرکت خوبی بوده و دشمن هم اتفاقاً همین نقطه‌ی اساسی، نقطه‌ی ایمان را بمباران می کند. الان در بین جامعه‌ی ما یک مجموعه‌یی افتخار می کنند و با حماسه، از ایمان خودشان یاد می کنند. این، خیلی باارزش است. این، بسیج است.[۹۳۶]

نقش اسلام در تربیت جوانان مومن و معنوی

بزرگ ترین هنر این انقلاب که امام آن را فتح‌الفتوح انقلاب دانستند، این بود که توانست جوانانی را تربیت کند که در دنیای مادیِ آلوده و از لحاظ اخلاقی، لجنزار، انسان هایی با دل های پاک و نورانی و با تصمیم های راسخ باشند و هوشمندانه و خردمندانه، راه بزرگان بشریت و راه سعادت بشر را انتخاب کنند. هنوز زود است؛ هنوز آن قدری زمان نگذشته است که انسان بتواند چهره‌های منور جوانان این کشور را آن چنان که هست – با همان درخشندگی – ببیند؛ اگر چه از دور می بینند! از دور با فاصله‌های مکانی، تلألؤی جوانان ما، دل هایی را در دنیای اسلام منقلب کرد. در کشورهایی که اسمشان اسلامی بود، اما از گرایش و میل و عزت اسلامی، هیچ خبری در آن ها نبود؛ دختران و پسران بدون این‌که ایران و ایرانی و امام ایران و جوانان ایرانی را دیده باشند، با امواج نورانی که جوانان ایرانی فرستادند؛ منقلب شدند.[۹۳۷]

۹۳۵- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۷۷/۹/۲۵
۹۳۶ – همان
۹۳۷- همان

دوره‌ی اول شهدای دفاع مقدس (تا سال های شصت و یک و شصت و دو) که خیلی جوانان دانشجو و کارگر و کاسب و طلبه به میدان های دفاع مقدس می رفتند و به شهادت می رسیدند؛ چهره‌های نورانیشان در این عکس ها دیده می شد. من یک وقت بر سر بحثی در قضیه‌ی انقلاب فرهنگی و مسائل دانشگاه ها، به دوستانِ آن روزِ ستاد انقلاب فرهنگی گفتم: به داخل خانه‌های همین چهره‌های منور شهدای حزب‌الله بروید و بگویید، آلبوم عکس های چهار، پنج سال پیش آن ها را بیاورند و به شما نشان دهند! بنده خودم این کار را نسبت به بعضی ها کرده بودم؛ دارای چهره‌های عجیب و غریب، موها و آرایش های گوناگون! گفتم: این جوانی که امروز اسوه‌ی دین و تقوا و معنویت است؛ همانی است که عکسش را در آن آلبوم می بینید! چهار، پنج سال پیش، آرایشش، نگاه کردن و مدگراییش، مثل یک مقلد محض نسبت به فرهنگ منحط و فاسد غربی بود و مثل یک موجود پوک، هیچ چیز از درخشش های انسانی را که آدم دوست می دارد در یک جوان ببیند، در او نبود! گفتم: این ها، همان ها هستند که انقلاب مثل کیمیا، مثل اکسیر و ماده‌ای که با زحمت به دست می‌آید – اما به دست می‌آید – مس وجودشان را تبدیل به طلا کرد. این انقلاب، آن اکسیر بود؛ مس ها را طلا و فلزها و ظرفیت ها را عوض نمود. جوانِ انقلاب، این‌گونه بود.[۹۳۸]

کار امام با جوانان، مانند کار پیامبر در صدر اسلام

درست مثل همان کاری که پیامبر در صدر اسلام کرد. وقتی «مصعب‌بن‌عمیر» در جنگ اُحد شهید شد، پیامبر بالای سر او آمد و گریه کرد (طبق آنچه که در روایت و تاریخ هست) و به اصحابش گفت: این جوان در مکه (البته قبل از مسلمان شدنش)، بهترین و زیباترین و فاخرترین لباس ها را می پوشید و با زیباترین آرایش ها می خرامید (به تعبیر من) و همه‌ی مرد و زن مکه به او نگاه می کردند. جوانی طبق ارزش های جاهلی و غرق در همان ارزش ها که همه‌ی همتش در آن روز این بود که لباس زیباتر و فاخرتری بپوشد و چهره‌ی جذاب تری داشته باشد. اسلام، این جوان را منقلب و تبدیل به یک قهرمان و یک آدم معنادار کرد. مدت ها قبل از آن هم که پیامبر از مکه به مدینه هجرت کند، برای این‌که یثربی های آن روز، قرآن یاد بگیرند، این جوان را فرستاد؛ پیرمرد هم دور و بر خود داشت، ولی این جوان را فرستاد و او معلم قرآن اهل یثرب شد! در جنگ اُحد هم به شهادَت رسید. روی خاک های داغ بیابان افتاده بود؛ پیامبر ایستاد، به جسد مطهر او نگریست و بنا کرد گریه کردن.[۹۳۹]

ایجاد تحول در ارزش های جوانان

این انقلاب است، انقلابِ ارزش ها یعنی این؛ یعنی آن چیزهایی را که برای یک جوان، مهم است تغییر می دهد. برایِ یک جوان، مهم این بود که فلان عطر را بزند، فلان نوع کفش را

۹۳۸- همان
۹۳۹- همان

بپوشد، موهایش را فلان طور آرایش کند و در فلان خیابان، یک ساعت، دو ساعت راه برود! نه به فکر پیشرفت و آبادانی کشور، نه به فکر پرکردن شکم فقرا، نه به فکر اندکی سر و صورت دادن به اوضاع کشور، نه به فکر اندکی آباد کردن و نورانی کردن دل خود! غرق در همین مسائل مادی که نقطه‌ی اوجش – فرضاً – یک شهوت‌رانی در امور جنسی، یا در امور خوراکی بود!

عزیزان من! جوانی این‌گونه می گذشت و انقلاب آن را تبدیل کرد؛ مثل این‌که گوهر گران قیمتی به دست یک مشت بچه‌ی نادان بیفتد؛ در کوچه‌ها و خیابان ها با آن تیله‌بازی کنند؛ بعد کسی بیاید و آن را تمیز و قیمت گذاری کند و در جای مناسب خودش مصرف نماید. این جوانی همان گوهر گران بهایی بود که در فرهنگ و رژیم گذشته، بر اثر تبعیت کورکورانه از فرهنگ غربی، بی ارزش شده بود. مصلحت سیاستمداران آن روز این نبود که جوانان فکر کنند، چیزی بفهمند و در راه حقیقی، در راه اصالت ها، در راه خدا، در راه معنویت و در راه خودسازی حرکتی کنند و برایشان مایه‌ی دردسر بود؛ لذا استقبال می کردند که جوانان به فساد گرایش پیدا کنند.

انقلاب آمد و آن گوهر را به جوانان شناساند. جنگ تحمیلی هم میدانی برای بروز این گوهر تابناک در وجود جوانان شد و الحمدلله بعد از جنگ هم ادامه پیدا کرده است. من به شما می گویم بدانید که دشمن، همین نقطه را هدف قرار داده است! اگر نورانی کردن جوانان و متوجه کردن آن ها به اهمیت مصرف کردن جوانی، در راه ارزش های والا، نقطه‌ی فتح‌الفتوح انقلاب است؛ فتح‌الفتوح استکبار و ضد حمله‌ی استکبار هم این است که همین نقطه را از جوانان بگیرد؛ باز جوانان را سرگرم فساد، آلودگی، بدفهمی و بحث های پوچ و بیهوده‌ی شبه فلسفی کند که هیچ حقیقتی پشت سرش نیست و فقط برای گفتگو کردن و سر و کله زدن و ساعتی وقت گذراندن (بدون این‌که هیچ فایده‌ای در آن باشد) و غافل کردن آن ها از حقیقت، از راه زندگی، از آرمان های انقلاب و از انتظاری که این ملت و انقلاب از جوانان دارد، به کار می رود! اگر العیاذبالله، استکبار بتواند (که نخواهد توانست)، مطمئناً نمی گذارد، دل های پاک و فکرهای مصمم و اراده‌های نیرومندی که بحمدالله در کشور ما هم فراوان است، که دشمن فائق آید؛ بعضی را دچار آلودگی اخلاقی، بعضی را دچار آلودگی ذهنی، بعضی را دچار دغدغه، دچار افسردگی و دچار نومیدی می کند. هر کسی را به یک نحوی مشغول می کند و سعی دارد این نسل جوان شادابی را که انقلاب به میدان آورد، از میدان پراکنده کند. شما جوانان دانشجو و مؤمن؛ شما جوانان بسیج دانشجویی، به این نکته توجه کنید. من در آن پیام هم گفتم – بارها گفته‌ام – بسیج دانشجویی، یعنی آن حرکت مؤمنانه‌ی انقلابی نسل جوان دانشجو، این معنای بسیج دانشجویی است. اگر نسل جوان دانشجو بخواهد یک حرکت مؤمنانه‌ی انقلابی انجام دهد، معنایش بسیج شدن این قشر در راه خداست. البته امروز جنگ نداریم؛ لذا این بسیج، ماهیت و هویت نظامی پیدا نمی کند.[۹۴۰]

۹۴۰- همان

تغییر تاریخ و باز کردن راه جدید در مقابل بشر

عزیزان من! این انقلاب، پدیده‌ی بسیار عظیمی است. مسأله‌ی این انقلاب، حتی به تشکیل نظام جمهوری اسلامی، محدود نمی شود. این انقلاب، تاریخ را عوض کرده و یک راه جدید در مقابل بشر به‌وجود آورده است؛ – چه برسد به ملت های اسلامی – این انقلاب، حادثه‌ی بی سابقه‌ای است. من یک وقت تاریخ انقلاب ها را مقایسه‌ای کوتاه کردم (میان این انقلاب و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی سابق و انقلابِ کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹؛ دویست و چند سال قبل)، این ها با هم خیلی تفاوت دارد. اصلاً این انقلاب از نوع آنِ انقلاب ها نیست؛ پدیده‌ی عجیبی است. سیاستمدارانِ باهوش صهیونیستِ دنیا دیده‌ی، پا رو دُم ساییده‌ی رند، فهمیدند که این انقلاب، انقلاب عظیمَی است و باید با آنَ مقابله کنند. آن ها با این نیت، بَرنامه‌ریزی می کنند. آن ها درواقع از این حرکت عظیم در سطح تاریخ واهمه دارند؛ لذا برنامه‌ریزی های بلند مدت می کنند؛ برای این‌که بتوانند ملت و در درجه‌ی اول جوانان را – که جوانان امروز، در واقع همه‌ی جمعیتِ فرداست – از این انقلاب، جدا کنند. اهمیت کار شما و این «طرح ولایت» و این زحمات حقیقتاً ارجمندی که برای این‌گونه کارها کشیده می شود، در اینجاست.[۹۴۱]

حذف دیوارهای بین اقشار ملت

هنر انقلاب این بود که آمد دیوارها را از وسط برداشت. ما توی خانه‌های کوچک، با دیوارهای بلند زندگی می کردیم و از هم خبر نداشتیم؛ انقلاب آمد این دیوارها را برداشت و این خانه‌های کوچک را تبدیل کرد به یک عرصه‌ی وسیع؛ عرصه‌ی ملت ایران، ملت انقلابی؛ دانشجومان با طلبه بد بود؛ طلبه‌مان با دانشجو بد بود؛ استادمان با بازاری بد بود؛ بازاری‌مان با کشاورز بد بود؛ بین خودمان دیوارکشی کرده بودیم. انقلاب آمد این دیوارها را برداشت؛ ما حالا باز دوباره بیائیم دیوارکشی کنیم؟! آن هم دیوارهای نادرست و ناحق؛ نه مبانی روشن است؛ اصول روشن است؛ جهت روشن است. هر کی در این جهت با این مبانی دارد حرکت می کند، جزء مجموعه است. این را توجه داشته باشید.[۹۴۲]

شکوفا نمودن استعدادهای ملی

انقلاب اسلامی، عزت اسلام را برروی دست گرفت و به همه دنیا نشان داد. انقلاب اسلامی نشان داد که اسلام می تواند به یک ملت، سرافرازی و عزت دهد؛ یک ملت را از زیربار فشار و تحمیل بیگانگان نجات دهد و از حالت تحقیری که بر آن ملت تحمیل کرده‌اند؛ بیرون بکشد. می تواند استعدادهای یک ملت را در همه میدان ها بروز و ظهور بخشد؛ می تواند به یک ملت، قدرت دفاع از خود، قدرت دفاع از عقاید و از هویت و شخصیت خود بدهد. انقلاب اسلامی این را نشان داد؛ لذا آن وقتی که انقلاب اسلامی پیروز شد و وقتی امام بزرگ ما – آن شخصیت عظیم، آن شخصیت بی‌نظیر در زمان ما – توانست از زبان این ملت، سخن بگوید، همه مسلمانان عالم

۹۴۱– همان
۹۴۲– بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲

احساس افتخار و حیات کردند؛ احساس کردند که زنده شده‌اند. این خون تازه‌ای که در رگ های امت اسلامی دوید.[۹۴۳]

عزت و اقتدار بخشیدن به ملت و کشور

(انقلاب اسلامی)، دشمنان را بسیار دستپاچه و سراسیمه کرد. آن ها نیروهایشان را روی هم گذاشتند تا با این پدیده عظیم (اسلام انقلابی که امروز آن را یک ملت فریاد می کند)، مبارزه کنند. از روز اول تا امروز – در طول این بیست سال – مبارزه کردند! مبارزه با چیست؟ مبارزه با عزت و استقلال ملت ایران و مبارزه با هویت ملت ایران است؛ اما چون اسلام است که این عزت را داده و به ملت ایران، هویت بخشیده است؛ چون اسلام است که به ملت ایران قدرت بخشیده است تا بتواند آرمان ها، آرزوها و خواست های خود را علناً بر زبان آورد و آن را دنبال کند و از اخم قدرت ها و دست نشاندگان آن ها و حکومت های فاسد نترسد؛ چون اسلام است که این امتیاز را به ملت ایران بخشیده است؛ با اسلام دشمن اند.[۹۴۴]

عشق و ایمان، همت و بصیرت، ارمغان انقلاب به مردم

عشق و ایمان، همت و بصیرت، این ها را انقلاب به مردم ما و جامعه‌ی ما داد؛ لذا انقلاب شد همان شجره‌ی طیبه‌ای که در قرآن از آن نام برده شده است: «أ لم تر کیف ضرب اللّه مثلا کلمهٔ طیّبهٔ کشجرهٔ طیّبهٔ». کلمه‌ی طیب، مثل درخت نیکونهاد و سالم و طیب است. «اصلها ثابت و فرعها فی السّماء»؛ ریشه‌دار، دارای ریشه‌ی عمیق و مستحکم و دارای شاخ و برگ فراگیر، «تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربّها»؛ میوه‌ی مطابق فصل، میوه‌ی مطابق نیاز در اختیار و در دسترس جامعه قرار می دهد. این کلمه‌ی طیبه است؛ انقلاب یک چنین چیزی است. حرکت انقلابی ای که امام بزرگوار ما – آن رهروِ حقیقیِ راه طیبین و اولیاء و شهدا و معصومین و صدیقین – در مقابل پای ما گذاشت؛ همان کلمه‌ی طیبه است. یک روز نیاز، حرکت دفاعی در درون جامعه بود؛ یک روز نیاز، حرکت دفاعی در مرزهای کشور بود؛ یک روز نیاز به علم و دانش است؛ یک روز نیاز به تحکیم عقاید و ایمانهاست، یک روز نیاز به خدمتگزاری است؛ در همه‌ی این شرائط، میوه‌های متناسب با فصل در اختیار مردم گذاشته می شود؛ این حرکتِ انقلاب است.[۹۴۵]

تداوم و جوشش انقلاب، مثل آتشفشان

بعضی آدم های یاوه‌گو و سطحی، خیال می کنند که کاری انجام نشده است. آن ها می گویند: رفتن به جبهه چه فایده‌یی داشته است؟! یا بعضی دیگر می گویند: رفتیم، زحمت هم کشیدیم، کار هم کردیم؛ ولی نتایج انقلاب کجاست؟! این ها، خیلی ظاهربین و سطحی نگرند. این ها، نمی فهمند چه حادثه‌یی در شرف اتفاق افتادن در این کشور است و الان هم دایم در حال اتفاق

۹۴۳ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۸/۹/۳
۹۴۴ – همان
۹۴۵– بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱

افتادن می باشد. خیال نکنید که انقلاب تمام شده است؛ خیر، انقلاب مثل آتشفشانی است که تمام شدن ندارد و مثل جویباری است که اگر آنجا نجوشد، اینجا خشک خواهد شد. می بینید که اسلام و قرآن در جریان است و می جوشد و همچنان دشمن را می لرزاند و می ترساند و دوست ها را شاداب می کند و قوت می دهد.[۹۴۶]

امام نماد رهبر الهی و بیدارگر بزرگ انقلاب

حاکمیت الهی از اینجا شروع می شود: اول دلمان را بنده‌ی خدا کنیم؛ خدا را بر دل و بر وجودمان حاکم نماییم و بعد در سمت ایجاد حاکمیت «اللّه» بر کل فضای زندگی جامعه و کشور، حرکت کنیم؛ تا بعد به دنیا برسیم. انسان هایی با این خصوصیت می توانند کار کنند و پیش بروند و امام، حقیقتاً در این میدان، امام و رهبر الهی بود؛ لذا فریادی که او سرداد، فریاد اسلام و فریاد خدا بود و به برکت نام و راه خدا، با دل ها رابطه برقرار کرد و دل ها را در قبضه گرفت. همیشه همین‌طور است که وقتی پای یک امر الهی به میان آمد؛ بافته‌های طاغوتی به خودی خود کنار زده می شوند. مهم این است که آن امر الهی، آن عزم و آن اقدام الهی، قدم به میدان بگذارد: «فاذا دخلتموه فانکم غالبون». کنار که بنشیند، هیچ اثری ندارد. بزرگ ترین انسان ها، بالاترین تقدس ها و دانش ها، وقتی وارد میدان نشود و کنار بنشیند، همه‌ی امواج از روی سر او رد خواهد شد و عقب می ماند؛ اما وقتی که آنچنان ایمان و عزمی، آنچنان دانش و دل پرنور و با صفایی وارد میدان شد؛ آن وقت: «سحر با معجزه پهلو نزند، دل خوش دار». هر سحری با آمدن معجزه، باطل می شود. وقتی عصای موسی وسط آمد، «ما جئتم به السّحر» آن چیزی که شما به میدان آورده‌اید، جادو و فریب است؛ حقیقت نیست. حقیقت، عصای موسی

است که وقتی وارد شد؛ همه‌ی آن سحرها مثل سایه‌ای که در مقابل فروزش یک چراغ از بین می رود؛ از بین رفتند. امام این کار را کرد؛ لذا دل ها جذب شد. بعضی تعجب می کنند و در تحلیل این پدیده مانده‌اند که چطور شد در آن نظام فاسد و باطل که همه‌ی عوامل فرهنگی، جوانان را به سمت فساد سوق می داد؛ ناگهان جوانان جلو آمدند و این انقلاب عظیم، راه افتاد! علت، این است. این تحلیل جامعه شناختی و روان شناختی کاملا واضحی هم دارد. امام با مَرکبی وارد این میدان شد که هر که بر آن مَرکب، سوار باشَد؛ می تواند همه‌ی خفتگان سالم را بیدار کند. نسل جوانِ مؤمن شکل گرفت؛ بعد امتحان جنگ پیش آمد.[۹۴۷]

انقلاب حقیقتی خدائی و متکی به ایمان ها

انقلاب یک حقیقت خدائی است، متکی به ایمانهاست؛ متکی به احساسات عاشقانه است؛ متکی به بصیرت است؛ مگر تمام می شود؟ لذا من بارها گفته‌ام، الان هم می گویم: نسل جوان امروز ما که نسل سوم انقلاب است؛ از جوانان نسل اول اگر ایمانشان قوی تر نباشد، پرشورتر نباشد، بصیرتشان روشن‌تر نباشد، یقیناً عقب تر نیستند. آن روز بسیاری از افراد وارد میدان ها می شدند،

۹۴۶- بیانات در دیدار جمعی از رزمندگان بسیجی نمونه‌ی سراسر کشور ۱۳۶۸/۹/۵
۹۴۷- بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۸/۶/۱۳

نمی توانستند بمانند. جوانِ امروز با این همه وسوسه‌ها، با این همه ابزارهای انتشار مادیگری و شهوت و خودپرستی، وقتی که به پای انجام وظیفه می رسد، اینجور جانفشانی می کند؛ اینجور وارد میدان می شود. این خیلی باارزش است؛ خیلی باارزش است.[۹۴۸]

جوان ها موتورهای قویِ پیشبرنده انقلاب

اگر صحبت کارهای فناوری پیچیده است، همین جوان ها هستند؛ انرژی هسته‌ای را هم جوان های ما دارند سر پا می کنند. در سلولهای بنیادی هم جوانهای ما دارند فعالیت می کنند و در فناوری زیستی، فناوری نانو و انواع و اقسام فناوری ها، هر جا می رویم، جوانهایند؛ جوان هائی که نه دوران جنگ را دیدند، نه امام را ملاقات کردند، نه از اول انقلاب خاطره‌ای دارند. پس این حرکت، حرکت پوینده و بالنده است. به میدان عمل و خدمت و تلاش که می رسیم، همین حرکت عظیم بسیج سازندگی را می بینیم؛ به میدان سیاست و اعلام حضور که می رسیم، حرکت ۹ دی را می بینیم، حرکت ۲۲ بهمن را می بینیم، حضور عظیم در انتخابات را می بینیم؛ این ها معناش چیست؟ معناش این است که امروز جوانان ما – که اکثریت قاطع ملت ما هستند – و عموم ملت ما در همان جهت حرکت انقلاب اسلامی و با همان ضرب دست انقلاب، رو به فزایندگی هستند؛ دارند پیش می روند. پس ما پیش رفتیم. دشمن، درست نقطه‌ی مقابل است. آن روز قوی تر بود، امروز ضعیف تر است؛ آن روز امیدش بیشتر بود و می گفتند ما سه روزه، بعد می گفتند در ظرف یک هفته، بعد می گفتند در ظرف دو ماه، انقلاب را، نظام را، از بین می بریم. امروز چنین حرف های گزافی کسی از این ها نمی شنود؛ ناامید شدند، عقب‌نشینی کردند؛ پس این حرکت، حرکتِ رو به جلوست.[۹۴۹]

ما در این پیچ عظیم تاریخی داریم با احتیاط، با تدبیر، با حواس جمع و با نیروی زیاد جلو می رویم و این به برکت چند عامل اصلی است؛ یکی از این عوامل، شما جوان ها هستید. شما دارید کشور را جلو می برید. یکی از موتورهای قویِ پیشبرنده، حضور جوانهاست. همه باید حضور جوان ها را قدر بدانند و انشاءالله روزبه‌روز گسترش این روحیه در بین جوان های ما بیشتر شود؛ چه در دختران، چه در پسران؛ چه در محیط دانشگاه، چه در محیط دبیرستان ها؛ چه در محیط های گوناگونِ اجتماعی دیگر و این خواهد شد. حرف های یأس‌آلود، حرف های ناشی از افسردگی – که غالباً علتش هم نومیدی و افسردگیِ گوینده‌ی همین حرفهاست – راه به جائی نخواهد برد.[۹۵۰]

جنگ، همچون کوره ای جوانان را آبدیده کرد

امتحان جنگ مثل کوره‌ای که شمشیر را آبدیده می کند، جوانان را آبدیده کرد. این نسل، به خصوص آنهایی که به میدان رفتند و حتی آنهایی هم که توفیق رفتن به جبهه را پیدا نکردند؛

۹۴۸- بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱
۹۴۹- همان
۹۵۰- همان

آبدیده شدند. البته نه آنهایی که عمداً پشت کردند؛ آن ها بِعکس! آنهایی که از روی ترس و ضعف و عناد و تن‌پروری پشت کردند؛ آبدیده نشدند. معمولاً امتحان، دو طرف دارد؛ یک طرف را قبول و یک طرف را رفوزه می کند. آنها رفوزه شدند؛ اما کسانی که از روی اِعراض نبود، بلکه پیش نیامد، توفیق پیدا نکردند، یا توانایی آن را پیدا نکردند – اِشکال سنی، یا اشکال کاری داشتند – اما دلشانِ با جبهه بود، حتی آن ها هم آبدیده شدند؛ یعنی در حقیقت، اکثریت ملت ایران؛ جنگ، حقیقتاً کوره‌ای بود که جوانان و بقیه‌ی مردم را آبدیده کرد. از همان وقت، برنامه‌های دشمن هم شروع شد.[۹۵۱]

نظام اسلامی، نظام عدالت، خدمتگزاری و اخوت

نظام اسلامی، بینات و واضحات و امر و نهی ای دارد. نظام اسلامی، نظام عدالت است؛ هر بی عدالتی ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام قسط است؛ هر تبعیضی محکوم است. نظام اسلامی، نظام استقلال ملی است؛ هر نوع وابستگی ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام اخوت و برادری و پیوندهای قلبی آحاد ملت است؛ هر نوع تفرقه‌افکنی محکوم است. نظام اسلامی، نظامی است که مسؤولان، خدمتگزار مردم و برای مردمند؛ هر نوع جدایی بین مسؤولان و مردم محکوم است. این‌طور نیست که بشود، در این نظام کسانی بیایند که بر طبق میل دشمنان این ملت و برخلاف جهت کلی این نظام و این مردم و حرکت مردم در جهت اسلام، تلاش کنند و نظام اسلامی هم بیکار و ساکت و بی تفاوت بماند. مگر چنین چیزی ممکن است؟! همه آحادی که اهل فکر و اهل تأمل در مسائل اند؛ باید برروی این مسأله فکر خود را متمرکز کنند. امروز این کشور با این اِمکانات وسیع، با این جمعیت جوان، با این آفاق روشن آینده، با این پیشرفت هایی که بحمدالله در زمینه‌های مختلف در این بیست سال به وجود آمده است، با زمینه‌های مضاعفی هم که برای پیشرفت وجود دارد؛ مصحلتش در این است که حکیمانه و خردمندانه و شجاعانه، راه اسلام را – که دنیا و آخرتِ او را تأمین می کند – پی بگیرد و دنبال کند. دشمن، فریب و تبلیغات اغواگر خود را هم قطع نمی کند؛ نباید تسلیم تبلیغات اغواگر دشمن شد. آن کسانی که سعی می کنند با شعارهای انحرافی در میان مردم، ذهن مردم را از حرکت عمومی اسلامی و ایمانی آن ها جدا کنند، به نفع دشمن کار انجام می دهند؛ چه بفهمند، چه نفهمند؛ چه بدانند، چه ندانند.[۹۵۲]

دنیای اسلام تا وقتی انقلاب عظیم اسلامی پیش نیامد، یک نظام مبتنی بر تعالیم اسلام و هدایت اسلامی را تجربه نکرد. این انقلاب درست در خط جهت‌گیری ائمه (علیهم‌السّلام) قرار داشت. ما اگر در این بیست‌وهفت سال توانستیم و در وسع و قدرت ما بود که حرکت خود را با همان نواخت و آهنگی که ائمه (علیهم‌السّلام) پیش می رفتند، تنظیم بکنیم، امروز به قله‌های خیلی رفیعی رسیده بودیم؛ منته‌ی ما ضعیف و ناقص هستیم. آنچه پیغمبر اکرم در ظرف ده سال حکومتِ خود انجام داد، جوامع معمولی و رهبران معمولیِ مؤمن به همان راه،

۹۵۱– بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۸/۶/۱۳
۹۵۲ – بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۸/۶/۱۰

در ظرف صد سال هم نمی توانند انجام بدهند. نواخت کار و آهنگ حرکت ما، آهنگی است که از ضعف‌های ما سرچشمه می گیرد. ما در جنب آن انسان‌های قدسی و بزرگ، انسان‌های ضعیفی هستیم؛ ولی به‌هرحال حرکت کردیم و به قدر وسع و توان خود پیش رفتیم.[۹۵۳]

دشمنی با اسلام انقلابی و اسلام امام

دشمنی با اسلام انقلابی، اسلام امام، اسلام زندگی بخش، اسلامی که وقتی پرچمش برافراشته می شود، همه دنیا را به خود متوجه می کند؛ همچنانی که امروز هم همین‌طور است. دشمنی با این اسلام به‌خاطر این است که اسلام، دست بیگانگان را از اینجا کوتاه کرد و منابع این کشور را از دست بیگانگان نجات داد؛ لذا امروز خدمت به ایران و خدمت به ملت ایران، عبارت از خدمت به اسلام است. هرکس که امروز اسلام انقلابی، اسلام امام، اسلام زندگی بخش و اسلام مبارزه با ظلم و ستم را گرامی بدارد – نه آن چیزی که به نام اسلام در مقابل ظلم و ستم، تعظیم می کند! آن اسلام نیست، فریب است – هرکس که امروز اسلام حقیقی و به تعبیر امام بزرگوار ما اسلام ناب محمّدی را تأیید و حمایت کند؛ اوست که برای ایران و ملت ایران، برای تاریخ ایران و آینده ایران و یکایک آحاد این ملت خدمت می کند. بسیجیان این امتیاز را دارند که در میدان این خدمت آماده‌اند.[۹۵۴]

ریزش ها نشانه تمام شدن ذخیره معنوی بعضی ها

عده‌ای خیال کردند، انقلاب کهنه شد یا کهنه‌شدنی است. اعلام کردند انقلاب تمام شد! خودشان تمام شده بودند؛ خودشان ذخیره‌شان ته کشیده بود، قادر به ادامه‌ی راه نبودند؛ دنیا را، جامعه را، انقلاب را به خودشان قیاس کردند؛ اشتباه کردند. «نسوا الله فأنساهم انفسهم»؛ وقتی با خدا قطع رابطه شد، انسان حتی خودش را هم درست نمی تواند بشناسد؛ چه برسد به جامعه‌اش، چه برسد به آرمانهایش؛ چه جور انسان با خدا قطع رابطه می کند؟ وقتی که هوس ها، گرایش های مادی، خودمحوری ها بر جان انسان غلبه پیدا کرد و این جاذبه‌ها مثل تار عنکبوتی، حشره‌ی ضعیفِ همت و ایمان آن ها را در خود فرا گرفت، آن وقت متوقف می شوند. اینجوری داشتیم؛ در گذشته هم داشتیم؛ در آینده هم خواهیم داشت؛ این ها ریزش ها هستند. آن کسانی که از راه انقلاب و مسیر انقلاب باز می مانند، لزوماً کسانی نیستند که از اول، کمر دشمنی با انقلاب بسته‌اند. وقتی که انگیزه‌ی مادی بر انسان غلبه کرد، در راه می ماند؛ وقتی هدف های کوچک و حقیر شخصی: رسیدن به مال و منال، رسیدن به تجملات، رسیدن به ریاست، رسیدن به قدرت، برای انسان شد هدف؛ هدف اصلی از یاد می رود. در یک مسیر وقتی که ما در پی آن هستیم که به محلی، به هدفی برسیم، اگر در راه سبزه‌زاری، یک چشمه‌ای، قهوه‌خانه‌ی خوبی پیدا شد و پامان سست شد و آنجا را هدف فرض کردیم، دلمان خوش شد به این که این لحظه را خوش بگذرانیم، هدف از یاد خواهد رفت؛ از راه خواهیم ماند. این بلائی بود

۹۵۳ – دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۸۴/۹/۷
۹۵۴ – همان

که سر بعضی آمد، دیگران را هم به خودشان قیاس کردند، گفتند انقلاب تمام شد؛ گفتند امام فراموش شد؛ اشتباه می کردند.[۹۵۵]

شکست، سرنوشت همه دشمنان انقلاب و امام

امروز صدام کجاست؟ صدامی که آن ها برای مقابله‌ی با ملت عزیز ایران و با انقلاب اسلامی و با امام بزرگوار پیش کرده بودند؛ اول به شدت ذلیل شد، بعد هم با نکبت مرد و از دنیا رفت؛ اما امام زنده است؛ انقلاب زنده است، فرزندان امام زنده‌اند؛ ملت امام زنده است. این یک تجربه است؛ همه‌ی کسانی که سینه سپر می کنند و پیش کرده‌های جبهه‌ی جهانیِ استکبارند که در مقابل ایران اسلامی قرار می گیرند، به همین سرنوشت دچار خواهند شد. اینَ تجربه است و در آینده هم همینجور خواهد بود. امام زنده خواهد ماند، انقلاب زنده خواهد ماند، شما زنده خواهید ماند؛ دشمنان شما منکوب و نکبت‌زده از سر راه خواهند رفت. این حرکت باید به قله‌های عالی اهداف انقلاب برسد و به فضل پروردگار و به حول و قوه‌ی الهی خواهد رسید.[۹۵۶]

ه. هشدارها و انذارها

هوشیاری و پرهیز از محافظه کاری

مگر مجموعه ی بسیجی – آن هم بسیجیِ انقلاب و دانشجوی انقلاب – می تواند نسبت به مسائل سیاسی کشور بی تفاوت یا بدون موَضع و بدون نظر باشد؟! مگر چنین چیزی ممکن است؟! من، شما دانشجوهای بسیجی را توصیه می کنم به این که محافظه کار نشوید و همواره دانشجو و بسیجی – به همان معنای مثبت و پُرخون و پُرتپش – باقی بمانید. البته دِنباله ی این که می گوئیم «محافظه کار نشوید» این است که «ولی هوشیار هم باشید»؛ کاملاً هوشیار باشید... بله وارد سیاست بشوید و فکر سیاسی کنید؛ اما بسیار هوشیار، دشمن نباید بتواند از هیچ حرکت و اظهار و موضع گیری شما اَستفاده کند. این، اصل اول و یک خط قرمز است.[۹۵۷]

پرهیز ازتنبلی و تن آسایی

یک توصیه هم که واقعاً به آن احتیاج دارید (با این که شماها بسیجی هستید و تحرک شما زیاد است)، این است که مراقب باشید تحرک خود را از دست ندهید و از تنبلی بپرهیزید؛ این چیز مهمی است. تن آسایی نکردن، چیز مهمی است. ... من احساس می کنم که انشاءالله بسیج و به خصوص بسیج دانشجویی، در آینده باز به برکات بیشتر و فراوانی دست خواهد یافت.[۹۵۸]

متانت در حضور انقلابی به جای فریاد کشی

شما دانشجویان نقش خودتان را فراموش نکنید. آگاهی سیاسی کسب کنید و نسبت به آنچه که

۹۵۵– همان
۹۵۶– همان
۹۵۷–بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱
۹۵۸– همان

می‌گذرد، هوشیار باشید و انگیزه وتپش جوانانه انقلابی متناسب با قشر شما، در خدمت هدف های نظام قرار گیرد. عده‌یی از افراد ساده‌اندیش، خیال می‌کنند که اگر دانشجو بخواهد حضور انقلابی داشته باشد، راهش این است که بر سر مسئولان خود داد بکشد؛ خیر، این که انقلابی‌گری نیست.[۹۵۹]

بی‌اعتنایی به جوانان مؤمن و انقلابی

من بارها از اعماق جان، قلبم برای این جوانان مؤمن و انقلابی، سوخته و گداخته است. بارها تأسف خورده‌ام که چرا باید به جوانان به این خوبی، بی‌اعتنایی شود؟! این‌ها هیچ‌چیزشان از آن کسانی که در جاهایی به عنوان هنرمند معروف شده‌اند؛ کمتر نیست. در بسیاری از امور، از آن‌ها خیلی هم بهترند؛ اما به این‌ها بی‌اعتنایی می‌شود. وقتی‌که انسان مطلب را به درستی کاوش می‌کند، می‌بیند سر رشته می‌رسد به اراده‌ی خباثت‌آمیزی در نقطه‌ای! مسئولین هم متوجه نیستند.[۹۶۰]

منزوی نمودن مجموعه‌های مؤمن

از کارهای دشمن، این شد که این مجموعه‌های مؤمن را منزوی کند. جوان، بی‌تجربه است؛ به مجرد اینکه ببیند در یک دستگاه رسمی کشور مثلا در یک مرکز فرهنگی کشور، دو نفر به او اخم کردند، به او بی‌اعتنایی کردند، او را تحقیر کردند؛ در حرکتش اثر می‌گذارد و او را کند می‌کند. یا مثلا وقتی ببیند که در مجلات به‌اصطلاح ادبی و هنری کشور، چهره‌های مخالف با این روش و خط را، بزرگ می‌کنند، برجسته می‌کنند، تعریف می‌کنند؛ این جوان دلش آب می‌شود و روحیه‌اش را از دست می‌دهد. وقتی یک فیلمساز، اثرش را به مراکزی می‌برد که می‌توانند از او استفاده کنند و کاری کنند که بتواند کارش را ادامه دهد؛ اما با بی‌اعتنایی به او می‌گویند: «نه آقا؛ ما این را قبول نداریم؛ این طورش را قبول نداریم» و بعد در همان حال ببیند انواع و اقسام کارهایی که از لحاظ مایه‌های هنری از کار او کمتر است، اما چون مایه‌ی اسلامی ندارد مورد قبول آن‌هاست؛ این جوان به‌خودی‌خود، منزوی و ناامید خواهد شد.[۹۶۱]

من همین‌جا به مسئولین محترمی که تشریف دارند، می گویم که به‌هیچ‌وجه نگذارید افرادی که کلیدهای کار دستشان است؛ بر تشکل های انقلابی و تشکل های اسلامی سخت‌گیری کنند. مطلقاً اجازه‌ی این کار داده نشود و فضا را تنگ نکنند؛ بگذارند تشکل های اسلامی و تشکل های انقلابی [کار کنند]. خوب، همین حرف هایی که اینجا زده شد، این ها حرف های ما است؛ این ها همان حرف هایی است که ما باید بزنیم؛ همان کارهایی است که ما باید بکنیم؛ این جوان ها [هم] دارند این حرف ها را می زنند که حالا من نقش بسیار مؤثر گفتن

۹۵۹- بیانات درمراسم بیعت دانشجویان ۲۳/ ۳/ ۱۳۶۸
۹۶۰- بیانات درجمعی ازکارگزاران فرهنگی ۲۱/ ۵/ ۱۳۷۱
۹۶۱- همان

و بازگفتن و بازگفتن این حرف ها از سوی دانشجوها را خواهم گفت؛ بگذارید این حرف ها را بزنند؛ بگذارید بیایند کار کنند؛ اجازه بدهید تشکل های دانشجویی، تشکل های انقلابی و اسلامی –به خصوص روی تشکل های انقلابی من تکیه دارم– دست‌وبالشان باز باشد، امکانات داشته باشند؛ محدودشان نکنند.[۹۶۲]

پرهیز از تکفیر و اتهام

من در مورد تذکرات، معتقدم، باید با منطق محکم و با بیان روشن، نقطه نظرات صحیح را ارائه بدهند. با تهمت‌زنی و جنجال‌آفرینی، بنده موافق نیستم؛ با تکفیر کردن و متهم کردن این و آن، بنده موافق نیستم. اعتقاد من این است که مجموعه‌ی انقلابی کشور ـ که بحمدالله تعداد بی‌شماری از آن ها در بین جوان های ما، در بین صاحب نظران ما، اساتید ما، بزرگان ما، تحصیل‌کرده‌های ما حضور دارند ـ می توانند با منطق محکم وارد میدان بشوند، نقادی کنند؛ نقاط ضعف را و نقاط منفی را به رخ ما مسئولین بکشانند. گاهی می شود که مسئول، متوجه نیست چه دارد می گذرد در متن جامعه، اما آن جوان در متن جامعه است؛ او می فهمد.[۹۶۳]

پرهیز از افراط و تفریط

نبادا حرکت انقلابی، جوری باشد که بتوانند تهمت افراطی‌گری به او بزنند؛ از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوان های انقلابی بدانند؛ همان‌طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می زند، زیاده‌روی هم ضربه می زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به بعضی از مقدسات حوزه، به بعضی از بزرگانِ حوزه، به بعضی از مراجع، یک وقتی مثلاً اهانتی شده باشد، درست باشد؛ بدانید این قطعاً انحراف است؛ این خطاست. اقتضای انقلابی گری، این ها نیست. [۹۶۴]

یک نکته هم خطاب به جوانان پرشور و انقلابی، ... جوان های انقلابی بدانند؛ همان طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می زند، زیاده‌روی هم ضربه می زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود... اقتضای انقلابی گری، این ها نیست.[۹۶۵]

من توصیه می‌کنم، نصیحت می‌کنم به همه‌ی افرادی که جایگاهی دارند برای حرف زدن و می‌توانند حرف بزنند، سعی نکنند اصالت‌های کشور را، بنیان‌های اساسی انقلاب را تضعیف کنند؛ تا کسی از اصالت‌ها گفت، فوراً نگویند ایشان دارد تندروی می‌کند یا افراطی‌گری می‌کند، یا چه می‌کند، یا جناحی‌گری حرف [میزند]؛ نه این‌جوری نیست. اصالت‌ها را تخطئه نکنند، تهمت افراطی‌گری نزنند؛ بینات انقلاب را انکار نکنند؛ بیّنتی در انقلاب هست؛ واضحاتی،

۹۶۲ – بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰
۹۶۳– بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۱/۱
۹۶۴– بیانات در دیدار طلاب، فضلا واساتید حوزه علمیه قم ۲۹/ ۷/ ۱۳۸۹
۹۶۵– همان

محکماتی در انقلاب هست. خب، این بیست‌وچند جلد بیانات امام است؛ امام مظهر انقلاب بود، امام سخنگوی انقلاب بود، مبیّن حقایق انقلاب بود. خب نگاه کنند و ببینند امام بر روی چه چیزهایی تکیه می‌کرد. بینات انقلاب را انکار نکنند؛ این، آن چیزهایی است که مهم است.[۹۶۶]

مراقب بودن از ورود عناصر نفوذی

جوان حزب‌اللهی هم باید باهوش باشد. باید چشمهایش را باز کند و نگذارد کسی در صفوف او رخنه کند و به نام امر به معروف و نهی از منکر، فسادی ایجاد نماید که چهره حزب‌الله را خراب کند. باید مواظب باشید؛ این، به عهده خودتان است. من یقین دارم – و تجربه‌های این چندسال هم نشان داده – تا نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی برای انجام کاری به میدان می‌آیند، یک عده عناصر بدلی و دروغین، با نام این ها در گوشه‌ای فسادی ایجاد می‌کنند تا ذهن مسؤولین را نسبت به نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی و مردمی چرکین کنند. مواظب باشید؛ مسأله امر به معروف و نهی از منکر، مثل مسأله نماز است؛ یاد گرفتنی است.[۹۶۷]

پرهیز از ظلم و تعدی

جوان‌های انقلابی و مؤمن و عاشق امام که حرف می زنند؛ می نویسند، اقدام می کنند؛ کاملاً رعایت کنید. اینجور نباشد که مخالفت با یک کسی، ما را وادار کند که نسبت به آن کس، از جاده‌ی حق تعدی کنیم؛ تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه ظلم نباید کرد؛ به هیچ کس نباید ظلم کرد.[۹۶۸]

ما نسبت به دوستانمان، نسبت به دشمنانمان چه می‌گوییم؟ اینجا تقوا اثر می‌گذارد. ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ درباره‌ی او چگونه قضاوت می‌کنید؟ اگر قضاوت شما درباره‌ی آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که در واقع وجود دارد؛ این تعدی از جاده‌ی تقواست.[۹۶۹]

من بارها گفته‌ام: ظلم نکنیم. این هم یکی از آن اساسی‌ترین کارهاست؛ ظلم چیز بدی و چیز خطرناکی است. ظلم فقط این نیست که آدم توی خیابان به یکی کشیده بزند. گاهی یک کلمه‌ی نابجا علیه یک کسی که مستحقش نیست، یک نوشته‌ی نابجا، یک حرکت نابجا، ظلم محسوب می شود. این طهارت دل را و طهارت عمل را خیلی بایستی ملاحظه کرد. ... زیادتر نگوئید از آنچه که هست، از آنچه که باید و شاید، منصف باشیم؛ عادل باشیم. این ها آن وظائف ماست. اینجور نیست که ما چون مجاهدیم، چون مبارزیم، چون انقلابی هستیم، بنابراین هر کسی که از ما یک ذره – به خیال ما و با تشخیص ما – کمتر است؛ حق داریم که درباره‌اش هر چی که می توانیم بگوئیم؛ نه اینجوری نیست. بله ایمان ها یکسان نیست؛ حدود یکسان

۹۶۶ – بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴
۹۶۷– بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۱۳۷۱/۴/۲۲
۹۶۸– خطبه‌های نماز جمعه تهران در حرم امام خمینی (ره) ۱۳۸۹/۳/۱۴
۹۶۹– همان

نیست و بعضی بالاتر از بعضی دیگر هستند. خدا هم این را می داند و ممکن است بندگان صالح خدا هم بدانند؛ لیکن در مقام تعامل و در مقام زندگی جمعی، باید این اتحاد و این انسجام حفظ بشود و این تمایزها کم بشود.[۹۷۰]

لزوم رفتار منطقی و عقلائی در هنگام اعتراض

دقت کنید و مواظب باشید، رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلائی یک چیز لازمی است. البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند. بعضی هم اینجوری دوست می‌دارند عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه‌ی انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام می‌گیرد. واضح است، پس نه از آن طرف، نه از این طرف.[۹۷۱]

گزینش افراد باصلاحیت، پرهیز از نفوذی ها

یکی از نیازها (بسیج دانشجویی)، گزینش افراد باصلاحیت در بخش های مختلف این تشکیلات بزرگ است. امام (رضوان الله تعالی علیه) همیشه به همه – از جمله به دانشجوها – توصیه می کردند که از نفوذی ها بپرهیزید؛ واقعش هم همین بود. آن اوایل، جزء مجموعه های ماهر در نفوذ، اعضای حزب توده بودند که با چاپلوسی و ظاهرفریبی و ریاکاری، خودشان را جا می زدند.[۹۷۲]

پرهیز از انشعاب و انشقاق و دودسته شدن

حواستان باشد؛ انشعاب و انشقاق و دودسته شدن خطرناک است. یکی، به خاطر یک فکری از مجموعه ای جدا بشود؛ باز یکی دیگر از آن طرف، به خاطر یک فکر دیگر جدا بشود؛ در حالی که این فکرها ممکن است درست هم باشد، اما آن قدر اهمیت نداشته باشد که انسان این یکپارچگی را به خاطر آن به هم بزند. بنده که عرض کردم اتحاد ملی، خوب، اتحاد ملی برای شما دانشجویان بسیجی از همین بسیج خودتان شروع می شود: اتحاد سازمانی و تشکیلاتی، نگذارید شما را تکه تکه و پاره پاره کنند.[۹۷۳]

اتحاد و یکپارچگی در درون و نیز تزریق اتحاد به مجموعه‌ی جامعه

برادران، خواهران، عزیزان! امروز کشور به اتحاد کلمه خیلی نیازمند است. بنده مخالفم با سخنی و حرکتی و نوشتاری که – حتی اگر با انگیزه‌ی درست و با انگیزه‌ی صادقانه است – موجب شقاق و شکاف می شود؛ بنده موافق نیستم. اگر کسی نظر من را می خواهد بداند، نظر من

۹۷۰– همان

۹۷۱. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹

۹۷۲– بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱

۹۷۳– همان

این است که عرض کردم. ما بایستی انسجام را ایجاد کنیم. ما بایستی تلائم را در مجموعه‌ی این ظرفیت عظیم به وجود بیاوریم. حالا مگر نمی شود، این جمعی که شما اینجا نشسته‌اید به بهانه‌های گوناگون به ده تا جمع تقسیم کرد؟ راحت می شود؛ کسانی که رنگ لباسشان این است، کسانی که سنشان این است، کسانی که اهل فلان نقطه‌ی کشورند؛ می شود جدا کرد؛ می شود دیوارکشی کرد.[۹۷۴]

۹۷۴- بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲

فصل پنجم

وظایف سازمان ها نسبت به بسیج

قدر شناسی از بسیج

مسؤولین عزیز کشور، قدر بسیجی ها را بدانند. بحمدالله خودشان هم بسیجی هستند؛ رئیس جمهور عزیز ما، یک بسیجی است؛ بسیجی میدان جنگ دیده، خطر کشیده، کتک خورده‌ی انقلاب و یک بسیجی حقیقی؛ بقیه‌ی مسؤولین هم بحمدالله هر یک، کم و بیش حظ و سهمی از بسیجی و بسیجی‌گری دارند.[۹۷۵]

واقعاً باید قدر جوانان مؤمن و انقلابی را همه بدانند، همه؛ این جوانان مؤمن و انقلابی‌اند که روز خطر، سینه سپر می‌کنند؛ هشت سال جنگ تحمیلی می‌روند توی میدان؛ این‌ها هستند.[۹۷۶]

بسیج تشکل و تجمع الهی

قدر بسیج را بدانید. بسیجی ها هم قدر خودشان را بدانند. مسؤولین، آحاد بسیج را به عنوان شایسته‌ترین افراد ملت ایران، برای آن کارهایی که توانایی آن را دارند به حساب بیاورند. جوانان بسیجی، به خصوص شما فرماندهان هسته‌های بسیجی و یگان های بسیجی در سراسر کشور که امروز اینجا اجتماع کرده‌اید، قدر این تشکل و تجمع الهی را بدانید که بسیار چیز با ارزشی است.[۹۷۷]

بسیج، عزیز و گرامی

قدر بسیجی ها را باید بدانند. در داخل هر دستگاه و هر وزارتخانه‌ای، آن انسانی را که دارای روحیه‌ی بسیجی است، باید عزیز بشمارند. در دستگاه های گوناگون دولتی، کسی که دارای روحیه‌ی بسیجی است؛ متخصص بسیجی، پزشک بسیجی، دانشجوی بسیجی، روحانی بسیجی، مدیر بسیجی، کارمند بسیجی، هر جایی که هست؛ بایستی عزیز و گرامی داشته شود.[۹۷۸]

استفاده و قدر شناسی از اردوهای هجرت

بسیج سازندگی و این اردوهای هجرت را قدر بدانید. شما که خودتان محورهای اصلی این حرکت عظیم هستید، این را قدر بدانید؛ از خدای متعال شاکر باشید. مسئولین، دیگران، مدیران و کسانی که دست‌اندرکار امور هستند؛ آن ها هم این حرکت عظیم را قدر بدانند.[۹۷۹]

حضور برجسته عناصر حزب‌اللهی در دستگاه های اجرایی کشور

در محیط های مختلف، حضور عناصر حزب‌اللهی، باید حضور برجسته‌ای باشد. دستگاه‌های اجرایی، اعم از دستگاه‌های قضائی یا دستگاه‌های دولتی، باید به طور عملی، این ارزش را در

۹۷۵ –بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷
۹۷۶–بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵
۹۷۷– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۲/۸/۳۰
۹۷۸– بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷
۹۷۹– بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱

مأموران و کارگزاران خودشان، مورد توجه قرار دهند. یک دستگاه اداری سالم، چه وقت می‌تواند کارآیی بیشتری داشته باشد؟ وقتی‌که عناصر مؤمن، عناصر خالص، عناصری که به معنای حقیقی کلمه حزب‌اللهی هستند، در آنجا مؤثر باشند. مدیران خوب، مسئولین خوب و متخصصین خوب، بر سرِ کار باشند. این‌طور نباشد که همان بحث های سال های پیش، که دشمنان آن روزها تعقیبَ می‌کردند؛ رایج شود. بین عناصر مؤمن و متخصص، تفکیک کنیم! «آیا مؤمنین سرِ کار باشند یا متخصصین؟!» کأنّه بین مؤمن و متخصص، یک تضاد طبیعی وجود دارد! این چه حرفی است؟! عناصر مؤمن، با گذشت سیزده سال از انقلاب، بحمد الله در همه سطوح فراوانند؛ در سطوح تصمیم‌گیری، در سطوح مدیریت بالای جامعه، در سطوح مسئولان نظامی؛ از سپاه و ارتش و بسیج؛ آحاد مردم هم که معلوم است. مردم ما، مردم مؤمنی هستند. مردم امتحان داده‌ای هستند. مردم ما مردمی نیستند که حاضر باشند بین آن‌ها و اسلام و دین و قرآن، فاصله بیفتد؛ بین آن‌ها و اهل بیت فاصله بیفتد. ملت ما اولین ملتی است که به اتکای قرآن و با شعار قرآن و اسلام توانست یک نظام سیاسی با آن عظمت را شکست دهد، امریکا را شکست دهد و دنیای استکبار را شکست دهد.[۹۸۰]

یکی از هشدارهایی که واقعاً باید وزرای محترم به آن توجه کنند، مقابله‌ی با عناصر متدین و انقلابی در دانشگاه‌ها است. عناصری هستند متعهد به انقلاب، پایبند انقلاب، پایبند به مسائل دینی و ظواهر دینی، کسانی با این ها از مسئولین –حالا بین خود دانشجوها سلایق مختلفی هست، اشکالی هم ندارد؛ ممکن است بگومگویی هم بینشان بشود، اهمیتی ندارد؛ محیط دانشگاه است– از طرف اساتید، مدیران، با یک چنین عنصری، با یک چنین جوانی، با پسری یا دختری که متعهد و پایبند است؛ مقابله کند، این قابل قبول نیست؛ باید عناصر مؤمن تشویق بشوند؛ حالا ازاین‌قبیل مسائل وجود دارد.[۹۸۱]

دولت و مسؤولان هم باید بسیجی باشند

کسی خیال نکند که بسیج، یک حاشیه است و ملت و دولت و حکومت، به راهی می روند و بسیج هم در کناری نشسته و به خود مشغول است؛ خیر، «بسیج» متنِ حرکت نظام است. همه باید بسیجی باشند. دولت و مسؤولان هم باید بسیجی باشند و بحمدالله هستند. بسیاری از بلند پایگان و مسئوولان برجسته کشور، حقیقتاً بسیجی و دارای فرهنگ و عقاید و حرکت بسیجی هستند.[۹۸۲]

قدردانی از عناصر مؤمن و انقلابی در هیئت های علمی

باید عناصر مؤمن و انقلابی در هیئت های علمی، قدر دانسته شوند. این را من خطاب به مدیران عزیزمان، به مسئولین وزارت آموزش عالی و وزارت بهداشت و آموزش پزشکی می گویم: قدر

۹۸۰– بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۱/۵/۷
۹۸۱ – بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» ۱۳۹۴/۷/۲۲
۹۸۲– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸

بدانید! وزرای محترم و هیئت های مدیره‌ی وزارتخانه‌ها، باید از حضور این اساتید مؤمن و اساتید پایبند به ارزش های دینی که ایستاده‌اند پای حرف حق خودشان و از این هجمه‌های تبلیغاتی و موذی گری‌های زیرزیرانه (که از خیلی از آن ها هم ما مطلعیم)، نهراسیدند و عقب ننشستند، قدردانی کنند.[۹۸۳]

مدیران محترم! عناصر مؤمن و اساتید مؤمن را در دانشگاه‌ها ارج بنهید. این مطلب اول، راجع به اهمیت استاد؛ من اگر می توانستم با همه‌ی این هفتاد هزار استاد عزیز در کشور دیدار کنم، حتماً این کار را می کردم و اگر می توانستم از یکایک آن ها سخنی بشنوم حتماً می‌شنیدم؛ منته‌ی، خوب، معلوم است که دست ما کوتاه است و این خرمای شیرین و ارزشمند بر نخیلی بلند.[۹۸۴]

جدی گرفتن بسیج توسط همه

مسأله‌ی بسیج، مسأله‌ی بسیار مهمی است. البته این مسأله، در نظام جمهوری اسلامی همیشه جدی گرفته شده است. شخص حضرت امام (رضوان‌الله تعالی علیه) و بقیه‌ی مسؤولان و مردم، بسیج را جدی گرفتند و از این پس هم باید کوشش کنیم که مسأله‌ی بسیج، همچنان جدی گرفته بشود و یک حالت روانی اهتمام به بسیج، در سطوح مختلف مسؤولان و در گستره‌ی زندگی مردم، باقی بماند... فقط در سایه‌ی وجود بسیج، جدی بودن بسیج و رو به رشد بودن بسیج تحقق پیدا خواهد کرد؛ پس اصل قضیه این است که بسیج – به معنای حقیقی کلمه – یک پدیده‌ی انقلابی است و باید این کشور و این ملت و این انقلاب، این پدیده را همیشه جدی بگیرد و قدر بداند.[۹۸۵]

سپاه به عنوان یک نهاد، یک شاخه‌ی برآمده‌ی برومندی از ریشه‌ی این انقلاب و این نظام و بسیج هم به عنوان یک حادثه‌ی بدیع و بی‌نظیر در مجموعه‌ی حوادث انقلاب، باید مورد توجه قرار بگیرد.[۹۸۶]

باز کردن میدان برای تلاش و پیشرفت اساتید جوان و مومن

مجموعه‌ی دستگاه های دولتی هم باید برای تلاش و تحرک و پیشرفت این ها، میدان را باز کنند. امروز ما اساتید جوان، تحصیلکرده، باسواد، بااستعداد، سرشار از نیرو و لبریز از عشق به کار، فراوان داریم. این ها را نباید پشت در نگه داشت. باید وارد میدان کار علمی کرد تا بتوانند حداکثر بهره‌ی ممکن را به این ملت ببخشند. علم هم با نیروی جوانی و همراه با ایمان، کیفیت بهتری پیدا می‌کند و امروز، عزیزان من! کشور ما به این احتیاج دارد. امروز کشور ما به تلاش شما احتیاج دارد.[۹۸۷]

۹۸۳– بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۴/۴/۱۳
۹۸۴– بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۴/۴/۱۳
۹۸۵– بیانات در دیدار فرماندهان نیروی مقاومت بسیج ۱۳۶۹//۱/۹
۹۸۶– بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
۹۸۷ – بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸

محافظت از بسیج در برابر اغواگریی دشمن

سعی کنید این جوانان پاکیزه، این جوانان مؤمن، این دل های پاک و صاف و نورانی را از آسیب تبلیغات دشمن محفوظ نگهدارید. ...خودِ جوانان، باید اول کسانی باشند که در مقابل اغواگری ها و شر آفرینی های دشمن؛ در مقابل تبلیغات هوس‌انگیز دشمن که گمراه کننده جوانان است؛ مقاومت کنند.[۹۸۸]

تعلیم مسایل مورد نیاز و ایجاد فرصت شغلی

باید فرماندهان و مسؤولین بسیج – مسؤولین فکری و روحانی – این مواظبت را بکنند. علاوهٍ بر توجه و مراقبت، با آموزش الهی و دینی و نظامی، با تمرین، با مانورهای لازم، با تشکل کاملاً مستحکم، با گسترش دادن دستگاه بسیج، مسؤولیت سپردن به آحاد بسیجیٍ (از مرد و زن و پیر و جوان) به حسب فرصت ها و امکانات شغلی که هر کسی دارد؛ باید انشاءالله بتوانند این نیروها و عناصر زبده بسیجی را در این راه مقدس و پرافتخار، ثابت قدم بدارند.[۹۸۹]

استفاده از نیروهای کارآمد بسیجی در میدان سازندگی

امروز بسیج عناصر مؤمن و فداکار، علاوه بر دفاع مسلحانه از کشور و انقلاب، باید سازندگی کشور را نیز هدف دیگر خود قرار دهد. امروز، روزی است که همه‌ی نیروها باید همه‌ی سرمایه‌های علمی، فکری، تخصصی، تجربی، مادی و معنوی خود را همچون بسیجیان میدان جنگ، پشت سر دولت به میدان سازندگی وارد کنند. دولت به شکل بسیجی عمل کرده و نیروهای کارآمد بسیجی را به حضور در میدان سازندگی تشویق کند و با برنامه ریزی جامع، جایگاه هر قشر و هر فردی را در جهاد بازسازی کشور معین کند و آحاد مردم نیز با ترجیح مصلحت سازندگی بر مصالح شخصی، فداکارانه در این میدان مجاهدت کنند.[۹۹۰]

سازماندهی و تغذیه‌ی فکری خوب

مسؤولان محترم بسیج، باید به سازماندهی خیلی اهمیت دهند؛ زیرا اصل قضیه، سازماندهی است و در چارچوب سازماندهی خوب، آموزش و پشتیبانی و تغذیه‌ی فکری خوب شکل می گیرد.[۹۹۱]

تجهیز و آماده‌سازی و ایجاد ترتیبات برای بسیج

البته ممکن است دشمن هرگز به فکر حمله به چنین ملت دلاوری که میدان کارزار را با شور و عشق خودشان سرشار می کنند، نیفتد؛ اما اسلام حکم می کند که شما آماده باشید. تمام مسؤولان کشور، در مقابل تجهیز و آماده‌سازی و ایجاد ترتیبات برای بسیج مسؤولیت دارند؛ و

۹۸۸– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۲/۸/۳۰
۹۸۹– بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۲/۸/۳۰
۹۹۰– پیام به گردهمائی فرماندهان ارتش بیست‌میلیونی ۱۳۶۸/۹/۲
۹۹۱ – بیانات در مراسم بیعت بسیجیان نمونه‌ی کشور ۱۳۶۹/۴/۶

من خودم را بر دفاع از سازمانی که امروز به عنوان نیروی مقاومت بسیج مشغول خدمت است، موظف می دانم و دفاع خواهم کرد.[۹۹۲]

بسیج، بالاترین مأموریت سپاه

از لحاظ بلند مدت، توجه به بسیج، از تمام مأموریت های سپاه بالاتر است. ملت را آماده کردن، مأموریت بسیار بالا و مهمی است. به این مأموریت ها باید به حد اعلی و اکثر برسید. هر کس در این روند کلی، همان کاری را که انجام می‌دهد و به او محول شده است؛ باید خوب و صحیح و دقیق انجام بدهد. رحم‌الله امراء عمل عملا فاتقنه". روایت است؛ خدا رحمت کند آن کسی را که اگر کاری انجام می‌دهد.[۹۹۳]
من به برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سفارش مؤکد کرده‌ام که مسأله‌ی بسیج را جدی بگیرند. اداره و ترتیب بسیج، در حدود نیمی از مأموریت و مسؤولیت سپاه پاسداران است. در کنار این موضوع، باید بگویم که رفتار و ادب و نظم و انضباط افراد بسیج، باید از دیگران به رفتار اسلامیِ نزدیکتر باشد و روحیه‌ی آمادگی بسیجی در تمام دستگاه ها و سازمان های کشور، باید انشاءالله حکم‌فرما شود.[۹۹۴]

الگو شدن برای همه جوانان بسیجی

وظیفه‌ی نیروی مقاومت بسیج، الگو شدن برای همه‌ی جوانان بسیجی در کشور است. جوانی که در نیروی مقاومت بسیج به عنوان یک نیروی بسیجی، خود را خدمتگزار اهداف انقلاب و آرمان های اسلامی می داند؛ باید چنان خود را بسازد که مثل شمعی پروانه‌ها را به دور خود جمع کند و سازندگی علمی، اخلاقی، معنوی، فکری و سیاسی داشته باشد.[۹۹۵]

وظیفه همگان، دست گیری معنوی از جوانان نوخاسته‌ی کشور

امروز نیروی مقاومت بسیج (که مجموعه‌ی عظیمی در سازمان وسیعی از عمدتاً جوانان کشور است)، باید این مسؤولیت را بر دوش خود احساس کند که دست جوانان نوخاسته‌ی کشور را در سرتاسر این کشور بگیرد. این کارها فقط بر عهده‌ی سازمان های موظف فرهنگی نیست؛ البته آن ها وظیفه دارند، روحانیت وظیفه دارد، گویندگان دینی وظیفه دارند، همه‌ی مسؤولان کشوری به هر نحوی وظیفه دارند؛ اما این سازمانِ عظیم نیروی مقاومت بسیج می تواند این نقش بزرگ را ایفا کند که برای استقرار معنویت در جامعه، به عنوان ملجأ و پناهگاهِ دل های باصفای جوانان و راهنمای دلسوز و دردشناس و همدل، دست جوانان را بگیرد. عزیزانِ من! خود را بسازید و آماده‌ی این نقش عظیم کنید.[۹۹۶]

۹۹۲- بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵
۹۹۳- بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران و رؤسای دفاتر نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه ۱۳۶۹/۶/۲۹
۹۹۴- دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۷/۵
۹۹۵ – بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱
۹۹۶- بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱

ارتقاء نگرش مسئولین نیروی مقاومت بسیج، نسبت به بسیج

نیروی مقاومت بسیج در دوران دفاع مقدس، در خلال یگان های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کارهای بزرگی کرد. امروز این نیرو به عنوان یک سازمان بزرگ، از سازمان های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است؛ شعبه‌ی گسترده‌ی آن نیز در همه‌ی قشرها و در همه‌ی بخش های کشور حضور دارد؛ اما توجه به این نکته مهم است که نیروی مقاومت بسیج با این‌که یک نیروست و جزء سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، ولی یک نیروی رزمی محض نیست؛ یک نیروی مردمی، انسانی، الهی، اخلاقی، علمی، تربیتی و یک مجموعه‌ی آماده‌ی به کار برای کارهای بزرگ است؛ چنین موجود بی‌نظیر و پُرفایده و پُربرکتی است. مسؤولان نیروی مقاومت بسیج، با این چشم به بسیج نگاه کنند.[۹۹۷]

ما یک نیروی مقاومت بسیج داریم؛ یک بسیج عظیم ملی هم داریم که در تمام بخش‌ها و قشرها هستند. ممکن است این‌ها داخل نیروی مقاومت بسیج هم نباشند؛ اما نیروی مقاومت بسیج نسبت به این موج عظیم و این پهنه‌ی وسیع، دارای مسؤولیت است. هر جوان بسیجی، مرد بسیجی، زن بسیجی، دانش‌آموز بسیجی، دانشجوی بسیجی، کارگر بسیجی و روحانی بسیجی می‌تواند محور باشد و انسان‌هایی را به خود جذب کند و با سخن و اخلاق و رفتار و درس خواندن و کار کردن و احساس مسؤولیت و آگاهی سیاسی و اطلاعات دینی و معنوی خود، مثل شمعی دل‌ها را روشن کند و دیگران را امیدوار به آینده و آماده‌ی به کار برای حضور در میدان‌ها قرار دهد. ببینید چه مسؤولیت بزرگ و سنگین و درعین‌حال شیرین و هیجان‌انگیزی است. این در صورتی به وجود می‌آید و به وقوع می‌پیوندد که در داخل سازمان نیروی مقاومت بسیج، کار اداره‌ی فکری و عملی و قلبی و اخلاقی و روحی و سیاسی از همه جهت؛ آن‌چنان منظم و باتدبیر صورت گیرد که بتواند چنین محصول عظیمی داشته باشد.[۹۹۸]

نیروی مقاومت بسیج، الهام‌بخش بسیج در همه حوزه‌ها

نیروی مقاومت بسیج، آن قلعه‌ی اصلی، جایگاه و مرکز و قرارگاهِ اصلیِ این چتر عظیمی است که همه‌ی ملت را دربرمی گیرد؛ الهام‌بخشِ نظم است؛ الهام‌بخشِ حضور است؛ الهام‌بخش حرکت است؛ چه در جامعه، چه در قشرهایِ مختلف، چه در دانشگاه، چه در مدرسه، چه در حوزه‌ی علمیه، در هر نقطه‌ای؛ حضور نیروی مقاومت بسیج به این معنا است. خط دهی، راهنمایی، انضباط، نظم، تعیین وظایف گوناگون نسبت به این مجموعه تا آنجایی که توانش و امکانش برسد.[۹۹۹]

برنامه‌ریزی صحیح برای جذب و سازمان‌دهی بسیجیان

بسیج برای دفاع از کشور اسلامی و انقلاب اسلامی به وجود آمد. آمادگی برای دفاع، امروز

۹۹۷- همان
۹۹۸- همان
۹۹۹ - بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶

و همیشه یک وظیفه‌ی اسلامی و انقلابی و ملی است. بنابراین، نیروی مقاومت بسیج باید کار جذب و سازمان‌دهی بسیجیان عزیز را با برنامه‌ریزی صحیح ادامه دهد و تشکیل ارتش بیست‌میلیونی را میسور و عملی سازد.[۱۰۰۰]

توصیه‌های مهم برای جذب و سازمان‌دهی و گسترش بسیج

تشکیلات بسیج، یعنی هیئت‌رئیسه و مدیران و مسئولان بسیج، باید آن‌چنان ظریف عمل کنند که به‌تدریج بتوانند همه‌ی آحاد مستعد کشور را – مستعد به همان معنا که اول گفتم – داخل در خیمه‌ی بسیج کنند؛ تا او ضمن این‌که احساس می‌کند زن خانه‌دار است، احساس کند یک نظامی است؛ ضمن این‌که احساس می‌کند یک دانشجو است، احساس کند یک نظامی است. این کار، با تبلیغات و سازمان‌دهی خوب و توجه به این‌که از هر قشری چه انتظاری هست و ذهن آن قشر را چگونه می‌شود با حقیقت مسئله‌ی بسیج، سیراب و اشباع کرد، میسر است. این کار، کار بسیار ظریف و مستمری است. یعنی می‌خواهم بگویم که در بررسی‌های شما، یک سطح بالا لازم است. بایستی مسئله را به چشم یک امر خیلی ظریف و دقیق نگاه کنید. این‌طوری نیست که حالا تصور کنید جمعیتی هست، ما هم تور را وسط می‌اندازیم و عدِه‌ای بالاخره می‌آیند؛ آن‌ها را به پادگانی می‌آوریم و آموزش می‌دهیم؛ بعد هم حداکثر یک کُد رویشان می‌گذاریم و می‌گوییم شما متعلق به فلان لشکرید؛ فلان گردان با فلان فرمانده، فلان گروهان هم با فلان فرمانده است! اگر سازمان‌دهی دقیق هم انجام شود – دیگر بالاتر از این‌که نیست – در اینجا قضیه تمام نمی‌شود. غیر از قضیه‌ی سازمان‌دهی، همین ظرافت‌هایی که گفتم؛ وجود دارد. ما اگر دیدیم اقبال مردم به سمت پایگاه‌های مقاومت – که میدان عمل بسیج است – در داخل شهر و به سمت دفاتر شما – که مرکز اداری است – کُند شد؛ باید بدانیم که ما در این ظریف‌کاری، یک مقدار لنگیم. وقتی از مردم می‌گوییم، منظور صاحبان فکر و اندیشه‌ی انقلابی هستند؛ به‌خصوص آن‌هایی که جنگ را به‌عنوان یک امکان دائمی برای کشور ما تلقی کرده‌اند؛ نه آدم بافکری که بنشیند، به بافد و از انقلاب هم چیزی نفهمد[۱۰۰۱].

نکته‌ی دوم، این است که شما برای تحرک بسیج، دو میدان اصلی دارید. البته این سوادآموزی و قرآن و امثال این‌ها، چیزهایی است که در حاشیه‌ی کار و یا بعضی به‌عنوان روح کار لازم است؛ اما آنچه میدان کار عملی شماست، یکی جبهه و دیگری هسته‌های مقاومت شهری است. ما می‌خواهیم کاری کنیم که این مجموعه‌ای که شما تا حالا توانسته‌اید در این دو میدان گرد بیاورید؛ به بیست میلیون نفر گسترش پیدا کند. البته بعضی از برادران، بیست‌وپنج یا سی میلیون را گفته‌اند که من در سال گذشته در اجتماع برادران گفتم: نه ما حالا همان بیست‌میلیونی را که امام فرمودند؛ تأمین کنیم. اگر بخواهیم این چهل، پنجاه‌میلیونی را که در کشورمان جمعیتٍ داریم، استحصال کنیم؛ شاید ته آن، بیشتر از بیست میلیون زبده هم درنیاید. اگرچه – مثلاً فرض کنید – آن ده، دوازده، سیزده میلیون دیگر هم باز جزء عزیزان قابل التعلیم، در حمل سلاح

۱۰۰۰– پیام به گردهمائی فرماندهان ارتش بیست‌میلیونی ۱۳۶۸/۹/۲
۱۰۰۱– همان

هستند و باید به فکرشان باشیم؛ اما بیست میلیون خوب است. ما می‌خواهیم این را به بیست میلیون برسانیم. شما چگونه می‌خواهید این بیست میلیون را تأمین کنید؟[۱۰۰۲]

گسترش و سازمان‌دهی بسیج

همه‌ی دستگاه‌های نظامی ما می‌توانند این فرض را بکنند که کارشان در یک حد که رسید، دیگر گسترش پیدا نمی‌کنند. مثلاً سپاه می‌گوید این‌قدر نیروهای قراردادی دارم، این‌قدر استخدامی دارم. می‌گوییم خیلی خوب، شما این تعداد را تا این سطح پایین بیاورید؛ یا تا آن سطح بالا ببرید؛ بعد ببندید. برای بسیج نمی‌توانیم سقف ببندیم؛ سقف، بیست میلیون است؛ تا آنجا، خیلی فاصله‌داریم. ممکن است شما بگویید، دو یا سه و یا چهار میلیون نفر را آموزش داده‌ایم؛ خیلی خوب، اولاً هرچه آموزش داده‌اید، عضو شما که نیست؛ یکی آمده، پانزده روز آموزش‌دیده و رفته، بعد هم شما هرگز از او خبری ندارید؛ وانگهی، سه میلیون دوران جنگ و اول کار، با این هفده‌میلیونی که باید در دوران علی‌الظاهر غیر جنگ به بسیج بپیوندند؛ خیلی فرق دارد. شما چگونه می‌خواهید این هفده میلیون را جذب کنید؟ می‌خواهید جذب کنید یا نه؟ باید جذب کنید؛ شکی نیست. در کشور ما، ارتش بیست‌میلیونی باید یک تحقق واقعی باشد. این نمی‌شود، مگر با جذب این شانزده و یا هفده میلیون نفر دیگر؛ این‌ها را باید جذب کنید. همه را باید سازمان‌دهی کنید.[۱۰۰۳]

استحکام ساخت بسیج

پس شما تنها سازمان نظامی‌ای هستید که میدان کارتان – برخلاف بقیه که قطع و بسته می‌شود – دائماً رو به گسترش است. شما دائم رو به گسترشید؛ بنای کار را بر این گسترش بگذارید. حرف اصلی، این است؛ پایه‌ی کار را آن‌چنان محکم بکنید که مثل ساختمانی که می‌سازید؛ استحکام چندین طبقه‌ی دیگر را داشته باشد. یک‌وقت می‌خواهید روی یک ساختمان، دوطبقه‌ی دیگر بسازید. یک‌وقت هم می‌خواهید روی آن، بیست طبقه‌ی دیگر بسازید. در این صورت، پایه فرق می‌کند؛ پایه را به‌گونه‌ای به چینید که بشود بیست طبقه‌ی دیگر روی آن ساخت. این کار، کار خیلی مهم و دقیق و نفس‌گیری است[۱۰۰۴].

بسیج (نیروی مردمی) را نمی‌شود با روش‌های جذب بقیه‌ی نیروها، جذب کرد. انسان، ارتشی را طور خاصی و سپاهی را یک‌طور دیگر جذب می‌کند – مثلاً مختصر فرقی باهم دارند – اما بسیجی را آن‌طوری نمی‌شود جذب کرد. بسیجی، توده‌ی مردم است. شما می‌خواهید او را تحت یک سازمان بیاورید؛ بانظم و انضباط آشنایش کنید؛ فرمان بری به او یاد بدهید و استعداد و شوق و ایمانی که برای دفاع از کشور در او هست؛ آن را به بهترین شکلی به کار بگیرید و اگر در او کم است؛ تزریق کنید. چه‌کار می‌خواهید بکنید؟ این کار، کار بسیار مهمی است و من عرض

۱۰۰۲– همان
۱۰۰۳– همان
۱۰۰۴– همان

می‌کنم که اگر این کار (فراگیر شدن بسیج) انجام شد، این انقلاب، بیمه‌ی بیمه است؛ اگر نشد، جای نگرانی است؛ یعنی بسیج با سرنوشت انقلاب سروکار دارد. اگر بسیج، قوی و کارآمد شد و گسترش پیدا کرد (همان‌طور که عرض کردیم) و پایه‌اش مستحکم بود، هیچ قدرتی در دنیا، هرچه هم توطئه کنند؛ هرچه هم با یکدیگر همدست بشوند؛ قادر نخواهند بود نسبت به این کشور و این انقلاب، کمترین چشم‌زخمی وارد کنند. اگر نیروی بسیج (نیروی نظامی مردم) را کم گرفتیم؛ آن‌وقت جای نگرانی و اشکال است؛ چون صحنه‌ی حضور مردم، فقط صحنه‌ی سیاسی و اقتصادی نیست. صحنه‌ی نظامی، اهم صحنه‌هاست و این حضور، در سایه‌ی بسیج است. می‌خواهم به این وسیله، اهمیت کار شما و اهمیت کار هریک نفر از این بچه‌ها و جوانان بسیجی را – که به معنای واقعی کلمه، جزء این مجموعه‌ی عظیم بسیج هستند – یادآور شوم. هیچ نفری را نباید رها نمود و یا کاری کرد که رها بشوند. اگر این جوان بسیجی که در جنگ، آن‌همه خدمت کرده، خدای‌نکرده به سمت چیزهایی در متن جامعه سوق داده شود؛ خسارتِ جبران‌ناپذیری است. همه‌ی این جوانانی که شما در خیابان‌ها می‌بینید، مشغول زندگی‌اند و دنبال کار خودشان‌اند، باید در دلتان آن‌ها را یک بسیجیِ بالقوه فرض کنید و بسیج بشوید؛ برای این‌که آن ها را جذب کنید. ما نمی توانیم راضی بشویمَ که جوان این کشور و جوان مسلمان، از بسیج عمومی مردم بیرون بیاید.[۱۰۰۵]

...البته، مسؤولان عزیز ما در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج، زحمات زیادی در این چند سال کشیده‌اند و از سال گذشته هم که رسماً نیروی مقاومت تشکیل شد (و بحمدالله شرح وظایف آن هم تصویب شده است و امروز به مسؤولان محترم داده خواهد شد)؛ فصل نویی در زندگی بسیج و حیات پُرافتخار این نیرو به وجود آمد[۱۰۰۶].

امیدوارم ارواح مطهر شهیدان و روح مقدس امام بزرگوار، همیشه حامی شما باشد و قلب مقدس ولی عصر (ارواحنا فداه) از شما راضی باشد و انشاءالله آن روز درخشان و آینده‌ی زیبا را همه‌ی شما ببینید.[۱۰۰۷]

۱۰۰۵ – همان

۱۰۰۶– بیانات در دیدار فرماندهان نیروی مقاومت بسیج۱۳۶۹/۹/۱

۱۰۰۷– بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹

فهرست تفصیلی کتاب

فصل اول: سیمای کلی بسیج
الف- مفهوم شناسی بسیج ۱۶
پاک‌ترین فداکارترین جوانان ۱۶
بانشاط‌ترین و پرافتخارترین‌ها ۱۶
بسیج، مجموعه‌ی بهترین عناصر ۱۶
بسیج نمونه و مسطوره ملّت ۱۶
پرچم‌داران افتخار ملی ۱۷
نیروهای مؤمنِ پرانگیزه‌ی متعهد ۱۷
عمل‌گرا و آرمان‌گرا ۱۷
مجموعه‌ی حزب‌الله واقعی ۱۷
نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی ۱۷
آمادگی و هوشیاری دائمی جوانان ۱۸
اقدام مؤمنانه و خالصانه و باانگیزه ۱۸
حضور مؤمنانه، خالصانه و صادقانه ۱۸
احساس تکلیف دائمی، آماده و باهمت ۱۸
برگ زرین برنده‌ای از تلاش ملت ایران ۱۹
عناصر کاری ملت، در میدان‌های سخت ۱۹
آگاه، متعهد و بصیر ۱۹
عنصر مؤمن، انقلابی، علاقه‌مند به سرنوشت میهن ۱۹
آماده هر نوع فداکاری برای هدف‌ها ۱۹
خستگی‌ناپذیر و جان‌برکف ۲۰
حضور آگاهانه و فداکارانه در مواجهه با دشمنان ۲۰
سمت‌وسو دادن و فعال کردن نیروهای بانشاط کشور ۲۰
نماد حضور و مقاومت ملی ۲۰
توأم کردن ایمان و عملِ مجاهدانه ۲۱
آماده‌ی برآوردنِ نیازهای انقلاب ۲۱

حاضر در میدان مجاهدت، برای رسیدن به قله‌ها ۲۱
نماد توانایی مکتب ۲۲
آماده خدمت صادقانه به کشور با همه توان ۲۲
دلسوز انقلاب، مثل صاحب‌خانه ۲۲
ب. مفهوم بسیجی ۲۲
ج. فلسفه بسیج ۲۹
حضور داوطلبانه، در میدان خطر ۲۹
دفاع از کشور اسلامی و انقلاب اسلامی ۳۰
بسیج، پشتیبان میدان‌های نبرد ۳۰
ایستادگی بسیج، مقابل نفوذ دشمن ۳۱
سنگین‌ترین بار بر دوش بسیج ۳۱
بسیج، پشتوانه معنوی و بازوان نیرومند سپاه ۳۱
بسیج، مؤثرترین عامل انسانی ۳۱
دفاع از ارزش‌های الهی و انقلابی ۳۲
پاسداری از هویت ملی و دینی ۳۲
ایجاد امنیت و مقابله با فتنه‌ها ۳۲
خنثی‌سازی نقشه‌های ابرقدرت‌ها ۳۳
باز کردن گره‌های بزرگ ۳۳
د. جایگاه و منزلت بسیج ۳۴
بسیج، نامی مقدس ۳۴
بسیج، عنصر اصلی در انقلاب و نظام اسلامی ۳۴
بسیج، همزاد انقلاب ۳۴
بسیج، پدیده‌ای مبارک و مظهر صفا و فداکاری ۳۵
حفظ و تقویت خصوصیات بسیجی ۳۵
نقش خواهران بسیجی ۳۵
عشق و محبت رهبری به بسیجیان ۳۶

جلسات خاطره‌انگیز، شیرین و هیجان‌انگیز ۳۶
مضمون و مفهوم مانورهای بزرگ بسیج ۳۷
اجتماع بسیج، آمیزه‌ای از معرفت و محبت ۳۸
شکرگزاری برای توفیق حضور در جمع بسیجیان ۳۸
بسیج، معجزه انقلاب و مظهر اقتدار نظام ۳۹
بسیج پدیده‌ای معجزگون، استثنایی و کم‌نظیر ۳۹
بسیج، لُب و لباب حرکت انقلاب ۴۰
بسیج، پدیده‌ی بی‌نظیر ۴۰
بسیج، بهترین سازمان، برای رسیدن به آرمان‌های بلند ۴۰
بسیج دانشجویی، به ارتباط با سپاه افتخار کند ۴۰
افتخار به بسیجی و حزب‌اللهی بودن ۴۲
بسیج، متنِ حرکت نظام ۴۲
بسیج، متن ملت و همه آحاد مؤمن ۴۲
بسیج، امید دنیای اسلام ۴۳
بسیج، از آیات الهی ۴۳
بسیج، ذخیره‌ی الهی ۴۳
مایه‌ی امید و دلگرمی ملت و رهبر ۴۳
نمونه‌ی جوانمردی و فتوت و ایثار ۴۴
بسیج، رمز پایداری و ماندگاری و عزت ملی ۴۴
زبده جوانان این روزگار ۴۵
ه. رابطه امام و بسیج ۴۵
پایه‌گذاری بسیج، به‌وسیله امام ۴۵
بسیج، گنج بی پایان امام برای کشور ۴۵
بسیج، نتیجه بصیرت نافذ و تدبیر حکیمانه امام ۴۵
بسیج، سرچشمه گرفته از حکمت الهی امام ۴۶
استفاده از نیروی ایمان و عشق، در سازمان‌دهی بسیج ۴۶

بسیج، ماندگارترین یادگار امام ۴۷
بسیج، نتیجه اعتماد متقابل امام و مردم ۴۷
بسیج، رویش بذر مبارک در همه‌ی زوایای کشور ۴۷
رابطه‌ی ویژه امام با بسیج ۴۷
امام، محبوب بسیجیان کشور ۴۷
حرکت بسیج، یک حرکت خردمندانه و استوار ۴۸
امام، پدری مهربان برای بسیج ۴۸
انتظار امام از بسیج ۴۸
الف. تداوم راه و اجرای وصیت امام ۴۸
ب. تحقق هدف‌ها و آرمان‌های امام ۴۸
ج. آمادگی و حضور دائمی ۴۹
بسیج، فتح‌الفتوح امام ۴۹
بسیج تجلی هنر امام ۴۹
سازماندهی بسیج، نوآوری امام ۵۰
تشکیل بسیج از افتخارات بزرگ امام ۵۰
بسیج، لطف الهی نسبت به امام ۵۰
و. آثار و برکات بسیج ۵۱
بسیج یک گنج بی‌انتها ۵۱
تبدیل سپاه، به یک سازمان رزمیِ کارآمد ۵۱
حضور قدرتمندانه در جنگ ۵۱
بسیج، مظهر عشق و ایثار و فداکاری در جنگ ۵۱
تبیین مواضع سیاسی نظام ۵۲
ظهور حقایق معنوی در صحنه‌های نبرد ۵۲
استحکام پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ۵۳
سپاه وکمیته انقلاب اسلامی، فرزند بسیج ۵۳
حفظ اسلام و نظام اسلامی ۵۳

بسیجیان، نعمت خداوند بر مردم ۵۴
بسیج، یک حرکت خردمندانه ۵۴
تزریق روحیه معنوی در میدان دفاع مقدس و کسب پیروزی ۵۴
بسیج، شجره‌ی طیبه ۵۴
فداکاری در روزهای سخت ملت ۵۵
بسیج، اساس فضیلت در همه حوادث ۵۵
روحیه بسیجی، همانند شط خروشان و پر برکت ۵۶
بسیج، همیشه موفق ۵۶
تحت تأثیر قرار دادن سرنوشت جنگ ۵۶
بسیج، یک نعمت بزرگ ۵۷
پدیده‌ی ابتکاری و بی‌سابقه ۵۷
رشد و پیشرفت بسیج ۵۷
بسیج، ارتش بی‌رنگِ بی‌ادعای همه‌گیر در سطح کشور ۵۷
تربیت جوان مؤمن و پارسا ۵۸
ز. رسالت بسیج ۵۸
پرچمدار حرکت عظیم معنوی و اخلاقی در جهان ۵۸
حفظ فضای سالم اخلاقی ۵۸
حرکت از روی تدبیر و عقل برای حفظ منافع ملی ۵۹
حفظ و بالا بردن پایه‌های مجد و عظمت انقلاب ۵۹
تداوم رشد و تعالی مجموعه ۵۹
اولویت‌های امروز بسیج ۶۰
۱. تقوا و طهارت ۶۰
۲. بصیرت ۶۰
۳. آمادگی، کمربستگی، پابه‌رکاب بودن؛ ۶۰
اساسی ترین کار بسیج ۶۱
۱. حمایت و دفاع از اصول مسلم اسلامی ۶۱

۲. مقابله با انحرافات ۶۱
حرکت به سمت اهداف والای انقلاب اسلامی ۶۱
امر به معروف و نهی ازمنکر ۶۱
اقامه ی امر به معروف و نهی از منکر ۶۲
مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن ۶۳
دفاع از فضیلت ها ۶۳
خدمت به محرومان، در قالب اردوهای هجرت ۶۳
ح. ضرورت و اهمیت بسیج ۶۴
بسیج، پدیده ای بسیار مهم، اثرگذار، بابرکت و آینده‌دار ۶۴
دنیای اسلام، محتاج حرکت بسیجی ۶۴
کلید طلائیِ حل بسیاری از مشکلات ۶۵
اساسی ترین کار انقلاب، بر دوش بسیج ۶۵
حضور مداوم در صحنه ۶۵
بسیج مثل هوا و آب، ضروری است ۶۵
حضور در میدان چالش‌های حیاتی و اساسی ۶۶
نیاز کشور به بسیج ۶۶
تضمین آینده ی کشور ۶۷
ایجاد بسیج، از معجزات نظام ۶۷
بسیج، یک ذخیره‌ی تمام‌نشدنی ۶۷
حضور بسیجی، حقیقت مؤثر و کارآمد ۶۷
کارآمدی بسیج، در روز سخت یک ملت ۶۸
پاسداری از هویت ملی و دینی ۶۸
بسیج، محور دفاع از انقلاب ۶۸
بسیج، عامل اقتدار و شکست ناپذیری ملت ایران ۶۹
نقش آفرین در حفظ استقلال، غرور ملی و افتخارات ملی ۶۹
بسیج، عنصر مؤمنِ انقلابیِ علاقه مند به سرنوشت کشور ۶۹

بسیج، مسأله‌ی اساسی و اصولی انقلاب ۷۰
تقویت بسیج، برای آسیب ناپذیری انقلاب ۷۰
بسیج، بهترین مدافع انقلاب و اسلام ۷۰
بسیج، عامل دفاع جانانه از انقلاب واسلام ۷۰
بسیج، عامل شکست ناپذیری و آسیب ناپذیری انقلاب ۷۱
نیاز همیشه نظام جمهوری اسلامی، به بسیج ۷۱
مشابهت بسیج و انقلاب ۷۲
ط. عرصه های مجاهدت و فعالیت بسیج ۷۲
عرصه‌های بی پایان ۷۲
حضور بسیج مثل انقلاب، در همه عرصه ها ۷۳
تنوع عرصه های فعالیت بسیج، تجربه قابل تبعیت برای جهان اسلام ۷۳
عرصه‌های مختلف فعالیت، در میدان عمل ۷۳
تنوع حرفه ها و تخصص ها در بسیج ۷۴
ی. گستره و دایره‌ی بسیج ۷۵
بسیج، یک حقیقت و حرکت گسترده مردمی ۷۵
فراگیر نمودن بسیج، برای تضمین آینده ی کشور ۷۵
نیروی مقاومت بسیج، نماد این نهضت فراگیرِ ملی ۷۵
بسیج دهها میلیونی ۷۶
نیروی مقاومت بسیج، لکوموتیو قطار عظیم بسیجِ ملت ۷۶
فراگیر بودن بسیج، در همه اقشار ملت ۷۷
بسیج، یک حقیقت عظیم، بی مانند و فرا مرزی ۷۷
بسیج، یعنی مردم ۷۸
فراجناحی بودن بسیج ۷۸
گستره رزمندگان بسیجی، در دفاع مقدس ۷۹
فصل دوم: معنویت، معرفت و فرهنگ بسیجی ۸۲
الف. اهمیت و ضرورت رشد معنوی و اخلاقی ۸۲

اهتمام به تقویت معرفت و معنویت ۸۲
تلاش در رشد معنویت و اخلاق ۸۲
مقابله با طمع شیطان ۸۲
تأمین عیار خلوص، در حرکت بسیج ۸۲
مراقبت از محیط بسیج و خود ۸۳
بالا بردن عیار روحیه‌ی و خلوص بسیجی ۸۳
خلوص و معنویت بسیجی ۸۳
ارتباط معنوی با خداوند ۸۳
برخورد برادرانه با مخاطبان ۸۴
آمادگی روحی و فکری ۸۴
توجه به شور و عشق برخاسته از احساس مسؤولیت ۸۴
برداشتن مانع ها و باز کردن گره ها ۸۴
برنامه های جذاب معنوی در مساجد ۸۵
تلاش در جهت رشد معنویت و اخلاق ۸۵
گسترش شعاع نورانیت و معنویت ۸۵
رعایت و حفظ تقوا ۸۵
در برابر دشمنان، مثل بنیان مستحکم ۸۶
معنوی‌تر کردن عناصر بسیجی، جزء کارهای اساسی ۸۶
خصوصیاتی که جوانِ امروز به آن احتیاج دارد ۸۶
ضرورت خودسازی بسیج ۸۶
خودسازی، کار سهل و ممتنعی ۸۷
بسیج، فضای مساعد برای خودسازی ۸۷
دین و ایمان عمیق مردم، عامل پایداری نظام ۸۷
بسیجی، نمونه اخلاق و تواضع ۸۸
تقوا، ایجادکننده صف مستحکم و مرصوص ۸۸
بسیج، سرباز امام زمان و پشتوانه اسلام ۸۸

بسیج، تجلی‌گاه اخلاق عالیه‌ی اسلامی ۸۸
ایجاد فضای معطر بسیجی، با رفتار و گفتار ۸۹
تقویت ارتباط با خدا ۸۹
تعمیق ایمان با عمل صالح ۹۰
حفظ اخلاص و صفا ۹۰
لزوم تقوا و مراقبت از خود ۹۱
الزامات افزایش توانایی‌های مجموعه‌ی بسیج ۹۲
۱. الزامات اخلاقی ۹۲
۲. الزامات رفتاری ۹۲
۳. الزامات عملی ۹۲
پرورش و تقویت روحیه ایثار در بسیج ۹۲
رشد دائمی در بعد معنوی ۹۳
ضرورت میل به معنویت، درفضای عمومی کشور ۹۳
توکل و اعتماد به خدای متعال ۹۴
تغذیه ی معنوی و فکری دایمی ۹۴
تقویت ایمان با عمل ۹۴
اجتناب از تند خویی و خشونت ۹۵
ب. آثار و نقش معنویت و معرفت دینی ۹۵
۱. آثار و نقش معنویت ۹۵
معنویت در موفقیت های میدان نبرد ۹۵
معنویت و سونامی قدرت ۹۵
معجزه معنویت، در همه میدان ها ۹۵
ایجاد صف مستحکم و مرصوص ۹۵
کارامدی بازوی قوی، با دعاست ۹۶
تقوا و جهاد اکبر عامل تقویت روح مبارزه و ایستادگی ۹۶
وصیت نامه‌های رزمندگان، جلوه هایی از معنویت بسیجیان ۹۷

معنویت، عنصری شکست ناپذیر ۹۷
صفا و اخلاص، گره گشای همه کاره ۹۷
اخلاص، رمز موفقیت امام ۹۷
نقش اخلاص در خنثی کردن توطئه های دشمن ۹۸
کارایی اخلاص ۹۸
نقش اتحاد و ایمان در مقابله با مشکلات ۹۸
یاری مخلصانه دین خدا، عامل نصرت الهی ۹۸
حفظ روحیه ایستادگی در مقابل دشمن، نتیجه نور معنویت ۹۹
ایمان و اعتقاد و امید، تشکیل دهنده قدرت واقعی ۹۹
ایمان، عامل ایستادگی و روحیه‌ی سلحشور ۱۰۰
صفا و اخلاص، گره گشای همه کاره ۱۰۰
اخلاص، عامل پیشرفت و نوآوری ۱۰۰
تقویت رابطه با خدا، برای مبارزه با امریکا و ایادی استکباری ۱۰۰
بسیج تضمین کننده انقلاب ۱۰۱
ایجاد روح ایستادگی و مقاومت ۱۰۱
ماندگاری روح انقلابی در نسل جوان ۱۰۱
۲. آثار و نقش معرفت افزایی ۱۰۱
اعتماد به نفس در پیمودن راه ۱۰۱
معرفت و ترسیم راه روشن آینده ۱۰۲
تاثیر در محیط پیرامونی ۱۰۲
دفع شبهه‌ها و رفع آن ها ۱۰۲
مجهز شدن به موضع تهاجمی ۱۰۲
فعالیت‌های سیاسی بر پایه معرفت اسلامی ۱۰۳
اثرگذاری در محیط دانشگاه ۱۰۳
تأثیرگذاری جوانان از نظر ایمان، فکر و انگیزه در محیط خود ۱۰۳
ج. ویژگی ها و شاخص های معنوی و اخلاقی بسیج ۱۰۳

ایمان عاشقانه، رمز درخشش بسیج ۱۰۳
خدامحوری بزرگ ترین امتیاز بسیج ۱۰۴
اخلاص، پایه‌ی اصلی کار بسیجی ۱۰۴
بسیج مظهر همه ارزش های خوب الهی ۱۰۴
بسیجی، متدین و متشرع ۱۰۵
بسیجی سرشار از عاطفه و محبت ۱۰۵
رفتار مهربانانه، بزرگوارانه ۱۰۵
نشاط معنوی و امیدواری ۱۰۶
خردمند، منطقی و استوار ۱۰۷
متخلق به اخلاق اسلامی ۱۰۷
د. راه ها و روش های تعالی معنوی و فکری بسیج ۱۰۷
استفاده از فرصت جوانی برای ایجاد شور معنوی ۱۰۷
برنامه ها، شوق‌آور و اثر گذار و پیوند با مسایل روز ۱۰۸
دستگیری فکری جوانان در برابر شبهات ۱۰۹
تحصیل، تهذیب و ورزش ۱۰۹
بزرگ ترین سرمایه جوان ۱۰۹
تقویت توأمان فکر و عمل ۱۱۰
خودسازی اخلاقی ۱۱۰
تقویت روحیه خدمتگزاری ۱۱۰
تقویت روزبه‌روز ارتباط با خداوند ۱۱۱
دانستن قدر نعمت جوانی در زندگی ۱۱۱
تعمیق معرفت دینی با توسعه طرح ولایت ۱۱۲
تقویت معرفت، کاری اساسی ۱۱۳
توجه به جنبه کاربردی معرفت‌آموزی ۱۱۳
تشکر از بنیانگذاران و اساتید طرح معرفت بسیج ۱۱۳
تلاش و حرکت برخاسته از دانایی ۱۱۴

تقویت ارتباط معنوی با خدا ۱۱۵
استفاده از علمای صاحب فکر در جلسات معنوی ۱۱۵
تشکیل اتاق فکر ۱۱۵
تکیه بر توانایی جوانان مومن و دانشمند ۱۱۶
پرورش انسانِ در تراز شهید چمران ۱۱۶
نقش تربیتی استاد بسیجی ۱۱۶
استفاده از اساتید اخلاق و موعظه گرها ۱۱۹
عمیق شدن ایمان، راه پیشگیری از لغزش ۱۲۰
ایمان قوی واستدلال های محکم ۱۲۰
عمق بخشی به معنویت و باورها ۱۲۰
بهره مندی از افراد خردمند و فاضل ۱۲۱
تربیت معنوی و دینی ۱۲۲
تعمیق معارف دینی و انقلابی ۱۲۲
مطالعه کتاب های شهید مطهری ۱۲۵
بهره مندی از ظرفیت معنوی دوران دفاع مقدس ۱۲۶
مطالعه کتاب های دفاع مقدس ۱۲۶
احساس افتخار به نام شهیدان و حفظ خاطره ها ۱۲۶
بسیج مظهر عشق و ایثار و فداکاری ۱۲۶
تداوم حرکت اردوهای هجرت ۱۲۸
کسب ثبات در عقیده ۱۲۹
عیارسنجی، درالگوی سبک زندگی اسلامی ۱۳۰
تربیت جوانان خوش‌روحیه، آینده نگر ودارای اعتمادبه نفس ۱۳۰
پرورش دانشجوی معتقد و مؤمن به فرهنگ اسلامی ۱۳۰
برطرف کردن نیازهای علمی دانشجو ۱۳۰
ترویج اندیشه سالم ۱۳۱
استفاده هدفمند از فرصت دروس معارف اسلامی ۱۳۱

پرهیز از سیاسی کاری در دانشگاه‌ها ۱۳۲
شفاف سازی و ساماندهی فعالیت های اساتید بسیجی ۱۳۲
اثر گذاری بر محیط پیرامونی ۱۳۳
عمل خالصانه برای خدا ۱۳۳
ایجاد جاذبه در عرصه های فعالیت بسیج ۱۳۳
توأم کردن فکر با عمل ۱۳۴
ه.تلاش در جهت الگو شدن بسیج ۱۳۴
بسیج جهان اسلام، دستورالعملِ زنده و قابل تبعیت ۱۳۴
بسیجیِ، معلم اول جوانان دنیا در عصر جدید ۱۳۵
الگوگیری از بسیج ۱۳۶
بسیجیان امام، الگوی مبارزان در جهان ۱۳۶
بسیج، اسطوره ایستادگی و مقاومت ۱۳۷
بسیج، الگو و نمونه‌ی کاملِ تمدنِ نوینِ اسلامی ۱۳۷
الگو قرار دادن ائمه در زندگی ۱۳۷
و. تناسب هویت بسیج با هویت محرم و عاشورا ۱۳۷
۱. فداکاری و شهادت ۱۳۸
۲.معرفت و بصیرت ۱۳۸
برجستگی های شخصیت امام حسین (ع) ۱۳۸
۱. اخلاص ۱۳۸
۲. اعتماد به خدا ۱۳۸
۳. موقع شناسی ۱۳۹
درس و عبرت گرفتن از حادثه عاشورا ۱۳۹
پیام ها و درس های عاشورا ۱۳۹
عبرت های عاشورا ۱۴۰
عوامل اصلی گمراهی و انحراف عمومی در عصر امام حسین (ع) ۱۴۱
پایه های برپایی نظام اسلامی ۱۴۱

پیامدهای تغییر معیارها و ارزش ها ۱۴۲
ز. فرهنگ و تفکر بسیجی ۱۴۳
بسیج، یک اندیشه و منظومه‌ی فکری ۱۴۳
پایه‌های تفکر بسیج ۱۴۳
۱. اعتقاد به مسئولیت انسان ۱۴۳
۲. بصیرت ۱۴۴
صدور تفکر بسیجی ۱۴۵
شکست ناپذیری جمهوری اسلامی، نتیجه تفکر بسیجی ۱۴۵
تعمیق تفکر اسلامی و تفکر بسیجی ۱۴۶
پایبندی به اصول و تفکرات انقلابیِ اصیل ۱۴۶
رمز بقای معارف و اندیشه‌ی شیعه در طول تاریخ ۱۴۷
۱. سلامت و اصالتِ اندیشه ۱۴۷
۲. عواطف صحیح برخاسته از معرفت درست ۱۴۷
بوستان تفکر معنوی انقلاب ۱۴۸
مبانی تفکرات انقلاب ۱۴۸
ویژگی تفکر انقلاب ۱۴۸
ح. مفهوم شناسی فرهنگ بسیجی ۱۴۹
مجموعه‌ی معرفت ها و روش ها و منش ها ۱۴۹
فرهنگ معنویت و شجاعت و غیرت ۱۵۰
فرهنگ بسیج فراتر از ذهنیت ها ۱۵۰
فرهنگ تابنده، همچون خورشید ۱۵۰
فرهنگ بسیجی، آرزو ی هر یک از آحاد جامعه اسلامی ۱۵۱
فرهنگ فداکاری و دفاع از ولایت ۱۵۱
ط. دشمن و تهاجم به فرهنگی بسیجی ۱۵۱
تمرکز فعالیت دشمن بر تهاجم فرهنگی ۱۵۱
تهاجم فرهنگی یا قتل عام فرهنگی ۱۵۱

حمله‌ی همه‌جانبه‌ی فرهنگی ۱۵۲
هدف تهاجم فرهنگی، متزلزل ساختن پایه های ایمان ۱۵۲
ایجاد تردید نسبت به اندیشه والای اسلامی ۱۵۲
از بین بردن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی ۱۵۳
تخریب چهره های برجسته و موثر ۱۵۳
ویژگی تهاجم معنوی و فرهنگی ۱۵۴
تفاوت تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی ۱۵۴
رضاخان آغازگر تهاجم فرهنگی ۱۵۶
انقلاب اسلامی عامل توقف تهاجم فرهنگی ۱۵۶
آغاز مرحله دوم تهاجم فرهنگی، پس ازانقلاب اسلامی ۱۵۶
فرهنگ دینی عقبه ملت در دوران انقلاب و جنگ ۱۵۷
برنامه ها و روش های تهاجم فرهنگی دشمن ۱۵۸
برنامه‌ریزی برای جدا کردن نسل جوان از انقلاب ۱۵۹
ضرورت استفاده ازعناصرِ مؤمنِ خودی درمقابله با تهاجم دشمن ۱۶۰
ی. هشدارها و انذارهای اخلاقی و معنوی ۱۶۰
پرهیز از آفت های اخلاقی ۱۶۰
بی‌اخلاصی، مشکل ساز ۱۶۲
خودخواهی و خودپرستی پایه همه بدبختی های ملت ها ۱۶۲
تسلیم نشدن در برابر جاذبه های گناه ۱۶۲
پرهیز از رفتار خشونت آمیز ۱۶۳
ضرورت دوری، از جلوه‌های فریبنده مادی ۱۶۳
مسائل اقتصادی و مالی از دام‌های دشمن ۱۶۳
سقوط و بی هویتی انسان، نتیجه انقطاع از خدا و معنویت ۱۶۴
از دست دادن تقوا، عامل فساد جامعه ۱۶۴
فصل سوم: بصیرت و دشمن شناسی ۱۶۸
۱-بصیرت ۱۶۸

الف. مفهوم شناسی بصیرت ۱۶۸
تشخیص خط درگیری با دشمن ۱۶۸
بدانید چه می خواهید ۱۶۸
مفهوم بصیرت بسیجی ۱۶۸
مفهوم شناسی بصیرت و صبر ۱۶۸
بصیرت یعنی فهم قضایا و هدف آن ها ۱۶۹
بصیرت یعنی روشن بینی و آمادگی برای حرکت در راه اسلام ۱۶۹
ب.ضرورت و اهمیت ۱۶۹
اسلام بصیرت را لازم می داند ۱۶۹
لزوم بصیرت، برای تشخیص درست دوست از دشمن ۱۷۰
توصیه اصلی، افزایش بصیرت ۱۷۰
هر گونه حرکت عمومی، به یک بصیرت عمومی احتیاج دارد ۱۷۱
تشخیص درست از طرُق صحیح ۱۷۱
بصیرتی عمار گونه ۱۷۱
رفتار منطقی و عقلائی همراه با بصیرت ۱۷۱
تحلیل درست، حضور هوشیارانه، بانشاط و فعال در صحنه ۱۷۲
ضرورت کسب قدرت تحلیل و تشخیص در شناخت نقشه‌ی دشمن ۱۷۲
فکر و تحلیل و روشن بینی، نیاز اساسی بسیج دانشجویی ۱۷۲
آگاهی های بسیج ۱۷۳
نقش بسیج در مسائل کلان سیاسی ۱۷۴
آگاهی‌های ضروری بسیجی ۱۷۴
ضرورت هوشیاری و بیداری ۱۷۴
ضرورت هوشیاری مضاعف بسیج ۱۷۶
برنامه‌ریزی برای تقویت بصیرت ۱۷۷
بصیرت، شرط لازم موفقیت کامل ۱۷۷
بصیرت، روشنگر فضای فتنه و جنگ نرم ۱۷۷

بصیرت یعنی آگاهی از امروز، دیروز و فردا ۱۷۷
تأثیر بیداری و بصیرت یک ملت در حوادث عالم ۱۷۸
بصیرت یعنی جدایی از عوام زدگی ۱۷۸
شناخت درست حوادث تاریخی انقلاب ۱۷۹
عالم و زمان شناس ۱۷۹
ج. راهکارهای بصیرت افزایی ۱۷۹
بهره مندی از الگوها و عوامل بصیرت بخش ۱۷۹
بصیرت، ویژگی پیامبر و پیروانش ۱۷۹
بصیرت و صبر مهم ترین ویژگی امیرالمؤمنین ۱۸۰
بصیرت افزایی امام حسین (ع) ۱۸۰
تبیین، وظیفه مهم نخبگان و خواص ۱۸۰
خواندن آثار خوب، گفتگو با انسان های مورد اعتماد و پخته ۱۸۱
قران، عامل مهم بصیرت افزایی ۱۸۱
افزایش اخلاص ۱۸۲
د. عرصه ها و محورهای بصیرت افزایی ۱۸۲
معرفت به فلسفه‌ی بسیج ۱۸۲
ضرورت کسب بصیرت در همه حوزه ها ۱۸۳
بصیرت نسبت به اوضاع کنونی و تاریخ معاصر ۱۸۴
بصیرت افزایی در فضای مغشوش ۱۸۴
نقش بصیرت نسبت به تاریخ گذشته کشور ۱۸۵
افزایش بصیرت در شناسایی دشمن ۱۸۵
ه. آثار بصیرت **۱۸۵**
استقلال کشور نتیجه بصیرت و صبر ۱۸۵
خودسازی و بصیرت اساس ایستادگی بسیج ۱۸۶
هوشیاری و آمادگی موجب یأس دشمن ۱۸۶
هوشیاری، خبرویت در میدان سیاسی و فرهنگی ۱۸۶

اراده و بصیرت، کلید پیروزی در جنگ اراده‌ها ۱۸۷
اراده و بصیرت، تعیین‌کننده در رویارویی با دشمن ۱۸۷
بصیرت، کارآمدترین نوع دفاع ۱۸۷
نقش بصیرت، نورافکن، قبله‌نما و قطب نما ۱۸۸
رهبری کارآمد و شایسته، صبر و بصیرت، رمز موفقیت ملت ایران ۱۸۸
بصیرت، عامل کندی تیغ های دشمن ۱۸۹
حضور معنوی و هدایتگر و آرامش بخش در فضای فکری بسیج ۱۸۹
افزایش و عمق بخشی به بصیرت ۱۸۹
بصیرت، یعنی برجسته کردن شاخص ها و نشان دادن معالم الطریق ۱۹۰
بصیرت مردم، موجب ثبات سیاسی مستمر کشور ۱۹۰
آگاهی و تعهد، لازمه حرکت ۱۹۱
و. پیامدهای بی بصیرتی ۱۹۱
عدم بصیرت و صبر، عامل تمام مشکلات بشر ۱۹۱
بصیرت و آمادگی، عامل یأس دشمن ۱۹۲
ضعف تحلیل، عامل همه مشکلات ۱۹۲
از دست رفتن فرصت ها و نعمت ها ۱۹۳
تجربه تلخ بی‌بصیرتی در دوران امیرالمومنین ۱۹۳
عدم توانایی نقش آفرینی در جامعه ۱۹۴
افزایش ضربه پذیری ۱۹۴
گم کردن جهتگیری، بزرگ ترین خطر ۱۹۵
ز. موانع بصیرت ۱۹۵
هوای نفس، مانع بصیرت ۱۹۵
ح. سطوح و لایه های بصیرت ۱۹۶
۱. بصیرت در انتخاب جهان‌بینی ۱۹۶
۲. بصیرت درحوادث گوناگون ۱۹۷
ط. مصادیق و جلوه های بصیرت ۱۹۷

امواج بصیرت و مجاهدت نوزدهم دی ۱۹۷
فهمیدن نیاز و حضور در لحظه‌ی مورد نیاز، اساس کار است ۱۹۸
بصیرت و موقع‌شناسی بی‌نظیر و اعجاب آور ۱۹۹
بصیرت مثال‌زدنی مردم ۲۰۰
مردم در مقابل توطئه بیدارند ۲۰۰
مطمئن به هوشیاری و قدرت تحلیل مردم ۲۰۰
ی. بصیرت شاخص بسیج ۲۰۱
بصیرت و ایمان، معیار بسیج ۲۰۱
بسیج، شاخص بصیرت را برای خود حفظ کرد ۲۰۱
بصیرت، اخلاص، عمل به هنگام، شاخص بسیجیان ۲۰۱
عشق و ایمان، بصیرت و همت، ستون های اصلی اردوهای هجرت ۲۰۲
انقلاب اسلامی، راهی که با بصیرت انتخاب شد ۲۰۲
ک. لغزشگاه‌های بی‌بصیرتی ۲۰۲
بی بصیرتی در فتنه ۸۸ ۲۰۴
ل. دو آفت مهم جهان اسلام ۲۰۵
۱. انقطاع حکومت ها از مردم ۲۰۵
۲. فساد همه‌گیر و تباه کننده به سمت جوانان ۲۰۵
راه حل امام (ره) برای برطرف نمودن دو آفت ۲۰۶
م. مشکلات اصلی دشمنان با نظام مقدس اسلامی ۲۰۷
۱. بی اعتنایی مردم به تهدید و تطمیع دشمن ۲۰۷
۲. ایمان و اعتقادات مردم ۲۰۷
۳. بناهای مستحکم در نظام اسلامی ۲۰۷
رهبری، مهم ترین نقطه قوت کشور ۲۰۸
۲. دشمن شناسی ۲۱۰
الف. ضرورت شناخت دشمن ۲۱۰
دشمن، موجود خیالی و توهمی نیست ۲۱۱

ب. برنامه های امریکا علیه کشور و ملت ۲۱۱
برنامه های امریکا ۲۱۲
نفوذ نقشه‌ی اصلی دشمن در منطقه و کشور ۲۱۳
انواع نفوذ ۲۱۳
۱. نفوذ موردی ۲۱۳
۲. نفوذ جریانی ۲۱۴
جامعه هدف در مسئله نفوذ ۲۱۴
نفوذ از طریق مذاکره ۲۱۵
غبار پراکنی در فضای سیاسی، کار عمده‌ی دشمن در جنگ نرم ۲۱۵
خطوط اصلی کار دشمن در جنگ نرم ۲۱۶
خواسته‌های دشمن درباره جوانان ۲۱۶
ایجاد ناامنی راهکار دشمن ۲۱۶
اهداف دشمن ۲۱۷
سه هدف دشمن ۲۱۷
عوامل مالی، نظامی و تبلیغی، ابزارهای استکباری برای سلطه ۲۱۸
ج. نفاق و منافق، دشمن خطرناک ۲۱۹
همراهی با دشمن، راه شناخت منافق ۲۱۹
تعریف از برخی افراد، برای ایجاد اختلاف ۲۲۰
د. فلسفه دشمنی دشمنان ۲۲۱
ندای توحید و عدالت، فلسفه دشمنی طواغیت با اسلام ۲۲۱
مقابله با اسلام و قران، هدف اصلی دشمن ۲۲۲
ه. دشمنی با بسیج ۲۲۳
بسیجی هدف اصلی دشمن ۲۲۳
بسیج، آرام، مثل یک اقیانوسِ ۲۲۳
راز دشمنی با بسیج ۲۲۳
بسیج خار چشم دشمنان ۲۲۴

دشمنی با بسیج، یعنی دشمنی با مجاهدت و تلاش ۲۲۴
غافلان، همسو با دشمان ۲۲۴
سرویس های جاسوسی، دشمنان بسیج ۲۲۴
مخالفان بسیج ۲۲۵
تضعیف رهبری، نقطه اصلی حمله دشمن ۲۲۵
و. راهکار مقابله با دشمن ۲۲۵
ایمان و بصیرت دشمن حقیقی، سران استکبار ۲۲۵
موضعِ شجاعانه و برجسته نظام جمهوری اسلامی در برابر قدرت ها ۲۲۶
ضرورت هوشیاری بسیجیان در برابر تخریب مخالفان ۲۲۶
تقویت روح حسینی ۲۲۷
توجه به دو امر مهم، هوشیاری و ابزار صحیح تأثیرگذار ۲۲۷
استفاده از روش‌های مؤثر روز در کار علمی ۲۲۷
بسیج و مقابله با نقشه های دشمن ۲۲۷
معیار حرکت دشمنانه در تبلیغات داخلی و خارجی ۲۲۸
مأیوس نمودن دشمن ۲۲۸
هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید ۲۲۹
آسیب شناسی نسبت به نقاط ضعف ۲۲۹
ز. نتایج نهایی دشمنی ها ۲۳۰
شکست امریکا از بسیج در استحاله فرهنگی ۲۳۰
پیش روندگی و غلبه بر چالش ها ۲۳۰
برنامه‌ریزی بلندمدت برای مقابله با توطئه دشمن ۲۳۱
شکست دشمن در تخریب بسیج ۲۳۱
تودهنی محکم خوردن، نتیجه توطئه ها ۲۳۲
ح. هشدارها و انذارها ۲۳۲
مراقبت و مواظبت در تشخیص ها ۲۳۲
مواظب باشید تکمیل کننده ی پازل دشمن نباشید ۲۳۲

پرهیز از تردید افکنی نسبت به مسؤولین ۲۳۳
فصل چهارم: روحیه بسیجی و انقلابی ۲۳۶
الف. مفهوم روحیه بسیجی ۲۳۶
ب. ضرورت و اهمیت حفظ روحیه‌ی بسیجی و انقلابی ۲۳۶
حکمفرما شدن روحیه‌ی بسیجی و انقلابی توأم با آمادگی ۲۳۶
زنده ماندن فضیلت های اصلی انقلاب ۲۳۶
نظام جمهوری اسلامی، متکی به نیروی بسیجی ۲۳۶
توسعه روحیه‌ی بسیجی ۲۳۷
نیاز کشور به روحیه‌ی بسیجی در همه زمینه‌ها ۲۳۷
افزایش دائمی شور انقلابی ۲۳۷
بکاربستن صحیح شور انقلابی ۲۳۷
ج. آثار روحیه‌ی بسیجی ۲۳۸
کسب موفقیت های بزرگ ۲۳۸
از بین رفتن خودپرستی‌ها و ثروت‌اندوزی ها ۲۳۸
عملی نشدن تهدیدهای دشمن ۲۳۸
نقش موثر در حرکت علمیِ اسلامیِ صحیح کشور ۲۳۸
با وجود روحیه بسیجی، امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند ۲۳۹
روحیه‌ی بسیجی، تضمین کننده انقلاب ۲۳۹
روحیه بسیجی همانند شط خروشان و پر برکت ۲۳۹
انجام کارهای بزرگ ۲۳۹
فتح قله‌های اقتدار جهانی با روحیه بسیجی ۲۳۹
پیروزی حتمی و سریع، با همگانی نمودن روحیه بسیجی ۲۴۰
خاصیت جهاد و فداکاری همان خاصیت روحیه بسیجی ۲۴۰
تحقق ناممکن ها با روحیه بسیجی ۲۴۰
د.شاخص های روحیه بسیجی و انقلابی ۲۴۰
۱.خطر پذیری ۲۴۰

حضور داوطلبانه در میدان خطر ۲۴۰
سینه‌ی بسیجی، سپر انقلاب ۲۴۱
روحیه‌ی انقلابی و دینی، رمز خطر پذیری ۲۴۲
به استقبال خطر و شهادت رفتن، رمز پیروزی ها ۲۴۳
حضور در میدان خطر، وجه تمایز انقلابیون ۲۴۳
۲. پیشگامی و پیشتازی ۲۴۳
پیشگامی و جلوداری در روز حادثه ۲۴۴
بسیج، عنصر پیشتاز در دفاع از کشور ۲۴۵
پیشرو در همه میدان های مورد نیاز ۲۴۵
پیشرو در مسایل فکری، فرهنگی، علمی و هنری ۲۴۶
پیشرو و پیشتاز در میدان علم ۲۴۶
تعقل و تعبد، عامل پیشرفت ۲۴۷
پیشرو در همه ابعاد و زمینه ها ۲۴۷
بسیج دانشجویان و اساتید، یک پدیده‌ی پیشرونده و پیشرو ۲۴۸
برداشتن مقررات دست و پا گیر، مقابل پیشرفت ۲۴۸
رو به جلو بودن نظام، با وجود پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین توطئه‌ها ۲۴۸
خدمتگزار وافتخار آفرین برای کشور ۲۴۸
۳. حضور دائم و به هنگام در صحنه ۲۴۹
حاضر در همه میدان ها برای پیشبرد مسائل گوناگون کشور ۲۴۹
حضور، اوّلی‌ترین خصوصیات بسیجی ۲۴۹
هر زمانی نیاز هست، آنجا حاضر باشید ۲۵۰
تکیه به جوانان مؤمن، به عنوان بدنه نظام ۲۵۰
تنوع عرصه‌های حضور بسیج ۲۵۰
عرصه های حضور بسیج ۲۵۱
حضور در صحنه های مورد نیاز اسلام و نظام ۲۵۱
عرصه‌ی علم و تحصیل دانش ۲۵۱

حاضر و با گذشت و آماده برای هر میدان ۲۵۱
حضور در میدان های ارزش های دینی و انقلابی ۲۵۲
حضور بسیجی از برکات انقلاب و نشانه نَفَس حق امام بزرگوار ۲۵۲
گستره‌ی حضور بسیج ۲۵۳
حضور در میدان چالش های حیاتی و اساسی ۲۵۳
خصوصیات حضور بسیجی ۲۵۴
نورانیت حضور بسیجی ۲۵۴
بسیج، به معنی حضور و آمادگی ۲۵۴
حضور اساتید، بعنوان فرمانده در وسط میدان مبارزه ۲۵۵
آثار حضور بسیج ۲۵۵
پیشرفت های کشور، نتیجه حضور بسیج ۲۵۵
حضور بسیجی، موجب پیروزی انقلاب ۲۵۵
حضور در صحنه، موجب مرعوب شدن دشمن ۲۵۶
روحیه‌ی بسیجی، عامل شکست توطئه دشمن ۲۵۶
حضور، رمز اقتدار کشور ۲۵۶
روحیه‌ی انقلابی و دینی، رمز خطر پذیری ۲۵۶
٤.پا به رکاب بودن ۲۵۷
آماده در پای انجام تکلیف ۲۵۷
حفظ روحیه‌ی حضور در انتخابات ۲۵۷
٥.توانمندی و کارآمدی ۲۵۸
کارامدی بسیج، در همه میدان ها ۲۵۸
بسیج، یعنی نیروی کارآمد ۲۵۸
توانمندی در همه میدان ها ۲۵۹
حفظ ایمان و روحیه‌ی سلحشوری ۲۵۹
٦.آمادگی کامل و همه جانبه ۲۵۹
دفاع از نظام، اولین، مقدس ترین و واجب ترین فرایض ۲۵۹

دفاع از جامعه‌ی انقلابی، همیشه یک واجب اهم و ضروری ۲۵۹
ضرورت آمادگی معنوی و فکری ۲۶۰
ضرورت ایفای نقش تاریخی نسل جوانِ، در همه ی امتحان های دشوار ۲۶۰
آمادگی و هوشیاری دائمی ۲۶۰
آمادگی و حضور دایمی انتظار امام از بسیج ۲۶۱
آمادگی برای دفاع از انقلاب ۲۶۱
حفظ آمادگی صددرصد ۲۶۱
آماده مقابله با هر گونه اقدام خشن دشمن ۲۶۱
حفظ آمادگی ها توسط فرزندان بسیجی‌ام ۲۶۲
آمادگی و به روز بودن در همه عرصه ها ۲۶۲
بسیج، یکی از ارکان آمادگی ۲۶۲
توانائی جسمانی، برای مردان اهل معنا ۲۶۲
شکست ناپذیری، نتیجه آمادگی همگانی ۲۶۳
استکبار زنده است، پس خطر زنده است ۲۶۳
سازماندهی بسیج ۲۶۳
تلاش برای حضور قوی و سازمان یافته بسیج ۲۶۳
عدم کارایی ایمان، بدون نظم ۲۶۳
پایبندی به قوانین و مقررات ۲۶۴
ضرورت سازماندهی کارآمد ۲۶۴
توجه به تعمیق فکر و بصیرت در سازماندهی‌ها ۲۶۴
ضرورت گسترش سازماندهی بسیج ۲۶۵
ساماندهی عاقلانه و مدبرانه اساتید بسیجی ۲۶۵
فلسفه سازماندهی، ایجاد آمادگی ۲۶۵
۷.عزم و اراده و ایستادگی ۲۶۶
ایستادگی برای دفاع از آرمان ها ۲۶۶
راه های دست یافتن به آرزوهای بزرگ ملی ۲۶۶

راه انقلاب، محتاج عزم، ایمان و ثبات قدم ۲۶۷
شاخص انقلابی بودن، حفظ رابطه، عمل و پیوستگی خود با انقلاب ۲۶۷
رحمت و برکت خداوند، نتیجه استقامت ۲۶۷
پیروزی و نصرت الهی، نتیجه ایستادگی ۲۶۸
عوامل تقویت عزم و اراده ۲۶۸
لزوم ایستادگی در راه بسیجی ماندن ۲۶۸
لزوم پیروزی عزم و اراده‌ی ما، بر عزم دشمن ۲۶۸
ایستادگی در مقابل تهاجم های گوناگون ۲۶۹
تحقق معجزه‌انقلاب با اقدام، عمل، اراده و ایستادگی ۲۶۹
جبران عقب ماندگی با نیروی اراده و ایمان ۲۷۰
ایران در مرکز فرماندهی جبهه جنگ اراده ها در دنیا ۲۷۰
نهایت ایستادگی، نصرت الهی ۲۷۰
۸.مجاهدت وفداکاری ۲۷۱
مکتب بسیج، مکتب جهاد و شهادت ۲۷۱
جهاد و شهادت، دو فصل بزرگ حرکت بسیجی ۲۷۱
حضور بسیج، درهمه ی میدان های مجاهدت ۲۷۲
ارزش و آثار جهاد ۲۷۲
جایگاه و مقام مجاهدان ۲۷۲
امامان، الگوی جهاد و مبارزه ۲۷۳
مجاهدان، طبقه برگزیده نظام ۲۷۳
لزوم مجاهدت، برای برافراشته ماندن پرچم حق ۲۷۳
گستره و عرصه جهاد ۲۷۴
ضرورت حضور حزب‌اللهی در صحنه امر به معروف و نهی از منکر ۲۷۴
حضور حزب‌اللهی باید برجسته باشد ۲۷۵
جهاد علمی، نیاز بسیج دانشجویی ۲۷۵
سازندگی یک جهاد فی سبیل‌اللّه ۲۷۵

بسیج عرصه‌ی جهاد، نه قتال ۲۷۶
تلاش و سرزندگی، عامل قدرت و عزت ۲۷۶
ایمان حقیقی، ایمانی همراه با جهاد در میدان عمل ۲۷۶
جهاد اسلام برای دریدن پرده‌های استعماری و استکباری ۲۷۷
تولید علم، جهاد می خواهد ۲۷۷
سرمایه امروز کشور، نتیجه مجاهدت های جوانان ۲۷۸
دو چالش، دو مجاهدت ۲۷۸
دوری از فرهنگ جهاد، خسارت است ۲۷۸
عناصر تجدد و نوگراییِ حقیقی ۲۷۹
ارتقای علمی و عملی و اخلاقی، جهادی بزرگ ۲۷۹
۹.آرمان‌خواهی ۲۸۰
آرمان‌خواهی، اولین فریضه ۲۸۰
مهم ترین آرمان ها ۲۸۰
همه آماده حرکت به‌سمت اهداف و آرمان های اسلامی ۲۸۱
آرمان خواهی بسیج ۲۸۱
نحوه پیگیری آرمان ها ۲۸۱
چمران‌ها به نحو قاعده، فرآورده دانشگاه باشند ۲۸۲
ساخت یک کشور نمونه ۲۸۲
آرمان‌های انقلاب، مرهون نیرو و نشاط و جسارت جوانی ۲۸۳
وظیفه بزرگ، پرچمداری از عدالت و معنویت ۲۸۳
۱۰.استکبارستیزی ۲۸۴
شناخت استکبار ۲۸۴
شناخت نظام سلطه با تمام ابعاد و لایه‌هایش ۲۸۴
استکبار ستیزی، مبنای انقلاب ۲۸۴
امریکا مظهر استکبار ۲۸۵
تقابل حرکت استکباری و حرکت ارزشی ۲۸۶

تعطیل ناپذیر بودن مبارزه‌ی با نظام سلطه ۲۸۶
مبارزه‌ی با استکبار، یک حرکت معقول و منطقی ۲۸۶
آمریکا از ابلیس هم بدتر ۲۸۷
استکبار دشمن اصلی و آمریکا نماد آن است ۲۸۸
معنای نظام سلطه ۲۸۸
اهداف استکباری ۲۸۹
دشمنی ها و خصومت ها، دلیلِ زنده بودن انقلاب ۲۸۹
۱۱.نشاط و امیدواری ۲۸۹
شکر الهی برای نشاط جوانان ۲۹۰
احساس حیات و نشاط در بسیج ۲۹۰
نیرو و نشاط و جسارت جوانی، عامل تحقق آرمان ها ۲۹۰
امید به آینده و چشم انداز زیبا ۲۹۰
افق های روشن و پاک ۲۹۱
امید به وعده و نصرت الهی ۲۹۱
حفظ شور و نشاط ۲۹۲
نشاط جوانی و میل حرکت به جلو، مثل تیری به چشم دشمن ۲۹۲
توقع ازجوانان ۲۹۲
ه. الزامات عنصر مومن و انقلابی ۲۹۳
تقوا در اندیشه و عمل ۲۹۳
سینه سپربودن (جوانان) برای انقلاب ۲۹۳
متعهد و مسئولیت پذیر در برابر سرنوشت ملت ۲۹۳
دارای روحیه استکبارستیزی ۲۹۳
میانه‌روی و تقوا در رفتار سیاسی ۲۹۴
اثرگذار فکری و روانی بر روی محیط ۲۹۴
آگاه به تاریخ معاصر کشور ۲۹۴
در ک پیچیدگی های زمانه، همراه باشور انقلابی ۲۹۴

رفاقت و صمیمیت با برادران معتقد به ارزش‌های انقلاب ۲۹۵
حفظ نیروی جوانی برای مقابله با دشمن ۲۹۵
گسترش کار فرهنگی ۲۹۵
صراحت داشتن در اتخاذ مواضع انقلابی ۲۹۵
مراعات رفتار اسلامی و قانون ۲۹۶
آسیب شناسی و آفت زدایی ۲۹۶
آثار وبرکات روحیه انقلابی ۲۹۶
پیشرفت های گوناگون در بخش های مختلف ۲۹۶
دفاع از کشور، در هنگام خطر ۲۹۷
استحکام و تقویت درونی ۲۹۷
و. شناخت مسائل انقلاب ۲۹۷
فلسفه انقلاب ۲۹۷
انقلاب عامل تحول عمیق در ملت ۲۹۸
نقش اسلام در تربیت جوانان مومن و معنوی ۲۹۸
کار امام با جوانان، مانند کار پیامبر در صدر اسلام ۲۹۹
ایجاد تحول در ارزش های جوانان ۲۹۹
تغییر تاریخ و باز کردن راه جدید در مقابل بشر ۳۰۱
حذف دیوارهای بین اقشار ملت ۳۰۱
شکوفا نمودن استعدادهای ملی ۳۰۱
عزت و اقتدار بخشیدن به ملت و کشور ۳۰۲
عشق و ایمان، همت و بصیرت، ارمغان انقلاب به مردم ۳۰۲
تداوم و جوشش انقلاب، مثل آتشفشان ۳۰۲
امام نماد رهبر الهی و بیدارگر بزرگ انقلاب ۳۰۳
انقلاب حقیقتی خدائی و متکی به ایمان ها ۳۰۳
جوان ها موتورهای قویِ پیشبرنده انقلاب ۳۰۴
جنگ، همچون کوره ای جوانان را آبدیده کرد ۳۰۴

نظام اسلامی، نظام عدالت، خدمتگزاری و اخوت ۳۰۵
دشمنی با اسلام انقلابی و اسلام امام ۳۰۶
ریزش ها نشانه تمام شدن ذخیره معنوی بعضی ها ۳۰۶
شکست، سرنوشت همه دشمنان انقلاب و امام ۳۰۷
ز. هشدارها و انذارها ۳۰۷
هوشیاری و پرهیز از محافظه کاری ۳۰۷
پرهیز ازتنبلی و تن آسایی ۳۰۷
متانت در حضور انقلابی به جای فریاد کشی ۳۰۷
بی‌اعتنایی به جوانان مؤمن و انقلابی ۳۰۸
منزوی نمودن مجموعه‌های مؤمن ۳۰۸
پرهیز از تکفیر و اتهام ۳۰۹
پرهیز از افراط و تفریط ۳۰۹
مراقب بودن از ورود عناصر نفوذی ۳۱۰
پرهیز از ظلم و تعدی ۳۱۰
لزوم رفتار منطقی و عقلائی در هنگام اعتراض ۳۱۱
گزینش افراد باصلاحیت، پرهیز از نفوذی ها ۳۱۱
پرهیز از انشعاب و انشقاق و دو دسته شدن ۳۱۱
اتحاد و یکپارچگی در درون و نیز تزریق اتحاد به مجموعه‌ی جامعه ۳۱۱
فصل پنجم: وظایف سازمان ها نسبت به بسیج ۳۱۴
قدرشناسی از بسیج ۳۱۴
بسیج تشکل و تجمع الهی ۳۱۴
بسیج، عزیز و گرامی ۳۱۴
استفاده و قدر شناسی از اردوهای هجرت ۳۱۴
حضور برجسته عناصر حزب‌اللهی در دستگاه های اجرایی کشور ۳۱۴
دولت و مسؤولان هم باید بسیجی باشند ۳۱۵
قدردانی از عناصر مؤمن و انقلابی در هیئت های علمی ۳۱۵

جدی گرفتن بسیج توسط همه ۳۱۶
باز کردن میدان برای تلاش و پیشرفت اساتید جوان و مومن ۳۱۶
محافظت از بسیج در برابر اغواگریی دشمن ۳۱۷
تعلیم مسایل مورد نیاز و ایجاد فرصت شغلی ۳۱۷
استفاده از نیروهای کارآمد بسیجی در میدان سازندگی ۳۱۷
سازماندهی و تغذیه‌ی فکری خوب ۳۱۷
تجهیز و آماده‌سازی و ایجاد ترتیبات برای بسیج ۳۱۷
بسیج، بالاترین مأموریت سپاه ۳۱۸
الگو شدن برای همه جوانان بسیجی ۳۱۸
وظیفه همگان، دست گیری معنوی از جوانان نوخاسته‌ی کشور ۳۱۸
ارتقاء نگرش مسئولین نیروی مقاومت بسیج، نسبت به بسیج ۳۱۹
نیروی مقاومت بسیج، الهام‌بخش بسیج در همه حوزه‌ها ۳۱۹
برنامه‌ریزی صحیح برای جذب و سازمان‌دهی بسیجیان ۳۱۹
توصیه‌های مهم برای جذب و سازمان‌دهی و گسترش بسیج ۳۲۰
گسترش و سازمان‌دهی بسیج ۳۲۱
استحکام ساخت بسیج ۳۲۱

منابع و مآخذ:

پیام به چهارمین سالروز تشکیل بسیج مستضعفان ۱۳۶۲/۹/۴
بیانات درمراسم بیعت دانشجویان ۲۳/ ۰۳/ ۱۳۶۸
سخنرانی در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۱۳۶۸/۴/۶
بیانات در دیدار با اساتید و طلاب مشهد ۱۳۶۸/۴/۲۰
بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۷/۵
بیانات مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۶۸/۸/۲۹
پیام به گردهمائی فرماندهان ارتش بیست میلیونی ۱۳۶۸/۹/۲
بیانات در دیدار جمعی از رزمندگان بسیجی نمونه‌ی سراسر کشور ۱۳۶۸/۹/۵
بیانات در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان، ۱۳۶۹/۵/۲۴
بیانات در دیدار فرماندهان و رؤسای دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه ۱۳۶۹/۶/۲۹
بیانات در دیدار فرماندهان نیروی مقاومت بسیج ۱۳۶۹/۹/۱
بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی(ع) ۱۳۶۹/۹/۵
بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورخه ۱۳۶۹/۹/۷
سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۷۰/۱/۲۶
بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۰/۳/۳
پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۰/۳/۱۳
پیام به گردهمایی فرماندهان سپاه ۱۳۷۰/۶/۲۵
بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه۲۷/۶/۷۰
سخنرانی در دیدار بسیجیان و گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان ۱۳۷۰/۷/۳
سخنرانی در دیدار با فرماندهان بسیج و جمعی از دانشجویان و طلاب بسیجی ۱۳۷۰/۸/۳۰
بیانات در دیدار با مردم بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱
بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۰/۱۲/۱
بیانات در دیدار فرماندهان گردانهای عاشورا ۱۳۷۱/۴/۲۴
بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۱/۵/۷
بیانات درجمعی ازکارگزاران فرهنگی ۲۱/ ۰۵/ ۱۳۷۱

بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷
پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۷۲/۲/۲۸
بیانات در جمع بزرگ بسیجیان تبریز ۱۳۷۲/۵/۸
بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۲/۸/۳۰
بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۲/۹/۸
بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۳/۷/۱۴
بیانات در روز ملّی مبارزه با استکبار ۱۳۷۳/۸/۱۱
از بیانات در دیدار با مدّاحان به مناسبت ولادت حضرت زهرا (س) ۱۳۷۳/۹/۳
بیانات دردیدار فرماندهان و پرسنل سپاه و بسیج مازندران ۱۳۷۴/۷/۲۴
بیانات در دیدار جمعی ار بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۴/۹/۸
بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۱۳۷۴/۸/۱۰
بیانات در جمع نیروهای شرکت کننده در مانور بزرگ ولایت ۱۳۷۵/۳/۳
بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسولالله(ص) ۱۳۷۵/۳/۲۰
بیانات در دیدار با شورای عالی سیاستگذاری طرح ولایت۲۰ /۶/۱۳۷۵
بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۵/۸/۶
بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰
بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور طریق‌القدس ۱۳۷۶/۲/۳
بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان سپاه در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۱۳
بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۷۶/۸/۱۴
بیانات مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵
بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران ۱۳۷۶/۱۱/۱۱
بیانات در جمع رزمندگان و بسیجیان بندرعباس ۱۳۷۶/۱۱/۳۰
بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از مبلغان دینی ۱۳۷۷/۲/۲
بیانات در دیدار با هزاران تن از دانشجویان، هنرمندان و نخبگان المپیادها ۱۳۷۷/۲/۷
بیانات رهبر انقلاب درجلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۲/۲۲
بیانات در جمع سپاهیان و بسیجیان لشکر ۱۰ سیدالشهداء ۱۳۷۷/۷/۲۶

بیانات در دیدار دانشجویان و دانش آموزان ۱۳۷۷/۸/۱۲
بیانات در دیدار جمعی از پاسداران و بسیجیان۲/۹/۱۳۷۷
بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۷۷/۹/۲۵
بیانات در جمع دانش آموختگان طرح ولایت ۱۳۷۷/۹/۲۷
بیانات در دیدار با تشکلهای مختلف دانشجویی ۱۳۷۷/۱۰/۲۴
بیانات در دیدار با جوانان ۱۳۷۷/۱۱/۱۳
پیام به ملت شریف ایران در باره فتنه سال ۷۸، ۱۳۷۸/۴/۲۲
بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۴/۲۱
بیانات دردیدارجمعی از سپاهیان وبسیجیان درمشهد ۱۳۷۸/۶/۱۰
بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۸/۶/۱۳
پیام به نهمین نشست سالیانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل۳/۶/۱۳۷۸
بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۸/۹/۳
بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه و بسیج۱۷/۲/۱۳۷۹
بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۶
بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳۷۹/۶/۱۰
بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه ۲۰/۶/ ۷۹
سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی یاران امام علی(ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹
بیانات در دیدار با فرماندهان و بسیجیان نمونه، آذر۱۳۷۹
بیانات رهبر انقلاب در اجتماع بزرگ مردم اراک، ۱۳۷۹/۸/۲۴
بیانات درجمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۰۹/ ۱۲/ ۱۳۷۹
بیانات در دیدار با جمعی از اعضای تشکل بسیج دانشجویی ۱۳۷۹/۱۱/۲۴
بیانات مقام معظم رهبری در میدان با جوانان ۱۳۸۰/۲/۱۲
بیانات در دیدار بسیجیان و پرسنل سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶
بیانات در دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶
بیانات در دیدار با اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸
بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی – فرهنگی علویّون ۱۳۸۰/۸/۲۱

بیانات در دیدار با بسیجیان استان اصفهان، آبان ۱۳۸۰
بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۱/۵/۱۷
بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۸۱/۸/۱۳
بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۱/۱۱/۲۸
بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان اهواز ۱۳۸۲/۵/۸
بیانات در جمع دانش آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۲/۶/۱۳
بیانات دراجتماع بسیجیان وسپاهیان لشکر ۲۵ کربلا، ۱۳۸۲/۶/۲۹
بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج با رهبر انقلاب. ۱۳۸۲/۹/۹
بیانات در اجتماع بزرگ مردم قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۵
بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۳/۸/۲۴
بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۶
بیانات مقام معظم رهبری ، ۱۳۸۴/۲/۱۸
بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان۱۹/۲/۱۳۸۴
بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی۱۳۸۴/۰۳/۰۵
بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج ۱۳۸۴/۶/۲
بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور ۳۸۴/۹/۷
بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السّلام) ۱۳۸۴/۱۰/۲۹
بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها۳۱/۲/۱۳۸۶
بیانات در دیدار گردانهای نمونه عاشورا و الزهرای بسیج ۱۳۸۶/۹/۵
بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۴
بیانات درمراسم نوزدهمین سالگردا رتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴
دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم (ص) ۱۳۸۷/۵/۹
پیام به کنگره اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان ۱۳۸۷/۵/۱۰
بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی۹/۸/۱۳۸۶
بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۳
بیانات در دیدار جمعی از شعرا ۱۳۸۸/۶/۱۴

انتصاب سردار محمدرضا نقدی به ریاست سازمان بسیج مستضعفین۱۲/۷/۸۸
بیانات در دیدار با مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۷/۱۵
بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴
بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ۱۳۸۸/۹/۲۲
بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام نوزده دی ماه ۱۹/۱۰/۱۳۸۸
دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۱۸
دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۸۸/۱۰/۲۹
بیانات در دیدار مردم مازندران به مناسبت سالگرد حماسه۶ بهمن ۶/۱۱/۱۳۸۸
بیانات در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲
بیانات درحرم امام خمینی (ره) ۱۳۸۹/۳/۱۴
بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲
بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰
بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱
بیانات دردیدار طلاب،فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹
بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲
بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴
بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴
بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲
بیانات رهبر انقلاب در دیدار اقشار نمونه ی بسیج سراسر کشور ۱۳۹۰/۹/۶
بیانات در دیدار با مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹دی ۱۳۹۰/۱۰/۱۹
بیانات در دیدار مردم آذربایجان ۱۳۹۰/۱۱/۲۶
بیانات مقام معظم رهبری در حرم رضوی ۱۳۹۱/۱/۱
بیانات در اجتماع مردم بجنورد ۱۳۹۱/۷/۱۹
بیانات در اجتماع مردم اسفراین ۱۳۹۱/۷/۲۲
بیانات در اجتماع مردم شیروان ۱۳۹۱/۷/۲۴
بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۴

بیانات رهبر انقلاب در دیدار بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی صالحین ۱۳۹۱/۹/۱
بیانات در دیدار با مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹دی ۱۳۹۰/۱۰/۱۹
بیانات دردیداردانشجویان، ۱۲۹۲/۵/۶
بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۸/۲۹
بیانات مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۱۵
پیام شفاهی رهبرانقلاب به تشکل‌های دانشجویی انقلابی ۱۳۹۲/۱۱/۲۳
بیانات درحرم مطهررضوی ۱۳۹۳/۱/۱
بیانات در یادمان شهدای شرق کارون ۱۳۹۳/۱/۶
بیانات در دیدار مردم استان ایلام ۱۳۹۳/۲/۲۳
بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۴/۱۱
بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶
بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶
بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۱/۱
بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام ۱۳۹۴/۱/۲۰
بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از شهدای استان تهران ۱۳۹۴/۴/۶
بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۳۹۴/۴/۱۳
بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰
بیانات مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۹۴/۵/۲۶
بیانات مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۹۴/۶/۱۲
بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۴/۶/۱۸
بیانات مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۹۴/۷/۲۲
بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استان چهارمحال و بختیاری ۱۳۹۴/۷/۱۳
بیانات در روزملّی مبارزه بااستکبارجهانی ۱۳۹۴/۸/۱۲
بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۴/۹/۴
حدیث ولایت ج۸، ص ۱۹۹
حدیث ولایت ج۹، ص ۱۷۵
مجله رویدادها و تحلیل ، شماره ۱۱۱